

۱۸۶

فرهنگ بزرگ گیتاشناسی

(اصطلاحات جغرافیائی)

فارسی بفارسی
فارسی به انگلیسی
انگلیسی بفارسی

گردآوری و ترجمه : مهندس عباس جعفری



طرح،تهیه ونشر از :
"گیتاشناسی"



۱۸۶

فرهنگ بزرگ گیتاشناسی

(اصطلاحات جغرافیائی)

فارسی بفارسی - فارسی به انگلیسی - انگلیسی بفارسی

گردآوری و ترجمه:

مهندس عباس جعفری

انتشارات: "گیتاشناسی"

جعفری، عباس، ۱۳۱۲ -
فرهنگ بزرگ گیتاشناسی (اصطلاحات جغرافیائی) : فارسی به فارسی، فارسی به انگلیسی، انگلیسی به فارسی/ گردآوری و ترجمه عباس جعفری.— تهران: موسسه گیتاشناسی، ۱۳۶۶.
۴۰۸ ص.: مصور (بخشی رنگی). نقشه. جدول. نمودار.— (موسسه گیتاشناسی؛ ۱۸۶)
۲۰۰۰۰ ریال.
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
پشت جلد به‌انگلیسی:
A. Jafari
Farhang-e-bozorg-e Gitashenassi: a dictionary of geography ...
کتابنامه: ص. ۴۰۵ - ۴۰۸.
چاپ چهارم: ۱۳۷۹.
ISBN 964-6241-08-5: ۲۵۰۰۰ ریال
۱.جغرافیا -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی. ۲.فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی. ۳.زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی. الف.عنوان.
1.English language - Dictionaries - Persian.

۹۱۰/۳ G۱۰۸/۴ف۶۵ج

کتابخانه‌ملی‌ایران ۷۲/۴۹۳-۶۶م



طرح، تهیه، لیتوگرافی و چاپ از:
موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی

تهران: خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه ولی‌عصر، جنب پارک دانشجو، خیابان رازی، خیابان استاد شهریار، شماره ۱۵، کد پستی: ۱۱۳۳۷ صندوق‌پستی: ۳۴۴۱ - ۱۴۱۵۵
تلفن:۶۷۱۳۶۰۳ - ۶۷۰۹۳۳۵ - ۶۷۰۳۴۶۰ - ۶۷۰۳۲۲۱ فاکس: ۶۷۰۵۷۸۲ -۰۲۱

* فرهنگ بزرگ گیتاشناسی (اصطلاحات جغرافیائی)
* گردآوری و ترجمه: مهندس عباس جعفری
* چاپ چهارم: ۱۳۷۹
* چاپ: چاپخانهٔ امیر
* صحافی: هامون
* تیراژ: ۳،۰۰۰ جلد

شابک ۵-۰۸-۶۲۴۱-۹۶۴

ISBN 964 - 6241 - 08 - 5

فرهنگ
بزرگ
گیتاشناسی

راهنمای تلفظ واژه‌های فارسی

برای سهولت در تلفظ پاره‌ای واژه‌های فارسی از الفبائی با حروف لاتین ایتالیک به شرح زیر کمک گرفته شده است.

الف: تلفظ حرفهای صدادار

۱ــ a ، A (فتحه ــ صدای اَ) مانند: ابر (*Abr*) ــ عدسی (*Adasi*).

۲ــ ā ، Ā (صدای آ) مانند: آبادی (*Ābādi*) ــ عالم (*Ālam*).

۳ــ e ، E (کسره ــ صدای اِ) مانند: امروز (*Emruz*) ــ عراق (*Erāq*).

۴ــ i ، I (صدای ای) مانند: ایل (*Il*) ــ سعیر آتشفشانی (*Sa'ir-e-ātashfeshāni*).

۵ــ o ، O (ضمه ــ صدای اُ) مانند: امید (*Ommid*) ــ عطارد (*Otāred*).

۶ــ u ، U (صدای او) مانند: رودخانه (*Rudkhāneh*) ــ روباره (*Rubāreh*).

۷ــ ow ، OW (صدای او کشیده) مانند: اوج (*Owj*).

ب: تلفظ حرفهای بی صدا

حرف	علامت
ب	*B, b*
پ	*P, p*
ت ، ط	*T, t*
ث ، س ، ص	*S, s*
ج	*J, j*
چ	*Ch, ch*
ح ، هـ ، ه	*H, h*
خ	*Kh, kh*
د	*D, d*
ذ ، ز ، ض ، ظ	*Z, z*
ر	*R, r*

حرف	علامت
ژ	Zh, zh
ش	Sh, sh
غ	Gh, gh
ف	F, f
ق	Q, q
ک	K, k
گ	G, g
ل	L, l
م	M, m
ن	N, n
و	V, v
ی	Y, y

پ: حروف مشدد در تلفظ واژه‌های این فرهنگ دو بار تکرار گردیده‌اند، مانند: سکو (*Sakku*) و دق (*Daqq*).

ت: همزه به صورت (’) مانند: وابفرسائی (*Vābfarsā’i*).

ث: علامت ← برای ارجاع (رجوع شود به).

ج: واژه‌هائی که در مقابل آنها داخل پرانتز حروف ایتالیک کامل چاپ گردیده‌است برای تلفظ کامل در نظر گرفته شده، به دلیل تکراری بودن واژه‌ها در بعضی موارد مانند: بادها، چرخه‌ها و غیره در ابتدای حروف باد و یا چرخه به صورت کامل پیش‌بینی شده و درادامه آن از حروف مخفف استفاده شده این عمل به منظور جلوگیری از تکرار حروف و یکنواخت بودن واژه‌ها انجام شده است.

مثال:

بادرفت (*Bād - roft*)، باد روبش (*B -rubesh*)، بادهای چهلگان (*B-hā-ye-chehelgān*).

چرخه (*Charkheh*)، چرخه زائی (*Ch-zā’i*)، چرخه مدارگانی (*Ch-ye-madārgāni*).

بنام‌خدا

پیشگفتار

با درود
به روان پاک
شـــادروانـــان
استاد حسین گل گلاب و
دکتر لطف الله مفخم پایان

استقبال جوامع فرهنگی وگروههای دانشگاهی از فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی، موسسه گیتاشناسی را بر آن داشت تا در صدد تهیه فرهنگ بزرگتر و مناسب‌تری‌که حتی‌الامکان جوابگوی نیازهای جامعه فرهنگی ایران باشد، برآید.

برای نیل به این مقصود، کتابها و فرهنگ‌های چندی مورد بررسی قرار گرفت تا فرهنگ جدید در قالبی قابل پذیرش و فرمی متناسب با نیازهای روز به فرهنگ دوستان تقدیم گردد و سعی بر آن باشد تا حتی‌الامکان با زبانی ساده و گویا با دانش‌آموزان و دانشجویان ارتباط برقرار نماید.

نخست فرهنگ انگلیسی A Dictionary of Geography نوشته F.J.Monkhouse به عنوان نمونه انتخاب شد و حدود یک سال مورد بررسی و مشورت قرار گرفت.

از آنجائیکه فرهنگ فوق بر پایه نیاز جامعه انگلیسی زبان و اصطلاحات متداول و متعارف در زبان انگلیسی تهیه گردیده بود و با خواسته‌های روز فارسی زبانان مطابقت نمی‌کرد، لذا مسیر کار از قالب فرهنگ مزبور به کلی جدا گردید و تمام تلاش در زمینه تدوین فرهنگی مستقل و ایرانی مصروف شد.

گرینش خط مشی جدید موسسه گیتاشناسی بویژه موءلف ویا به عبارت صحیح‌تر گردآورنده‌را وادار ساخت تا با بررسی کتابهای گوناگون وبهره‌گیری از دائرةالمعارف‌ها و واژه‌نامه‌های بسیار چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی (که فهرست مآخذ دال بر این مدعاست) فرهنگی هر چه جامع‌تر به‌پژوهشگران و دانش‌دوستان تقدیم

نماید و برای نیل به این هدف بیش از ۴ سال صرف وقت نماید . در این جا لازم می داند ، به آن دسته از کتابها ومدارکی چون دائرةالمعارف فارسی ، فرهنگ معین ، فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی و فرهنگ جغرافیائی که بیش از همه مورد بهره برداری بوده اند اشاره کند و از ناشران و موءلفان آن صمیمانه پوزش خواسته و سپاسگزار باشد . از آنجائیکه واژه ها و اصطلاحات فضائی و نجومی متناسب با دگرگونی ها و تحولات شگرف و روز افزون این علوم همواره در تغییر و تکامل می باشند ، لذا آخرین مدرک یعنی کتاب The Atlas of the Solar System نوشته Patrick Moore چاپ سال ۱۹۸۴ ملاک عمل قرار گرفت و ویژگی ها و ارقام به خصوص در زمینه ابعاد و شمار اقمار سیارات منظومه خورشیدی بر اساس آن تنظیم شد و اخبار واصله از خبرگزاریها در زمینه کشف اقمار جدید سیاره اورانوس نیز مکمل آن بوده است.

بطوریکه ملاحظه می فرمائید ، متن کتاب ، فرهنگی است فارسی به فارسی که با واژه های برابر و مترادف انگلیسی تکمیل گردیده و با منظور نمودن واژه نامه انگلیسی به فارسی بر کاربرد آن افزوده شده است .

برای تلفظ آن دسته از واژه های فارسی که احتمالا "ابهاماتی را برای خوانندگان ایجاد خواهد کرد ، از الفبای لاتین استفاده شده که در راهنمای تلفظ واژه های فارسی ملاحظه خواهید فرمود .

امید است مجموعه تقدیمی بخشی از خلاء نیازهای علمی و جغرافیائی زبان فارسی را پر نموده و به عنوان مقدمه ای برای تدوین فرهنگ های کامل تر و جامع تر تلقی گردد .

از متخصصین ، پژوهشگران و علاقمندانی که زحمت بررسی و تعمق در این فرهنگ را بر خود هموار می سازند تقاضا دارد با ارائه نظرات ، انتقادات و پیشنهادهای خویش ، چه در مورد واژه ها و اصطلاحات حاضر و چه درباره آن دسته از واژه ها و اصطلاحاتی که احتمالا " از قلم افتاده و بایستی به مجموعه تقدیمی افزوده شوند ، گرد آورنده را یاری و راهنمائی نمایند تا چاپهای آینده با نقیصه کمتری همراه باشد .

در این جا لازم می داند از بزرگ مردانی چون شادروانان استاد حسین گل گلاب و دکتر لطف الله مفخم پایان ، پیشگامان فرهنگ جغرافیائی ایران که الهام بخش نگارنده بوده اند یاد نماید و کتاب حاضر را به روانشان تقدیم دارد . یادشان گرامی و روانشان شاد باد .

از موسسه گیتاشناسی بویژه هیئت مدیره آن و آقای بختیاری که در ویرایش و صفحه آرائی و انتشار کتاب از هیچ کوششی فرو گذار نکرده و جدیت و پشتکار آنان مشوق نگارنده بوده است سپاسگزار است و توفیق هر چه بیشتر آنان را از خدای بزرگ مسئلت دارد .

مهندس عباس جعفری

آ-الف

آئرودینامیک AERODYNAMIC
قسمتی از علم دینامیک که از حرکت هوا و سایر گازها و نیروهای ناشی از این حرکت و نیروهای وارد بر اجسام متحرک در گازها بحث می‌کند.

آئرولیت AEROLITE
← سنگ آسمانی

آب *(Āb)* WATER
۱ ـ جسمی است که از ترکیب اکسیژن و ئیدروژن با فرمول شیمیائی H_2O پدید می‌آید. آب خالص مایعی است بی طعم و بی‌بو و شفاف که مقدار کم آن بی رنگ ولی مقدار زیاد آن آبی بنظر می‌رسد. نقطه انجماد آب خالص صفر درجه و نقطه جوش آن صد درجه سانتیگراد است و یک سانتیمتر مکعب از آن در دمای ۴ درجه سانتیگراد یک گرم وزن دارد.
آب قریب ۷۰ در صد سطح کره زمین را می‌پوشاند و از عوامل عمده فرسایش بشمار می‌رود.
آب‌های طبیعی از قبیل رودخانه، باران، چشمه، دریا و غیره هیچگاه خالص نیستند و غالباً با املاح مختلف همراه هستند.
۲ـ نام هشتمین ماه در تقویم شمسی کشورهای عربی که ۳۱ روز دارد و با ماه اوت فرنگی مطابق است.
۳ ـ نام ماه یازدهم سال عرفی و ماه پنجم سال دینی یهود که دارای ۳۰ روز است و با ماههای ژوئیه و اوت مطابق است.

آب آهن دار CHALYBEATE
آبی که دارای مواد معدنی از نوع ترکیبات ئیدرات آهن باشد. این گونه آبها غالباً بصورت چشمه‌های آب معدنی در سطح زمین فراوان یافت می‌شود و بیشتر کاربرد درمانی دارد.

آباره *(Ābāreh)* ACQUEDUCT
مجرائی که آب را از جائی به جای دیگر منتقل سازد. این اصطلاح بیشتر در مورد آن قبیل مجراهای مصنوعی بکار مىرود که معمولاً آب را به شهرها می‌رسانند.

آب اسپهر *(Āb espehr)* HYDROSPHERE
بخشی از کره زمین که بوسیله آب پوشیده شده و در مقایسه با وایسپهر (جو) و خشکی زمین کاملاً مشخص و متمایز باشد. آب اسپهر که حدود $\frac{3}{4}$ سطح زمین را فراگرفته است اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، یخسارها و حتی بخار آب موجود در وایسپهر (جو) زمین را نیز شامل می‌گردد.

آبان
مقتبس از واژه پهلوی آپان بمفهوم آبها و فرشته نگهبان آب، نام هشتمین ماه در تقویم رسمی ایران و دهمین روز هر ماه خورشیدی.
واژه آبان عیناً بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی نام هشتمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

آب انبار TANK/CISTERN
حوضچه و یا استخر سرپوشیده‌ای که بطور مصنوعی ایجاد شده و برای ذخیره آب بکار رود. در مناطق کم آب و کویرها و بیابان‌ها آب انبار را از آب باران و یا جویبارهای فصلی پر می‌کنند.

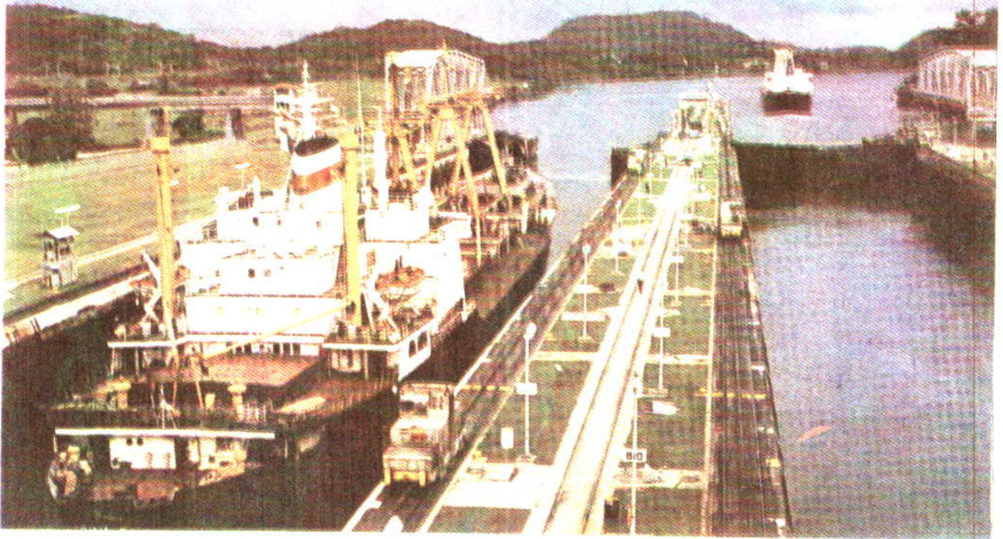
آبباره *(Ābbāreh)* LAKE RAMPART
رشته خاکریزی که بطور طبیعی گرداگرد کرانه‌های دریاچه‌ای را در بر گرفته باشد. این مواد در پیرامون دریاچه‌هایی که در مناطق سردسیر قرار گرفته‌اند دیده شده، و علت آن، یخبندان سطح آب دریاچه در زمستان و پس‌راندن و انباشتن مواد خاکی بر اثر فشار یخ است.

آب بر *(Āb bar)* AQUEDUCT
← آباره

آب بر *(Ā - bor)*
قسمت جلوی پایه‌های پل که غالباً نوک تیز و مثلثی شکل بوده و برای تقسیم فشار آب بکار می‌رود.

آب بردگی WASHOUT
از میان رفتن عوارض کنار یک رودخانه (مانند پل و تأسیسات مشابه) بدلیل ریزش باران شدید و طغیان رودخانه.

آب بند *(Ā - band)* LOCKS
معبر مصنوعی آب که دریچه‌ای برای متوقف ساختن یا تنظیم جریان آب در آن تعبیه می‌شود. عبور کشتی‌ها از درون کانالهائی که شیب تند دارند بوسیله آب‌بند صورت میگیرد. بدین ترتیب که کانال را به چند بخش قسمت می‌کنند و بین

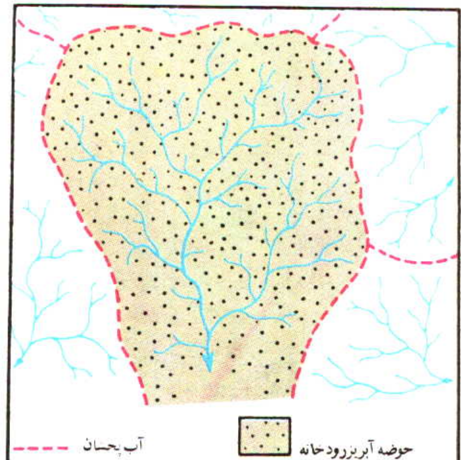


آب بند

هر دو بخش دستگاهی شبیه حوض تعبیه می‌شود که از دو طرف بوسیله دریچه‌هائی به بخش‌های مجاور مربوط می‌گردد. هرگاه یکی از دریچه‌ها را باز کنند آب جریان یافته و سطح دو حوض مجاور را یکسان می‌سازد و در نتیجه حرکت کشتی از یک حوض به حوض مجاور میسر می‌گردد.

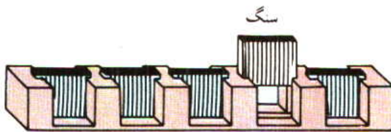
آب پخشان WATERSHED/DIVIDE

۱ ــ رشته کوه یا منطقه برجسته‌ای واقع در میان حوضه و یا آبگیر دو یا چند رودخانه که شاخابه رودخانه‌های مزبور را از یکدیگر جدا می‌سازد. به این واژه خط‌الرأس نیز گفته می‌شود.



آب پخشان

۲ ــ محل تقسیم آب در کانال‌های آبیاری.



آب پخشان

آبتاز DEBACLE

شکستن و خرد شدن و روان شدن یخ رودخانه‌ها در فصل بهار و تابستان که بیشتر در رودخانه‌های بزرگ شوروی و رودخانه‌های واقع در بخش شمالی قاره امریکا دیده می‌شود. معمولاً موقعیت جغرافیائی رودخانه‌ها هر چه از خط نیمگان (استوا) دورتر باشد، یخهای آن نیز بهمان میزان دیرتر خرد شده و آب می‌گردد. مثلاً یخ رودخانه‌های جنوب شوروی در اوایل فروردین آب می‌شود در حالیکه رودخانه‌های شمال شوروی (مانند نواحی شمالی سیبری) تا اوایل تیرماه همچنان یخ بسته باقی می‌مانند. این رودخانه‌ها در طی مدت خرد شدن و آب شدن یخها اغلب طغیان کرده و به زمینهای پیرامون خود می‌تازد و آنها را در زیر سیلاب‌های خویش مدفون می‌سازد.

آب تفتالی *(Ā-e-taftāli)* MAGMATIC WATER

آب معدنی گرمی که از اعماق زمین به بیرون تراویده و در سطح زمین جریان یافته باشد.

به این آب برناب Bornāb یا آب جوان نیز می‌گویند.

آبتل (Ābtal) SHOAL

پشته‌ای از گل و لای و شن و ماسه که در عمق کمی زیر آب قرار گرفته باشد. معمولاً "آبتل‌ها برای کشتیرانی خطرناک هستند.

آب جوان JUVENILE WATER

← آب نفتالی

آبخست (Ābkhast) ISLAND

← جزیره

آبخو (Ābkhu) ISLAND

← جزیره

آبخور (Ābkhor)

۱ــ محل آب خوردن، سر چشمه و کنار رود و امثال آن که در آن جا می‌توان آب نوشید.

۲ــ آن مقدار از بدنه کشتی که در آب فرو می‌رود.

آبخیز SEEPAGING LAND

زمینی که آب از آن بخارج تراوش کند و هر جای آن را بکنند آب بیرون آید. این گونه زمین‌ها معمولاً "سرچشمه پاره‌ای رودخانه‌ها را تشکیل می‌دهند.

آبخیزگاه SEEPAGING LAND

← آبخیز

آبدان CISTERN

← آب انبار

آبدّره FIORD

شاخابه باریک و عمیقی از دریا که در خشکی پیشرفته باشد. آبدره معمولاً" دارای دیواره‌های پر شیب و تندی است که از زیر آب رفتن ساحل کوهستانی یا فرسایش یخچالی عمیق یک دره ساحلی تشکیل یافته است. از این گونه عارضه در سواحل نروژ فراوان دیده می‌شود و بهمین مناسبت واژه Fiord نیز در اصل نروژی است.

آبده (Ābdeh) AQUAFER

← آبزا

آبده (Ābdeh) DISCHARGE OF A RIVER

← بده



آبدره‌های سواحل جنوبی نروژ

آبراهه CANAL/WATERWAY

الف ــ مجرائی است که بطور مصنوعی در زمین کنده شده و برای حمل و نقل آبی بکار می‌رود.

ب ــ رشته‌های باریکی از آب یا جویبارهای کوچکی که دو دریای مجاور را بهم بپیوندد.

پ ــ مجرائی که بمنظور آبیاری مناطق کشاورزی ایجاد شده باشد. به این مجرا کانال نیز می‌گویند. (تصویر در صفحه ۴)

آبرفت (Ābroft) ALLUVIUM

موادی مانند شن و گل و لای که در داخل آب رودخانه‌ها معلق بوده و با جریان آب به جلو رانده شده و بتدریج ته‌نشین گردد. یکی از مهمترین اثرات این مواد، ته‌نشین‌هائی است که در دلتای رودخانه‌های بزرگ بوجود می‌آیند.

آبرو (Ābro) COURSE

مجرائی که آب در آن بطور طبیعی جریان داشته و بسوی دریا، دریاچه، کویر، باتلاق و مانند آن روان باشد.

آبریز CATCHMENT AREA

زمینی که آب باران کلیه اراضی اطراف به آن وارد گردد و آبهای جمع شده فقط بوسیله یک رودخانه یا یک رشته جوی از آن خارج و بدریا، یا دریاچه وارد شود. حوضه اینگونه اراضی بوسیله خط‌الرأس بلندی‌های مشرف بر آن مسدود می‌گردد.



آبراهه

آبریز بسته INTERIOR DRAINAGE

آبریزی که فاقد راه خروجی بوده و دسترسی به دریا نداشته باشد . اینگونه آبریزها معمولاً " بیک زمین پست منتهی شده و بدلیل افزایش میزان تبخیر و فرورفتن آب به زمین معمولاً " بیک شوره‌زار یا یک دریاچه نمک تبدیل میگردند .

آبزا *(Ābzā)* AQUAFER

لایه‌ای از جینه‌های سنگی که آب را در خود نگهدارد و با قابلیت تراوش آب را داشته باشد .

آبزه *(Ābzeh)* SEEPAGE

درز و یا روزنی در سطح زمین که آب از آن بخارج تراوش کند .

آب زیرزمینی GROUND WATER

آب موجود در سوراخها و شکافهای پوسته سنگی زمین ، که در نتیجه ریزش باران ، و جریان آبهای سطحی ، درون خلل و فرج مزبور انباشته شده است . این گونه آبها بیشتر در اعماق حدود ۵۰ تا ۱۰۰ متری زمین انباشته شده و در ژرفای بیشتر معمولاً " بدلیل فشار زیاد و مسدود شدن خلل و فرج مزبور اثری از آنها دیده نمی‌شود . آبهای مزبور غالباً " املاح و مواد معدنی سنگها را در خود حل کرده و اغلب بصورت آبهای معدنی تبدیل می‌گردند .

آبسائی EVORSION

← آبفرسائی

آب سخت *(Āb-e-sakht)* HARD WATER

آبی که دارای ترکیبات کلسیم و منیزیم و آهن بوده و یا محتوی گاز کربنیک باشد و صابون در آن به آسانی کف نکند. سبزیجات در این گونه آبها خوب نمی‌پزند و هنگام جوشانیدن از خود رسوبات فراوان بجای می‌گذارند .

عمل زایل کردن سختی آب را نرم کردن آب می‌گویند .

آبسرا *(Ābsarā)* LAKE DWELLING

خانه یا سرپناهی ، که روی پایه‌هائی بر فراز آب دریاچه بنا شده باشد . نمونه‌ای از اینگونه خانه‌ها امروزه در کشورهای پاپوا گینه نو و برونئی و همچنین ، در دهانه رود خانه آمازون به چشم می‌خورد . این گونه خانه‌ها ، یادگاری از خانه‌های ماقبل تاریخ ، بویژه دوره نوسنگی است . بقایائی از دهکده‌های آبسرائی در سوئیس و شمال ایتالیا و جنوب آلمان و اتریش کشف شده است . (تصویر در صفحه ۵)

آبسنگ *(Ābsang)* REEF

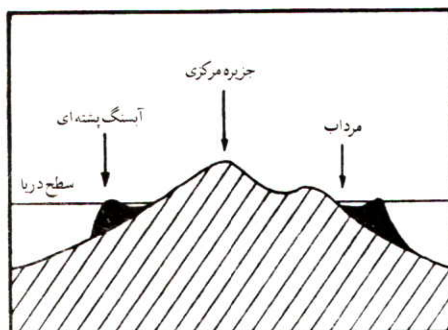
صخره سنگی زیر آبی ، که هنگام آب پائین (جزر) سر آن از آب خارج شود . به این گونه سنگها صخره آبی نیز می‌گویند .

آبسنگ پشته‌ای FRINGING REEF

پشته ناهموار مرجانی که بساحل نزدیک بوده و میان آن و خشکی اصلی را پایاب باریک و یک مرداب کم عمق ساحلی فرا گرفته باشد . شیب آبسنگ پشته‌ای روبه دریا تند و تقریباً " به قائم نزدیک است . (تصویر در صفحه ۵)



آبسرا



آبسنگ پشته‌ای

آبسنگ حلقوی ATOLL

مجموعه‌ای است از آبسنگهای مرجانی که به‌صورت دایره یا نعل اسب مجمع الجزایری را در دریا بوجود آورده و مرداب کم عمقی را در میان گرفته باشد. درباره شیوه پیدایش اینگونه آبسنگها فرضیه‌های گوناگونی موجود است.

داروین در این باره بر این عقیده است که مرجانها، نخست پیرامون پایه‌های جزیره ریشه گرفته و شروع به رشد می‌کنند. با بالا آمدن آنها از سطح آب، جزیره مزبور بتدریج در آب غوطه‌ور شده و سپس به زیر آب فرو می‌رود و در نتیجه حلقه مدوری از جزایر مرجانی در سطح آب باقی مانده و جزیره اصلی را به صورت مردابی در بر می‌گیرند.

دانشمند دیگری بنام Murray براین عقیده است که تپه‌های کف دریا که محل مناسبی برای اجتماع و تکثیر مرجانها هستند ... از زیر آب بالا آمده و مرجانهای کنارین که رشد ... تری دارند زودتر از آب خارج شده و مردابی را که نتیجه ... رشد مرجان‌های قسمت میانی است، بصورت حلقه‌ای ...



آبسنگ حلقوی

آبسنگ مرجانی CORAL REEF

آبسنگی است که از اجتماع اسکلت‌های آهکی مرجانی پدید آمده باشد. آبسنگ‌های مرجانی بر سه گونه‌اند: الف ـ آبسنگ حلقوی ب ـ سد آبسنگی پ ـ آبسنگ پشته‌ای.

آب سنگواره‌ای FOSSIL WATER

← آب همزاد

آبشار WATERFALL

ریزش قائم یا پر شیب آب یک رودخانه از ارتفاع زیاد. علت ایجاد چنین عارضه‌ای عبارتست از:

الف ـ وجود صخره‌های سنگی مقاوم و سست در کنار یکدیگر در قسمت عرضی بستر رودخانه.

ب ـ وارد شدن یک رودخانه از یک فلات به اراضی کم ارتفاع حاشیه آن و عبور از یک دیواره طبیعی.

پ ـ وجود یک گسله در قسمت عرضی بستر رودخانه.

ت ـ واقع شدن یک دره عمیق یخچالی در مسیر رودخانه.

ث ـ عبور رودخانه از یک صخره ساحلی.

مرتفع‌ترین آبشارهای جهان عبارتند از:

۱ ـ آبشار آنجل در ونزوئلا به ارتفاع ۹۷۹ متر.

۲ ـ آبشار سوترلند واقع در نیوزیلند به ارتفاع ۵۸۰ متر.

۳ ـ آبشار ریبون در ایالات متحده امریکا به ارتفاع ۴۹۱ متر.

۴ ـ آبشار یوایتشی واقع در گویان به ارتفاع ۳۶۶ متر.

۵ ـ آبشار استاو باخ واقع در سویس به ارتفاع ۲۶۴ متر.

۶ ـ آبشار وتیسفوس واقع در نروژ به ارتفاع ۲۶۰ متر.

۷ ـ آبشار کایتور واقع در گویان به ارتفاع ۲۵۰ متر.

۸ ـ آبشار ویکتوریا واقع در افریقای جنوبی به ارتفاع ۱۱۰ متر.

آبشار نیاگارا از نظر میزان ریزش آب و عرض بستر آبشار شهرت جهانی دارد. (تصویر در صفحه‌ٔ ۶)

آبشخور (Ābeshkhor)

← آبخور (۱)



آبشار

آبشناسی HYDROLOGY

دانشی را که با آبهای سطح زمین از نظر پیدایش، کاوش و کنترل و ذخیره آنها سر و کار داشته باشد آبشناسی می‌گویند.

آبشیب *(Ābshib)* SLOPPING COURSE

آبرویی که دارای شیب زیاد باشد.

آبفرسائی *(Ābfarsā'i)* EVORSION

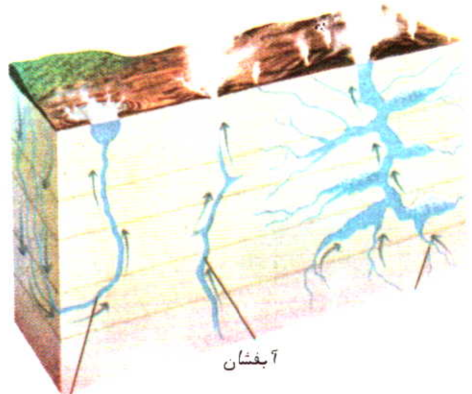
فرسایش سنگ‌های بستر یک رودخانه بر اثر جریان آب.

آبفشان *(Ābfeshān)* GEYSER

چشمه آب گرمی که آب از آن در فاصله‌های زمانی معینی بشدت بخارج فوران نماید. میزان جهش آب در این گونه چشمه‌ها که معمولا" در مناطق آتشفشانی وجود دارند گاه به ۳۰ تا ۵۰ متر می‌رسد. کار آبفشان بدین نحو است که مجرا یا لولد رابط میان دهانه چشمه و درون زمین بتدریج از آب پر شده و قسمتهای زیرین آب که در مجاورت مواد گداخته قرار دارند گرم و داغ می‌گردد. چون عمل تخلیه آبهای مزبور به

دلیل تنگ و طولانی بودن مجرا ، به آسانی امکان پذیر نیست ، از این رو آبهای زیرین به طبقات بالا منتقل شده و با رسیدن درجه گرمای آبهای زیرین ، به نقطه جوش ، دمای آب به حدود ۱۰۰ درجه سانتیگراد بالا می‌رود و بر فشار لایه‌های زیرین می‌افزاید ، در نتیجه ازدیاد فشار آبهای بالائی که سردتر هستند از مجرا خارج شده و در سطح زمین جریان می‌یابند و در نتیجه از وزن آب مجرا بطور ناگهانی کاسته شده و فشار آن نیز بهمین میزان کاهش می‌یابد ، گازها و بخارهای معدنی زمین همزمان با گرم شدن آب طبقات زیرین متراکم گردیده و بمحض تقلیل وزن آب آن را بشدت بخارج پرتاب می‌نماید .

از جمله آبفشانهای مهم جهان آبفشان نیوزیلند و آبفشانهای پارک ملی یلواستون (Yellowstone National Park) امریکا را می‌توان نام برد . آبفشان اخیر درگذشته هر ۶۶/۵ دقیقه یکبار فوران می‌کرد ولی در حال حاضر نظم آن برهم خورده و بر تناوب آن افزوده شده است .



آبفشان

آبفشانسنگ SINTER

رسوبات سختی که در پیرامون آبفشان‌ها یا چشمه‌های آبگرم بشکل پشته یا مخروط و یا پله‌کانی انباشته شده باشند . آبفشانسنگ‌ها بر دو نوعند : نوع سیلیسی یا گیسریت و نوع آهکی یا تراورتن .

آبفشانسنگ آهکی TRAVERTINE

مواد آهکی ته‌نشین شده‌ای که بر اثر جریان چشمه‌های آبگرم و یا آبفشان بوجود آمده باشند .

آبفشانسنگ سیلیسی GEYSERITE

مواد سیلیسی ته نشین شده‌ای که بر اثر جریان چشمه‌های



آبفشانسنگ

آبگرم یا آبفشان بوجود آمده باشند . این رسوبات اغلب به شکل پشته یا مخروط و یا پله‌کانی انباشته شده‌اند .

آبکره *(Ābkoreh)* HYDROSPHERE

← آب اسپهر

آبکند WATER GAP

آبراهه تنگ و طویلی که بر اثر شسته شدن زمین پدید آمده باشد . این عارضه غالبا" در کوهپایه‌ها دیده‌شده و از فرکند کوچکتر و از دره خیلی کوچکتر است . این عارضه فقط هنگام بارندگی دارای آب بوده ودر سایر موارد خشک است .

آبکوهه *(Ābkuheh)* WAVE OF WATER

موج یا کوهه؛ آب ← موج دریا

آبگرد *(Ābgard)* WHIRLPOOL

← گرداب

آب گرم *(Āb-e-garm)* HOT MINERAL WATER

آب معدنی که در پاره‌ای‌نقاط اززمین می‌جوشد و دارای گوگرد و مواد معدنی دیگر می‌باشد و اغلب برای آبدرمانی بکار می‌رود .

← چشمه آب گرم

آب گستری *(Ā-gostari)* TRANSGRESSION

پهناور شدن دریا بر اثر بالا آمدن سطح آب دریا

آبگیر BASIN

← حوضه

آبگیر رودخانه RIVER BASIN

حوضه یک رودخانه که از شاخه‌هائی که به‌آن می‌ریزند تشکیل یافته باشد .

آبگیرناک

زمینی که دارای آبگیرها و غدیرهای بسیار باشد .

آبلرزه *(Āblarzeh)* TSUNAMI

امواج بزرگی از آب که بر اثر وقوع زلزله در کف اقیانوس یا دریا پدید آید . این امواج گاه آنقدر در خشکی پیش می‌روند که موجب خسارتهای مالی و جانی فراوان می‌گردند .
آبلرزه یا زلزله دریائی اعم از اینکه ناشی از گسلش کف اقیانوسها یا وقوع انفجارهای آتشفشانی درآنها ، باشد ممکن است موجهای عظیم و مهیبی تولید کند که سرعتشان به بیش از ۸۰۰ کیلومتر در ساعت برسد و با ارتفاع حدود بیست متر به نواحی ساحلی حمله آورند .
در زلزله مهیب سال ۱۷۵۵ لیسبون (پرتقال) بلافاصله پس از نخستین ضربه ، موجی از دریا به بلندی حدود ۱۸ متر به شهر هجوم برد و بسیاری از سکنه شهر مزبور را در کام خویش بهلاکت رسانید .



آبلرزه

آب معدنی MINERAL WATER

آب معدنی یکی از انواع گوناگون آبهای سطح زمین است که اغلب برای نوشیدن و درمان پاره‌ای بیماریها بکار می‌رود و حتی درپاره‌ای کشورها جزو اقلام صادراتی منظور می‌گردد . مانند آب معدنی ویشی در فرانسه .

آبنای *(Ābnay)* CREEK

شاخابه یا خور و یا خلیج کوچکی که هنگام آب بالا (مد) در کرانه‌های پست و گلی دریا ، پدیدار شود .

آبنشین *(Ābneshin)* LAKE DWELLER

مردمی که در آبسرا زندگی می‌کنند .

آبنگاری *(Ābnegāri)* HYDROGRAPHY

دانشی که با آبهای سطح زمین ، سر و کار داشته و وضعیت طبیعی ، حجم و موقعیت آنها را بررسی می‌کند ، همچنین بخشی از این علم به تهیه نقشه و چارت‌های دریائی و رسم شکل بستر آنها ارتباط دارد .

آب نما WATER VIEW

۱ ـ حوی یا حوضی که آب آن در خانه یا باغ ظاهر باشد .
۲ ـ موضعی که آب چشمه یا کاریز بر روی زمین آید .

آبنوس *(Ābnus)* EBONY

درختی از تیره پروانه‌واران که در هند و ماداگاسکار وجزیره موریس می‌روید . چوب این درخت سیاه ، سخت ، سنگین و گرانبهاست .

آب نیرو WATER POWER

نیرویی که بر اثر ریزش یا برخورد آب به پره‌های یک چرخ یا یک توربین بدست آید . به این نیرو نیروی برقابی نیز می‌گویند .

آب و هوا CLIMATE

آب و هوا عبارتست از میانگین شرایط جوی یک منطقه در فصلهای چهار گانه . بطور کلی مناطقی که در قسمتهای خاوری و یا درونی قاره‌های بزرگ قرار گرفته‌اند دارای آب و هوای قاره‌ای بوده و میزان بارندگی و رطوبت هوای آنها کم و دامنه تغییرات درجه حرارت آنها زیاد است . درحالیکه سرزمینهای واقع در بخشهای غربی این قاره‌ها دارای بارندگی فراوان و رطوبت زیاد و درجه حرارت تقریبا" ثابتی هستند .
البته این شرایط کلی و جامع نبوده و استثنائاتی درآن دیده می‌شود . علاوه بر شرایط بالا ارتفاع هر منطقه نیز در چگونگی آب و هوای آن منطقه موثر بوده و شرایط ویژه‌ای را بنام آب و هوای کوهستانی پدید می‌آورد .
چگونگی آب و هوای نواحی استوائی تقریبا "ثابت و یکنواخت است و هر چه از استواء دور و به نواحی قطبی نزدیک شویم دست خوش تغییرات وسیعتری می‌گردد که نمی‌توان برای آن قواعد ساده و یکسانی بیان داشت . بطور کلی عوامل موثر در چگونگی آب و هوای هر منطقه را می‌توان بشرح زیر دانست :
درجه حرارت ، تشعشع ، فشار جو ، باد ، رطوبت و تبخیر ، عرض جغرافیائی ، ارتفاع ، موقعیت مکانی نسبت بدریا و جریانهای دریائی ، میزان قابلیت نفوذ خاک و روئیدنی‌ها .
به این اصطلاح اقلیم نیز گفته می‌شود .

آب و هواشناسی CLIMATOLOGY

دانشی است که پدیده‌هائی را که سبب پیدایش آب و هواهای

گوناگون گسته مورد مطالعه قرار داده و تاثیرآنها را برزندگی روی کره زمین بررسی می‌کند .

آب و هوای استوائی EQUATORIAL CLIMATE
آب و هوای بخشی از کره زمین واقع در حد فاصل ۱۰ درجه عرض شمالی تا ۱۰ درجه عرض جنوبی . گرما و رطوبت زیاد از جمله مشخصات این آب و هوا بوده و بطور کلی از ۲۴ ساعت ، ۱۲ ساعت آن روزو ۱۲ ساعت‌آن شب است .تغییرات فصلی در این آب و هوا بسیار اندک است و خورشید درتمام طول سال تقریبا" عمود بر زمین می‌تابد .

آب و هوای افراطی EXTREME CLIMATE
← اقلیم افراطی

آب و هوای دریائی MARITIME CLIMATE
آب و هوائی که تحت تاثیر دریا قرارگرفته‌و باعث خنک شدن نسبی هوا در تابستان و گرم شدن نسبی آن درزمستان شود . اینگونه آب و هوا که بیشتر در کرانه‌های باختری سرزمینهای عرض متوسط و همچنین در جزایر دیده می‌شود اغلب با مقدار محسوسی ابر و باران همراه است .

آب و هوای ساحلی INSULAR CLIMATE
آب و هوای جزایر و نواحی ساحلی که تاثیر دریا بیشتر از تاثیر خشکی باشد . از مشخصات این آب و هوا ، تغییرات نسبتا" ناچیز درجه حرارت در طول روز و حتی در طول سال است .

آب و هوای قاره‌ای CONTINENTAL CLIMATE
آب و هوای درون قاره‌های بزرگ‌که دامنه‌وسیع تغییرات درجه حرارت از جمله مشخصات آن بوده‌و به سبب دوری‌از اقیانوس . قابلیت باران‌زائی آن کم و منحصر به اوایل فصل تابستان است .

آب و هوای قطبی FRIGID CLIMATE
آب و هوای خاص مناطق منجمده شمالی و جنوبی که موجبات ریزش برف و یخبندان دائمی را فراهم نماید .این آب وهوا در تابستان خنک تا سرد و در زمستان فوق العاده سرد و طاقت فرساست .

آب و هوای کوهستانی MOUNTAIN CLIMATE
نوعی آب و هوا که مخصوص مناطق کوهستانی بوده‌و بعبارت دیگر بجای عواملی مانند عرض جغرافیائی ، موقعیت مکانی و یا دوری و نزدیکی از دریا ، عامل ارتفاع درآن موثرو سازنده باشد .

آب و هوای مدیترانه‌ای MEDITERRANEAN CLIMATE
آب و هوای ویژه سرزمینهای پیرامون دریای مدیترانه و همچنین آب و هوای مناطق دیگری که همانند آب و هوای مدیترانه‌ای باشد . اینگونه آب و هوا معمولا" در زمستان با بارندگی فراوان همراه بوده و در مقابل تابستان‌های آن نسبتا" گرم و خشک است . این آب و هوا از نظر کشاورزی بسیار ممتاز بوده و قابلیت‌آن ازنظر رویش گیاهان و میوه‌جات در خور توجه است . از جمله میوه‌جات خاص اینگونه مناطق انگور ، زیتون و مرکبات است . از جمله مناطقی که دارای اینگونه آب و هوا هستند ، کالیفرنیای مرکزی ، شیلی مرکزی ، قسمت‌های جنوبی و بخشهای شمال باختری استرالیا و همچنین کرانه‌های جنوبی دریای خزر را می‌توان نام برد .

آب و هوای نیمکاب SEMIARID CLIMATE
(Āb-o-havā-ye-nimkamāb)
آب و هوای درون قاره‌ای ، و یا آب و هوائی که درحد فاصل میان آب و هوای خاص ساوانا و آب و هوای ویژه کویرهای واقعی قرار گرفته و تقریبا" به کماب تمایل داشته باشد .

آب و هوای یخپهنه‌ای ICE-CAP CLIMATE
(Ā-o-h-ye-yakhpahneh'i)
آب و هوای مخصوص یخسارها و یخپهنه‌ها و نواحی قطبی و گروئنلندکه مشابه آب و هوای کویرهای سرد پوشیده از برف و یخ است . میانگین دمای سالیانه این گونه آب‌وهوا همواره کمتر از صفر درجه سانتیگراد است . (میانگین دمای سالیانه بخش‌های درونی گروئنلند حدود ۳۲ ــ درجه سانتیگراد و در نواحی قطبی جنوبی کمتر از آن‌است) . بارش‌های‌این مناطق محدود به ریزش دانه‌های برف خشک بوده و درنواحی قطب جنوب بویژه در حاشیه یخپهنه‌ها باتوفان ، سوزو برفی از نوع توفان برف یا دمه که سرعت آن بیشتر از ۸۰ کیلومتر در ساعت است همراه می‌باشد .

آبهای بین‌المللی INTERNATIONAL WATERS
آب تمام دریاها و اقیانوسها ، باستثنای بخش‌آبهای سرزمینی که کلیه کشورهای جهان ، بطور یکسان ، از آن بهره مند می‌شوند .

آبهای جاری RUNNING WATERS
آبهای جاری که در حقیقت مهمترین عامل فرسایش سطح زمین‌اند آبهایی هستند که به صورت باران و برف به سطح زمین می‌رسند و در سرازیریها جریان می‌یابند . جریانهای آب را به نامهای مختلفی مانند جوی ، نهر و رود می‌نامند . ولی هیچ معیاری وجود ندارد که بتوان گفت تا چه اندازه

آب را باید مثلا " رود نامید .
آبهای جاری سه نوع عمل (تخریب ، حمل ونقل ورسوبگذاری) را در قسمت‌های مختلف مسیر خود انجام می‌دهند . درعمل تخریب ، بستر آبهای جاری در جهت قائم و پهلوها حفر می‌شود . در عمل حمل ، آب مواد کنده شده را با خود جابجا می‌کند و در عمل رسوبگذاری ، موادی که جابجا شده‌اند از آب جدا و ته نشین می‌شوند . چگونگی این فعالیتها بستگی به انرژی جنبشی جریان آب دارد و مقدار این انرژی خود وابسته به حجم آب ، درجه شیب بستر و سرعت جریان آب است .

آبهای زمین THE WORLD WATERS

اگر کره زمین سطحی هموار و فاقد پستی‌ها و بلندی‌ها می‌بود . آبهای موجود تمام سطح آن را به صورت پوسته‌ای به ضخامت حدود ۳۰۰۰ متر می‌پوشانید .
در حال حاضر حدود ۷۱ درصد سطح زمین را اقیانوسها و دریاها اشغال کرده است . آب اقیانوسها و دریاها به همدیگر پیوسته و یکپارچه می‌باشد از اینرو مجموع آنها به دنیای اقیانوس موسوم است .
آبی که در این پهنه وسیع جمع شده کمی بیش از ۱۳۷۰ میلیون کیلومتر مکعب می‌باشد .
آب دریاچه‌های سطح زمین ۲۳ هزار کیلومتر مکعب و آبی که در هر لحظه در رودخانه وجود دارد ۱۲۰۰ کیلومتر مکعب محاسبه شده است .
حجم آب یخچالهای قاره‌ای کوهستانی مطابق جدیدترین نظریه‌ها حدود ۲۴ میلیون کیلومتر مکعب تخمین زده می‌شود .
حجم آبهای آزاد زیر زمینی تا عمق ۱۶ کیلومتری قسمت بالائی پوسته زمین در حدود ۲۰۰ میلیون کیلومتر مکعب تخمین زده شده که نزدیک به ۶۰ میلیون کیلومتر مکعب آن تا عمق پنج کیلومتری سطح زمین قرار گرفته .

آبهای قابل دسترسی در کره زمین

آب	حجم به هزار کیلو متر مکعب	درصدکل
اقیانوسهاودریاها	۱۳۷۰۳۲۳	۹۳/۹۳
آبهای‌زیرزمینی قابل دسترس	۶۰۰۰۰	۴/۱۱
آبهای‌زیرزمینی درمنطقه‌فعال	۴۰۰۰	۰/۲۷
یخچالها	۲۴۰۰۰	۱/۶۵
دریاچه‌ها	۲۳۰	۰/۰۱۶
رطوبت خاک	۸۳	۰/۰۵۵
بخار آب در هوا	۱۴	۰/۰۰۱
رودخانه‌ها	۱/۲	۰/۰۰۰۱
جمع	۱۴۵۸۶۵۱/۲	۱۰۰

آبهای ساحلی TERRITORIAL WATERS

← آبهای سرزمینی

آبهای سرزمینی TERRITORIAL WATERS

بخشی از آبهای ساحلی ، که بر اساس قوانین بین‌المللی به سرزمینهای مجاور تعلق داشته باشد . در حال حاضر عرض آبهای سرزمینی ۵ کیلومتر (حدود ۳ میل) است ولی پاره‌ای کشورها در تلاش افزایش این میزان بوده و پا فشاری آنها از زمانی آغاز شده که بوجود منابع نفت و گاز در زیر دریاها ، پی برده‌اند .

آب همزاد *(Ā-e-hamzād)* CONNATE WATER

آبی که همزمان با تشکیل سنگهای رسوبی در آنها انباشته شده باشد . به اینگونه آبها آب سنگواره‌ای نیز می‌گویند .

آبیاری IRRIGATION

توزیع مصنوعی آب در سطح زمین ، بطوریکه امر کشاورزی را آسان سازد و موجبات رشد و نمو گیاهان را فراهم نماید .
آبیاری بدو صورت عمده آبگیری و دائمی انجام می‌شود :
الف ــ روش آبگیری در واقع همان شیوه‌ای است که در کرانه‌ها و دلتای رود نیل متداول است و یا سیستم ذخیره کردن سیلاب در مناطق آبگیر بوسیله ایجاد بندها و آبگیرهای مناسب که در غالب کشورها معمول است .
ب ــ روش دائمی عبارت است از استفاده از آب رودخانه‌هائی که در سطح پائین‌تری از زمین جریان دارند بدین ترتیب که آب اینگونه رودخانه‌ها را با تلمبه و یا وسایل دیگر بالا کشیده و در مخزن یا آب انبارهائی ذخیره می‌کنند . این شیوه هنگامی عملی است که آب کافی در کوهستانهای مجاور و یا دوردست موجود باشد و با ایجاد سدهائی بتوان از هرز رفتن آن جلوگیری و در پشت سد آن را ذخیره کرد و سپس بوسیله مجراها و آب‌برهای مناسبی در میان کشتزارها توزیع نمود .

آبیاری قطره‌ای SPRINKLER IRRIGATION

نوعی آبیاری که در آن از لوله‌های آب سوراخ‌داری که در تمام سطح کشتزار جابجا می‌شود استفاده می‌گردد . این طریقه که شباهت زیادی به باران مصنوعی دارد ، از نظر هزینه بسیار مناسب و ارزان بوده و به مهارت و زحمت زیاد نیاز ندارد .

آپاتیت APATITE

فسفات کلسیم معدنی که محتوی فلوئور یا کلر یا هر دو است . خالص آن بیرنگ است . نمونه‌های ناخالص ورنگین آن گاهی نیر و برنده و مانند سنگهای قیمتی است . در تهیه کودهای

فسفردار بکار می‌رود .

آتشزنه FLINT

سنگی از جنس سیلیس سیاه یا خاکستری تیره که هنگام برخورد با آهن تولید جرقه می‌کند و از آن درقدیم برای روشن کردن آتش استفاده می‌شده است . ذرات درشت سنگ آتشزنه را برای ساختن سمباده بکار می‌برند . سنگ آتشزنه را سنگ چخماق نیز می‌گویند .

در روزگار گذشته آتشزنه را برای افروختن آتش و خالی کردن تفنگ بکار می‌بردند .

آتش سنت المو SAINT ELMO'S FIRE

نوری همانند شعله آتش که گاهی در هوای توفانی بر نقاط بلند یا برجسته بویژه بر بالای دکل کشتی‌ها یا بال هواپیما و در زمین بر نوک درخت‌ها و گنبدها و مانند آن دیده می‌شود . این درخش گاه بر سر شاخ گاوها و حتی اطراف سر انسان نیز ظاهر شده است . چگونگی پدیدار شدن این آتش بدین سان است که وقتی جو دارای بار الکتریکی باشد و اختلاف پتانسیل برای وقوع تحلیه برق میان هوا و اشیاء کافی باشد جرقه‌ای حاکی از تحلیه الکتریکی ظاهر می‌شود که رنگش مایل به سرخی و یا آبی است . این آتش که به آن درخش سنت الموسیز می‌گویند بنام قدیس المو که به حامی دریانوردان مشهور است نامگذاری شده .

آتشفشان *(Ātashfeshān)* VOLCANO

کوه یا قله‌ای معمولاً " مخروطی شکل که بر اثر روی‌هم انباشته شدن مواد گداخته‌ای که از روزنه‌ای بنام دهانه آتشفشان خارج گردیده است ، پدید آمده باشد . بلندترین آتشفشان روی زمین کوه آکونکاگوا به ارتفاع ۶۹۶۰ متر است که در رشته کوههای آند در امریکای جنوبی واقع شده است . بلندترین آتشفشان فعال کوه گواياتيری به ارتفاع ۶۰۶۰ متر است که آن نیز در رشته کوههای آند واقع شده است .

آتشفشان خاموش DORMANT VOLCANO

آتشفشانی که دوره‌های ماقبل تاریخ فعال بوده و بعد از آن بخاموشی گرائیده است . به اینگونه آتشفشانها که در واقع آتشفشان مرده‌ای نیز هستند آتشفشان خفته هم می‌گویند .



آتشفشان

آتشفشان سپری *(Ā-e-separi)* SHIELD VOLCANO

آتشفشان مخروطی شکلی که دارای شیب ملایم بوده و قاعده پهناوری داشته باشد. ازجمله معروفترین آتشفشانهای سپری، آتشفشان Mauna Loa واقع در کف اقیانوس آرام را می‌توان نام برد که قطر قاعده آن ۴۸۰ کیلومتر و ارتفاع آن از کف اقیانوس ۹۷۵۰ متر و بلندی قله آن از سطح آب ۴۱۷۰ متر و قطر قاعدهٔ این مخروط در سطح آب ۱۱۳ کیلومتر است. آتشفشان Mauna Loa از جمله آتشفشان‌های فعال است.

آتشفشان گنبدی *(Ā-e-gonbadi)* CUMULO DOME

کوه آتشفشان گنبدی شکلی که فاقد دهانه بوده و از جهش‌های پی در پی گدازه‌های اسیدی چسبناک پدید آمده باشد.

آتشفشان مرده *(Ā-e-mordeh)* EXTINCT VOLCANO

آتشفشانی که در ازمنه دیرین زمین شناسی شکل گرفته و امروز بصورت یک آتشفشان غیر فعال و مرده بجای مانده باشد. شکل مخروطی اینگونه آتشفشانها به مرور زمان از بین رفته است.

آتش مرداب WILL-O'-THE WISP / IGNIS FATUUS

نور ضعیف و لرزانی که شب هنگام بر سطح مرداب‌ها دیده می‌شود. این نور ممکن است بر اثر احتراق خود بخودگازها و یا نوعی فسفرسانی باشد.

آتلانتید ATLANTIDE

گروهی از دانشمندان بر اساس روایات و داستانها و پاره‌ای تحقیقات بر این گمانند که سرزمینی جزیره مانند بنام آتلانتید در اقیانوس اطلس در باختر تنگه جبل الطارق قرار داشته که بعدها به زیر آب فرو رفته است.

آتمسفر ATMOSPHERE

← جو

آتول ATOLL

← آبسنگ حلقوی

آدم *(Ādam)* ADAM

۱ ــ مقتبس از واژه عبری آدم به مفهوم انسان نخستین.

۲ ــ اولین انسان و پدر نوع بشر طبق روایات مذهبی.

آدم زیوی *(Ā-zivi)* ANTHROPOZOIC PERIOD

این دوره که تا امروز ادامه دارد دارای ویژگی خاصی است که همانا برتری انسان بر سایر موجودات و فرمانروائی او بر کره زمین است. در این دوره که به آن دورهٔ چهارم نیز می‌گویند تغییر آب و هوا موجبات پیدایش سه دور یخبندان را فراهم ساخت که هر کدام از دور ها بوسیله دورهای بین یخچالی از هم جدا گردیده است.

مهاجرت جانوران از نواحی سرد و یخ بسته به نواحی گرم و یا از بین رفتن پاره‌ای از انواع آن‌ها از ویژگی‌های دیگر این دوره است.

آذر

مقتبس از واژه پهلوی آتور به مفهوم آتش و فرشته نگهبان آتش، نام نهمین ماه در تقویم رسمی ایران و نهمین روز هر ماه خورشیدی.

این واژه عینا" بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام نهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

آذرخش *(Āzarakhsh)* LIGHTNING

آذرخش عبارت از الکتریسیته گینائی (طبیعی) است که از هر نظر به الکتریسیته‌هائی که بوسیله ماشین تولید می‌گردد شباهت دارد. در حقیقت ابر توفان‌زا نوعی انباره الکتریسیته بسیار بزرگ است که بارهای منفی در بخش زیرین و بارهای مثبت، در بخش زیرین آن متمرکز شده و علاوه بر آن پایه آن که بزمین نزدیکتر است دارای بارهای مثبت است. جریان‌های نیرومند هوا هنگامیکه از درون ابرهای مزبور رو ببالا در حرکتند با چکه‌های آبی که حاوی بارهای مثبت و منفی الکتریسیته هستند برخورد کرده و چکه‌های بسیار ریز آب را که دارای بار منفی هستند بسوی بالا می‌رانند و ذرات سنگین‌تر در بخش پائین ابر باقی می‌مانند و در نتیجه دو منطقه الکتریسیته مثبت و منفی در ابر ایجاد می‌گردد و چون دو بار الکتریکی مخالف یکدیگر را جذب می‌کنند لذا میان دو بخش یک ابر توفان‌زا و میان یک ابر و زمین جرقه بزرگی می‌جهد که همان آذرخش است.



آذرخش

آذرگوی *(Āzarguy)* FIREBALL/BOLID
شهابهائی که بدلیل بزرگی جثه و دارا بودن جرم بیشتر، درخشندگی بیشتری داشته و مدت طولانی‌تر درآسمان دیده می‌شوند. پاره‌ای از آذرگویها در آسمان منفجر می‌شوند و رگباری از جرقه‌ها از آنها پدید می‌آید.

آر ARE
واحد سطح برابر یک دکا متر مربع یا صد متر مربع.

آرامگان *(Ārāmgān)* CALMS
بادهائی که سروشان با توجه به طبقه‌بندی بوفورت صفر و سدت آنها کمتر از یک گره باشد این بادها در هر موقعیت جغرافیائی و با هر زمان ممکن است بوزند بویژه هنگامی که شرایط برای پیدایش واجرخه آماده باشد. منطقه خاص وزش این نوع بادها نوارهائی به عرض ۵ درجه شمالی و ۵ درجه جنوبی نسبت به خط نیمگان است.

آرامگان جدیی *(Ā-e-jadyi)* CALMS OF CAPRICORN
ناحیه‌ای است آرام که داخل منطقه‌ای پر فشار نزدیک مدار راس الجدی واقع شده و بادهای ملایم و خفیفی درآن می‌وزد.

آرامگان سرطانی *(Ā-e-saratāni)* CALMS OF CANCER
ناحیه‌ای است آرام که داخل منطقه‌ای پر فشار نزدیک مدار راس السرطان واقع شده و بادهای خفیفی در آن می‌وزد.

آرژیلیت ARGILLITE
بارسهای موری. اگر گل رس آب از دست بدهد به صورت سنگ سخت تری در می‌آید که بدان آرژیلیت می‌گویند. این سنگ را به آسانی نمی‌توان شکست، حتی در برابر چکش مقاومت می‌کند و با آب خمیر نمی‌شود. ولی اگر آن را خرد کنید و در آب بریزید رسوب آن گل رس خواهد بود.

آرگون ARGON
عنصر گازی بی اثر، بی رنگ، بی بو و بی طعم با علامت شیمیایی Ar که در هوا به مقدار کم و در بعضی گازهای آتشفشانی یافت می‌شود.
این گاز حدود یک صدم هوا را تشکیل می‌دهد و در صنعت لامپ سازی و علائم راهنمائی بکار می‌رود.

آریایی‌ها
یا آریاها، یا آریانها و یا آرین‌ها شاخه بزرگی از نژاد سفید هستند که در روزگاران باستان در ایران و هند و اروپا اقامت گزیدند و بهمین مناسبت به آنها اقوام هند و اروپائی نیز می‌گویند.
واژه آریا به معنی شریف و نجیب است و نام ایران به مفهوم سرزمین آریایی ها از همین واژه گرفته شده و بهمین مناسبت جغرافیدانان قدیم بخشی از ایران را آریانا خوانده‌اند.

آزاد راه FREE WAY
راه چند خطه عریضی که خط های رفت و برگشت آن بوسیله پرچین و یا سکوهای مخصوصی از یکدیگر جدا شده باشد. و وسائل موتوری بدون برخورد به هر گونه مانع یا تقاطع همسطح بتوانند از آن عبور کنند.

آژفنداک *(Āzhfandāk)* RAINBOW
← رنگین کمان

آسمان SKY
گنبدی که در بالای زمین، بطور ظاهری دیده می‌شود وابرها و خورشید و ماه و ستارگان در آن قرار دارند. رنگ آبی روشن آسمان در روز ناشی از این است که ذرات ریز غبار و بخار آب موجود در جو زمین بعضی از امواج نور را جذب و برخی را پراکنده می‌سازد امواجی که طول موج بیشتری دارند به آسانی از میان این ذرات می‌گذرند ولی اشعه‌ای که طول موج کوتاهتری دارند در میان آنها پراکنده می‌شوند و متناسب با مقدار غبار و بخارآب موجود در هوا آسمان بخود رنگ می‌گیرد.

آسمان پیسه *(Āsmān piseh)* MACKEREL SKY
آسمانی که بوسیله ابرهای سیروکومولوس و یا آلتوکومولوس پوشیده شده و بخشهائی از آن از خلال ابرها دیده شود.

آسمان دره *(Ā - darreh)* GALAXY
← کهکشان

آسمانسنگ *(Āsmānsang)* SIDEROLITE
← سنگ آسمانی

آسمان غرنبه *(Ā-ghoronbeh)* THUNDER
← تندر

آسمانکان *(Āsmānkān)* SIDERITE
← سنگ آسمانی

نقشه سیاسی آسیا

مرز بین‌المللی

■ پایتخت

● شهر مهم

مقیاس ۱:۸۰،۰۰۰،۰۰۰

۳۰ ۲۰ ۱۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰

۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۱۱۰ ۱۲۰ ۱۳۰

اقیانوس اطلس

اقیانوس منجمد شمالی

مدار قطبی شمال

جزایر سوروناپازملیا

جزایر سیبری جدید

شبه جزیره چوکوتسکی

جزایر آلوشن

شبه جزیره تایمیر

شبه جزیره کیدانسکی

شبه جزیره یامال

سالخارد

اتحاد جماهیر شوروی

اختسک

یاکوتسک

کامچاتکا

اوخا

ساخالین

جزایر کوریل

اروپا

پرم

امسک

کراسنویارسک

کومسومولسک

چیتا

هوکایدو

ساپورو

گوریف

استانبول

ازمیر

آنکارا

ترابوزان

ترکیه

حلب

موصل

تبریز

بغداد

عراق

بصره

تهران

مشهد

اصفهان

ایران

شیراز

بندرعباس

کویت

منامه

ریاض

مدینه

جده

مکه

دوحه

ابوظبی

دوبی

عربستان سعودی

مسقط

عمان

صور

یمن

یمن جنوبی

صنعا

عدن

افریقا

عشق آباد

بخارا

سمرقند

تاشکند

آلماآتا

کابل

هرات

افغانستان

قندهار

پاکستان

کراچی

حیدرآباد

اسلام آباد

راولپندی

لاهور

دهلی‌نو

کانپور

احمدآباد

بمبئی

هند

حیدرآباد

بنگلور

مدرس

تریواندروم

کلمبو

سریلانکا

ماله

مالدیو

کاتماندو

نپال

تیمپو

بوتان

آسام

داکا

کلکته

بنگلادش

برمه

رانگون

تایلند

بانکوک

کامبوج

پنوم پن

ویتنام

هانوی

هایفونگ

ویین‌تیان

لائوس

هوشی مینه سیتی

خلیج بنگال

جزایر آندامان (هند)

جزایر لاکادیو (هند)

مغولستان

اولان باتور

هوود

اوروموجی

یارکند

لاسا (لهاسا)

تبت

جمهوری خلق چین

هاربین

چانگچون

شنیانگ

پکن

تین تسین

تای‌یوآن

لوتا

تسینگ تائو

سیان

نانکن

شانگهای

ووهان

چنگتو

چونگچینگ

کانتون

هونگ کونگ

ماکائو

تایپه

تایوان

کره شمالی

پیونگ یانگ

کره جنوبی

سئول

ژاپن

توکیو

یوکوهاما

ناگویا

اوزاکا

هیروشیما

کیتاکیوشو

جزایر ریوکیو

مدار راس السرطان

فیلیپین

لوزون

مانیل

سبو

ایلوایلو

میندانائو

مجمع الجزایر سولو

هالماهرا

برونئی

بندرسری بگاوان

صباح

ساراواک

مالزیا (مالزی)

برنئو

بانجارماسین

سلبس

پینانگ

مدان

کوالالامپور

سنگاپور

باندا آسه

سوماترا

جزایر منتاوی

جاکارتا

سمارانگ

سورابایا

جاوه

فلورس

تیمور

اندونزی

خط استوا

اقیانوس هند

جزایر چاگوس (انگلیس)

جزایر کوکوس

ویکتوریا

مدار راس الجدی

استرالیا

گیتاشناسی

جنوب غربی آسیا

مقیاس ۱:۳۲،۰۰۰،۰۰۰

کیلومتر ۵۰۰ ۴۰۰ ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰ ۰

مرزبین‌المللی

پایتخت

شهرهای مهم

سایرنقاط

راههای اصلی

اتحاد جماهیر شوروی

جمهوری خلق چین

ایران

عراق

افغانستان

پاکستان

هند

نپال

بنگلادش

سری‌لانکا

برمه

ترکیه

سوریه

لبنان

اردن

مصر

سودان

اتیوپی

جیبوتی

سومالی

یمن

یمن جنوبی

عمان

امارات متحده عربی

عربستان سعودی

کویت

دریای سیاه

دریای مدیترانه

دریای عرب

اقیانوس هند

خلیج بنگال

خلیج عدن

آنکارا

دمشق

بیروت

بغداد

تهران

کابل

اسلام‌آباد

دهلی نو

داکا

کلمبو

ریاض

کویت

صنعا

عدن

مسقط

خرطوم

آدیس‌آبابا

قاهره

عمان

قدس

آسمان نما PLANETARIUM

انواع مختلف ابزار و وسایلی را شامل می‌شود، که موقعیت سیارات، سارگان، خورشید، زمین وماه را نمایش می‌دهند. بطور کلی این وسایل بشرح زیر تقسیم بندی می‌گردد:

الف ـ یک پروژکتور مخصوص و یک سقف گنبدی بزرگ که وضعیت ستارگان و سیارات را در آسمان، بوسیله پروژکتور روی سقف مقعر نمایش می‌دهند، و شخص ناظر در درون این ساختمان، که به آن آسمان خانه می‌گویند، این تغییرات را نظاره می‌کند.

ب ـ دستگاهی است که کره‌ای به منزله خورشید، درمرکزآن قرار داشته، و گردش سیارات منظومه شمسی، از آن جمله زمین و ماه را بدور خورشید نشان می‌دهد.

پ ـ نیمکره یا کره شیشه‌ای که موقعیت ستارگان روی آن مشخص شده و خورشید و زمین و دیگر سیارات منظومه شمسی بصورت سمبلیک در میان آن نمایش داده می‌شود.

دو نوع اخیر قابل انتقال بوده و بیشتر برای مدارس و آزمایشگاهها مورد استفاده قرار می‌گیرد و نوع اول که ثابت است،در بعضی شهرهای جهان نصب گردیده و مورد استفاده همگان واقع می‌شود.

قدیمیترین آسمان‌نماها بر پشت بام کارخانه زایس نصب گردیده است. (تصویر در صفحهٔ ۱۷)

آسیا ASIA

بزرگترین قاره زمین که کلا" در نیمکره شمالی واقع است. این قاره از حدود شمال خط‌استوا شروع می‌شود و تا نقطه‌ای بفاصله ۱۲۹۰ کیلومتر از قطب شمال بطول ۸۴۸۰ کیلومتر گسترده شده و پهنه‌ای را به وسعت حدود ۴۴۰۱۰۴۱۱ کیلومتر مربع را زیر پوشش قرار داده است که تقریبا" $\frac{۱}{۳}$ خشکی‌های زمین را شامل می‌شود.

این قاره از سوی خاور به اقیانوس کبیر، از سوی جنوب به اقیانوس هند، از غرب به قاره اروپا و ازشمال به اقیانوس شمالگان محدود است و بوسیله آبراه سوئز و تنگه عدن واقع در جنوب غربی از قاره افریقا و از سوی شمال‌خاوری بوسیله تنگه برینگ از قاره امریکا جدا می‌گردد. طول خطوط ساحلی قارهٔ آسیا حدود ۵۳۰۰۰ کیلومتراست. (تصویر در صفحهٔ ۱۴-۱۵)

آسیاب کشندی TIDE MILL

(Āsiyāb-e-keshandi)

آسیابی که در دهانه یک خلیج کوچک یا یک خور قرار گرفته و بر اثر جزر و مد آب دریا به حرکت در آید.

آسیاب یخچالی MOULIN/GLACIER MILL

← تنوره یخچالی

آسیای صغیر ASIA MINOR

شبه جزیره‌ای است واقع در انتهای باختری قاره آسیا که در حال حاضر قسمت آسیایی کشور ترکیه را تشکیل می‌دهد.

شبه جزیره آسیای صغیر از شمال به دریای سیاه، از غرب به دریای اژه، از جنوب به دریای مدیترانه و از خاور به ایران و اتحاد جماهیر شوروی محدود است و بوسیله تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره از قاره اروپا جدا می‌شود.

یونانی‌ها آسیای صغیر را آناتولیا (سرزمین طلوع خورشید) می‌نامند.

آشوب TURBULENCE

حرکات نامنظم هوا در طبقات زیرین جو زمین که منجر به چرخش و تغییر جهت باد گردد. یکی از علائم این پدیده بوجود آمدن ابرهای کومولونیمبوس و رعد و برق است.

آغازینه شناسی PROTISTOLOGY

(Āghāzineh shenāsi)

بررسی سازواره‌های تک یاخته، مانند جلبک‌ها، آغازیان، باکتری‌ها و غیره. بطور کلی، شاخه‌ای است از جانورشناسی که آغازیان را بررسی می‌کند.

آغر *(Āghar)* DRY RIVER

خشکرود و یا مسیلی که پس‌ازگذشتن سیلاب در پاره‌ای جاهای آن اندکی آب باقی مانده باشد.

آغل SHEEP FOLD

جایی در کوه که برای خوابیدن احشام درست کرده باشند.

آفتاب SUNSHINE

نوری که مستقیما" از کره خورشید به زمین می‌تابد و اشیاء روی زمین را قابل دیدن می‌سازد آفتاب یا تشعشع خورشیدی نام دارد.

این نور ترکیبی است از نورهای گوناگون که در حد فاصل نور قرمز و نور بنفش قرار گرفته‌اند. در هواشناسی مدت تابش نور خورشیدی را بر حسب ساعت اندازه می‌گیرند. نورهای ماوراء بنفش خورشید که قابل دیدن نیستند از نظر دانش پزشکی و درمان پاره‌ای بیماریها فوق‌العاده حائز اهمیت هستند.

آفتاب رو SUNLIT

← آفتابگیر

آفتاب زدگی SUNSTROKE

بیماری‌ای که بر اثر تابش‌آفتاب یا گرمای شدید بوجود می‌آید.

این بیماری غالبا" با اغمای شدید و تنفس سخت و نبض تند و تب زیاد همراه است . علت این بیماری اختلال عمل مراکز تنظیم کننده حرارت و تلف شدن نمک رطوبات بدن در اثر تعریق شدید است .

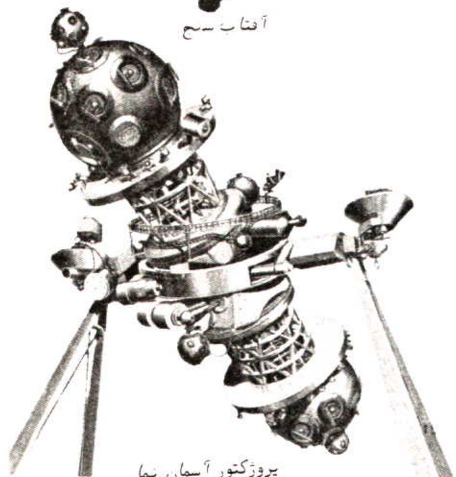
آفتاب سنج SUNSHINE RECORDER

دستگاهی که مدت تابش روزانه نور خورشید را اندازه‌گیری می‌کند . این دستگاه عبارتست از یک عدسی که درون یک قاب تعبیه شده و در فاصله کانونی آن نوار کاغذی مدرجی در حرکت است که بر اثر تابش نور خورشید متاثر شده و خط سوخته‌ای از خود به جای می‌گذارد . با توجه به تقسیم‌بندی‌های نوار مزبور و درازای خط سوخته زمان تابش روزانه نور خورشید اندازه‌گیری می‌شود .

نورگیرترین ناحیه زمین محلی است بنام حلوان در مصر که تعداد ساعات تابش سالیانه نور خورشید ۳۶۶۸ ساعت یا ۸۲ درصد است . در حالیکه ناحیه‌ای بنام والنتیا در ایرلند شمالی متوسط تابش روزانه آن ۱/۳ ساعت یا ۱۷ درصد می‌باشد .



آفتاب سنج



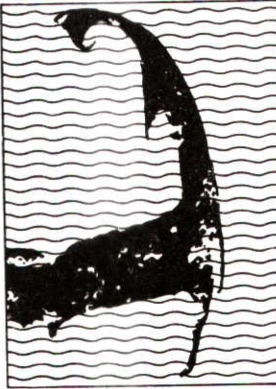
پروژکتور آسمان نما

آفتابگیر SUNLIT

جایی که آفتاب بر آن می‌تابد .

آکج *(Ākaj)* HOOK

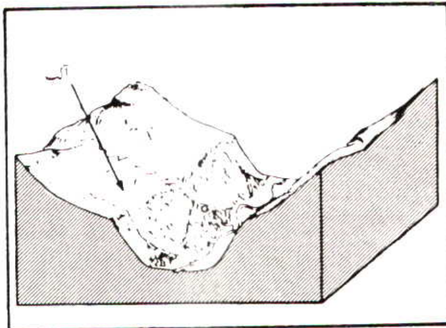
دماغه‌ای که انتهای آن بشکل قلاب قوس‌برداشته‌باشد . این عارضه بدلیل عمل امواج آب و غلطانیدن مواد به آن سوی دماغه پدید می‌آید .



آکج

آلپ ALP

دامنه کوهی که با شیب ملایم به لبه یک دره یخچالی U شکل منتهی گردد . این گونه زمین‌ها که معمولا" ارتفاع زیادی دارند ، در زمستان غالبا" از برف پوشیده شده و چراگاه مناسبی را در تابستان بوجود می‌آورند و گاه برای ورزش‌های زمستانی مانند اسکی روی برف بکار می‌روند .



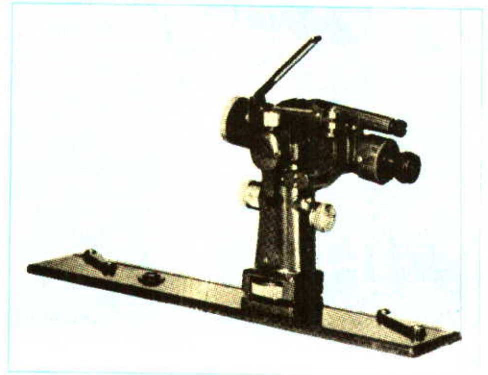
آلپ

آلومینیوم ALUMINIUM

فلزی است سفید رنگ و نقره فام با علامت شیمیایی Al که حرارت و برق را بخوبی هدایت می‌کند . این فلز بسیار سبک

است و در ساختمان وسایل هوانوردی چون هواپیما و هلی‌کوپتر و مانند آن مورد استعمال فراوان دارد.
آلومینیوم قابل مفتول شدن و تورق است و کشش زیادی را تحمل می‌کند و در طبیعت بحالت ترکیب فراوان است.
منبع مهم استخراج آلومینیوم بوکسیت نام دارد.
فلز آلومینیوم در ۶۶۰ درجه حرارت ذوب می‌گردد و چون در هوای آزاد سطحش از یک لایه نازک اکسید آلومینیوم (Al_2O_3) پوشیده می‌شود، از این رو از تباهی بقیه جلوگیری کرده و جزو فلزات فساد ناپذیر بشمار می‌آید.

آلیداد ALIDADE
نوعی دستگاه نقشه‌برداری و یا قسمتی از پاره‌ای وسایل نقشه‌برداری مانند تئودولیت که شامل اجزایی برای نشانه‌روی (شیئی و چشمی) و قرائت و اندازه‌گیری زوایاست.


آلیداد

آمار STATISTICS
مجموعه‌ٔ داده‌های عددی مربوط به یک موضوع (معمولا "مهم) مانند جمعیت، متوفیات، میزان تجارت داخلی یا خارجی، دما یا بارش ماهیانه، و غیره. علم آمار، علم و فن فراهم کردن داده‌های کمّی و تحلیل آنها است به منظور بدست آوردن نتایجی که اگرچه احتمالی می‌باشند، در خور اعتماد می‌باشند.

آمازون AMAZON
عظیم‌ترین و پر آب‌ترین رود کره زمین که در امریکای جنوبی واقع است. این رودخانه از کوههای آند در کشور پرو سر ـ چشمه می‌گیرد و پس از عبور از برزیل به اقیانوس اطلس می‌ریزد.
طول رودخانه آمازون با شاخه مهم آن یعنی رود مارانیون ۴۸۲۸ کیلومتر و با رود اوکایالی ۶۶۹۵ کیلومتر است و تمام شبکه‌های آن قابل کشتیرانی است.
حجم آبی که این رودخانه به اقیانوس اطلس می‌ریزد آنچنان عظیم است که آب اقیانوس تا کیلومتر ۶۵ از ساحل شیرین است.
آمازون را در سال ۱۵۰۰ میلادی مردی از اسپانیا به نام و.ی. پینشون کشف کرد و اورلیانا و.پ. تیشیرا آن را در خلال سال‌های ۱۵۴۰ تا ۱۶۴۰ پیمودند.
واژه آمازون احتمالا" از لفظ بومی آموسونا (نابود کننده قایق‌ها) اقتباس شده است.

آمایش سرزمینی REGIONAL DEVELOPMENT
(Āmāyesh-e-sarzamini)
یا عمران منطقه‌ای به این معنی است که در قلمروی کم و بیش وسیع، سازمانی داده شود که به کمک تجهیزات متناسب، آبادانی جامع بعمل آید. این آبادانی با استفادهٔ عاقلانه از نیروی انسانی محلی و از ذخایر و ثروتهای طبیعی برای بر طرف ساختن نیازمندی‌های انسانی جمعیت ساکن محل انجام می‌یابد.

آمفیبول AMPHIBOLE
سنگی است از عناصر اصلی سنگهای آذرین که مواد ترکیب ـ کننده آن عبارت است از سیلیکاتهای قلیایی (کلسیم و منیزیم) و سیلیکاتهای آهن و منگنز.

آمونیاک AMMONIA
گاز تند و بی رنگی که از یک اتم‌نیتروژن و سه اتم ئیدرژن با فرمول NH_3 ترکیب یافته و در آب بخوبی حل می‌شود این گاز در دمای ۳۳/۴ ـ درجه سانتیگراد و فشار معمولی به حالت مایع و در دمای ۷۸ ـ درجه سانتیگراد به حالت جامد در می‌آید و محلولش خاصیت بازی دارد.

آنارشی ANARCHY
کشوری که فاقد حکومت و یا قانون باشد و همچنین به جامعه‌ای که در آن بی نظمی و هرج و مرج حکمفرماست نیز گفته می‌شود.

آنتراسیت ANTHRACITE
زغال سنگ سخت و براق و مرغوبی که کمترین میزان آب را دارا بوده و در عین حال حاوی عالی‌ترین نوع کربن باشد. این گونه زغال سنگ‌ها معمولا" نهایی‌ترین مرحله دگرگونی مواد گیاهی به زغال را طی کرده‌اند.

آوار DEBRIS
توده‌ای سطحی از شن و ماسه و خاک رس که از محل اصلی

خود رانده شده و در محل دیگری بصورت نهشت انباشته شده باشد .

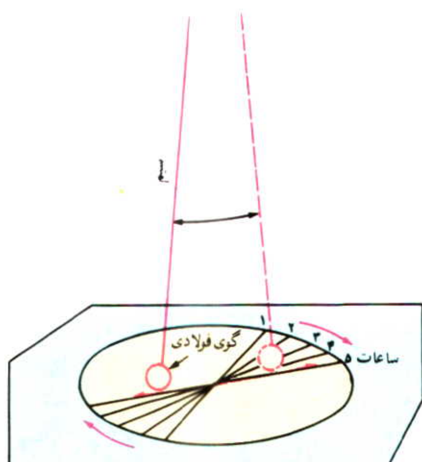
آوارگی قطبی POLAR WANDERING
← فرضیه آوارگی قطبین

آوره *(Āvrah)* CANAL
← آبراهه

آوریل APRIL
← ماههای اروپائی

آونگ PENDULUM
آونگ عبارت از وزنه‌ای است که به انتهای ریسمانی که سر دیگرش در نقطه‌ای ثابت است آویخته شده و می‌تواند در حول نقطه مزبور حرکت متناوب کند و باصطلاح نوسان نماید. نوسان‌های یک آونگ همزمان هستند و مدت یک نوسان را دوره نوسان آونگ می‌گویند آونگ را هویگنس در سال ۱۶۷۳ برای تنظیم کار ساعت بکار برد .
فوکو فیزیک‌دان فرانسوی در سال ۱۸۵۱ در پاریس آونگ بسیار درازی را برای اثبات چرخش زمین بکار برد .
← آونگ فوکو
از آونگ برای تنظیم کار پاره‌ای دستگاهها ، اندازه‌گیری شتاب ثقل ، ثبت جهت زمین لرزه و غیره استفاده می‌شود .

آونگ فوکو FOUCAULT'S PENDULUM
آونگ فوکو عبارت از گوی فلزی سنگین وزنی است که به وسیله ریسمان بلندی از سقف آویخته شده و همواره در امتداد سمت معین و ثابتی نوسان می‌کند . مسیر نوسان این آونگ تحت تاثیر چرخش زمین به آرامی تغییر جهت داده و پس از یک دور کامل دوباره به جای نخستین باز می‌گردد . آزمایش‌های انجام شده نشان داده است که یک دور کامل جابجائی مسیر این آونگ در قطب ۲۴ ساعت ، در عرض جغرافیائی ۵۰ درجه ۳۱ ساعت و در روی استواء برابر صفر است . به عبارت دیگر میزان جابجائی آونگ بستگی به سینوس عرض جغرافیائی داشته و مقدار آن در هر ساعت از فرمول $V=15 \times \sin \theta$ بدست می‌آید ، که در این فرمول V میزان جابجائی و θ عرض جغرافیائی است . آونگ فوکو نخستین بار در سال ۱۸۵۱ بوسیله L. Foucault ابداع گردیده است .
توجه ــ یک دور گردش کامل آونگ فوکو در تهران حدود ۴۱ ساعت و ۵ دقیقه بطول می‌انجامد . (عرض جغرافیائی متوسط شهر تهران ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه انتخاب شده است) .



آونگ فوکو

آهک LIME
اکسید کلسیم و یا آهک زنده جسمی است جامد و سفید و بی شکل که از حرارت دادن سنگ آهک بدست می‌آید .

آهکتود *(Āhaktud)* HUM
توده کوچکی از سنگهای آهکی که به دلیل مقاومت در برابر فرسایش نسبت به زمین‌های اطراف مرتفع تر باشد .
همچنین به مفهوم باقیمانده سنگهای آهکی که در برابر آب بتدریج حل شده و از میان رفته‌اند نیز بکار می‌رود .

آهکرس *(Āhakros)* MARL
خاک رسی که حداقل با ۱۵ در صد کربنات کلسیم مخلوط شده باشد .
از آهکرس به عنوان کود و برای اصلاح میزان اسیدی خاک استفاده می‌شود .

آهکین *(Āhakin)* CRETACEOUS
← کرتاسه

آهن IRON
فلزی است با علامت شیمیائی Fe به‌رنگ سفید که در طبیعت غالبا" بشکل اکسید یا کربنات و یا سولفور وجود دارد .
وزن مخصوص آهن ۷/۸ و در ۱۵۳۰ درجه حرارت گداخته می‌شود .
آهن‌ربا این فلز را بخود جذب می‌کند و به‌آسانی زنگ میزند .
این فلز از جهت فراوانی چهارمین عنصر است و حدود ۵ درصد پوسته زمین را تشکیل می‌دهد .

آهنربائی MAGNETISM
یا پدیده مغناطیسی عبارت از نیرویی است که بطور طبیعی در یکی از سنگهای آهن که نخستین بار در شهر ماگنزیا پیدا شد وجود دارد. نیروی موجود در این گونه سنگها ذرات آهن را بخود جذب می‌کند. اثر جذب در دو نقطه معین قوی‌تر از سایر نقاط است که آن‌ها را قطب‌های مغناطیس می‌نامند.
پدیده‌های مغناطیس در اثر نیروهای موجود بین بارهای متحرک الکتریکی بوجود می‌آید. چون الکترونها دارای گردش بدور هسته و چرخش بدور خویش هستند لذا می‌توان پذیرفت که کلیه اتم‌ها دارای خاصیت آهنربایی باشند.
هر بار متحرک در پیرامون خود چیزی بوجود می‌آورد که به آن میدان آهنربایی می‌گویند.

آهنربائی زمین TERRESTRIAL MAGNETISM
خاصیت آهنربایی زمین، که به موجب آن، کره‌زمین همانند آهنربای عظیمی، با دو قطب مغناطیسی شمال و جنوب عمل می‌کند. در نتیجه این خاصیت عقربه مغناطیسی تحت تاثیر قرار گرفته و نوک شمالی آن تقریباً" متوجه قطب شمال کره زمین می‌گردد. جهاتی را که نوکهای شمال و جنوب عقربه مغناطیس نشان می‌دهد قطبهای شمال و جنوب مغناطیسی می‌نامند.

آیش *(Āyesh)* FALLOW
عمل رها ساختن زمین قابل کشت، برای یک یا چند فصل زراعی، به منظور تامین مواد غذائی لازم برای کشت بعدی.

ائوسن EOCENE
نخستین دوره از دوران نوزیوی (کاینوزوئیک) یا دوران سوم زمین شناسی مربوط به ۷۰ تا ۴۰ میلیون سال پیش.
در این دوره فعالیت آتشفشانی شدید بوده و پهنه‌های بسیاری از گدازه‌های آتشفشانی این دوره پوشیده شده است.
← ازمنه زمین شناسی

ابر *(Abr)* CLOUD
توده‌ای از ذرات خیلی ریزآب به‌قطر ۰/۰۲ تا ۰/۰۶ میلیمتر که گاه یخ بسته و اغلب با گرد و غبار و دود و سایر مواد موجود در جو همراه بوده و دارای بار الکتریسیته منفی است.
توده‌های ابر که در واقع از بخار آب تشکیل یافته‌اند در ارتفاعات گوناگونی از سطح دریا و بصورت معلق در فضا قرار گرفته و بر حسب بلندی آنها از سطح زمین بشرح زیر تقسیم می‌گردند:
الف ــ ابرهای کوتاه: از سطح زمین تا ارتفاع ۲۴۰۰ متر.
ب ــ ابرهای متوسط: از ۲۴۰۰ متر تا ۶۰۰۰ متر.
پ ــ ابرهای بلند: از ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ متر.
ابرها از نظر شکل نیز بدسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:
الف ــ رشته‌ای یا ابر سیروس
ب ــ خرمنی یا گلوله‌ای که به آن کومولوس می‌گویند.
پ ــ پرده‌ای یا پوسته‌ای که به آن استراتوس می‌گویند.
بطور کلی ابرهای سه گانه فوق را با افزودن کلمه آلتو از نظر ارتفاع و نیمبوس از نظر باران‌زائی به ده نوع متمایز طبقه‌بندی می‌نمایند.
انواع دیگر ابرها عبارتند از ابرهای عدسی شکل، ابرهای کنگره‌ای، ابرهای پستانی و گونه‌های بسیار دیگر.
مقدار و میزان پوشش ابرها را بر حسب نسبت پوشش سطح آسمان بیان می‌دارند و آن را روی نقشه‌های ویژه‌ای نمایش می‌دهند و مناطقی را که از نظر نسبت پوشش با هم برابر باشند بوسیله خطوطی به یکدیگر متصل می‌سازند و به‌خطوط مزبور ایزونف یا خطوط هم ابر می‌گویند.
پر ابرترین مناطق روی زمین نواحی باختری عرض متوسط قاره‌ها و همچنین مناطق استوائی است و بر عکس کم ابرترین نواحی زمین مناطق کویری گرم و قسمت‌های درونی قاره‌ها و همچنین مناطق مدیترانه‌ای در فصلهای گرم است.
(تصویر در صفحه ۲۲)

ابر آلتو استراتوس ALTOSTRATUS
نوعی ابر پرده مانند که بصورت گسترده‌ای در آسمان دیده می‌شود. اینگونه ابرها گاه نازک و زمانی آنچنان ضخیم و انبوه هستند که خورشید یا ماه در پس آنها ناپدید شده و از چشم پنهان می‌گردد. ولی معمولاً" نور خورشید یا ماه از آنها عبور می‌کند. نوع انبوه و ضخیم این گونه ابرها با بارندگی مداومی همراه است.
علامت اختصاری این ابر (A.s) است.

ابر آلتو کومولوس ALTOCUMULUS
نوعی ابر که از یک توده کوچک و نسبتاً" نازک تشکیل یافته است. اینگونه ابرها معمولاً" بصورت تکه‌های گلوله‌ای شکل پراکنده و یا کنار هم در آسمان دیده می‌شوند. علامت اختصاری این ابر (Ac.) است.

ابر آلودگی CLOUDINESS
نسبت پوشش و ابری بودن آسمان که به ده درجه تقسیم می‌گردد. در این درجه‌بندی صفر معرف آسمان صاف و بدون ابر و درجه ده نمایانگر آسمان کاملاً" ابری است.

ابر استراتوس STRATUS
ابر یکنواخت رقیق و نازکی که دارای رنگ خاکستری بوده و

ارتفاع آن گاه تا ۲۴۰۰ متری سطح زمین می‌رسد. این گونه ابرها معمولاً باران‌زا نیستند. علامت اختصاری این ابر (S.t) است.

ابر استراتوکومولوس STRATOCUMULUS

ابر یکنواخت و سنگینی که از توده ابرهای کروی خاکستری تیره تشکیل یافته باشد. ارتفاع این ابر معمولاً بیشتر از ۲۴۰۰ متر است.
علامت اختصاری این ابر (S.c) است.

ابر سیروس CIRRUS

نوعی ابر مرتفع نازک و رشته‌مانندی که بصورت لکه‌های کوچک و بزرگ در آسمان دیده می‌شود. این گونه ابرها که ارتفاعشان بین ۶۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ متر است (۲۰ تا ۴۰ هزار پا)، حاوی یخ ریزه‌های سوزنی شکل فوق‌العاده ظریفی هستند که اغلب به محض برخورد با آفتاب و حتی گاه بر اثر تابش مهتاب، به بخار آب تبدیل شده و معرف هوای آرام و مطلوبی هستند، ولی چنانچه بر ضخامت آنها افزوده شده و به ابر سیروستراتوس تبدیل شوند نمایانگر افت احتمالی فشار جو خواهند بود. کشیدگی و طویل شدن رشته‌های این گونه ابر معرف باد شدید در طبقات بالای جو است. علامت اختصاری این ابر (C.i) است.

ابر سیروستراتوس CIRROSTRATUS

لایه شیری رنگ یکنواختی از ابرهای بلند که ارتفاع آن گاه تا ۶۰۰۰ متر (۲۰۰۰۰ پا) می‌رسد و خورشید از وراء آن به شکل هاله‌ای نورانی دیده می‌شود. این گونه ابرها که معمولاً پیشاهنگ حرکت جبهه‌های گرمی هستند در آغاز دارای ضخامت کمی بوده و ممکن است بتدریج بر کلفتی آن افزوده شده و به نوع آلتواستراتوس تبدیل گردد. علامت اختصاری این نوع ابر (Cs.) است.

ابر سیروکومولوس CIRROCUMULUS

نوعی ابر بلند که معمولاً حاوی بلورهای یخی بوده و ظاهراً بشکل زنجیره‌ای یا انبوهی از توده‌های مواج کروی شکل دیده می‌شود. غالباً زمینه آبی آسمان از میان توده ابرهای مزبور که گاه ارتفاع آنها به ۶۰۰۰ متر یا ۲۰۰۰۰ پا می‌رسد به چشم می‌خورد علامت اختصاری این ابر (C.c) است.

ابر شبتاب *(A-e-shabtāb)* NOCTILUCENT CLOUD

ابر سفید نقره فام مایل به آبی درخشانی که هنگام عصر یا غروب روزهای تابستان در ارتفاع ۵۰ تا ۸۰ کیلومتری زمین به چشم می‌خورد. پاره‌ای از دانشمندان بر این گمانند که این ابر از غبارهای کیهانی پدید می‌آید و دسته‌ای دیگر بلورهای ریز یخ موجود در لایه‌های بالای جو را پدید آورنده آن دانسته‌اند.

ابر صوتی *(A-e-sowti)* SUPERSONIC

← دیوار صوتی

ابر کومولوس CUMULUS

ابری است که قسمت‌های زیرین آن پهن و گسترده بوده و به صورت ستونی مرتفع که سر آن گنبدی یا کروی سفید رنگی است در آسمان دیده می‌شود.
پاره‌ای از این ابرها به نوع کومولونیمبوس تبدیل می‌گردند.
این ابر را با علامت اختصاری (Cu.) نمایش می‌دهند.

ابر کومولونیمبوس CUMULONIMBUS

ابری از نوع کومولوس که به ارتفاع ۱۰ تا ۱۱ کیلومتر از سطح زمین بالا رفته باشد. قسمتهای بالائی این گونه ابرها غالباً بصورت سندان بزرگی در آمده و با رعد و برق و بارانهای سیل آسا همراه است. رنگ این ابرها از پهلو خیلی سفید و از زیر تقریباً سیاه است. این ابرها را با علامت اختصاری (Cb.) نمایش می‌دهند.

ابر ماماتوس MAMMATUS

گونه‌ای ابر، که بشکل پستان بوده و بر اثر انتقال گرما و صعود ابرهای رعدزا، پدید می‌آید.

ابرناک *(A - nāk)* OVERCAST

آسمانی که کاملاً از ابر پوشیده شده باشد. این اصطلاح بیشتر در فن هواشناسی بکار می‌رود.

ابر نما *(A - namā)* NEPHOSCOPE

دستگاهی است که برای اندازه‌گیری سرعت و جهت حرکت ابر بکار می‌رود.

ابر نواختران *(Abar now akhtarān)* SUPER NOVA

ستارگانی هستند از گونه نواختران با درخشندگی حدود ۱۰۰۰۰۰ برابر نواختران عادی. ستاره تیکوبراهه از جمله ابر نواخترانی است که در سال ۱۵۷۲ در کهکشان راه شیری ظاهر شد و دیگری ستاره کپلر است که درسال ۱۶۰۴ پدیدار گردید. ظاهراً هر هزار سال سه ابر نواختر در کهکشان ما ظاهر می‌شود.

ابر نیمبواستراتوس NIMBOSTRATUS

ابر ضخیم کم ارتفاعی که موجب ریزش باران یا برف دنباله‌دار گردد. رنگ این ابر خاکستری تیره بوده و بافت سراسری آن


سیروکومولوس


سیرواستراتوس


سیروس

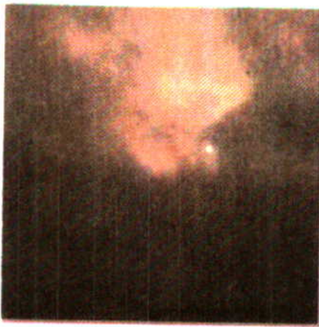

نیمبواستراتوس

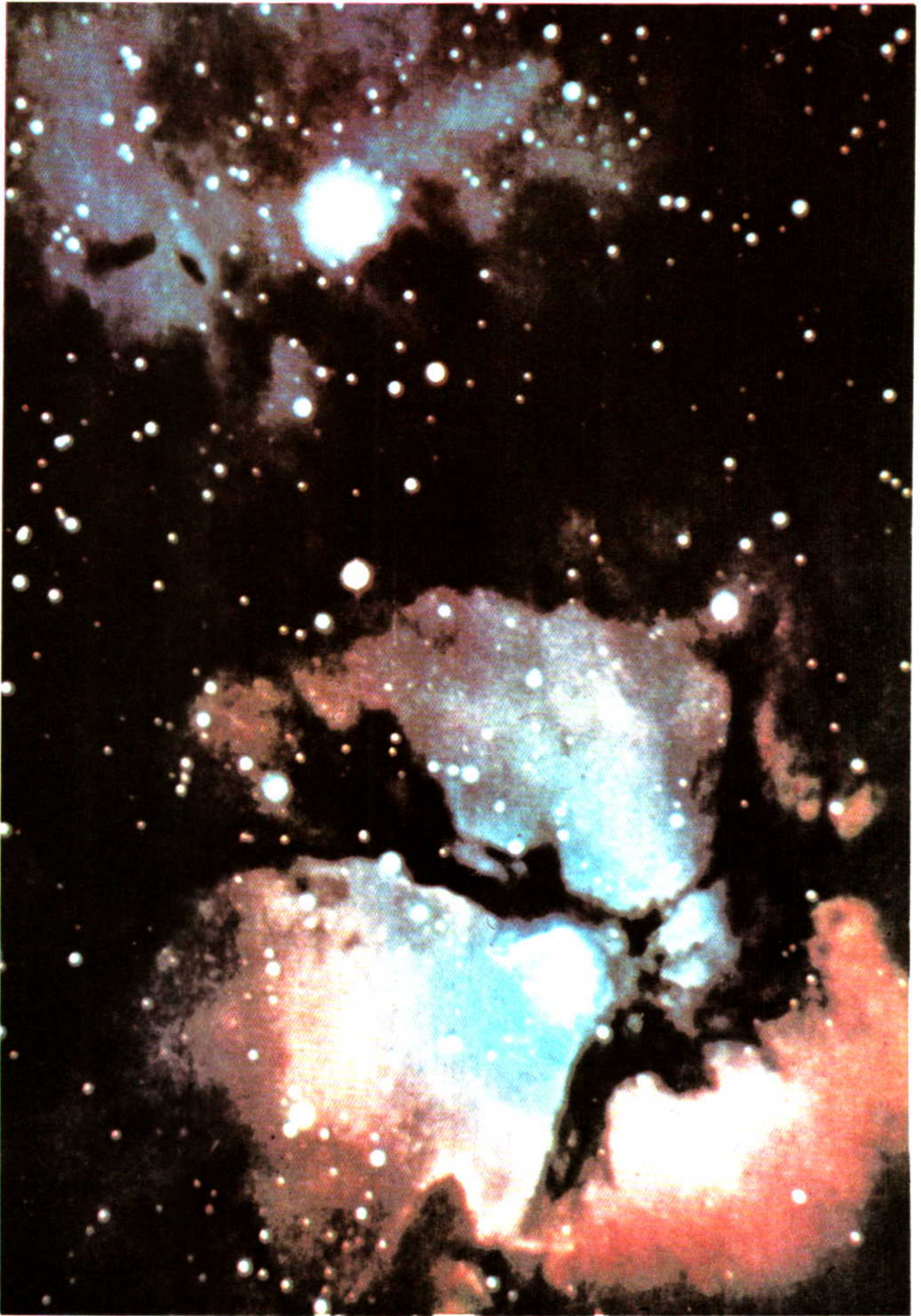

آلتوکومولوس


آلتواستراتوس


کومولونیمبوس


کومولوس


استراتوس



ابری ها

تقریباً" یکسان و یکنواخت است. علامت اختصاری این ابر (N.s) است.

ابر نیمبوس NIMBUS

واژه کلی برای ابرهای باران‌زا، که همراه با انواع ابرها، به صورت پسوند بکار می‌رود. مانند ابر کومولونیمبوس.

ابریشم SILK

رشته‌ی نازک شاخی شفاف و مایل به زردی که کرم ابریشم به صورت پیله به دور خود می‌تند.

کرم ابریشم معمولی نوزاد حشره‌ای است به نام علمی (بومبوکس موری) که از برگ توت تغذیه می‌کند. یک پیله از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ متر رشته‌ی ابریشم تشکیل یافته است.

ابرها *(Abrihā)* NEBULAE

توده‌های ابری شکلی که در بخش‌های مختلف آسمان دیده می‌شود. تا زمانی که تجزیه طیفی و عکسبرداری از آسمان انجام نشده بود، دانشمندان بر این گمان بودند که ابری‌ها توده‌هایی از ستارگان هستند. پس از بررسی طیف ابری‌ها (سال ۱۸۶۴) اینطور نتیجه‌گیری شد که ابری‌ها از گازهای درخشانی پدید آمده‌اند. ابری‌ها بر سه گونه‌اند: ابری‌های سیاره‌ای، ابری‌های گسترده روشن و ابری‌های گسترده تاریک. ابری‌های سیاره‌ای از یک پوسته گازی و یک ستاره مرکزی درخشان تشکیل یافته، ابری‌های گسترده روشن از تنوع بسیاری برخوردارند و همانند پرده گسترده نامنظمی به نظر می‌آیند. و ابری‌های گسترده تاریک از توده ماده‌های کدری که نور ستارگان را متوقف می‌سازند پدید آمده‌اند.

مطالعاتی که طی سال‌های اخیر روی ابری‌ها بعمل آمده است، نشان می‌دهد که ابری‌ها با سرعت بسیار از زمین دور می‌شوند. این وضعیت موئید نظریه جهان انبساطی است.

← جهان انبساطی (تصویر در صفحه ۲۳)

ابلیز *(Ebliz)* LOAM SOIL

خاکی که از مخلوط شدن شن، رس، گل و لای و خاکهای گیاهی (گیاخاک) بوجود آمده باشد.

اتحادیه UNION

اجتماعی که برای دفاع از منافع اقتصادی مشترک تشکیل میشود. به عبارت دیگر، اتحادیه یک نوعی از روابط اجتماعی است که از لحاظ خارجی بسته و یا به نحوی محدود تنظیم شده‌است ترتیب نظم داخلی اتحادیه توسط افراد معینی که رفتارشان بستگی به آن دارد به عمل در می‌آید.

اتحادیه عرب ARAB LEAGUE

اتحادیه‌ای که در سال ۱۹۴۵ میان دولت‌های اردن هاشمی، سوریه، عراق، عربستان سعودی، مصر و یمن در قاهره تشکیل شد و بعدها لیبی در سال ۱۹۵۳، سودان در سال ۱۹۵۶، تونس و مراکش در سال ۱۹۵۸ به آن پیوستند.

هدف این اتحادیه حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو وایجاد روابط تعاونی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان آنهاست اتحادیه عرب در سال ۱۹۵۸ توسط سازمان ملل متحد به عنوان یک اتحادیه محلی شناخته شد.

مرکز اتحادیه عرب از سال ۱۹۵۷ در قاهره است.

اتحادیه گمرکی CUSTOMS UNION

اتحادیه‌ای میان دو یا چند کشور که بر اساس آن از یک تعرفه مشترک گمرکی استفاده می‌شود. مانند اتحادیه گمرکی بازار مشترک اروپا.

اتر ETHER

سیالی است شفاف و تراکم ناپذیر.

در قرن ۱۹ میلادی تمام فضا را مملو از اتر می‌دانستند و آنرا وسیله انتقال نور می‌پنداشتند. ولی بعداً معلوم شد که نور پدیده‌ای است موجی که حتی در خلاء نیز فعال است.

با نظریه نسبیت اینشتین نظریه اتر متروک گردید.

اتم ATOM

کوچکترین جزئی از یک عنصر شیمیائی که دارای خواص شیمیائی مشخص همان عنصر باشد. اتم در واقع شیئی است مرکب که از ذراتی بنام الکترون با بار الکتریکی منفی، پروتون با بار الکتریکی مثبت و نوترون با بار الکتریکی خنثی ترکیب یافته است. هر اتم از یک قسمت مرکزی بنام هسته که پروتون‌ها در آن متمرکز شده و بالطبع دارای بار الکتریکی مثبت است تشکیل یافته و الکترون‌ها بدور آن در گردشند و در واقع یک پوسته الکترونی بدور آن پدید آورده‌اند. الکترون‌ها تحت تاثیر جاذبه هسته اتم هستند و هر قدر الکترونی از هسته دورتر باشد پیوندش با آن سست‌تر است و با صرف انرژی کمتری می‌توان آن را از هسته جدا نمود.

اتمسفر ATMOSPHERE

← جو

اتوبان AUTOBAHN

← شاهراه و آزادراه

اثر گرمخانه GREEN HOUSE EFFECT

تاثیر خور تابگیری جو زمین که موجب عبور موج کوتاه انرژی خورشیدی به سطح زمین گشته و آن را گرم می‌کند. باید توجه داشت که قسمت اعظم این انرژی توسط موج بلند تشعشی زمین بویژه هنگامی که آسمان ابری باشد جذب می‌گردد. جو

زمین در واقع نقش شیشه گرمخانه زمین را بر عهده دارد .

اثیر *(Asir)* ETHER

← اتر

احیاء جنگل REFORESTATION

درختکاری مجدد در منطقه‌ای که قبلا" جنگل بوده و درختهای آن بدلایلی مانند آتش سوزی و یا پاکسازی و اصلاح از میان رفته باشد .

احیاء زمین RECLAMATION OF LAND

عملی که به اصلاح و آبادی یک زمین بایر ، و یا قابل کشت نمودن آن منجر گردد . این کار به یکی از طرق زیر صورت می‌گیرد :

الف ــ زهکشی زمینهائی که بطور فصلی تحت طغیان سیلاب قرار می‌گیرند .

ب ــ زهکشی باتلاقها و مردابها .

پ ــ دیواره‌سازی و زهکشی اراضی ساحلی .

ت ــ اصلاح خارزارها با زدودن بته‌های خار و غیره .

ث ــ پاکسازی اراضی جنگلی .

ج ــ احداث شبکه‌های آبیاری .

احیاءموات

احیاء زمین‌های بی صاحب و رها شده‌ای که کشت و زرع در آن‌ها نباشد. طبق شرع اسلام اگر کسی زمین مواتی را آباد کند ، در تحت شرایطی مالک آن خواهد بود .

اختر STAR

ستاره ← ستارگان

اختلاف منظر PARALLAX

← دیدگشت

اخگرهای آتشفشانی VOLCANIC CINDER

سنگریزه‌هائی که به صورت مواد گداخته از دهانه آتشفشان خارج شده و پس از سرد و سخت شدن مخروط هائی از خود به جای می‌گذارند . اندازه اخگرهای آتشفشانی معمولا" یک نخود یعنی حدود ۳ تا ۵ میلی متر است .

ارتفاع ALTITUDE

الف ــ فاصله قائم هر نقطه یا هر سطح نسبت به سطح متوسط آبهای آزاد که معمولا" بر حسب واحدهای متریک اندازه‌گیری می شود .

ب ــ فاصله زاویه‌ای هر نقطه نسبت به سطح افق و یا به عبارت دیگر قوسی از دایره قائم میان جرم آسمانی و سطح افق که معمولا" بر حسب واحدهای قوسی مانند درجه و یا گراد اندازه‌گیری می شود .

ارتفاع سنج ALTIMETER

دستگاهی که برای تعیین ارتفاع نقاط نسبت به سطح دریا و یا تعیین ارتفاع هواپیما از سطح زمین بکار می‌رود .

اردو ORDU

از زبان‌های هندی متعلق به دسته‌ی هند و ایرانی . از ریشهٔ هند و اروپائی ، که اکنون زبان رسمی پاکستان است .

این زبان که قویا" تحت تاثیر زبان و ادبیات فارسی است مخلوطی است از زبان‌های فارسی ، هندی ، عربی و انگلیسی .

اردوال *(Ardavāl)* SCHIST

سنگی که بر اثر حرارت و فشار به آسانی ورقه ورقه شود .

اردوال سنگی است رستی دگرگون که دارای بلورهای نسبتا" درشت و ورقه‌ای می‌باشد . واژه اردوال لفظ محلی حوالی گلپایگان و اراک برای این گونه سنگها است .

اردیبهشت

از واژه پهلوی Urt vahisht به معنی بهترین راستی و نام یکی از امشاسپندان و نماینده‌پاکی و تقدس و قانون ایزدی نام دومین ماه سال خورشیدی در تقویم رسمی ایران و روز سوم از هر ماه ایرانی .

واژه اردیبهشت جزو نام ماهها و روزهای سال در تقویم اوستائی معمول بعد از اسلام عینا" بهمین شکل ضبط شده و بعدها در تقویم جلالی و بالاخره در سال ۱۳۰۴ هجری خورشیدی در تقویم ایران رسمیت یافته است .

ارز FOREIGN CURRENCY

ارز قیمت پول رایج خارجی به واحد پول داخلی است .

پول رایج داخلی یک کشور در بازار بین المللی بهای معینی دارد و با حساب معینی خرید و فروش می‌شود .

ارز دو نوع است : ارز آزاد و ارز مشروط.

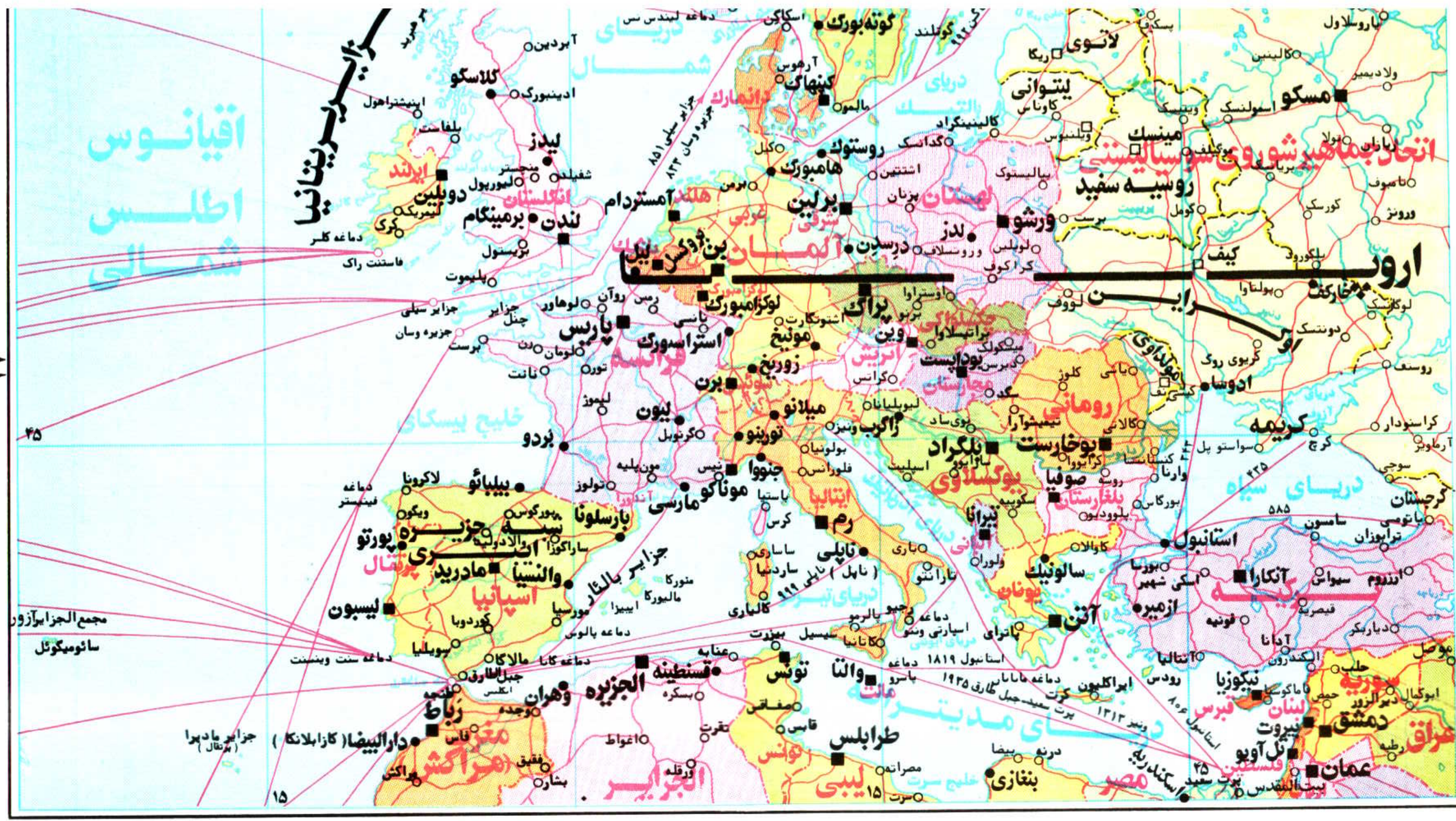
ارز آزاد ، در اثر عرضه و تقاضا در بورسهای پولی بوجود می‌آید ، حال آنکه ارز مشروط وابسته به اقدام دولت مربوطه است و بدین ترتیب هر دولت خود را موظف می‌دارد که پولهای خارجی را به قیمتی معین خریداری نماید و یا پول کشور خود را به قیمت تعیین شده‌ای به فروش برساند .

ارزن MILLET

یکی از دانه‌های خوراکی که بیشتر در مناطق گرمسیر و نیمه گرمسیر جایی که آب کافی وجود نداشته باشد و یا جنس خاک



اروپا
نقشه سیاسی
مقیاس ۱:۳۵ ۰۰۰ ۰۰۰
پایتخت
مرکزایالت
شهرمهم
سایرشهرها
مرزبین المللی
مرزایالت
راه اصلی
خطوط کشتیرانی
اقیانوس منجمد شمالی
دریای نروژ
تنگه دانمارک
مدارقطبی شمال
نصف النهار مبدأ (گرینیچ)
گروئنلند
(دانمارک)
سرزمین کریستین دهم
جزیره کلاورینگ
جزیره جئوگرافیکال سوسایتی
جزیره ترایل
اسکورسبی سوند
ایسلند
ریکیاویک
کفلاویک
ویک
بودا ردالور
ایسافیوردور
کوپاسکر
آکوریری
سیدیسفیوردور
یان‌ماین
(نروژ)
بیورنویا
جزایر فاروئه
(دانمارک)
جزایر شتلند
نیویورک - آرخانگلسک ۴۲۲۰
نیویورک-مورمانسک ۲۸۴۴ -آرخانگلسک ۴۲۱۶
آرخانگلسک - اسکاگن ۱۷۶۸
مورمانسک - اسکاگن ۱۳۹۵
تورنیو - اسکاگن ۱۱۳۷
دماغه شمال
هامرفست
آلتا
ترومسو
جزایر وسترالن
جزایر لوفوتن
بودو
مویرانا
نامسوس
تروندهیم
آلسوند
برگن
اسلو
نروژ
سوئد
فنلاند
لاپلند
شبه جزیره اسکاندیناوی
شبه جزیره کولا
کیرکنس
مورمانسک
ایوالو
کیرونا
روانیمی
یلو
تورنیو
لولئو
اولو
اومئو
اوسترسوند
سوندسوال
سوئالند
گوله
اوپسالا
واسا
کوپیو
تامپره
پوری
لاتی
تورکو
اولند
هلسینکی
پتروزاوودسک
آرخانگلسک
سورود ویسک
دریای سفید
ولسک


اروپا
اقیانوس اطلس شمالی
جزایر بریتانیا
ایرلند
دوبلین
انگلستان
لندن
برمینگام
لیدز
گلاسکو
دریای شمال
دانمارک
کپنهاگ
هلند
آمستردام
بلژیک
آلمان شرقی
آلمان غربی
برلین
هامبورگ
روستوک
لهستان
ورشو
لدز
فرانسه
پاریس
استراسبورگ
لوکزامبورگ
بن
پراگ
چکسلواکی
وین
اتریش
سوئیس
برن
زوریخ
مونیخ
بوداپست
مجارستان
رومانی
بوخارست
یوگسلاوی
بلگراد
بلغارستان
صوفیا
آلبانی
تیرانا
یونان
آتن
سالونیک
ایتالیا
رم
میلانو
تورینو
ناپلی
جنووا
موناکو
اسپانیا
مادرید
بارسلونا
والنسیا
بیلبائو
شبه جزیره ایبری
پرتغال
لیسبون
پورتو
جزایر بالئار
خلیج بیسکای
مراکش
رباط
دارالبیضا (کازابلانکا)
الجزایر
الجزیره
وهران
قسنطینه
تونس
لیبی
طرابلس
بنغازی
مالت
والتا
دریای مدیترانه
مصر
اسکندریه
پورت سعید
ترکیه
آنکارا
استانبول
ازمیر
قبرس
نیکوزیا
لبنان
بیروت
سوریه
دمشق
عراق
اردن
عمان
تل آویو
بیت المقدس
دریای سیاه
کریمه
ادوسا
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
مسکو
کیف
روسیه سفید
مینسک
لیتوانی
لاتوی
ریگا
دریای بالتیک
اوکراین
مولداوی
گرجستان

مرغوب نباشد کشت می‌گردد .
ارزن در انواع مختلف و با نامهای گوناگون وجود دارد و از تیره گندمیان بشمار می‌رود .

ارض EARTH
← زمین

ارگ *(Arg)*
قلعه مستحکم عهد ساسانیان و یا دژ کوچکی که در میان دژ بزرگتر ساخته شده باشد .

اروپا EUROPE
یکی از قاره‌های زمین واقع در نیمکرهٔ خاوری که حدود ۱۰۰۴۰۰۰۰۱۳ کیلومتر مربع مساحت دارد ، قاره‌اروپا نزدیک ۷ درصد خشکی‌های زمین را شامل است .
حداکثر طول آن از خاور به‌باختر حدود ۵۳۰۰ کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب تقریبا " ۳۸۶۰ کیلومتر است .
اروپا در واقع شبه جزیره‌ای است در غرب قاره آسیا که کوههای آرال ، دریای خزر ، کوههای قفقاز ، تنگه‌های بسفر و داردانل ، دریای مرمره و دریای اژه آن را از سرزمین مادر جدا می‌سازد .
حد جنوبی قاره اروپا دریای مدیترانه است که تنگه جبل‌الطارق آن را از قاره افریقا جدا می‌کند و حد شمالی آن به قطب شمال و حد باختری آن به اقیانوس اطلس شمالی محدود می‌گردد . (تصویر در صفحهٔ ۲۶– ۲۷)

اروپاسیا EURASIA
← اوراسیا

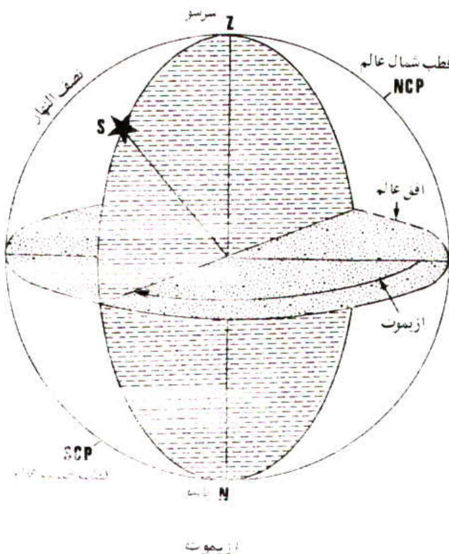

اروپاسیا

ازت NITROGEN
یکی از مهمترین گازهای موجود درجوزمین که تقریبا " ۷۸ درصد حجم هوای خشک را پر کرده است . از نظر شیمیائی این گاز غیر فعال بوده و عمل آن رقیق کردن گاز اکسیژن است .

ازمنه زمین‌شناسی GEOLOGICAL TIMES
مدت زمان از آغاز پیدایش نخستین سنگها به این طرف را به قسمتهائی موسوم به‌دورانهای‌زمین‌شناسی تقسیم کرده‌اند و این قسمتها را نیز به قسمتهای جزء منقسم نموده‌اند و برای این قسمتها و سنگهائی که در طی هر یک تشکیل یافته است عناوین معین قائل شده‌اند مانند دوره ، دور و عصر ، چهار قسمت بزرگ ازمنه زمین‌شناسی عبارتند از دوران‌های : پره کامبرین ، پالئوزوئیک ، مسوزوئیک و سنوزوئیک . (جدول در صفحهٔ ۳۲ و ۳۳) .

ازیموت AZIMUTH
زاویه افقی که هر امتداد نسبت به‌جهت شمال بوجود می‌آورد و از صفر تا ۳۶۰ درجه در جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود .
چنانچه زاویه مزبور نسبت به شمال جغرافیائی اندازه‌گیری شده به آن ازیموت جغرافیائی و یا ازیموت حقیقی می‌گویند و اگر نسبت به شمال مغناطیس سنجیده شود به آن ازیموت مغناطیسی می‌گویند و هر گاه نسبت به شمال شبکه قائم‌الزاویه اندازه‌گیری شود آن را ازیموت شبکه و یا ژیزمان می‌نامند .
بطور کلی ازیموت ، بویژه ازیموت‌های جغرافیائی و مغناطیسی در راهپیمائی‌ها و ناوبری‌های هوائی و دریائی نقش بسیار موثری دارند .

اسپکتروسکوپ SPECTROSCOPE
← طیف نما



ازیموت

استالاکتیت و استالاگمیت STALACTITE & STALAGMITE

← دنگال و دنگاله

استان PROVINCE

قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند شهرستان تشکیل یافته و خود قسمتی از کشور است. حاکم استان را استاندار می‌گویند.

در زمان ساسانیان، کشور ایران را به اجرائی تقسیم کرده بودند که هر یک را استان و حاکم آنرا استاندار می‌گفتند. واژه استان در قانون تقسیمات کشوری مصوبه ۱۳۱۶ هجری شمسی ماخود از همین کلمه بوده و جایگزین کلمه ایالت شده است.

استپ STEPPE

واژه روسی برای علفزاری که در یک منطقه معتدله قرار گرفته و از گیاهان کوتاه قد و درختچه‌های خاردار، که با فاصله از یکدیگر روئیده‌اند، پوشیده شده‌است. مانند علفزار پهناوری که اوکراین را محوری گسترده شده است. (تصویر در صفحه ۳۰)

استخر POND

گودال نسبتاً کوچکی که معمولاً بطور مصنوعی حفر شده و برای جمع‌آوری و ذخیره آب بکار می‌رود. به این عارضه حوض یا برکه نیز می‌گویند.

استراتوپوز STRATOPAUSE

← بوشمرز

استراتوسفر STRATOSPHERE

← بوش اسپهر

استرئوسکوپ STEREOSCOPE

← برجسته‌نما

استرایک STRIKE

زاویه امتداد هر چینه نسبت به سمت شمال که در جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری شود. به این زاویه انحراف چینه سر می‌گویند.

استواء زمین EQUATOR

← نیمگان زمین

استواء عالم CELESTIAL EQUATOR

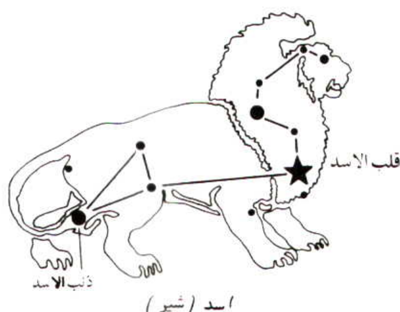
← نیمگان عالم

استوائی EQUATORIAL

یا نیمگانی، هر چیز و یا هر کس و یا هر پدیده که مربوط به منطقه استوایی یا نیمگانی باشد.

اسد (Asad) LEO

یا شیر، پنجمین صورت فلکی در منطقة البروج منطبق با امرداد ماه در تقویم رسمی ایران.



اسد (شیر)

اسطرلاب ASTROLABE

نوعی دستگاه نجومی قدیم که برای اندازه‌گیری‌های نجومی از قبیل زوایای ارتفاعی ستارگان و حل پاره‌ای مسائل علمی مانند تعیین موقعیت جغرافیایی کشتی‌ها و امثال آن بکار می‌رفته.

اسطرلاب را معمولاً در انواع مختلف مانند مسطح، خطی و کروی می‌ساختند. با اختراع دوربین‌های نجومی مدرن استعمال اسطرلاب بتدریج منسوخ گردیده است.



اسطرلاب



استپ

اسفنج SPONGE

جانوری از سلسله کیسه‌تنان که در اعماق دریا به صورت دسته‌های چسبیده به سنگ‌ها و یا سطوح دیگر زندگی می‌کنند. در بدن این جانور که شباهت زیادی به گیاه دارد سوراخ‌ها و شکافهای بسیاری وجود داردکه آب در آنها داخل شده و پس از جذب مواد غذائی خارج می‌گردد. اسفنج‌ها را غواصان از ته دریا صید می‌کنند و برای مصارفی از قبیل شستشو بفروش می‌رسانند. اسکلت گروهی از اسفنج‌ها دارای کربنات کلسیم متبلور به صورت سوزن‌های شیشه‌داری است و دسته‌ای دیگر دارای اسکلتی نرم و ابریشم‌گون بدون بلورهای سخت هستند. از اسکلت دسته اخیر ابر حمام بدست می‌آید.

اسفند

مقتبس از واژه پهلوی اسپندارمت به مفهوم بردباری و فروتنی مقدس. نام دوازدهمین ماه در تقویم رسمی ایران و پنجمین روز هر ماه خورشیدی.

این واژه به صورت اسپندارمذ در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به صورت اسفندارمذ در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی به صورت اسفند و به نام دوازدهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

اسقف نشین DIOCESE

قلمرو یک اسقف یا ناحیه‌ای که یک اسقف در آن ریاست روحانی دارد.

معمولاً " هر اسقف نشین مرکب از عده‌ای کشیش نشین است که در راس هر یک، یک کشیش قرار دارد.

اسکرایبینگ SCRIBING

شیوه نقشه‌کشی خاصی است در کارتوگرافی، در این شیوه پوسته نارنجی رنگی را که به صورت لعاب روی ورقه‌های پلاستیکی شفاف کشیده شده با قلم‌های مخصوص خراش داده و تصویر عوارض مورد نظر را روی آن منعکس می‌نمایند و سپس آن را با مرکب مخصوصی آغشته ساخته و بعد با الکل شستشو می‌دهند در این مرحله کلیه خطوط و تصاویری که مرکب را به

خود جذب نموده‌اند باقیمانده و لعاب قسمتهای دست نخورده با الکل شسته شده و شفاف می‌گردد. در رسم اسکرایبینگ معمولا" از قلم‌هائی که دارای نوکهای یاقوتی و یا فلزی هستند استفاده می‌شود.

اسکنه سنگی *(Eskaneh-ye-sangi)* EOLITH
سنگ چخماقی که در ناحیه خاوری Anglia پیدا شده و پاره‌ای از دیرین شناسان بر این گمانند که بدست انسان‌های نخستین تراشیده شده و شکل گرفته است، در حالیکه دسته‌ای دیگر اعتقاد دارند که سنگ مزبور بدست طبیعت تراش یافته و بر حسب تصادف شکل گرفته است و انسان‌های نخستین بدون دستکاری آن را بکار گرفته‌اند.

اسلاو SLAVS
یکی از شاخه‌های نژاد هند و اروپائی که به اسلاوهای غربی (لهستانی، چکها، اسلواکها) اسلاوهای شرقی (روس‌ها، اوکرائینها و روسهای سفید) و اسلاوهای جنوبی (صربها، کرواتها، مقدونیه‌ای‌ها و بلغاریها) تقسیم می‌شوند.
منشاء اسلاوها ظاهرا" ناحیه کارپات بوده است.

اشباع SATURATION
حالت خاصی از جو، که از بخار آب انباشته شده و دیگر قادر به نگهداری آب در خود نباشد.

اشترک *(Oshtorak)* BORE
موجی از آب که در کشند بالا (مد) به صورت دیواری از آب در دهانه رودخانه‌های باریکی که به دریا می‌ریزند دیده می‌شود. این موج که بلندی آنها گاه به چند متر می‌رسد هم چنان در داخل رودخانه پیش می‌رود تا جائیکه به جریان طبیعی رودخانه برخورد نماید، در این حال توده‌های انباشته شده آب که به صورت کوهی در آمده است، به موج شکسته تغییر شکل می‌دهد.

اشتقاق خشکی‌ها CONTINENTAL DRIFT
← نظریه رانه قاره‌ای

اشعه کیهانی COSMIC RAYS
تشعشعاتی که دارای انرژی و قابلیت نفوذ زیاد بوده و منشاء آن تا کنون بدرستی شناخته نشده است. این تشعشعات ظاهرا" از جمیع جهات فضای فلکی به زمین می‌رسند و شدت آنها با افزایش ارتفاع رو به ازدیاد می‌رود. این اشعه مرکب از ذرات سریع السیری است که از خارج جو زمین می‌آیند و بیشتر آنها پس از برخورد با ذرات هوا هسته اتمی آنها متلاشی شده و اشعه کیهانی ثانوی را تشکیل می‌دهند.

اشعه مادون قرمز INFRARED RAYS
← پرتوهای فرو سرخ

اشعه ماوراء بنفش ULTRAVIOLET RAYS
← پرتوهای فرابنفش

اطلس ATLAS
مجموعه‌ای از نقشه‌های جغرافیائی، که به صورت کتاب مجلد شده باشد.
اطلس در انواع مختلف تهیه می‌گردد که از آن جمله اطلسهای عمومی، جغرافیائی، تاریخی، هواشناسی و نجوم، شهری، راهها و غیره را می‌توان نام برد.

اعتدال بهاری SPRING EQUINOX
← برابران بهاری

اعتدال پائیزی AUTUMNAL EQUINOX
← برابران پائیزی

اعتدال خریفی AUTUMNAL EQUINOX
← برابران پائیزی

اعتدال ربیعی SPRING EQUINOX
← برابران بهاری

اعتدالین EQUINOXES
← برابران

افاغنه AFGHANS
← افغان

افت دما *(Oft-e-damā)* LAPSE RATE
میزان افت دمای جو زمین در برابر افزایش ارتفاع را گویند که مقدار آن برابر است با ۰/۶ درجه سانتیگراد به ازاء هر صد متر ارتفاع (یا یک درجه فارنهایت به ازاء هر ۳۰۰ پا ارتفاع). افت دمای جو در مقابل افزایش ارتفاع آنقدر ادامه می‌یابد تا به میزان ۹۰– درجه سانتیگراد برای مناطق استوائی، ۴۸– درجه سانتیگراد برای مناطق عرض میانه و بالاخره ۴۵– درجه برای مناطق قطبی برسد.

افراز *(Efrāz)*
۱– جدا کردن چیزی از چیز دیگر
۲– تحدید حدود ملک و مشخص کردن مرز میان قطعات مفروز

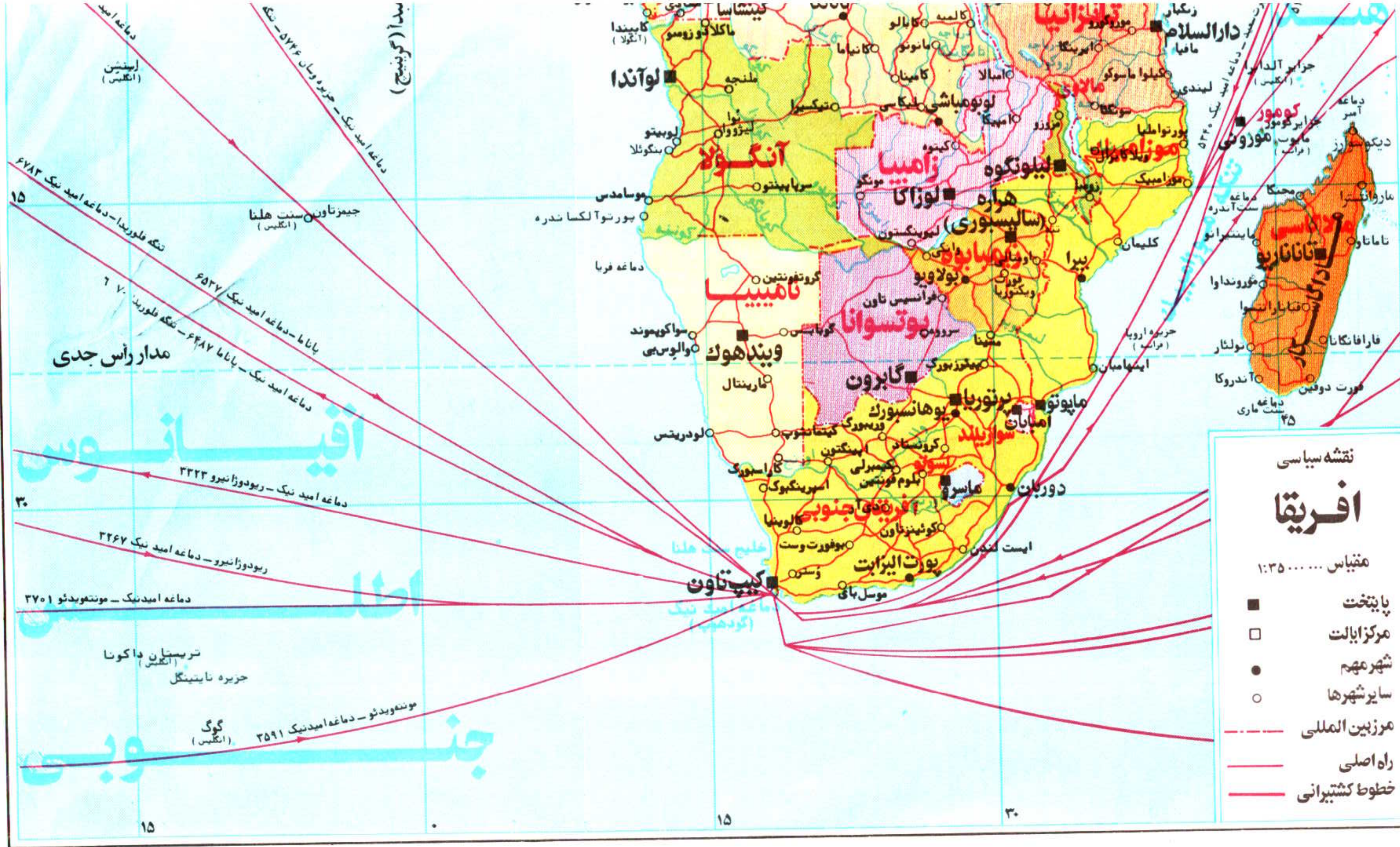
جدول ازمنه زمین شناسی

دوران	دوره	دور	تغییرات شرایط جغرافیائی	تغییرات زندگی گیاهان و جانوران
سنوزوئیک (نوزیست) CENOZOIC (Modern Life)	دوره چهارم Quaternary	هولوسن (دورمعاصر) Holocene	پس روی یخچالها. فرورفتن خشکیها به سبب تأثیر یخچالها. بالا آمدن آب اقیانوسها. فعالیت آتشفشانی در ناحیه اقیانوس کبیر.	انسان اهلی کردن حیوانات وکشت گیاهان را می‌آموزد. زندگی دریائی بسیار شبیه وضع امروزی است. جنگلها در سراسر اروپا شروع به گسترش می‌نماید. انسان در نیمکره غربی انتشار می‌یابد.
		۱۱۰۰۰ سال پیش		
		پلئیستوسن Pleistocene	چهار یخگیری عمده برقسمتهائی از اروپا، آسیا وآمریکا روی داد. سطح آب دریاها متناوباً "درحال بالا وپائین رفتن بود. پیدایش تندابها، دریاچه‌ها وآبشارها. تغییر مسیر رودها. زمین چهره کنونی خودرا پیدا میکند.	درنتیجه تغییرات شدید اقلیمی، بسیاری از جانداران مهاجرت کرده یا منقرض شدند. فیلهای واقعی، اسبها وگاوها برای نخستین بار ظاهر می‌شوند. آدم نخستین احتمالاً" از آفریقا منشاء گرفته، در آسیا و اروپا گسترش می‌یابد.
		یک میلیون سال پیش		
	دوره سوم Tertiary	پلیوسن Pliocene	قاره‌ها واقیانوسها شکل امروزی را بخود می‌گیرند. فرونشینی خشکی منجر به تشکیل دریاهای شمال، مازندران وآرال میگردد. کوههای کوردیلرا، آپالاش، آلپ و هیمالیا دگربار برمی‌آمدند. زمستانها فوق‌العاده سرد بود.	اوج تفوق پستانداران. پیدایش نخستین اسب یک انگشتی. محتملاً "آدم‌نمایان اولیه برزخی ابزار سنگی ابتدائی بکار می‌بردند. درپی برآمدن پل میان آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی مهاجرت روی داد.
		۱۱ میلیون سال پیش		
		میوسن Miocene	دریاها اروپای جنوبی وسواحل آمریکای شمالی را فرا گرفتند. فعالیتهای آتشفشانی بسیار است. درسلسله‌های آلپ وهیمالیا چین خوردگیهای بسیار روی داد وتکمیل شد. درایران دریاها عموماً "پسروی کرده است. آب وهوا متنوع تر میگردد.	تیره‌های سگ وگربه بصورت قابل ملاحظه‌ای رشد یافتند. در آفریقا، آسیا واروپا میمونهای شبیه آدم پدید آمدند. جنگلها روبه انحطاط گذاشت. توسعه گیاهستانها با تکامل جانوران چرنده مساعد بود.
		۲۵ میلیون سال پیش		
		اولیگوسن Oligocene	وسعت خشکیها در اثر خشکیدن دریاها افزایش می‌یابد. حرکات شدید پوسته زمین در آمریکا واروپا به وقوع می‌پیوندد وتشکیل سلسله‌های آلپ وهیمالیا آغاز می‌شود. آب وهوای گرم ومعتدل ادامه دارد، دربعضی نواحی خشکی با دوره‌ای از زمستانهای سرد مواجه میکردند.	اجداد گربه‌ها وسگها وخرسهای امروزی ظاهر می‌شوند. تعداد جانوران گیاهخوار افزایش می‌یابد. گوشتخواران واقعی، جوندگان ماستودونت، شتر، خوکهای عظیم ومیمونهای راست قامت پدید آمدند. از وسعت جنگلها کاسته می‌شود و مراتع توسعه می‌یابند.
		۴۰ میلیون سال پیش		
		ائوسن Eocene	فرارا رسیدگی جبال پیرنه. فرسایش مرتفعات. پیشرفت دریاها در اراضی اطراف مدیترانه. هوا اغلب گرم بود ولی یخچالها دررشته کوههای راکی در آمریکای شمالی دیده می‌شوند.	بسیاری از انواع پستانداران جدید یعنی اجداد فیل، کرگدن، اسب، خوک وگاو ظاهر می‌شوند. خزندگان تنومند از بین می‌روند. پیدایش نخستین آدم‌نمایان شناخته شده است.
		حدود ۷۰ میلیون سال پیش		
مسوزوئیک (می... iddle Life)	کرتاسه Cretaceous		بیشتر قاره‌ها غرق در آب بود. سفیدکل در اروپا نهشته شد. نزدیک اواخر دوره کوهسازی در ناحیه کوردیلرا در آمریکا شدت داشت. هوا سردتر شد. در ایران رسوب سنگهای آهکی ادامه داشت.	پستانداران کیسه‌دار وحشره‌خوار پدید آمدند. گیاهان دارای دانه‌های پوشیده برآمدند. درختان برگریز، علفها وغلات انتشار یافتند. در اواخر دوره پرندگان دندان‌دار و دینوزورها وخزندگان پرنده منقرض شدند.
		حدود ۱۳۵ میلیون سال پیش		
	ژوراسیک Jurassic		دریاها قاره‌ها را فروگرفتند. کوههای آپالاش فرسایش یافتند. در ایران آرامش وجود داشته است. این دوره با تشکیل سنگ آهک درجنوب آلمان، سوئیس وفرانسه مشخص	خزندگان زمینی، دریائی وپرنده وماهیهای استخوان‌دار وپستانداران وپرندگان باستانی، جانوران غالب این دوره هستند. برآمدن حشرات کنونی از زنبور، مورچه ومگس.

MES…	تریاسیک Triassic	… زمین را تشکیل می‌دهند. رسوبهای خاک آهک‌دار (مارل) و سنگ ماسه در دریاهای کم‌عمق تشکیل می‌شود. شرایط اقلیمی گرم و خشک تقریباً در همه‌جا عمومیت می‌یابد. در پایان این دوره مرطوب‌تر می‌گردد.	… و مرجانها نوع جدیدی بوده است. بسیاری خزندگان عظیم آبی و خشکی، خاصه دینوسورها. بعضی جانوران شبه پستاندارها. مخروطیان، سرخسها، دم‌اسبیان و سیکاسها.
	حدود ۲۳۰ میلیون سال پیش		
پالئوزوئیک (کهن زیست) PALEOZOIC (Ancient Life)	پرمین Permian	بر اثر بلندی پوسته زمین بازوهائی از دریا بریده شده و تبدیل به دریاچه‌های وسیع گردید و رو به خشکی می‌گردد. تبخیر دریاچه‌ها آغاز می‌شود و منجر به تشکیل رسوبهای مهم نمک در سراسر دنیا می‌گردد. کوههای بزرگی در اروپا و آسیا و سلسله آپالاش در آمریکای شمالی تشکیل می‌گردد.	تغییرات شدید آب و هوا، سبب از بین رفتن بسیاری از گیاهان و جانوران و انطباق بعضی دیگر با این شرایط گردید. خزندگان برآمدند. دوزیستان انحطاط یافتند. مخروطیان در حال برآمدن بودند. دوره تسلط موجودات دریائی به پایان می‌رسد. انواع زیادی از حشرات پدیدار می‌شوند.
	حدود ۲۷۵ میلیون سال پیش		
	کربونیفر Carboniferous	در اوایل این دوره، دریاهای کم‌عمق زلال توسعه دارد. قسمت اعظم اروپا و مناطق وسیعی از روسیه زیر آب قرار دارد. دوره اصلی تشکیل زغال بود. در نیمکره شمالی در بیشتر مدت این دوره هوا فوق‌العاده خشک است ولی در بعضی مناطق هوا مرطوب است. در باتلاقهای جنگلی گیاهانی که پوسیده‌اند به تدریج به زغال سنگ تبدیل می‌شوند.	دوزیستان به گسترش ادامه می‌دهند. خزندگان نخستین مخلوقاتی می‌شوند که در خشکی زاد و ولد می‌کنند. کرینوئیدها، روزن‌داران و کوسه‌های تکامل یافته فراوان بودند. حشرات بسیار درشت پدید آمدند. سرخسهای غول‌پیکر، پنجه‌گرگیها و دم‌اسبیان غلبه داشتند. پیدایش رستنیهای دانه‌دار.
	حدود ۳۲۵ میلیون سال پیش		
	دوونین Devonian	احتمالاً شمال اروپا بوسیله خشکی به شمال شرقی آمریکا ارتباط داشته. آنگاه پهنه‌های عظیمی از آمریکای شمالی را فروگرفته، عاقبت عقب‌نشینی کرده است. تشکیل کوهها در شرق آمریکای شمالی.	ماهیهای زره‌دار و ماهیهای کوسه برآمدند. جانوران خشکی پدید آمدند (دوزیستان، حشرات و عنکبوتها). گسترش اجداد پنجه‌گرگیها، سرخسها، دم‌اسبیان و مخروطیان.
	حدود ۴۰۰ میلیون سال پیش		
	سیلورین Silurian	دریا داخله آمریکای شمالی را آب فروگرفت. در اواخر دوره کوهها در اروپا، آسیا و آفریقا تشکیل یافت. آب و هوا بطور کلی گرم و یکنواخت است ولی در بعضی نواحی استثنائاً خشک می‌باشد.	غلبه بی‌مهرگان دریائی ادامه داشت. کرینوئیدها و مرجانهای فراوان. اجداد عقربها پیدایش یافتند که شاید نخستین جانوران تنفس هوائی بوده‌اند. نخستین گیاهان در خشکی ظاهر می‌شوند.
	حدود ۴۴۰ میلیون سال پیش		
	اوردوویسین Ordovisian	بیشترین گسترش دریاهای قاره‌ای. لااقل دوبار خشکیها از آب بیرون آمده است. فعالیت آتشفشانی در بعضی نواحی. تشکیل یافتن نفت، مرمر، سنگ آهک. اختلالاتی در قشر جامد زمین در اواخر دوره. آب و هوا گرم و یکنواخت است.	هنوز زندگی گیاهی منحصر به دریاست و در خشکی هیچ نوع زندگی وجود ندارد. غلبه بی‌مهرگان دریائی برجای ماند. بعضی اقسام نرم‌تنان، کرینوئیدها، بازوپایان و مرجانها وجود داشت. نخستین مهره‌داران (ماهیهای اولیه) پیدایش یافت.
	حدود ۵۰۰ میلیون سال پیش		
	کامبرین Cambrian	دریاها پهنه‌های عظیمی از قاره‌ها را فروگرفتند و سپس عقب نشستند. پست شدن سنگهای پیشین. مرتفعات دوره سرد پرکامبرین تخفیف یافت (رسوبات هرمزی جنوب ایران) از این دوره است. آب و هوا نسبتاً گرم و معتدل است.	زندگی تنها در دریاها وجود دارد. تمام گروههای عمده بی‌مهرگان تکامل می‌یابند. [illegible] جانوران عبارتند از: کرمها، حلزونهای دریائی، ستاره دریائی، اسفنجها و تریلوبیتها هستند. تریلوبیتها کاملترین و فراوانترین جانوران این دوره است.
	حدود ۶۰۰ میلیون سال پیش		
پره‌کامبرین PRE-CAMBRIAN (دوران پیش از دورانهای شناخته شده زمین‌شناسی) احتمالاً ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سال پیش آغاز شده است		در اوایل دوره: فعالیت شدید آتشفشانی. تشکیل یافتن کانیها. برآمدن کوهها و فرسایش آنها. در اواخر دوره: پهنه‌های فراوان آهن، مس، نیکل و طلا. دو یخبندانی. تشکیل یافتن کوهها و فعالیت آتشفشانی در اواخر دوره.	احتمالاً گیاهان و جانوران ابتدائی دریائی فراوان بوده‌اند اما فسیلهائی که انتساب آنها به این عهد مسلم باشد کشف نشده است. ظاهراً گیاهان و جانوران ساده دریائی متنوع وجود داشته، آثاری هست حاکی از وجود جلبکهائی که آهک ترشح می‌کرده‌اند و احتمالاً از کرمها و اسفنجها.



افریقا
الجزایر
لیبی
مصر
سودان
چاد
نیجر
مالی
موریتانی
صحرا
مراکش
تونس
نیجریه
اتیوپی
سومالی
کنیا
زئیر
کامرون
آفریقای مرکزی
ساحل عاج
گینه
لیبریا
سیرالئون
غنا
بنین
ولتای علیا
سنگال
گامبیا
اوگاندا
کنگو
گابن
گینه استوائی
سائوتومه وپرنسیپ
جیبوتی
یمن
یمن جنوبی
عربستان سعودی
شبه جزیره عربستان
ایران
عراق
سوریه
لبنان
اردن
فلسطین
ترکیه
قبرس
یونان
ایتالیا
اسپانیا
پرتغال
مالت
کویت
قطر
بحرین
دریای مدیترانه
دریای سرخ
خلیج عدن
خلیج گینه
خلیج سرت
جزیره سومالی
تهران
بغداد
دمشق
بیروت
عمان
ریاض
مکه
مدینه
جده
قاهره
اسکندریه
طرابلس
بنغازی
تونس
الجزیره
رباط
دارالبیضا (کازابلانکا)
نواکشوت
داکار
بانجول
باماکو
کوناکری
فری تاون
مونروویا
آبی جان
اکرا
لومه
لاگوس
نیامی
ان جامنا
بانگی
یائونده
خرطوم
ام درمان
آدیس آبابا
موگادیشو
نایروبی
کامپالا
صنعا
عدن
العیون
مدار رأس سرطان
خط استوا


نقشه سیاسی
افریقا
مقیاس ۱:۳۵۰۰۰۰۰۰
پایتخت
مرکزایالت
شهرمهم
سایرشهرها
مرزبین المللی
راه اصلی
خطوط کشتیرانی
اقیانوس اطلس جنوبی
مدار رأس جدی
مبدأ (گرینیچ)
آنگولا
زامبیا
نامیبیا
بوتسوانا
زیمبابوه
موزامبیک
مالاوی
تانزانیا
افریقای جنوبی
سوازیلند
لسوتو
ماداگاسکار
کومور
لوآندا
لوزاکا
لیلونگوه
هراره (سالیسبوری)
ویندهوک
گابرون
پرتوریا
مابوتو
ماسرو
کیپ تاون
دارالسلام
آنتاناناریو
مورونی
بولاویو
یوهانسبورگ
دوربان
پورت الیزابت
ایست لندن
بیرا
لودریتس
والویس بی
جیمزتاون سنت هلنا
خلیج سنت هلنا
دماغه امید نیک
تریستان دا کونا
گوگ
دماغه امید نیک – مونتهویدئو ۳۷۰۱
مونته‌ویدئو – دماغه امیدنیک ۳۵۹۱
ریودوژانیرو – دماغه امید نیک ۳۲۶۷
دماغه امید نیک – ریودوژانیرو ۳۳۲۳
۱۵
۳۰
۴۵

EXTREMES OF TEMPERATURE **افراط دما**
بالاترین و پائین‌ترین درجه دمای سایه مجاور آفتاب که در طول یک روز، یک ماه، یک سال و یک دوره معین و در یک ایستگاه هواشناسی ثبت گردد. از ثبت این درجه حرارت‌ها می‌توان میانگین حداکثر و میانگین حداقل دما را در یک مدت معین بدست آورد.
حداکثر درجه حرارت کره زمین که در عزیزیه طرابلس واقع در لیبی ثبت شده است برابر ۵۷/۸+ درجه سانتیگراد و حداقل درجه حرارت ثبت شده در وستوک واقع در قطب جنوب (سال ۱۹۶۰ میلادی) ۸۸/۳− درجه سانتیگراد است.

AFRICA **افریقا**
یکی از قاره‌های زمین واقع در نیمکره خاوری و در جنوب اروپا و جنوب غربی آسیا که از جهت وسعت دومین قاره زمین به شمار می‌رود و مساحتش به ۳۰،۲۶۰،۲۳۲ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد.
گرداگرد قاره افریقا را آب فرا گرفته و از سوی شمال خاوری بوسیله آبراهه سوئز از خاک آسیا جدا می‌گردد. این قاره از شمال به دریای مدیترانه، از غرب به اقیانوس اطلس جنوبی از خاور به اقیانوس هند محدود می‌شود.
دریای سرخ و خلیج عدن بین قاره افریقا و قاره آسیا واقع است و دریای مدیترانه از سوی شمال این قاره را از قاره اروپا جدا می‌کند. (تصویر درصفحه ۳۴– ۳۵)

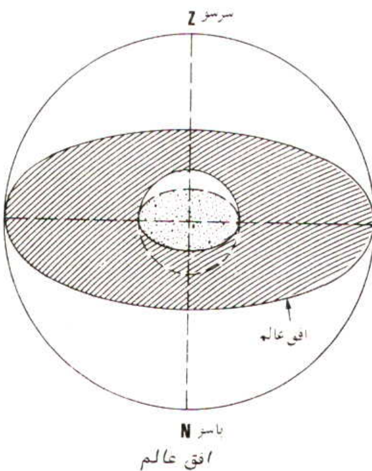
(Efriqiyyeh) **افریقیه**
نامی است که جغرافیدانان عرب به بخش خاوری ممالک بربر می‌دادند. این نام از اسم ایالت افریقای روم گرفته شده و در بعضی مآخذ و کتب جغرافیا به ایالت افریقای روم و بویژه طرابلس غرب، تونس و موریتانیا و تونس مشتمل بوده است.

AFGHAN **افغان**
عده‌ای از طوایف مختلف بومی که در حدود خاور خراسان امروزی در نواحی مجاور کوههای هندوکش و کوه بابا و کوههای سلیمان از قدیم سکونت داشته و مدتها بطور بدوی زندگی می‌کرده‌اند. این طوایف که خود را پشتون یا پختون یا پتان می‌خوانند رویهمرفته نیمی از سکنه کشور افغانستان را تشکیل می‌دهند. به این طوایف افاغنه نیز می‌گویند.

HORIZON **افق**
صفحه‌ای فرضی که مماس بر پوسته زمین در ایستگاه شخص ناظر رسم شود افق نام دارد. این صفحه که تقریباً "بموازات" سطح آبهای زمین است به شکل دایره‌ای پیرامون ایستگاه را فرا گرفته و حد فاصل آن و آسمان را خط افق می‌نامند.
بطور کلی فاصله خط افق تا ایستگاه بستگی به ارتفاع ایستگاه دارد. در زبان فارسی به افق کران نیز می‌گویند.

TRUE HORIZON **افق حقیقی**
دایره عظیمه‌ای که به موازات افق ایستگاه (افق ایستگاه عبارتست از سطحی فرضی که مماس بر پوسته زمین در نقطه ایستگاه رسم شود) واقع شده باشد. طبق تعریف دایره عظیمه افق حقیقی از مرکز زمین عبور خواهد کرد.

CELESTIAL HORIZON **افق عالم**
دایره عظیمه‌ای که قطبین آن نقاط سر سو (سمت‌الراس) و پاسو (سمت‌القدم) باشد افق عالم نام دارد. به عبارت دیگر اگر دایره عظیمه‌ای بر خط فرضی سمت الراس به سمت القدم عمود نمایند، آنرا افق عالم می‌نامند.



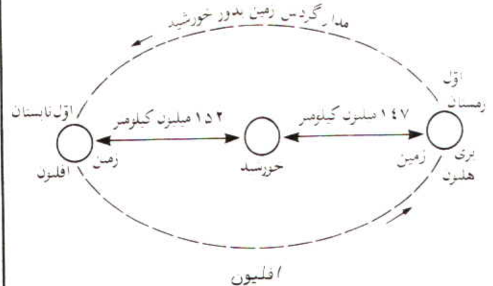
افق عالم

ASTRONOMICAL HORIZON **افق نجومی**
← افق حقیقی

PLANETARIUM **افلاک نما**
← آسمان نما

APHELION **افلیون**
نقطه‌ای از مدار گردش زمین به دور خورشید که دورترین فاصله از کره خورشید را داراست هنگامیکه زمین در این نقطه قرار می‌گیرد فاصله آن تا کره خورشید ۵ میلیون کیلومتر بیشتر از زمانی است که در نقطه پری هلیون واقع شده باشد.

زمین در تابستان نیمکره شمالی در این نقطه قرار گرفته و به دلیل دریافت نور مستقیم خورشید و بلندی روزها وافزایش انرژی تشعشعی فصل گرم تابستان نیمکره شمالی را طی می‌کند.



اقتصاد ECONOMY

← کد آمائی

اقطاع *(Eqtā')*

← تضعه

اقلیت MINORITY

جمعی و یا گروهی که دارای فرهنگ و آداب و رسوم یا مذهب معینی هستند و در کشوری زندگی می‌کنند که اکثریت آن کشور دارای آن فرهنگ و آداب و رسوم یا آن مذهب نیستند. اقلیت‌های مذهبی از قرن‌ها پیش در اغلب کشورهای جهان وجود داشته‌اند، ولی مسئله اقلیت‌های نژادی از اوایل قرن نوزدهم همزمان با ظهور ناسیونالیسم جزو مسائل معضل سیاسی قرار گرفت.

اقلیم *(Eqlim)* CLIMATE

اقلیم یک محل معین، مجموعه‌ای از عوامل جوّی است که مدتی بالنسبه طولانی دوام پیدا می‌کنند و وضع آن محل را از لحاظ آب و هوا در طی مدتی نسبتاً" متمادی مشخص می‌سازند. از جمله عوامل مذکور، دما، ریزش، رطوبت، باد و فشار جو است.

کره زمین را از جهت اقلیم به مناطق اقلیمی تقسیم می‌کنند. منطقه استوائی، منطقه گرمداری، منطقه میانه و منطقه قطبی

← آب و هوا

اقلیم استوایی مرطوب WET EQUATORIAL CLIMATE

موقعیت کلی این اقلیم در کمربند کم فشار استوایی به عرض تقریباً" ۱۰ درجه است. در این اقلیم تمام ماههای سال گرم و مرطوب‌اند و دمای متوسط بیش از ۲۱ درجه سانتیگراد است (البته به استثنای مناطق کوهستانی). باران در طول سال به طور یکنواخت و احتمالاً" هر روز می‌بارد و مقدار آن در سال ۱۵۰۰ میلیمتر یا بیشتر است.

در اقلیم استوایی مرطوب به علت بارش زیاد رودخانه‌های بزرگی (چون کنگو و نیل در افریقا و آمازون در امریکای جنوبی) جریان دارند. این اقلیم از جنگلهای انبوه وسیعی پوشیده شده است که "جنگلهای پر باران استوایی" نامیده می‌شود.

← رده بندی کوپ

اقلیم افراطی EXTREME CLIMATE

آب و هوائی که میان گرمترین و سردترین ماههای آن اختلاف زیاد وجود داشته باشد. این گونه آب و هوا معمولاً" در سرزمین‌هائی که درون قاره‌ها واقع شده و از نفوذ آب و هوای دریایی بدور باشند دیده می‌شود. مانند صحرای yerkhoyansk واقع در آسیای مرکزی که متوسط درجه حرارت در دی ماه ۵۱ ــ درجه سانتیگراد و در تیر ماه برابر ۱۵/۵ درجه سانتیگراد است.

اقلیم بیابانی حاره‌ای TROPICAL DESERT CLIMATE

این اقلیم بیشتر در کمربندهای پرفشار عرضهای متوسط قرار دارد ولی بعضی از مناطق آن سر داخل قاره‌ها و سواحلی را که در معرض بادهای منظم‌اند، شامل است. دمای میانگین سالیانه ۲۱ درجه سانتیگراد یا بیشتر است و تغییرات دمای روزانه بسیار زیاد است. در شب به علت تشعشع سریع گرما هوا سرد می‌شود ولی در روز دما ممکن است تا حدود ۴۹ درجه سانتیگراد یا بیشتر برسد. مقدار بارندگی بسیار کم و متوسط سالیانه آن کمتر از ۲۵۰ میلیمتر است که معمولاً" حداکثر آن در زمستان روی می‌دهد.

← رده‌بندی کوپ

اقلیم بیابانی حد واسط
INTERMEDIATE DESERT CLIMATE

وقتی بارندگی سالیانه یک اقلیم نیمه خشک کمتر از ۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر باشد آن را اقلیم بیابانی حد واسط می‌نامند. قسمت اعظم کشور ایران از نوع اقلیم نیمه خشک قاره‌ای یا بیابانی است. در بخشهای وسیعی از نواحی مرکزی و شرق ایران بارندگی کمتر از ۲۰۰ میلیمتر و در کویرهای مرکزی اغلب کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در سال است.

← رده‌بندی کوپ

اقلیم پنبه خیز COTTON BELT CLIMATE

آب و هوای مخصوص نواحی بین مدار جدی و کمربند پنبه‌که نوعی آب و هوای گرمسیری است که دارای رطوبت فراوان بوده و بارندگی بسیار و منظمی دارد.

نمونه‌ای از اقلیم پنبه خیز را می‌توان در بخشهای جنوبی چین مشاهده نمود.

اقلیم حاره‌ای خشک و مرطوب
WET & DRY TROPICAL CLIMATE
این اقلیم که در طرفین "اقلیم استوایی مرطوب" قرار گرفته است، یک دوره گرم طولانی در سال دارد و بیشتر بارندگی آن در دوره‌ای متمرکز است که کمربند کم فشار استوایی به طرف این ناحیه گسترش می‌یابد. موقعیت این اقلیم تحت تاثیر جریانهای سرد دریایی، که در امتداد سواحل غربی امریکای جنوبی و افریقا تا نزدیک استوا می‌وزند، نیز قرار دارد. دمای متوسط سالیانه این اقلیم (به غیر از نقاطی که تحت تاثیر بادهای موسمی قرار دارند)، در حدود ۲۱ درجه‌ٔ سانتیگراد است. بارندگی بسیار متغیر است. حداقل آن ۸۷۵ میلیمتر و حداکثر آن از ده هزار میلیمتر تجاوز می‌کند. زمستانها همیشه خشک، کم باران یا اصولاً بدون باران است.
← رده‌بندی کوپ

اقلیم حاره‌ای نیمه خشک
SEMIARID TROPICAL CLIMATE
این نوع اقلیم در هر نیمکره در کنارهٔ رو به قطب "اقلیم حاره‌ای خشک و مرطوب" و غالباً در داخل قاره‌ها بخصوص در فلاتها و معمولاً مجاور صحراها قرار دارد. بعضی از مناطق آن به علت جریانهای آب سرد اقیانوسی یا به علت آنکه در پناه کوههای مجاورند نیمه خشک‌اند. دمای متوسط بیش از ۲۱درجه سانتیگراد و بارندگی کم، بین ۲۵۰ تا ۸۷۵ میلیمتر است که بیشتر در فصل تابستان روی می‌دهد.
← رده‌بندی کوپ

اقلیم خشکادی CONTINENTAL CLIMATE
← آب و هوای قاره‌ای

اقلیم دریائی MARITIME CLIMATE
← آب و هوای دریائی

اقلیم دریائی سرد COLD MARINE CLIMATE
این اقلیم در حاشیه غربی قاره‌ها، در منطقه بادهای غربی یافت می‌شود. تاثیر بادهای غربی فقط به وسیله فعالیتهای چرخه‌ای شدید در زمستان قطع می‌شود. جریانهای گرم اقیانوسی، درجهٔ حرارت را در زمستان بالاتر از مقدار عادی نواحی هم عرض نگه می‌دارند. دمای متوسط سردترین ماه سال بین ۱ تا حدود ۸/۵ درجه سانتیگراد و متوسط دمای گرمترین ماه سال حدود ۱۵/۵ درجه سانتیگراد است. بارش سنگین و متوسط آن بین ۸۷۵ تا ۱۵۰۰ میلیمتر است که بیشتر آن ممکن است به صورت برف باشد. زیرا بیشتر بارش در زمستان روی می‌دهد. در بعضی از سالها بارندگی ممکن است نزدیک به ۵۰۰۰ میلیمتر باشد.
← رده‌بندی کوپ

اقلیم ساحلی INSULAR CLIMATE
← آب و هوای ساحلی

اقلیم ساحلی با بادهای منظم
این نوع اقلیم در امتداد سواحل شرقی قاره‌ها در کمربند بادهای منظم قرار گرفته است و گسترش آن در امتداد شمالی ـ جنوبی طولانی و در امتداد شرقی ـ غربی نسبتاً کوتاه است. کوههایی که امتداد شمالی ـ جنوبی دارند باعث می‌شوند که توده‌های هوایی بالا آیند و باران ایجاد کنند. دمای متوسط سالیانه در این اقلیم بیش از ۲۱ درجه سانتیگراد است و مقدار باران آن به طور معمول بیش از ۸۷۵ میلیمتر در سال است و تقریباً به طور یکنواخت در سراسر سال پراکنده است ولی مقدار آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر متفاوت و در پاره‌ای نقاط بسیار زیاد است. بادهای موسمی، که در این اقلیمها می‌وزند، ممکن است بادهای منظم را قطع کنند و موجب پیدایش فصل مرطوب گردند.
← رده‌بندی کوپ

اقلیم ساحلی سرد COLD LITTORAL CLIMATE
این اقلیم در مدارات بالای عرضهای متوسط قرار دارد و به طور یکسان تحت تاثیر دریا و خشکی است. دمای متوسط در سردترین ماه کمتر از ۴/۴ درجه سانتیگراد و درگرمترین ماه به ۱۵/۵ تا ۲۱ درجه سانتیگراد می‌رسد. بارندگی بین ۶۲۵ تا ۱۵۰۰ میلیمتر متغیر است و در اروپا تقریباً به طور یکنواخت در طول سال پراکنده است ولی در همه جا این طور نیست. مثلاً حداکثر بارندگی ژاپن در تابستان و زلاند نو در زمستان صورت می‌گیرد. طوفانهایی که در ژاپن حادث می‌شوند، بارندگی شدید کوتاه مدت ایجاد می‌کنند.
← رده‌بندی کوپ

اقلیم شناسی METEOROLOGY
علم بررسی و پژوهش جو زمین و ارتباط آن با سنگ اسپهر و آب اسپهر را اقلیم شناسی می‌گویند. در این دانش درباره فشار جو، دما، باد، بارندگی، ابر، آفتاب و مانند آن گفتگو می‌شود.

اقلیم شناسی زیستی BIOCLIMATOLOGY
← زی و اب شناسی

اقلیم شناسی کشاورزی AGRICULTURAL CLIMATOLOGY
آن قسمت از اقلیم شناسی که با کشاورزی در ارتباط باشد.

اقلیم غله خیز CORN BELT CLIMATE

آب و هوای منطقه غله خیز قاره‌های اروپا ،آسیا و امریکا . مانند دشت دانوب دراروپاو منطقه چین شمالی در آسیا .

اقلیم قاره‌ای مرطوب HUMID CONTINENTAL CLIMATE

این اقلیم بیشتر در داخل قاره‌های عرضهای متوسط نیمکره شمالی دیده می‌شود . تغییرات دما در آن بسیار زیاد است و در سردترین ماه اغلب دمای متوسط در زیر نقطهٔ انجماد آب و حتی گاهی بسیار پائینتر از آن است . ولی حداقل در سه ماه سال دمای متوسط بیش از ۱۵/۵ درجه سانتیگراد می‌باشد . با وجود آنکه این اقلیم مرطوب است ، بارندگی آن چندان زیاد نیست و بین ۴۰۰ تا ۱۲۵۰ میلیمتر در سال متغیر است . چرخه‌ها و جبهه‌های سرد و گرم همراه‌آنها در زمستان و طوفانهای همراه آذرخش در تابستان‌وجود دارند.

← رده بندی کوپ

اقلیم قطبی POLAR CLIMATE

مدارات قطبی حدود تقریبی این اقلیم را تشکیل میدهند ، دمای متوسط در هیچیک از ماههای سال از ۱۰ درجه بالاتر نمی‌رود و بنابراین دما پائین تر از آن است که جنگل یا غلات بتوانند رشد کنند . ویژگی این اقلیم وجود کلاهکهای یخی است .

← رده‌بندی کوپ

اقلیم مدارگانی TROPICAL CLIMATE

آب و هوای خاص نواحی مدارگان که به آن آب و هوای استوائی نیز می‌گویند .

اقلیم منجمده FRIGID CLIMATE

آب و هوای خاص مناطق منجمده شمالی و جنوبی که موجبات ریزش برف و یخبندان دائمی را فراهم نماید . این آب و هوا در تابستان خنک تا سرد و در زمستان فوق‌العاده سرد و طاقت فرساست .

اقلیم نگار CLIMATOGRAPH

← وانگار

اقلیم نیمگانی EQUATORIAL CLIMATE

← آب و هوای استوائی

اقلیم نیمه حاره‌ای دارای تابستان خشک
DRY SUMMER SUBTROPICAL CLIMATE

این اقلیم را گاهی اقلیم مدیترانه‌ای نیز می‌خوانند . دمای متوسط ماهیانه آن در سردترین ماه سال بالای ۷/۲ درجه سانتیگراد و در گرمترین ماه سال زیر ۲۴ درجه سانتیگراد است . بارندگی به طور معمول کمتر از ۸۷۵ میلیمتر در سال است ولی بسته به موقعیت محل بسیار متغیر است . تابستانها خشک‌اند . فصل مرطوب زمستان معمولا " ملایم است ولی به علت آمدن جبهه‌های سرد ممکن است هوا تا حد درجه انجماد آب سرد شود .

← رده‌بندی کوپ

اقلیم نیمه حاره‌ای مرطوب
HUMID SUBTROPICAL CLIMATE

این نوع اقلیم در حاشیه‌های شرقی قاره‌ها در عرضهای متوسط پیدا می‌شود . فشارهای بالای روی اقیانوسها در تابستان موجب حرکت هوا به داخل خشکی می‌گردد ، مانند سواحل شرقی چین یا بخش شرقی ایالات متحده . دمای متوسط در سردترین ماه سال بالاتر از ۴/۴ درجه سانتیگراد و متوسط دمای گرمترین ماه بیش از ۲۱ تا ۲۶/۶ درجه سانتیگراد تغییر میکند . بارندگی بین ۸۷۵ تا ۱۵۰۰ میلیمتر در سال‌وگاهی نیز بیشتر است . این اقلیم بدون ماههای خشک‌واقعی است.

← رده‌بندی کوپ

اقلیم نیمه خشک قاره‌ای
SEMIARID CONTINENTAL CLIMATE

این اقلیم در داخل قاره‌های عرضهای متوسط و نقاطی که کوهها سدی در برابر نفوذ رطوبت ایجاد می‌کنند دیده می‌شود . دمای این اقلیم بسیار متغیر است ولی بارندگی آن بندرت بیش از ۴۰۰ میلیمتر است و گاهی ممکن است چند سال متوالی باران نبارد . دوره‌های خشکسالی طولانی با طوفانهای گرد و غبار ، که اغلب در زمستان حادث می‌شوند، همراه‌اند .

← رده‌بندی کوپ

اقلیم نیمه قطبی انتهائی
EXTREME SUBPOLAR CLIMATE

در نواحی داخل قاره‌ای نیمه قطبی دمای متوسط برای ۵ ماه از سال یا بیشتر کمتر از ۱- درجه سانتیگراد است . این اقلیم بیشتر از مدار قطبی شمالی تا حدود ۴۸ درجه شمالی در امریکای شمالی و ۳۰ درجه شمالی در آسیا در نقاطی که ارتفاع زیاد و دما پائین است قرار دارد . دمای متوسط ممکن است در یکی از ماههای تابستان به ۱۰ درجه سانتیگراد یا بیشتر برسد . تغییرات زیاد دما از ویژگیهای این اقلیم است . بارندگی در ماههای تابستان متمرکز است و مقدار متوسط

سالیانه آن کمتر از ۲۵۰ میلیمتر است. توده‌های هوای سرد باعث می‌شود که هوا رطوبت کم در خود نگه دارد.

← رده‌بندی کوپ

اقلیم نیمه قطبی دریائی MARINE SUBPOLAR CLIMATE

این اقلیم در عرضهای متوسط شمالی، در طول سواحل مجاور کوههای مرتفع وجود دارد. آب اقیانوسها درجهٔ حرارت را تعدیل میکند و باعث می‌شود که تغییرات آن کمتر از آن باشد که در این مدارات انتظار می‌رود. در بیشتر ماهها دمای متوسط کمتر از ۱– درجه سانتیگراد و حداقل یک ماه دمای متوسط معادل ۱۰ درجه سانتیگراد است. بارندگی بسیار متغیر است. این نواحی اغلب تحت اثر فعالیتهای چرخه‌ای در پاییز و زمستان قرار دارد و بسیاری اوقات مه سبز تشکیل می‌شود.

← رده‌بندی کوپ

اقلیم نیمه قطبی معتدل
MODERATE SUBPOLAR CLIMATE

این اقلیم بیشتر در نواحی کوهستانی مثل کوههای آلپ و راکی، یعنی نقاطی وجود دارد که زمستانها به سردی داخل قاره‌ها در نواحی نیمه قطبی نیست. درجهٔ حرارت آن مانند درجه حرارت اقلیم نیمه قطبی دریایی است ولی بارندگی آن بین ۶۲۵ تا ۱۰۰۰ میلیمتر متغیر و در تمام سال پراکنده است.

← رده‌بندی کوپ

اقلیم یخپهنه‌ای ICE-CAP CLIMATE

← آب و هوای یخپهنه‌ای

اقیانوس OCEAN

پهناورترین فرورفتگی‌های سطح زمین را که از آب پر شده است، اقیانوس می‌نامند. بطورکلی اقیانوسها حدود ۷۱ درصد سطح زمین را پوشانیده و بزرگترین آنها به ترتیب عبارتست از:

نام	مساحت به کیلومتر مربع	ژرفترین نقطه به متر
اقیانوس آرام (کبیر)	۱۶۵،۰۰۰،۰۰۰	۱۱۰۳۵
اقیانوس اطلس	۸۱،۰۰۰،۰۰۰	۸۳۸۳
اقیانوس هند	۷۳،۰۰۰،۰۰۰	۸۰۴۸
اقیانوس منجمد شمالی	۱۴،۰۰۰،۰۰۰	۵۴۵۰
اقیانوس منجمد جنوبی	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	۴۸۵۱

باید توجه داشت که مساحت دریاهائی مانند کارائیب (در اقیانوس اطلس) و مدیترانه و سایر دریاهای فرعی خارج از این فهرست است و سه اقیانوس اول آبهای اقیانوس پنجم (اقیانوس منجمد جنوبی) را که بین جنوبگان (منطقه قطب جنوب) و مدار ۴۰ درجه عرض جنوبی قرار گرفته است شامل می‌گردند. پاره‌ای از دانشمندان تعداد اقیانوس‌های جهان را شش اقیانوس بنامهای اقیانوس آرام شمالی، اقیانوس آرام جنوبی، اقیانوس اطلس شمالی، اقیانوس اطلس جنوبی، اقیانوس هند و اقیانوس منجمد شمالی می‌دانند.

اقیانوس آرام PACIFIC OCEAN

یا اقیانوس کبیر پهناورترین و بزرگترین اقیانوس کره زمین است. این اقیانوس که از تنگه برینگ تا نواحی جنوبگان و از کرانه‌های باختری قاره امریکا تا استرالیا و کرانه خاوری قاره آسیا کشیده شده است حدود $\frac{1}{3}$ سطح زمین را فرا گرفته و مساحت آن به حدود ۱۶۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد که با توجه به سطح تمامی خشکی‌های زمین که حدود ۱۴۹ میلیون کیلومتر مربع است رقم قابل توجهی به نظر می‌رسد. طول اقیانوس آرام حدود ۱۱۳۰۰ کیلومتر و عرض آن ۱۷۷۰۰ کیلومتر است و ژرفترین نقاط زمین بنام گودال ماریاناس به عمق حدود ۱۱۰۳۵ متر در این اقیانوس واقع است.
این اقیانوس را ماژلان (دریانورد پرتغالی) در ۱۵۲۰ میلادی بدون مواجه شدن با طوفان‌های شدید پیمود و بهمین مناسبت آن را "آرام" نام گذاری کرد.

اقیانوس اطلس ATLANTIC OCEAN

دومین اقیانوس زمین که میان قاره‌های اروپا، افریقا و امریکا از نواحی شمالگان تا نواحی جنوبگان گسترده شده و وسعت آن با دریاها و انشعابات به حدود ۸۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد. تنگه برینگ و خط واصل میان دماغه هورن و جزایر شتلند جنوبی آنرا از اقیانوس آرام (کبیر) جدا می‌کند و از سوی خاور بوسیله نصف‌النهار ۲۰ درجه شرقی (دماغه امید نیک) از اقیانوس هند جدا می‌شود و کانال پاناما آنرا به اقیانوس آرام و کانال سوئز آن را از طریق دریای مدیترانه به دریای سرخ (از شاخه‌های اقیانوس هند) مرتبط می‌سازد.
از سیماهای جالب این اقیانوس رشته ارتفاعاتی است که از جزیره ایسلند تا مدار جنوبگان کشیده شده و مرکز فعالیت‌های آتشفشانی و زمین لرزه است که بعضی از قلل آن به صورت جزایری از آب بیرون آمده ژرفترین مناطق اقیانوس اطلس ژرفای پورتوریکو به عمق ۸۳۸۳ متر است. جریان‌های مهم اقیانوس اطلس عبارتند از جریان گینه و جریان خلیج که در گردشگس بزرگ پیوندند با جریان لابرادور سلامی

می‌کند .
اقیانوس اطلس را معمولا" بوسیله خط نیمگان (استواء) به اقیانوس اطلس شمالی واقیانوس اطلس جنوبی تقسیم می‌گردد و هم چنین آبهای محیط بر ناحیه جنوبگان را گاه تحت عنوان اقیانوس جنوبگان می‌آورند .

اقیانوس جنوبگان ANTARCTIC OCEAN

آبهای جنوبی اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام در حد فاصل میان قطب جنوب و مدار جنوبگان را گاه اقیانوس جنوبگان می‌نامند .
ژرف‌ترین نقاط این اقیانوس ژرفنای برد نام دارد که عمق آن ۴۸۵۱ متر است و مساحت آن ۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع است .
اقیانوس جنوبگان را اقیانوس منجمد جنوبی نیز می‌گویند .

اقیانوس شمالگان ARCTIC OCEAN

آبهایی از سطح زمین که در حد فاصل قطب شمال تا مدار ۷۰ درجه عرض شمالی واقعند و تقریبا" میان گروئنلند ، کانادا ، آلاسکا ، اتحاد جماهیر شوروی و نروژ محصورند .
مساحت اقیانوس شمالگان حدود ۱۴٫۰۰۰٫۰۰۰ کیلومترمربع است و دریاهای بسیاری از آن منشعب شده که مهمترین آن‌ها دریای بارنتز ، گروئنلند ، کارا ، لاپتف ، سیبری شرقی و بوفورت .
این اقیانوس از طریق تنگه برینگ به اقیانوس آرام مرتبط می‌شود و بهمین مناسبت پاره‌ای از جغرافیدانان اقیانوس شمالگان دریائی از اقیانوس آرام بشمار می‌آورند . ژرف‌ترین نقاط این اقیانوس ۵۴۵۰ متر عمق دارد .
بخش اعظم اقیانوس شمالگان در بیشتر سال از توده‌های یخ مواج مستور است که برخی از توده‌های مزبور را جریان گروئنلند شمالی به طرف جنوب می‌راند و آن دسته از کوههای یخی که بوسیله جریان لابرادور به جنوب حمل می‌شود کشتی‌ها را به مخاطره می‌اندازد .

اقیانوس شناسی OCEANOGRAPHY

بررسی‌های علمی درباره پدیده‌های وابسته به اقیانوس را اقیانوس شناسی می‌گویند . این دانش شامل :
الف ــ اقیانوس شناسی طبیعی که درباره شکل و ساختمان کف اقیانوسها و دما و غلظت و جریان آب آن بررسی می‌کند .
ب ــ اقیانوس شناسی زیستی که درباره زندگی در اقیانوسها گفتگو می‌کند .

اقیانوس کبیر PACIFIC OCEAN

← اقیانوس آرام

اقیانوس منجمد جنوبی ANTARCTIC OCEAN

← اقیانوس جنوبگان

اقیانوس منجمد شمالی ARCTIC OCEAN

← اقیانوس شمالگان

اقیانوس هند INDIAN OCEAN

سومین اقیانوس زمین از نظر وسعت که از سواحل جنوبی آسیا تا قاره جنوبگان و از کرانه‌های خاوری افریقا تا کرانه‌های باختری استرالیا و جزیره تاسمانی به مساحت ۷۳٫۰۰۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع گسترده شده .
ابعاد این اقیانوس از خاور به باختر و در امتداد خط نیمگان حدود ۶۴۰۰ کیلومتر و از شمال به جنوب به ۹۶۵۰ کیلومتر بالغ می‌گردد .
ژرف‌ترین نقاط اقیانوس هند ژرفنای دیامانتینا است که ۸۰۴۸ متر عمق دارد .
این اقیانوس دارای بادهای دریایی موسمی منظمی است که بارندگی‌های نواحی جنوب خاوری آسیا را موجب می‌گردد .

اقیانوسیه (استرالیا) OCEANIA

یکی از قاره‌های زمین واقع در نیمکره جنوبی و نیمکره شرقی بوسعت حدود ۷٫۶۷۸٫۹۷۴ کیلومترمربع . طول قاره اقیانوسیه (استرالیا) از خاور به باختر حدود ۳۸۰۰ کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب حدود ۳۲۰۰ کیلومتر است .
اراضی درونی این قاره پست و اطرافش مرتفع است و بلندترین کوه آن کازیسکو که به ارتفاع ۲۲۲۸ متر است .

اکالیپتوس EUCALYPTUS

درختی از تیره موردیها که اصلش از استرالیا است و در آن سرزمین تشکیل جنگلهای انبوهی را می‌دهد وارتفاع آن گاه به ۱۴۵ متر و محیط تنه آن به ۲۵ متر می‌رسد .

اکتا OKTA

نسبتی از آسمان که به وسیله ابر پوشیده شده باشد .
در این نسبت ، ۸ اکتا معرف پوشش کامل آسمان به وسیله ابر و صفر اکتا نشانگر آسمان صاف و بدون ابر است .

اکتبر OCTOBER

← ماههای اروپائی

اکتشافات جغرافیائی GEOGRAPHICAL DISCOVERIES

مستندترین اکتشافات جغرافیائی مربوط به حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد است . فنیقی‌ها و یونانیان از جمله نخستین

اقوام دریانوردی هستند که در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد کرانه‌های دریای مدیترانه و دریای سیاه را درنوردیدند و در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد کارتاژها از تنگه جبل‌الطارق گذشتند و به کرانه‌های اسپانیا و افریقا رسیدند.
فتوحات اسکندر مقدونی شرق و غرب را به هم نزدیک‌تر ساخت و رومیان با چینی‌ها روابط تجارتی برقرار ساختند در سالهای حدود ۱۵ بعد از میلاد از بادهای موسمی برای دریانوردی در اقیانوس هند استفاده گردید و موجبات تجارت و رفت و آمد میان خاور و باختر را از راه دریا فراهم ساختند.
مسلمانان صدر اسلام دامنه‌های امپراطوری اسلام را تا اسپانیا گسترش دادند. نورمان‌ها در قرون وسطی اروپا را پوئیدند و لیف اریکسن به امریکای شمالی رسید. سیاحانی چون مارکوپولو موجبات فراوانی برای ارتباط شرق و غرب فراهم آوردند و بر وسعت اطلاعات جغرافیائی افزودند.
از مهمترین اکتشافات جغرافیائی مسافرت ب.دیاش از طریق دماغه امید نیک و رسیدن واسکو دوگاما به هند را از طریق دور زدن قاره افریقا می‌توان نام برد. کریستف کلمب امریکا را کشف کرد و ماژلان دورکره‌زمین را با کشتی پیمود اکتشافات نواحی شمالگان و جنوبگان و اعماق اقیانوسها در قرن نوزدهم آغاز شد و در قرن بیستم توسعه یافت.

اکتینومتر ACTINOMETER

دستگاهی که بتواند شدت تشعشع بویژه شدت تشعشعات خورشید را اندازه‌گیری کند.

اکروپل ACROPOLIS

اصطلاحی یونانی است به معنی نقطه برآمده مرتفع و این اصطلاح برای شهرهای نظامی و دفاعی که ابتدا با یک دژ و یا یک قلعه شروع شده است به کار می‌رود.

اکسایش (Oksāyesh) OXIDATION

عمل یا طریقه‌ی اکسیدن یا حالت یا نتیجه‌ی اکسیده شدن.

اکسنده (Oksandeh) OXIDIZER

جسمی که باعث اکسیدن شود.

اکسیداسیون OXIDATION

ترکیب شبه فلز یا فلز با اکسیژن

اکسیدن (Oksidan) TO OXIDIZE

۱ــ ترکیب کردن با اکسیژن. افزودن اکسیژن.
۲ــ گرفتن ئیدرژن از یک جسم مرکب.

اکسیژن OXYGEN

مهمترین گاز موجود در جو زمین که عنصری است بی رنگ و بی بو و بی طعم، نقش حیاتی درزندگی انسان و سایر موجودات دارد. اکسیژن حدود ۲۱ درصد حجم هوای خشک را اشغال کرده و حدود $\frac{۸}{۹}$ وزن آب را تشکیل می‌دهد و همچنین $\frac{۱}{۲}$ وزن سنگها و کلیه مواد متشکله پوسته زمین از این گاز ترکیب یافته است.
اوزون را یکی از اشکال اکسیژن می‌توان بشمار آورد.

اکوساندر ECHO - SOUNDER

دستگاهی است در آبنگاری که برای اندازه‌گیری ژرفای آب اقیانوس‌ها و دریاها بکار می‌رود، اساس‌کار این دستگاه ایجاد امواج صوتی توسط یک فرستنده و برخورد آن به کف دریا و دریافت و ثبت امواج منعکس شده توسط دستگاه گیرنده‌ای است. دقت حاصله در این اندازه‌گیری بستگی به میزان تحرک و یا ایستادگی کشتی حامل دستگاههای مزبور است. بدین معنی که هر قدر کشتی حامل دستگاه ثابت‌تر باشد بر میزان دقت اندازه‌گیری افزوده شده و بر عکس هر قدر سریع تر روی آب حرکت نماید به همان میزان نیز از دقت کار کاسته می‌شود. این دستگاه را روی گونه‌ای سورتمه سوار کرده و کلفتی یخ و برف مناطق قطبی را اندازه‌گیری می‌کنند.

الدبران (Aldeberān) ALDEBARAN

ستاره آلفا (قدر اول) از صورت فلکی ثور که به آن عین‌الثور (چشم گاو) نیز می‌گویند. این ستاره از غول پیکرانی است که رنگ آن مایل به سرخ است وقطرش حدود ۳۸ برابر قطرخورشید است.

الفبا ALPHABET

یا "خط" مجموعه‌نشانه‌هایی است که برای تحریر واحدهای صوتی در یک زبان بکار می‌رود. انواع الفبای عمده‌ء جهان عبارت است از: چینی، سانسکریت، سیریلی، عربی، لاتینی (رومی) ویونانی.



الدبران

الکترولیت ELECTROLYTE

جسم مرکبی که به حالت محلول یا مذاب هادی جریان برق است و بر اثر عبور جریان الکتریسیته تجزیه می‌شود.
عمده‌ترین الکترولیت‌ها محلول اسیدها. بازها و املاح موجود در آب است.
← الکترولیز

الکترولیز ELECTROLYZE

تجزیه یک الکترولیت به وسیله‌ی عبور جریان برق از آن. از عمل الکترولیز در تصفیه فلزات و پاره‌ای کانی‌ها استفاده می‌شود.
← الکترولیت

الماس DIAMOND

نوعی کربن بلورین که تحت فشار و گرمای فوق‌العاده بوجود آمده باشد. الماس که یکی از سخت‌ترین مواد معدنی بوده و بصورت رگه‌هائی در سنگهای آذرین و یا بلورهای منفرد در رسوبات یافت میشود. نوع پست و یا ساختگی آن کاربرد وسیعی در صنعت دارد. واحد اندازه گیری وزن الماس قیراط(۰/۲ گرم) نام دارد و درشت‌ترین الماسی که تا کنون پیدا شده الماسی است بنام Cullinan که وزن آن ۳۰۳۲ قیراط(۶۰۶/۴ گرم) است و مهمترین مراکز استخراج آن کشورهای زئیر، افریقای جنوبی، غنا، آنگولا و تانزانیا می‌باشند.

النگ *(Olang)* MEADOW

← مرغزار

امپراطوری EMPIRE

دسته‌ای از ملل یا ممالک که تحت لوای یک فرمانروا (امپراطور) وحدت یافته‌اند. عنوان امپراطوری به دولت یا حکومت تحت فرمان یک امپراطور، که دارای قلمروئی وسیع و مردمی و متنوع است، نیز اطلاق میگردد.
قدیمیترین امپراطوری‌ها در مصر، بابل، آشور، ایران، روم و مقدونیه تشکیل گردیده و در دوران متاخر می‌توان از امپراطوری‌های مغول، هند، آلمان و ژاپن نام برد.

امپریالیسم IMPERIALISM

اقتباس شده از واژه لاتین امپریوم به معنی حاکم و فرمانروا.
سیاست دولتی که در صدد بسط حکمرانی و برقراری سلطهٔ خویش به مردم دیگری باشد که نمی‌خواهند زیر بار چنین اجحافی بروند.
معمولا" سیاست‌های امپریالیسم همواره توام با اعمال زور و ستمگری و اجحاف بوده است وآزادگان جهان این گونه سیاست را نفی می‌کنند و مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دهند.

امرداد

مقتبس از واژه اوستائی امرتات به مفهوم جاودانگی و بی‌مرگی، نام پنجمین ماه سال در تقویم رسمی ایران و هفتمین روز هر ماه خورشیدی.
واژه امرداد عینا" بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام پنجمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است.
غالب مردم واژه امرداد را به غلط مرداد که به معنی مرگ و نیستی است ادا می‌کنند. حال آنکه صورت رسمی و قانونی آن همان امرداد است.

امریکا AMERICA

قاره‌ای است در نیمکرهٔ غربی زمین مرکب از امریکای شمالی. مرکزی و جنوبی.
لفظ امریکا از آمریگو وسپوتچی اقتباس شده و برای نخستین بار والدز مولر آن را قاره جدید نام نهاد.
الف ـ امریکای جنوبی. این قاره در نیمکرهٔ غربی و جنوبی زمین واقع است ومساحت‌آن‌حدود ۱۷،۸۱۴۰،۹۰۹کیلومترمربع است. امریکای جنوبی به مثلثی شباهت دارد که قاعده‌اش در شمال و راس آن در جنوب واقع است و طول آن از شمال به جنوب حدود ۷۴۰۰ کیلومتر است و عرض آن به ۵۱۵۰ کیلومتر بالغ می‌شود.
این قاره از شمال بدریای کارائیب از شمال خاوری و خاور به اقیانوس اطلس و از باختر به اقیانوس آرام و از شمال باختری به جمهوری پاناما محدود است و تنگه پاناما آن‌را از امریکای مرکزی جدا می‌سازد.
ب ـ امریکای شمالی ـ قاره‌ای است در نیمکرهٔ غربی که همراه با امریکای مرکزی از تنگه پاناما واقع در جنوب شروع می‌شود و تا حدود شمالگان گسترش می‌یابد.
مساحت این قاره حدود۲۴،۲۴۸،۵۷۴کیلومتر مربع است و سومین قاره جهان از نظر وسعت بشمار می‌رود. امریکای شمالی همانند امریکای جنوبی به مثلثی شباهت دارد که قاعدهٔ آن در شمال و راس آن در جنوب واقع است.
این قاره از شمال به اقیانوس شمالگان یا اقیانوس منجمد شمالی، از خاور به اقیانوس اطلس، از جنوب خاوری به خلیج مکزیک و دریای کارائیب، از باختر به اقیانوس آرام محدود است و در مقایسه با امریکای جنوبی دارای کرانه‌های نامنظمی است.
پ ـ امریکای مرکزی ـ باریکه‌ای است میان امریکای شمالی

و جنوبی مشتمل بر کشورهای کستاریکا ، گواتمالا ، هندوراس ، نیکاراگوآ ، السالوادور و بلیز .
امریکای مرکزی در واقع قسمتی از امریکای شمالی محسوب می‌شود و تنگه پاناما آن را از امریکای جنوبی جدا می‌سازد .
(تصویر درصفحه‌ٔ ۴۶ـ ۴۷)

امریکای لاتین LATIN AMERICA

به اراضی واقع در جنوب و جنوب خاوری کشورهای متحده امریکا (ایالات متحده) اطلاق می‌شود و مشتمل است بر امریکای جنوبی و مرکزی و جزایر هند غربی .
امریکای لاتین از لحاظ فرهنگی به سرزمین‌هایی از قاره امریکا که اکثریت مردم آن به اسپانیایی یا پرتغالی و یا فرانسوی صحبت می‌کنند اطلاق می‌گردد .

امواج الکترو مغناطیسی ELECTROMAGNETIC WAVES

امواج حاصله از تغییر شدت میدانهای الکتریکی و مغناطیسی که همانند نور با سرعتی معادل حدود سیصد هزار کیلومتر در ثانیه منتشر می‌گردند .

امواج اولیه PRIMARY WAVES

دستگاه لرزه نگار به هنگام وقوع زمین لرزه نوسان‌هائی را ثبت می‌کند که از سه قسمت مجزا تشکیل یافته‌اند . نخستین دسته از نوسان‌های مزبور را امواج اولیه می‌نامند که دامنه آن‌ها در مقایسه با امواج بعدی که امواج ثانویه نام دارند کوتاهتر بوده و از نوع امواج طولی هستند . این امواج که شباهت زیادی به امواج صوتی دارند از هر جسمی اعم از جامد ، مایع و یا گاز عبور می‌کنند .

امواج ثانویه SECONDARY WAVES

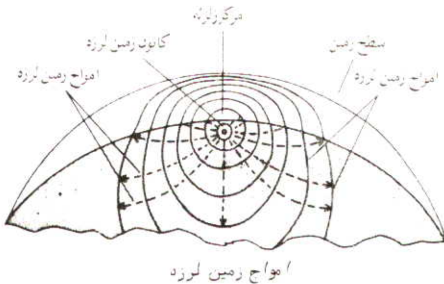
امواجی که بلافاصله بعد از امواج اولیه بوسیله لرزه‌نگار ثبت می‌گردند امواج ثانویه نام دارند دامنه امواج ثانویه از دامنه امواج اولیه بیشتر است و از نوع امواج عرضی محسوب می‌گردند . این امواج فقط از جامدات عبور می‌کنند و در مقابل مایعات و گازها متوقف می‌گردند .

امواج رادیوئی RADIO WAVES

امواج الکترو مغناطیسی که دارای بسامد (فرکانس) رادیوئی باشند .
امواج رادیوئی همانند نور با سرعت حدود سیصد هزار کیلومتر در ثانیه منتشر می‌گردند و از میان غالب موانع عبور می‌کنند .
نور خورشید ، اوضاع جوی و پهنه‌های آب در این امواج موثرند و بوسیله یون اسپهر منحرف می‌گردند و آن قسمت که از یون ــ اسپهر عبور می‌کند امواج فضائی یا آسمانی را تشکیل می‌دهد .

امواج زمین لرزه SEISMIC WAVES

امواجی که به دلیل وقوع زمین لرزه ایجاد می‌گردند . این امواج بر سه نوعند . امواج اولیه (P) ، امواج ثانویه (S) و سطحی . امواج اولیه و ثانویه به دلیل انتشارشان در داخل زمین به امواج درونی معروفند .
موج اولیه موجی است طولی که باعث پس و پیش شدن سنگ‌های مسیر خود می‌گردد . سرعت این موج در مجاورت سطح زمین حدود ۶ کیلومتر در ثانیه است و در نواحی مرکزی زمین به حدود ۱۰ کیلومتر در ثانیه می‌رسد .
موج ثانویه موجی است عرضی که باعث بالا و پائین شدن سنگ‌های مسیر خود می‌شود و به بریده شدن آن‌ها می‌انجامد . سرعت این موج نزدیک سطح زمین حدود ۳ کیلومتر در ثانیه و در نواحی هسته مرکزی زمین حدود ۷ کیلومتر در ثانیه است .
امواج اولیه و ثانویه در همهٔ جهات منتشر می‌گردند .
امواج سطحی از نوع امواج بلند هستند و آثار تخریبی زمین‌ــ لرزه ناشی از همین موج است . سرعت امواج سطحی از سرعت امواج اولیه و ثانویه کمتر است .



امواج زمین لرزه

امواج سطحی SURFACE WAVES

این امواج که پس از امواج ثانویه بوسیله لرزه‌نگار ثبت می‌گردند پیچیده‌تر از امواج دیگر یعنی امواج اولیه و ثانویه بوده و به امواج آب شباهت دارند امواج سطحی بجای اینکه از درون اشیاء عبور کنند از سطح آن‌ها می‌گذرند و خرابی‌های زمین‌ــ لرزه بیشتر مربوط به همین امواج است .

امواج کشندی TIDAL WAVES *(Amvāj-e-koshandi)*

امواج بزرگی از آب که بر اثر وقوع زمین لرزه پدید می‌آید . اینگونه امواج که برخلاف نام آنها ارتباطی با کشند ندارند گاه آنقدر در خشکی پیش می‌روند که موجب خسارتهای جانی و مالی فراوان می‌گردند . نام دیگر این امواج آبلرزه است .

امید زندگی LIFE EXPECTANCY

متوسط تعداد سالهائی که فرد X ساله انتظار دارد زنده بماند .

امیرنشین PRINCIPALITY
منطقه‌ای که در قلمرو یک شاهزاده یا یک امیر اداره شود و امیر یا شاهزاده مزبور در اداره آن دارای اختیارات قانونی باشد. مانند امیرنشین کویت و یا شاهزاده‌نشین موناکو و لیختن اشتاین.

انباشتگی AGGLOMERATION
الف ـ خانه‌های بهم فشرده و متراکمی که بخشی از یک شهر یا حومه آن را به صورت بی قاعده و بدون شکلی فرا گرفته باشد.
ب ـ نمو کردن و بزرگ شدن ذرات ریز بخار آب موجود در هوا و تبدیل آن‌ها به قطره‌های آب قابل ریزش.

انبساط EXPANSION
افزایش طولی، سطحی و حجمی اجسام و مایعات و گازها بر اثر ازدیاد دما.
میزان انبساط هر ماده از مشخصات آن ماده است.
غالب مایعات بر اثر افزایش دما منبسط می‌شوند و از جرم مخصوص آن‌ها کاسته می‌گردد.
در میان مایعات آب دارای حالت استثنائی است بدین معنی که اگر آب را از دمای صد درجه سانتیگراد سرد کنیم به طور منظم منقبض می‌شود و جرم مخصوص آن افزایش می‌یابد و در دمای ۴ درجه سانتیگراد به منتهای بزرگی می‌رسد، سپس با کاهش دما منبسط می‌گردد و در دمای زیر صفر یخ می‌بندد و بر میزان انبساط آن افزوده می‌شود.

انبساط جهان EXPANSION OF UNIVERSE
با تحلیلی که نسبت به حرکت بطرف قرمز (←) ابری‌ها به عمل آمده است. نظریه جهان ساکن مبتنی بر گمان اینشتین مردود گردید و در سال ۱۹۳۰ آ. س ادینگتن و چند نفر دیگر ضمن تحقیقات خوش به این نتیجه رسیدند که ابری‌ها (←) سحابی‌ها دارای حرکت عقب نشینی هستند و همه اعضای جهان از یکدیگر دور می‌گردند و به اصطلاح جهان در حال انبساط است.

← جهان انبساطی

انبوهش (Anbuhesh) DENSITY
الف ـ تعداد اشخاص و نفراتی که در یک کیلومتر مربع زندگی می‌کنند.
ب ـ تعداد خانه‌ها در یک کیلومتر مربع.
پ ـ تعداد اطاق‌های قابل زیست در کیلومتر مربع.
ت ـ تعداد نفراتی که در یک اطاق قابل زیست زندگی می‌کنند.

انبوهش جمعیت DENSITY OF POPULATION
تراکم جمعیت
← چگالی جمعیت

انبوهه (Anbuheh) THICKET
جنگل کوچک و یا توده درختان متراکم و انبوهی که بویژه در حال رشد و نمو باشند.

انبوهه نگاری (A - negari) DEMOGRAPHY
← جمعیت شناسی

انتخابات عمومی GENERAL SELECTIONS
گزینش شخص و یا اشخاص برای تصدی مقام و یا منصبی در جامعه از طریق آراء عمومی.

انتخاب طبیعی NATURAL SELECTION
گزینش طبیعت از میان مناسب‌ترین انواع جانوران و گیاهان. بر طبق نظریه داروین، آن دسته از گیاهان و جانوران که با محیط سازگارترند باقی می‌مانند و آنهایی که در سازگاری با محیط عاجز و ناتوان باشند از میان می‌روند.

انتقال گرما CONVECTION
هنگامی که قسمت‌های زیرین یک مایع یا گاز تحت تاثیر گرما قرار گیرد، گرم و منبسط شده و از غلظت آن کاسته می‌شود و در نتیجه به سوی بالا روان گردیده و درواقع گرما را با خود منتقل می‌سازد و در مقابل قسمت‌های سرد بالا جای خود را با قسمت گرم شده عوض کرده و بسوی پائین جریان می‌یابد. یکی از نمونه‌های شناخته شده، انتقال گرما را می‌توان حرکت هوای گرم شده در سطح زمین و جابجا شدن آن با طبقات سرد بالائی هوا دانست.

انجماد FREEZING SOLIDIFICATION
۱ـ تغییر حالت جسم از مایع به جامد در اثر کاهش دما.
۲ـ انجماد عکس ذوب است.

انحراف قبله KIBLAH DEVIATION
زاویه‌ای که نصف‌النهار و یا جهت شمال هر نقطه با امتداد آن نقطه و شهر مکه بوجود می‌آورد این زاویه را در جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌کنند.
گاهی اوقات انحراف قبله را نسبت به سمت جنوب نیز اندازه‌گیری می‌کنند.
بطور مثال انحراف قبله شهر تهران نسبت به جهت شمال برابر ۲۱۹ درجه و نسبت به سمت جنوب برابر ۳۹ درجه است.

نقشه سیاسی
ایالات متحده
امریکا و
امریکای مرکزی
مقیاس ۴۵۰۰۰۰۰۰ : ۱

■ پایتخت
□ مرکز ایالت
● شهر مهم
○ سایر شهرها
مرز بین المللی
مرز ایالت
راه اصلی
خطوط کشتیرانی

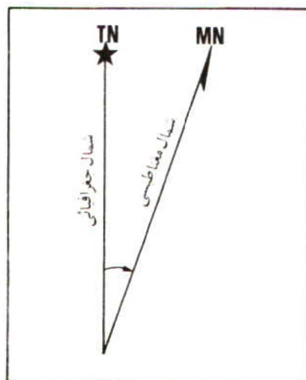
کانادا
امریکای شمالی
ایالات متحده امریکا
مکزیک
امریکای مرکزی
اقیانوس کبیر شمالی
اقیانوس اطلس شمالی
خلیج هودسن
دریای لابرادور
دریای کارائیب
مدار راس سرطان

۱ – نیوهمپشیر ۵ – کانکتیکات
۲ – ورمونت ۶ – نیوجرزی
۳ – ماساچوست ۷ – دلاویر
۴ – رود آیلند ۸ – مریلند



نقشه سیاسی
امریکا جنوبی
مقیاس ۱:۴۵۰۰۰۰۰۰
پایتخت
مرکزایالت
شهرمهم
سایرشهرها
مرزبین المللی
مرزایالت
راه اصلی
خطوط کشتیرانی
دریای کارائیب
اقیانوس اطلس جنوبی
اقیانوس کبیر جنوبی
خط استوا
(نیمکان زمین)
مدارراس جدی
امریکای جنوبی
برزیل
ونزوئلا
کلمبیا
اکوادور
پرو
بولیوی
شیلی
آرژانتین
پاراگوئه
اوروگوئه
گویان
سورینام
کاین
بوگوتا
کیتو
لیما
لاپاز
سوکره
آسونسیون
بوئنوس آیرس
مونته ویدئو
سانتیاگو
برازیلیا
کاراکاس
جورج تاون
پارامار یبو
آمازوناس
پارا
باهیا
میناس ژرایس
جزایر فالکلند
(انگلیس)
جزیره تیئرا دل فوئگو
جزایر گالاپاگوس
گواتمالا
هندوراس
نیکاراگوئه
کستاریکا
پاناما
ال سالوادور
۱۵
۳۰
۴۵
۹۰
۷۵
۶۰

انحراف مغناطیسی MAGNETIC DECLINATION
زاویه میان شمال مغناطیس و شمال حقیقی (یا جغرافیائی) را انحراف مغناطیسی می‌نامند. این زاویه را بر حسب درجه و متناسب با قرار گرفتن امتداد شمال مغناطیس در سوی خاور و یا باختر شمال حقیقی به انحراف خاوری و یا انحراف باختری می‌نامند که مقدار آن بر حسب زمان و موقعیت مکانی نقاط مختلف فرق می‌کند.



انحراف مغناطیسی (خاوری)

انحلال SOLUTION
عمل حل شدن مواد در یک محلول، مانند حل شدن سنگ نمک در آب. بارندگی و جریان آب رودخانه‌ها یکی از عوامل مهم انحلال مواد متشکله پوسته زمین و حمل آن از جائی به جای دیگرند. بطور مثال رودخانه می سی سی پی سالانه ۱۳۶ میلیون تن مواد پوسته زمین را در خود حل کرده و به دریا می‌ریزد. بطور متوسط هر کیلومتر مربع از سطح زمین سالانه حدود ۲۰ تن از مواد خود را به طریق انحلال از دست می‌دهد.

اندامگانی *(Andāmgāni)* ORGANIC
الف ـ از نظر علمی به ترکیبی از کربن و ئیدرژن گفته می‌شود.
ب ـ وابسته به موجودات زنده و بقایای آنها، مانند رسوبات صدفی، آهکی، مرجانی و لجن‌های دریایی و گچ.

اندکس نقشه MAP INDEX
عبارت از فهرست یا راهنمائی است که در نقشه‌ها و یا در قسمت آخر اطلس‌های جغرافیائی به چاپ می‌رسد. به وسیله فهرست فوق می‌توان اسامی مورد نظر را با سرعت بیشتری به دست آورد. معمولاً این گونه فهرستها به ترتیب حروف الفباء تهیه شده و در مقابل هر نامی مختصات جغرافیائی آن نقطه، و یا موقعیت اختصاصی آن نام نسبت به تقسیمات مداری مشخص می‌گردد. در اطلس‌های جغرافیائی کنار موقعیت و یا مختصات آن عارضه جغرافیائی شماره صفحه‌ای که آن نام در آن درج گردیده است نیز، قید می‌شود.

انرژی ENERGY
انرژی دارای مفهوم بسیار وسیعی است و یکی از اساسی‌ترین مفاهیم فیزیکی بشمار می‌رود.
انرژی را بطور ساده توانایی و یا قابلیت انجام کار می‌دانند. از انواع انرژی انرژی‌های اتمی، پتانسیل (یا ذخیره‌ای)، تشعشعی، سینتیک (یا حرکتی)، شیمیایی و هسته‌ای را می‌توان نام برد.

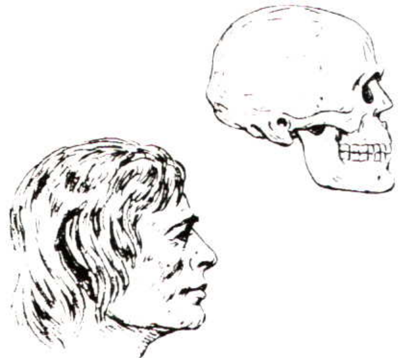
انرژی اتمی ATOMIC ENERGY
انرژی حاصله از متلاشی شدن هسته اتم را انرژی اتمی می‌گویند. عمل شکافت هسته و یا اتم شکنی یعنی تقسیم هسته اتم به دو جزء تقریباً هم جرم. معدوم شدن جرم توام با رها شدن انرژی در شکافت هسته اورانیوم واقع می‌شود.
اگر هسته اتم اورانیوم نوترونی دریافت کند، سخت ناپایدار می‌شود و به دو جزء می‌شکافد و در ضمن شکافت نوترونهایی آزاد می‌گردند و در نتیجه انرژی معتنابهی رها می‌شود.

انرژی هسته‌ای NUCLEAR ENERGY
انرژی موجود در فعل و انفعالات هسته‌ای
انرژی خورشید و ستارگان از نوع انرژی هسته‌ای است.

انسان MAN
جانوری از شاخه پستانداران و از گونه آدم‌ها که به سبب رشد کامل مغز از دیگر جانوران ممتاز است و قدرت بیان افکار بوسیله تکلم و خط دارد و تنها جانوری است که همیشه ایستاده راه می‌رود.
بسیاری از دانشمندان تاریخ پیدایش انسان را از یک میلیون تا پانصد هزار سال قبل می‌دانند. از این مدت فقط از حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح آثار مضبوط از تاریخ انسان بدست آمده و دوره طولانی ما قبل آن را ما قبل تاریخ می‌خوانند.
مقایسه انسان با سایر جانوران نشان می‌دهد که انسان با میمونهای موسوم به آدم‌نما رابطه نزدیک دارد، به همین جهت دانشمندان معتقدند که این گونه میمونها و انسان از یک نیای مشترک پیدا شده‌اند.

انسان کرومانیون CROMAGNON MAN
گروهی از انسانهای ماقبل تاریخ که بقایای آنها در سال ۱۸۶۸ در غارهای کرومانیون واقع در جنوب فرانسه کشف شد.
انسان کرومانیون در اواخر دوره عصر حجر قدیم در جنوب

باختری اروپا می‌زیست و از جنس انسان کنونی بوده است. انسان کرومانیون مستقیم می‌ایستاد و طول قامتش حدود ۱/۸۰ متر بود. بقایای اسلحه. ابزار. زیور آلات و نقاشی‌های رنگارنگی که در بعضی غارهای جنوب فرانسه و شمال اسپانیا بدست آمده، حاکی از فرهنگ پیشرفته انسان کرومانیون است.



آدم کرومانیون— ۳۵ هزار سال پیش

انسان نئاندرتال NEANDERTAL MAN

انسانی که بقایای استخوان او نخستین بار در دره کوچکی در آلمان غربی به سال ۱۸۵۶ پیدا شد.
بقایای استخوان و فرهنگ انسان نئاندرتال به مقدار فراوان در غرب اروپا در نهشتهای دوره فترت بین دوره یخچالی سوم و آخرین دوره یخچالی بدست آمده است.



آدم نئاندرتال— ۲۰۰ هزار سال پیش

انفجار جمعیت POPULATION EXPLOSION

افزایش ناگهانی جمعیت یک واحد سرزمینی را انفجار جمعیت می‌گویند. این رویداد به دلیل کاهش مرگ و میر و افزایش موالید پدید می‌آید و یا عوامل دیگری مانند بیکاری روستائیان نبودن امکانات زیست در روستاها و تمرکز کارخانجات و مراکز فرهنگی در شهرها و امثال آن نیز به هجوم روستانشینان به شهرها و در نتیجه به انفجار جمعیت می‌انجامد.

انفصال DISCONTINUITY

الف ــ صفحه و یا لایه نازکی که توده‌های آب را از نظر درجه حرارت و غلظت از هم جدا سازد.
ب ــ جبهه و یا ناحیه‌ای که توده‌های هوا را از نظر درجه حرارت و میزان رطوبت از یکدیگر جدا کند.
پ ــ تغییر ناگهانی و غیر منتظره، ساختمان زمین در ژرفای زیاد.

انقباض CONTRACTION

← انبساط

انقلاب تابستانی SUMMER SOLSTICE

← انقلابین

انقلاب زمستانی WINTER SOLSTICE

← انقلابین

انقلابین SOLSTICES

دو نقطه از گردشگاه زمین (مدار زمین) به دور خورشید که زاویه میل خورشید در آن دو نقطه به حداکثر شمالی و جنوبی خود برسد، به‌عبارت دیگر هنگامیکه خورشید در نقطه انقلاب تابستانی یا بر فراز مدار راس‌السرطان قرار می‌گیرد طول روزهای نیمکره شمالی به حداکثر رسیده و در مقابل از تعداد ساعات تاریکی شب کاسته می‌شود و بر عکس زمانی که خورشید ظاهری در نقطه انقلاب زمستانی یا برفراز مدار راس‌الجدی واقع می‌شود طول روزهای نیمکره شمالی به حداقل خود رسیده و بر عکس بر تعداد ساعات تاریکی شب افزوده می‌گردد (این وضعیت در نیمکره جنوبی برعکس نیمکره شمالی است). (تصویر در صفحه ۵۰)

انکسار REFRACTION

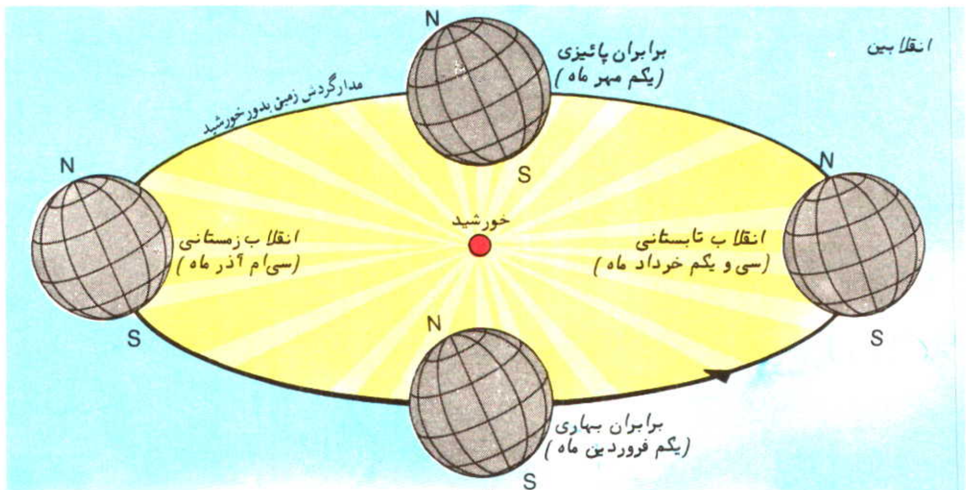
← شکست

انکسار جوی ATMOSPHERIC REFRACTION

انحراف شعاعهای تابنده از اجرام آسمانی در عبور آنها از طبقات جو زمین را انکسار جوی گویند.

انگپایه *(Angpāyeh)* BENCH MARK

نقطه ارتفاعی دائمی است که بوسیله علائم طبیعی (مانند تخته سنگهای بزرگ و ثابت) یا مصنوعی (مانند علامتهای بتونی) در زمین نشانه گذاری و یا نصب گردیده و ارتفاع آن نسبت به سطح مبنای معینی (مانند سطح متوسط آب دریاهای آزاد)، تعیین گردیده است. این نشانه‌ها را معمولاً به وسیله شماره مشخص می‌سازند و ارتفاع آن را در کنار شماره



معرف آن، یادداشت می‌کنند. محل اینگونه نشانه‌ها روی نقشه با علامت B.M. مشخص می‌شود.

انگلیکان ANGLICAN

یا "جامعهٔ انگلیکان" هیئت کلیساهایی که با کلیسای انگلستان از یک خانواده‌اند، مانند کلیسای اسقفی پروتستان امریکا، کلیسای اسقفی اسکاتلند و کلیسای ایرلند و غیره.

اوپیسومتر OPISOMETER

دستگاهی است مرکب از چرخ دندانه‌داری که به یک صفحه مدرج متصل شده و برای اندازه‌گیری فاصله راهها و طول خطوط روی نقشه بکار می‌رود.

اوت AUGUST

← ماههای اروپائی

اوج *(Owj)* APOGEE

نقطه‌ای از مدار بیضی شکل گردش ماه یا ماهواره بدور زمین که دورترین فاصله را از کره زمین داشته باشد. فاصله کره ماه از زمین در مرحله اوج ۴۰۶۶۷۹ کیلومتر است. (تصویر در صفحه ۵۴)

اوجنما *(Owjnemā)* ALTIMETER

← ارتفاع سنج

اودومتر ODOMETER

دستگاهی است که به یک چرخ متصل شده و مسافت میان نقاط را بر اساس گردش چرخ مزبور تعیین می‌کند. این دستگاه که سابقاً " در نقشه‌برداری بکار می‌رفته است. توسط شخصی بنام Christopher Saxton اختراع گردیده و نوعی از آن حتی به پای شخص پیاده متصل می‌شده است.

اوراسیا EURASIA

نامی که از دو کلمه اروپا و آسیا گرفته شده و به دو قاره مزبور به عنوان یک قاره داده شده است. (تصویر در صفحه ۲۸)

اورانوس URANUS

هفتمین سیاره از منظومه شمسی که در سال ۱۷۸۱ توسط ویلیام هرشل کشف شد. قطر این سیاره ۵۱۸۰۰ کیلومتر است و زمان گردش بدور خورشید ۸۴ سال و ۴/۷۴۵ روز به درازا می‌کشد. فاصله متوسط اورانوس از خورشید حدود ۲،۸۶۹،۶۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و زمان چرخش حول محور قطبی آن حدود ۳ ± ۲۴ ساعت است و ۱۵ قمر در پیرامون آن گردش می‌کند. اورانوس از نظر بزرگی سومین سیاره منظومه شمسی بحساب می‌آید. ← سیارات (تصویر در صفحهٔ ۵۱)

اورانوگرافی URANOGRAPHY

دانشی که آسمان‌ها و جرم‌های آسمانی را توصیف می‌کند و با ساختن نقشه‌های آسمانی سر و کار دارد.

اورانیوم URANIUM

فلزی است نقره‌فام و سخت‌وراد یواکتیو با فعالیت شیمیائی زیاد. اورانیوم که با علامت شیمیایی U مشخص می‌شود دارای سه ایزوتوپ طبیعی است که اعداد جرمی آنها ۲۳۴، ۲۳۵ و ۲۳۸ است. فلز اورانیوم را م ـ هـ ـ کلاپروت در سال ۱۷۸۹ کشف کرد و تا سال ۱۹۴۰ کاربرد صنعتی چندانی پیدا نکرد. موضوع شکافت هسته اورانیوم و آزاد شدن انرژی اتمی اهمیت فراوان این عنصر را آشکار ساخت.

اورتودروم ORTHODROME

کمانی از دایره عظیمه کره زمین که کوتاهترین فاصله میان دو نقطه را تشکیل می‌دهد.

زمین



اورانوس

اوردوویسین ORDOVICIAN

دومین دوره زمین شناسی از دوران دیرین زیوی که مربوط به ۵۰۰ تا ۴۴۰ میلیون سال قبل است.

← ازمنه زمین شناسی

اورست EVEREST

قله‌ای است به بلندی ۸۸۴۷ متر واقع در کوهستان هیمالیا که مرتفع‌ترین نقطه کره زمین بشمار می‌رود.

کوه اورست از نام سرجورج اورست مهندس نقشه‌بردار انگلیسی که از ۱۸۰۶ تا ۱۸۴۳ در اداره نقشه‌برداری هندوستان خدمت کرده است اقتباس گردیده، تحت سرپرستی و راهنمائی‌های این مرد قله مزبور روی نقشه‌ها منتقل گردید و ارتفاع آن از راه مثلثاتی محاسبه شد.



اورست

اورمزد *(Urmozd)* JUPITER

← برجیس

اوزون OZONE

نوعی گاز اکسیژن با فرمول O_3 که آبی کمرنگ بوده و به مقدار خیلی کم در جو زمین و به مقدار بیشتر در ارتفاع ۲۰ تا ۳۵ کیلومتری سطح زمین دیده می‌شود. این لایه باعث جذب اشعه ماورا بنفش نور خورشید گردیده و موجبات گرم شدن لایه‌های زیرین اتمسفر زمین را فراهم می‌آورد.

اولیگوسن OLIGOCENE

دومین دوره زمین‌شناسی از دوران نوزیوی مربوط به ۴۰ تا ۲۵ میلیون سال پیش.

← ازمنه زمین شناسی

اونس OUNCE

مقیاسی است برای سنجش وزن در کشورهای انگلیسی زبان. هر اونس برابر $\frac{1}{16}$ پوند یا ۲۸/۳۴۹۵ گرم است.

این مقیاس از چند سال پیش در انگلستان منسوخ شده و به وسیله سیستم متریک جایگزین گردیده است.

اهله قمر PHASES OF THE MOON

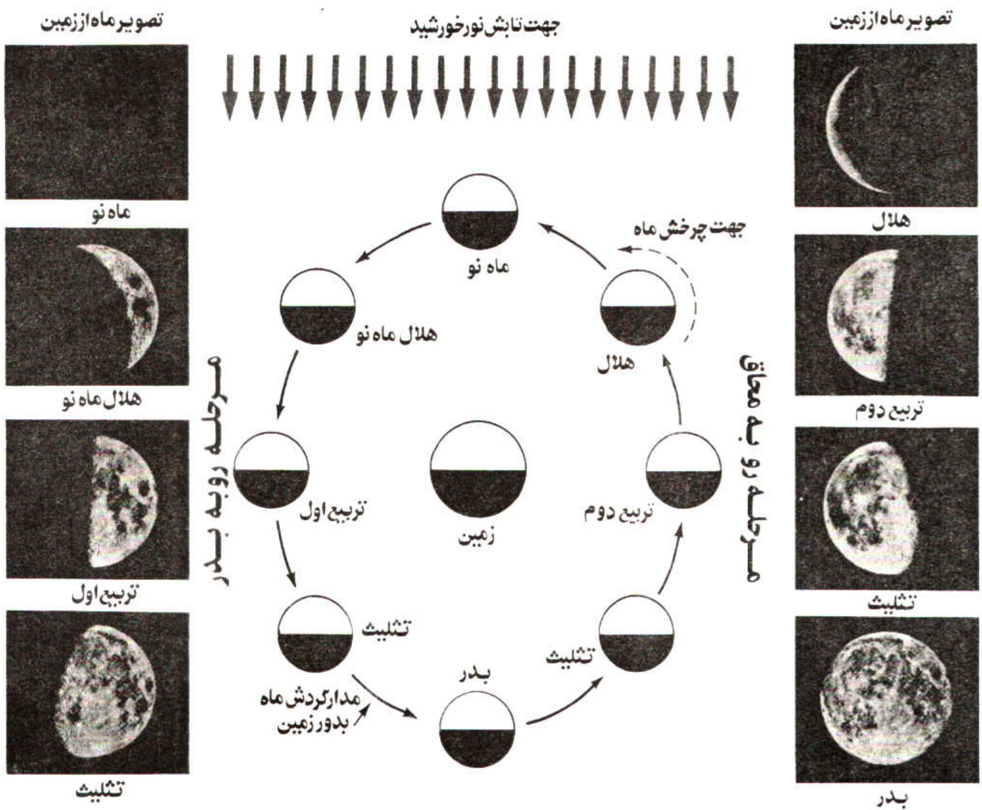
(Ahelleh-ye-qamar)

اهله قمر یا صور ماه عبارتست از حالات و اشکال ظاهری کره ماه که بر اثر گردش کره مزبور بدور زمین به نظر می‌رسد که به این حالات ماه نو، بدر و امثال آن می‌گویند. علت وقوع این صور تغییر موقعیت کره ماه نسبت به زمین و خورشید است، بدین ترتیب که هنگامیکه کره ماه میان زمین و خورشید واقع می‌شود نیمه تاریک آن متوجه زمین می‌گردد و درواقع چیزی از آن به چشم نمی‌خورد. این مرحله را ماه نو می‌نامند. اندکی بعد از این مرحله باریکه روشنی از ماه به چشم می‌خورد، به آن هلال ماه نو می‌گویند که با گردش ماه به دور زمین بتدریج بر ضخامت آن افزوده شده و هنگامیکه ماه به $\frac{1}{4}$ مدار خود بدور زمین رسید، ربعی از ماه روشن می‌گردد که به آن تربیع اول می‌گویند. با پیموده شدن نیمی از مدار ماه بدور زمین و قرار گرفتن کره زمین میان ماه و خورشید نیمه کاملی از آن که از نور خورشید رنگ گرفته است رو به زمین قرار گرفته و بصورت دایره یا قرص کاملی جلوه‌گر می‌شود که به آن ماه شب چهارده یا بدر می‌گویند. (تصویر درصفحه ۵۳) مراحل ماه نو تا قرص کامل یا بدر را که در واقع نیمه‌یکم ماه قمری است مرحله رو به بدر می‌نامند که همواره قوس روشن ماه بسوی باختر قرار دارد.

نیمه دوم ماه قمری یعنی مراحلی را که ماه پس از قرص کامل یا بدر بسوی ماه نو طی می‌کند مرحله محاق می‌گویند که در واقع عکس مرحله یکم است و قوس روشن ماه در تمام مراحل رو بسوی خاور قرار دارد. بطور کلی کره ماه، کره زمین و کره خورشید در دو مرحله ماه نو و قرص کامل یا بدر روی یک خط مستقیم قرار دارند، در حالیکه خط واصل میان مراحل تربیع یکم و تربیع دوم عمود بر خط واصل میان کره زمین و کره خورشید است.

ایالت STATE

۱ ــ در تقسیمات سیاسی کشورها، عنوان هر یک از منطقه‌های وسیعی است که معمولاً بزرگترین واحد تقسیماتی را تشکیل می‌دهند. محدوده و حدود اختیارات ایالات در کشورهای



اهله قمر

گوناگون متفاوت است و بستگی به مقررات و قوانین اساسی آن کشورها دارد.

۲ ـ در سازمان اداری و سیاسی سابق ایران قسمتی از مملکت که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جزء بود.

ئیدرژن HYDROGEN

یکی از مهمترین گازهای تشکیل دهنده جو زمین که سبک، بی رنگ بی بو و بی مزه بوده و در آب بسیار کم محلول و سبکترین گازها به شمار می‌رود. یک لیتر آن ۰/۰۹ گرم وزن دارد و ۱۴/۴ مرتبه سبکتر از هواست. وزن مخصوص آن ۰/۰۰۷ است و در ۲۵۲/۸ درجه به جوش می‌آید و در ۲۵۹ ـ درجه منجمد می‌گردد. نشانه اختصاری H.

ایستگاه سوختگیری FUELLING STATION

بندرگاهی که قاعدتاً برای سوختگیری کشتی‌ها ایجاد شده باشد. در گذشته سوختگیری در این بندرها بوسیله زغال سنگ انجام می‌شد و در حال حاضر با مواد نفتی انجام می‌گیرد.

ایل TRIBE

جماعتی از مردم که از نظر فرهنگ و پاره‌ای از خصوصیات حرفه‌ای و آداب و رسوم نسبتاً مشترک بوده و قاعدتاً در یک منطقه جغرافیائی بصورت مجتمع و یا پراکنده زندگی کنند.

ایل یا عشیره که معمولاً به حرفه‌گله‌داری اشتغال دارند، بمنظور تعلیف دامهای خویش برحسب فصل از جائی به جای دیگر کوچ میکنند.

ایل راه TRIBE ROAD

جاده‌ای که سردسیر عشایر را به گرمسیر آنان متصل نماید. طول این راه ممکن است تا حد صد کیلومتر نوسان داشته باشد.

ایلول AYLUL

۱ـ ماه نهم تقویم شمسی پاره‌ای از کشورهای عربی که بین ماه آب و ماه تشرین اول واقع شده و دارای ۳۰ روز است و با ماه سپتامبر منطبق است.

۲ـ دوازدهمین ماه تقویم عرفی و ششمین ماه تقویم دینی یهود، دارای ۲۹ روز است و با قسمتی از ماه اوت و قسمتی از ماه سپتامبر منطبق است.

ایوان *(Eyvān)* PLATFORM

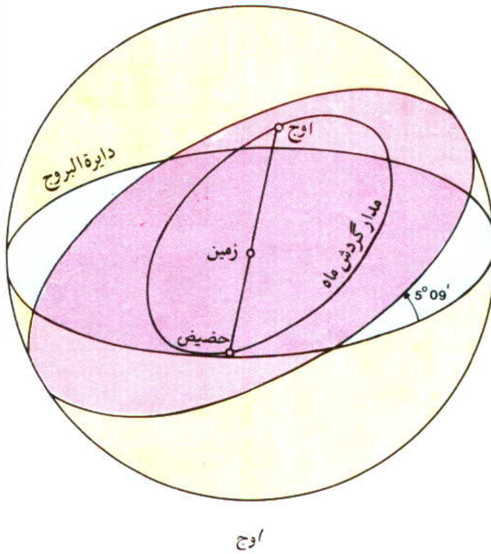
زمین سکو مانند و تقریبا" تراز و مسطحی را گویند.

ایوان شست و سابی ABRASION PLATFORM

(E-e-shost-o-sābi)

تخته سنگ نسبتا" صاف و صیقلی شده‌ای که تحت تاثیر شست و ساب قرار گرفته باشد.

← شست و ساب



اوج



اسکرایبینگ



باب CHANNEL/STRAIT
← تنگه

باتلاق SWAMP
پهنه‌ی زمینی پست که ازرطوبت اشباع شده ومعمولا " رستنیهایی بر آن روئیده باشد و برخلاف مانداب، پوشیده ازآب نیست، و برخلاف خلاش، نباتات آن در حال پوسیدن نیستند، گرچه عرفا " واژه‌های باتلاق و مانداب و خلاش به طور مترادف استعمال می‌شوند.
رطوبت باتلاق ناشی از مانعی بر سر راه زهکشی آنست، که ممکن است به سبب هموازی سطح زمین یا وجود سنگهای نفوذ ناپذیر و یا روئیدن گیاهان پیش آید.

باتلاق کرنا *(Bātlāq-e-karnā)* MANGROVE SWAMP
باتلاقی که از انبوه درخت کرنا پوشیده شده باشد. این گونه باتلاق‌ها معمولا " در دلتای رودخانه‌های مناطق نیمگانی (استوایی) مانند رودخانه آمازون در امریکای جنوبی و رودخانه نیجر در افریقا و کرانه‌های پاره‌ای ازجزایراستوایی مانند سوماترا و برنئو دیده می‌شود.

باتولیت BATHOLITH
توده گنبدی شکلی از تخته سنگهای دج مانند که بیشتر از نوع سنگ خارا هستند. حجم این توده معمولا " از حجم توده سنگهای آذرین بیشتر بوده و گاه پهنه‌ای را به وسعت صدها کیلومتر مربع در بر می‌گیرد. این توده معمولا " بوسیله لایه‌ای از سنگ و مواد دیگر پوشیده شده و برای آشکار ساختن آنها باید لایه مزبور به کنار زده شود. ترکیب ثانوی بیشتر برجستگیها و رشته کوهها از این گونه سنگها بوده و ظاهرا " تا ژرفای قابل توجهی به درون زمین گسترش یافته‌اند.
(تصویر در صفحه‌ی ۷۸).

باختر WEST
← چهار جهت اصلی

باد WIND
جریان افقی هوا با شدتهای متفاوتی از آرام ترین تا شدیدترین آنها که توفند نام دارد.
← طبقه‌بندی بوفورت (نقشه بادها صفحه ۵۶).

باد بهمن AVALANCHE WIND
باد شدیدی که بر اثر ریزش بهمن تولید می‌شود و اغلب با ویرانی و مرگ حتی در فاصله قابل ملاحظه‌ای از محل ریزش بهمن همراه است.

باد پناه LEEWARD
طرفی که به دلیل وجود عارضه‌ای مثل یک رشته کوه یا یک دیواره، از باد در پناه باشد.

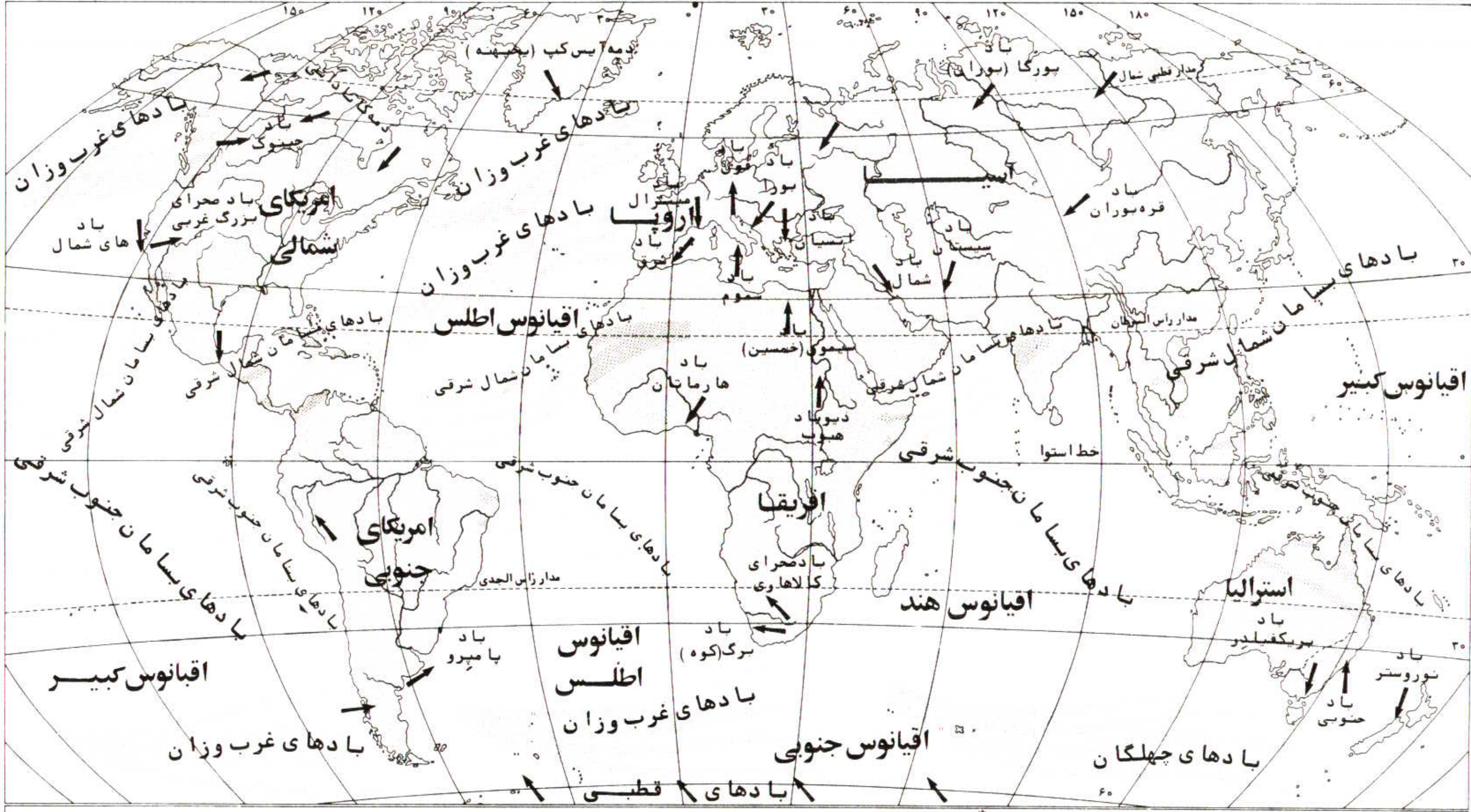
باد خورشیدی SOLAR WIND
موادی که بیشتر پروتون و الکترون هستند و از خورشید به فضا جریان دارند. خورشید به طور عادی در هر ثانیه میلیونها تن از جرم خود را به علت باد خورشیدی از دست می‌دهد.

باد رفت *(Bād roft)* LOESS
گرد و خاک زرد رنگی که بوسیله باد حمل گردیده و در پشت دیواره جویبارها انباشته شده باشد. از این گونه مواد در حاشیه صحرا و مناطق خشک آسیای مرکزی فراوان دیده می‌شود، که غالبا " از فلاتهای خشک بدانجا برده شده‌اند. این مواد که از جنس ابلیز نرم است تقریبا " زرد رنگ بوده و سرشار از مواد آهکی است و به دلیل دارا بودن خلل وفرج فراوان آب باران را بسرعت از خود عبور داده وهمواره سطح آنها خشک است. باد رفت با گیاخاک مخلوط، و خاک کشاورزی بسیار مرغوبی را بوجود می‌آورد.

باد روبش *(B - rubesh)* DEFLATION
جاکن شدن و روبیده شدن موادی مانند خاک و شن و ماسه از سطح زمین بوسیله باد. معمولا " باد ذرات ریزتر را در ارتفاعات بلندتری حمل کرده و گاه تا مسافت‌های طولانی آن را جابجا می‌سازد.

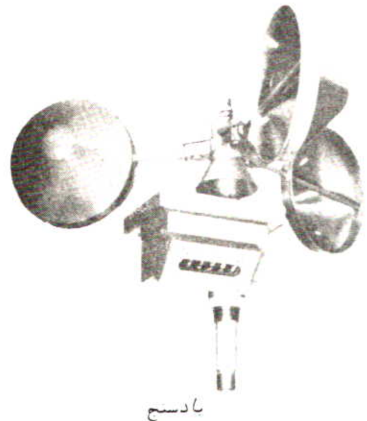
باد زد *(B - zad)* SQUALL
← باد و بوران

باد سام *(B-e-sām)* SIMOON
باد خیلی گرم و خشک و شن آلودی که در فصل بهار وتابستان در شمال صحرای افریقا و کویرهای عربستان می‌وزد. میزان شن و گرد و غبار این باد بحدی است که دید را به چند متری و گاه تا صفر کاهش می‌دهد و تپه‌های شنی را جابجا کرده و تغییر شکل می‌دهد. این گونه باد را در چین شمالی و مغولستان جنوبی بر حسب رنگ گرد و غبار، باد سیاه و یا باد زرد می‌نامند. ← دیو باد


نقشه بادهای
جهان
مقیاس ۱:۱۴۰۰۰۰۰۰۰
بادهای اصلی
بادهای محلی
امریکای شمالی
امریکای جنوبی
افریقا
اروپا
آسیا
استرالیا
اقیانوس اطلس
اقیانوس کبیر
اقیانوس هند
اقیانوس جنوبی
بادهای غرب وزان
بادهای بسامان شمال شرقی
بادهای بسامان جنوب شرقی
بادهای قطبی
بادهای چهلگان
خط استوا
مدار رأس السرطان
مدار رأس الجدی
مدار قطبی شمال
باد بورگا (بوران)
باد قره‌بوران
باد شمال
باد سموم
باد سیموم (خمسین)
باد هارماتان
باد صحرای کالاهاری
باد برگ (کوه)
باد پامپرو
باد جنوبی
باد نوروستر
باد بریکفیلدر
باد صحرای بزرگ غربی
بادهای شمال
باد چینوک
باد بورا
باد میسترال

باد سنج ANEMOMETER

دستگاهی است که سرعت و جهت وزش باد را اندازه‌گیری می‌کند. این دستگاه معمولاً از چند نیمکره مجوف فلزی کوچک تشکیل یافته که بر اثر برخورد با باد حول محور قائمی به گردش در آمده و حرکت آنها توسط وسایل برقی ثبت و اندازه‌گیری می شود.



بادسنج

باد سیستان SEISTAN WIND

بادی که مخصوص ناحیه سیستان واقع در خاور ایران بوده و معمولاً در فصل تابستان می‌وزد و سرعت آن گاه تا یکصد کیلومتر در ساعت می‌رسد. این باد را باد ۱۲۰ روزه نیز می‌گویند.

← باد صدوبیست روزه (نقشه بادها صفحهٔ ۵۶).

باد شرق وزان EASTERLY

بادی که از جانب خاور می‌وزد.

← (نقشه بادها صفحهٔ ۵۶).

باد شکن WIND BREAK

پناهگاههای طبیعی یا مصنوعی که جلوی سرعت و شدت باد را بگیرد. این گونه پناهگاهها از نظر کشاورزی در مناطق باد خیز بکار می‌رود.

باد شمال SHAMAL

باد شدید خشک و غبار آلودی در فصل تابستان که در صحراهای عراق می‌وزد و موجب تیره و تار شدن آسمان می‌گردد این باد شباهت زیادی به باد صدو بیست روزه ایران دارد.

باد صد و بیست روزه HUNDRED TWENTY DAYS WIND

باد شمال خاوری سهمناکی که سرعتش گاه از صد و ده کیلومتر در ساعت تجاوز می‌کند و در ناحیه سیستان می‌وزد.

این باد از یک سو باعث خسارت و تلفات زیاد می‌شود و از طرف دیگر کثافات موجود در سر راه را بکلی پاک می‌کند.

این باد از اردیبهشت ماه شروع می‌شود و تا امرداد ماه ادامه می‌یابد.

شدت باد صد و بیست روزه به حدی است که غرس درختان را مشکل می‌سازد و به همین جهت بخشی از سیستان که در مسیر آن واقع است از درخت عاری است.

باد صد و بیست روزه را باد سیستان نیز می‌نامند.

باد صرصر COLD WIND

باد شدید و سرد را گویند.

باد عرضی CROSS WIND

بادی که عمود بر جهت مسیر یک جسم متحرک بوزد. این باد بویژه در فن هوانوردی در خور اهمیت است.

باد غالب PREVAILING WIND

بادی که غالباً از جهت معینی بوزد و وفور آن از سایر بادهای آن منطقه بیشتر باشد.

باد فرارو *(B-e-farāro)* ANABATIC WIND

گونه‌ای باد محلی که از کوهستان بسوی دشت‌ها و مناطق کم ارتفاع وزیدن یابد. علت وزیدن این گونه بادها، گرم شدن و بالا رفتن هوای مناطق کم ارتفاع در روز و پر شدن محل‌های فروبار (کمفشار) بوسیله هوای خنک و سرد ناحیه کوهستان است.

باد فرو رو در مقابل باد فرارو قرار دارد.

باد فرو رو *(B-e-foruro)* KATABATIC WIND

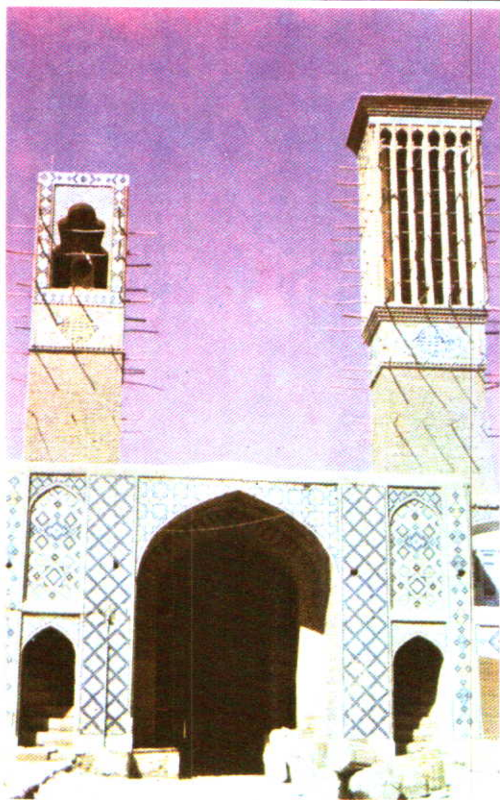
نوعی باد محلی که معمولاً شبها می‌وزد و علت وزش آن، جابجا شدن هوای سرد کوهپایه‌ها و دره‌ها و همچنین، عبور هوا از فراز یخپهنه‌ها است. چون هوای کوهستان و یخپهنه‌ها گرمای خود را به دلیل تشعشع بسرعت از دست می‌دهد و سرد می‌شود. لذا هوای بالای آن تحت تاثیر نیروی ثقل زمین رو به پائین جریان یافته و باد فرو رو را پدید می‌آورد.

بادگیر WINDWARD

۱ ــ طرفی از هر عارضه‌که در معرض‌وزش‌باد قرار گرفته‌باشد.

۲ ــ برج هواکش که در خانه‌های قدیمی (مخصوصاً در نواحی خشک و گرم مانند مناطق کویری) برای تهویه قسمتهای زیرین ساختمان می‌ساختند. مجرای بادگیر از سرداب و زیرزمین تا بالاتر از بام ادامه دارد و درون آن بوسیله تیغه‌های آجری به مجراهای چندی تقسیم می‌گردد.

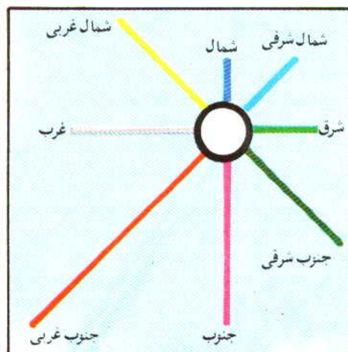
(تصویر در صفحهٔ ۵۸)



بادگیر

باد نقش WIND ROSE

تصویری که نشان دهنده میزان وزش باد از هشت جهت اصلی در یک مکان معین باشد. و به آن گلباد نیز می‌گویند.



باد نقش (گلباد)

باد نگار ANEMOGRAPH

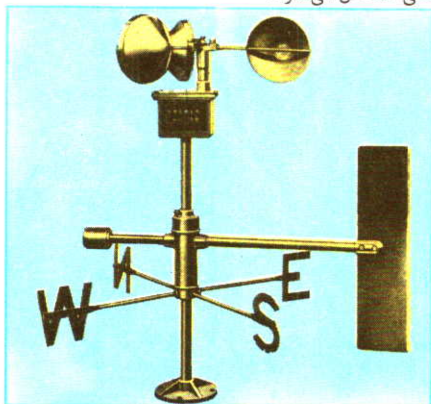
باد سنجی که سرعت و جهت بادهای سطحی را بطور خودکار ثبت و بصورت نموداری بنام باد نگاشت نمایش دهد.

باد نگاشت ANEMOGRAM

نموداری که سرعت و جهت باد بوسیله بادنگار، بطور مداوم روی آن ثبت گردد. این نمودار تغییرات سرعت باد را که بر اثر برخورد با موانعی در سطح زمین پدیدار می‌گردد نیز مشخص می‌سازد.

بادنما WIND VANE

دستگاهی است که برای نشان دادن سمت وزش باد بکار می‌رود. این دستگاه بطور ساده عبارت از تیغه گردانی است بشکل پیکان که روی پایه لولائی سوار شده و در نتیجه وزش باد تغییر سمت می‌دهد و جهت وزش باد را نسبت به چهار جهت اصلی مشخص می‌سازد.



بادنما

باد و بوران SQUALL

باد شدید ناگهانی که مدت چند دقیقه به درازا کشیده و دفعتا "آرام گیرد. این گونه بادها معمولا" با رگبار و یا تگرگ سنگین همراه است و به آن باد زد نیز می‌گویند.

بادهای آلیزه VENTS ALIZES

← بادهای بسامان

بادهای بسامان TRADE WINDS

بادهائی که از مناطق نیمه استوائی پر فشار بسوی مناطق استوائی کم فشار می‌وزد. جهت این بادها که به آنها بادهای تجارتی نیز می‌گویند در نیمکره شمالی از سوی شمال خاوری و در نیمکره جنوبی از سوی خاور است. از ویژگی این بادها نظم خاص آنها به خصوص بر فراز اقیانوسهاست.

این بادها برحسب اینکه در نیمکره شمالی یا در نیمکره جنوبی بوزند به ترتیب به دو نوع باد بسامان شمال خاوری (با علامت N.E.T) و باد بسامان جنوب خاوری (با علامت S.E.T) طبقه‌بندی می‌گردند.

بادهای بسامان شمالی NORTHEAST TRADES
بادهایی از نوع بسامان که در نیمکره شمالی می‌وزند .

بادهای تجارتی TRADE WINDS
← بادهای بسامان

بادهای تنجیده STOWED WINDS
بادهائی که بر اثر برخورد به کوه متوجه دره‌ها و گذرگاهها و فلاتهای مرتفع شده و بر شدت آن افزوده شده باشد .

بادهای چهلگان ROARING FORTIES
(B-hā-ye-chehelgān)
بادهائی که در سراسر سال بر اقیانوسهای نیمکره جنوبی بین عرضهای ۴۰ و ۶۰ درجه جنوبی از سوی غرب می‌وزد و چون مانعی در سر راهشان نیست دارای وزشی منظم و بسیار شدید هستند .
بادهای چهلگان ، نوعی از بادهای غرب وزان می‌باشند .

بادهای سیاره‌ای PLANETARY WINDS
آن دسته از بادهائی که به دلیل گردش کلی هوا پدید می‌آیند . از انواع این گونه بادها باد بسامان و باد غرب وزان را می‌توان نام برد .

بادهای شرق وزان قطبی POLAR EASTERLIES
بادهای شدید بسیار سردی که از فراز مناطق قطبی به جانب نواحی معتدل می‌وزد . جهت این بادها به سبب چرخش زمین در نیمکره شمالی از شمال شرقی و در نیمکره جنوبی از جنوب خاوری می‌باشد .

بادهای غرب وزان WESTERLIES
بادهای غربی شدیدی که بین عرضهای ۴۰ و ۶۰ درجه در هر یک از دو نیمکره شمالی و جنوبی می‌وزند .

بادهای قطبی POLAR WINDS
باد سردی که از مناطق قطبی بسوی مناطق معتدله می‌وزد . جهت وزش این باد در نیمکره شمالی از شمال خاوری و در نیمکره جنوبی از جنوب خاوری است .

بادهای کنتر آلیزه VENTS CONTRE ALIZES
← بادهای واسامان

بادهای موسمی MONSOON
این واژه در اصل از لغت عربی موسم اقتباس گردیده و خاص قسمتهای شمال باختری اقیانوس هند و دریای عمان است . این باد به مدت ۶ ماه از سوی جنوب باختری و ۶ ماه از سوی شمال خاوری می‌وزد و امروزه به مفهوم کلیه بادهای موسمی مشابهی که جهت آنها بر حسب فصلهای سال عوض شود به کار می‌رود . وزش این باد که اغلب با رطوبت و ریزش باران همراه است ، تغییرات بزرگی را از نظر آب و هوا موجب می‌گردد . به این قبیل بادها ، مونسون نیز می‌گویند .

بادهای واسامان ANTI TRADE WINDS
(B-hā-ye-vāsāmān)
بادهائی که در سطح بالائی هوا و در جهت مخالف بادهای بسامان در جریان باشند . مثلاً " اگر جهت بادهای بسامان شمال خاوری باشد جهت این بادها جنوب باختری خواهد بود . به این بادها ، بادهای کنتر آلیزه نیز می‌گویند .

بادی AEOLIAN
هر چیزی که به دلیل وزش باد ایجاد شود مانند گرد و غبار و تپه‌های شنی که در واقع ذراتی از پوسته زمین است که به علت وزش باد از جائی به جای دیگر برده می‌شوند .

بار BAR
واحد اندازه‌گیری فشار جو که برابر ۱۰۰۰۰۰۰۰ دین بر یک سانتی متر مربع است . از اجزاء بار میلی بار نام دارد که $\frac{1}{1000}$ بار است .

باران RAIN
قطره‌های آبی که از ابر به زمین می‌چکد ، باران نام دارد . این قطرات بر اثر اشباع و تکاثف بخار آب موجود در جو زمین بوجود می‌آید .

باران پناه RAIN SHADOW
منطقه‌ای که تحت حائل بوده و از تاثیر بادهای باران زا در امان باشد و فقط مقدار کمی باران دریافت دارد . این گونه مناطق معمولاً " مناطقی هستند که در پناه رشته ارتفاعات قرار گرفته‌اند . منطقه Western Ghats واقع درهندوستان یکی از نواحی نمونه‌ای است که دامنه‌های باختری آن تحت تاثیر بادهای موسمی بارندگی فراوانی بالغ بر ۵۰۰۰ میلی متر دریافت می‌دارد ، در حالیکه بارندگی دامنه‌های خاوری آن کمتر از ۶۰۰ میلی متر است .

باران چرخه‌ای CYCLONIC RAIN
بارندگی در امتداد جبهه‌ها و قسمتهای گرم یک فروبار در مناطق عرض بالا و عرض متوسط جغرافیائی که بدلیل سوار شدن ابرها روی یکدیگر و یا قطع شدن یک توده ابر بوسیله توده ابر دیگر و یا در نتیجه یک تعارب ریزش نماید .
این بارندگی‌ها بصورت باران‌های ریزی شروع شده و باد و

بوران شدید توام با هوای سردی را به همراه دارد.

باران ذرّت MAIZE RAINS

یکی از شدیدترین بارندگی‌هائی که در طول سال در نواحی افریقای خاوری ریزش میکند. زمان ایـن بارندگی بین فروردین و تیر ماه است.

باران سرخ BLOOD RAIN

باران قرمز رنگی که لکه‌های سرخ شبیه خون روی زمین به‌جای می‌گذارد. علت رنگ قرمز این باران که باران گل نیز نامیده می‌شود گرد و غباری است که از مناطق کویری همراه گرد باد به آسمان رفته و در طبقات بالا محبوس شده و با قطره‌های باران دوباره بزمین باز گشته‌اند.
این گونه باران که بیشتر در ایتالیا دیده می‌شود نتیجه وجود گرد و غباری است که از صحرای افریقا به آسمان رفته است.

بارانسنج PLUVIOMETER

← بارش سنج

باران شوئی RAIN WASH

شسته شدن و لغزیدن مواد خاکی در سراشیبی‌ها بر اثر بارندگی‌های شدید. این وضعیت بیشتر در مناطق خشک و نیمه خشک که فاقد گیاه باشد به چشم میخورد.

باران کوهزاد OROGRAPHIC RAIN

بارانی که بر اثر برخورد توده هوای مرطوب به‌کوهستان ریزش نماید. چگونگی این عمل بدین ترتیب است که هوای مرطوب پس از برخورد به کوه بطرف بالا که سردتر است کشیده شده و پس از رسیدن به مرحله اشباع، به صورت قطره‌های باران در ارتفاعات ریزش میکند. این عمل هنگامی مؤثرتر صورت می‌گیرد که رشته ارتفاعات ممتدی در برابر جریان هوای مرطوب وجود داشته باشد و از آن مؤثرتر زمانی است که امتداد رشته ارتفاعات بر مسیر جریان هوا تقریبا" عمود باشد. بدیهی است همواره دامنه‌ای که مشرف به جریان باد مرطوب باشد، بهره بیشتری در مقایسه با دامنه دیگر، از باران خواهد برد.

باران گل *(Bārān gel)* MUD RAIN

← باران سرخ

باران مصنوعی ARTIFICIAL RAIN

بارانی که در نتیجه بارور کردن ابر ریزش‌نماید. یکی از طرق بارور کردن ابر پاشانیدن مواد سرمازا مانند انیدرید کربنیک جامد بر روی ابرهاست. در نتیجه این عمل آب موجود در ابر به بلورهای یخ مبدل میگردد و با جذب آبهای مجاور شروع بدرشت شدن و بالاخره ریزش می‌نماید.

باران همرفت CONVECTION RAIN
(B-e-hamraft)

بارانی که بر اثر عمل انتقال گرما درجو ریزش‌نماید. رطوبت موجود در هوا با گرم شدن لایه‌های زیرین آن بوسیله عمل انتقال گرما به طبقات بالای جو رفته و با تماس با لایه‌های سرد جو به نقطه اشباع رسیده و بخار آب موجود در آن به صورت ابر آشکار میگردد.
عمل انتقال گرما گاه آنچنان شدید و قوی است که ابرهای حاصله به صورت عمودی به اعماق آسمان نفوذ نموده و ذرات آب موجود در آن آنچنان اشباع میگردد که‌باران‌های شدید و سیل آسایی که اغلب با توفان همراه است بدنبال می‌آورد.
این اعمال بیشتر در بعد از ظهرهای روزهای نواحی نیمگانی روی میدهد.

بار رود *(Bāre rud)* RIVER LOAD

موادی که بوسیله آب یک رودخانه حمل میگردد. این مواد ممکن است به صورت محلول یا معلق باشند و هم چنین به بار، و قطعاتی که در امتداد بستر رودخانه بوسیله آب حمل میگردند نیز گفته میشود.

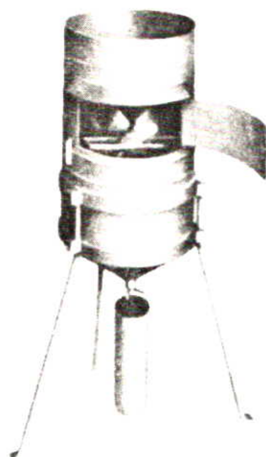
بارش RAINFALL

ذرات کوچک آب موجود در بخار آب پس از رسیدن به حد تکاثف، به ابر دگرگون شده و در فضا شناور میگردند. از به هم پیوستن این ذرات، دانه‌های درشت‌تری از آب در فضا بوجود میآید که تحت تاثیر نیروی کشش زمین به صورت قطره‌های باران یا برف و تگرگ به سوی زمین سرازیر میگردد که مقدار آن را در یک مدت معین با دستگاه باران سنج اندازه میگیرند. رویهمرفته میزان بارندگی هر منطقه به بادهای موجود در آن منطقه بستگی دارد و همچنین تغییرات فصلی نیز در این میزان موثر است. از نظرهواشناسی بارندگی مفید هرمنطقه عبارتست از حد متوسط ریزش سالیانه آن منطقه در ماهها و فصلهای مختلف سال.

بارش سنج RAIN GAUGE

دستگاهی که برای اندازه‌گیری میزان ریزش باران بکار رود. این دستگاه از یک قیف به قطر ۱/۵ یا ۲/۵ متر تشکیل یافته که به دهانه یک ظرف شیشه‌ای متصل گردیده و آب باران را به درون ظرف مزبور منتقل میسازد. این ظرف آب باران را در یک مدت معین در خود جمع کرده و سپس آبهای جمع شده را به ظرف مدرج دیگری که هم قطر قیف مورد بحث است

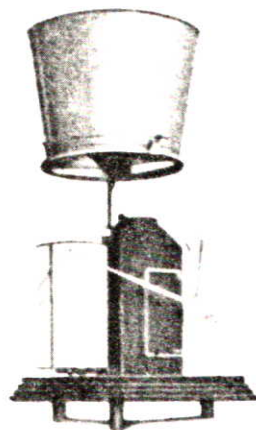
منتقل و ارتفاع آب را در ظرف مزبور برحسب میلی متر یا اینچ قرائت می‌کنند. بارش سنج را معمولاً دوبار در روز قرائت می‌کنند.



بارش سنج

بارش نگار HYETOGRAPH

نوعی بارش سنج، که میزان ریزش باران را به طور خودکار ثبت می‌کند. شیوه کار این دستگاه به این نحو است که اهرم شناوری که یک سرآن به مداد متصل است متناسب با باران جمع شده بالا آمده و روی ورقه کاغذی که بدور یک غلطک که متناسب با زمان به دور خود می‌چرخد چسبیده است اثر می‌گذارد.



بارش نگار

بارندگی *(Bārandegi)* RAINFALL

← بارش

باروت POWDER

دسته‌ای از مواد منفجره جامد که مخلوطی است از نیترات پتاسیم، گوگرد و زغال چوب.

باروت بر دو نوع است باروت سیاه و باروت بی دود. باروت سیاه از اختراع چینی‌هاست که از قرن چهاردهم میلادی به اروپا وارد شد و فنون جنگی را دگرگون ساخت.

باروت سیاه بعدها بوسیله باروت بی دود که توسط ادوارد شولتسه در سال ۱۸۶۴ اختراع گردید جایگزین شد.

بارومتر BAROMETER

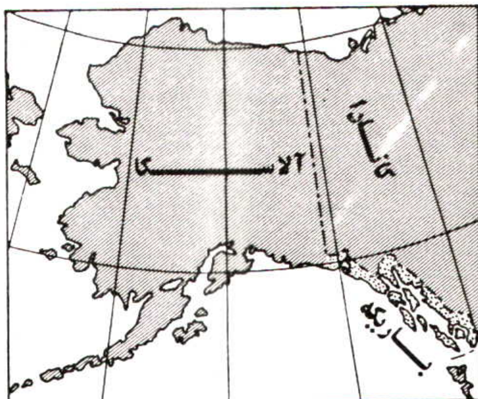
← فشار سنج

باریت BARITE

یا "اسپات سنگین"، سولفات معدنی طبیعی باریوم که تقریباً غیر محلول است و از منابع تهیه باریوم می‌باشد. از آن به عنوان محک برای سولفات‌ها و در ساختن رنگ نیز استفاده می‌شود.

باریکه *(Bārikeh)* PANHANDLE

باریکه‌ای از سرزمین یک کشور که در امتداد کرانه‌های کشور همسایه پیش رفته باشد. مانند باریکه‌ای از کرانه‌های کانادا که متعلق به آلاسکاست.



باریکه

بازار شهر *(Bāzār shahr)* MARKET TOWN

شهر و یا منطقه مسکونی وسیعی که مرکز ارتباطات و داد و ستد مردم باشد.

بازار مکاره FAIR

قبل از اینکه امکانات حمل و نقل و توزیع پیشرفت پیدا کند و توزیع کالا را در مناطق دور دست تسهیل و امکان پذیر سازد. مناسب‌ترین فرصت عرضه کالا به خریداران هنگامی بود که اشخاص برای انجام مراسمی از قبیل آیین‌های مذهبی در محل معینی اجتماع می‌کردند و بالطبع خریداران و فروشندگان بهم نزدیک می‌شدند و کالاهای خویش را معامله و یا مبادله می‌کردند.

در دنیای امروز نمایشگاهها جای بازار مکاره را گرفته و از رونق آن کاسته است.

در میهن ما ایران هنوز در پاره‌ای شهرها در یک روز بخصوص بازار مکاره تشکیل می‌گردد و اشخاص کالاهای مورد نیاز خود را در آن روز از طریق خرید و یا مبادله تهیه می‌نمایند. این گونه بازارها به اقتضای روزی که اجتماع صورت می‌گیرد نام‌گذاری می‌شود، مانند چهار شنبه بازار، جمعه بازار و غیره.

باز افسرد *(Bāz afsord)* REGELATION

عمل انجماد مجدد یخی که تحت فشار آب شده باشد. آب شدن یخ تحت فشار بدین سبب است که نقطه انجماد یخ بر اثر وارد شدن فشار پائین رفته و با حذف فشار دوباره به جای نخست باز می‌گردد. علت حرکت یخچالها نیز وارد شدن فشار و پائین رفتن نقطه انجماد یخ است.

بازالت BASALT

← سیاه سنگ

بازتافت *(B - tāft)* RERADIATION

بنابر اصول فیزیکی همواره جو زمین پس از گرم شدن سطح زمین، گرم می‌شود. پس از اینکه سطح زمین و یا سطح اقیانوسها بر اثر تابش نور خورشید و دریافت امواج تشعشعی خورشید گرم گردید، انرژی حرارتی خود را بوسیله تشعشع به جو زمین منتقل می‌کند. این عمل را بازتافت می‌نامند.

باید توجه داشت که پدیده بازتافت با انعکاس متفاوت است و عمل آن در سراسر مدت شب که تشعشع خورشیدی دریافت نمی‌شود ادامه پیدا می‌کند.

بازرگانی آزاد FREE TRADE

داد و ستدی که بدون هرگونه محدودیت انجام شود. بازرگانی داخلی کشورها معمولاً بطور آزاد انجام می‌شود. ولی بازرگانی بین‌المللی دچار محدودیت‌هایی ناشی از وضع عوارض گمرکی و تحمیل مالیات و اجرای پاره‌ای مقررات مرزی است.

نظریه بازرگانی آزاد مبتنی بر این اصل است که اگر مقررات سیاسی و غیر طبیعی داد و ستد بین مناطق مختلف جهان را محدود نکند، هر منطقه یا ناحیه‌ای در تهیه آن کالایی تخصص پیدا می‌کند که می‌تواند آن را ارزانتر و بهتر از سایر مناطق تهیه کند و به این ترتیب یک نوع تقسیم و یا انتخاب طبیعی مناطق تولید بوجود می‌آید و مصرف‌کنندگان می‌توانند کالاهای مورد نیاز خود را ارزانتر و بهتر بدست بیاورند.

فرضیه معروف بازرگانی آزاد نخستین بار بوسیله اقتصاددان اسکاتلندی در سال ۱۷۷۶ وضع گردید.

باز فرسائی *(B-farsā'i)* REJUVENATION

عملی که منجر به فرسایش مجدد یک عارضه گردد. این واژه بیشتر درباره رودخانه‌ها بکار می‌رود. این عمل در واقع سر آغاز یک سیکل فرسایش جدید است.

بازه

۱ ــ فاصله میان دو کوه.

۲ ــ دره.

۳ ــ فاصله میان دو دیوار.

باستان شناسی ARCHAEOLOGY

بررسی علمی در آثار بازمانده انسان از آغاز زندگی بشر تا دوره تاریخی جدید. باستان شناسان برای کاوش و خواندن و تعبیر و تعیین اندازه قدمت و نگهداری آثار باستانی و همچنین تعمیر و مرمت آنها از کارشناسانی مانند مورخ، دیرین شناس، زمین شناس، زبان شناس، شیمیدان، گیاهشناس، معمار، مهندس و عکاس استفاده می‌کنند.

باستیون BASTION

۱ ــ بنای مرتفعی که درون یک قلعه ساخته شده باشد.

۲ ــ قلعه‌ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند.

باسره *(Bāsareh)*

زمینی که برای کشت و زرع آماده کرده باشند، به آن کشتزار نیز می‌گویند.

باسکول BASCULE

اصطلاح فرانسوی به معنی ترازوی بزرگ که برای توزین بارهای سنگین تجارتی بکار می‌رود.

باطلاق SWAMP

← باتلاق

باغچه CROFT

کشتزار کوچک متصل به خانه.

باغ سنگستانی ROCK GARDEN

باغی که در میان تخته سنگ‌هایی بصورت طبیعی و یا مصنوعی فراهم شده باشد.
معمولاً در میان سنگ‌ها به عمق کافی خاک می‌ریزند تا ریشه گیاه به اندازه لازم در آن فرو رود.

بافت خاک TEXTURE OF SOIL

کیفیت طبیعی خاک از نظر اندازه دانه‌های آن که به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می‌گردد:
الف ـ دانه درشت، که قطر دانه‌های آن بین ۰/۰۲ تا ۲ میلی متر است. از انواع این گروه خاک‌های شنی را می‌توان نام برد.
ب ـ دانه ریز ـ که قطر دانه‌های آن از ۰/۰۰۲ میلی متر کمتر است. از انواع این گروه خاک رس را می‌توان محسوب داشت.
پ ـ دانه متوسط ـ که قطر دانه‌های آن بین ۰/۰۲ تا ۰/۰۰۲ است.
ت ـ خاک مخلوط که آمیخته‌ای از گونه‌های بالاست.

باکتری‌ها BACTERIA

موجودات زنده بسیار ریز تک سلولی که اندازه آن‌ها بین $\frac{1}{1000000}$ تا $\frac{1}{100}$ میلی متر است.
باکتری‌ها بطور مستقیم تقسیم می‌شوند و پاره‌ای از آن‌ها بیماری‌زا و دسته‌ای مفید هستند.
از باکتری‌های بیماری‌زا می‌توان باکتری‌های سل، دیفتری، کزاز، وبا و غیره را نام برد و از باکتری‌های مفید می‌توان به باکتری‌های شوره را که در کشاورزی و باروری خاک اهمیت فراوانی دارند اشاره نمود.

بالا سنج CATHETOMETER

دستگاهی است که برای اندازه‌گیری ارتفاعات و اختلاف ارتفاع میان دو نقطه بکار می‌رود این وسیله از یک دوربین و یک میله مدرج تشکیل یافته است.

بالشتک آتشفشانی PILLOW LAVA

گدازه‌های آتشفشانی که به شکل ظاهری بالشتک‌هائی سرد و سخت شده باشد. این گونه گدازه‌ها معمولاً از سخت شدن مواد گداخته آتشفشانی در زیر آب پدید می‌آیند.

بالون کمانه‌ای METEOROGRAPH

⟵ واگوی

بالون هواشناسی BALLOON SONDE

⟵ واگوی

بایر UNUTILIZED LAND

زمین خراب و غیر قابل زراعت.

بحر SEA

⟵ دریا

بحر محیط

بطور عام به مجموعه آبهای اقیانوس‌ها که خشکی‌ها را احاطه کرده‌اند گفته می‌شود.
بطور خاص ⟵ اقیانوس آرام

بحیره *(Bahireh)* LAKE

لفظ عربی به معنی دریاچه مانند بحیره خوارزم ⟵ دریاچه

بخار STEAM

گازی که از مواد مرطوب در حال تبخیر جدا شود یا در اثر حرارت از مایعات یا جامدات برخیزد و به هوا رود. آنچه به شکل دود یا رطوبت از آب گرم یا هر جسم جامد یا مایعی در اثر حرارت از آن برخیزد و به هوا رود. برای بخار کردن آب علاوه بر گرم کردن آب تا نقطه جوش (در حرارت ۱۰۰ درجه فشار ۷۶ سانتی متر جیوه) مقداری هم حرارت باید داد مثلاً برای تبدیل یک گرم آب صد درجه به یک گرم بخار صد درجه تقریباً ۵۳۷ کالری حرارت لازم است.

بخار فرا تافته SUPERHEATED STEAM

بخار آبی که دمای آن از صد درجه‌ی سانتیگراد بالاتر است. و از حرارت دادن آب در فشاری بالاتر از فشار متعارفی جو بدست می‌آید.

بخش DISTRICT

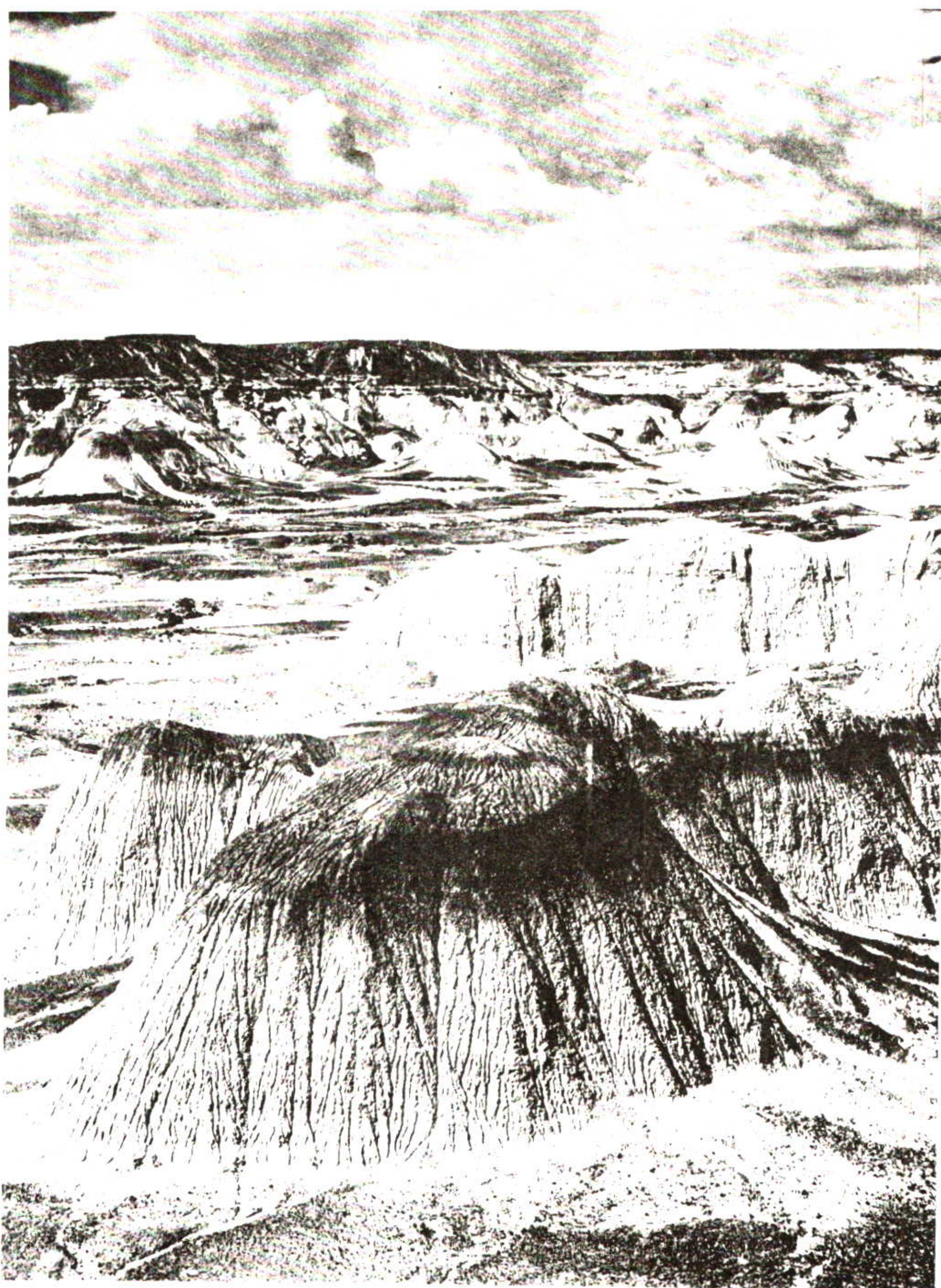
قسمتی از تقسیمات کشوری، که معمولاً از چند دهستان تشکیل یافته و خود قسمتی از شهرستان است. حاکم بخش را بخشدار می‌گویند.

بدبوم *(Bad bum)* BADLANDS

سرزمین نسبتاً کم باران و سر سختی که دارای آبکندهای عمیق بوده و میزان رطوبت و بارندگی آن، تکافوی رشد گیاهان را ننموده و از نظر کشاورزی و ایجاد چراگاه بی‌ارزش باشد. در این گونه سرزمینها غالباً صخره‌های ستونی شکل بلندی، که سر آنها بر اثر فرسایش، تخت و هموار گردیده است، دیده می‌شود. (تصویر در صفحه ۶۴)

بدر *(Badr)* FULL MOON

⟵ اهله قمر



بدبوم

بده (Bedeh) DISCHARGE OF A RIVER

مقدار آبی که از یک رواده عبور کند . این مقدار به حجم و سرعت جریان آب بستگی داشته و بر حسب واحدی بنام کوسک یا C.F.S (فوت مکعب در ثانیه) و یا با متر مکعب در ثانیه

اندازه‌گیری می‌شود . برای این منظور از یک سرعت سنج و یک ژرفا سنج (که معمولا " یک شاخص مدرج است) استفاده می‌شود .

بَرّ *(Barr)* LAND

خشکی ، دشت و بیابان.

⟵ خشکی

برآمدنگاه *(Barāmadangāh)* EAST

⟵ خاور

برابران *(Barābarān)* EQUINOXES

نقاط برخورد مدار گردش ظاهری خورشید به دور زمین (دایرةالبروج) و امتداد سطح استواء زمین. نقطه اول که تاریخ گذشتن خورشید از آن ، یکم فروردین (۲۱ مارس) هر سال است ، نقطه برابران (اعتدال) بهاری ، و نقطه دوم که تاریخ وقوع آن یکم مهر ماه برابر ۲۲ سپتامبر هر سال است ، نقطه برابران (اعتدال) پائیزی نام دارد . چون در این دو نقطه ، دایره حد فاصل میان روشنائی روز و تاریکی شب ، از دو قطب زمین عبور می‌کند ، لذا تمام مدارها را به دو نیمه برابر تقسیم کرده و در نتیجه طول روز و شب در تمام نقاط زمین با هم برابر می‌گردد .

برابران بهاری VERNAL EQUINOX

یکی از دو نقطه تلاقی مدار گردش ظاهری خورشید به دور زمین (دایرةالبروج) و امتداد سطح استواء زمین ، که خورشید در روز یکم فروردین (۲۱ مارس) هر سال از آن نقطه عبور می‌کند . چون در این نقطه که به آن نقطه اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی نیز می‌گویند ، دایره حد فاصل میان روشنائی روز و تاریکی شب ، از دو قطب زمین عبور می‌کند ، لذا تمام مدارها را به دو نیمه برابر تقسیم کرده و در نتیجه طول روز و شب در تمام نقاط زمین با هم برابر می‌گردد .

برابران پائیزی AUTUMNAL EQUINOX

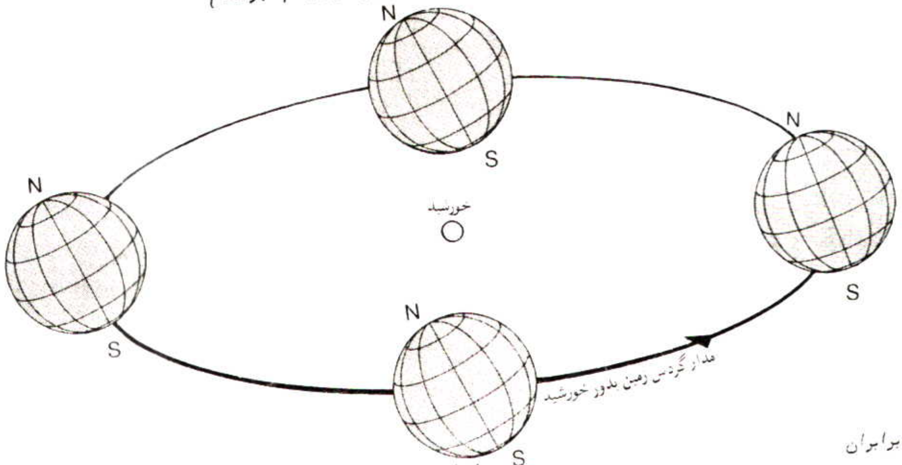
این نقطه عبارت از محلی است که از برخورد مدار گردش زمین به دور خورشید و سطح استواء عالم بوجود می‌آید . در این نقطه که در مقابل برابران بهاری (نقطه اعتدال بهاری) قرار گرفته ، حرکت ظاهری خورشید از شمال به جنوب بوده و زمان وقوع آن همه ساله یکم مهر ماه برابر ۲۳ سپتامبر است . به این نقطه اعتدال پائیزی یا اعتدال خریفی نیز گفته می‌شود .

برابری حقوق EQUALITY OF RIGHTS

برابری یا تساوی حقوق در عرف بین المللی به تساوی حقوق کشورها در مجامع بین المللی و در مورد افراد یک جامعه برابری آنها در برابر قوانین کشور خود اطلاق می‌شود .

بربرها BERBERS

در یونان باستان به همه مردمی که خارج از تمدن یونان بودند اطلاق می‌شد . بعدها به اقوامی که به امپراطوری روم حمله می‌کردند نیز گفته می‌شد ، در زمان حاضر به آن دسته از ساکنان شمال افریقا که به زبان بربری گفتگو می‌کنند اطلاق می‌گردد . بربرها از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا مصر و از طرف جنوب تا رودخانه نجر پراکنده‌اند و عموما " دارای مو و چشمان تیره‌اند و پوست روشن و قامت متوسط دارند . غالب بربرها از طریق کشاورزی و چوپانی زندگی می‌کنند و بیشتر آنها مسلمانند و به مرور با عرب‌ها مخلوط شده‌اند .



برابران

برتری نژادی APARTHEID

یا سیاست تبعیض نژادی که در آن معمولاً " اختلاط نژادی ممنوع گردیده و امور فرهنگی ، اقتصادی ، اجتماعی ، مذهبی و حقوقی گروهی از نژادهای انسانی (معمولاً " سیاهپوستان) زیر نظر و تحت کنترل قرار گرفته است .

برج *(Borj)* SIGN OF THE ZODIAC

مسیر سالیانه گردش ظاهری خورشید به دور زمین (نوار یا باریکه‌ای از آسمان ، که مسیر عبور خورشید ، ماه و سیارات (غیر از ونوس و پلوتو) است) به دوازده قسمت برابر (هر کدام به عرض ۳۰ درجه) تقسیم گردیده است و هر یک از قسمت‌های دوازده‌گانه بنام یکی از صورتهای فلکی (یا صور فلکی) که غالبا " ماءخذ یونانی دارند نامیده شده‌و در واقع هر کدام ، یکی از برج‌های ۱۲ گانه سال خورشیدی را تشکیل می‌دهند .

برج‌ها یا صور فلکی دوازده‌گانه عبارتند از :

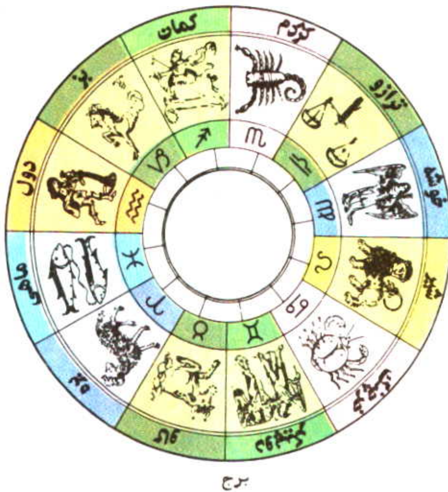
فارسی	عربی	لاتین
فروردین	حمل (بره)	Aries
اردیبهشت	ثور (گاو)	Taurus
خرداد	جوزا (دو پیکر)	Gemini
تیر	سرطان (خرچنگ)	Cancer
امرداد	اسد (شیر)	Leo
شهریور	سنبله (خوشه)	Virgo
مهر	میزان (ترازو)	Libra
آبان	عقرب (کژدم)	Scorpio
آذر	قوس (کمان)	Sagittarius
دی	جدی (بز)	Capricornus
بهمن	دلو (دول)	Aquarius
اسفند	حوت (ماهی)	Pisces

توضیح اینکه تا قبل از سال ۱۳۰۴ ، ماههای شمسی با همان عنوان‌های عربی نامیده می‌شد و از سال مزبور نامهای فارسی ، رسماً " جایگزین آنها گردیده است .

← منطقة البروج .

برجستگی‌های کف اقیانوس MID-OCEAN RIDGE

برجستگی‌هائی در کف اقیانوسها ، بویژه اقیانوس اطلس و اقیانوس هند ، که قسمت شمالی رشته مرکزی اقیانوس اطلس را Dolphin Rise ، و قسمت جنوبی رشته مزبور را Challenger Rise می‌نامند . رشته برآمدگی کف اقیانوس هند از جنوب شبه قاره هند آغاز شده و تا منطقه



برج

جنوبگان (منطقه قطب جنوب) ادامه می‌یابد و روی این برجستگی‌ها را توده‌های آب اقیانوس به ارتفاع ۳۰۰۰ تا ۳۶۰۰ متر می‌پوشاند پاره‌ای از قلل رشته مرکزی اقیانوس اطلس آنچنان مرتفع هستند که از سطح آب خارج شده و جزایری را مانند Azores و Ascension و Tristan Da Cunha پدید آورده‌اند . برجستگی کف اقیانوس اطلس از نوع بازالت بوده و احتمالاً منشاء آتشفشانی دارد . پاره‌ای از دانشمندان براین عقیده‌اند که این رشته‌درواقع از دو رشته پهلو به پهلو که بوسیله شیاری از یکدیگر جدا شده‌اند تشکیل یافته‌که علت آن حرکت جانبی قاره‌های اروپا و امریکاست . (تصویر در صفحه ۳۶۷) .

برجسته بینی STEREOSCOPY

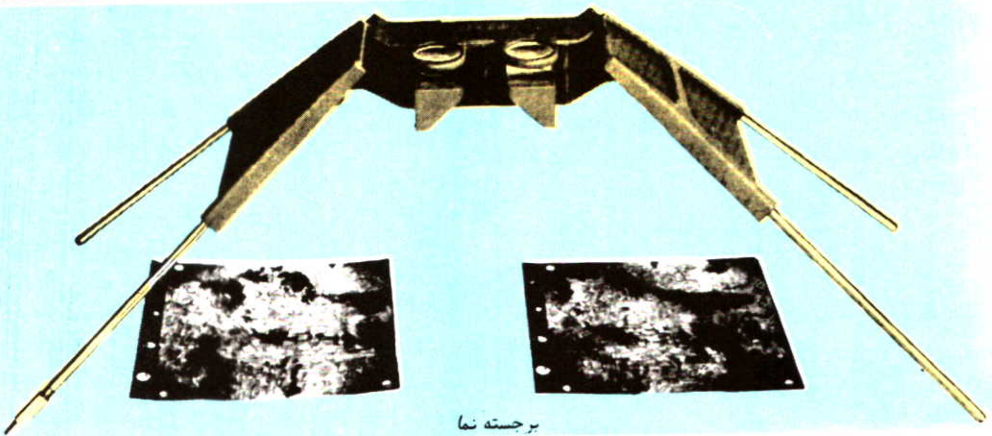
یا دید دو چشمی عبارتست از رویت با دو چشم . در این عمل بر شبکیه هر یک از دو چشم تصویری از اشیاء تشکیل می‌گردد که در مغز با هم آمیخته می‌شود و در نتیجه بیش از یک تصویر احساس نمی‌گردد .

اگر به وسیله‌ای جلوی دید یکی از چشم‌ها را بگیریم ، باچشم دیگر تصویر اشیاء را بطور مستوی احساس خواهیم کرد و چنانچه دست یا مانع را بطور ناگهانی از مقابل چشم برداریم برجستگی اشیاء یکباره برای ما محسوس خواهد شد .

برجسته نما STEREOSCOPE

دستگاهی است مرکب از دو عدسی چشمی که دو تصویر تقریبا مشابه از یک شیئی را متحد ساخته و بصورت سه بعدی یا برجسته به نظر می‌رساند .

برجسته بینی و برجسته‌نما مبتنی بر دید دو چشمی است .


برجسته نما

بدین معنی که از دو نقطه که فاصله آنها تقریبا" برابر فاصله دو چشم انسان باشد دو تصویر یا دو عکس از شیئی یا اشیاء و عوارض تهیه می‌کنند و آنها را بر صفحه‌ای درکنارهم قرار می‌دهند، بطوریکه هر یک از آنها از چشمی که نظیر آنست دیده شود، در اینصورت انسان احساس شیئی سه‌بعدی می‌کند.

ساده‌ترین انواع برجسته‌نما دستگاهی جیبی است.

زمین



برجیس *(Berjis)* JUPITER

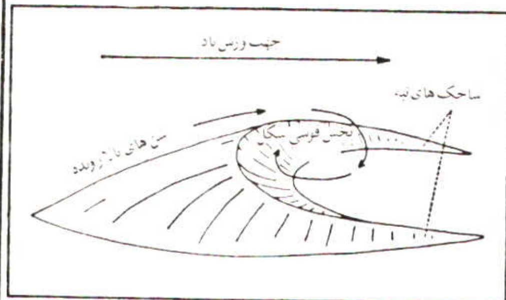
بزرگترین سیاره از منظومه شمسی که درخشندگی آن بعد از ناهید (زهره) بیشتر از دیگر سیارات است. فاصله متوسط برجیس از خورشید ۷۷۸۰۳۰۰۰۰۰ کیلومتر است و زمان چرخش حول محور قطبین آن ۹ ساعت و ۵۰ دقیقه به طول می‌انجامد و زمان گردش بدور خورشید ۱۱ سال و ۳۱۴/۶۳۰ روز به درازا می‌کشد. قطر این سیاره در امتداد استوا ۱۴۲۸۰۰ کیلومتر است و حجم آن نسبت به زمین حدود ۱۳۲۳ مرتبه بیشتر است.

فاصله متوسط برجیس از زمین ۶۲۶ میلیون کیلومتر است و ۱۶ قمر دارد که نخستین آن‌ها بوسیله گالیله و ماریوس در سال ۱۶۱۰ میلادی و آخرین قمر یعنی قمر شانزدهم در سال

برجیس

۱۹۸۰ کشف گردید . نوارها و شیارهائی در سطح مشتری مشاهده شده و جو اطراف آن فوق‌العاده رقیق و دمای سطح آن بین ۲۰ ـ تا ۲۷۰ ـ درجه سانتیگراد تخمین زده می‌شود، پاره‌ای از دانشمندان بر این گمانند که سطح آن پوشیده از یخ است .
نام‌های دیگر این سیاره در فارسی اورمزد (Urmozd) و مشتری است ← سیارات

برخان *(Barkhān)* BARKHAN
این واژه که در اصل ترکی است عبارت از تپه شنی هلالی شکلی است که شاخک‌های هلال آن در امتداد جهت وزش باد قرار گرفته باشد . چگونگی پیدایش این گونه تپه‌ها ، وجود شنهای روان و تاثیر وزش باد بر پهلوها و سر تپه‌شنی است . از انواع این گونه تپه‌ها در دشت‌های ترکستان ، ایران ، عربستان و صحرای افریقا فراوان دیده می‌شود که گاه چند تای آنها به‌یکدیگر پیوسته و ظاهر قوسی شکل خود را از دست داده‌اند .



برخان

برخورد جور *(Barkhord-e-jur)* ACCORDANT JUNCTION
شاخابه و یا رودخانه کوچکی که به طور همسطح و هم جهت بیک رودخانه بزرگتر برخورد نماید .

برداشت
جمع آوری محصول ، گردآوردن غلات .
← نقشه برداری

برد دما *(Bord-e-damā)* RANGE OF TEMPERATURE
اختلاف میان بیشترین و کمترین درجه حرارت یک مکان در یک مدت معین .

برد روزانه *(B-e-ruzāneh)* DIURNAL RANGE
مقدار اختلاف میان حداکثر و حداقل یک عامل در یک فاصله زمانی ۲۴ ساعته . مانند اختلاف میان حداکثر و حداقل دما در یک شبانه‌روز .

برد کشندی *(B-e-keshandi)* TIDAL RANGE
اختلاف ارتفاع آب دریا در حالات برکشند و فروکشند که مقدار آن دائماً در تغییر بوده و میانگین آن را مبنای اندازه‌گیری این اختلاف بشمار می‌آورند .

بردنگ *(Bardang)* MOUND
← پشته

برز *(Borz)*
بلند و مرتفع .
این واژه بصورت پسوند نیز مورد استعمال دارد ، مانند البرز که از واژه پهلوی هربرز به معنی کوه بلند و بزرگ اقتباس شده .

برزخ ISTHMUS
باریکه‌ای از خشکی که دو سرزمین اصلی را به یکدیگر مربوط سازد و یا دو دریا را از هم جدا نماید . مانند برزخ پاناما ، میان امریکای شمالی و امریکای جنوبی ، و یا برزخ سوئز که میان قاره آسیا و افریقا واقع شده و دریای مدیترانه و دریای سرخ را از هم جدا می‌کند .

برزن
بخشی از تقسیمات شهر از نظر شهرداری و یا شعبه‌ای از شهرداری که به امور یک محله رسیدگی می‌کند .
← کوی

برساووش *(Barsāvosh)* PERSEUS
یا برساوس یا برساوش یا حامل رأس الغول ، صورت فلکی نیمکره شمالی که آن را به صورت مردی تصور کرده‌اند که بر پای ایستاده است و سر بریده‌ای بدست دارد .
ستاره بتا از این صورت در واقع از دو ستاره باروشنی نابرابر تشکیل شده است که به فاصله ۱۸ میلیون کیلومتر از یکدیگر به دور گرانیگاه مشترکشان می‌گردند و جزو ستارگان متغیر گرفتی بشمار می‌آیند . (تصویر در صفحه ۶۹)

برش *(Boresh)* SECTION
مقطع یا برش قائم خاک و سنگ که بطور طبیعی یا مصنوعی بوجود آمده باشد . از این برش برای بررسی چگونگی لایه‌ها و چینه‌های زیر پوسته زمین استفاده می‌شود .
شکل خارجی پوسته زمین در برش قائم نیمرخ یا پروفیل نام دارد .

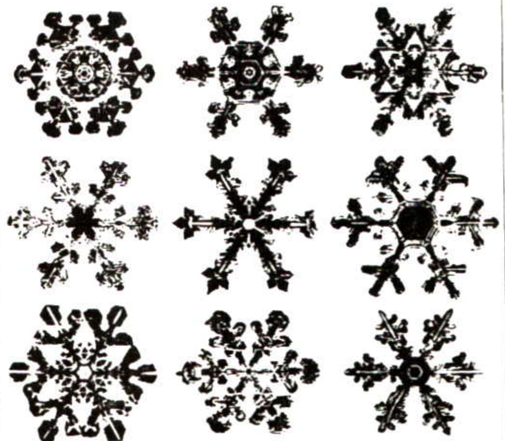


برساووش

برش قائم از نظر زمین شناسی بر سه گونه است :
الف ـ برش هندسی ب ـ برش نیمه هندسی پ ـ برش دقیق

برف SNOW

برف نوعی بارندگی است که از اشباع بخار آب در شرایط یخبندان پدید میآید . در این شرایط ذرات آب از حالت بخار ، مستقیماً " به حالت جامد تبدیل میگردند و بصورت بلورهای ستارهای شکل کوچکی از یخ ، تغییر شکل میدهند و در صورت سرد بودن لایههای زیرین جو ، بدون آب شدن ، بصورت برف ، روی سطح زمین ریزش میکنند . بطورکلی ستونی از برف خشک (که خاص مناطق خیلی سرد مانند نواحی قطبی است) تازه باریدهای به ارتفاع ۷۶۰ میلیمتر ، معادل ستونی به ارتفاع ۲۵ میلیمتر باران ، و ستونی از برف مرطوب و متراکم شده که ارتفاع ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیمتر داشته باشد ، با ۲۵ میلیمتر باران برابر است .



برف

برفاب *(Barfāb)* WATER SNOW

برف آب شده یا آمیختهای از برف و آب .

برف انبار

جائیکه برف را برای فصل گرما و یا منظورهای دیگر ذخیره نمایند .

برف باد آورد SNOW DRIFT

توده برفی که بوسیله باد حمل شده و در پناه یک مانع انباشته شده باشد . میزان انباشتگی برف در این قبیل موارد گاه به حدی است که عرض جادهها را به ارتفاع قابل ملاحظهای پوشانیده و راهبندان ایجاد میکند .

برف پهنه SNOW-FIELD

← برفدا

برف خوره FOHN

← گرمباد

برفساب *(Barfsāb)* NIVATION

فرسایش حاصله از تاثیر برف را برفساب میگویند ، که عمل زمین خزه را میتوان نمونهای از این تاثیر دانست . مثلاً " روز هنگام وقتی که برف دوب میشود آب آن بدرون شکافها و درز سنگهای پیرامون خود رخنه کرده و یخبندان آن در شب ، موجبات خرد شدن و فراخ گردیدن شکافهای مزبور را فراهم میسازد که گاه منجر به پدید آمدن چالگاه میگردد .

برف سنج SNOW-GAUGE

دستگاهی است که برای اندازهگیری ارتفاع و یا عمق برف باریده شده بکار میرود . این دستگاه شباهت زیادی به باران سنج دارد .

برف گیجه *(Barf gijeh)* WHITE-OUT

حالتی از گیجی که به علت ریزش شدید و یا پوشش کامل برف همراه با توفان از نظر تشخیص سمت به انسان دست میدهد .

برفمرز *(Barfmarz)* SNOW-LINE

پائینترین حد پوشش برف ، که بصورت خط نسبتاً پیوستهای باشد ، برفمرز نام دارد . این حد بر دو نوع است :

الف ـ برفمرز دائمی ، که عبارت از پائینترین حد پوشش برف در تابستان است ، که ارتفاع آن به عرض جغرافیائی بستگی دارد ، بدین ترتیب که در قطبین ، هم سطح دریا ، در گروئنلند ۶۰۰ متر ، در نروژ ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر ، در

کوهستان آلپ ۲۷۰۰ متر و در افریقا و مناطق مشابه حدود ۴۹۰۰ متر است .
ب ـ برفمرز زمستانی ، که در هر سال متفاوت است و بستگی به میزان ریزش برف دارد .

برفنا *(Barfnā)* SNOW-FIELD
منطقه نسبتا " گودی واقع در کوهستان ، که از برف دائمی انباشته شده باشد .

برق LIGHTNING
← آذرخش

برّ قدیم *(Barr-e-qadim)*
قاره‌های آسیا ، اروپا و افریقا و گاه نیمکره شرقی را نیز می‌گویند .

برقگیر *(Barqgir)* LIGHTNING ROD
جسم هادی منتهی به چند نوک تیز که آن را بر بالای بناهای بلند نصب می‌کنند . اگر ابری که فرضا " بار الکتریسیته مثبت دارد از فراز بنایی بلند بگذرد ، در نتیجه مجاورت بار منفی در قسمت مرتفع ساختمان جمع می‌شود و بار مثبت به زمین می‌رود ، اگر برقگیر نباشد ممکن است تخلیه الکتریسیته شدیدی تولید شود و بنا را برق بزند . اما با بودن برقگیر ، باری که در بالای ساختمان مجتمع شده بوسیلهٔ نوکهای برقگیر متدرجا ' وارد جو می‌شود و این تخلیه‌های تدریجی مانع تخلیه شدید و ناگهانی می‌گردد .

برکشند *(Barkeshand)* HIGH TIDE
منتهای بالا آمدن آب دریا را کشند بالا یا مد می‌گویند .
← کشند

برکه *(Berkeh)* POND
← استخر

برگریز *(Bargriz)*
دسته‌ای از گیاهانی که برگ آن‌ها در زمستان می‌ریزد و در بهار دوباره می‌روید .

برم *(Barm)* ETANG
← تالاب

برناب *(Bornāb)* JUVENILE WATER
← آب تفتالی

برنج RICE
گیاهی که در مناطق استوائی و گرد مداری و معتدل و گرمسیری می‌روید . این گیاه که دانه‌های آن مصرف وسیعی در تغذیه انسان دارد محصول دلتاهای رودهای بزرگ آسیا مانند گنگ ، دجله و فرات است . برنج را در مناطق پست آبگیر کشت می‌کنند و پس از درو و خرمن‌کوبی به مصرف می‌رسانند .
برنج نکوبیده را شلتوک و کشتزارهای آن را شالی‌زار می‌گویند قسمت سطحی دانه‌های برنج سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی است و قسمت اعظم آن را نشاسته تشکیل می‌دهد .
مهمترین مناطق تولید کننده برنج عبارتند از : چین ، هندوستان ژاپن ، هندوچین ، مصر ، برزیل و ایالات متحده امریکا .

برنجار *(Berenjār)* RICE PADDY
← شالیزار

برنجزار RICE PADDY
← شالیزار

برنهاد *(Barnahād)* AGGRADATION
عملی که در نتیجه انباشته شدن مواد جامد در گودالها و حفره‌های زمین ، منجر به تغییر شکل پوسته زمین می‌گردد . این اصطلاح ، بیشتر در مورد بستر رودخانه‌ها ، که دارای ته‌نشین‌های قابل توجهی هستند بکار رفته و این گونه رسوبات باعث تغییر شکل و تغییر شیب رودخانه‌ها می‌گردد .

بروبوم *(Barobum)*
یا بوم و بر . زمین ، سرزمین .

برون اسپهر *(Borun espehr)* EXOSPHERE
لایه بیرونی جو زمین یا قسمت خارجی دما کره که در ارتفاع حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتری زمین قرار گرفته و از مشخصات آن وجود اتمهای اکسیژن خنثی است که بر اثر یونیزه شدن اتمهای ئیدرژن و اکسیژن حاصل گردیده است .

برون افکنی EXTRUSION
پراکندن و انتشار مواد جامد ، مایع و گاز بر روی سطح زمین ، در یک آتشفشانی .

برونبوم *(Borunbum)* EXCLAVE
قطعه زمینی از یک دولت که بوسیله سرزمین‌های دولت دیگر محصور شده باشد . مانند ناحیه Llivia از اسپانیا که در خاک فرانسه واقع است .

برون رانی یخ EXTRUSION FLOW OF ICE

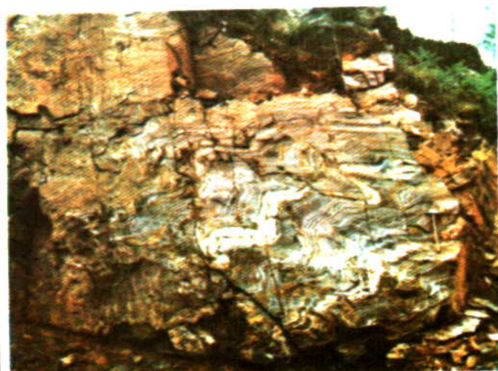
رانش حاصله از ضخامت و وزن و فشار یخ یک یخسار، نیروی رانش به کناره‌های یخسار منتقل شده و قطعات یخ را بسوی خارج می‌راند.

برون زائی EXOGENETIC

عملی که در نتیجه تاثیر نیروهای خارجی برهنگی و نیروهای داخلی درون زائی بوقوع می‌پیوندد و به شکل‌گیری چهره ظاهری زمین منجر می‌گردد.

برونزد (Borunzad) OUTCROP

قسمتی از چینه‌های سنگی، که هم سطح زمین واقع شده‌ودر معرض دید قرار داشته باشد. اینگونه چینه‌ها گاه بوسیله لایه‌ای از خاک و گیاهان و حتی ساختمان پوشیده گردیده است.



برونزد

برونکره (Borunkoreh) EXOSPHERE

← برون اسپهر

برون کهکشان‌ها (B-kahkashanha) GALAXIES

← کهکشانه

برونگانی (Borungani) EXOGAMY

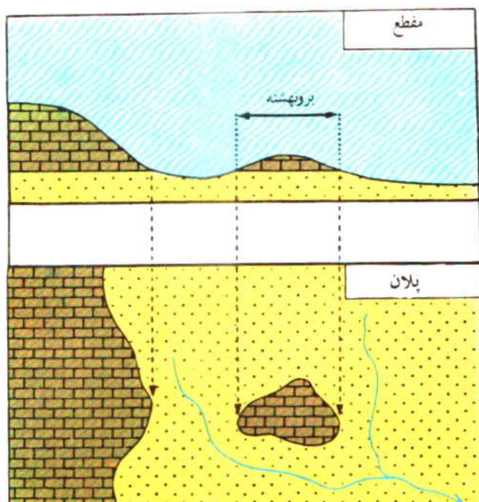
ازدواج با فردی خارج دسته، خانواده، دهکده، قبیله، یا طایفه‌ای که عرفاً" باید ازدواج با افراد آن به عمل آید.

برونمرزی (Borunmarzi) EXTRATERRITORIAL

حقوق و مزایا و معافیت‌هائی که به مردمی که درون دولت دیگری بصورت بیگانه زندگی می‌کنند داده شود. مانند حقوق و مزایایی که به‌اروپائیان ساکن بنادر چین در خلال سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۹۴۳ داده شده بود.

برونهشته (Borunheshteh) OUTLIER

توده سنگهای جدیدی که پیرامون آنها را سنگهای قدیمی‌تر آنچنان فرا گرفته باشد که هیچگونه ارتباط و پیوستگی میان توده اصلی که سنگهای درونی جزئی از آن هستند با توده درونی موجود نباشد.



برونهشته

برونیابی (Borunyabi) EXTRAPOLATION

استخراج نتایج و ارزشیابی اطلاعاتی درباره محیط های دور از دسترس به کمک مشاهدات و تجربیاتی که در یک محیط قابل دسترس به عمل آمده باشد.
مانند حکم کردن و یا نظریه دادن درباره شرایط آب و هوا در محلی از روی گزارش‌های ایستگاههای هواشناسی غیر واقع در آن محل.

برهنگی (Berahnegi) DENUDATION

روبیدن و پاکسازی سطح زمین بوسیله عوامل مختلفی مانند خورشید، باد، باران، یخبندان، آب‌های رونده و یخ‌های رونده و دریا و امثال آن. بدین ترتیب که گرمای خورشید باعث انبساط و ترک خوردن و خرد شدن سنگ‌ها می‌گردد و باد خرده ریزه‌های آن را به همراه برده و با ذرات شنی که همراه باد است کمک به سائیدگی و تحلیل سنگ‌ها می‌گردد. باران مواد خاکی را سست کرده و خاک‌را می‌شوید. یخبندان آب را در درون شکاف سنگها منجمد ساخته‌و موجبات فراخی شکاف‌ها و خرد شدن سنگها را فراهم می‌سازد. رودخانه‌ها و جویبارها زمین را می‌شویند و ذرات آن را با خود جابجا

می‌سازند . یخچال‌های رونده نیز موجب برهنگی مواد خاکی شده و آب دریا نیز سطح زمین را در امتداد کرانه‌های خود تحت تاثیر قرار می‌دهد . علاوه بر این‌ها چنانچه آب بویژه با اکسید کربن همراه باشد . خاصیت حلاله موثری را پیدا کرده و قسمت مهمی از پوسته زمین را که از جنس مواد نمکی و یا آهکی باشد تحت تاثیر قرار داده و در خود حل می‌کند و جابجا می‌سازد .

برهوت *(Barahut)*
وادیی در حضرموت واقع در شبه جزیره عربستان که دارای چاه معروفی به همین نام است . از این چاه ظاهرا "بخارهای نامطبوع و بوهای ناخوشایند بر می‌خیزد و به همین مناسبت در روایات صدر اسلام بدترین چاههای روی زمین و مقر ارواح خبیثه و کفار شمرده شده است .
قبر هود پیغمبر نزدیک این چاه واقع شده و یکی اززیارتگاههای مسلمانان بشمار می‌رود .

بریدگی BLUFF
پرتگاه و یا صخره‌ای برجسته که دارای جبهه‌ای قائم باشد . معمولا " از این گونه بریدگی‌ها در کناره رودخانه‌هایی دیده می‌شود که بر اثر آب شستگی پدید آمده است .

بزرگراه HIGH WAY
راه چند خطه بستنا " عریضی که گاهگاه به وسیله چهار راه‌و تقاطع های همسطح قطع گردد .

بزرگنمائی قائم VERTICAL EXAGGERATION
افزونی مقیاس ارتفاعی در مقایسه با مقیاس افقی مقاطع و نقشه‌های برجسته برای بهتر و مشخص‌تر جلوه دادن ارتفاعات . معمولا " مقیاس ارتفاعی را حدود ۵ برابر بزرگتر از مقیاس افقی انتخاب می‌کنند .

بزرگی زمین لرزه MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE
بزرگی زمین لرزه را بوسیله واحدی بنام ریشتر (مقیاسی که در سال ۱۹۳۵ به وسیله C.F.Richter ابداع شده) مورد سنجش قرار میدهند . این مقیاس از یک شروع شده و رو به بالا افزایش مییابد بزرگترین زمین لرزه‌ای که تا کنون ثبت شده ۸/۶ ریشتر بوده است .
← شدت و بزرگی زمین لرزه

بژ *(Bazh)* VERGLAS
پوسته نازک و شفافی از یخ که روی تخته سنگی را پوشانیده باشد و یا شبنمی را گویند که یخ بسته باشد .
← هسر

بسارده *(Basārdeh)*
۱ ــ زمین شخم شده .
۲ ــ زمینی که برای کاشتن چیزی آب داده باشند .

بست *(Bost)*
۱ ــ پشته ، گریوه ، زمین ناهموار .
۲ ــ گلزار و جایی که میوه‌های خوشبو در آن بروید .

بستاب *(Bastāb)* COFFERDAM
دیواره و یا آب بند موقت یا بندی که در یک رودخانه برای خشک کردن بستر آن بنا می‌شود .

بستان *(Bostān)*
۱ ــ باغ و باغ میوه
۲ ــ هر محوطه شامل درختانی که به قدر کافی دور از هم غرس شده باشند . تا بتوان در فواصل آنها کشت و کارکرد .

بستاوند *(Bostāvand)*
زمین پشته پشته ، کتل و گریوه ، زمین ناهموار .

بستر *(Bastar)* BED
کف مجرای آب یا قعر هر پهنه آب مانند بستر رودخانه و یا بستر دریاچه و امثال آن .

بستر رودخانه RIVER BED
بستر ، عبارت از مجرائی است که آب در آن بطور طبیعی جریان داشته و بسوی دریا ، دریاچه ، کویر و باتلاق و مانند آن روان باشد .

بستره *(Bastareh)* BEDDING PLANE
سطحی که لایه سنگهای رسوبی را از لایه دیگر جدا سازد . و یا سطحی که ماده‌ی تشکیل دهنده‌ی یک چینه سنگ بر آن نهشته شده و چینه‌های مختلف را از یکدیگر جدا می‌کند .

بسّد *(Bossad)*
← مرجان

بشاورد *(Boshāvard)* UNEVEN LAND
زمین ناهموار و پشته پشته‌ای که دارای کتل و گریوه باشد .

بشک *(Bashk)* HOAR FROST
← بشم

بشکه BARREL
← چلیک

بشم *(Bashm)* HOAR FROST
بلورهای سفیدی از یخ، که روی عوارض و اشیاء نزدیک به سطح زمین را پوشانیده باشد. اینگونه یخها، بر اثر یخبندان مستقیم ذرات بخار آب موجود در هوا، بوجود می‌آیند. این عمل هنگامی صورت می‌گیرد که نقطه شبنم زیر نقطه انجماد واقع شده باشد. به این پدیده سرما ریزه نیز می‌گویند.

بشمه *(Bashmeh)* FROST
بلورهای بسیار کوچک یخی، که بر اثر یخبندان ذرات بخار آب، بوجود آید.
و یا ذرات یخی که از انجماد مستقیم بخار آب، در هوائی که دما و نقطهٔ شبنم آن پائین‌تر از صفر درجهٔ سانتیگراد است، بر سطح زمین یا سطح اشیاء تشکیل می‌شود.

بغاز *(Boghāz)* BOGAZ
واژه ترکی است، به معنی منطقه‌ای آهکی که به مرور بوسیله تحلیه و جابجائی آبهای سطحی شسته شده و بصورت باریکه‌ای از آب، دو دریا را بهم متصل کرده باشد. مانند بغازهای بسفر و داردانل که دریاهای سیاه و مرمره و اژه (مدیترانه) را بهم متصل کرده‌اند.

بقعه
۱ ــ پاره‌ای از یک قطعه زمین
۲ ــ بنا و ساختمان
۳ ــ مزار ائمه‌وبزرگان دین، مدفن متبرک (Mausoleum)
۴ ــ قطعه زمینی که زیارتگاهی در آن قرار گرفته باشد.
۵ ــ صومعه و خانقاه

بقولات *(Boqulāt)* CEREALS
← بنشن

بک *(Bak)*
۱ ــ جنگل و بیشه
۲ ــ دشت غیر مزروع

بگاه *(Begāh)*
یا بگاه، صبح زود، هنگام فجر

بلد *(Balad)*
شهر و ناحیه

بلندی HEIGHT
بلندی یا فرازای هر نقطه عبارتست از فاصله قائم آن نقطه نسبت به سطح مبنای ارتفاعات که معمولاً سطح متوسط آبهای آزاد است. نقاط مختلفه روی زمین در مقایسه با سطح مبنای ارتفاعات ممکن است در بالای سطح مزبور واقع شوند که در این حال بلندی آن‌ها مثبت است و یا ممکن است در زیر سطح مزبور قرارگیرند که ارتفاع آنها منفی است و به آنها نقاط پست می‌گویند.

بلور لایه CRYSTALLOPHYLLIEN
سنگ متبلوری که لایه لایه یا مطبق باشد.

بلوک *(Boluk)*
در تقسیمات کشوری ایران، پیش از قانون سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، قسمتی از ولایت را که دارای یک قصبه و چند محال بود و به توسط یک نفر به نام نایب الحکومه اداره می‌شد بلوک می‌گفتند. این واژه در اصل ترکی است و امروزه مورد استعمال اداری ندارد.

بناب زیشناسی *(Bonāb zishenāsi)* BENTHOLOGY
بررسی گیاهان و جانوران ته دریاها و نیز ته آبهای شیرین.

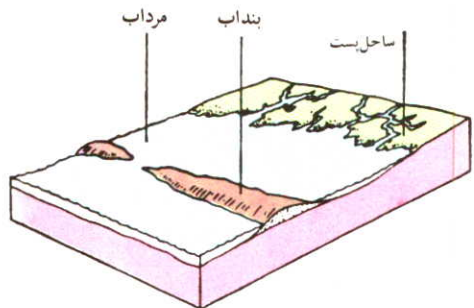
بنات النعش URSA MAJOR & URSA MINOR
مجموعه ستارگان خرس بزرگ و خرس کوچک که جهت قطب شمال را مشخص می‌سازند. در فارسی به این ستارگان هفت برادران و یا هفت اورنگ و یا خرس بزرگ و خرس کوچک نیز می‌گویند. ← خرس بزرگ و خرس کوچک.

بنچ مارک BENCH MARK
← اتکایه

بند DAM
معمولاً سد کوتاهی که برای ذخیره آب می‌سازند. ← سد

بنداب *(Bandāb)* BAR
رشته‌ای از سنگریزه و شن، که در دهانه رودخانه‌هائی که به خلیج می‌ریزند تشکیل گردد. علت تشکیل این رشته، عدم وجود جریانهای دریائی در داخل خلیج و درنتیجه ته‌نشین شدن مواد موجود در آب رودخانه‌ها در مقابل دهانه آنها است. افزایش این رسوبات اغلب باعث پر شدن خلیج و به اصطلاح کور شدن آن می‌گردد. (تصویر در صفحهٔ ۷۴)

بندر PORT
نقطه‌ای در کرانه دریا، جائی که کشتی‌ها در کنار آن پهلو می‌گیرند و یا لنگر می‌اندازند تا در آنجا بارگیری و یا بار خود را تخلیه نمایند. اینگونه نقاط معمولاً با تأسیساتی مانند اسکله و ساختمان و تسهیلات مخابراتی و ارتباطی همراه است.



بنداب

بندر آزاد FREE PORT

بندر آزاد بندری است که کالاهای بازرگانی بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به آن وارد و یا از آن صادر گردند. مانند بندر سنگاپور و بندر هونگ کونگ (در جنوب شرقی آسیا).

بندر پیمانی TREATY PORT

بندری که بر طبق پیمانی بروی تجارت خارجی باز شود. بالاخص بنادری که در قرن نوزدهم میلادی در چین وژاپن بروی تجارت خارجی باز شد.

بندر فضائی SPACE PORT

سکوی پرتاب موشک برای سفرهای فضائی.

بندرگاه HARBOUR

تأسیساتی که برای دسترسی به‌کشتی‌های بزرگ و یا پهلوگیری آنها در کرانه دریا، ایجاد شده باشد. این تاسیسات ممکن است طبیعی و یا مصنوعی و یا ترکیبی از این دو باشد.

بن زی *(Bonzi)* BENTHOS

آبزیانی که زندگی گیاهی داشته و درکف دریا زندگی می‌کنند و از ماهی و سایر جانوران دریائی متمایز هستند. جلبک‌ها و مرجان‌ها را از جمله اینگونه آبزیان می‌توان بشمار آورد.

بنزین BENZINE

مایع بیرنگ وقابل اشتعال، که مخلوطی است از ئیدروکربورهای مختلف.

این مایع از تقطیر تدریجی نفت خام بدست می‌آید وعلاوه بر مورد استعمال سوخت در موتورهای بنزینی، بعنوان عامل پاک کننده و حلال اجسام آلی بکار می‌رود و در ساختن بعضی رنگ‌ها استعمال می‌شود.

بنشن *(Bonshan)* CEREALS

انواع بسیاری از گیاهان که غالبا" همه جا می‌رویند و به آسانی به عمل می‌آیند و در تغذیه انسان و دام بکار می‌روند. از انواع بنشن می‌توان لوبیا، باقلا، نخود، عدس، ماش و سویا را نام برد.

بنگان *(Bangān)* WATERING SCALE

پیمانه سوراخداری که دهقانان ایرانی سابقا" هنگامی که می‌خواستند آب قنات یا رودخانه‌ای را میان خود تقسیم کنند آنرا مقیاس قرار می‌دادند. به این طریق که بنگان را میان تغاری پر از آب می‌گذاشتند تا کم‌کم پر شود و مدتی را که بنگان پر آب می‌شد یک بنگان می‌گفتند. اکنون بجای بنگان ساعت بکار می‌رود. به این پیمانه پنگان نیز می‌گویند.

بنلوکس BENELUX

جامعه گمرکی است که میان بلژیک، هلند، لوکزامبورگ در مراحل متوالی سال ۱۹۴۳–۱۹۴۶ میلادی برقرار گردیده است. قرارهایی اتحادیه اقتصادی که در سال ۱۹۴۰ میلادی به تصویب رسیده است. اتحادیه اقصادی بلژیک، هلند، لوکزامبورگ است.

این کشورها از سال ۱۹۴۸ میلادی میان خود تسهیلات گمرکی برقرار نموده‌اند.

این اتحادیه اکنون در جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) ادغام شده است.

بوته‌زار *(Butehzār)* BUSH

← تیماس

بود BODE

← قانون بود

بودجه BUDGET

مجموع درآمدها و هزینه‌های یک کشور یا یک موسسه و یا شخص خاص و صورت برآورد جمع و خرج یک موسسه.

مطابق قانون محاسبات عمومی ایران، بودجه را چنین تعریف می‌کنند.

بودجه، لایحه پیش‌بینی کلیه عواید و مخارج است برای مدت یک سال شمسی.

بوران BURAN

الف ـ باد شدیدی که معمولا" در تمام فصل‌های سال در آسیای مرکزی می‌وزد. وزش این باد در زمستان زندگی را

طاقت فرسا ساخته و به توفان برف سرد مبدل می‌گردد.
ب ــ در ایران به سرمای سخت و باد شدیدی که با برف یا باران همراه باشد گفته می‌شود.

بوستانکاری HORTICULTURE
پرورش گل و میوه و سبزی در یک قطعه زمین کوچک بنام بوستان.

بوم *(Bum)* HABITAT
محیط زیست طبیعی جانوران و یا گیاهان را گویند.

بومشناسی ECOLOGY
بررسی علمی گیاهان و جانوران از نظر شرایط محیطی آنها، مانند دما، خاک، روشنائی، باد و رطوبت. به علاوه در بومشناسی از روابط متقابل ما بین اجتماعات گیاهی و حیوانی و مراحل تدریجی رسیدن آنها به رشد نهائی در ناحیه معینی بحث می‌شود. این علم به‌گونه‌های زیر تقسیم می‌گردد:
الف ــ بومشناسی انسانی
ب ــ بومشناسی جانوری
پ ــ بومشناسی گیاهی
ت ــ پیوستگی زندگی حیوانی و زندگی گیاهی

بومشناسی گیاهی PLANT ECOLOGY
بخشی از بومشناسی همگانی که رابطه میان زندگی گیاهان و محیط آن را بررسی می‌کند.

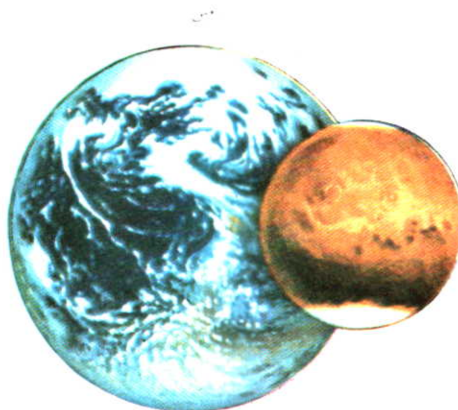
بومشناسی مردمی HUMAN ECOLOGY
شاخه‌ای از جامعه شناسی که روابط متقابل مکانی و زمانی میان مردم و سازمان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایشان را بررسی می‌کند.

بومهن *(Bumhan)* EARTHQUAKE
← زمین لرزه

بومیان اصلی ABORIGINES
مردمی که به عنوان نخستین بومیان سرزمینی شناخته شده باشند.

بهار SPRING
یکی از فصلهای چهارگانه سال، که بین زمستان و تابستان واقع شده و در حد فاصل یکم فروردین تا ۳۱ خرداد (برای نیمکره شمالی) و یکم مهرماه تا ۳۰ آذر (برای نیمکره جنوبی) قرار گرفته است.

بهرام MARS
چهارمین سیاره (از نظر فاصله نسبت به خورشید) از منظومه شمسی بهرام یا مریخ نام دارد. فاصله متوسط آن از خورشید ۲۲۷،۹۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و فاصله آن از زمین ۵۸،۴۰۰،۰۰۰ کیلومتر می‌باشد. زمان گردش بدور خورشید برابر است با یک سال و ۳۲۱/۲۰ روز و زمان چرخش حول محور قطبین آن ۲۴ ساعت و ۳۷ دقیقه است.
قطر استوائی کره بهرام ۶،۷۹۴ کیلومتر است که دارای دو قمر بنام های فوبوس و دیموس می‌باشد. قطر قمر بزرگتر در حدود ۱۶ کیلومتر و قمر کوچکتر به ۱۱ کیلومتر می‌رسد.
← سیارات


بهرام

بهمن
مقتبس از واژه پهلوی وهومن به مفهوم نیک‌اندیش و نماینده منش نیک اهورمزدا، نام یازدهمین ماه در تقویم رسمی ایران و دومین روز هر ماه خورشیدی.
این واژه عینا به همین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام یازدهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است.

بهمن AVALANCHE
توده عظیمی از برف و یخ که از قسمتهای بلند کوهستان لغزیده و همراه خود هزاران تن سنگ و مواد دیگر را حمل میکند. گاهی اوقات بر اثر این رویداد روستاها و گذرگاهها و تاسیسات دیگری که در سر راه بهمن قرار می‌گیرند، ویران می‌شوند و ضایعات انسانی فراوانی بجای می‌گذارد.
بهمن دارای انواع مختلفی است: بهمن خشک، بهمن گردی بهمن مرطوب و بهمن یخچالی.

بهمن آتشین NUEE ARDENTE

بخارها و گازهای داغی که همراه با مواد گداخته از دهانه آتشفشان خارج گردیده و بسوی دامنه کوه سرازیر شده و بهمنی از آتش را مجسم می‌سازد.

بهمن خشک DRY AVALANCHE

غالبا در زمستان پس از ریزش برف شدید ایجاد می‌گردد و این هنگامی است که ابعاد توده‌های برف بر روی ستیغ‌ها و دامنه‌های پر شیب به اندازه‌ای می‌رسد که ارتعاش هوای حاصل از وزش باد و یا صدای خالی شدن تفنگ و یا حتی یک صدای بلند به سرنگونی و سرازیر شدن برف‌ها می‌انجامد.

← بهمن

بهمن گردی POWDER AVALANCHE*(Bahman-e-gardi)*

اگر برف آب شود و سپس یخ ببندد، سطحش صاف و لغزنده می‌گردد. اگر بر روی چنین سطح لغزنده‌ای برف ببارد، بهمن تشکیل می‌گردد. این‌گونه بهمن‌ها که غالبا" به پای کوه فرود می‌آیند، ابری از گرد برف از آنها برمی‌خیزد و گرد برف را به هوا پراکنده می‌سازد.

← بهمن

بهمن مرطوب DAMPEN AVALANCHE

بهمن مرطوب، در فصل زمستان، پس از ریزش زیاد برف و آب شدن شدید آن و همچنین در فصل بهار، هنگام ذوب برف‌ها ایجاد می‌شود.

این گونه بهمن از برف کمابیش چسبیده و آغشته به آب تشکیل شده است.

توده برف در حین آب شدن سنگین می‌شود و سنگ زیرین آن بر اثر رطوبت لغزنده می‌گردد و درنتیجه برف از جا کنده می‌شود و در ضمن راه برف‌های دامنه را با خود حمل می‌کند و قطعه‌های مجزای برف در حالیکه به یکدیگر متصل می‌شوند، به صورت توده‌ای بزرگ در می‌آیند و به طرف پائین می غلتند.

بهمن یخچالی GLACIER AVALANCHE

بهمن یخچالی زبانه‌ای از یخچال‌های معلق است که گاهگاه از توده اصلی یخ کنده می‌شود و به شکل آوارهای بی‌نظم و ترتیب در امتداد شیب، پائین می‌آید و به پای دامنه می‌رسد. این گونه بهمن همانطوریکه از نام آن پیداست، از یخ تشکیل یافته است.

← یخچال

بهیزک *(Behizak)*

هر یک از ۱۲ ماه ایران باستان دارای ۳۰ روز بوده و سال ۳۶۰ روز بشمار می‌رفته است و در نتیجه هر سال خورشیدی ۵ روز کم داشته است. برای جبران این کمبود در آخر هر سال ۵ روز به ماه دوازدهم می‌افزودند تا سال خورشیدی برابر ۳۶۵ روز شود.

بیابان DESERT

منطقه کم باران و کم گیاهی که تا حدی از ماسه پوشیده شده و غالبا" غیر قابل زیست باشد. بیابان‌ها را بشرح زیر می‌توان طبقه‌بندی نمود:

الف ـ منطقه گرم و بادخیزی که فشار جو آن زیاد بوده و میزان ریزش باران آن از ۲۵۰ میلی متر کمترو تابستان‌های بسیار گرمی داشته باشد.

ب ـ بیابان‌هائی که در کرانه‌های غربی یک قاره و در عرض جغرافیائی ۱۵ تا ۳۰ درجه واقع شده باشند. حاشیه ساحلی این گونه بیابان‌ها معمولا" تحت تاثیر جریان‌های آب سرد دریایی دور از ساحل قرار داشته و دمای آن در تابستان حدود ۱۸ درجه سانتیگراد است مانند صحرای کالاهاری در جنوب غربی افریقا.

پ ـ بیابان‌هائی که در عرض جغرافیائی متوسط و درون قاره‌ها واقع شده باشند. تابستان این گونه بیابان‌ها داغ و زمستان آن‌ها سرد است. مانند صحرای گبی در شمال چین.

ت ـ بیابان‌های برفی و یخی واقع در سرزمین‌های قطبی مانند گروئنلند.

عواملی که در پیدایش بیابان‌ها موثرند عبارتند از: مقدار آب، سرعت تبخیر آب و دامنه تغییر دما.



بیابان

بیابان آب سرد COLD WATER DESERT

بیابان گرمی که بسوی کرانه‌های باختری یک قاره کشیده شده

و تحت تاثیر جریان‌های آب سرد دریایی قرار گرفته باشد .
بدیهی است تاثیر جریان‌های آب سرد به باریکه‌هائی از مناطق ساحلی بیابان مزبور منحصر شده و در طبیعت درونی این گونه صحراها تاثیری نخواهد داشت . مانند کرانه‌های شمال غربی صحرای افریقا .
معمولا " حاشیه ساحلی این گونه کویرها دارای تابستان‌های معتدل بوده و گرما به حدود ۲۰ درجه سانتی گراد می‌رسد و هوای مه آلود که اغلب با شبنم سنگینی همراه است تا چند کیلومتر بدرون بیابان پیشروی می‌کند .

DESERT *(Biyābān-e-barahut)* **بیابان برهوت**
بیابانی که فاقد آب و علف باشد و سطح آن را ریگزارهای وسیع پوشانیده باشد .
← بیابان سنگی

GRAVEL DESERT **بیابان سنگی**
بیابانی کاملا " صاف یا اندکی موجدار که برروی خاک ماسه‌ای و رستی آن شن یا خرده سنگهای زاویه‌دار یا ریگ پراکنده شده است .
این گونه بیابانها کاملا " فاقد گیاه بوده و منظره حزن انگیزی دارند . و به آن بیابان برهوت نیز می‌گویند .

DEEP *(Bipāyāb)* **بی پایاب**
دریا یا رود بزرگ ژرف و عمیق .

B. T. U **بی . تی . یو**
مقدار حرارتی که باید به یک پوند آب داد تا دمای آن یک درجه فارنهایت بالا رود . یک بی .تی .یو معادل ۲۵۱/۹ کالری است .

VENUS *(Baydokht)* **بیدخت**
← ناهید

(Bidestān) **بیدستان**
جایی که درخت بید بسیار روئیده باشد .

BEARING **بیرینگ**
← سویه

GROVE **بیشه**
جنگل کوچکی که از روئیدن تعدادی درخت در یک منطقه بار ایجاد شده باشد .

EVERGLADE **بیشه آبگیر**
یک منطقه باتلاقی که درآن علف و نی‌های بلند و پاره‌ای درختان روئیده باشد .

ELLIPSOID **بیضوی**
اگر شکل هندسی بیضی را حول یکی از قطرهایش دوران دهند، شکل حاصله را بیضوی می‌گویند .

ELLIPSOID OF THE EARTH **بیضوی زمین**
شکل هندسی بیضوی مانندی که به شکل واقعی زمین حتی‌المقدور نزدیک باشد . بیضوی زمین نام دارد . که به آن بیضوی مقایسه نیز می‌گویند . این شکل با عواملی مانند شعاع استوائی (a) شعاع قطبی (b) و فشردگی یا پختی (f) مشخص می‌گردد . که رابطه میان عوامل مزبور را با فرمول $f=\frac{a-b}{a}$ نمایش می‌دهند . در سال ۱۹۲۴ بیضوی خاصی با فشردگی $f=\frac{1}{297}$ بنام بیضوی بین المللی یا بیضوی هایفورد برای تهیه نقشه‌های کره زمین انتخاب گردیده است .
← پختی زمین

ELLIPSOID OF REFERENCE **بیضوی مقایسه**
← بیضوی زمین

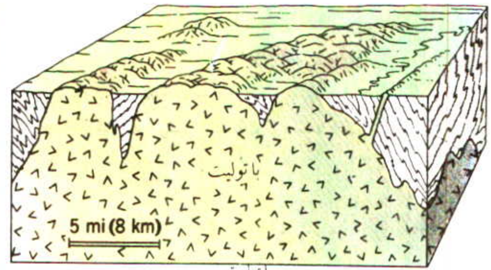
NEUTRALITY **بیطرفی**
از نظر قوانین بین المللی حالت کشوری است که از ورود در جنگ میان کشورهای دیگر، یا دخالت در آن و یا کمک و ابراز خصومت نسبت به کشورهای درگیر جنگ خودداری کند، معمولا " این گونه کشورها هنگام شروع جنگ مراتب بیطرفی خویش را طی اعلامیه‌ای به‌اطلاع کشورهای متخاصم می‌رسانند. به موجب اعلامیه بیطرفی ، کشور بیطرف موظف می‌گردد که جدا " از دخالت در کارهای کشورهای متخاصم خودداری کند و دولت‌های متخاصم نیز مکلف می‌گردند که از هر گونه تجاوز به خاک یا آب‌های ساحلی کشور بیطرف پرهیز نمایند .

TWILIGHT *(Beyn-ot-tolueyn)* **بین الطلوعین**
بازتاب نور خورشید یا روشنائی آسمان در حد فاصل میان پیش از سر زدن خورشید در بامداد و پس از غروب آن در شامگاه . مدت این روشنائی برحسب زمان و عرض جغرافیائی متفاوت است . این مدت از پیشتاب در بامداد شروع شده و به پستاب در شامگاه پایان می‌یابد . بطور کلی پیشتاب و پستاب (فلق و شفق) هنگامی پدیدار می‌گردد که خورشید حدود ۱۸ درجه زیر افق قرار گرفته باشد . بااین وضعیت در اصطلاح علمی بین الطلوعین نجومی گفته می‌شود و در حالتی که خورشید در پیشتاب و پستاب (فلق و شفق) حدود ۶ درجه زیر افق واقع شده باشد آنرا بین‌الطلوعین معمولی می‌نامند که در واقع این روشنائی برای شروع و پایان کار

روزانه کافی است .

بین النهرین MESOPOTAMIA

لفظ بین النهرین به معنای میان دو رود است و به معنای خاص به جلگهٔ بین رودهای دجله و فرات در شمال خلیج ـ فارس اطلاق می‌گردد . در معنای وسیعتر به ناحیه‌ای در آسیای غربی ، در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آنها ، که از جنوب به شمال از خلیج فارس تا کوههای ارمنستان ، و از شرق به غرب از فلات ایران تا صحرای سوریه (بادیةالشام) ممتد است ، گفته می‌شود .



باتولیت



پا FOOT

واحد اندازه‌گیری انگلیسی ، معادل ۱۲ اینچ یا $\frac{1}{3}$ یارد و یا برابر ۰/۳۰۴۷۹ متر . هر پای مکعب معادل ۱۷۲۸ اینچ مکعب یا ۲۸۳۱۶/۱ سانتی متر مکعب و برابر ۶/۲۳ گالن آب است . هر فوت پوند وزن عبارت از نیروئی است که بتواند وزنه یک پوندی را به اندازه یک پا بطور قائم جابجا کند . هر پای مربع برابر است با ۱۴۴ اینچ مربع یا ۰/۰۹۳ متر مربع .

پائیز AUTUMN

زمان عبور کره زمین ، در حد فاصل میان دو نقطه اعتدال پائیزی و انقلاب زمستانی را پائیز می‌گویند . این زمان ، برای نیمکره شمالی ، از یکم مهرماه تا سی‌ام آذر (۲۳ سپتامبر تا ۲۱ دسامبر) ، و برای نیمکره جنوبی یکم فروردین تا سی و یکم خرداد (۲۱ مارس تا ۲۱ ژوئن) است .

پادپا *(Pādpā)* ANTIPODES

دو نقطه‌ای از کره زمین که در مقابل یکدیگر قرار گرفته و نسبت به هم ۱۸۰ درجه فاصله داشته باشند . این گونه نقاط در واقع در دو سر محوری قرار گرفته‌اند که آن محور از مرکز زمین عبور کرده باشد ، مانند دو نقطه قطب شمال و جنوب . یکی از مشخصات این نقاط این است که باید یک نقطه در نیمکره شمالی و نقطه دیگر در نیمکره جنوبی واقع شده باشد . پر واضح است که شب و روز و فصول نقاط پادپا عکس یکدیگر است . در اصطلاح جغرافیائی نقاط پادپا را به مناطق پادپا نیز می‌توان تعمیم داد .

پادگانه *(Pādgāneh)* LYNCHET

گونه‌ای تختان که بدست انسان در دامنه یک کوه یا یک تپه ایجاد گردیده و برای کشاورزی بکار گرفته شده باشد . این‌گونه تختان‌ها معمولاً یادگاری از عصر آهن یا جلوتر بوده و علاوه بر سهولت آبیاری از آبرفتگی و فرسایش زمین جلوگیری می‌کند .

پاراب *(Pārāb)*

← پاریاب

پارچین *(Pārchin)* MOSAIC

← موزائیک عکس هوائی

پارس‌ئیل

یا سال پلنگ ، یکی از سال‌های دوازده‌گانه ترکان .

← سال‌های خطا و ایغور

پارسک PARSEC

فاصله‌ای که طی آن یک ستاره ، دیدگشتی معادل یک ثانیه قوسی پدید آورد . هر پارسک معادل ۳/۲۶ سال نوری و برابر ۲۰۶/۲۶۵ واحد نجومی و ۳۰/۱ میلیون کیلومتر است . واژه Parsec از دو کلمه Parallax (دید گشت) و Second (ثانیه) ترکیب یافته است . (تصویر در صفحه ۹۱)

پارک PARK

منطقه و یا زمینی در داخل یک شهر که معمولاً با گلکاری و درختکاری و چمن کاری تزیین شده و برای تفریح و استراحت مردم اختصاص داده شده باشد .

پارک ملی NATIONAL PARK

منطقه‌ای که از نظر مطالعات علمی و تفریحات همگانی از جنبه‌های مختلف ، مانند زندگی جانوران (حیات وحش) گیاهان و آثار باستانی ، حفاظت شده اعلام گردد . از جمله معروفترین پارک‌های ملی جهان ، پارک ملی یلواستون (Yellowstone) در ایالات متحده امریکاست ، که حدود یک میلیون هکتار وسعت دارد .

پارگین *(Pārgin)* SEWAGE/FETID WATER

← گنداب

پاریاب *(Pāryāb)*

یا پاراب = فاراب ، زراعتی که با آب رودخانه و امثال آن آبیاری شود .

پارینه سنگ *(Pārineh-sang)* PALEOLITH

یا نخستین سنگ نام هر یک از ابزارهای اولیه انسان که از سنگ‌های سخت (مانند سنگ چخماق یا کوارتزیت) ساخته شده و در رسوبات رودخانه‌ها و غارهای پناهگاه انسان‌های اولیه بدست آمده است .

پارینه سنگ‌ها معمولاً غیر صیقلی هستند و قدمت فوق‌العاده دارند و همانطوریکه از نام آن‌ها پیداست به دوره پارینه سنگی یا عصر حجر قدیم تعلق دارند .

پارینه سنگی *(P-sangi)* PALEOLITHIC
→ عصر پارینه سنگی

پاسو *(Pāsu)* NADIR
نقطه‌ای فرضی از کره عالم که در مقابل نقطه سرسو (سمت‌الرأس) قرار گرفته و به آن سمت القدم نیز می‌گویند .
→ کره عالم و سرسو .

پاشمان *(Pāshmān)* DIFFRACTION
شکست و انحناء نور در اطراف لبه یک شیئی مات . این عمل باعث می‌شود که نقطه‌ای از نور بصورت لکه‌ای نورانی با یک مرکز درخشنده که پیرامون آن را حلقه‌ای از نور محو شونده احاطه کرده است ، تبدیل گردد .

پاکسازی DEFORESTATION
بریدن درختان و پاک ساختن کامل یک زمین از درختان و گیاهان جنگلی .

پالئوسن PALAEOCENE
نخستین قسمت از دوره اثوس که از ۷۰ تا ۶۰ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است .
→ ازمنه زمین شناسی

پالایش *(Pālāyesh)* REFINING
عمل یا طریقه، جدا کردن مواد خارجی از یک ماده خام یا آمیخته با مواد خارجی . این اصطلاح معمولاً در مورد استخراج بعضی از فلزات ، تجزیه نفت خام به مشتقات تجارتی آن ، و صاف کردن شیره چغندر و نیشکر و مواد دیگر بکار می‌رود .

پالیز
۱ ــ باغ ، بوستان ، جالیز ، فالیز ، گلستان
۲ ــ کشتزار ، مزرعه
۳ ــ زمینی که در آن هندوانه ، خربزه ، گرمک و طالبی و کدو و امثال آن بکارند .

پامپاس PAMPAS
این واژه در اصل اسپانیائی بوده و به مفهوم علفزار معتدله‌ای در امریکای جنوبی ، که از کوههای آند تا اقیانوس اطلس گسترده شده به کار می‌رود . بخش باختری این منطقه را ، که پامپاس خشک نام دارد یک بیابان پهناور در بر گرفته و بخش خاوری آن را پامپاس مرطوب پوشانیده است . قسمت اخیر ، دارای بارندگی قابل ملاحظه‌ای بوده و علفهای بلندی آن را تحت پوشش قرار داده است . بخش بزرگی از این جلگه در حال حاضر زیر کشت رفته و محصولاتی مانند گندم ذرت ، کتان و یونجه از آن بدست می‌آید و همچنین گله‌های فراوانی از گاو و گوسفند برای پرواربندی و تهیه گوشت یخ‌زده در آن نگهداری می‌شود . این جلگه از نظر مشخصات طبیعی ، شباهت فراوانی به استپ‌های شوروی دارد .


پامپاس

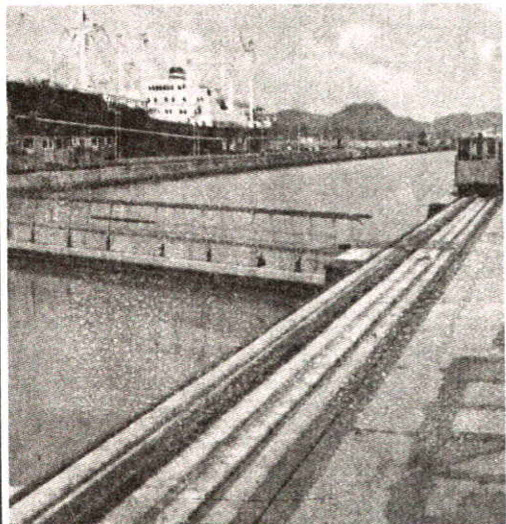
پاناما PANAMA
تنگه‌ایست میان اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر که امریکای مرکزی را از امریکای شمالی جدا می‌سازد . حفر این ترعه در سال ۱۸۸۱ میلادی بوسیله مهندس فرانسوی فردیناند دولسپس شروع شد . ولی به علت تب زرد و سوء استفاده‌ها عملیات در ۱۸۸۹ متوقف شد . بعدها فرانسویها حقوق خود را به کشور ایالات متحده فروختند .
کانال پاناما ، آبراهه‌ای است به طول ۸۰/۵ کیلومتر که منتهای عمقش ۱۲/۵ متر است و طی سراسر آن از ۷ تا ۸ ساعت طول می‌کشد و جز کشتیهای بسیار بزرگ ، تمام کشتیهای اقیانوس پیما می‌توانند از آن بگذرند . (تصویر در صفحه ۸۱)

پانتوگراف PANTOGRAPH
پانتوگراف دستگاهی است که برای بزرگ و یا کوچک کردن نقشه بطور مکانیکی بکار می‌رود . این دستگاه از چهار بازوی یک اندازه که به یکدیگر لولا شده‌اند تشکیل یافته است .

پایاب *(Pāyāb)* FORD
→ گدار

پایابی *(Pāyābi)* NERITIC
جیری که وابسته به پایاب با آبهای کم ژرفا باشد . مانند مواد ته نشستی موجودات آلی از قبیل ماهیها ، صدفها و

مرجان‌ها و غیره .



(پاناما کانال)

پایانه (Payaneh) TERMINAL

نهایی‌ترین بخش یا آخرین جایگاهی از یک کشور یا یک منطقه و یا یک سرزمین و یا یک شهر که مسافرین و بار از آن کشور یا منطقه یا سرزمین و یا شهر مزبور را ترک و یدرود گویند .

پایانه را به مفهوم واقعی می‌توان درودگاه نامید .

پایتخت CAPITAL

مرکز حکومت هر کشور ، که در آن شاه یا رئیس جمهور و یا هیئت حاکمه آن کشور ، در آنجا اقامت داشته و از آنجا به سراسر کشور حکمرانی نمایند .

پای کوه FOOT HILL

خط تغییر شیبی که کم و بیش میان قسمت اصلی یک کوه و بخش هموار پائین کوه قرار گرفته باشد .

پایگاه فضائی SPACE STATION

قمر مصنوعی که محل برای چند سرنشین داشته باشد . پایگاه فضایی ممکن است حامل چندین تن تجهیزات آزمایشگاهی و غیره باشد .

پاییده کوه (Paiideh kuh) CIRCUMDENUDATION/CIRCUMEROSION

کوهی که پس از سائیدگی و از میان رفتن تخته سنگ‌های نامقاوم باقی بماند .

پتاسیم POTASSIUM

جسمی است جامد و نرم که با ناخن مخطط می‌گردد و با چاقو بریده می‌شود . در نفت حفظ می‌شود و در ۶۳۵ درجه ذوب می‌گردد و در ۷۵۶ درجه می‌جوشد . سطحش کدر ولی مقطعش نقره‌یی است . مانند سدیم با آب ئیدرژن می‌دهد و در اکسیژن و کلر می‌سوزد و به صورت کلرور در آب دریاها و به صورت نیترات در شوره‌زارها دیده می‌شود . پتاسیم را به وسیله تجزیه الکتریکی کلرور دو پتاسیم بدست می‌آورند .

پ . ت . ت P.T.T

علامت اختصاری پست و تلگراف و تلفن .

پتروشیمی PETROCHEMISTRY

صنعت اشتقاق مواد شیمیایی از مواد نفتی یا گاز طبیعی . این صنعت رفته رفته گسترش یافته بطوری که امروزه ایجاد مواد مصنوعی پلاستیکی ، مواد غیرآلی ، گوگرد ، آمونیاک و غیره را نیز در بر گرفته است . کاربرد پتروشیمی بیشتر در صنایعی مانند کشاورزی ، ساختمان ، نساجی و تولید لاستیک مصنوعی محسوس است . بنیان این صنعت در خلال جنگ اول جهانی زمانی که احتیاج به مواد شیمیایی (مخصوصا " مواد منفجره) فزونی یافته بود از امریکا سرچشمه گرفت . بعد از جنگ جهانی دوم صنعت پتروشیمی به سرعت گسترش یافت و این بیشتر بخاطر ساخت ماده پلاستیکی پلی اتیلن بود . کشورهای اروپای غربی . امریکا و ژاپن از صاحبان عمده‌ٔ این صنعت بشمار می‌روند .

پختو PAKHTU

← پشتو

پختی زمین (pakhty-e-zamin) EARTH FLATTENING

پختی و یا فرو رفتگی بیضی عبارتست از نسبت تفاصل طول دو قطر به قطر اطول . مقدار پختی همواره کوچکتر از یک است ، هر قدر بزرگتر باشد بیضی کشیده‌تر می‌شود و برعکس هر قدر به صفر نزدیک شود بیضی به سمت دایره میل می‌کند . در مورد بیضوی زمین نیز وضع به همین قیاس است . یعنی اگر شعاع استوایی زمین را ۶۳۷۸۳۸۸ متر و شعاع قطبی را ۶۳۵۶۹۱۲ متر بگیریم ، تفاصل دو شعاع عبارتست از ۲۱۴۷۶ متر و میزان پختی و یا فرورفتگی آن برابر $\frac{۱}{۲۹۷}$ خواهد بود .

← بیضوی زمین

پدافند ملی NATIONAL DEFENSE

بررسی وسیله‌ها و راههای دفاع از استقلال و منابع ملی .

پدیداری *(Padidāri)* VISIBILITY

میزان وضوح دید را پدیداری می‌گویند و به‌عوامل‌زیر بستگی دارد :

الف ــ ارتفاع ایستگاه ناظر نسبت به سطح دریا .

ب ــ میزان صاف بودن و یا مه‌آلود بودن هوا .

پ ــ زمان .

ت ــ میزان مرئی بودن و نامرئی بودن زمین .

پراکنش *(Parākanesh)* DIFFUSION

← واپاش

پراکوه *(Parākuh)*

۱ ــ آنسوی کوه ، آنطرف کوه ، آن روی کوه .

۲ ــ آنجائی از کوه که عمیق است و آب بسوی آن سرازیر می‌شود .

پرتگاه CLIFF

← تندان

پرتگاه دریائی SEASCARP

سراشیبی تند و یا پرتگاهی در کف اقیانوس‌که‌براثر شکستگی پدید آمده باشد .

پرتگاه گسلشی FAULT-LINE SCARP

چینه‌ای که محل شکست آن در مجاورت سطح‌زمین‌قرارگرفته و یکی از دو لبهٔ آن به علت عدم مقاومت کافی سائیده‌شده و صخره یا پرتگاهی را در امتداد خط‌گسله‌پدیدآورده‌باشد .

پرتو ستاره‌شناسی RADIO ASTRONOMY

شاخه‌ای از ستاره شناسی که با کشف و بررسی منابع آسمانی تابش‌هایی سر و کار دارد که بسامد آنها زیر یا بالای بسامدی است که با تلسکوپهای دید افزاری (اپتیک) می‌توان کشف کرد .

پرتون (پروتون) PROTON

قسمت مرکزی اتم که با نوترون تشکیل هسته را می‌دهد مثلا " اتم ئیدرژن معمولی شامل یک هسته است که تنها از یک پرتون تشکیل یافته است وزن آن در حدود $\frac{۱۸۴۵}{۱۸۴۶}$ وزن اتم ئیدرژن را تشکیل می‌دهد و چون بیشتر وزن اتم ئیدرژن مربوط به این قسمت است می‌توانیم بگوئیم که یک پرتون در حدود یک واحد اتمی وزن دارد . با وجود اینکه پرتون این قدر سنگین‌تر از الکترون (به‌اندازه $\frac{۱}{۱۸۴۶}$ وزن سبکترین اتمهای ئیدرژن معمولی) می‌باشد ، حجم آن فقط $\frac{۲}{۵}$ حجم الکترون را دارد . پرتون مقدار بسیار کمی الکتریسیته مثبت دارد که از حیث مقدار با الکتریسیته الکترونها برابر است .

پرتوهای فرا بنفش ULTRAVIOLET RAYS

آن قسمت از نور خورشید که بعد از طیف‌رنگ‌آبی‌قراردارد . طول موج اشعه ماوراء بنفش بین ۴×۱۰^{-۵} سانتی متر تا ۵×۱۰^{-۷} سانتی متر است . قسمت اعظم این‌اشعه‌بوسیله مولکولهای اوزن موجود در آتمسفر جذب و فقط مقدار کمی از آن به سطح زمین می‌رسد .

پرتوهای فرو سرخ INFRARED RADIATION

اشعه نامرئی که طول موج آن اندکی بلندتر از نور سرخ است . به این پرتوها اشعه مادون قرمز نیز می‌گویند .

پرتوهوانگاری RADIOMETEOROGRAPHY

بررسی اندازه فشار ، دما و نمناکی (رطوبت) که به وسیله علامتهای رادیویی با بسامد بسیار بالا (U.H.F) از یک بالون بی سرنشین برای ناظران زمینی فرستاده می‌شود .

پرچم FLAG

تکه پارچه‌ای که به عنوان نماد یک ملت یا مملکت بکار می‌رود. معمولا " پارچه مزبور را به رنگها و نقشهای مختلف تزئین می‌کنند و بوسیله ریسمانی به یک پایه متصل می‌سازند .

پرچم که در اصل یک واژه ترکی است از دوران باستان بین مصریان و آشوری‌ها و یهودیان متداول بوده‌و درفش‌کاویانی نیز در ایران قدیم دارای اعتبار خاصی است .

پرچین *(Parchin)* HEDGE

دیواره‌ای از ترکه ، نی ، برگ ، علف ، خار و مانند آن که گرداگرد زمین و یا باغی کشیده باشند .

هم چنین چوبهای نوک تیز ، خار ، شاخ درخت و مانند آن که بر سر دیوار باغ نهند تا عبور از آن مشکل گردد .

پرداز *(Pardāz)* HACHURE

خط های کوتاه سایه مانندی که به منظور نمایش برجستگیها و شیب زمین روی نقشه رسم شود ، پرداز یا هاشور نام دارد. خط های ضخیم و نزدیک بهم نشانه شیب تند و بر عکس خط‌های نازک و دور از هم معرف شیب ملایم زمین است . و بهمین جهت سیاه‌ترین پردازها نمایشگر پرتگاهها و

صخره‌ها بوده در حالیکه روشن‌ترین قسمت آن، شیب ملایم و هموار را نشان می‌دهد. این شیوه که یکی از قدیمیترین طرق نمایش ارتفاعات است، پستی و بلندی‌ها را بخوبی مجسم ساخته و قابلیت آن در تجسم فرم زمین درخور توجه است. برای رسم پرداز، بلندترین قسمت ارتفاعات را در نظر گرفته و خطوط مزبور را از آنجا بسوی دامنه ارتفاعات طوری رسم می‌کنند که عمود بر منحنیهای تراز باشند. پرداز یا هاشور برخلاف منحنی‌های تراز فاقد اعداد ارتفاعی است.



پرداز

پرری PRAIRIE

علفزارهایی که ارتفاع آن به ۳۰ تا ۹۰ سانتی متر می‌رسد. هماهنگی و یکنواختی علفزارهای پرری آنچنان شدید است که به صورت دریایی جلوه می‌کند. در اینجا درخت فوق‌العاده کم و یا اصلا" مشاهده نمی‌شود. این نوع علفزارها غالبا" در منطقه آب و هوای نیمه خشک مداری جایی که خاک از گیاخاک غنی باشد بوجود می‌آید.

پرسنگ *(Parsang)*

←فرسنگ

پرسیا PERSIA

یونانیان باستان استان فارس (پارس) را بنام (Persis) می‌شناختند و این کلمه را که فقط اسم آن استان بود بر تمام ایران اطلاق می‌کردند و این واژه تا کنون در تمام اروپا باقی و شایع است. اروپائیان مملکت ایران را بنام (Persia) که مشتق از همان (Persis) است می‌خوانند.

پرگار *(Pargār)* COMPASSES

اسبابی برای رسم کردن دوایر و اندازه‌گیری فواصل.
پرگار بر چند نوعست، پرگار معمولی برای رسم دایره.
پرگار تحویل برای کوچک و یا بزرگ کردن فواصل روی نقشه و پرگار ضخامت یاب برای اندازه‌گیری ضخامت و رسم دایره بر روی کره.



پرری

پرمین PERMIAN

ششمین دوره زمین شناسی از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که از ۲۷۰ تا ۲۲۵ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است.

← ازمنه زمین شناسی

پرندک *(Parandak)* HILLOCK

پشته و یا تپه کوچکی که در میان دشت واقع شده باشد.

پرندگان *(Parandegān)* BIRDS

رده بزرگی از جانوران خون گرم، تخم گذار مهره‌دار پوشیده از پر که دستهایشان به بال تحویل یافته و استخوان دهشان کوتاه و کنده مانند شده است. دمای بدن پرندگان در مقایسه با پستانداران ۲ تا ۱۴ درجه سانتیگراد بیشتر است. مغزشان نسبتاً بزرگ، بینائی آنها قوی، شنوائی تیز و حس بویایی ضعیف است.

بیشتر پرندگان برای تخم‌گذاری لانه می‌سازند و حشرات و دانه‌های گیاهان وحشی و لاشه جانوران را می‌خورند.

پروتکل PROTOCOL

۱ـ صورت مجلس جلسات سیاسی که برای بررسی و تحقیق و مذاکره در امری منعقد گردد.

۲ـ پیش نویس قرارداد یا صورت جلسه‌ی مذاکرات که بعدها به شکل پیمان در می‌آید و امضا می‌شود مانند پروتکل‌های مرزی.

پروین PLEIADES

دسته‌ای مرکب از ۶ تا ۱۰ ستاره واقع در صورت فلکی ثور. از جنبه نجومی پروین یا ثریا عبارت از خوشه‌ای است مرکب از چند صد ستاره که با هم در فضا حرکت می‌کنند.

ستارگان پروین که در اصطلاح به خوشه پروین معروفند در ادبیات فارسی نقش ارزنده‌ای دارند.

← ثور

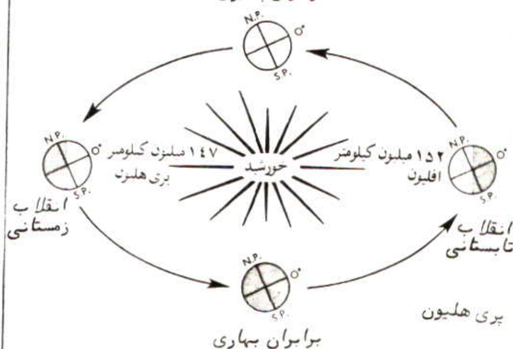
پری کامبرین PRE-CAMBRIAN

بخشی از ازمنه زمین شناسی که جلوتر از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) آغاز شده و به حدود ۶۰۰ میلیون سال پیش پایان یافته است. سنگهای این دوره حدود $\frac{1}{5}$ پوسته زمین را تشکیل داده و به دلیل دارا بودن منابع سرشار طلا از نظر اقتصادی اهمیت فراوانی دارد.

← ازمنه زمین‌شناسی

پری هلیون PERIHELION

نقطه‌ای از گردشگاه (مدار) زمین، یا دیگر سیارات به دور خورشید که کمترین فاصله را از خورشید داشته باشد. کره زمین در ۱۳ دی ماه مطابق با ۳ ژانویه از این نقطه عبور کرده و فاصله آن تا خورشید در این هنگام ۱۴۷ میلیون کیلومتر است. این نقطه در مقابل افلیون قرار دارد.



پری هلیون

پژ *(Pazh)*

واژه سمنانی به مفهوم گردنه، گریوه، کتل، بند سر کوه و زمین پست و بلند.

پژ *(Pozh)*

برف ریزه‌هائی که از شدت هوای سرد مانند گرد از آسمان بریزد.



پروین

پژواک (Pazhvāk) ECHO
تکرار صوت به سبب انعکاس امواج صوتی و یا صوت مکرری که از صوت اصلی متمایز باشد.
پژواک غالبا "درنواحی کوهستانی شنیده می‌شود. ازجالبترین پژواک‌ها، پژواک شهر سیمونتا واقع در ایتالیا است که صدایش حدود ۴۰ بار تکرار می‌شود.

پسابیدن (Pasābidan) DEHYDRATION
گرفتن آب از چیزی.

پستاب (Pastāb) AFTER GLOW
روشنی آسمان در مناطق کوهستانی پس از غروب خورشید. این پدیده موقعی بوقوع می‌پیوندد که خورشید حدود ۳ یا ۴ درجه در زیر افق باشد.

پستانداران MAMMALIA
یکی از انواع مهره‌داران که بالاترین رده را بخود اختصاص داده‌اند. حیوانات پستاندار خون‌گرم هستند و در بدن ماده آن‌ها غده‌هایی است بنام پستان که شیر ترشح می‌کند تا بچه‌های خود را تغذیه کنند. سطح بدن بیشتر پستانداران از مو پوشیده است و قلب آن‌ها چهار حفره دارد و پرده‌ای بنام دیافراگم شکم آنان را از سینه جدا می‌کند.

پسروی (Pasravi) REGRESSION
پیش رفتن آب را در خشکی پیشروی و عقب رفتن آن را پسروی می‌نامند.
پاره‌ای هنگام این دو پدیده با هم رخ می‌دهند. یعنی پیشروی‌هایی که در بعضی قسمتهای زمین انجام می‌گیرد مقارن با پسروی‌هائی می‌باشد که در سایر جاها روی می‌دهد. پسروی معمولاً با فرایند تشکیل رشته‌های کوهستانی ارتباط دارد.

پسکرانه (Paskarāneh) HINTERLAND
زمینهای واقع در پشت بندرگاهها، که‌نقش‌پشتیبانی و تامین و رسانیدن کالاهای صادراتی را به بندرگاه و پخش و جذب کالاهای وارداتی از بندرگاه را عهده‌دار باشند.

پسکشند (Paskeshand) EBB TIDE
پس نشینی آب دریا پس از مرحله برکشند (مد). و یا به عبارت دیگر مرحله‌ای از سیکل جزر و مد که بلافاصله پس‌از برکشند (مد) آغاز و به فروکشند (جزر) پایان می‌یابد.

پسلرزه (Paslarzeh) AFTERSHOCK
لرزه‌های پوسته زمین پس از عبور امواج اصلی زمین لرزه. پسلرزه در حوالی کانون زمین لرزه پدید می‌آید و علت آن جابجا شدن و جا افتادن سنگ‌های پوسته زمین بعد از وقوع زمین لرزه است و ممکن است ساعتها و روزها و حتی ماهها بدرازا بکشد.

پس نشینی EBB CHANNEL
پس روی آب دریا پس از مرحله برکشند (مد).

پسنگک (Pasangak) HAIL
← تگرگ

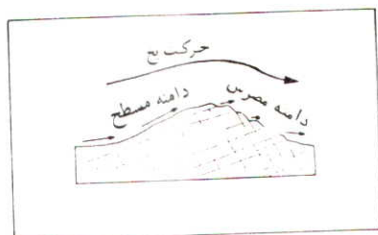
پسیکرومتر PSYCHROMETER
دستگاهی که اندازه بخار آب در اتمسفر را تعیین می‌کند.

پشتکوه
آن طرف کوه، آن سوی کوه، پرا کوه، مقابل پیشکوه.

پشتو PASHTU
یکی از زبان‌های ایرانی خاوری که بیشتر در غرب و جنوب افغانستان و شمال غرب پاکستان رواج دارد، این زبان از چندی پیش به اهتمام دولت افغانستان به‌عنوان‌زبان‌رسمی افغانستان شناخته شده است. به این زبان که با الفبای فارسی نوشته می‌شود پختو نیز می‌گویند.

پشته MOUND
تپه کوتاهی که بطور طبیعی یا مصنوعی ایجاد شده‌باشد.

پشته خاره‌ای ROCHE MOUNTONN'EE
پشته‌ای از سنگهائی که بوسیله یک یخچال روی هم انباشته شده و یک دامنه آن بر اثر حرکت یخچال تقریبا " صاف و هموار گردیده و دامنه مقابل تقریبا " همچنان مضرس باقی مانده باشد. سنگهای دامنه بالائی این پشته کاملا " در یخ تپیده و بر عکس سنگهای دامنه پائین تقریبا " جاکن و نا پیوسته و سنگلاخی به نظر می‌رسد.



پشته خاره‌ای

پفیدن *(Pofidan)* FROST HEAVING

بر آمدن و باد کردن خاک سطحی در نتیجه یخبندان، علت این امر یخ زدن آب درون خاک و ازدیاد حجم آنست.

پگاه *(Pegāh)* DAWN

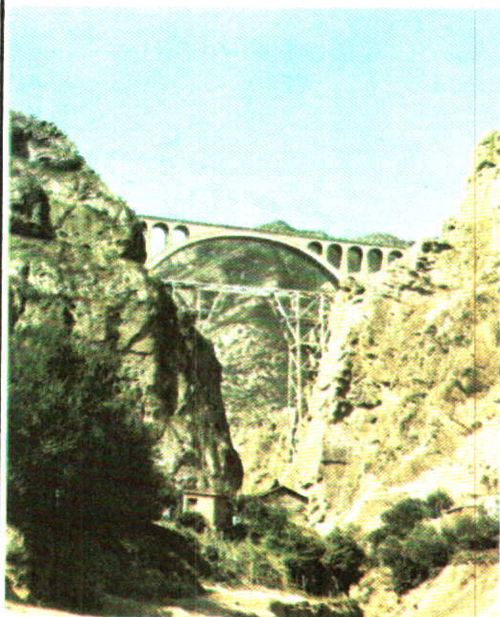
صبح زود، اول بامداد، هنگام فجر.

پگماتیت PEGMATITE

نوعی سنگ آذرین که کاملاً سخت و متراکم بوده و از دانه‌های بلورین (کریستال) درشتی تشکیل یافته است. این گونه سنگ که بیشتر در دیوال‌ها و حاشیه ژرفسنگ‌ها یافت می‌شود، انواع مختلفی دارد که از آن جمله سنگ خارا را می‌توان نام برد.

پل *(Pol)* BRIDGE

طاقی که با مصالح ساختمانی بر روی رودخانه یا دره می‌سازند که از روی آن عبور کنند.



پل

پلاژ PLAGE

این واژه در اصل فرانسوی بوده و به مفهوم ساحلی از دریا که از شن و ماسه پوشیده شده باشد بکار میرود.

← دریا کنار

پلان PLAN

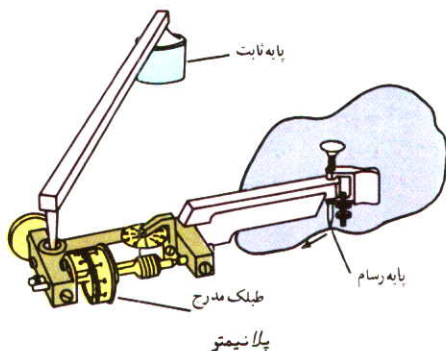
نقشه مقیاس بزرگی که کلیه عوارض حتی راهها به شکل واقعی خود (با توجه به مقیاس) رسم گردند مانند نقشه‌های ۱:۵۰۰۰ و بزرگتر. این گونه نقشه‌ها معمولاً کاربرد ساختمانی دارند.

پلانتاریوم PLANETARIUM

← آسمان نما

پلانیمتر PLANIMETER

دستگاهی است که برای اندازه‌گیری مساحت قطعاتی از نقشه که فاقد شکل هندسی هستند بکار می‌رود. این دستگاه از دو بازو و یک شماره‌گر تشکیل یافته که یک بازو ثابت و دیگری متحرک است. سر بازوی متحرک را که معمولاً به ذره‌بین متصل است، روی پیرامون محدوده مورد نظر، حرکت داده و ارقام شماره‌گر را یادداشت می‌کنند و از روی آن، مساحت محدوده مورد نظر را به دست می‌آورند.



پلانیمتر

پلدیس *(Poldis)* NATURAL BRIDGE

قوس و یا پل سنگی طبیعی که دو لب بریدگی و یا دو طرف دره‌ای را بهم متصل ساخته و آب در زیر آن جریان داشته باشد. این عارضه بیشتر در زمین‌های آهکی به چشم می‌خورد. به این عارضه پل طبیعی نیز می‌گویند. (تصویر در صفحه ۸۷)

پل طبیعی NATURAL BRIDGE

← پلدیس

پلمه سنگ *(Palmeh sang)* SCHIST

← اردوال

پلوتون PLUTO

نهمین سیاره از منظومه شمسی است و ظاهراً بیرونی‌ترین اعضاء از خانواده خورشید.

سیاره پلوتون در سال ۱۹۳۰ توسط تامباوکشف شد. قطر این سیاره ۲۴۰۰ کیلومتر است و در فاصله ۵،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰

پلدیس

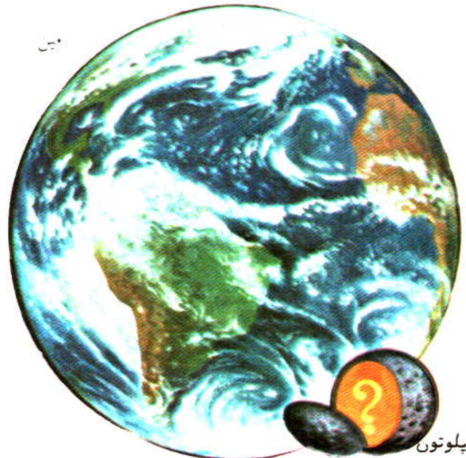
کیلومتری خورشید قرار گرفته است و زمان گردش بدور خورشید ۲۴۷ سال و ۲۵۵/۵۰ روز است و زمان چرخش حول محور قطبین ۶ روز و ۷ ساعت و ۱۲ دقیقه بطول می انجامد و تعداد قمر پلوتون یک عدد می باشد .

قطعی نیست که سیاره پلوتون سر حد نهائی منظومه خورشید باشد ، زیرا طبق محاسبات ثابت شده که در آنسوی مدار پلوتون یک یا شاید دو سیاره دورتر نیز به گرد خورشید در گردشند .

← سیارات

پلیئستوسن PLEISTOCENE

پنجمین دوره از دوران نوزیوی (نوزیست) و یا نخستین دور از دوره چهارم زمین شناسی که از یک میلیون تا یازده هزار



سال پیش بدرازا کشیده و با پیدایش انسان توام بوده‌است.
← ازمنه زمین شناسی

COTTON
پنبه
بوته گیاهی که بطور سالانه در نواحی معتدله وگرم می‌روید. تخمدان گل این گیاه پس از رسیدن شکفته می‌شود و رشته‌هائی بنام پنبه از آن خارج می‌گردد که طول پاره‌ای از آن‌ها به حدود ۶/۵ سانتی متر می‌رسد.
مرغوب‌ترین پنبه در کشورهای متحده امریکا، شوروی، چین، هندوستان، برزیل و مکزیک می‌روید.

COTTON BELT
پنبه خیز
جایی که پنبه بسیار از آن جا بدست آید.
← کمربند پنبه

COTTONSEED
پنبه دانه
دانه‌های موجود در غوزه پنبه که پس از جدا ساختن الیاف باقی می‌ماند. پنبه دانه دارای چربی فراوان بوده‌وبصورت مارگارین و روغن‌های آشپزخانه به مصرف می‌رسد.
از جمله صادر کنندگان پنبه‌دانه‌واین‌گونه‌روغن‌هاکشورهای شوروی، امریکا، چین، هندوستان، برزیل‌ومکزیک‌را می‌توان نام برد.

COTTON FARM
پنبه زار
زمینی که در آن پنبه کاشته باشند.

ASBESTOS
پنبه کوهی
هر یک از اقسام مختلف سیلیکاتهای معدنی منیزیم که ساختمانی الیافی و در مقابل اسیدها و آتش‌کمابیش‌مقاومت دارد و معمولاً بشکل رگه‌هایی در سنگ‌های دیگر یافت می‌شود. این جسم همانطوریکه از نام آن پیداست، بصورت الیاف و رشته‌هائی در می‌آید که خاصیت نرمش و انعطاف دارد از این رو در نساجی و پارچه‌های ضدآتش‌بکار می‌رود.

ALLUVIAL CONE/ALLUVIAL FAN
پنجه آبرفتی
(Panjeh-ye-ābrofti)
رسوباتی که یک رودخانه پس از عبوراز یک گدرگاه تنگ و ورود به یک دشت و یا یک دره پهناور از خود به جای می‌گذارد. پهنای این عارضه پنجه‌ای شکل در مناطق خشک و کم باران که رودخانه‌های سیلابی در آن جریان دارد اغلب تا چندین کیلومتر می‌رسد گاهی اوقات چند پنجه که از رودخانه‌های سیلابی نزدیک بهم بوجود آمده‌اند بیکدیگر پیوسته و منطقه بسیار پهناوری را زیر پوشش قرار می‌دهند. این رسوبات که ژرفای آن گاه به چند متر می‌رسد آب بستر اصلی را به خود جذب کرده و زمین بسیار مرغوبی را از نظر کشاورزی بوجود می‌آورند.



پنجه آبرفتی

PODZOL
پودزل
نوعی خاک منطقه‌ای که زیر نفوذ نباتات طبیعی و جنگلهای کاجی قرار داشته است. باران این منطقه متوسط اما تبخیرآن محدود است. پودزل برنگ خاکستری و با ترکیبی از آهن و آهک می‌باشد. قسمت عمده خاکهای شوروی از پودزل تشکیل شده‌اند. این خاکها از نظر کشاورزی خاکهای ضعیفی هستند ولی با افزایش آهک اصلاح می‌شوند.

SAPROPHYTE
پوده رست *(Pudeh-rost)*
گیاهی که روی مواد آلی در حال پوسیدن زندگی می‌کند.

SAPROPEL
پوده گل *(P-gel)*
گل و لجنی که از بقایای حیوانات یا گیاهان زیر دریا تشکیل شده و مواد قیری بوجود می‌آورد.

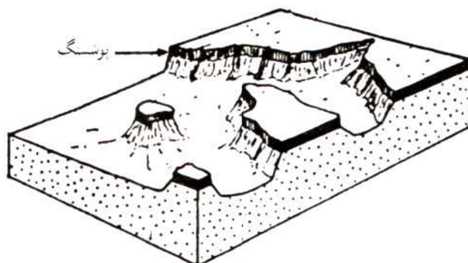
NAB/NAZE
پوزه *(Puzeh)*
← دماغه

CRUST OF THE EARTH
پوسته زمین
پوسته خارجی زمین، به ضخامت ۱۶ تا ۴۸ کیلومتر است و

از عناصر زیر تشکیل یافته اکسیژن ۴۶ درصد ، سیلیکون ۲۸ درصد آلومینیم ۸ درصد ، آهن ۶ درصد ، کلسیم ۲/۴ درصد ، سدیم ۲/۱ درصد ، پتاسیم ۲/۳ درصد ، منیزیم ۴ درصد وبقیه ۱ درصد.
⟵ ساختمان زمین .

پوش اسپهر *(Push-espehr)* STRATOSPHERE
لایه‌ای از جو زمین که در بالای گشتکره واقع شده و تا طبقه یونکره که در ۹۰ کیلومتری زمین قرار گرفته ادامه دارد. بطور متوسط ارتفاع پائین‌ترین بخش این لایه در مناطق استوائی حدود ۱۸ کیلومتر ، در مناطق معتدله حدود ۹ کیلومتر و در قطبین حدود ۶ کیلومتر است .
این قسمت از جو حاوی مقدار کمی غبار و بخار آب است و درجه حرارت آن در نواحی استوائی متناسب با فصل از ۷۹ - تا ۹۰ - درجه سانتیگراد و در نواحی قطبی از ۴۰ - درجه سانتیگراد در تابستان تا ۷۹ - درجه سانتیگراد در زمستان در تغییر است .

پوشسنگ *(Pushsang))* CAP ROCK
چینه مقاومی از جنس سنگ ، که لبه یا پای آبشارهای بزرگ را تشکیل می‌دهد و هم چنین به توده سنگهائی که روی یک معدن را پوشانیده باشد و یا بصورت لایه غیر قابل نفوذی روی یک چینه آبزا را بپوشاند ، اطلاق می‌شود .



پوشسنگ

پوشکره *(Pushkoreh)* STRATOSPHERE
⟵ پوش اسپهر

پوشمرز *(Pushmarz)* STRATOPAUSE
حد فاصل یا مرز میان پوش اسپهر و میان اسپهر که ارتفاع آن بین ۳۵ تا ۵۰ کیلومتر است .

پوشینه *(Pushineh)* OVERBURDEN
لایه‌ای از خاک و سنگ که روی یک کانه یا یک معدن رغال سنگ را پوشانیده باشد .

پوشینه زمین
⟵ زیر پوش (جبه)

پولاد STEEL
یا فولاد آمیزه (آلیاژ) ی از آهن که با ۰/۵ تا ۱/۵ در صد کربن همراه باشد . ⟵ فولاد

پولک
پل کوچک .

پوند POUND
از آحاد جرم و وزن در بعضی کشورهای انگلیسی زبان . پوند بر دو نوع است :
۱- پوند اوردپویز معادل ۴۵۳/۵۹ گرم .
۲- پوند تروی معادل ۳۷۳/۲۴ گرم .

پهناب BROAD
سطح پهناوری از آب یک رودخانه واقع در دهانه آن (منظور از دهانه محلی است که رودخانه به دریا می‌پیوندد) .

پهندره VALE
دره‌ای که پهن و وسیع بوده و کف آن نسبتا "مسطح و هموار باشد .

پهنرفت *(Pahnraft)* ADVECTION
جابجائی چیزی بوسیله حرکت افقی . این اصطلاح معمولا " برای جابجائی گرما بوسیله حرکت افقی هوا بکار می‌رود و بهترین نمونه آن جابجائی گرما بوسیله حرکت هوای استوائی از مناطق کم عرض به مناطق عرض بالای جغرافیائی کره زمین است .

پهن سری *(Pahn-sari)* BRACHYCEPHALIC
⟵ شاخص سر

پهنه سنج PLANIMETER
⟵ پلانیمتر

پهنه سنجی PLANIMETRY
روشی است برای اندازه‌گیری شکل‌های مسطح .

پی PI (π)
نام یکی از حروف الفبای یونانی که در ریاضیات نسبت ثابت میان پیرامون دایره به قطر آن را نمایش میدهند . کهن ترین مدرک تاریخی درباره عدد پی قطعه پاپیروسی است که اکنون در یکی از موزه‌های شهر مسکو نگهداری میشود در این سند که از مصر باستان بجای مانده نسبت پیرامون دایره به قطر آن برابر ۳ است و در مدارکی که از بابلیان به

یادگار مانده این نسبت برابر ۳ تعیین شده‌است که باحتمال قوی از کوششهای تجربی بدست آمده و مبنای علمی نداشته است.

بقراط (حدود ۴۵۰ سال قبل از میلاد) نخستین کسی است که درباره نسبت مزبور پژوهشهائی انجام داده و ارشمیدس (حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد) به ثابت بودن نسبت پیرامون دایره به قطر آن پی برد و مقدار آنرا حدود ۳/۱۴۲ تعیین نمود و بطلمیوس در قرن دوم میلادی رقم ۳/۱۴۱۶ را بدست آورد.

نخستین کسی که مقدار تقریبی پی را با دقت جالبی حساب نموده، غیاث الدین جمشید کاشانی (۷۶۳–۸۰۷ هـ.ق) است که نسبت مزبور را با بیش از ۱۵ رقم اعشار بدست آورده که همه ارقامش درست است. در اروپا حتی ۱۵۰ سال بعد از کاشانی، تیکوبراهه مقدار پی را برابر ۳/۱۴۰۹ گرفته است و مقارن همین اوقات فرانسواویت مقدار پی را فقط تا ۹ رقم اعشار حساب کرده‌است.

اولین استعمال قطعی علامت π برای نسبت محیط دایره به قطر از ویلیام جونز انگلیسی (۱۷۰۶ میلادی) است و رسمیت آن از سال ۱۷۳۷ آغاز گردیده است.

در سال ۱۸۷۳ میلادی ویلیام شنگ عدد پی را بکمک حساب دیفرانسیل و انتگرال تا ۷۰۷ رقم اعشار محاسبه کرد و در قرن اخیر با استفاده از ماشینهای حساب الکترونیک تا بیش از ۳۰۰۰ رقم دهدهی محاسبه گردیده است. پر واضح است که این محاسبات بیشتر جنبه تفنن دارد، زیرا با همه پیشرفتهای صنعتی و علمی امروز در عمل حتی برای دقیق ترین و حساس ترین کاربردها تنها ده رقم دهدهی اول کافی است پی یکی از مهمترین اعدادی است که در ریاضیات و علوم و فنون مختلف بکار می‌آید. بطور مثال محیط دایره مساوی حاصلضرب قطر آن در پی، سطح دایره برابر حاصلضرب مربع شعاع آن در پی، سطح بیضی مساوی است با حاصلضرب پی در دو نصف قطر آن ودوره نوسان آونگ برابر است با :

$$2\pi\sqrt{\frac{1}{g}}$$

پیچک LIANA

گونه‌ای گیاه بالا رونده که ساقه‌های چوبی کلفتی دارد و به گرد تنه درختان و گیاهان جنگلی و غیره پیچیده و خود را تا بلندترین نقطه بالا می‌کشد. این گیاه گاه باعث مرگ درخت و یا گیاهی که به گرد آن پیچیده است گردیده و در همان حال بزندگی خود ادامه می‌دهد. از جمله‌این گیاهان می‌توان خیزران اندونزیائی را نام برد که‌ازآن برای ساختن طناب استفاده می‌شود.

پیدایش زمین

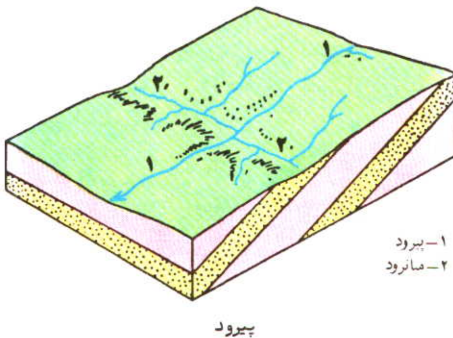
← نظریه غباری

پیرانه رود *(Pirāneh rud)* SENILE RIVER

رودخانه‌ای که در نهائی‌ترین مرحله دوره تکاملی خود قرار گرفته باشد.

پیرود *(Peyrud)* CONSEQUENT RIVER

رودخانه‌ای که در امتداد شیب اصلی زمین روان گردد. به عبارت دیگر رودخانه‌ای که در زمین بالاآمده‌ای، بستر خود را حفر کرده و امتدادش مطابق با شیب طبیعی زمین باشد. (مانند رود هراز).



پیرود

پیش بندر

محلی در ساحل رودخانه و مانند آن که بارها را بر کرجی یا کشتی‌های کوچک بار کنند و در بندر اصلی به کشتی‌های بزرگ تحویل دهند.

پیش بینی FORECAST

۱ – عمل پیش بینی در هوا شناسی.

۲ – پیش بینی نیازمندیها و برنامه‌ریزیهای آماری و فنی در علوم اجتماعی.

پیش بینی دوربرد LONG-RANGE FORECAST

پیش بینی هوا برای مدت بیشتر از ۵ روز.

پیش بینی رقومی NUMERICAL FORECAST

پیش بینی هوا از راه حل معادلات مخصوص به کمک رایانه (کامپیوتر).

پیشتاب *(Pishtāb)* DAWN

نور ضعیفی که پیش از سر زدن خورشید زمین را روشن می‌کند.

این پدیده را همراه نور ضعیفی که پس از غروب خورشید در آسمان دیده می‌شود و به آن پستاب می‌گویند تواما " بین ـ الطلوعین می‌نامند .

پیش تلماسه *(Pish talmāseh)* ADVANCED-DUNE
تلماسه‌ای که جلوتر از یک تلماسه بزرگ قرار گرفته باشد . این گونه تلماسه‌ها از انباشته شدن ماسه پیرامون یک مانع بوجود می‌آیند و حد فاصل میان آنها و تلماسه اصلی را جریان باد خالی نگه می‌دارد .

پیشرفت *(Pishraft)* DEVELOPMENT
اعمالی که موجبات دگرگونی منطقه‌ای را از نظر ساختمان، تاسیسات ، بهره‌برداری در معادن و بطور کلی فعالیت‌های عمرانی فراهم سازد .

پیشروی TRANSGRESSION
← پسروی

پیشکرانه FORESHORE
بخشی از کرانه دریا که در حد فاصل کمترین فروکشند (جزر) بهاره و متوسط برکشند (مد) واقع شده باشد .

پیشکوه
۱ ــ نزدیک کوه و مجاور دامنه آن .
۲ ــ قسمت جلوی کوه .

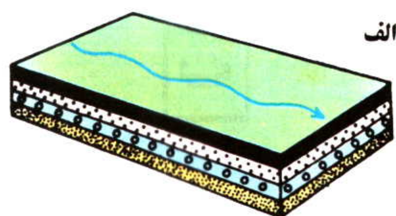
پیشینرود *(Pishinrud)* ANTECEDENT RIVER
رودخانه‌ای که بستر خود را در زمینی که در حال بالا آمدن است ، قبلاً حفر کرده باشد و وضع مسیرش ثابت بماند. چنین رودخانه‌ای قبل از تشکیل پستی و بلندی‌ها در همین حال فعلی وجود داشته است .

پیکمه‌ها PYGMIES
← کوتوله‌ها

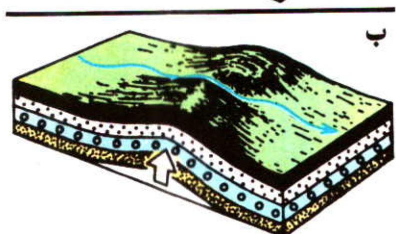
پیمایش *(Peymāyesh)* TRAVERSE
عملیاتی در نقشه‌برداری ، که عبارت از زنجیره‌ای است از یک سری خط‌های مستقیم و بهم پیوسته‌ای که سمت آنها نسبت به شمال و همچنین درازای هر کدام بدقت ، اندازه‌گیری شده و مختصات رئوس آن بوسیله عملیات و محاسبات خاصی تعیین گردیده باشد .

پیوستگاه *(Peyvastgāh)* CONFLUENCE
← دوآب

الف

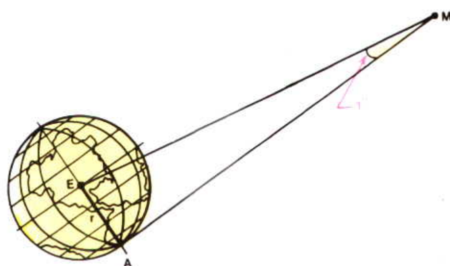


ب



پیشینرود

الف : مسیر رودخانه ، قبل از تشکیل پستی و بلندیها.
ب : مسیر رودخانه ، بعد از تشکیل پستی و بلندیها.



پارسک



تئودولیت THEODOLITE

⟵ زاویه‌یاب

تئوری وگنر WEGNER'S THEORY

⟵ نظریه رانه قاره‌ای

تابستان SUMMER

الف ــ گرمترین فصل سال را تابستان می‌گویند. دوران این فصل در نیمکره شمالی، ماههای تیر و امرداد و شهریور و در نیمکره جنوبی، دی و بهمن و اسفند است.

ب ــ از نظر نجومی، زمان میان انقلاب تابستانی (برابر یکم تیرماه)، و برابران پائیزی (یکم مهرماه)، برای نیمکره شمالی، و حد فاصل میان انقلاب زمستانی (برابر یکم دی‌ماه) و برابران بهاری (برابر یکم فروردین ماه)، برای نیمکره جنوبی را تابستان می‌نامند.

تابشسنج *(Tābeshsanj)* BOLOMETER

دستگاه برقی حساسی که برای اندازه‌گیری تشعشعات حرارتی بکار می‌رود. از این وسیله برای آشکار ساختن دمای سطح ستارگان و بررسی ناحیه زیر قرمز طیف استفاده می‌شود.

تابعیت *(Tābeiyat)* CITIZENSHIP

رعایای یک کشور و یک دولت بودن، تبعه مملکتی بودن.

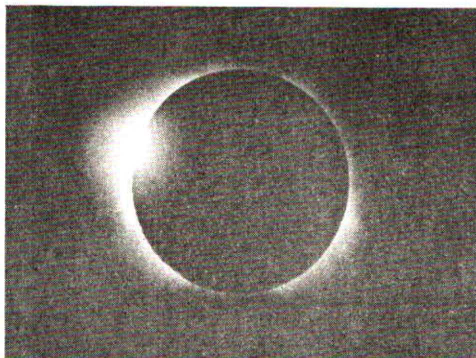
تابندگی LUMINOSITY

خاصیت صادر کردن نور بصورت انرژی تشعشعی.

در اصطلاح نجوم تابندگی ستارگان را بر حسب درخشندگی خورشید اندازه می‌گیرند.

تاج خورشیدی CORONA

تاج، بیرونی‌ترین لایه جو خورشید است که در هنگام خورگرفت با چشم غیر مسلح دیده می‌شود. در مواقع دیگر نیز می‌توان به کمک وسایل خاصی چون تاج نگار که خور گرفت مصنوعی ایجاد میکند، آنرا دید و از آن عکسبرداری کرد. تاج خورشیدی هاله مروارید رنگی است که نقشی ظریف دارد و گرداگرد خورشید را فرا گرفته است، و ضخامتش به حدود ۱/۵ میلیون کیلومتر می‌رسد. از خصوصیات شایان توجه تاج آن است که دمایش فوق العاده زیاد است. این دما برابر با ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ °K است.



تاج خورشیدی

تاجنگار *(Tājnegār)* CORONOGRAPH

دستگاهی است برای دیدن تاج خورشیدی. این دستگاه که در حقیقت خور گرفت مصنوعی ایجاد می‌کند قادر است از تاج خورشیدی عکس برداری نماید.

تاجیک

ایرانیان ساکن تاجیکستان، افغانستان و شمال ایران.

واژه تاجیک که ظاهرا" در مقابل واژه ترک قرار گرفته است به ایرانیان غیر ترک اطلاق می‌گردیده است.

تاخوردگی FOLD

⟵ چین

تاریخ HISTORY

زمان وقوع یک امر یا یک حادثه نسبت به مبداء معین.

⟵ گاهنامه، گاهشماری، تبدیل تاریخ.

تاریخ طبیعی NATURAL HISTORY

اصطلاحی که بیشتر در قرن نوزدهم میلادی مورد استعمال داشته و قسمت وسیعی از دانش بشری مانند جانور شناسی، گیاهشناسی، شیمی، فیزیک، زمین شناسی، دیرین‌شناسی، و کانی شناسی را شامل می‌گردیده است ولی امروزه برای جانورشناسی، گیاهشناسی، زمین شناسی، کانی‌شناسی و دیرین شناسی بکار می‌رود.

تاریخ گذاری بوسیله رادیواکتیویته

RADIOACTIVITY DATING

⟵ تاریخ گذاری بوسیله رادیو کربن

تاریخ‌گذاری بوسیله رادیو کربن RADIOCARBON DATING

نوعی ایزوتوپ کربن رادیواکتیو، با وزن اتمی ۱۴، که به آن

کربن ۱۴ می‌گویند . این ماده در لایه‌های بالائی جو ، براثر بمباران ذرات ازت بوسیله نئوترن‌هائی که توسط تشعشات کیهانی آزاد شده‌اند بوجود می‌آید . کربن ۱۴ پس‌از اکسیده شدن به دی اکسید کربن دگرگون شده و به سیکل کربن زمین وارد می‌گردد و توسط موجودات زنده و گیاهان جذب و به مصرف می‌رسد . چون موجودات زنده و گیاهان پس از مرگ و یا مدفون شدن آنها در زیر لایه‌های رسوبی ، بتدریج و به میزان معینی (متناسب با زمان) کربن ۱۴ خود را از دست می‌دهند ، از این رو عمر یک موجود مدفون شده مانند چوب، استخوان ، صدف‌های کف دریا و مانند آنرا می‌توان از این راه بدست آورد . از این شیوه برای اندازه‌گیری عمر موجودات باستانی و مانند آن استفاده شده و دوره‌های گذشته را معادل ۲۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ سال قابل اندازه‌گیری ساخته است . البته این شیوه که توسط دکتر W.F.Libby در سال ۱۹۴۷ ابداع شده دقت خود را از سالهای ۳۰۰۰۰ به بالا از دست می‌دهد. به این سیستم تاریخ‌گذاری بوسیله رادیواکتیو نیز می‌گویند .

تافت *(Tāft)* RADIATION

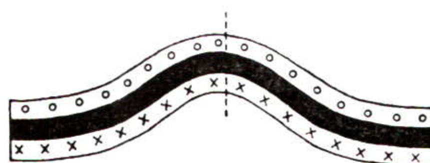
← تشعشع

تاقدیس *(Tāqdis)* ANTICLINE

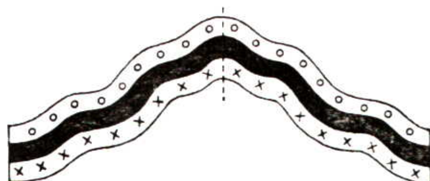
طبقه‌ای از سنگ که بصورت یک تاق چین خورده باشد .

تاقدیس شکنجی *(T-e-shekanji)* ANTICLINORIUM

تاقدیس عظیمی از چینه‌های سنگی ، که پهلوهای آن ، از تاقدیس‌ها و ناودیس‌های متعددی تشکیل یافته باشد .



تاقدیس



تاقدیس شکنجی

تاقزمین GEANTICLINE/GEOANTICLINE

نوعی تاخوردگی یا تاقدیس که درازای آن به چندین کیلومتر رسیده و بتدریج شکل گرفته باشد و عمل فرسایش سطحی نیز در آن بطور همزمان انجام شده باشد .

تاکئومتر TACHEOMETER

تئودولیت ویژه‌ای که قادر به اندازه‌گیری مستقیم مسافت افقی و اختلاف ارتفاع باشد .

تاکئومتری TACHEOMETRY

شیوه‌ای است در نقشه‌برداری که زوایای افقی و مسافت و اختلاف ارتفاع نقاط مختلف را بوسیله تئودولیت برداشت می‌کنند . در این طریقه معمولا " از تئودولیت خاصی بنام تاکئومتر استفاده می‌شود .

تالاب *(Tālāb)* ETANG

دریاچه کم عمقی که بویژه در یک شنزار یا در میان شن‌های ساحلی بوجود آمده باشد .

تالار جنگلی GALLERY FOREST

درختان درهم پیچیده و متراکمی که درحاشیه رودخانه‌هائی که در علفزارهای استوائی جریان دارند ، روئیده باشند و سر آنها از دو طرف رودخانه بهم رسیده و تشکیل تالاری از درخت را داده باشند .

تالک TALC

ماده معدنی از جنس سیلیکات منیزیم که تقریبا " چرب و صابونی بوده و در صنایع رنگسازی و مواد آرایشی ، کاشی‌سازی و کاغذ سازی بکار می‌رود . ایالات متحده امریکا یکی از بزرگترین تولید کننده این ماده بوده و میزان استخراج ، صدور آن به ۸۵۰۰۰ تن در سال می‌رسد .

تالوگ THALWEG

← خط القعر

تانکر TANKER

هر گونه وسیله نقلیه‌ای اعم از زمینی ، هوائی و یا دریایی که برای حمل مایعات بکار رود .

بزرگترین تانکر شناوری که تا کنون ساخته شده تانکر Globtik Tokyo ژاپنی است که ظرفیت آن ۴۷۷۰۰۰ تن و درازای آن ۳۷۷ متر است .

تایگا TAIGA

واژه‌ایست روسی که به جنگلهای مخروطی سیبریه و یا اقلیم‌های مشابه آن مانند جنگلهای مخروطی اروپای شمالی و امریکای شمالی اطلاق می‌شود . این جنگل‌ها معمولا " در فاصله ۵۰ تا

۶۰ درجه عرض جغرافیایی قرار دارند و درختان آن‌ها شامل گونه‌هایی از کاج، صنوبر و سیاه کاج می‌باشند. در موقع بهار سرزمین تایگا را آب ناشی از ذوب یخ‌ها و طغیان رودها فرا می‌گیرد.
درجه حرارت در مدت یک تا سه ماه سال بیش از ۱۰ درجه می‌باشد.
⟵ جنگل‌های مخروطی

تبخیر EVAPORATION

تغییر حالت فیزیکی مایع به بخار. از نظر هواشناسی میزان تبخیر آب بستگی به عوامل زیر دارد:
الف ــ فشار تبخیر ب ــ گرمای هوا پ ــ باد ت ــ وضعیت طبیعی سطح آب و محیط پیرامون آن.
معمولاً بیشترین میزان تبخیر در کویرهای گرم روی می‌دهد (طبق اندازه‌گیریهائی که به‌عمل آمده، میزان تبخیر در صحرای اتبره سودان ۶۲۵۰ میلی متر و صحرای حلوان مصر ۲۳۰۰ میلی متر است)، در حالیکه کمترین میزان تبخیر مربوط به نواحی استوایی جایی که رطوبت موجود در هوا زیاد است بوده و در عین حال نواحی سرد معتدله نیز بدلیل خنک بودن و پایین بودن دما، تبخیر کمی دارد. (میزان تبخیر در لندن حدود ۳۳۰ میلی‌متر است).

تبخیر سطحی SURFACE EVAPORATION

⟵ تبخیر

تبخیر سنج EVAPORIMETER

دستگاه اندازه‌گیری میزان تبخیر آب. این دستگاه به دو طریق کار می‌کند، طریقه یکم این است که آب مقطر موجود در لوله مدرجی را بوسیله یک ورقه کاغذ متخلخل در معرض تبخیر قرار داده و میزان تقلیل آب را در مقابل درجات لوله اندازه می‌گیرند.
طریقه دوم به این نحو است که آب را در تشتک وسیعی می‌ریزند و میزان تبخیر آن را از میزان افت سطح آب تشتک بدست می‌آورند.

تبدیل اسامی جغرافیائی TRANSLITERATION

⟵ نام‌گردانی جغرافیائی

تبدیل تاریخ DATE TRANSFERRING

تعیین تاریخی (مانند روز و ماه و سال) یک واقعه که در یک تقویم معلوم است در تقویم دیگر.
برای تبدیل تاریخ یک طریقه تقریبی وجود دارد که بوسیله فرمول‌های ساده زیر بیان می‌شود:

$$S = \frac{۳۲}{۳۳} H \qquad H = \frac{۳۳}{۳۲} S$$

$$H = \frac{۳۳}{۳۲} (C - ۶۲۲) \qquad C = \frac{۳۲}{۳۳} H + ۶۲۲$$

که در فرمول‌های بالا H سال هجری قمری، S سال هجری خورشیدی و C سال میلادی است. برای محاسبات دقیق‌تر باید به جداول تطبیقی مخصوص مراجعه شود که دست یافتن به آن‌ها بسیار دشوار است.
از آنجائیکه تبدیل تاریخ در کشور ما از اهمیت فراوانی برخوردار است. از جداول تطبیقی زیر که توسط مهندس تقی ریاحی تدوین گردیده است بشرح زیر استفاده می‌شود که نتایج را گاه با یکی دو روز تقریب بدست می‌دهد.
مطابق جداول تطبیقی ریاحی، شماره ترتیب هر روز سال ردیف آن روز خوانده می‌شود. جدول شماره ۱ برای تسهیل تعیین ردیف روزهای سال مفید است. (در تقویم مسیحی که کبیسه در ماه فوریه عمل می‌شود، کبیسه در ردیف روز موثر است) ردیف هر روز ماه مساوی است با حاصل جمع عددی که در جدول در مقابل آن ماه نوشته شده، به‌اضافه عدد روز ماه. بطور مثال ردیف روز ۴ خرداد برابر ۴ + ۶۲ یعنی ۶۶ و ردیف روز ۲۱ مارس ۱۹۶۴ (سال کبیسه) برابر ۸۱=۲۱+۶۰ است.

<u>تبدیل تاریخ مسیحی (C) به هجری شمسی (S) و بالعکس،</u>
هر دو تقویم شمسی‌اند و فقط در کبیسه‌ها اختلاف دارند.
تفاوت سال تقویم هجری شمسی و تقویم مسیحی در فاصله بین یکم ژانویه (۱۱ دی ماه با یک روز تقریب) و ۲۱ مارس (یکم فروردین) برابر ۶۲۲ و از ۲۱ مارس تا ۳۱ دسامبر برابر ۶۲۱ است.

جدول شماره (۱)

H		S		C عادی	C	کبیسه
محرم	۰	فروردین	۰	۰	ژانویه	۰
صفر	۳۰	اردیبهشت	۳۱	۳۱	فوریه	۳۱
ربیع ۱	۵۹	خرداد	۶۲	۵۹	مارس	۶۰
ربیع ۲	۸۹	تیر	۹۳	۹۰	آوریل	۹۱
جمادی ۱	۱۱۸	امرداد	۱۲۴	۱۲۰	مه	۱۲۱
جمادی ۲	۱۴۸	شهریور	۱۵۵	۱۵۱	ژوئن	۱۵۲
رجب	۱۷۷	مهر	۱۸۶	۱۸۱	ژوئیه	۱۸۲
شعبان	۲۰۷	آبان	۲۱۶	۲۱۲	اوت	۲۱۳
رمضان	۲۳۶	آذر	۲۴۶	۲۴۳	سپتامبر	۲۴۴
شوال	۲۶۶	دی	۲۷۶	۲۷۳	اکتبر	۲۷۴
ذوالقعده	۲۹۵	بهمن	۳۰۶	۳۰۴	نوامبر	۳۰۵
ذوالحجه	۳۲۵	اسفند	۳۳۶	۳۳۴	دسامبر	۳۳۵

تبدیل تاریخ‌ها با رعایت سال‌های کبیسه بوسیله تعیین ردیف روز آسان است . منتها باید در نظر داشت که اگر سال مسیحی بعد از ۱۵۸۲ (تاریخ تبدیل ژولینی به تقویم گرگوری) یعنی بعد از ۹۶۱ هجری شمسی باشد روز اول فروردین برابر ۲۱ مارس است . برای سال‌های قبل از ۱۵۸۲ ، روزی از ماه مارس که با یکم فروردین مطابق است از روی جدول شماره ۲ تعیین می‌گردد .

جدول شماره (۲)		
سال S	یکم فروردین برابر است با	سال C
۱ تا ۱۵۰	۱۷ مارس	۶۲۲ تا ۷۷۰
۱۵۰ تا ۲۸۰	۱۶ مارس	۷۷۰ تا ۹۰۰
۲۸۰ تا ۴۰۰	۱۵ مارس	۹۰۰ تا ۱۰۲۰
۴۰۰ تا ۵۲۰	۱۴ مارس	۱۰۲۰ تا ۱۱۴۰
۵۲۰ تا ۶۵۰	۱۳ مارس	۱۱۴۰ تا ۱۲۷۰
۶۵۰ تا ۷۷۰	۱۲ مارس	۱۲۷۰ تا ۱۳۹۰
۷۷۰ تا ۹۰۰	۱۱مارس	۱۳۹۰ تا ۱۵۲۰
۹۰۰ تا ۹۶۱	۱۰ مارس	۱۵۲۰ تا ۱۵۸۲

(بطور مثال در جدول دیده می‌شود که بین ۱۲۷۰ و ۱۳۹۰ مسیحی اول فروردین هجری شمسی مطابق دوازدهم مارس بوده است) . مثلا " برای تبدیل ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ (سال کشف امریکا بوسیله کریستف کلمب) به تاریخ هجری شمسی ، ملاحظه می‌کنیم که ۸۷۱ = ۶۲۱ – ۱۴۹۲ . پس با توجه به جدول ۲ معلوم می‌شود که ۱۱ مارس ۱۴۹۲ برابر یکم فروردین ۸۷۱ هجری شمسی بوده است . چون از ۱۱ مارس تا ۱۲ اکتبر ۲۱۶ روز است و روز ۲۱۶ با ۳۰ مهر برابر است ، پس تاریخ مذکور مطابق ۳۰ مهر ماه ۸۷۱ هجری شمسی است .

تبدیل تاریخ هجری قمری به تاریخ هجری شمسی و یا تاریخ مسیحی و بالعکس.

بطوریکه میدانیم در این جا یکی از دو تقویم خورشیدی و دیگری قمری است . طریق عمل در همهٔ حالات یکی است ، ولی ضرایب کار متفاوت است . این ضرایب و اعداد در جدول شماره ۳ نشان داده شده است . بطور کلی طریقه عمل بشرح زیر است :

(۱)-ردیف روز تاریخ معلوم را تعیین می‌کنیم (عدد R) .

(۲)-از سال تقویم معلوم عدد a را کاسته حاصل را در ضریب b ضرب می‌کنیم و حاصلضرب را با عدد c جمع می‌کنیم و جزء صحیح خارج قسمت را جداگانه یادداشت می‌کنیم .

جدول شماره (۳) ضرایب						
از	تبدیل	به	a	b	c	d
۱	H	S	۰	۰/۹۷۰۲۲۵	۰/۳۵۵۶	۳۶۵
۲	S	H	۰	۱/۰۳۰۶۸۹	۰/۳۶۶۵ –	۳۵۴
	H	C				
۳	پیش از ۹۹۰		۰	۰/۹۷۰۲۰۴	۶۲۱/۵۶۵۸	۳۶۵
۴	بعد از ۹۹۰		۱۰۰۰	۰/۹۷۰۲۲۴	۱۵۹۱/۷۹۸۰	۳۶۵
	C	H				
۵	قبل از ۱۵۸۲		۷۰۰	۱/۰۳۰۷۱۱	۸۰/۸۴۴۲	۳۵۴
۶	بعد از ۱۵۸۲		۱۶۰۰	۱/۰۳۰۶۹۵	۱۰۰۸/۴۵۴۷	۳۵۴

باید توجه داشت که تقویم مسیحی در ۱۵۸۲ بعد از میلاد مطابق سال ۹۹۰ هجری قمری از ژولینی به گرگوری تبدیل شده است .

(۳) – جزء اعشاری نتیجه حاصل از عمل (۲) را در d ضرب می‌کنیم و حاصل را با R جمع و نتیجه را گرد می‌کنیم . اگر حاصل عمل (۳) کمتر از d باشد همین حاصل عدد ردیف روز و عدد صحیح سابق‌الذکر عدد سال در تقویم جدید است ، و اگر حاصل عمل (۳) بیش از d باشد ، زیادتی آن بر d ردیف روز و عدد صحیح مذکور به علاوه ۱ عدد سال در تقویم جدید می‌باشد .

الف – ۱۶ ذوالقعده ۱۳۳۵ هجری قمری در تاریخ هجری شمسی از سطر اول جدول شماره ۳ بشرح زیر استفاده می‌شود.

R = ۲۹۵ + ۱۶ = ۳۱۱

۱۳۳۵ x ۰/۹۷۰۲۲۵ = ۱۲۹۵/۲۵۰۴

+ ۰/۳۵۵۶

۱۲۹۵/۶۰۶۰

۰/۶۰۶۰ x ۳۶۵ = ۲۲۱

+۳۱۱

۵۳۲   ۵۳۲ – ۳۶۵ = ۱۶۷

مطابق جدول شماره ۱ عدد ۱۶۷ ردیف روز ۱۲ شهریور است . پس تاریخ مذکور مطابق ۱۲ شهریور ۱۲۹۶ هجری شمسی است .

ب – ۲۱ مارس ۱۹۵۷ بر حسب تاریخ هجری قمری .

اعداد سطر ۶ جدول شماره ۳ را بشرح زیر بکار خواهیم برد :

R = ۵۹ + ۲۱ = ۸۰

۱۹۵۷ – ۱۶۰۰ = ۳۵۷

۳۵۷ x b = ۳۶۷/۹۵۶۳

+ c

۱۳۷۶/۴۱۱۰

۰/۴۱۱۰ x d = ۱۴۵/۵

۸۰

۲۲۶

۲۲۶ عدد روز ۱۹ شعبان و تاریخ مذکور مطابق ۱۹ شعبان ۱۳۷۶ هجری قمری است .

تبلور تدریجی FRACTIONAL CRYSTALLIZATION

جدا شدن اجزاء متشکله مواد گداخته و دگرگونی تدریجی آن به مواد معدنی متبلور.

بطور کلی این عمل عکس نقطه ذوب بوده و دوره کامل این دگرگونی به طبیعت مواد گداخته و آب و هوا بستگی دارد.

تپه HILL

قسمت کوچکی از پوسته زمین که ارتفاع آن نسبت به زمینهای اطراف بیشتر و برجسته‌تر باشد تپه نام دارد. با وجودیکه حد فاصل مشخص و معینی میان تپه و کوه وجود ندارد مع‌الوصف برجستگیهای کمتر از ۳۵۰ متر را تپه و بلندتر از آن را می‌توان کوه نامید. ولی این رقم قطعیت نداشته و استثنائاتی در آن دیده می‌شود.

تپه دریائی REEF

← آبسنگ

تپه ماهور HILLY AREA

۱ــ زمینی که از ترکیب پستی و بلندی‌ها و یا رشته تپه‌ها و دره‌های نسبتا" پست و موازی تشکیل یافته باشد.

۲ــ هر یک از تپه‌های پیوسته‌ای که در دامنه کوه پدید آمده باشد.

تجارت آزاد FREE TRADE

← بازرگانی آزاد

تجارت ترانزیت TRANSIT TRADE

← داد و ستد ترانزیت

تجارت منطقه‌ای REGIONAL TRADE

گروهی از کشورها که سیاست بازرگانی مشترک را تعقیب می‌نمایند، مانند بازار مشترک اروپا و تجارت آزاد اروپا.

تجزیه طیفی ANALYSIS OF SPECTRUM

تعیین اجزای سازنده، یک جسم از راه مطالعه در اوضاع خطوط و نوارهای طیف آن. از آنجائیکه مشخصات طیف یک منبع نور بستگی به ماهیت منبع دارد، لذا وجود یک عنصر را در یک ماده می‌توان با بررسی طیف حاصل از بخار فروزان آن آشکار ساخت.

بوسیله تجزیه، طیفی می‌توان مواد سازنده ستارگان را تعیین کرد و هم چنین با مطالعه طیف ثوابت دور دست می‌توان اطلاعات گرانبهائی از شرایط مستولی بر سطح آن‌ها و نیزاز حرکات ظاهری آن‌ها بدست آورد.

تحت الحمایه PROTECTORATE

سرزمینی که از خود فرمانروا و در امور داخلی کم و بیش استقلال دارد، ولی تحت حمایت کشور دیگری است و معمولا" روابط خارجی آن در دست آن کشور است.

تحدید حدود DEFINITION OF BOUNDARY

علامتگذاری و تعریف و تشریح حدود مرزها

تحویل TRANSITION

اصطلاحی است در نجوم به معنی انتقال نقطه‌ای از یک موضع به موضع دیگر.

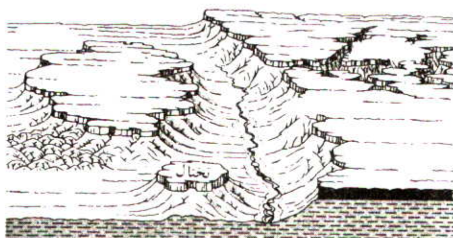
مانند عبور خورشید از برابران بهاری که به آن تحویل سال می‌گویند. ← حرکت روزانه

تختال *(Takhtāl)* TABLELAND/BUTTE

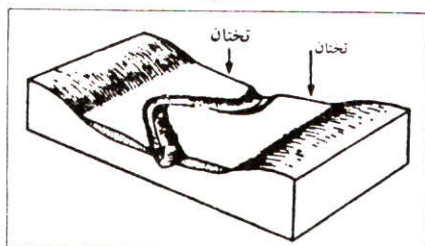
تپه‌ای که سر آن تخت شده باشد. اینگونه تپه‌ها، بدلیل سائیدگی قسمتهای سست زبرین و مقاومت چینه‌های سخت زیر آن، در برابر سائیدگی، بوجود می‌آیند. این عارضه همانند یک فلات کوچک، که پیرامون آن را دامنه‌های پرشیب و مشخصی فرا گرفته است، می‌باشد

تختان *(Takhtān)* TERRACE

زمین افقی و تقریبا" هموار که در کناره یک رودخانه یا در لبه یک دره واقع شده باشد، که به آن تراس نیز گفته می‌شود.



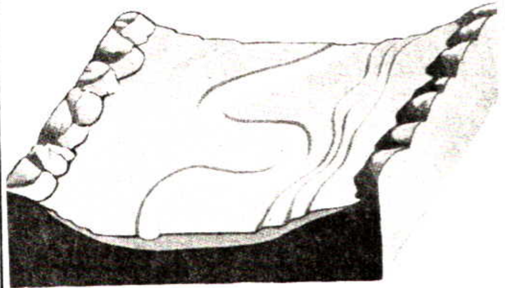
تختال



تختان

تختان آبرفتی (T-e-ābrofti) ALLUVIAL TERRACE

تختانی از مواد آبرفتی که بر اثر بریده شدن بستر یک رودخانه و جریان یافتن آن در عمقی بیشتر بوجود آمده باشد. تختان آبرفتی ممکن است در دو طرف یک رودخانه پدید آید.



تختان آبرفتی

تختانک (Takhtānak) SHEEP TRACKS/TERRACETTE

تختان یا تراسهای پله کانی شکلی به بلندی حدود ۳ تا ۳۰ سانتی متر، که اغلب در دامنه‌های پر شیب دیده می‌شود. این تختانک‌ها، که بی‌شباهت به راههای بز رو نیستند بطور طبیعی پدید آمده و جانورانی مانند گله‌های بز و گاو و گوسفند و غیره در ایجاد آنها نقشی ندارند. به این عارضه تراست نیز گفته می‌شود.

تخته پل WOODEN BRIDGE

پلی که از تخته و چوب بر روی خندق ساخته شود تا آمد و رفت به قلعه را امکان پذیر سازد.

تخته سه پایه PLANE-TABLE

میز ترسیم نسبتاً کوچکی است که روی سه پایه نصب می‌گردد و همراه با دستگاهی بنام آلیداد برای نقشه‌برداری بکار می‌رود و همچنین به یکی از متدهای نقشه‌برداری نیز گفته می‌شود.

تخته یخ FLOE

قطعه یخ شناوری که از یک یخکوه قطبی جدا شده باشد. تخته یخ ممکن است از نوع سبک و کوچک که قطر آن از یک متر تجاوز نمی‌کند باشد و یا از نوع سنگین و بزرگ که قطر یخ از یک متر بیشتر است بشمار آید.

ترا (Tarā) TRANS

دیوار بلند مانند دیوار پاره‌ای از قصرهای قدیمی و دیوار قلعه و کاروانسرا، سد و دیواری که در پیش چیزی کشند.

ترابری (Tarābari) TRANSPORTATION

حمل کالاهای تجارتی از یک جا به جای دیگر. این عمل ممکن است بوسیله انسان، حیوان و یا وسایل نقلیه موتوری از قبیل راه آهن، اتومبیل، کشتی، هواپیما و امثال آن انجام گیرد.

تراز (Taraz) LEVEL

خط و یا صفحه‌ای که به موازات افق قرار گرفته باشد.

تراز از نظر نقشه‌برداری و جغرافیائی عبارتست از:

الف ــ دستگاهی بنام ترازیاب که برای اندازه‌گیری اختلاف ارتفاع نقاط مختلف بکار می‌رود.

ب ــ اراضی پهناور و مسطحی که زهاب‌های متعددی در آن جریان داشته باشد.

پ ــ راهرو یا معبری که بطور افقی در دل یک معدن ایجاد شده باشد.

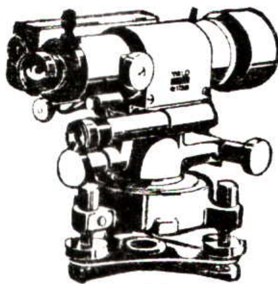
ترازمندی (Tarāzmandi) EQUILIBRIUM

حالت تعادل میان چند نیرو. بطور کلی جرمی را در حالت ترازمندی یا تعادل می‌گویند که برآیند مجموع نیروهای وارد بر آن برابر صفر باشد.

ترازیاب (Tarāzyāb) LEVELLING INSTRUMENT

دستگاهی است که برای تعیین اختلاف ارتفاع میان نقاط بکار می‌رود. این دستگاه از یک دوربین مجهز به سیستم حباب تراز و یک پایه تشکیل یافته است هنگامیکه حباب تراز در وسط محفظه خویش قرار گیرد محور دوربین به موازات سطح افق قرار خواهد گرفت و خط دید آن نیز به موازات سطح افق واقع خواهد شد. ترازیاب انواع مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

ترازیاب ساده، ترازیاب دقیق و ترازیاب اتوماتیک.



ترازیاب

ترازیاب ساده DUMPY LEVEL

گونه‌ای ترازیاب که تلسکوپ آن به پایه تراز متصل گردیده و در واقع بصورت یک قطعه یک پارچه در آمده است و برای ترازیابی‌های ساده و کم دقت بکار می‌رود.

← ترازیاب

ترازیابی LEVELLING

ترازیابی یا ارتفاع یابی هندسی، عبارتست از تعیین اختلاف ارتفاع میان نقاط مختلف با استفاده از تلسکوپی که به کمک حباب تراز افقی گردیده و نشانه روی از درون آن به شاخص‌های مدرجی که در نقاط مختلف نصب شده‌اند. عمل ترازیابی، قاعدتا" از یک نقطه شروع شده و پس از تعیین ارتفاع نقاط مورد نظر معمولا" بیک نقطه معلوم دیگر و یا همان نقطه نخستین پایان می‌یابد.

شاخص های مدرج

تلسکوپ ترازشده

A

B

ترازیابی

تراس TERRACE

← تختان

تراست TERRACETTE

← تختانک

تراست TRUST

در اصطلاح مالی و اقتصادی، سازمانی است که سیاست بازرگانی چندین موسسه مستقل را تحت نظارت خود درآورد. تراست یکی از مظاهر رژیم سرمایه‌داری است که بوسیله آن سرمایه‌داران کوچک از بین برده می‌شوند. سرمایه انحصار طلبانه عنوان و نماد تسلط تراست‌ها در کار تولید می‌باشد. نفوذ در دستگاههای اقتصادی بزرگ مثل بانک‌ها، فروش موقتی کالای ارزان برای نابود کردن واحدهای کوچک، بند و بست با بنگاه‌های حمل و نقل.

تراش FACET

الف ــ رویه‌ای از سنگ که در مقابل وزش باد قرار گرفته و فرسوده و صیقلی شده باشد.

ب ــ هر گونه سطح فرسوده و صافی که یک شیب کلی را قطع کند.

پ ــ سطح صاف و صیقلی شده یک سنگ گرانبها.

تراک *(Tarāk)*

صدای رعد

تراکم DENSITY

← انبوهش

تراکم COMPACTION

← فشرش

تراکم جمعیت DENSITY OF POPULATION

← چگالی جمعیت

تراگذر *(Tarāgozar)* TRANSVERSE

۱ــ عرضی (در مقابل طولی)، مورب ۲ــ در هندسه، خطی که دسته‌ای از خطوط (مثلا" اضلاع مثلث یا امتدادهای آنها) را قطع کند.

نام هر اسبابی که با انرژی دستگاه یا محیطی بکار می‌افتد. مثلا" گیرنده‌ی تلفن تراگذار است با انرژی برق بکار می‌افتد، و انرژی صوتی به هوای مجاور می‌دهد.

تربیع QUADRATURE

۱ ــ وضعیتی در نجوم که میان دو سیاره یک چهارم مسیر گردش ظاهری خورشید بدور زمین یعنی معادل ۳ برج فاصله باشد.

۲ ــ حالتی از ماه که یک چهارم آن روشن باشد، این حالت در شبهای هفتم و بیست و دوم هر ماه قمری پیدا می‌شود که اولی را تربیع اول و دومی را تربیع دوم می‌گویند.

← اهله قمر

ترشی خاک ACIDITY OF THE SOIL

ترشی یا اسیدیته خاک به طور مستقیم و غیر مستقیم در خواص فیزیکی، شیمیایی و حیاتی خاک موثر است. درجه اسیدی خاک بیشتر در نتیجه زیاد شدن یونهای H و AL در خاک و قرار گرفتن این یونها به جای یونهای دیگر است. این فعل و انفعال در طبیعت، در نتیجه تاثیر عواملی چون آب نفوذی (در اثر آبیاری و باران زیاد)، گیاه و کود اتفاق می‌افتد.

ترعه CANAL

← آبراهه

ترک *(Tarak)*

۱ ــ صدای رعد

۲ ــ شکاف کوه و زمین و فواصلی که بین دو قطعه‌زمین بر اثر زمین‌لرزه و حرکات دیگر کوه‌زایی پدید آید.

ترمومتر THERMOMETER

← دماسنج

ترومب TROMBE

گردبادی است با محور عمودی که با بادهایی دارای سرعت زیاد همراه می‌باشد. سرعت باد در داخل ترومب به ۱۰۰ متر در ثانیه و حتی بیشتر می‌رسد بطوریکه به این ترتیب از شدیدترین طوفانها قویتر می‌باشد. قطر ترومب در سطح آب به ۲۵ تا ۱۰۰ متر و در روی خشکی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و گاهی اوقات نیز به ۱/۵ تا ۲ کیلومتر می‌رسد. ارتفاع قابل رویت ترومب از ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ متر می‌باشد.

تره بار

سبزی‌های خوردنی و برخی میوه‌ها از قبیل کدو، گوجه‌فرنگی، بادنجان و باقلا و غیره.

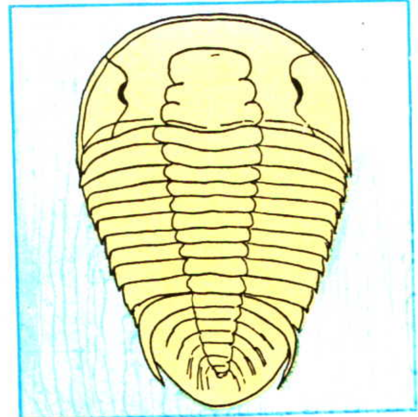
تریاسیک TRIASSIC

نخستین دوره زمین شناسی از دوران میان‌زیوی (میان زیست) که از ۲۲۵ تا ۱۸۰ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است.

← ازمنه زمین‌شناسی

تری لوبیت TRILOBITE

جانوری از بند پایان نخستین که تنه آن‌ها از سه قسمت سر، سینه و شکم تشکیل یافته و فراوان‌ترین و عمده‌ترین ساکنان دریاهای دوران دیرین زیوی (پالئوزوئیک) بوده‌اند.



تری لوبیت

تریلیون TRILLION

عددی معادل یک میلیارد میلیارد یعنی ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ یا 10^{18}

تریوه *(Tareyveh)*

راه ناهموار و پست و بلند

تسطیح کره

CONVERSION THE SPHERE TO FLAT SURFACE

نمایش کره بر سطح مستوی. این عمل که برای تهیه نقشه‌های جغرافیائی بکار می‌رود. تصویر نقشه و یا تصویر کره نام دارد.

میدانیم که پوسته زمین را که سطحی است کروی هنگام تصویر باید آنچنان تخت و هموار نمود که کاملا" با صفحه مسطح کاغذ منطبق گردد بدون اینکه در سطح آن شکافی پدید آید و یا تغییر شکلی در آن روی دهد. بدیهی است پوسته کروی زمین را هیچگاه بر روی صفحه مسطح نمی‌توان منتقل نمود. مگر اینکه دگرگونی‌ها و تغییر شکل‌هائی را در خطوط و مسافت‌ها و زوایای آن بپذیریم.

بطور کلی شیوه‌ای که در آن بتوان کلیه خطوط و زوایا و سطوح را عینا" به همان وضع اصلی حفظ نمود، وجود ندارد ولی می‌توان شیوه و یا شیوه‌هایی را برگرید که این تغییرات در آن به حداقل ممکنه کاهش یابد. ← سیستم تصویر نقشه

تسونامی TSUNAMI

واژه ژاپنی معادل آبلرزه

تشریک مساعی CO-OPERATION

نوعی همبستگی و مشارکت کشاورزان در پاره‌ای امور کشاورزی مانند خرید و توزیع دانه، کود، ماشین‌آلات و غیره و فروش فراورده‌های کشاورزی.

تشرین TESHRIN

نام دو ماه در تقویم خورشیدی بعضی کشورهای عربی که میان ایلول و کانون اول واقع شده و بنام تشرین اول و تشرین دوم شناخته می‌شود.

تشرین اول ماه دهم گاهنامه دارای ۳۱ روز است که به آن اکتبر نیز می‌گویند و تشرین دوم ماه یازدهم است و ۳۰ روز دارد و با ماه نوامبر منطبق است.

تشعشع RADIATION

عمل پس دادن انرژی را تشعشع می‌نامند، مانند تشعشع حرارتی که موجب سرد شدن تدریجی جسم تشعشع دهنده و گرم شدن فضای پیرامون آن می‌گردد.

خورشید یکی از اجرامی است که انرژی خود را بصورت تشعشع به فضای اطراف پراکنده می‌سازد و قسمتی از آن به زمین رسیده و به انرژی حرارتی تبدیل می‌گردد. گرمائی را که کره زمین در روز از خورشید دریافت می‌دارد در شب بوسیله تشعشع از دست می‌دهد.

تشعشع خورشیدی SUN RADIATION

عکس العمل پرتوهائی از خورشید که زمین دریافت میدارد باشکال و پدیده‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود، بطور مثال بخش بزرگی از مواد غذائی محصول نور خورشیدی است که در برگ گیاهان سبز جمع گردیده و بوسیله فتوسنتز به ئیدروکربورها دگرگون می‌شوند.
زغال و نفت نیز زائیده انرژی خورشیدی هستند که میلیونها سال پیش در جنگلهای ماقبل تاریخ تبدیل و ذخیره شده‌اند. نیروهای بادوآب اثرهای مکانیکی گرمای خورشیدی روی جو و روی اقیانوسها،دریاها و رودخانه‌های زمین می‌باشند.
تنها گونه‌ای از انرژی که ارتباطی با تشعشعات خورشیدی ندارد. انرژی حاصله از مواد رادیو اکتیو (مانند انرژی اتمی) در پوسته زمین می‌باشد.

تصفیه REFINING

← پالایش

تصویر پرسپکتیو PERSPECTIVE PROJECTION

آن دسته از سیستم‌های تصویر نقشه که عمل تصویر بر اساس اصول هندسی و از نقطه‌ای بنام مرکز پرسپکتیو انجام شود. سیستم های استوانه‌ای و مخروطی را می‌توان از جمله سیستم های تصویر پرسپکتیو محسوب داشت.

تصویر نقشه MAP PROJECTION

← تسطیح کره و سیستم تصویر نقشه

تعدیل زمان EQUATION OF TIME

تفاوت زمان متوسط و زمان حقیقی را تعدیل زمان می‌گویند.

تعرفه خاص SPECIFIC TARIFF

عوارض وارداتی را گویند که بر مبنای واحد مقدار یا وزن وضع گردیده است. این نوع تعرفه به عنوان هزینه ویژه درواحد کالاهای وارداتی برقرار می‌گردد.

تعرّق *(Taarroq)* TRANSPIRATION

جذب آب از طریق ریشه گیاهان و پس دادن و تبخیرآن در فضا از طریق برگهای گیاه.
میزان تعرق معمولا" بستگی دارد با خشکی هوای مجاور و هم چنین باز و بسته شدن روزنه‌ها که موجب جلوگیری از خارج شدن آب به مقدار زیاد می‌شود، پژمردن گیاه به سبب آن است که مقدار آب تبخیر شده بیش از اندازه‌ای است که به وسیله ریشه‌ها جذب شده است.

تفتال *(Taftāl)* MAGMA

← مواد گداخته

تفسنج *(Tafsanj)* PYROMETER

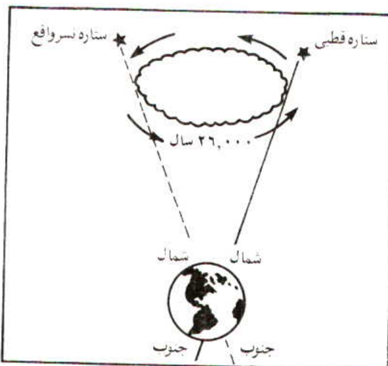
دستگاهی است که برای اندازه‌گیری درجات فوق‌العاده بالای حرارت بکار می‌رود. از این دستگاه معمولا" برای سنجش و اندازه‌گیری دمای مواد گداخته آتشفشانی استفاده می‌شود.

تقاطع INTERSECTION

یکی از شیوه‌های نقشه‌برداری است که برای تعیین موقعیت نقاط استفاده می‌شود.
در این شیوه، محل برخورد یا تقاطع دو یا چند خط نشانه‌روی موقعیت نقطه مورد نظر را تعیین می‌کند.

تقدیم اعتدالین PRECESSION OF THE EQUINOXES

تغییر وضعیت نسبی دایرةالبروج و استواء عالم در نتیجه چرخش مخروطی محور زمین حاصله از تاثیر نیروهای ثقل موجود بین کره زمین و خورشید و کره زمین و ماه. حرکات مخروطی محور زمین باعث جابجائی قطبین در روی یک مدار دایره‌ای شکل می‌گردد که یک دور جابجائی کامل آن ۲۶۰۰۰ سال بدرازا می‌کشد و بهمین ترتیب نقاط برابران بهاری و برابران پائیزی نیز در هر ۲۶۰۰۰ سال یک دور کامل روی مدار گردش زمین به دور خورشید جابجا می‌شوند.



تقدیم اعتدالین

تقسیمات کشوری ADMINISTRATIVE DIVISIONS

"یا تقسیمات محلی" یا "تقسیمات اداری" عبارت است از

تقسیمات جزئی کشورها . این تقسیمات که برای سهولت در اداره کشور صورت می‌گیرد ، معمولاً بر اساس اشتراکات قومی ، نژادی ، مذهبی ، تاریخی ، اوضاع طبیعی وامثال آنها استوار است . بسته به شرایط فرهنگی و اجتماعی و نوع حکومت حاکم برکشورها ، تقسیمات اداری با اسامی و اختیارات متفاوت تعیین می‌شود .

تقطیر DISTILLATION

طریقه‌ای است برای تصفیه ماده و جدا کردن مواد از یکدیگر یا تفکیک اجزای یک جسم مخلوط که معمولاً با تغییر حالت همراه است .

تقطیر ممکن است با بخار یا بصورت تخریبی و یا بروش تدریجی انجام شود .

دستگاههای آب شیرین کن قادرندآب شور و املاح‌دار دریاها را از راه تقطیر با بخار به آب شیرین و آشامیدنی تبدیل کنند .

در تقطیر تخریبی ، یک ماده‌را (مانند زغال سنگ ، روغن‌های سنگین) بر اثر حرارت تجزیه می‌کنند و مواد حاصل از تجزیه را مانند گاز چراغ از تقطیر زغال بدست می‌آورند .

در روش تقطیر تدریجی ، مایعی را که مخلوط از چند مایع است مکرراً و در دماهای مختلف تقطیر می‌کنند و ماده حاصل از هر تقطیر را جداگانه می‌گیرند . از این طریقه برای تصفیه نفت و بدست آوردن مشتقات نفتی استفاده می‌شود .

تقطیر تدریجی FRACTIONAL DISTILLATION

عمل استفاق مواد نفتی به گروههای مختلف ئیدروکربن .

تقویم CALENDAR

← گاهنامه

تقویم اوستائی AVESTAIAN CALENDAR

(Taqvim-e-avestā'i)

تقویمی است که در ایران پیش از اسلام متداول بوده و اساس آن تقویم اوستائی است که در آن سال ۳۶۵ شبانه‌روز و مرکب از ۱۲ ماه سی روزه و ۵ شبانه روز اضافی در آخر سال است . چون سال شمسی حقیقی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه‌روز است لذا سال تقویم اوستائی در هر چهار سال یک شبانه روز و یا در هر ۱۲۸ سال ۳۱ شبانه روز از سال شمسی حقیقی عقب می‌افتد و بهمین جهت در هر ۱۲۰ سال یک ماه به تعداد ماههای سال می‌افزودند و به اصطلاح آن را کبیسه می‌کردند . چون در کبیسه کردن سال رعایت دقت نشد لذا اختلافاتی در سال اوستائی پدید آمد و از طرفی دیگر چون تقویم اوستائی مبدأ ثابتی برای تاریخ نداشت لذا با هر فرمانروائی مبداء جدیدی اتخاذ می‌گردید و چون یزدگرد سوم آخرین شاه سلسله ساسانی در ۱۶ ژوئن ۶۳۲ میلادی به سلطنت جلوس کرد حساب سال‌ها از این مبداء ادامه یافت که به آن تاریخ یا تقویم یزدگردی می‌گویند . از بعد از جلوس یزدگرد سوم کبیسه‌ای در تقویم اجرا نشد و تقویم مزبور دستخوش اختلافاتی گردید تا در زمان ملکشاه سلجوقی نسبت به اصلاح آن اقدام شد .

تقویم جلالی JALALIAN CALENDAR

تقویمی است خورشیدی که در زمان جلال‌الدوله ملکشاه سلجوقی بسال ۴۶۷ هجری قمری تاسیس گردید . بعد از استیلای عرب بر ایران ، ترتیبی که در اواخر عهد ساسانیان منظماً برای اجرای کبیسه معمول بود منسوخ گردید و تقویم هجری قمری جای آن را گرفت . در سال ۴۶۷ هجری قمری ملکشاه سلجوقی تصمیم به اصلاح تقویم گرفت و گروهی از منجمین را به سر و صورت دادن تقویم خورشیدی ایران باستان مامور نمود که از آن جمله ابوالعباس لوکری ، عمر خیام ، میمون ـ ابن نجیب واسطی و ابوالمظفر اسفزاری را می‌توان نام برد . مطابق تقویم جلالی روز اول سال روزی است که خورشید بین ظهر روز قبل و ظهر همان روز وارد برج حمل (برابر اول بهاری) می‌گردد و بهمین مناسبت همیشه با سال شمسی مطابقت دارد و می‌توان آن را دقیق‌ترین تقویم جهان بشمار آورد . مبدا تقویم جلالی با تقویم ملکی روز جمعه نهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری ، مطابق با ۱۵ مارس ۱۰۷۹ میلادی و اول فروردین ۴۵۸ هجری شمسی است . سال جلالی از اول بهار آغاز می‌شود و مرکب از ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ روز (در سال‌های کبیسه ۶ روز) اضافی بدنبال ماه دوازدهم است و نام ماههای آن همان نام‌های قدیم ایران در تقویم اوستائی است . در این تقویم ، کبیسه هر ۴ سال یک بار انجام می‌شود .

تقویم رسمی ایران IRANIAN CALENDAR

تقویم رسمی ایران هجری شمسی و بر پایه تقویم جلالی است که به موجب قانون مورخ ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی برقرار گردیده است . بر طبق این قانون ، اول سال نخستین روز بهار و مبداء آن هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه است . اسامی ماههای این تقویم عبارتند از : فروردین ، اردیبهشت ، خرداد ، تیر ، امرداد ، شهریور ، مهر ، آبان ، آذر ، دی ، بهمن و اسفند . شش ماه اول سال هر کدام ۳۱ شبانه روز ، ۵ ماه بعد هر یک ۳۰ شبانه روز و اسفند در سالهای عادی ۲۹ روز و در سالهای کبیسه ۳۰ شبانه‌روز است .

این تقویم مبتنی بر حساب نجومی است و روز اول سال یا نوروز روزی است که خورشید بین ظهر روز قبل و ظهر آن روز از نقطه برابران بهاری می‌گذرد.
⟵ تقویم جلالی

تقویم رومی ROMAN CALENDAR
⟵ تقویم ژولین

تقویم ژولین JULIAN CALENDAR
تقویمی است که در سال ۴۶ پیش از میلاد بوسیله ژولیوس سزار در روم مقرر گردید. مطابق این تقویم سال از ۳۶۵ شبانروز (هر ۴ سال یک بار ۳۶۶ شبانه روز) ترکیب یافته و نام و ترتیب روزهای ۱۲ ماه سال کمابیش با آنچه امروز در اروپا معمول است مطابق بود.
بدلیل بی نظمی‌ها و بی قاعدگی‌هایی که در تقویم امپراطوری روم در دوران پیش از ژولیوس سزار موجود بود، تقویم رومیان حدود سه ماه با ترتیب فصول اختلاف پیدا کرده بود. برای رفع این نقیصه به توصیه یکی از منجمین بنام سوسیگنس تقویم شمسی مصریان به قیصر روم عرضه شد، ژولیوس سزار پیشنهاد مزبور را پذیرفت و آن را تقویم رسمی رومیان قرار داد و رومیان نیز به افتخار وی پنجمین ماه سال را بنام ژولیوس نام‌گذاری کردند که نام ژوئیه در تقویم اروپای امروز از همین نام گرفته شده.
این تقویم بیشتر از ۱۵۰۰ سال رواج داشت تا اینکه اختلافات ناشی از تقویم مزبور که سال را بطور متوسط ۳۶۵/۲۵ شبانروز محسوب می‌داشت (حال آنکه سال شمسی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه روز است) در تقویم گرگوری اصلاح گردید. ⟵ تقویم گرگوری

تقویم گرگوری GREGORIAN CALENDAR
این تقویم که امروزه در بیشتر کشورها رایج است و بوسیله پاپ گرگوریوس در ۱۵۸۲ میلادی متداول شده، بر اساس تقویم ژولین حاصل گردیده است. در تقویم ژولین سال به طور متوسط ۳۶۵/۲۵ شبانه روز منظور گردیده بود، حال آنکه سال شمسی ۳۶۵/۲۴۲۲ شبانه روز است. خطائی که به این ترتیب بوجود می‌آید در قرن شانزدهم میلادی به ۱۰ شبانه روز بالغ شده بود و برابران بهاری از روز ۲۱ مارس به روز ۱۱ مارس منتقل گردیده بود. گرگوریوس ۱۰ شبانه روز از سال ۱۵۸۲ کاست و مقرر داشت که از آن سال به بعد سال‌هائی که شماره آن‌ها به دو صفر ختم می‌شود کبیسه محسوب نگردد مگر اینکه این شماره‌ها به ۴۰۰ قابل قسمت باشد. در این تقویم سال از اول ژانویه آغاز می‌شود (در حالیکه در تقویم ژولین معمولاً در ۲۵ مارس آغاز می‌شد) و ماههای آن به ترتیب عبارتند از: ژانویه ۳۱ روز، فوریه ۲۸ یا ۲۹ روز، مارس ۳۱ روز، آوریل ۳۰ روز، مه ۳۱ روز، ژوئن ۳۰ روز، ژوئیه ۳۱ روز، اوت ۳۱ روز، سپتامبر ۳۰ روز، اکتبر ۳۱ روز، نوامبر ۳۰ روز و دسامبر ۳۱ روز.

تقویم ملکی MALEKIAN CALENDAR
(T-e-maleki)
⟵ تقویم جلالی

تقویم هجری شمسی HEGIRA-SOLAR CALENDAR
تقویمی است که بر اساس گردش زمین به دور خورشید محاسبه شده و مبدا آن تاریخ هجرت محمد (ص) از مکه به مدینه است. ⟵ تقویم رسمی ایران

تقویم هجری قمری HEGIRA-LUNAR CALENDAR
تقویم دینی کشورهای اسلامی که تقویمی است کاملاً قمری و مبداء آن اول محرم سالی است که حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه هجرت فرمود (جمعه ۱۶ ژوئیه ۶۲۲ میلادی). این تقویم مبتنی بر گردش ماه به دور زمین است و ۳۵۴ یا ۳۵۵ شبانه روز دارد و از دوازده ماه قمری ترکیب یافته است. ماههای قمری با فصول سال ارتباطی ندارند و از رویت هر هلال تا رویت هلال بعدی بطول می‌انجامند و هیچگاه از ۳۰ شبانه روز تجاوز نکرده و از ۲۹ شبانه روز نیز کمتر نمی‌شوند (تا ۴ ماه متوالی ممکن است ۳۰ شبانه روز باشند و یا تا ۳ ماه متوالی ۲۹ روزه محسوب گردند)، اما منجمین تقویم قمری متوسط را دارای اعتبار دانسته و طول ماه‌ها را از محرم به بعد متناوباً ۳۰ و ۲۹ روز منظور می‌دارند. وطول سال قمری را بطور متوسط ۳۵۴/۳۶۷ روز بحساب می‌آورند و اضافی آن یعنی ۰/۳۶۷ شبانروز را که طی سی سال بالغ بر ۱۱ شبانه روز می‌گردد، در هر دوره سی ساله، به ترتیب در سال‌های ۲، ۵، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ... و کبیسه می‌کنند و یک شبانه روز به تعداد روزهای ماه ذوالحجه سال‌های مزبور می‌افزایند. اسامی ماههای قمری عبارتست از محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الاخر، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذوالقعده و ذوالحجه.

تقویم یزدگردی YAZDGERDIAN CALENDAR
⟵ تقویم اوستائی

تکاب *(Takāb)*
زمینی که آب کم و باریکی در آن جاری باشد. به آن نخاب نیز می‌گویند.

تکاثف *(Takāsof)* CONDENSATION

عمل فیزیکی که طی آن بخار به حالت مایع و یا جامد تغییر شکل یابد. مانند ابری که بر اثر تکاثف بخار آب موجود در جو بوجود آمده و بدلیل سرد شدن هوا بدانه‌های باران مبدل شود.

تکامل *(Takāmol)* EVOLUTION

نظریه‌ای است که به موجب آن جانوران و گیاهان با تغییرات و تبدیلات تدریجی و مستمر از صورت اولیه به صورت کنونی در آمده‌اند. بنابراین نظریه حیات از توده‌ٔ پروتوپلاسمی ساده‌ای محتملاً " در دریا آغاز شده است.

نظریهٔ تکامل در یونان قدیم سابقه داشته و در قرون اولیه مسیحیت در اثر فشار و سلطهٔ کلیسا مسکوت مانده بود. اختراع میکروسکوپ و بررسی‌های علمی در طبقه‌بندی موجودات زنده به پیشرفت آن کمک کرد. چارلز داروین پس از ۲۰ سال ممارست نظریه تکاملی خود را که بعدها به داروینیسم معروف شد تدوین کرد و در سال ۱۸۵۹ درکتاب معروف خود بنام بنیاد انواع عرضه داشت.

توسعه علم ژنتیک بر اساس قوانین وراثت مندل و کارهای دانشمندان دیگری چون ت. هـ. مورگن و هـ. ج. مالرنظریه تکامل را متدرجاً " تکمیل نموده و بسط یافته است.

تکتونیک صفحه‌ای PLATE TECTONIC

← زمینساخت صفحه‌ای

تکتیت TEKTITE

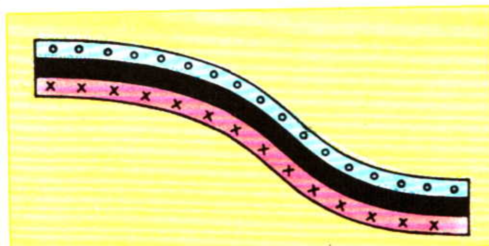
سنگ گوی مانندی برنگ سیاه مایل به سبزکه ظاهری شیشه‌ای دارد و احتمالاً " از فضای خارج بزمین سقوط کرده است.

تکسنگ *(Taksang)* MONOLITH

تخته سنگ منفردی که نقش شمع یا تکیه گاهی را دارا باشد.

تکشیب *(Takshib)* MONOCLINE

چینه‌ای که در امتداد یک خط تا خورده باشد و یا چینه‌ای که فقط دارای یک پهلو باشد.



تکشیب

تک یاخته *(Tak yākhteh)* ONE CELLED

موجود زنده یک سلولی. موجود زنده‌ای که ساختمانش فقط دارای یک سلول باشد.

تگاب *(Tagāb)*

زمین پر سبزه و گیاهی که آب باران در آن جابجا بماند.

تگرگ *(Tagarg)* HAIL

گلوله‌هائی از یخ که قطر آنها حدود ۵ میلی متر یا بیشتر بوده و از ابر نوع کومولونیمبوس که اغلب با رعد و برق همراه است باریده باشد.

تگرگ از یک هسته مرکزی سفید رنگ که در اطراف آن تعداد زیادی الیاف سفید قرار گرفته و پیرامون الیاف مزبور را یک پوسته نازک یخ پوشانیده تشکیل یافته است.

شکل تگرگ متفاوت بوده و درشتی هر یک از دانه‌های آن گاه تا میزان قابل توجهی می‌رسد. (وزن درشت‌ترین تگرگی که تا کنون دیده شده (درچین) حدود ۲/۵ کیلوگرم است).

علت ایجاد تگرگ صعود سریع هوای مرطوب بسوی طبقات سرد بالای جو، و انجماد ذرات بخار آب است. این ذرات بتدریج درشت‌تر شده و بر وزن آنها افزوده می‌شود تاجائیکه از حالت تعلیق خارج شده و بسوی سطح زمین فرو می‌ریزند.

توفان تگرگ معمولاً " برای کشاورزی زیان بخش است.

تل *(Tal)* MOUND

← پشته

تلاطم *(Talātom)* RIP

آشفتگی دریا به سبب:

الف ــ برخورد دو جریان دریایی.

ب ــ ورود یک جریان دریایی به یک منطقه کم عمق.

پ ــ برخورد موج‌های بازگشتی با موج‌های بزرگی که بسوی ساحل پیش می‌روند.

تلخاب *(Talkhāb)* BITTER LAKE/BITTERN

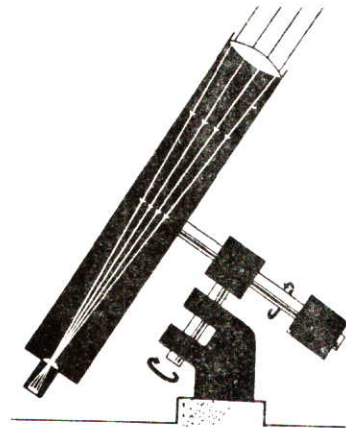
۱ ــ دریاچه‌ای که آب آن دارای املاح قابل توجهی مانند کربنات سدیم، کلسیم و منیزیم باشد.

۲ ــ مانده آب دریا پس از متبلور شدن نمک طعام آن. این گونه آب‌ها منبع ترکیبات منیزیم، برم و ید است.

تلسکوپ TELESCOPE

یا دوربین وسیله‌ای است برای رویت واضحتر اشیاء دور. در سال ۱۶۰۹ میلادی گالیله تلسکوپی مرکب از دو عدسی واقع در دو سر یک لوله ساخت و بوسیلهٔ آن اکتشافات نجومی مهمی انجام داد و برای نخستین بار، کوههای ماه، اهله زهره

و اقمار مشتری را در معرض دید انسان قرار داد .
تلسکوپ‌ها بدو نوع انکساری یا دوربین نجومی و انعکاسی تقسیم می‌گردند . تلسکوپ‌های انکساری بیشتر برای رصد دقیق اجرام نسبتاً " نزدیک و تلسکوپ‌های انعکاسی برای رصد اجرام دور بکار می‌روند .
تلسکوپ‌ها معمولاً " بر حسب قطر دهانه طبقه‌بندی می‌شوند . از جمله بزرگترین تلسکوپ‌های جهان از تلسکوپ ۲/۵ متری (صد اینچی) رصد خانهٔ مونت ویلسن و تلسکوپ عظیم ۵ متری (۲۰۰ اینچی) کوه پلومار می‌توان نام برد .



تلسکوپ

DUNE تلماسه *(Talmāseh)*
تپه یا رشته ارتفاعات شنی که بر اثر وزش باد و جابجا شدن شن پدید آمده باشد . این گونه تپه‌ها در کویر و در قسمت بالاتر از سطح برکشند کرانه‌های پست دریاها دیده می‌شود . شکل و اندازه تلماسه مناطق کویری تحت تاثیر وزش باد دائماً " در تغییر بوده و اغلب متناسب با شدت وزش باد در حال جابجائی و تغییر شکل قرار می‌گیرد . حرکت ریگهای روان اغلب برای مناطق مسکونی حاشیه کویرها با خطر مدفون ساختن مناطق مزبور توام بوده و برای ثابت نگه داشتن آنها بطرق مختلفی مانند کاشتن گیاهان کویری و با استفاده از مواد نفتی و غیره متوسل می‌گردند . به تلماسه ریگ روان نیز گفته می‌شود .

LATERAL DUNE تلماسه پهلوئی *(T-ye-pahlu'i)*
تلماسه‌ای که بر اثر برخورد با یک مانع پدید آید .

FORE DUNE تلماسه ساحلی
رشته تپه‌های شنی یا تلماسه‌هایی که در ساحل دریا واقع شده باشند .



تلماسه

شکل تلماسه ساحلی تحت تاثیر تغییرات مداوم جهت باد معمولاً " بحالت مخروطی بوده و گاه بوسیله گیاهان ساحلی پوشیده شده است .

CRESCENTIC DUNE تلماسه هلالی *(T-ye-helāli)*
← برخان

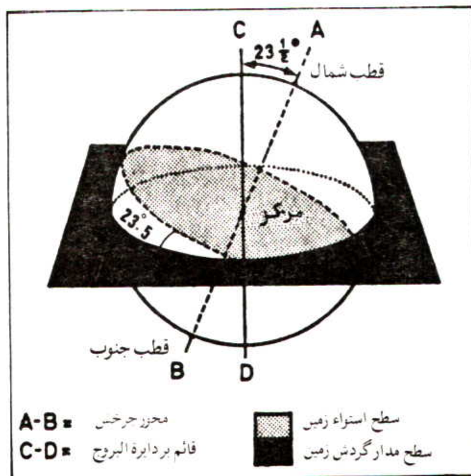
TELLUROMETER تله رو متر
دستگاه مخصوصی است که برای اندازه‌گیری مسافت بکار می‌رود . این دستگاه که بر اساس امواج کوتاه رادیویی کار می‌کند مسافت میان نقاط را با دقت زیاد اندازه‌گیری می‌کند .



تله رومتر

تمایل محور زمین INCLINATION OF THE EARTH AXIS

گردش زمین به دور خورشید روی مداری بنام دایرةالبروج انجام می‌شود که نسبت به استواء زمین دارای زاویه‌ای بنام میل است. فصل مشترک دایرةالبروج، روی کره زمین، سیر دایره عظیمه‌ای است به نام دایرةالبروج که روی غالب کره‌های جغرافیائی نشان داده شده است. این دایره نیمکان زمین را در دو نقطه متقاطر قطع می‌کند و نسبت به سطح استواء زمین زاویه‌ای معادل ۲۳/۵ درجه پدید می‌آورد و محور زمین نیز بالطبع با صفحه دایرةالبروج زاویه‌ای معادل ۶۶/۵ درجه ایجاد می‌کند و در نتیجه نسبت به قائم بر صفحه دایرةالبروج زاویه‌ای به اندازه ۲۳/۵ درجه بوجود می‌آورد که به آن تمایل محور زمین می‌گویند. محققاً " و بطور قاطع می‌توان گفت که هیچ عامل دیگری جز تمایل محور زمین و یا ارقام ۶۶/۵ درجه و ۲۳/۵ درجه در ارتباط میان زمین و خورشید نقش مهمی ندارد.



تمایل محور زمین

تمدّن CIVILIZATION

۱ ــ همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره.

۲ ــ مجموعه آیین‌ها و رسوم و آداب موروثی و سنن و دانش‌ها و هنرها و فنون و تاسیسات اجتماعی که جامعه بشری از برکت آنها دوام یافته و تکامل می‌یابد. بطور مثال، تمدن‌های مصر و یونان و چین هر کدام خصلت‌هائی را دارا هستند که معرف تمدن خاص آنهاست.

۳ ــ شهرنشین شدن و با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن و عمل کردن.

تمرکز CENTRALIZATION

تمرکز از نظر جامعه‌شناسی، به مفهوم جمع شدن سازمان‌ها و فعالیت‌آن‌ها در یک جا بکار می‌رود. به سازمانها و فعالیت‌هائی که بدین گونه گرد هم آمده‌اند سازمان‌های تمرکز یافته یا متمرکز می‌گویند.

تموز TAMMUZ

۱ــ نام ماه هفتم سال خورشیدی در پاره‌ای از کشورهای عربی که بین حزیران و آب واقع شده و مشتمل بر ۳۱ روز است. این ماه با ماه ژوئیه اروپایی مطابقت دارد.

۲ــ نام ماه چهارم در تقویم دینی و نام ماه دهم در تقویم عرفی یهود.

تن TON

واحد اندازه‌گیری وزن که به انواع زیر ساخته می‌شود:

الف ــ تن متریک که ۱۰۰۰ کیلوگرم یا ۲۲۰۴/۶۲۲۳ پوند است (هر تن متریک برابر ۰/۹۸۴۲۱ تن انگلیسی است).

ب ــ تن انگلیسی یا تن بلند که مقدار آن ۲۲۴۰ پوند است.

پ ــ تن امریکائی یا تن کوتاه که ۲۰۰۰ پوند است. (هر تن امریکائی برابر ۰/۹۰۷ تن متریک است).

تنازع بقاء STRUGGLE FOR EXISTENCE

← انتخاب طبیعی

تنباکو TOBACCO

یا تمباکو در زبان بومیان امریکایی به معنی برگ خشک شده گیاهی است که برای دود کردن و به اصطلاح دخانیات بکار می‌رود.

تنباکو گیاه یکساله‌ای است که ارتفاع آن به حدود ۲ متر می‌رسد و برگ‌های آن پوشیده از کرکهایی است که دارای بوی مخصوصی است که آنرا خشک کرده و خرد می‌کنند و به طرق گوناگون می‌کشند.

تنداب *(Tondāb)* RAPIDS

بستر رودخانه یا جویباری که در عرض شکسته شده و شیب آن دفعتاً " افزایش یافته باشد عارضه‌ای را بوجود می‌آورد که به آن تنداب یا شرشره می‌گویند.

تندان *(Tondān)* CLIFF

صخره یا پرتگاهی از سنگ که راست و بلند قرار گرفته باشد. پرتگاههائی از این گونه که مشرف به دریا واقع شده باشند از نظر دریانوردی دارای اهمیت بوده و به عنوان نشانه مناسبی در دریانوردی بکار می‌رود. (تصویر در صفحه ۱۰۶)



تندان

تند باد *(Tond-bād)* GALE

بادهای تندی که از نظر طبقه‌بندی بوفورت بشرح زیر درجه‌بندی می‌گردد:

الف ـ باد ملایم با درجه ۷ و سرعت متوسط حدود ۵۵ کیلومتر در ساعت.

ب ـ باد نیمه ملایم با درجه ۸ و سرعت متوسط حدود ۶۵ کیلومتر در ساعت.

پ ـ باد تند با درجه ۹ و سرعت متوسط حدود ۷۵ کیلومتر در ساعت.

ت ـ باد شدید با درجه ۱۰ و سرعت متوسط حدود ۹۰ کیلومتر در ساعت.

البته بادهای درجه ۱۱ و ۱۲ نیز از نوع همین بادها شناخته شده و فقط از نظر طبقه‌بندی بوفورت به توفان و توفند تقسیم‌بندی می‌گردند.

تند بادهای برابرانی *(T-b-hā-ye-barābarāni)* EQUINOCTIAL GALE

تند بادهای شدیدی که هنگام عبور کره زمین از نقاط برابران بهاری و پائیزی می‌وزند. دانشمندی بنام G.Manley طی سال‌های ۱۸۸۹ تا ۱۹۴۰ در این زمینه بررسی‌هائی به عمل آورده و تندبادهای شدیدی را طی ۳۱ مورد ثبت نموده که تاریخ‌وقوع بیشتر آن‌ها حدود ۲۹ شهریور برابر ۲۰ سپتامبر و هم چنین هفته یکم فروردین برابر با هفته آخر مارس بوده است. ولی تا کنون چگونگی وقوع این تندبادها بدرستی شناخته نشده.

تندر *(Tondar)* THUNDER

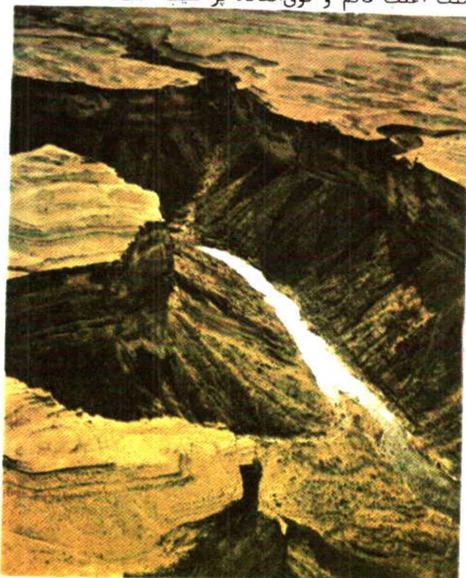
هنگامی که اختلاف پتانسیل میان دو طرف یک ابر یا میان دو ابر و یا بین ابر و زمین به اندازه کافی برسد، تخلیه الکتریکی بصورت جرقه‌ای بزرگ صورت می‌گیرد که توام با صدای خاصی است که به آن تندر یا رعد و یا غرش آسمان می‌گویند.

تنده *(Tondeh)* ESCARPMENT

دیواره شیب داری که بر اثر فرسایش و یا گسیختگی و شکست یک چینه سنگی پدید آمده باشد.

تنگ *(Tang)* GAP/GORGE

دره‌ای که بیش از اندازه طبیعی ژرف و تنگ باشد. دیواره‌های تنگ اغلب قائم و فوق‌العاده پر شیب است.



تنگ

تنگاب *(Tangāb)* CHANNEL FLOW

جوی و یا نهر و رودخانه‌ای که در یک بستر نسبتاً عمیق و باریک و تنگ جریان داشته باشد.

تنگبار *(Tangbār)* NARROW

قسمتی از بستر یک رودخانه یا یک دره و یا یک معبر که تنگ و باریک باشد.

تنگه *(Tangeh)* CHANNEL/STRAIT
باریکه‌ای از آب ، که دو دریای مجاور را بطور طبیعی بیکدیگر متصل سازد . به این عارضه باب نیز گفته می‌شود .

تنوره دریائی *(Tanureh-ye-daryā'i)* WATERSPOUT
توده ابر یا بخار آب تنوره مانندی شبیه توفان پیچنده که بیشتر بر فراز دریاها و اقیانوس‌های مناطق استوائی و نیمه استوائی تشکیل می‌گردد . این پدیده به شکل مخروط واژگونی است که قاعده آن به‌یک توده‌ابر نوع کومولونیمبوس متصل بوده و راس آن با سطح آب در تماس است . ارتفاع تنوره دریایی گاه تا چند صد متر رسیده و عمر آن بیش از نیم ساعت به درازا نمی‌کشد .



تنوره دریائی

تنوره دیو *(T-ye-div)* DUST DEVIL
نوعی گردباد کم دوام که در نتیجه گردش حول یک مرکز کم فشار بوجود آید . علت پیدایش این گونه بادها گرم شدن هوای سطحی و صعود آن به طبقات بالاست و در نتیجه این عمل ستون متحرکی از گرد و غبار در فضا ایجاد می‌شود . از اینگونه گردبادها در صحرای افریقا و صحرای کالاهاری فراوان دیده می‌شود .

تنوره یخچالی *(T-ye-yakhchāli)* MOULIN/GLACIER MILL
محور لوله مانند قائمی در یک یخچال که بر اثر جاری شدن آبهای حاصله از ذوب یخ و ریختن آن بدرون شکافهای یخی بوجود آمده باشد . این آب، سنگها و مواد زائد را همراه خود بصورت گردابی بدرون شکاف ریخته و پدیده‌ای بنام تنوره یخچالی یا آسیاب یخچالی بوجود می‌آورد .

توارث *(Tavāros)* HEREDITY
علم چگونگی به ارث رسیدن اختصاصات جسمی و خلقی انواع از یک نسل به نسل دیگر .
قوانین اصلی توارث بوسیله گ . ی . مندل که از سال ۱۸۲۲ تا ۱۸۸۴ می‌زیسته است کشف شده .
عوامل موثر در توارث رشته‌های کوچکی بنام کروموزوم هستند که در داخل هسته سلول قرار دارند و تعدادشان در هر نوع ثابت است . بر روی رشته‌های مزبور توده‌های کوچکی از اسید نوکلئیک بنام ژن وجود دارند که واحد توارث بشمار می‌روند . تعداد کروموزوم‌ها در انسان ۴۶ است که بصورت ۲۳ زوج در هسته همه سلول‌های انسانی یافت می‌شوند . نیمی از کروموزوم‌ها از مادر و نیمی دیگر از پدر به ارث برده می‌شوند .

توپوگرافی TOPOGRAPHY
نمایش عوارض موجود هر منطقه اعم از طبیعی یا مصنوعی را توپوگرافی می‌نامند . واژه توپوگرافی از دو کلمه یونانی توپو به معنی مکان و گرافی به مفهوم نمایش یا تشریح اقتباس شده است .

توپوگرافی زیر دریا SUBMARINE TOPOGRAPHY
بررسی آن بخش از رویه زمین که آب دریاها و اقیانوس‌ها آن را پوشانیده است .
عمل توپوگرافی زیر دریا بوسیله ژرفایابی انجام میگیرد .

توپولوژی TOPOLOGY
۱ ــ شاخه‌ای از ریاضیات هندسی که درباره موقعیت نسبی عوارض صرفنظر از مسافت واقعی و سمت حقیقی امتداد میان آن‌ها بحث و گفتگو می‌کند .
۲ ــ بررسی یک ناحیه جغرافیائی از لحاظ عوارض ویژه رویهٔ زمین مانند تپه‌ها و کوهها و دریاچه‌ها و رودها و غیره که تاریخ زمین‌شناسی آن ناحیه را آشکار می‌سازد .

توپونومی TOPONYMY
← جای نام‌شناسی

توپی *(Tuppy)* PLUG
گدازه اسیدی استوانه‌ای شکلی که دهانه خروجی یک آتشفشان را بسته باشد.

توپی آتشفشان PLUG - VOLCANO
توده گدازه اسیدی غلیظی که از دهانه آتشفشان خارج گردیده و سخت شده باشد.

توتون TOBACCO
واژه ترکی ← تنباکو

توجیه نقشه MAP ORIENTATION
قرار دادن نقشه نسبت به طبیعت به وضعی که شمال نقشه در جهت شمال طبیعت و جنوب آن در جهت جنوب طبیعت قرار گیرد و یا به عبارت دیگر کلیه امتدادهای روی نقشه به موازات، و در جهت امتدادهای مشابه خود در طبیعت واقع شوند.

توچال *(Towchāl)* MOUNTAIN GLACIER
یخچال طبیعی که در کوهها و جاهای مرتفع و دره‌هائی که دارای برفهای دائمی و در معرض وزش بادهای سرد هستند تشکیل می‌شود.
← یخچال

توده *(Tudeh)* MASS
انبوه مردم، عامهٔ خلق.

توده شناسی *(T-shenāsi)*
۱ ـ شناختن توده و عامهٔ خلق.
۲ ـ دانش آداب و عادات و رسوم توده مردم و ترانه‌های محلی و افسانه‌های آنان (فولکلور).

توده لغزه *(T-laghzeh)* MASS MOVEMENT
حرکت سرازیری توده مواد مختلفه تحت تاثیر نیروی کشش زمین که معمولاً بدلیل آب شستگی بوسیله برف و باران انجام می‌شود.

توده مرکزی زمین CORE
توده مرکزی کره زمین دارای شعاعی حدود ۳۴۷۰ کیلومتر است و احتمالاً از توده‌های فلزاتی مانند نیکل و آهن که چگالی آن حدود ۱۲ است تشکیل یافته.
پژوهشهای اخیر نشان داده است که چگالی بخش درونی این قسمت که شعاع آن بین ۱۳۸۰ تا ۱۴۵۰ کیلومتر است رقمی حدود ۱۷ است.
توده مرکزی زمین را هسته زمین نیز می‌گویند.

← ساختمان زمین

توده هوا *(T-e-havā)* AIR MASS
توده همگنی از هوا که وسعت قابل ملاحظه‌ای از سطح زمین را پوشانیده و بوسیله توده‌های دیگری از هوا محصور شده باشد.
توده‌های هوا معمولاً بر حسب منطقه‌ای که در آن تشکیل یافته‌اند طبقه‌بندی می‌شوند. مانند توده‌های استوائی و توده‌های قطبی.

توده هوای قاره‌ای CONTINENTAL AIR MASS
توده هوائی که منشاء اصلی آن منطقه فراباری واقع بر فراز نواحی درونی یک قاره باشد، این هوا معمولاً دارای رطوبت کمی بوده و در علم هواشناسی با حرف C نمایش داده می‌شود.

توده هوای مدارگانی TROPICAL AIR MASS
توده هوائی که دارای منشاء کمربند واچرخه نیمه استوائی باشد.
چنانچه توده هوای مزبور بر فراز اقیانوس واقع شود به آن توده هوای دریایی و اگر بر فراز خشکی‌ها قرار گیرد توده هوای قاره‌ای نامیده می‌شود.

تورب *(Turb)* PEAT
مواد گیاهی پوسیده‌ای برنگ قهوه‌ای یا سیاه که در زیرزمین مرطوبی انباشته شده و تحت تاثیر عوامل شیمیائی، اسیدی، قلیائی و یا خنثی قرار گرفته باشد. نوع اسیدی این مواد برای مصارف سوختی بکار می‌رود.
تورب که اولین مراحل تبدیل زغال را طی می‌کند در شرایط معینی از خزه‌هائی بنام اسفاگنوم در آبهای شیرین بدید می‌آید.

تورّم *(Tavarrom)* INFLATION
افزایش بی تناسب مقدار پول رایج در یک کشور و یا افزایش بی تناسب اعتبارات نسبت به نیازهای اقتصادی.
نتیجه این افزایش این است که ارزش پول پایین می‌آید و مردم می‌کوشند که پول خود را به کالا تبدیل کنند و این اقدام قیمتها را بالا می‌برد.

توزیع سنّی *(Towzi -e-senni)* AGE DISTRIBUTION
عبارت است از تعیین درصد تعداد گروههای سنی مختلف یک جامعه نسبت به مجموع افراد همان جامعه.

توسعه DEVELOPMENT
← پیشرفت

توسعه جوئی اقتصادی ECONOMIC IMPERIALISM
توسعه و بسط دادن سیادت و نفوذ حاکمیت یک ملت بر سرزمین و مردم دیگر (خارجی) به منظور بدست آوردن مواد خام و ایجاد بازار برای مصنوعات یا جستجوی موقعیت‌های سودآور سرمایه‌گذاری .

توف TUFF
سنگی که از تراکم و بهم چسبیدن خاکستر و غبارهای آتشفشانی پدید آمده باشد .

توفان STORM
باد شدیدی با درجه ۱۱ که سرعت آن به حدود ۹۵ تا ۱۱۵ کیلومتر در ساعت برسد .
← طبقه بندی بوفورت

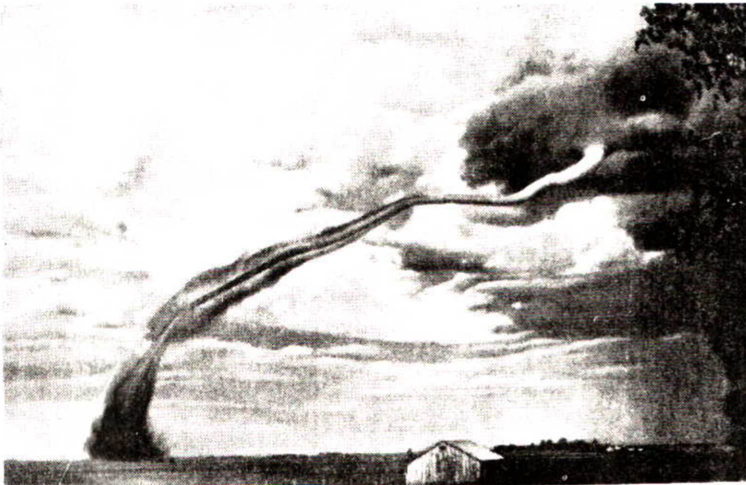
توفان برف BLIZZARD
← دمه

توفان پیچنده *(Tufān-e-pichandeh)* TORNADO
نوعی گردباد شدید که در پیرامون یک سیستم کم فشار پدید آید و با سرعتی حدود ۳۰۰ کیلومتر در ساعت در جهت خلاف گردش عقربه‌های ساعت به گرد آن بوزد .
این پدیده که اغلب با ستونی از ابر تیره همراه است غالبا" در بهار و اوایل تابستان بوقوع می‌پیوندد عمر کوتاهی داشته و حدود یک تا دو ساعت بیشتر بطول نمی‌انجامد ، مع الوصف اغلب با خرابی و جاکنی عوارض و حتی ساختمان‌های بزرگ توام است ، بهمین جهت برای جلوگیری از سوانح احتمالی ، اداره‌های هواشناسی وقوع آن را قبلا" پیش‌بینی کرده و با اعلامهای رادیویی احتیاط‌های لازم را گوشزد می‌کنند .

توفان پیچنده افریقائی AFRICAN TORNADO
توفان وحشتناکی در افریقای باختری که بیشتر بدون مقدمه شروع شده و در مدت کوتاهی پایان می‌رسد ولی خرابی‌های وخیم و آثار مدهشی از خود بجای می‌گذارد . این توفان که معمولا" با باران همراه است ، هنگام روز که هوا کاملا" گرم است بوقوع می‌پیوندد . سبب ایجاد این توفان برخورد هوای گرم و مرطوب جنوب باختری با هوای خشک ناحیه صحرا است که از خاور به باختر در جریان بوده و گاهی اوقات دامنه آن به حدود ۳۰۰ کیلومتر گسترش می‌یابد .

توفان تندری *(T-e-tondari)* THUNDERSTORM
رعد و برقی که بر اثر گرم شدن هوای سطحی و صعود آن بطرف طبقات بالا و ایجاد ابرهای نوع کومولونیمبوس پدید آید . با ایجاد این ابر رگبار سیل آسائی که گاهی اوقات با تگرگ و رعد و برق همراه است ریزش می‌کند . لازمه ایجاد چنین وضعیتی رطوبت کافی واقت سریع درجه حرارت هوای طبقات بالا است که اولی ابر کومولونیمبوس را بوجود آورده و دومی صعود هوای گرم طبقات سطحی بسوی طبقات بالای جو را فراهم می‌سازد . احتمال وقوع این پدیده در مناطق استوائی بیشتر از سایر مناطق کره زمین است .

توفان دریای چین TYPHOON
این توفان که مخصوص دریای چین است بیشتر در فصل تابستان و اوائل پائیز بوقوع می‌پیوندد و غالبا" از مسیر جزایر فیلی پین و نواحی جنوبی چین گذشته و مناطق مزبور را بشدت تحت تاثیر قرار می‌دهد . در توفانی که در سال ۱۹۲۲ بطور ناگهانی رخ داد حدود ۵۰۰۰۰ نفر از اهالی



توفان پیچنده

مناطق مزبور ناپدید شدند.

توفان عالمگیر UNIVERSAL DELUGE

این رویداد که در غالب کتاب‌های آسمانی به‌آن اشاره شده است و بنام توفان نوح نیز معروف گردیده تنها رویدادی است که در تاریخ حیات انسان سراسر کره زمین را فراگرفته است. زمین شناسان تا کنون دلایلی برای اثبات وقوع چنین توفانی در طبقات دورهٔ چهارم نیافته‌اند. اما افسانه‌ها و روایات بسیاری از ملل از وقایعی حکایت می‌کند که بیکدیگر شباهت تام دارند. پاره‌ای از ملل وقوع این توفان را ذوب شدن ناگهانی برف‌ها دانسته‌اند و مردم ساکن کرانه‌های دریا بیشتر از زیر آب رفتن کرانه‌ها و بالا آمدن امواج دریا و غرق شدن خشکی‌ها گفتگو می‌کنند.

یکی از دانشمندان از روی مطالعه شرح حوادث به‌این نتیجه رسیده که زیر آب فرو رفتن جلگه فرات اساس افسانه توفان نوح است و این چنین حادثه بر اثر زمین لرزه در ناحیه خلیج‌فارس اتفاق افتاده است. طی این زمین لرزه نخست آب دریا عقب نشینی کرده و سپس تلاطم عظیمی بوجود آمده و بر اثر وزش باد شدیدی از سوی جنوب تقویت گردیده و سراسر ناحیه بین النهرین را به زیر آب فرو برده است. توفان سایر ملل نیز احتمالا" پدیده‌هائی از همین گونه بوده است.

توفان مغناطیسی MAGNETIC STORM

بر هم خوردگی و انقلاب ناگهانی میدان مغناطیس سراسری زمین را که گاهگاه روی می‌دهد توفان مغناطیسی می‌گویند. علت وقوع این توفان که بویژه روی امواج رادیوئی و عملیات نقشه‌برداری مغناطیسی اثر می‌گذارد تاکنون بدرستی شناخته نشده ولی بنظر می‌رسد که میان این پدیده و دوران فعالیت کلف‌ها و انفجارهای خورشیدی رابطه‌ای وجود داشته باشد.

توفانهای استوائی EQUATORIAL STORMS

از دسامبر تا آوریل توفانهای مناطق استوا بر روی اقیانوس هند تشکیل شده و سپس به سوی شمال یا شرق جزیره ماداگاسکار منتقل می‌شوند که بعضی از این توفانها جزیره را قطع کرده اما اکثر آنها به سمت جنوب یا جنوب شرق برگشت می‌کنند. به نظر می‌رسد که منبع اکثر توفانهای استوایی عرض‌های بین ۱۰ تا ۲۰ درجه جنوبی و طولهای ۵۰ تا ۷۵ درجه شرقی باشد.

توفسنگ *(Tufsang)* TUFFISITE

خاکسترها و غبارهای آتشفشانی هنگامی که به دریا و یا دریاچه وارد می‌شوند همراه با ذرات ماسه در کف آب ته‌نشین گردیده و با گذشت زمان و فشارهای وارده از لایه‌های بالا به توفسنگ دگرگون می‌شوند.

توفند *(Tufand)* HURRICANE

باد شدیدی که از نظر طبقه‌بندی بوفورت دارای درجه ۱۲ باشد. سرعت این باد به حدود ۱۲۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. توفند که غالبا" در نواحی هند غربی و خلیج مکزیکو می‌وزد اغلب با ویرانی‌های وسیعی همراه بوده و دامنه آن گاه تا سواحل امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی گسترش می‌یابد. این باد در ماههای سپتامبر و اکتبر به شدیدترین حالت خود می‌رسد.

این پدیده اغلب در نواحی مدارگانی مشاهده می‌گردد.

← طبقه بندی بوفورت

توندرا TUNDRA

اراضی بی درختی که در نواحی شمالی امریکای شمالی و هم چنین در سراسر مناطق شمالی قاره اروپا و آسیا واقع شده و بدلیل دارا بودن آب و هوای قطبی، اغلب از برف و یخ پوشیده شده باشد. این مناطق دارای تابستانهای بسیار کوتاه بوده و میانگین دمای گرمترین ماه آن، از ۱۰ درجه سانتیگراد تجاوز نمی‌کند. گیاهان این نواحی بیشتر از خانواده توت بوته‌ای و گلسنگ و خزه و جگن وامثال آنست.

تونل TUNNEL

گذرگاه زیرزمینی کمابیش افقی که در دل کوه یا زیر رودخانه و امثال آن حفر شده باشد و برای عبور دادن جاده، خط آهن، کانال و فاضلاب و غیره ساخته شود.

تهتراز *(Tahtarāz)* BASE LEVEL

پست‌ترین سطح هر منطقه که عوارضی مانند جویبار در آن وجود داشته باشد. مدت زمانی که صرف ایجاد اینگونه بسترها می‌شود به میزان فرسایش زمین بستگی داشته‌وعلاوه بر آن بزرگی و کوچکی و میزان آب جویبار یا عارضه آبی که در بستر مزبور قرار دارد نیز از جمله عوامل موثر در پیدایش این قبیل عوارض است. از جمله تهترازهای دائمی کف دریاها و از انواع غیر دائمی آن، آبگیر یک دریاچه را می‌توان نام برد.

تهنشست *(Tahneshast)* SEDIMENT

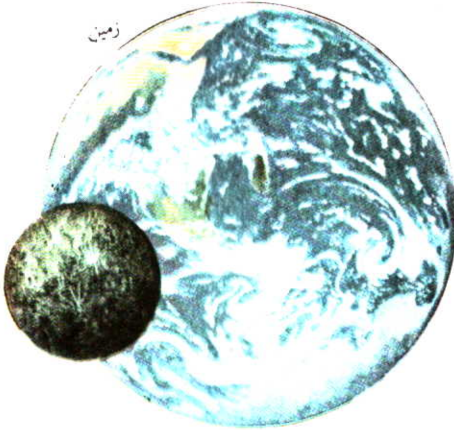
ذراتی از سنگ و خاک یا مواد و دانه‌هائی که در زیر آب ته نشین گردد. بطور کلی این واژه به مفهوم کلیه مواد و ذراتی که بوسیله عواملی مانند رودخانه، دریا، باد و یخ و غیره از محلی به محل دیگر حمل شده و ته نشین گردند به

کار می‌رود .

تیر *(Tir)*
مقتبس از واژه پهلوی تشتر به مفهوم فرشته نگهبان باران، نام چهارمین ماه در تقویم رسمی ایران و روز سیزدهم هر ماه خورشیدی .
واژه تیرماه عینا" بهمین صورت در تقویم اوستائی وجود داشته و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام چهارمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است .

تیر *(Tir)* MERCURY
نزدیک‌ترین سیاره به کره خورشید است و یکی از کوچکترین سیارات منظومه خورشیدی محسوب می‌شود .
تیر یا عطارد کره جامدی است به قطر ۴۸۷۸ کیلومتر که درخشندگی آن از بازتاب نور خورشید حاصل می‌گردد و زمان گردش بدور خورشید ۸۷/۶۰ روز و زمان چرخش حول محور قطبین آن ۵۸ روز و ۱۵ ساعت و ۳۶ دقیقه است .
فاصله متوسط آن از خورشید ۵۷،۹۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و حجم آن نسبت به زمین ۰/۰۵۶ است .
بدلیل نزدیکی تیر به خورشید درست پیش از طلوع آفتاب و درست پس از غروب خورشید در افق قابل رؤیت می‌گردد.
دمای حاصله از تابش نور خورشید به سطح این سیاره حدود ۴۱۰ درجه سانتیگراد است و دمای آن قسمت که بر اثر چرخش حول محور از تابش نور خورشید محروم است به دمای صفر مطلق می‌رسد و همین اختلاف دما به پراکندگی و فرار جو کره مزبور منجر شده است .
← سیارات

تیر شهاب *(T-e-shahāb)* FALLING STAR
شهابی که چون تیری فروزان و سریع السیر درجو زمین حرکت کند . شهاب ثاقب نام دیگر این گونه شهاب است .
← شهاب



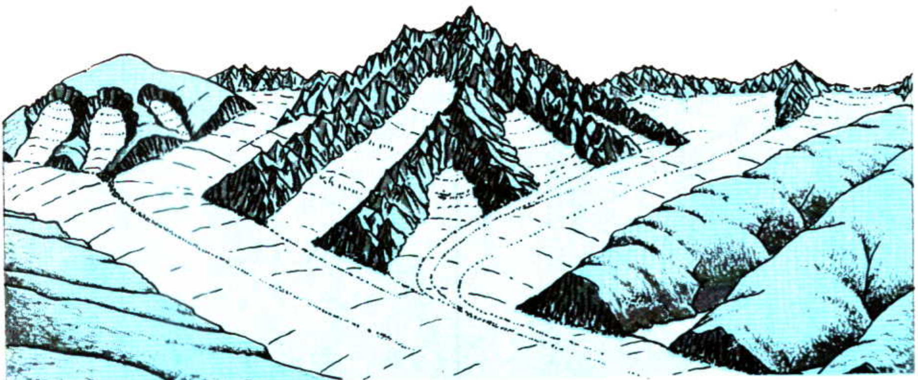
تیر

تیره *(Tireh)* SECT
← رده بندی

تیزه *(Tizeh)* ARETE
رشته کوه تیغه مانندی که غالبا" بر اثر فرسایش حاصله از برف و یخ طرفین تیغه بوجود می‌آید .

تیغه کوه PEAK
← قله

تیماس *(Timās)* BUSH
منطقه جنگلی یا بیشه‌زار دست نخورده‌ای که هنوز پاک نشده و برای کشاورزی آماده نشده باشد . همچنین به منطقه وحشی و غیر قابل کشاورزی حتی اگر جنگلی هم نباشد گفته می‌شود . به تیماس بوته زار نیز می‌گویند .


تیزه



ثابت خورشیدی SOLAR CONSTANT

در چند تشعشعات خورشیدی که توسط واحدی از سطح در خارج از جو زمین دریافت می‌گردد . این مقدار بطور تقریب حدود ۲ گرم کالری به ازاء هر سانتی‌متر مربع در هر دقیقه است .

ثانیه SECOND

الف ـ یکی از واحدهای اندازه‌گیری زاویه یا طول قوس، برابر $\frac{۱}{۶۰}$ دقیقه یا $\frac{۱}{۳۶۰۰}$ درجه .

ب ـ یکی از واحدهای اندازه‌گیری زمان ، برابر $\frac{۱}{۶۰}$ دقیقه یا $\frac{۱}{۳۶۰۰}$ ساعت .

ثبت املاک ESTATES REGISTRATION

ثبت کردن مشخصات ملک‌ها که بر دو گونه است :

۱ ـ ثبت عادی ـ یعنی ثبت ملکی که به موجب درخواست مالک در نقطه‌ای از کشور که ثبت املاک اجباری است بعمل آید .

۲ ـ ثبت عمومی ـ یعنی ثبت ملکی که به موجب اظهارنامه اداره ثبت و دعوت از مالک در نقطه‌ای از کشور که ثبت املاک اجباری است به عمل آید .

ثریّا PLEIADES

← پروین

ثقل GRAVITY

← گرانش

ثقل سنجی GRAVIMETRY

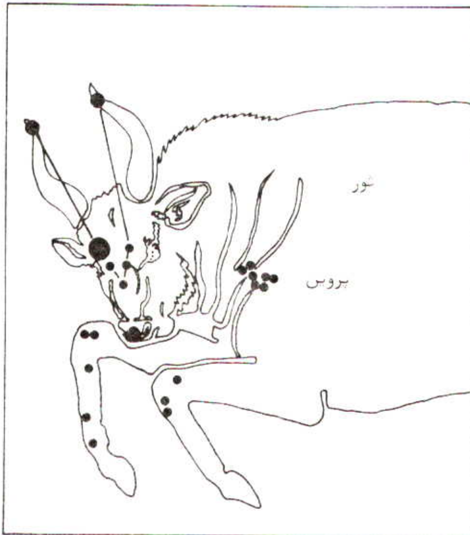
← گرانی سنجی

ثوابت STARS

← ستارگان

ثور (Sor) TAURUS

یکی از صورت‌های فلکی واقع در منطقةالبروج که ستارگان پروین در آن واقعند . صورت فلکی ثور دومین صورت از منطقةالبروج است .



ثور



جاثی علی رکبتیه HERCULES
(Jāsi alā rekbatayh)
که در فارسی می‌توان به زانو زده ترجمه نمود ، صورت فلکی است در نیمکره شمالی .
یکی از ویژگیهای این صورت فلکی نواختری (← نواختران) است که در سال ۱۹۳۴ در آن پدید آمد .



جاثی علی رکبتیه

جاده ROAD
← راه

جاده ابریشم SILK ROAD
راهی قدیمی که منطقه مدیترانه را به چین خاوری مربوط می‌ساخته . این راه از جنوب خاوری دریای خزر ، شهر ری و دیوار چین می‌گذشت و به شانگهای منتهی می‌شد . وجه تسمیه این راه بمناسبت این است که ابریشم که در مقایسه با سایر اجناسی که از این راه حمل می‌شد خواستار فراوانی داشت .

جاده کمربندی RING ROAD
← راه کمربندی

جاذبه ATTRACTION
با کشش عبارتست از کشیدن دو جرم مادی یا دو جرم مغناطیسی یا دو بار برقی یکدیگر را .

جاذبه عمومی GENERAL GRAVITATION
نیرویی که همه اجسام را بطرف مرکز زمین می‌کشد .
← قانون جاذبه عمومی

جاگاه *(Jāgāh)* SPACE TIME
ترکیبی است از دو واژه جا و گاه به مفهوم فضای چهار بعدی که مختصات زمانی و مکانی را مشخص می‌کند . اهمیت جاگاه ناشی از ارتباط نزدیک زمان و مکان با یکدیگر است . بر اساس نظریهٔ اینشتین،عالم یک متصله چهار بعدی است که کلیه رویدادها در آن با سه مختص مکانی (طول ، عرض ، و ارتفاع) و یک مختص زمانی مشخص می‌شوند .

جالیز MELON BED
کشتزار خربزه ، هندوانه ، خیار و مانند آن . مترادف پالیز.

جامعه COMMUNITY/ SOCIETY
۱ ــ گروه مردم یک شهر ، یک کشور ، جهان و یا صنفی از مردم . مانند جامعه بشریت ، جامعه ایرانی و جامعه علما و امثال آن .
۲ ــ دسته‌ای از گیاهان که با ویژگی‌های مشابه در یک منطقه مخصوص روئیده باشند .

جامعه‌شناسی SOCIOLOGY
یا علم الاجتماع ، شناخت پیدایش و پیشرفت گروههای بشری و بررسی در تاسیسات و فعالیتهای اجتماعی مردم . موضوعهائی که در این زمینه مورد مطالعه دانشمندان این علم قرار می‌گیرد شامل جامعه ، فرهنگ ، تاسیسات اجتماعی و طرز رفتار جامعه و گروه و واکنش‌هایی است که در جامعه پدید می‌آید .

جامعه ملل LEAGUE OF NATIONS
سازمان بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول تشکیل گردید و در واقع پایه‌های سازمان ملل متحد امروزی را تشکیل داد . هدف از تشکیل جامعه ملل حفظ صلح ، داوری در مورد اختلاف میان کشورها و ترویج همکاری‌های بین‌المللی بود .
جامعه ملل به دلایلی موفقیت حاصل نکرد ، از آن جمله نمی‌توانست دولت‌های بزرگ را مجبور به سازش با یکدیگر و یا اطاعت از تصمیمات جامعه بنماید .
در واقع انحطاط جامعه ملل از سال ۱۹۳۱ آغاز شد . زیرا در این سال جنگ بین چین و ژاپن شروع شد و ژاپن از عضویت جامعه کناره گرفت . در سال ۱۹۳۳ نیز هیتلر آلمان را از جامعه ملل خارج نمود . و پیمان ۱۹۳۸ مونیخ به سقوط اعتبار آن انجامید و بالاخره در سال ۱۹۴۶ رسماً انحلال خود را اعلام داشت و کلیه ادارات و اموال آن به سازمان ملل متحد انتقال یافت .

جامعه‌های اشتراکی COMMUNISTIC SETTLLEMENTS
جوامعی که در آن‌ها اشتراک مالکیت حکمفرما باشد . در چنین جوامعی املاک و کالاها مالک معین ندارند و همه چیز متعلق به همه افراد جامعه است .

جانور *(Jānevar)* ANIMAL
هر یک از افراد گروهی از موجودات زنده که برخلاف رستنی‌ها قادر به حرکت خود بخود هستند و در مقابل محرک‌های داخلی یا خارجی واکنش از خود نشان می‌دهند .

جانور شناسی ZOOLOGY
رشته‌ای از دانش زیست‌شناسی که درباره زندگی جانوران بررسی می‌کند .
سرآغاز این دانش طبقه‌بندی جانوران از روی شکل ظاهریشان بود و اولین رده‌بندی توسط ارسطو تدوین گردید .
روشی که بعدها به وسیله لینه و سپس توسط جان ری تکمیل گردید بر این اساس است که هر گیاه یا هر جانور به وسیله دو کلمهٔ لاتین که نماینده نوع جنس آنها است رده بندی می‌گردند .
با استعمال میکروسکوپ و روش‌های تجربی ، علم جانورشناسی شاخه‌های فراوانی پیدا کرده است . نظریه دانشمندانی چون لامارک و چارلز داروین در ترقی این علم تاثیر فراوانی به جای گذاشت و با افزایش رشته‌های وراثت ، بافتشناسی ، فیزیولوژی و بیوشیمی بر اهمیت آن بیش از بیش افزوده شد . درباره رده‌بندی جانوران اساس کار بر مبنای دو سلسله بنام آغازیان و متازوآ پایه‌گذاری شده است .

جای نام شناسی *(Jāynām shenāsi)* TOPONYMY
بررسی نام اماکن جغرافیائی و یا به عبارت دیگر شاخه‌ای از زبانشناسی جغرافیائی که نامهای یک ناحیه یا نامهای موجود در یک زبان را بررسی می‌کند .

جبّار *(Jabbār)* ORION
نام یکی از صورت‌های فلکی است که بوسیله استواء عالم به دو قسمت تقسیم می‌گردد . این صورت ظاهرا" مرد چماق بدستی را که دارای شمشیر و حمایل است نشان می‌دهد . و یکی از زیباترین صورت‌های فلکی آسمان بشمار می‌رود .

جبر جغرافیائی DETERMINISM
← جغرافیا گرائی

جبل *(Jabal)* MOUNTAIN
← کوه



جبار

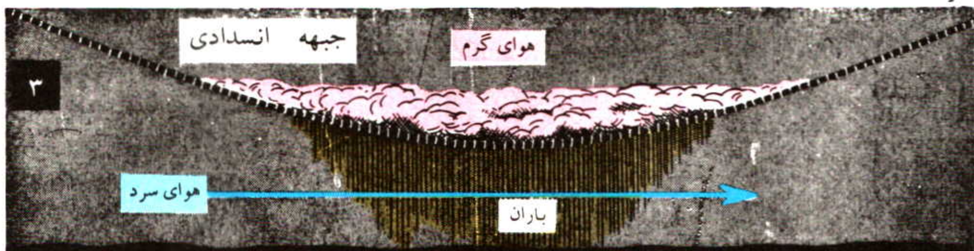
جبل طارق GIBRALTAR
تنگه‌ایست بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه غربی را به اقیانوس اطلس متصل می‌سازد . عرض این تنگه ۱۵ کیلومتر و ژرفای آن بطور متوسط ۴۵۰ متر است .

جبهه FRONT
خط و یا حدی که دو توده هوای سرد و گرم را از هم جدا سازد . بطور کلی جبهه هوا را از نظر اندازه به دو دسته تقسیم می‌کنند .
الف ــ جبهه بزرگ که میان توده‌های عظیم هوا قرار دارد ، مانند جبهه میان توده‌های قطبی و توده‌های اقیانوس آرام .
ب ــ جبهه کوچک که میان توده‌های کوچک محلی واقع است ، مانند جبهه میان هوای سرد و گرم محلی .

جبهه انسدادی OCCLUDED FRONT
قرار گرفتن یک جبهه هوای گرم بر فراز یک جبهه هوای سرد در یک فرو بار را جبهه انسدادی می‌نامند . در این وضعیت هوای گرم سطح زمین بسوی طبقات بالا کشیده شده و جبهه انسدادی را پدید می‌آورد . اگر دمای هوائی که به بالا صعود کرده است سردتر از هوای جبهه باشد به آن انسداد سرد می‌گویند و در حالت عکس آنرا انسداد گرم می‌نامند و در صورتی که اختلاف دما میان آن دو وجود نداشته باشد انسداد خنثی نامیده می‌شود . (تصویر در صفحهٔ ۱۱۵)

جبهه سرد COLD FRONT
مرز میان یک توده هوای گرم و یک توده هوای سرد پیش رونده‌ای که توده هوای گرم را بطرف بالا براند . با ایجاد چنین وضعیتی درجه حرارت به مقدار قابل ملاحظه‌ای افت کرده و با افزایش فشار جو موجبات تغییر جهت بادها را

فراهم ساخته و رگبار شدید توام با باد و توفان را بهمراه دارد .





جبهه قطبی POLAR FRONT

جبهه هوای بزرگی واقع در شمال اقیانوس آرام و شمال اقیانوس اطلس که از برخورد توده هواهای دریایی قطبی و دریایی استوایی بوجود آمده باشد .

به تعریف دیگر سطح فاصل بین بادهای شرق‌وزان سرد قطبی و بادهای غرب وزان گرمتر عرض‌های پائین را جبهه قطبی می‌گویند .

این جبهه در حد فاصل ۶۰ درجه عرض شمالی تا ۳۰ درجه عرض‌شمالی درتغییراست ودستخوش‌تغییرات روزانه‌می‌باشد منشاء توفانهای عادی مناطق معتدله را امواج جبهه قطبی می‌دانند .

جبهه گرم WARM FRONT

حد میان یک توده هوای سرد و یک توده هوای گرم که‌تحت شیب ملایمی بر فراز توده هوای سرد قرار گرفته باشد . در چنین وضعیتی انبوهی از انواع ابرها تشکیل گردیده و بارندگی نسبتا" کمی را به همراه خواهد داشت .

جت استریم JET STREAM

الف ــ باد نسبتا" شدیدی که در امتداد کمربند باریکی در ارتفاع تقریبی ۱۲۰۰۰ متری‌از سوی‌باختر به‌خاور در پیرامون زمین می‌وزد . سرعت متوسط‌این باد در تابستان ۸۰تا ۱۰۰ کیلومتر و در زمستان حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر است . (حتی سرعتهائی چون ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر نیز ثبت شده است) .

ب ــ جریان محلی توده‌های مرتفعی از هوا که بشکل گلوله یا تخم مرغ به گرد خود می‌چرخند و از جمله عوامل موثر هواشناسی بشمار می‌روند . (تصویر در صفحه‌ٔ ۱۱۶)

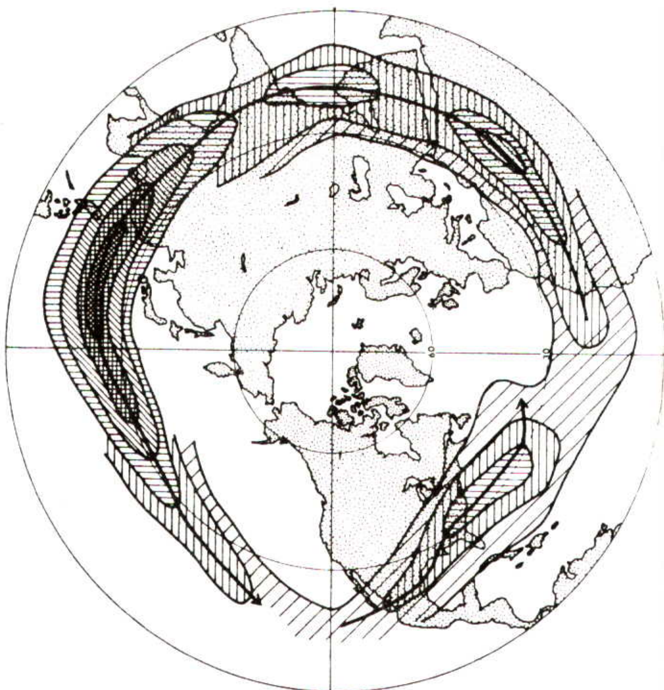
جدول

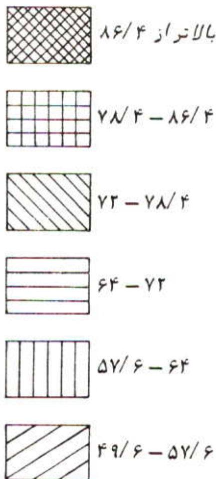
نهر کوچک ، جویک ، جویچه ، حوی آب

جدی *(Joday)* POLARIS

ستاره آلفا از صورت فلکی دب اصغر که در حال حاضر در راستای شمالی محور چرخش زمین قرار گرفته و بنام ستاره







جت استریم

قطبی معروف است .
این ستاره که در طول تاریخ برای جهت‌یابی بکار می‌رفته است حدود ۴۰۰ سال نوری از زمین فاصله دارد و زاویه ارتفاعی آن در هر نقطه از سطح زمین تقریبا" با عرض جغرافیائی آن نقطه برابر است .

جدی *(Jady)* CAPRICORN

دهمین صورت فلکی در منطقة البروج و دهمین برج .
ستاره آلفای این صورت یکی از جالب‌ترین ستارگان آسمان است .

جذب ABSORPTION

عمل فیزیکی که بوسیله آن ماده‌ای ماده دیگر را به‌جرم خود وارد می‌کند . بطوریکه ماده دوم از لحاظ فیزیکی ناپدید می‌شود . مانند حل شدن قند یا گاز در آب و یا جذب گازها بوسیله جامدات .

جر *(Jer)* CREVASSE

←— شکاف یخی

جرم MASS

اندازه فیزیکی جبر یک جسم ، یعنی مقاومت آن در برابر تغییر حرکت .
از واحدهای عمده سنجش جرم ، گرم و کیلوگرم است . هر قدر جرم جسمی بیشتر باشد بهمان نسبت در مقابل نیروهای محرک و شتاب دهنده بیشتر مقاومت می‌کند .
مطابق قانون اصل بقای جرم که قانون لاوازیه نیز نامیده می‌شود " ماده نه موجود و نه معدوم می‌شود " .
مطابق قانون نسبیت ، جرم هر جسم مربوط به سرعت حرکت آنست .

جروم *(Jorum)*

←— گرمسیر

جریان CURRENT

الف ـ حرکت و جابجا شدن آب در یک آبراه یا یک رودخانه .
ب ـ حرکت قائم یک توده هوا .
پ ـ حرکت دائمی یا فصلی آب‌های سطحی دریا .
ت ـ جریان کوچک دریایی بویژه درون تنگه‌ها که علت آن اختلاف درجه حرارت و غلظت آب دو دریای مجاور تنگه

است . مانند جریان سطحی آب در تنگه جبل طارق .
ث ـ جریان آبی که به علت پدیده جزر و مد بوجود آید .

جریان چگالین DENSITY CURRENT
(Jarayān-e-chegālin)
جریان‌های دریائی که بدلیل اختلاف چگالی آب‌ها پدید آید . بطور نمونه آب شور دریای مدیترانه از قسمتهای زیر تنگه جبل طارق به سوی باختر جریان داشته و بر عکس آب اقیانوس اطلس که غلظت کمتری دارد از قسمتهای بالائی تنگه مزبور بسوی خاور جریان دارد . مطابق برآوردهائی که به عمل آمده تمام آب دریای مدیترانه در عرض ۷۵ سال بوسیله آب اقیانوس اطلس تعویض می شود و بهمین ترتیب آب سرد اقیانوس منجمد شمالی از زیر اقیانوس بسوی جنوب جریان داشته و بر عکس آب گرم نواحی استوائی اقیانوس اطلس از قسمت‌های سطحی بسوی اقیانوس منجمد شمالی در جریان است .

جریان خلیج GULF STREAM
← جریان‌های دریائی

جریان لابرادور LABRADOR CURRENT
← جریان‌های دریائی

جریان‌های استوائی EQUATORIAL CURRENTS
حرکت سطحی آب اقیانوسها در مناطق استوائی در جهت :
الف ـ در نیمکره شمالی بسوی جنوب باختری یا باختر .
ب ـ در نیمکره جنوبی بسوی شمال باختری یا باختر .
سرعت جریانهای استوائی حدود ۲۸ کیلومتر در روز است .

جریان‌های دریائی OCEAN CURRENTS
جابجائی آب سطحی اقیانوسها را جریان‌های دریائی می‌گویند مهمترین علت جریانهای دریائی وزش بادهای غالب و اختلاف چگالی ناشی از تغییر دما یا شوری آب است . چرخش زمین نیز سبب تغییراتی در جهت جریانهای دریائی می شود. مشهورترین جریانهای دریائی جریان گلف استریم (جریان خلیج) نام دارد . بطور کلی جهت جریانهای دریائی در نیمکره شمالی در جهت گردش عقربه‌های ساعت و در نیمکره جنوبی مخالف جهت گردش عقربه‌های ساعت است . روی هم رفته جریانهای دریائی تاثیر قابل ملاحظه‌ای در آب و هوا و شرایط اقلیمی دارند . مثلا " جریان آتلانتیک شمالی (جریان اقیانوس اطلس) سبب ملایمت هوای زمستانهای نواحی شمال غرب اروپاست و برخورد جریان خلیج با جریان سرد لابرادور باعث مه غلیظ در نیوفوندلند می‌گردد .
(تصویر در صفحه‌ی ۱۲۹)

جریان‌های کشندی TIDAL CURRENTS
(J-hā-ye-keshandi)
جابجائی و حرکت آب در مناطقی که تحت تاثیر کشند آب دریا قرار می‌گیرند . تاثیر این جریان بیشتر در خلیج‌های کوچک و خورها و دهانه‌های رودخانه‌ها چشم‌گیر و کاملا " مشخص است .

جریان همرفت CONVECTION CURRENT
(Jarayān-e-hamroft)
یا جریان فرارفت ← همرفت

جریب ACRE
معرب واژه فارسی گریب . مساحتی است معادل ده هزار متر مربع یا یک هکتار .
جریب در اصل واحدی برای سنجش حجم غلّات بوده و مقدارش در اماکن مختلف متفاوت بوده‌است وبعدا "به عنوان اندازه وسعت زمینی که یک جریب علّه از آن برداشت شود بکار رفته است .

جزایر هلالی ISLAND ARC
زنجیره‌ای از جزیره‌های کوچک و بزرگ که بشکل قوسی در کنار یکدیگر واقع شده باشند . این گونه جزایر معمولا " باریک و دراز بوده و از جمله نمونه‌های آن مجمع‌الجزایر کوریل را می‌توان نام برد .

جزر LOW TIDE
← فروکشند

جزر و مد TIDE
← کشند

جزر و مد روزانه DIURNAL TIDE
← کشند روزانه

جزیرک *(Jazirak)* ISLET
جزیره کوچک و معمولا " غیر مسکونی را گویند . این گونه جزیره‌ها غالبا " از تخته سنگ‌های کوچکی که از آب سر بر- آورده‌اند تشکیل می‌یابد .

جزیره ISLAND
قطعه زمینی که پیرامون آن را آب فرا گرفته باشد جزیره نام

دارد . جزیره ممکن است بطرق مختلفی بوجود آید . مثلاً " بر اثر حرکات پوسته زمین ، در زیر آب ، ممکن است سطح زمین بالا آمده ، و از آب خارج شود یا اینکه بر اثر بالا آمدن آب دریا ، قسمتی از دشت ساحلی ، بزیر آب رود و بلندیهای آن از آب خارج ، و جزایری را پدید آورد . همچنین آتشفشان‌های زیر آبی نیز ، یکی دیگر از عوامل سازنده جزایر بوده و رسوبات ساحلی نیز ، جزیره‌های شنی پستی را می‌توانند بوجود آورند . علاوه بر موارد بالا مرجانها نیز از جمله عوامل جزیره ساز بوده و گاه چند عامل بطور مشترک در پدید آمدن جزیره‌ای اثر می‌گذارند .

بزرگترین جزیره گیتی گروئنلند است که ۲،۱۷۵،۶۰۰ کیلو مترمربع وسعت دارد وسایر جزایر بزرگ دنیا برحسب مساحت عبارتند از : پاپواگینه نو به مساحت ۷۸۹،۶۴۵ کیلومترمربع و برنئو به مساحت ۷۵۰،۸۱۰ کیلومتر مربع .

جزیرهٔ آتشفشانی VOLCANIC ISLAND

جزیره‌ای که بر اثر خروج مواد گداخته درون زمین از کف اقیانوسها ایجاد شده باشد . برخی از جزیره‌های آتشفشانی مدتی پس از ایجاد مجدداً " به زیر آب فرو می‌روند .

جزیره قارّه‌ای CONTINENTAL ISLAND *(Jazireh-ye-qarrei)*

جزیره‌ای که نزدیک ساحل یک قاره بوده و از نظر ساختمان شباهت تامی باقاره مزبور داشته باشد . مانند جزیره سری لانکا که به هندوستان پیوستگی داشته و یا جزیره قشم که به سر زمین اصلی خود یعنی ایران شباهت دارد و در واقع به آن پیوسته است . در مقابل این جزایر ، جزایر دیگری بنام جزایر اقیانوسی قرار دارند که ابداً " ارتباطی به خشکی‌های پیرامون خود ندارند .

جزیره مرجانی CORAL ISLAND

صخره مرجانی که دور از ساحل واقع شده و بوسیله گل ولای پوشیده شده باشد . درازای این جزایر که اغلب پهنای کمی دارند گاه تا چندین کیلومتر می‌رسد و ارتفاع آنها از چند متر تجاوز نمی‌کند . اینگونه جزایر از نظر رشد گیاهان محیط مناسبی بوده و اغلب سبز وخرم هستند (تصویر در صفحه ۱۱۹)

جزیره یخی ICE SHELF

تخته یخ عظیمی بشکل یک جزیره پهناور که مجاور ساحل بوده و به خط ساحلی پیوسته باشد ، مانند جزیره یخی Ross واقع در قطب جنوب که مساحت آن حدود ۴۱۴،۰۰۰ کیلومتر مربع است . (تصویر در صفحه ۱۱۹)

جغرافیا (جغرافی) *(Joghrafiyā)* GEOGRAPHY

دانشی که درباره سطح زمین و عوارض طبیعی ، آب و هوا ، روئیدنی‌ها ، خاک ، فراورده‌ها و مردم و مانند آن و پراکندگی آنها در سطح زمین گفتگو می‌کند . هر یک از موارد مورد بحث این علم موضوع خاصی را از قبیل زمین شناسی ، هواشناسی نجوم ، انسان‌شناسی و زیست شناسی و غیره را بوجود می‌آورد که قاعدتاً " جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند . بطور کلی علم جغرافیا بصورت زیر طبقه‌بندی می‌گردد :

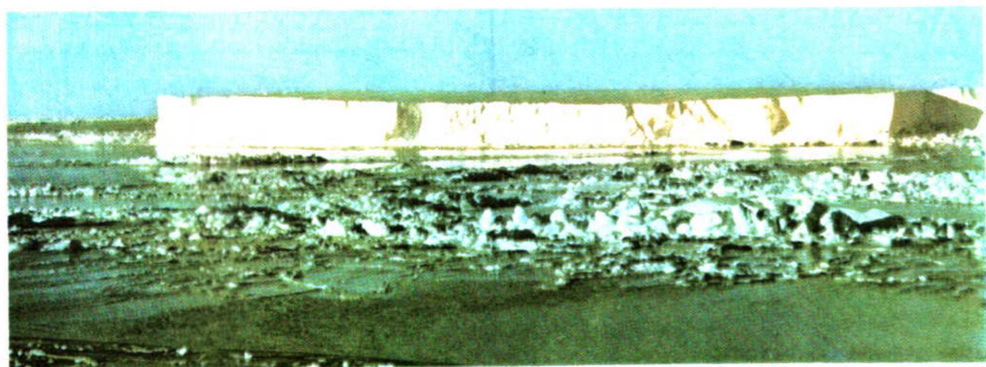
الف ــ جغرافیای ریاضی که درباره اندازه ، شکل و حرکات زمین گفتگو می‌کند .



جزیره آتشفشانی



جزیره مرجانی



جزیره یخی

ب ـ جغرافیای طبیعی که درباره آب و هوا، روئیدنی‌ها و اقیانوس شناسی بررسی می‌کند.

پ ـ جغرافیای انسانی که درباره پراکندگی جوامع انسانی و رابطه آنها با محیط زیست گفتگو می‌کند.

ت ـ جغرافیای سیاسی که در مورد تقسیمات سیاسی جهان بررسی می‌کند.

ث ـ جغرافیای اقتصادی.

ج ـ جغرافیای تاریخی.

جغرافیا گرائی *(J-garā'i)* GEOGRAPHISM

عده‌ای از جغرافی‌دانان معتقدند که هدف از تحقیقات و بررسیهای جغرافیایی همانا مطالعه تاثیرات محیط طبیعی در فعالیتهای انسانی است و متعصبین این مکتب استدلال می‌کنند که عوامل طبیعی در پدیده‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه نقش قاطع و تعیین کننده‌ای دارد که به نام جغرافیا گرایی (Geographism) یا جبر جغرافیایی (Determinism) معروف می‌باشد.

جغرافیای اجتماعی SOCIAL GEOGRAPHY

بعضی از جغرافی‌دانان به جای جغرافیای انسانی عنوان جغرافیای اجتماعی را بکار می‌برند، ولی به نظر عده‌ای نمی‌توان جغرافیای اجتماعی را معادل جغرافیای انسانی دانست زیرا جغرافیای اجتماعی آن قسمت از جغرافیای انسانی است که از جمعیت سکونتهای شهری و روستائی و فعالیتهای اجتماعی که جدا از فعالیتهای اقتصادی و سیاسی است بحث می‌کند.

جغرافیای اقتصادی ECONOMIC GEOGRAPHY

جغرافیائی که درباره تولید. پخش و مصرف فراورده‌های گوناگون بحث می‌کند.

جغرافیای انسانی ANTHROPOGEOGRAPHY

بررسی پراکندگی جوامع انسانی، باتوجه به شرایط جغرافیائی محیط زیست. رابطه این دو عامل، تشابه زیادی به رابطه میان انسان شناسی و زیست شناسی و یا رابطه میان جانورشناسی و جغرافیای جانوری دارد.

جغرافیای پزشکی (بهداشتی) MEDICAL GEOGRAPHY

بررسی پراکندگی بیماریها در روی زمین. و عوامل جغرافیائی پدید آورنده و یا تقویت کننده آن و هم چنین مطالعه محیط زیست و تأثیر آن در بهداشت و سلامت انسان را جغرافیای پزشکی یا جغرافیای بهداشتی می‌گویند.

جغرافیای تجاری COMMERCIAL GEOGRAPHY

بررسی تولید، پخش و مصرف فراورده‌های گوناگون. این اصطلاح با جغرافیای اقتصادی مترادف است.

جغرافیای حیوانی ZOOGEOGRAPHY

← جغرافیای وحش

جغرافیای دیرینه PALEOGEOGRAPHY

(Joghrāfiyā-ye-dīrineh)

بررسی وضعیت پوسته زمین از نظر قرار گرفتن خشکی‌ها و دریاها در روزگاران گذشته.

وضع جغرافیایی زمین در گذشته بر اساس مطالعات چینه‌شناسی مناطق مختلف زمین مشخص می‌شود.

مهمترین روش مورد استفاده در این رشته روش تعیین رخساره‌ها است که نتایج حاصل از آن در دو مرحله زیر بکار می‌روند.

اول مرحله استفاده از نتایج حاصل از بررسی رخساره‌های عهد حاضر در تعیین نحوه پراکندگی رخساره‌ها در گذشته و تهیه نقشه رخساره‌ای.

دوم مرحله تفسیر نقشه اخیر و تهیه نقشه جغرافیایی حقیقی از وضع گذشته زمین. در تنظیم نقشه جغرافیایی یک منطقه تغییرات تکتونیکی آن را نیز نباید از نظر دور داشت، زیرا وقتی بخشی از یک منطقه پس از چین خوردگی و روراندگی از آن جدا می‌شود و در منطقه‌ای دورتر از آن قرار می‌گیرد باید آن را در روی نقشه جغرافیایی در محل اولیه خود قرار داد. این روش باعث می‌شود که زمینه توپوگرافی یک نقشه جغرافیایی دیرینه با زمینه نقشه جغرافیایی کنونی زمین متفاوت باشد.

بطور کلی در چینه شناسی و جغرافیای دیرینه دو موضوع زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱ــ تعیین توالی طبقات در زمان که از روی آن می‌توان تاریخ وقوع حوادث زمین‌شناسی را تعیین کرد.

۲ــ تعیین توالی طبقات در مکان که از روی آن می‌توان جغرافیای دوره‌های مختلف زمین شناسی را از لحاظ تغییر چهره یا رخساره٭ طبقات مشخص کرد.

وقایع دیرینه شناسی که به تغییر جانوران و گیاهان مربوط می‌گردند. وقایع سنگ شناسی که در آن دوره‌های فعالیت آتشفشان‌ها و تشکیل سنگهای خارایی و دگرگونی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند، وقایع زمین ساختی که مراحل مختلف تشکیل سلسله جبال را روشن می‌کنند و وقایع پیکره شناسی که تغییرات چهره٭ زمین را در بر می‌گیرد. بنابراین علوم چینه شناسی و جغرافیای دیرینه که در آنها تاریخ زمین در زمان و مکان مورد مطالعه قرار می‌گیرد، در حقیقت اساس بررسی تاریخ زمین محسوب می‌شوند.

جغرافیای ریاضی MATHEMATICAL GEOGRAPHY

شاخه‌ای از علم جغرافیا، که با اندازه‌گیری‌های زمین از نظر ابعاد. موقعیت نقاط و حرکات، و امثال آن سر و کار داشته و برای تحقیق در زمینه‌های مزبور از ریاضیات کمک گرفته شود. از جمله رشته‌های جغرافیای ریاضی ژئودزی و نجوم و زمین فیزیک را می‌توان نام برد.

جغرافیای زیستی BIOGEOGRAPHY

رشته‌ای از دانش جغرافیا که درباره بررسی پراکندگی گیاهان و جانوران روی زمین گفتگو می‌کند. این دانش به دو شاخه اصلی جغرافیای گیاهی و جغرافیای جانوری تقسیم می‌گردد.

جغرافیای سیاسی POLITICAL GEOGRAPHY

بخشی از جغرافیا که درباره حدود و مرزکشورها و همچنین

روابط داخلی و بین‌المللی و تشکیلات اداری و اجتماعی آنها و امثال آن بحث می‌کند .

جغرافیای سیستماتیک SYSTEMATIC GEOGRAPHY
جغرافیائی که درباره طبیعت ، انسان ، اقتصاد ، تاریخ و مانند آن بحث کند .

جغرافیای شهری URBAN GEOGRAPHY
شاخه‌ای از علم جغرافیا که عوامل وابسته به شهرها را مورد بررسی قرار دهد .

جغرافیای طبیعی PHYSICAL GEOGRAPHY
شاخه‌ای از جغرافیا ، که عوارض طبیعی زمین را مورد بررسی قرار می‌دهد و درباره شکل و ریخت پوسته زمین گفتگو می‌کند . به عبارت دیگر رشته‌ای از جغرافیاست که در ارتباط با چهره طبیعی و زمین ریخت بوده و شامل آب و هوا ، مطالعه محیط طبیعی زیست انسان و مکمل جغرافیای انسانی است و گاه به طور مترادف با فیزیوگرافی بکار می‌رود . در کتابهای جغرافیای طبیعی معمولا" از اقیانوس‌شناسی ، آب‌وهواشناسی ، هواشناسی و زمین ریخت شناسی ، رستنی‌های طبیعی ، جغرافیای ریاضی و جغرافیای جیوانی گفتگو می‌شود .

جغرافیای گیاهی GEOBOTANY/ PHYTOGEOGRAPHY
بررسی توزیع جغرافیائی گیاهان و نیز بررسی استفاده از گیاهان به عنوان معرفهائی که تغییرات شیمیائی آب ، و وجود آب در لایه‌های زیرین زمین را نشان می‌دهد .

جغرافیای وحش ZOOGEOGRAPHY
علم بررسی پراکندگی جغرافیائی جانوران وحشی ، در سطح زمین.

جلای بیابان DESERT VARNISH
پوسته سنگی سخت لعاب مانندی در یک منطقه کویری از جنس اکسید آهن و یا اکسید منگنز که محلول آن‌ها بنا به خاصیت لوله‌های موئین از لایه‌های زیرین بسوی سطح خارجی زمین تراوش کرده و پس از تبخیر بصورت پوسته لعابی روی سطح زمین باقی مانده باشد .

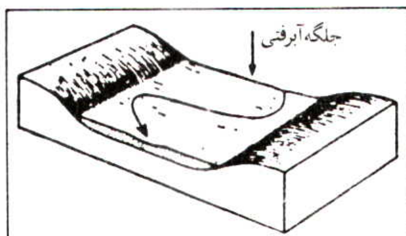
جلبک (Jolbak) ALGAE
از جمله رستنی‌های نخستین که فاقد ریشه و ساقه و برگ و گل واقعی هستند ولی دارای سبزینه (کلروفیل) می‌باشند و در آب‌های شور دریا و یا آب‌های شیرین می‌رویند و طولشان گاه تا ۳۰ متر می‌رسد .

چهار دسته عمده جلبک‌ها عبارتند از :
جلبک آبی و سبز ، سبز ، خرمایی و سرخ .
جلبک‌ها از منابع عمده غذای ماهیها هستند .

جلبک شناسی PHYLOGENETICS
شاخه‌ای از دیرین شناسی که با پژوهش در تاریخ و علتهای پیدایش و فرگشت یک نوع از جانوران سر و کار دارد . بنیاد این علم بر بررسی سنگواره‌ها نهاده شده است .

جلگه PLAIN
زمین مسطح و نسبتا" همواری که معمولا" ارتفاع کمی داشته باشد اینگونه اراضی که به آن دشت نیز می‌گویند به طرق گوناگون بوجود می‌آید که هر کدام بر حسب مورد نامگذاری می‌شوند . مانند جلگه آبرفتی و جلگه ساحلی و همچنین مسیله گیاه طبیعی غالب جلگه‌های معتدله علف است که به آن علفزار می‌گویند .

جلگه آبرفتی ALLUVIAL PLAIN
زمین نسبتا" هموار و مسطحی که در نتیجه آبرفت رودخانه‌ها بوجود آمده باشد . اینگونه زمینها غالبا" در دلتای رودخانه‌ها و یا در مناطق سیل‌گیر دیده می‌شوند .



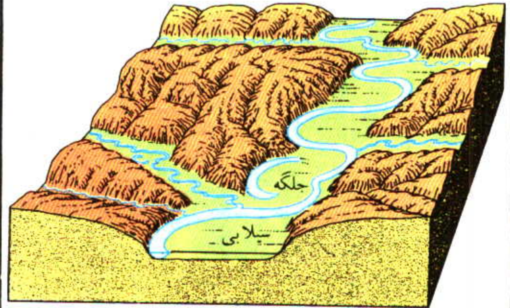
جلگه آبرفتی

جلگه ساحلی COASTAL PLAIN
← دشت ساحلی

جلگه سیلابی FLOOD PLAIN
زمینهای پیرامون یک رودخانه که هنگام جاری شدن سیل و طغیان از آب پوشیده شود . سطح این اراضی معمولا" در هر طغیان از گل و لای و مواد ته نشستی پوشیده شده و زمین‌های کشاورزی بسیار مرغوبی را بوجود می‌آورد .
(تصویر در صفحه ۱۲۲)

جمادی الآخره
ماه ششم سال در تقویم هجری قمری که عامه آن را جمادی‌ـ الآخر یا جمادی الثانی نیز می‌گویند .

جمادی الاولی
ماه پنجم سال در تقویم هجری قمری که عامه آن را جمادی‌ـ



جلگه سیلابی

الاول نیز می‌گویند .

جمبوری *(Jamburi)* JAMBOREE

ماخوذ از انگلیسی ، اجتماع بین المللی پیشاهنگان و یا اجتماع پیشاهنگان یک کشور یا چند ناحیه .

جمره *(Jamreh)*

۱ ــ واژه عربی به مفهوم توده و پشته سنگ ریزه .

۲ ــ واژه عربی به مفهوم پاره اخگر ونام سه‌روز در هفته‌های آخر زمستان .

جمعیّت POPULATION

گروهی از مردم که از آنها نمونه گیری شود و بنابر تعریف دیگر ، تعداد نفراتی که دریک‌واحد سرزمینی زندگی می‌کنند . جمعیت‌کنونی کره زمین را در حال حاضر حدود ۴/۸۵۰ میلیارد تن تخمین کرده‌اند که بیش از نیمی از آن در آسیا ، حدود $\frac{۱}{۷}$ در اروپا و تقریبا" $\frac{۱}{۷}$ در امریکا سکونت دارند و روند افزایش سالیانه جمعیت زمین حدود ۵۰ میلیون نفر است . ضریب ازدیاد جمعیت در امریکای جنوبی ۲/۴ درصد،در استرالیا ۲/۲ درصد ، در آسیا ۱/۸ درصد ، در افریقا ــ ۱/۸ درصد ، در امریکای شمالی ۱/۷ درصد ، در اروپا ــ ۰/۷ درصد و در سراسر زمین ۱/۶ درصد است .

جمعیّت شناسی DEMOGRAPHY

دانش بررسی در جمعیت‌های انسانی . بویژه از نظر کمّی . علم جمعیت شناسی به سبب توسعه و تعمیم سرشماری و آمارگیری و دفاتر آماری ثبت احوال از آغاز قرن نوزدهم میلادی توسعه یافت . جمعیت شناسی درزمان حاضر به دو نوع تقسیم می‌گردد الف ــ جمعیت شناسی کمی که با استفاده از سرشماری‌ها و آمارهای ثبت احوال و پرسشنامه‌های خاص درباره ساختمان جمعیت بر حسب سن و جنس و غیره بررسی می‌کند .

ب ــ جمعیت شناسی کیفی که در آن از دخالت عوامل زیست شناسی و اقتصادی و اجتماعی وفکری درتغییرات کمی جمعیت بحث می‌شود .

جمعیّت متحرک MOVING POPULATION

افراد غیر عشایری که دارای محل سکونت ثابتی نیستند و معمولا" بصورت سیار در مناطق شهری یا روستائی در حرکت می‌باشند ، مانند کولیها و فروشندگان سیار و مانند آنها که جمعیت متحرک یا موقت نامیده می‌شوند .

جمعیّت مطلوب OPTIMUM POPULATION

تعداد نفراتی که با توجه به امکانات محیط بتوانند دریک منطقه زندگی کنند و از مزایای یک زندگی مناسب بهره‌مند شوند .

جمعیّت نسبی DENSITY OF POPULATION
(Jam'iyyat-e-nesbi)

← چگالی جمعیت

جمهوری REPUBLIC

در اصطلاح معمول امروز ، حکومت یا مملکتی که رئیس آن انتخابی است و یا طرز حکومتی که رئیس‌آن از جانب مردم کشور برای مدت محدودی انتخاب می‌شود .

جنس SPECIES/SEX

۱ ــ اصطلاحی در زیست شناسی برای بیان هریک‌از دوگروه نر و ماده .

۲ ــ کوچکترین واحد رده‌بندی موجودات زنده و آن گروهی است که اعضایش به یکدیگر شباهت تام دارند . در اکثریت عظیمی از جانوران و بسیاری ازگیاهان جنس‌را می‌توان گروهی از افراد شمرد که اعضای آن می‌توانند در داخل گروه تولید مثل‌کنند ولی با موجودات سایرگروههانمی‌توانندتوالدوتناسل نمایند .

← رده بندی

جنگل FOREST

منطقه‌ای از زمین که با درخت پوشیده شده باشد .

جنگل در حفظ آب و خاک و حیات وحش و جلوگیری از فرسایش زمین و همچنین برای تهیه‌چوب ارزش‌بسزائی دارد . جنگلهای روی زمین را بطور کلی به سه نوع تقسیم می‌کنند :

الف ــ جنگلهای استوائی ب ــ جنگلهای برگریز
پ ــ جنگلهای مخروطی .

جنگلبانی (جنگلداری) FORESTRY

علم و فن اداره حفظ و تاسیس جنگلها به منظور تامین دوام فوایدی که انسان از جنگل می‌برد . جنگلبانی رشته‌های گوناگون دارد ، از قبیل تهیه چوب به عنوان محصول ، حمایت جنگل (از حریق ، حشرات ، بیماریها و سایر آفات) اقتصاد جنگلی ، حفظ حیوانات جنگلی ، مهندسی جنگل و غیره .

جنگل برشی *(Jangal-e-boreshi)* COPSE

درخت‌زاری طبیعی یا مصنوعی که درخت‌های آن را در دوره‌های معین قطع می‌کنند .

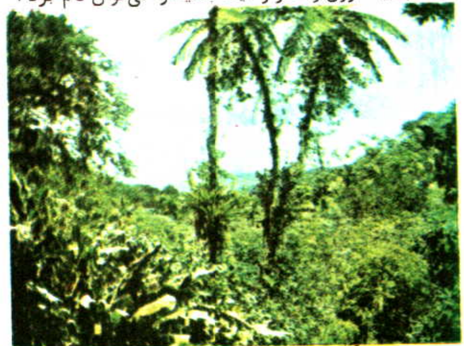
و هم چنین شاخه‌های جوان و در حال نمو پاره‌ای درختان که پیش از ستبر شدن و سخت گردیدن بریده شده و برای مصارفی چون پرچین‌کشی و سبدبافی بکار می‌رود .

جنگلکاری AFFORESTATION

تبدیل یک منطقه به جنگل که قبلا" درخت در آن نروئیده باشد .

جنگلهای استوائی EQUATORIAL RAIN FORESTS

جنگل مناطق استوائی که در حد فاصل ۷ درجه عرض شمالی و ۷ درجه عرض جنوبی واقع شده و دارای هوای داغ و مرطوب و بارانهای سنگین و فراوان بوده و فاقد فصل خشک و بی‌باران است . به دلیل گرما و رطوبت فراوان اینگونه جنگلها همواره سر سبز بوده و بسیار انبوه و پر پشت است و اغلب درختان آن به ارتفاع قابل توجهی رشد می‌کنند و مانع تابش نور خورشید به زیر خود، و حتی به درختان دیگر می‌شوند . در این جنگلها گیاهان فراوانی می‌رویند که در میان آنها درختان گرانبها و سخت چوبی چون آبنوس، ماهون و آهن به چشم می‌خورد . از جمله اینگونه جنگلها جنگلهای آمازون و کنگو و گینه جدید را می‌توان نام برد .



جنگلهای استوائی

جنگلهای برگریز MONSOON FORESTS
(J-hā-ye-bargriz)

جنگلی مرکب از درختهائی که در پاره‌ای فصول سال برگهایشان می‌ریزد . در جنگلهای نواحی بادهای موسمی (مانند هند و برمه) برگ درختها در فصل شدت گرما می‌ریزد تا خود را در مقابل تبخیر و از دست دادن رطوبت حفظ کنند .

در جنگلهای برگریز نواحی خنک و معتدل برگ درختان در پائیز می‌ریزد و بدین‌وسیله درختها خود را از سرما و یخبندان زمستان حفظ می‌کنند .



جنگلهای برگریز

جنگلهای مخروطی CONIFEROUS FORESTS

جنگلی است مرکب از درختان پیوسته سبز و مخروطی که دارای برگهای سوزنی هستند و اغلب چوبهای نرم تجارتی از این جنگلها بدست می‌آید .

عمده‌ترین و وسیع‌ترین جنگلهای مخروطی زمین ، به شکل کمربند عظیمی در کانادای شمالی و قسمت شمال آسیا و اروپا و همچنین در قسمتهائی از کوهستان آلپ گسترده شده‌است .



جنگلهای مخروطی

جنگلهای منطقه استوائی بارانی TROPICAL RAIN FORESTS
← جنگلهای استوائی

جنوب SOUTH
یکی از چهار جهت اصلی که در مقابل شمال واقع شده. هر گاه شخصی طوری به ایستد که رو بسوی خاور قرار گیرد، طرف دست راست او سمت جنوب خواهد بود.
← چهار جهت اصلی

جنوبگان *(Janubgān)* ANTARCTIC
منسوب به قطب جنوب زمین. مانند اقیانوس جنوبگان، مدار جنوبگان، نواحی جنوبگان و قاره جنوبگان.

جو *(Jo)* BARELY
یکی از کهن‌ترین غلات که توسط انسان کاشته شده است.
جو در نقاط مرتفع بعمل می‌آید و از آرد آن برای تهیه نان و مالت و خوراک دام استفاده می‌شود.
جو تا قرن شانزدهم تنها غله عمده اروپا بشمار می‌رفته است.

جوّ *(Javv)* ATMOSPHERE
گرداگرد سطح زمین را پوششی از هوا احاطه کرده است. این پوشش آدمی را از اشعهٔ فرا بنفش خورشید محفوظ می‌دارد و موجب اعتدال دماهای بسیار متفاوت سطح زمین می‌شود.
جو زمین مخلوطی است از هفتاد و هشت درصد ازت و ۲۱ درصد اکسیژن و کمتر از یک درصد آرگون و مقدار بسیار کمی گاز کربنیک و بخار آب احتمالا" درصدهای بالا در بخش فوقانی جو متفاوت است و در ارتفاعات ۵۰ تا هفتاد کیلومتر از سطح زمین ئیدرژن و هلیوم اهمیت خاصی پیدا می‌کنند.
فشار متوسطی که جو زمین در سطح دریا وارد می‌آورد برابر با ۱۰۱۰۳۲۵ نیوتن بر متر مربع یا ۱۰۱۳/۲ میلی بار است. البته مقدار بالا یک مقدار متوسط است. مقدار واقعی فشار جو با زمان تغییر میکند. معمولا" فشارهای زیاد ـ مثلا" ۱۰۳۰ میلی بار ـ با وضعیت جوی خوب همراه است و فشارهای کم مثلا" ۹۸۰ میلی بار ـ با بارندگی. فشار در سطح دریا را وزن هوایی موجب می‌شود که روی آن قرار دارد. چون از سطح دریا بالاتر رویم فشار کم می‌شود. در ارتفاع ۵/۵ کیلومتری فشار نصف ۱۰۱۳ میلی بار است و در ارتفاع ۱۱ کیلومتری یک چهارم آن. هر ۵/۵ کیلومتر، فشار به نصف مقدار قبلی کاهش پیدا می‌کند.
چگالی هوا نیز از همان قاعده فشار تبعیت میکند. در ارتفاع ۵/۵ کیلومتر از سطح دریا، چگالی ۵۰ درصد مقدار آن در سطح دریاست. در ۱۶۰ کیلومتری، چگالی هوا کمتر از چگالی بهترین خلائی است که در آزمایشگاه می‌توان بدست آورد. جو زمین دارای لایه‌ای فوقانی نیست که کاملا" مشخص و مجزا باشد. مطالعه شخانه‌ها دال بر وجود هوا تا حدود ۱۶۰ کیلومتری سطح زمین است. مطالعه شفق‌های قطبی از وجود ذرات هوا، دست کم در ارتفاع ۷۰۰ کیلومتر از سطح دریا حکایت می‌کند. جو زمین را می‌توان به چهار دسته به شرح زیر تقسیم کرد:
گشت اسپهر ـ پوش اسپهر ـ یون اسپهر و برون اسپهر.

جوانی YOUTH
نخستین مرحله از دوره شکل یابی زمین.

جو دو سر *(Jo-e-dosar)* OATS
گیاهی از تیرهٔ گندمیان و از نوع سکاله که تقریبا" در تمام نقاط معتدل و در خاکهای کم قوت می‌روید. دانه‌هایش مانند گندم بکار می‌رود. نام دیگر جو دو سر، چاودار است.

جوزا *(Jozā)* GEMINI
یا دو پیکر، سومین صورت فلکی در منطقة البروج و سومین برج از برجهای دوازده‌گانه پس از ثور (گاو) و پیش از سرطان (حرچنگ) مطابق خرداد ماه کنونی.

جوش آتشفشانی AGGLOMERATE
توده‌ای از سنگهای درشت آذرین خرد شده که در نتیجه فوران کوههای آتشفشانی بوجود آمده باشد. اینگونه سنگها معمولا" مضرس بوده و نسبت به خاکسترهای آتشفشانی دارای شکل کاملا" متفاوتی هستند.

جوش توف *(Jushtuf)* WELDED TUFF
توده خاکستر گداخته‌ای که بیکدیگر جوش خورده و یک ریولیت متراکم پدید آورده باشند.

جوشسنگ *(Jushsang)* CONGLOMERATE
خرده سنگهای گردی که با یک خمیر سیمانی از جنس کربنات کلسیم، اکسید آهن و سیلیس بهم چسبیده و تخته سنگ یک پارچه‌ای را بوجود آورده باشند.

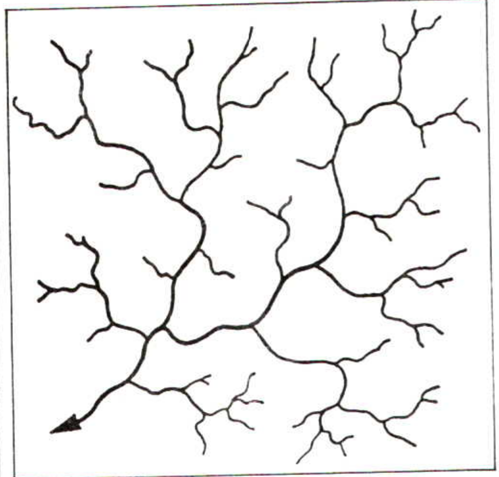
جوّ شناسی AEROLOGY
← هواشناسی

جوی *(Juy)* BROOK
۱ـ رود کوچک ۲ـ مجرایی که آب را جهت مشروب کردن زمین از آن عبور دهند.

جویبار *(Juybār)* BROOK
۱ـ کنار جوی، کنار رود کوچک.
۲ـ جائی که در آن جوی آب بسیار باشد.

۳ـ جوی بزرگی که از جوی‌های کوچک تشکیل شده باشد .

جویبار شجری DENDRITIC DRAINAGE
(J-e-shajari)
شبکه‌ای از چندین جویبار که بصورت شاخه‌های درخت ، به یک جویبار ، یا یک رودخانه منتهی گردد .



جویبار شجری

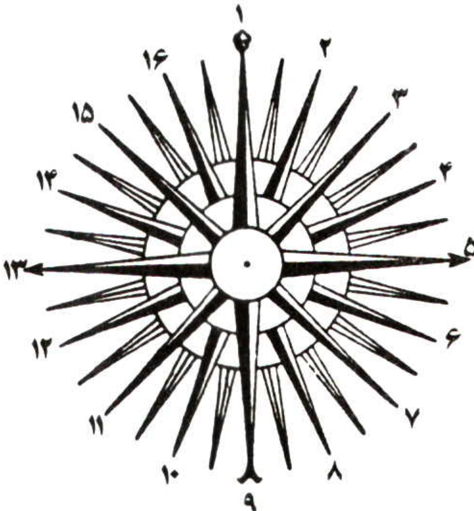
جوی فرسائی *(Juy farsā'i)* RILL EROSION
فرسایش حاصله از یک سری جویبارهای کوچک .

جهات اربعه CARDINAL POINTS
← چهار جهت اصلی

جهات اصلی CARDINAL POINTS
← چهار جهت اصلی

جهات چهارگانه CARDINAL POINTS
← چهار جهت اصلی

جهات فرعی SUB CARDINAL POINTS
چهار نقطه شمال ، جنوب ، مشرق و مغرب ، دایره افق هر محل را ، به چهار قسمت برابر تقسیم می‌کنند ، (← چهار جهت اصلی) برای اینکه در علم جغرافیا و دریانوردی و یا هوانوردی امتدادها را با دقت بیشتری تعیین نمایند هر یک از زوایای قائمه میان جهات اصلی را به چهار قسمت متساوی تقسیم می‌کنند و بدین ترتیب دوازده نقطه یا جهت دیگر حاصل می‌گردد که به آنها جهات فرعی می‌گویند . اسامی جهات مزبور غیر از جهات اصلی به ترتیب گردش عقربه‌های ساعت از سمت شمال عبارتست از : ۱ـ شمال شمال شرقی ۲ـ شمال شرقی ۳ـ شرق شمال شرقی ۴ـ شرق جنوب شرقی ۵ـ جنوب شرقی ۶ـ جنوب جنوب شرقی ۷ـ جنوب جنوب غربی ۸ـ جنوب غربی ۹ـ غرب جنوب غربی ۱۰ـ غرب شمال غربی ۱۱ـ شمال غربی ۱۲ـ شمال شمال غربی



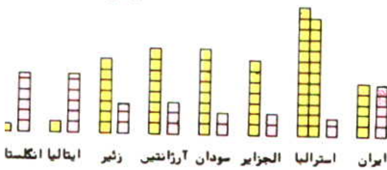
۱ـ شمال	۹ـ جنوب
۲ـ شمال شمال شرقی	۱۰ـ جنوب جنوب غربی
۳ـ شمال شرقی	۱۱ـ جنوب غربی
۴ـ شرق شمال شرقی	۱۲ـ غرب جنوب غربی
۵ـ شرق	۱۳ـ غرب
۶ـ شرق جنوب شرقی	۱۴ـ غرب شمال غربی
۷ـ جنوب شرقی	۱۵ـ شمال غربی
۸ـ جنوب جنوب شرقی	۱۶ـ شمال شمال غربی

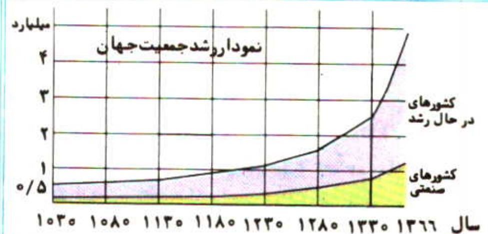
جهات اصلی و فرعی

جهان UNIVERSE
به مفهوم اعم مجموعه همه اشیاء و پدیده‌های موجود را گویند که علومی چون نجوم ، فیزیک ، زیست شناسی ، و روانشناسی و غیره را شامل می‌گردد .
از نظر کیهانشناخت ، جهان به معنی همه منظومه کیهانی است .
در حال حاضر از جنبه رصدی جهان عبارتست از کهکشان‌ها و کهکشانه‌های متعدد که با فواصل متوسط دو میلیون سال نوری از یکدیگر قرار گرفته‌اند .
از جنبه ، نظریه نسبیت جهان متناهی ولی نامحدود و حجم کل جهان متناهی و فضا منحنی است . و جهانی که اینشتین تصویر می‌کند جهانی ساکن است و ماده بطور متشابه و متصل

۳۰ ۶۰ ۹۰ ۱۲۰ ۱۵۰ ۱۸۰

اقیانوس منجمد شمالی
نوایا زملیا
جزایر سیبری جدید
مدار قطبی شمال
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
دریای برینگ
جزایر الوشن
دریای اخوتسک
هلسینکی
مسکو
ورشو
بخارست
صوفیا
دریای سیاه
اولان باتور
مغولستان
پکن
پیونگ یانگ
سئول
ژاپن
توکیو
جمهوری خلق چین
آنکارا
ترکیه
آتن
نیکوزیا
بیروت
دمشق
عمان
قدس
بغداد
تهران
ایران
کابل
افغانستان
اسلام آباد
کویت
قاهره
مصر
لیبی
عربستان سعودی
ریاض
مسقط
دریای عرب
دهلی نو
کاتماندو
تیمپو
داکا
هند
برمه
رانگون
خلیج بنگال
هانوی
وین تیان
تایلند
بانکوک
پنوم پن
دریای چین جنوبی
مانیل
فیلیپین
تایپه
اقیانوس کبیر
مدار راس السرطان
جزایر ماریانا
سرزمینهای
گوام
تحت الحمایه امریکا
جزایر کارولین
دراقیانوس کبیر
سودان
خرطوم
صنعا
عدن
جیبوتی
آدیس آبابا
اتیوپی
کلمبو
ماله
مالدیو
خط استوا
کوالالامپور
سنگاپور
برونئی
موگادیشو
کامپالا
کنیا
نایروبی
زئیر
ویکتوریا
جزایر چاگوس
سرزمینهای انگلیس در اقیانوس هند
تانزانیا
دارالسلام
مورونی
لیلونگوه
جاکارتا
اندونزی
دریای آرافورا
پاپوا گینه نو
پورت مورسبی
هونیارا
جزایر سلیمان
جزایر کوکوس
جزیره کریسمس
اقیانوس (استرالیا)
تاناناریو
رئونیون
پورت لوئی
موریس
مدار راس الجدی
دریای مرجان
کالدونیای جدید
مایوتو
ماسرو
استرالیا
هند
خلیج بزرگ استرالیا
کانبرا
دریای تاسمان
تاسمانی
ولینگتون
زلاند نو
جزایر پرنس ادوارد
جزایر کروزه (فرانسه)
جزایر کرگلن (فرانسه)
اقیانوس منجمد





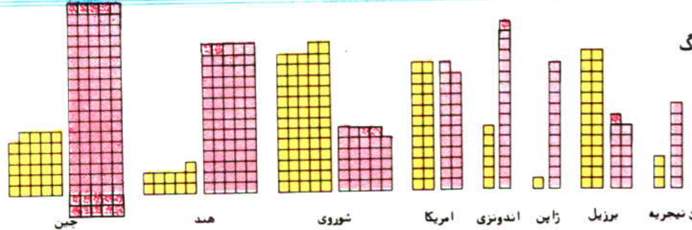
۱۵۰ ۱۲۰ ۹۰ ۶۰ ۳۰

جزایر ملکه الیزابت
السمر
دریای بوفورت
ویکتوریا
مدار قطبی شمال
جزیره بافین
خلیج بافین
گروئنلند
(دانمارک)
یان ماین
(نروژ)
ریکیاویک
ایسلند
آلاسکا
(امریکا)
خلیج آلاسکا
کانادا
خلیج هودسن
اتاوا
ایالات متحده امریکا
واشینگتن
جزایر برمودا
(انگلیس)
انگلستان
ایرلند
دوبلین
لندن
آمستردام
پاریس
فرانسه
مادرید
اسپانیا
پرتغال
لیسبون
جزایر آزور
جزایر مادیرا
جزایر کاناری
رباط
مغرب
الجزیره
الجزایر
العیون
موریتانی
نواکشوت
مالی
داکار
بانجول
باماکو
واگادوگو
کوناکری
فری تاون
مونرووبا
آبی جان
اکرا
خلیج گینه
سائوتومه
کیپ ورد
پرایا
اقیانوس اطلس شمالی
مدار راس السرطان
خلیج مکزیک
باهاما
ناسائو
هاوانا
کوبا
پرتوپرنس
سانتودومینگو
کینگستون
جامائیکا
دریای کارائیب
مکزیک
مکزیکو
بلموپان
گواتمالا
تگوسیگالپا
ماناگوا
سان خوزه
کستاریکا
پاناما
کاراکاس
ونزوئلا
جورج تاون
بوگوتا
کلمبیا
کیتو
اکوادور
خط استوا
جزایر گالاپاگوس
آمازون
برزیل
پرو
لیما
بولیوی
لاپاز
برازیلیا
آسونسیون
اسنشن
(انگلیس)
سنت هلنا
مدار راس الجدی
اقیانوس اطلس جنوبی
نصف النهار مبداء (گرینویچ)
اقیانوس کبیر شمالی
اقیانوس کبیر جنوبی
جزیره پیت کرن
(انگلیس)
ایستر
جزایر خوان فرناندز
(شیلی)
سانتیاگو
بوینوس آیرس
مونته ویدئو
اروگوئه
آرژانتین
شیلی
تریستان داکونا
(انگلیس)
جزایر فالکلند
(انگلیس)
جورجیای جنوبی
(انگلیس)
جزایر ساندویچ جنوبی
(انگلیس)
بووتویا
(نروژ)
۳۰
۰
۳۰
۶۰

نقشه‌سیاسی
جهان
مقیاس ۱:۹۵،۰۰۰،۰۰۰

مرزبین‌المللی

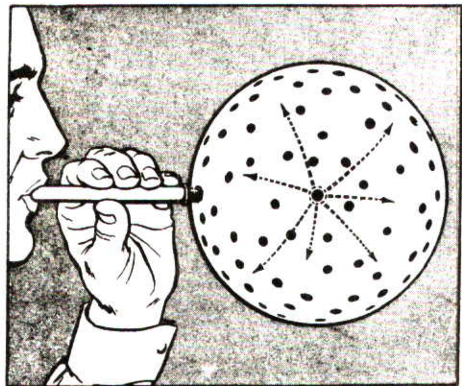
پایتخت



در همه فضای متناهی منتشر است .
با کشف پدیده حرکت بطرف قرمز ، کافی نبودن جهان ساکن مدلل شد و نظریه جهان انبساطی پایه گذاری گردید .
← جهان انبساطی

جهان انبساطی EXPANSIONAL UNIVERSE

با کشف پدیده حرکت بطرف قرمز ، نظریه ساکن بودن جهان که بر اساس فرضیه نسبیت اینشتین پایه گذاری شده بود جای خود را به نظریه جدید انبساطی بودن جهان واگذار کرد .
به موجب این نظریه ، سحابیها دارای حرکت عقب نشینی هستند و نه فقط از منظومه خورشیدی دور می‌شوند ، بلکه همه اعضای جهان از یکدیگر دور می‌گردند ، یعنی جهان در حال انبساط است .
بنابر نظریه جهان انبساطی ، جهان در آغاز جرم بسیار متراکمی بوده و سپس دستخوش انفجار و تلاشی گردیده است .
← انبساط جهان


جهان انبساطی

با دمیدن در یک بادکنک اجزاء و تصاویری که بر سطح آنست از هم دور می‌شوند . اجزاء و تصاویر سطح بادکنک را می‌توان به منزله ابری‌ها و کهکشان‌ها دانست که با انبساط جهان از هم دور می‌شوند .

جهان شناسی COSMOGONY

دانشی است که درباره منشاء پیدایش زمین و منظومه خورشیدی و دیگر جرمهای آسمانی گفتگو می‌کند .
حقیقت این است که تا کنون هیچکس بدرستی نتوانسته است چگونگی پیدایش زمین و دیگر سیارات و جرمهای آسمانی را شرح دهد و دانش امروز فقط به پیشنهاد فرضیه‌هائی چند اکتفا کرده است .
از جمله دانشمندانی که فرضیه‌های علمی در این زمینه ارائه کرده‌اند کانت ، لاپلاس ، شامبرلن ، جینز و واشمید را می‌توان نام برد .

جهانگردی TOURISM

مسافرت به منظور گردش ، سیاحت ، تفریح و بررسی‌های علمی از نقاط گوناگون جهان .
امروزه جهانگردی به عنوان یک صنعت در کشورهایی که آثار تاریخی و طبیعی و مراکز تفریحی مهم و دیدنی دارند ، از منابع عمده درآمد بشمار می‌رود .
در اینگونه کشورها برنامه ریزی‌های گسترده‌ای برای جلب و خوشایند جهانگردان صورت می‌گیرد .

جهان میهنی *(Jahān mihani)* COSMOPOLITAN

بررسی جهان (کره زمین) بدون توجه به ملیت‌ها و محدودیت‌های سیاسی و مرزی .

جهان نما WORLD MAP

عبارت مصطلحی است که برای نقشه‌های نمایش دهنده کلیه نقاط کره زمین بکار می‌رود . این نقشه‌ها ممکن است بصورت یکپارچه و در کادر مربع مستطیل باشد و یا اینکه بصورت دو نیمکره که مجموعاً "تمامی نقاط کره زمین را شامل می‌شود .
(تصویر در صفحه‌ ۱۲۶ – ۱۲۷)

جهت یابی DIRECTION FINDING

یافتن جهت شمال از نظر توجیه نقشه و راهپیمائی و موارد دیگر یکی از ضروریات بوده و این عمل به وسیله قطب‌نما و یا پیدا کردن ستاره قطبی و یا سایه آفتاب و امثال آن انجام می‌شود .

جهش *(Jahesh)* MUTATION

تغییر و دگرگونی و تحول ، بخصوص دگرگونی در یک ژن که در نسل‌های بعدی موجود زنده ایجاد تغییرات تازه‌ای می‌کند .
واژه جهش یا موتاسیون را هوگو دووری گیاه‌شناس هلندی به تغییرات سریع و ناگهانی که در روی یکی از گیاهان مورد مطالعه او ظاهر شده بود اطلاق نمود .
امروزه علمای زیست‌شناسی هر تغییری را که بطور ناگهانی و گسیخته در نزد موجودات زنده ظاهر شود جهش یا موتاسیون می‌نامند .

جیوه MERCURY

یا سیماب و یا زیبق . عنصر فلزی مایع نقره فامی است با علامت شیمیائی Hg .
این فلز با بیشتر فلزات دیگر آمیزه (آلیاژ) هائی بنام ملقمه بوجود می‌آورد .

این فلز در دمای متعارفی کمی فرار است و با ازدیاد یا کاهش دما منظما" منبسط و یا منقبض می‌گردد و بهمین جهت در ساختمان دما سنج‌ها بکار می‌رود .



PRINTING

چاپ *(Chāp)*
واژه هندی (فرهنگ معین) و یا به تعبیری واژه چینی (کتاب صنعت چاپ) به مفهوم نقش‌کردن نوشته‌ها و تصویرها روی کاغذ بوسیله ابزار و آلات مخصوص طبع.
قدیمی‌ترین نمونه چاپ در چین دیده شده است و نخستین اقدام بزرگی که در پیشرفت فن چاپ به عمل آمده، اختراع حروف قابل انتقال بین سال‌های ۱۰۵۱ و ۱۰۵۸ میلادی در همان کشور است. گوتنبرگ ظاهرا" بدون اطلاع از اختراع چینی‌ها در خلال سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۶۸ حروف قابل‌انتقال را اختراع کرد و از آن به بعد صنعت چاپ با سرعت در اروپا رواج پیدا کرد. پیشرفت صنعت چاپ تا سال ۱۸۰۰ میلادی تقریبا" در همان سطح گوتنبرگ باقی مانده بود. با اختراعات عمده‌ای که در طی قرن نوزدهم در صنعت چاپ به عمل آمد یکباره تحول عظیمی در این فن پدید آمد و ماشین‌هائی چون لاینو تایپ و مونو تایپ اختراع گردید.
امروزه بطور کلی سه طریقه در فن چاپ معمول است. الف‌ـ چاپ حروف برجسته ب ـ چاپ همسطح پ ـ چاپ گود یا گراوور

OFFSET PRINTING

چاپ افست
شیوه‌ای است در چاپ و تکثیر نقشه و غیره که بر اساس آن ابتداء تصویر مادر را بطور نمونه رسم کرده و بطریقه عکاسی آن را به اندازه دلخواه روی فیلم منعکس می‌کنند، سپس عوارض فیلم مزبور را به‌طریقه عکاسی و با استفاده از داروهای شیمیائی روی ورقه‌هائی از روی یا آلومینیم حساس شده منتقل ساخته و ورقه مزبور را به ماشین‌های چاپ می‌بندند و تصاویر را به‌کمک مرکب‌های مخصوص روی کاغذ منتقل می‌سازند.

TYPOGRAPHY

چاپ سربی *(Ch-e-sorbi)*
چاپ حروفی یا چاپ سربی یا چاپ برآمده را در آغاز ورود فن چاپ به‌ایران، به‌نام اروپایی آن، تیپوگرافی نیز می‌گفتند در طریقه چاپ حروفی نقوشی که اثر آنها باید بر صفحه کاغذ چاپ شود بالاتر از زمینه صفحه چاپ قرار دارد، و مستقیما" با کاغذ تماس پیدا می‌کند.
تا حدود سال ۱۹۰۵ تقریبا" در همه کارهای چاپی از طریقه چاپ حروفی استفاده می‌شد.

LITHOGRAPHY

چاپ سنگی
نوعی چاپ مسطح که در آن از سنگ چاپ استفاده می‌شود (در کارهای تجارتی به جای سنگ، صفحه‌های فلزی بکار می‌رود). در این سیستم تصویر را بصورت معکوس بر روی سنگ یا صفحه فلزی به کمک فنون شیمیائی طوری رسم می‌کنند که مرکب چاپ بوسیله قسمت‌های ترسیم شده جذب و توسط بخش‌های بدون تصویر دفع گردد. با گذاردن کاغذ روی سنگ و یا صفحه فلزی تصویر معکوس بطور مستقیم روی کاغذ منتقل می‌شود.

NOMADISM

چادر نشینی
نوع زندگی گروههای انسانی که مسکن ثابت ندارند و برحسب وضع مواد غذائی و چراگاه و یا عوامل دیگر مسکن خود را همواره تغییر می‌دهند.
زندگی چادر نشینی هنوز در مناطق وسیعی از آسیا و امریکا و افریقا وجود دارد، مانند چادر نشینان قره‌قیز در ترکستان و اعراب بدوی، رمه داران چادر نشین امریکا و ایل ماسایی در افریقا و یا ایل‌های چادر نشین ایران.

CHART

چارت
چارت یا کارت، نقشه ویژه‌ای است که برای ناوبری هوائی یا دریائی و یا مقاصد خاص دیگری مانند امور هواشناسی تهیه می‌گردد. از خصوصیات این گونه نقشه‌ها این است که علاوه بر اطلاعات اصلی که هر نقشه بایستی قاعدتا" دارا باشد حاوی دانستنی‌های ویژه‌ای است که بر متن نقشه اصلی افزوده شده است.
از انواع چارتها، چارت هوانوردی، چارت دریانوردی، چارت هواشناسی و چارت زمین شناسی را می‌توان نام برد.

چارچار *(Chār chār)*
مخفف چهار چهار، نام چهار روز آخر چله بزرگ و چهار روز اول چله کوچک.
← چله

چارسو *(Chārsu)*
۱ـ یا چهار سو به مفهوم چهار جهت شمال، جنوب، مشرق و مغرب.
۲ـ یا چهارسوک (چهار سوق)، محلی که چهار بازار از آن منشعب می‌گردد.

چارک *(Chārak)*
مخفف چهار یک یعنی یک چهارم در مقیاس وزن یا یک چهارم هر چیز.

در واحد وزن یک چارک معادل ده سیر است و طبق قانون اوزان مصوب ۱۳۰۴ هجری شمسی یک چارک برابر ۷۵۰ گرم است .

چالاب *(Chālāb)* POT HOLE

حفره‌ای که معمولا" در تخته سنگهای پای آبشارها بر اثر سائیدگی بوسیله شن و سنگریزه‌های موجود در آب پدید می‌آید .

چالان *(Chālān)* CIRQUE

← چالگاه

چالگاه *(Chālgāh)* CIRQUE

چاله ژرف و مدوری که دیوارهای پر شیب داشته باشد . چالگاهها که غالبا" در بستر یخچال‌های طبیعی قرار دارند در نتیجه فرسایش حاصله از برف و یخ پدید می‌آید . این عوارض گاه بتدریج وسعت یافته و با پر شدن آنها از آب ، دریاچه مدور و زیبائی را بوجود می‌آورند و برزیبائی کوهستان می‌افزایند .

چاله KETTLE

گودال و یا حفره‌ای که معمولا" از آب پر بوده و به سبب آب شدن یخ‌هائی که قبلا" در آن جا وجود داشته‌اند پدید آمده باشد .

چاودار *(Chāvdār)* RYE

غله‌ای که مخصوصا" در نواحی مرطوب مرکز و شمال اروپا کاشته می‌شود . در زمینهای کم قوت که گندم درآنها به عمل نمی‌آید حاصل می‌دهد و از دانه‌های آن آرد ونوشابه‌های الکلی مختلف مانند ویسکی و جین می‌سازند . دانه‌های آن همچنین به مصرف تغذیهٔ حیوانات می‌رسد . از چاودار یا گندم سیاه ، نان مخصوصی بنام نان سیاه تهیه می‌شود .

چاه WELL

حفره مصنوعی استوانه شکلی که به منظور رسیدن به سطح آبهای زیرزمینی و یا مصارف دیگر حفر شده باشد .

چاه آرتزین ARTESIAN WELL

← چاه جهنده

چاه جهنده *(Chāh-e-jahandeh)* ARTESIAN WELL

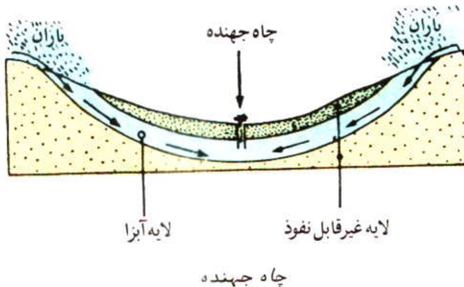
نوعی چاه که آب از آن بطور همیشگی فوران نماید . عملکرد این گونه چاهها بدین ترتیب است که آب موجود در لایه‌های پوسته زمین تحت تاثیر نیروی هیدرو استاتیک به سوی سوراخی بنام چاه که در زمین ایجاد شده فشار آورده و با جهیدن از آن خود را بسطح بالای پوسته زمین می‌رساند . اینگونه چاهها معمولا" در زمینهائی که گرداگرد آن را برجستگیها و ارتفاعات فرا گرفته و بصورت گودالی درآمده باشد دیده می‌شود .

در این گونه زمینها ، لایه‌های تراوش پذیری مانند سنگهای گچی در میان دو لایه تراوش ناپذیر مانند رس و امثال آن قرار گرفته و در نتیجه آب باران در قسمت سطحی لایه تراوش پذیر به درون زمین نفوذ کرده و در میان لایه مزبور انباشته می‌گردد و بدلیل غیر قابل نفوذ بودن لایه زیرین به قسمت میانی گودال از زیر فشار آورده و درصورت کندن چاهی از آن به بیرون می‌جهد . اگر مخزن آب در محل مناسبی قرار گرفته باشد آب از این چاه به بیرون جهیده و بدون اینکه به پمپ نیازی باشد بصورت چشمه‌ای جهنده در روی زمین نمایان می‌گردد .

گاهی اوقات از اینگونه چاههای جهنده در کرانه‌های دریا نیز دیده می‌شود که علت آن به شرح زیر است :

لایه‌ای از پوسته زمین که دارای خلل و فرج بوده و شیب آن بسوی دریاست اگر در کنار دریا بیک لایه دیوار مانند غیر قابل نفوذ برخورد نماید آب موجود در داخل خودرا پشت دیوار مزبور انباشته و کافی است باحفر چاهی که ژرفای آن متناسب با عمق لایه اشباع شده است ، آبهای انباشته شده را تحت فشار به بیرون پرتاب نماید . چاههای جهنده که عمق آنها اغلب از چند متر بیشتر نبوده و بندرت تا صد متر و گاهی بیشتر می‌رسد ، غالبا" آبادیها و تاسیساتی را در پیرامون خود در برداشته و آب آنها بیشتر به مصارف کشاورزی مناطق کم باران می‌رسد .

به این نوع چاهها چاه آرتزین نیز می‌گویند که کلمه آرتزین از واژه فرانسوی Artois نام منطقه‌ای که نخستین بار این گونه چاهها در آن حفر گردیده، اقتباس شده است .



چاه جهنده

چاهک SINK-HOLE/AVEN

گودال‌هائی که تحت تاثیر اسید کربنیک موجود در آب‌های

سطحی در مناطق آهکی و یا گچی و امثال آن پدید آمده و آب از درون آن‌ها به‌زیرزمین جریان یابد. چگونگی پیدایش این گونه عوارض بدین قرار است که دی اکسید کربن موجود در هوا با آب باران توام شده و به اسید کربنیک تبدیل می‌گردد و موجبات تحلیل رفتن سنگ‌های آهکی و امثال آن را فراهم می‌سازد.
این عارضه که غالبا" در زمین‌هائی به نام کارست دیده می‌شود معرف وجود غارهای زیر زمینی است.



چاهک

چای TEA
برگ بوته مخصوصی که آن را خشک کرده و بو می‌دهند و برای تهیه نوشیدنی چای بکار می‌برند.
هندوستان و چین از جمله بزرگترین تولید کنندگان چای هستند.
گیاه چای از رده دو لپه‌ای‌هاست و ممکن است به‌حالت خودرو نیز دیده شود.
ارتفاع چای خودرو گاه تا ۱۰ متر دیده می‌شود ولی نوع پرورشی آن بیش از ۲ متر بلند نمی‌گردد. محرکه چای تئین نام دارد.

چراگاه PASTURE
چراگاه علفزاری است که برای چرای چهار پایان اهلی اختصاص داده می‌شود.
پاره‌ای چراگاهها طبیعی هستند و برخی دیگر مصنوعی بوده و با دستکاری‌هائی چند آنرا آماده بهره‌برداری می‌سازند.

چراگشت *(Cherāgasht)* TRANSHUMANCE
جابجا شدن فصلی انسانها و دامها برای دستیابی به چراگاههای تازه را چراگشت می‌نامند.
چرا گشت بر سه نوع است:
الف ـ چراگشت کوهستانی، یعنی جابجائی از کوهستان به اعماق دره‌ها، در زمستان، و بر عکس حرکت از اعماق دره‌ها به ارتفاعات در تابستان.
ب ـ چراگشت مدیترانه‌ای، یعنی حرکت از سرزمینهای گرم و خشک به ارتفاعات در تابستان و بر عکس.
پ ـ چراگشت عشایری، یا حرکت از اراضی خشک و بی آب و علف به اراضی معتدل‌تر و پر آب و علف.
به چراگشت کوچ فصلی نیز گفته می‌شود.

چرام *(Charām)* PASTURE
یا چرامین، چراگاه، علفزار.

چرخش زمین ROTATION OF THE EARTH
چرخش زمین به گرد محور قطبین که به آن حرکت وضعی زمین گفته می‌شود. جهت این حرکت از باختر به خاور بوده و به عبارت دیگر به حرکت ظاهری روزانه خورشید و ماه و ستارگان که جهت آن از خاور به باختر است نیز تعبیر می‌گردد. یک دور چرخش کامل کره زمین که عبارت از فاصله زمانی میان دو عبور متوالی یک نصف النهار از مقابل یک ستاره معین است برابر ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹ ثانیه است، که به آن یک روز نجومی می‌گویند و زمان متوسط دو عبور پیاپی یک نصف‌النهار، از مقابل خورشید را که برابر ۲۴ ساعت است یک روز متوسط خورشیدی می‌نامند.
سرعت چرخش زمین در روی خط استواء، حدود ۱۶۷۰ کیلومتر در ساعت، و در قطبین برابر صفر است.
محور چرخش زمین، نسبت به مدار حرکت زمین به دور خورشید زاویه '۳۳°۶۶ تشکیل داده و همین انحراف محور، باعث بوجود آمدن کوتاهی و بلندی شبانه روز و همچنین فصول مختلف سال می‌باشد. (تصویر در صفحه ۱۳۷)

چرخه *(Charkheh)* CYCLONE
منطقه‌ای که فشار جو آن کم باشد چرخه یا سیکلون نام دارد.
قطر اینگونه مناطق میان ۸۰ تا ۴۰۰ کیلومتر بوده و بیشتر بر فراز دریای عرب و خلیج بنگال، و در عرض جغرافیائی ۶ تا ۲۰ درجه شمالی پدید می‌آید. فشار جو اینگونه مناطق دارای افت قابل ملاحظه‌ای بوده و از حدود ۹۶۵ میلی بار (۲۸/۵ اینچ) تجاوز نمی‌کند و حتی گاه تا حدود ۴۰ میلی بار پائین می‌آید.
قطر مرکز این منطقه که به آن چشم چرخه می‌گویند حدود ۲۰ کیلومتر است و در پیرامون آن بادهای شدید و وحشتناکی با سرعت حدود ۱۲۰ تا ۲۸۰ کیلومتر در ساعت به صورت گردباد می‌وزد و بارانهای سیل آسا همراه با رعد و برق را

در پی دارد و برای کشتیرانی تهدید کننده و خطرناک است . مرکز چرخه را فروبار نیز می‌گویند .

چرخه استوائی TROPICAL CYCLONE
← چرخه مدارگانی

چرخه زائی *(Ch-zā'i)* CYCLOGENESIS
عوامل جوی که از منابع گرم محلی متاثر شده و منجر به وقوع توفان‌های شدید مناطق حاره بر فراز اقیانوس‌ها گردد .

چرخه مدارگانی TROPICAL CYCLONE
(Ch-ye-madārgāni)
منطقه کم فشاری که از نظر وسعت نسبتا" محدود و کوچک بوده و با توفانهای وحشتناک همراه باشد . منشاء این پدیده ناحیه استوائی بوده و با گردبادهای شدیدی که بدور نقطه مرکزی بنام چشم توفان در چرخشند توام است . قطر نقطه مرکزی اغلب حدود ۳۰ کیلومتر و وسعت چرخه گاه به ۱۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد . این توفان که چرخه استوائی نیز گفته می‌شود با ابرهای تیره و تار وبارانهای استوائی و رعد و برق توام است .

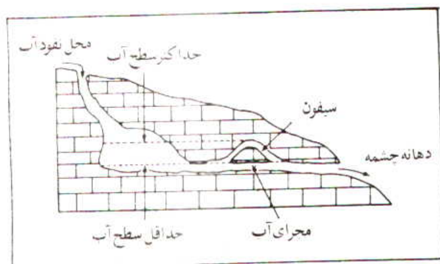
چسبنده *(Chasbandeh)* VISCOUS
مواد گداخته‌ای که دمای ذوب آن خیلی بالا باشد . اینگونه مواد بسرعت سرد و منجمد شده و از محل خروج دورتر نمی‌روند .

چشم انداز طبیعی NATURAL LANDSCAPE
چهره طبیعی و بکر و دست نخورده زمین .

چشم توفان HURRICANE EYE
ناحیه مرکزی توفند که منطقه‌ای است به وسعت ۲۰ تا ۶۰ کیلومتر . در این منطقه بادهای آرام و ملایم وزیده و پیرامون آن را منطقه توفانی فرا گرفته است . فشار جو در این منطقه حدود ۹۶۵ میلی بار است . (تصویر در صفحه ۱۳۴)

چشمک زدن SCINTILLATION
تلالو متناوب ستارگان ثابت که ناشی از عبور نور آن‌ها از جو زمین و بادها و انقلابات جوی و تداخل اشعه نورانی است .

چشمه *(Cheshmeh)* SPRING
محل جوشیدن و جریان یافتن دائمی یا موقت آب از درون زمین به خارج را چشمه می‌گویند . این عارضه از نفوذ آب باران به زیر پوسته زمین و انباشته شدن آن در روی یک لایه نفوذ ناپذیر و بالاخره خروج آن از نقطه‌ای بنام دهانه چشمه پدید می‌آید . از جمله چشمه‌ها آبفشان، چشمه آب گرم چشمه آب معدنی ، و چشمه‌های آتشفشانی را می‌توان نام برد .

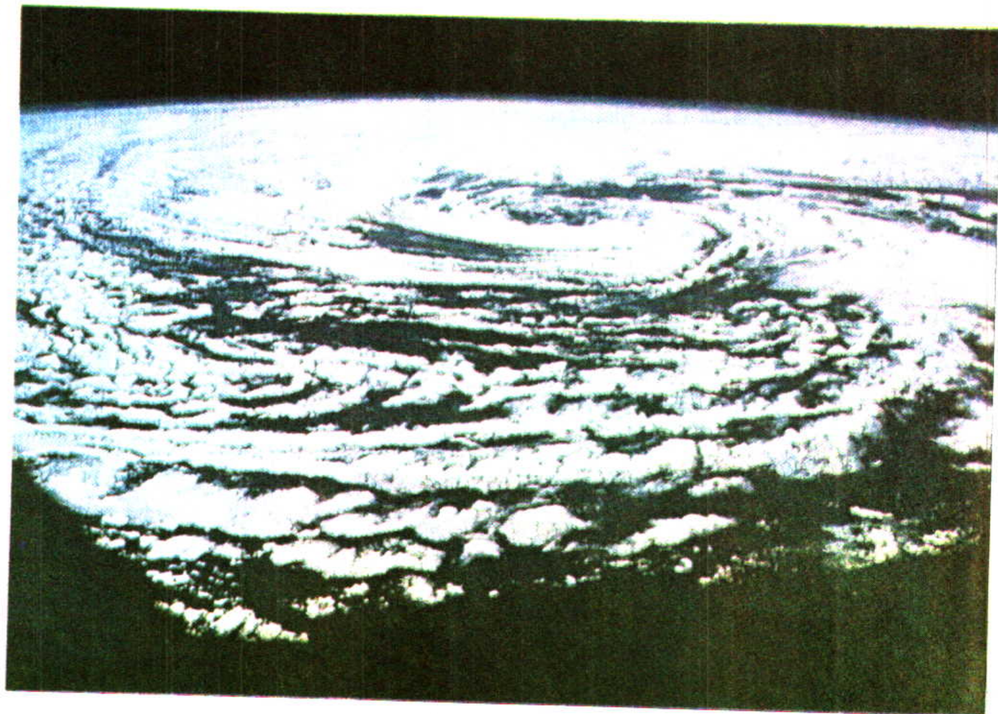


چشمه

چشمه آب گرم HOT SPRING
چشمه آب گرم عبارت از آبی است که پس از گرم شدن در مجاورت مواد گداخته درونی به بیرون پوسته زمین تراوش نماید . چشمه‌های آب گرم معمولا" خاص مناطق آتشفشانی بوده و اغلب مقدار زیادی املاح و گازهای مختلف همراه با آب این چشمه‌ها ، به سطح زمین آورده میشود و آب بعضی از چشمه‌ها از اعماق زمین سر چشمه می‌گیرد و پس از عبور از شکافها به سطح زمین میرسد . بنابر این در پیدایش این دسته از چشمه‌ها که بیشتر چشمه‌های معدنی گرم نیز جزء آن است ، وجود شکستگی ، و گسل‌ها . موثر است، که عامل خروج آب بشمار میرود .
درجه حرارت این چشمه‌ها متفاوت است و گاهی به ۱۰۰ درجه نیز میرسد .
عمق چشمه‌های آب گرم محدود است زیرا بطوریکه میدانیم، درجه حرارت زمین با عمق افزایش پیدا میکند .
چشمه‌های آب گرم نیز تا مدتها بعد از فعالیت‌های آتشفشانی جریان دارند . آب پاره‌ای از این چشمه‌ها ، دارای خاصیت درمانی است . ← آبفشان

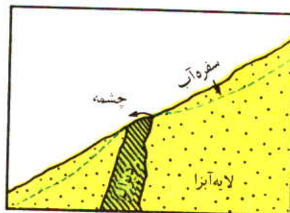
چشمه آب معدنی MINERAL SPRING
چشمه‌ای که املاح معدنی قابل توجهی (به جز کربنات کلسیم و یا سولفات کلسیم) به صورت محلول داشته باشد . انواع چشمه‌های آب معدنی عبارتند از :
الف ــ چشمه نمکی که حاوی املاح نمکی است .
ب ــ چشمه گوگردی ، که حاوی محلول ئیدرژن سولفوره است.
پ ــ چشمه آب آهن دار ، که حاوی محلول ترکیبات آهن است.
املاح موجود در چشمه‌های آب معدنی اغلب خاصیت درمانی دارند .

چشمه خیز *(Ch-Khiz)*
جایی که استعداد جاری ساختن چشمه آب را دارد .



چشم توفان

چشمه دیوالی *(Ch-ye-divāli)* DYKE SPRING
چشمه‌ای که از کناره یک دیوال به بیرون بجوشد. پدید آمدن این گونه چشمه‌ها بدین نحو است که وقتی یک دیوال غیر قابل نفوذ (مثلا " از جنس بازالت) در میان یک لایه آبزا قرار گیرد. آب موجود در میان خلل و فرج لایه مزبور را بسوی خارج هدایت کرده و چشمه‌ای را بوجود می‌آورد.



چشمه دیوالی

چشمه سار SPRINGS
زمینی که در آن چشمه بسیار باشد. معمولا "این گونه زمین‌ها که نوعی آبخیز هستند سرچشمه رودخانه‌ها محسوب می‌گردند.

چشمه گسلشی *(Ch-ye-gosaleshi)* FAULT - SPRING
چشمه‌ای که در امتداد یک گسله پدید آمده باشد، علت پدید آمدن این گونه چشمه‌ها ایجاد شکست میان چینه‌های آب زا و نا آبزاست.

چشمه‌های مجزا DISCRETE SOURCE
نواحی کوچکی (تقریبا " نقطه‌ای) در آسمان که از آنها امواج الکترومغناطیسی بسیار شدیدی در فرکانسهای رادیویی به زمین می‌رسد. این نقاط را سابقا "ستارگان رادیویی می‌نامیدند.

چغندر BEETROOT
گیاهی یکساله یا دو ساله یا دائمی، از تیره اسفناجیان که در ریشه‌های ضخیم آن مواد غذائی بسیاری اندوخته می‌شود. مهمترین قسم آن "چغندر قند" است که به سبب قند موجود در ریشه‌هایش کاشته می‌شود و در نواحیی که دما برای کشت نیشکر کافی نیست عمده‌ترین منبع تهیه قند می‌باشد.

چکاد *(Chakād)* SUMMIT
بلندترین نقطه یا مرتفع‌ترین سطح یک کوه و یا هر عارضه که به آن قله نیز می‌گویند.

چگالی (Chagāli) SPECIFIC GRAVITY

چگالی یک ماده متجانس نسبت به ماده‌ای که مبنای مقایسه اختیار شده است عبارتست از نسبت جرم حجمی از این ماده به جرم همان حجم از ماده مبنای مقایسه.

چون چگالی جامدات و مایعات را نسبت به آب می‌سنجند. پس اگر چگالی ماده‌ای ۵ باشد، یک سانتی‌متر مکعب آن ۵ گرم جرم دارد، زیرا حرم مخصوص آب یک گرم در یک سانتی متر مکعب است.

چگالی گازها را معمولا " نسبت به هوا یا ئیدرژن می‌سنجند.

چگالی جمعیت DENSITY OF POPULATION

میانگین تعداد نفراتی که در یک واحد سطح (مانند یک کیلو متر مربع) از یک کشور یا یک منطقه و مانند آن زندگی می‌کنند. بر این اساس میزان تراکم جمعیت در پاره‌ای از کشورهای جهان در سالهای اخیر به قرار زیر بوده است:

الف ـ تراکم زیاد

هلند ۳۴۸ نفر در کیلومتر مربع

بلژیک ۳۲۳ نفر در کیلومتر مربع

ژاپن ۳۱۵ نفر در کیلومتر مربع

ب ـ تراکم کم

ایران ۳۵ نفر در کیلومتر مربع

نروژ ۱۳ نفر در کیلومتر مربع

استرالیا ۲ نفر در کیلو متر مربع

علاوه بر نمونه‌هائی که در بالا اشاره شد، پاره‌ای واحدهای کوچک به دلیل داشتن شرایط خاص دارای تراکمی به مراتب بیشتر و یا کمتر از نمونه‌های مزبور هستند از جمله نمونه‌های تراکم فوق‌العاده زیاد موناکو، سنگاپور، هونگ کونگ و از جمله نمونه‌های تراکم فوق‌العاده کم، اسپیتز برگن را می‌توان نام برد.

چگالی سنج DENSITOMETER

اسبابی که برای تعیین چگالی و جرم مخصوص مایعات بکار می‌رود.

این دستگاه شیشه‌ٔ نازکی است که دو سرش بسته است، و یک استهایش به مخزنی منتهی می‌شود که محتوی جیوه یا ساچمه است تا موقعی که اسباب در مایع مورد آزمایش شناور می‌شود بطور قائم قرار گیرد. لوله را چنان درجه بندی می‌کنند که درجه‌ی محاذی یا مقابل سطح مایع چگالی مایع را نشان دهد.

چلّه (Chelleh)

مخفف چهله، دوره‌ٔ چهل روزه‌ای که از یک رویداد معین بگذرد.

در اصطلاح عامه چهل روز اول فصل تابستان را چلّه‌ی تابستان و چهل روز اول فصل زمستان را چلّه‌ی زمستان یا چله‌ٔ بزرگ و دوره‌ٔ ۲۰ روزه از دهم بهمن تا آخر بهمن را چله‌ٔ کوچک می‌گویند.

چلیک (Chelik) BARREL

۱ـ واژه ترکی به معنی ظرفی از چوب که دو قاعده آن بشکل دو دایره مسطح است و معمولا " میان آن بر آمده و طولش بیشتر از عرض آن است. چلیک را قاعدتا " با تخته‌هائی که حلقه‌های فلزی آنها را محکم کنار یکدیگر نگاه می‌دارند ساخته می‌شود.

چلیک برای حمل مایعات و پاره‌ای مواد خشک مانند گچ، سیمان و غیره بکار می‌رود.

۲ـ به عنوان واحد ظرفیت، هر چلیک که به آن بشکه نیز می‌گویند برابر است با ۳۰ گالن امپریال و ۴۲ گالن امریکایی یا حدود ۱۵۹ لیتر.

هر تن مواد نفتی برابر است با ۷ تا ۸ چلیک.

چم (Cham)

واژه فارسی به معنی پیچ و خم که بیشتر در اصطلاحات جغرافیایی بکار می‌رود مانند راه هزار چم (هزار پیچ و خم) در پاره‌ای نقاط کشور از واژه چم به مفهوم سر پیچ رودخانه نیز استفاده می‌شود.

چماب (Chamāb) MEANDER

قوسی از یک رودخانه مارپیچ را چماب می‌گویند. میزان آب ـ شوئی، در قسمتهای کاو (مقعر) چماب قابل ملاحظه بوده و بر عکس موادی که در قسمتهای کوژ (محدب) چماب رسوب می‌کند نیز در خور توجه است. در نتیجه این تغییرات دیواره‌های قسمت مقعر چماب شیب تند و قائمی داشته و بر ژرفای بستر رودخانه می‌افزاید در حالیکه ته نشست‌های قسمت محدب بستر رودخانه را بالا آورده و شیب دیواره‌های آن را ملایم می‌سازد.

گاهی اوقات چماب بشکل دایره کاملی در آمده و عارضه‌ای بنام دریاچه طوقی Ox-Bow-Lake پدید می‌آورد. به این عارضه چم نیز گفته می‌شود. (تصویر در صفحه‌ٔ ۱۳۶)

چماب کند (Ch-Kand) INCISED MEANDER

یک چماب قدیمی که بر اثر باز فرسائی عمیق شده باشد. این عمل ممکن است به دو صورت زیر انجام شود:

الف ـ ژرف بری که در واقع نوعی فرسایش قائم است و طی آن بستر چماب طوری بریده می‌شود که بر شیب دیواره‌ها افزوده شده و شکل نیمرخ عرضی آن متقارن می‌گردد.



چماب

ب ـ پهلو بری که در واقع نوعی فرسایش جانبی است وطی آن بر شیب یک دیواره نسبت به دیواره دیگر افزوده شده و نیمرخ عرضی آن نامتقارن می‌گردد .

WOOD

چوب

در گیاهشناسی ، ماده‌ای سخت و الیاف‌دار که بوسیله کامبیوم ساخته می‌شود و بخش اعظم قسمت زیر پوست تنه و شاخه‌های درختان را تشکیل می‌دهد .

از نظر تجارتی چوب‌ها را به دو دسته نرمچوب و سختچوب تقسیم می‌کنند .

CARDINAL POINTS

چهار جهت اصلی

افق هر نقطه ، مدار آن محل را در دونقطه ، ونصف‌النهار آن محل را نیز ، در دو نقطه قطع می‌کند بطوریکه خط‌واصل میان دو نقطه اول بر خط‌واصل میان دو نقطه دوم عمود است .

از دو نقطه اول ، آن که در سمت طلوع خورشید است ، مشرق یا خاور ، و آنکه در سوی مقابل آن واقع شده ، مغرب یا باختر می‌گویند . از دو نقطه دوم آنرا که در طرف چپ شخصی که رو به خاور ایستاده است ، شمال ، و نقطه دیگر را که در مقابل آنست ، جنوب می‌نامند .

FOUR ELEMENTS

چهار عنصر

فلاسفه یونان باستان اساس ساختمان عالم افلاک را بر پایه چهار عنصر آب ، آتش ، هوا و خاک می‌دانستند و همه چیز را ساخته از آن‌ها می‌پنداشتند و برای هر عنصر طبع خاصی قائل بودند مثلا " آتش را گرم و خشک ، هوا را تر و گرم ، آب را تر و سرد و خاک را خشک و سرد می‌دانستند .

FOLD

چین *(Chin)*

تاخوردگی چینه‌های زمین ، که بر اثر حرکات پوسته زمین ایجاد شده باشد . درصورتیکه فشار وارده از جنبش‌های زمین کم باشد ، چین ملایم بوده و هنگامیکه فشار زیاد باشد تا خوردگی بشکل قوسی تند درآمده و در مقابل دو سر چینه بهم نزدیک می‌شود .

FAN - FOLDING

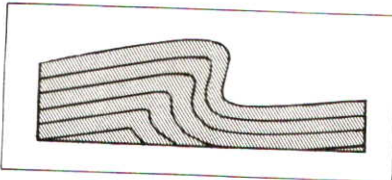
چین بادزنی *(Ch-e-bādzani)*

یک تاقدیس شکنجی که تا خوردگی‌های آن متوجه یک نقطه مرکزی شده و بیک باد بزن دستی شباهت پیدا کرده باشد .

OVERFOLD

چین برگشته

یک تاقدیس متقارن ، که تحت تاثیر نیروهای قابل توجهی کاملا " تحت فشار یا تا خوردگی قرار گرفته باشد .



چین برگشته

MONOCLINAL FOLD

چین تکشیب *(Ch-e-takshib)*

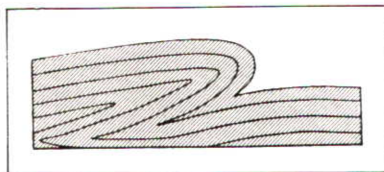
گونه‌ای چین یا تاخوردگی که فقط یک پهلو بشکل آرنج داشته باشد و یا چینی که یک لبه آن شیب‌دارتر از لبه دیگر باشد .

RECUMBENT FOLD

چین خوابیده

نوعی تا خوردگی از گونه چین برگشته که محور آن در یک

صفحه قائم واقع شده باشد .



چین خوابیده

چین خوردگی PLISSEMENT

تحول و تغییر شکلی که در شکل طبقات زمین براثر فشارهای جانبی و جنبش‌های کوهزائی حاصل می‌شود و نتیجه‌اش تشکیل پستی‌ها و بلندی‌ها و واریختگی و عدم نظم طبقات قبلی است .

چینوک CHINOOK

باد گرم و خشک از نوع فون (Fohn) که در امتداد شرقی کوههای راکی درکانادا و ایالات متحده می‌وزد. این باد اهمیت اقتصادی مهمی مخصوصاً در نواحی روستایی جنوبی کلرادو در جنوب ایالات متحده تا شمال رودخانه مکنزی در کانادا دارد . وجود باد قوی و همیشگی چینوک به این معنی است که زمستان ملایم در پیش است ونوزیدن آن ، زمستان سخت و دشواری را نوید می‌دهد .

چینه *(Chineh)* STRATUM

لایه مشخصی از پوسته‌زمین مانند لایه‌ای از سنگهای رسوبی که ضخامت آن بین چند سانتیمتر تا چند متر باشد .
به عبارت دیگر چینه عبارتست از : لایه‌ای از سنگ که سراسر آن کمابیش یکسان و نسبت به لایه‌های فوقانی و تحتانی آن مشخص باشد .

چینه بندی STRATIFICATION

ته نشین شدن و انباشته گردیدن مواد رسوبی بصورت یک لایه یا چینه .
پاره‌ای دانشمندان زمین شناس از این واژه به مفهوم سنگ‌هائی که بصورت لایه لایه و یا مطبق در آمده باشد نیز استفاده می‌کنند .

چینه سازی STRATIFICATION

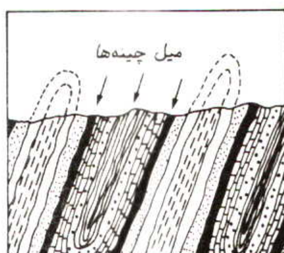
← چینه بندی

چینه شناسی STRATIGRAPHY

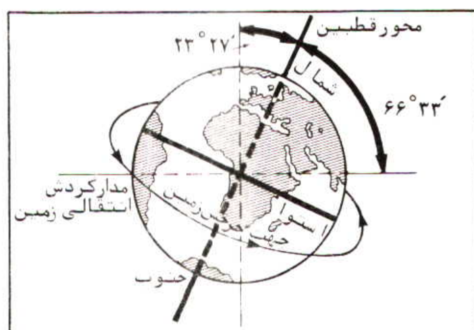
شاخه‌ای از علم زمین شناسی بنام چینه شناسی که در باره چگونگی پیدایش ، ترتیب توالی ، ساختمان ، سنگواره‌ها و سنگ شناسی لایه‌ها و چینه‌های پوسته زمین بررسی می‌کند .

چین همخواب ISOCLINE

نوعی تا خوردگی چینه‌های زمین ، که تاخوردگی‌ها کاملاً بهم چسبیده و متراکم بوده باشد و یا بعبارت دیگر چینی که دو پهلوی آن ، هم شیب و موازی هم باشد .



چین همخواب



چرخش زمین



حاکمیت SOVEREIGNTY

قدرت ناشی از آزادی و استقلال یک دولت مستقل. بطورکلی دولتهای مستقل می توانند با اعمال حق حاکمیت، روابط خارجی و امور داخلی خویش را بر وفق تمایلات خود تنظیم نمایند. اگر حق حاکمیت در دست فرد واحدی باشد، حکومت را حکومت مطلقه و اگر در دست طبقه معدودی باشد حکومت را اولیگارشی واگر در اختیار همه مردم باشد حاکمیت را دموکراسی می نامند.

حبوبات GRAINS

جمع "حبوب" و جمع در جمع "حب" یا "حبه" که به دانه‌های نباتات از قبیل دانهٔ عدس، نخود و لوبیا، باقلا، ماش و مانند آن اطلاق می‌گردد. ← بنشن

حجم مخصوص SPECIFIC VOLUME

حجم واحد جرم یک ماده در دما و فشار معین که از تقسیم حجم بر جرم بدست می‌آید و در مقابل جرم مخصوص قرار دارد.

حرارت TEMPERATURE

← دما

حرارت اتمی ATOMIC HEAT

حاصل ضرب وزن اتمی یک عنصر در حرارت مخصوص آن. حرارت اتمی یک عنصر برابر است با مقدار حرارتی که باید به یک اتم ـ گرم آن داد تا دمای آن یک درجه صد بخشی بالا رود.

حرارت سنج THERMOMETER

← دماسنج

حرارت نگار THERMOGRAPH

← دمانگار

حرکات خشکیزائی EPEIROGENESIS MOTIONS

(Harakāt-e-khoshkizā'i)

← خشکیزائی

حرکت MOTION

تغییر وضع یک جسم نسبت به جسم یا دستگاهی که ماٴخذ گرفته شده باشد، هنگامیکه جسم نسبت به دستگاه ماٴخذ در حرکت نباشد، گویند نسبت به آن دستگاه ساکن است. بنابراین تعریف حرکت و سکون اموری نسبی است و بدون ذکر دستگاه ماٴخذ معنا و مفهومی ندارد.
به عبارت دیگر، حرکت تغییر موقعیت یک نقطه نسبت به یک مبنای مقایسه یا یک سیستم مختصات است.
یک جسم در روی سطح زمین ممکن است نسبت به یک عارضه مثل جاده در حال حرکت باشد. در این صورت جاده مبنای سکون و حرکت جسم نسبت به آن سنجیده می شود. اما می دانیم که جاده که خود بخشی از پوسته زمین در حال چرخش است. بنابراین حرکت جسم مزبور می تواند نسبت به مرکز زمین که یک معیار سکون جدید خواهد بود مقایسه شود.
از آنجائیکه مرکز زمین نیز به نوبه خود در منظومه شمسی در حال حرکت و جابجائی است لذا توصیف حرکت جسم نسبت به مرکز زمین نیز خود با مشکلاتی مواجه خواهد بود.

حرکت انتقالی زمین

ANNUAL MOTION OF THE EARTH

← گردش سالیانه زمین

حرکت بطرف قرمز RED SHIFT

جابجا شدن خطوط عادی طیف جذبی بطرف انتهای قرمز طیف. در طیف نور ستارگان، سحابیها و سایر اجرام آسمانی نورانی، این پدیده را بنابر اصل تاثیر داپلر توجیه می‌کنند، که به موجب آن در طیف نور یک منبع متحرک، طول موجهای آن نور بر حسب اینکه منبع به شخص نزدیک و یا از او دور شود، کوتاه یا بلند می‌شوند. بنابر اصل مذکور جابجا شدن خطوط طیف بطرف ناحیه قرمز حاکی از دور شدن منبع از ماست. این جابجائی در طیف کهکشانه‌ها مشاهده می شود و از اینجا نتیجه‌گیری می شود که کهکشانه‌ها از ما دور می‌شوند و جهان در حال انبساط است.
← جهان انبساطی

حرکت پوسته‌ای CRUSTAL MOVEMENT

جنبش بخش‌های خارجی پوسته جامد زمین بر اثر زمین لرزه و مانند آن.

حرکت تقدیمی PRECESSION OF THE EQUINOXES

← تقدیم اعتدالین

حرکت روزانه DIURNAL MOTION

حرکت وضعی ظاهری کره آسمان. ظاهرا "کره آسمان در شبانروز یک بار بدور یکی از اقطار خود بنام محور عالم از خاور به باختر می‌گردد و تمام ستارگان را با خود می‌برد. مسیر نقاط کره آسمان در این حرکت موسوم به مدار گردش روزانه است. در حرکت روزانه هر نقطه از کره آسمان در ۲۴ ساعت به‌اندازه ۳۶۰ درجه می‌گردد. به اینگونه حرکت، حرکت ظاهری می‌گویند.

حرکت ظاهری APPARENT MOTION

← حرکت روزانه

حرکت وضعی زمین ROTATION OF THE EARTH

← چرخش زمین

حزب PARTY

گروه سازمان یافته‌ای که تمایل و گرایشی واحد برای یک عمل سیاسی دارد و یا دسته‌ای از مردم که دارای مسلک خاصی باشند.

حشره INSECT

هر یک از جانوران بندپا که دارای دستگاه تنفس‌هوائی، سر متمایز، سینه و شکم مشخص، ۳جفت پا و یک جفت شاخک هستند. حشره‌ها که قدیمی‌ترین ساکنان کره زمین هستند، حدود $\frac{9}{10}$ تمام حیوانات را تشکیل می‌دهند. طبق برآوردهائی که بعمل آمده، خسارت ناشی از حشرات سالانه به حدود ۳ میلیون دلار تخمین زده شده است. هر چند حشرات در پاره‌ای موارد مضر هستند، ولی در گرده افشانی مفیدند و پاره‌ای از آنها حشرات مضر را از میان می‌برند و بعضی دیگر غذای عمده ماهیان، خزندگان، مرغان و برخی پستانداران را تشکیل می‌دهند.

حصار FORT

۱ــ دیوار دور قلعه ۲ــ بارو ۳ــ قلعه یا دژ ۴ــ پناهگاهی که شخص را از دشمن نگاه دارد. ۵ــ هر جای محصور و دیوار دار.

حضیض PERIGEE

نقطه‌ای از گردشگاه یا مدار ماه یا ماهواره بدور زمین، که کمترین فاصله از کره‌زمین را داشته‌باشد. هنگامیکه کره ماه در حضیض قرار می‌گیرد. فاصله آن از زمین، حدود ۳۵۶۰۴۱۰ کیلومتر است.

← اوج

حفاظت محیط زیست CONSERVATION

نگهداری و حفاظت منابع طبیعی (خاک، گیاه، جانوران) از خطر ویرانی و نابودی با اعمال کنترل و مدیریت.

حفره DEPRESSION/DITCH

یا مغال ← گودال

حفره‌های شهابی METEOR CRATERS

بر اثر برخورد شهابسنگ‌ها به سطح زمین، حفره‌هائی ایجاد می‌گردد که به آن حفره شهابی می‌گویند. ← سنگ آسمانی

حقابه

مقدار آبی که یک ملک یا یک مزرعه و یا یک شخص از یک رودخانه یا نهر عمومی و یا چاه و امثال آن مالک است.

حق الشرب

بهای آب رودخانه‌ها، قنات‌های دولتی و امثال آن که به کشاورزان فروخته شود. حق الشرب نرخ ثابتی نداشته و بر حسب زمان و مکان متغیر بوده است.

حق پناهندگی RIGHT OF ASYLUM

پناهنده سیاسی فردی است که به دلیل ترس از دستگیری در محل زندگی خود، از آنجا خارج شده و به جلب حمایت سیاسی



حفره شهابی

از کشور دیگر می‌بردارد . امروزه هرکشوری می‌تواند به‌هر فردی در داخل سرزمین خود ، حمایت سیاسی یا حق پناهندگی اعطاء کند .

حق وتو VETO

← وتو

حقوق RIGHTS

مجموعه قوانین و قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است و نیز نام علمی که از این حقوق بحث می‌کند . این تعریف ناظر به حقوق موضوعه یا وضعی است که در خور اوضاع و احوال زمان یا مکان خاص بوسیله انسان وضع یا شناخته می‌شود . و لهذا فقط با بقای شرایط و خصوصیات موجود درزمان وضع یا شناسائی آنها قابل اجرا است .

حکومت GOVERNORSHIP

چگونگی وروش اداره یک‌کشور یاواحد سیاسی راحکومت می‌نامند . دو روش عمدهٔ حکومت عبارت است از پادشاهی یا سلطنت و جمهوری .

در حکومت سلطنتی معمولا " شخص اول مملکت بدون دخالت مستقیم و موثر مردم و بصورت وراثت خانواده‌ای تعیین می‌شود . در حکومتهای جمهوری ، رئیس کشور (رئیس جمهور) به‌انحاء مختلف توسط مردم انتخاب می‌شود . حکومتهای سلطنتی که در آنها اختیار پادشاه توسط قانون اساسی محدود شده‌است ، "مشروطهٔ سلطنتی" نامیده می‌شوند .

حلقه کربن CARBON CYCLE

فرایندهایی که‌موجودات‌زنده‌بوسیلهٔ آنهاکربن‌انیدریدکربنیک جو را در سوخت و ساز خود به مصرف می‌رسانند . این حلقه مشتمل است بر ساخته شدن ئیدرات‌های کربن درگیاهان به وسیله عمل فتوسنتز ،ازکربن انیدریدکربنیک وآب در مجاورت کلروفیل به‌کمک اشعه خورشید ، تبدیل ئیدرات‌های‌کربن‌گیاهی در بدن حیوانات به موادی که برای ساختمان بدن و اعمال حیاتی آنها لازم است ، و تباهی اجساد و فضولات حیوانی به کمک باکتریها و بازگشتن انیدرید کربنیک به جو .

حلول (Holul) TRANSITION

← تحویل

حمل (Hamal) ARIES

نخستین صورت فلکی در منطقه‌البروج‌واولین برج‌از برجهای دوازده‌گانه سال مطابق با فروردین ماه تقویم رسمی ایران . حدود ۲۰۰۰ سال پیش نقطه برابران بهاری در این صورت قرار داشت ، ولی به علت تقدیم اعتدالین حالیه‌در صورت حوت جای دارد .

صورت حمل از سیزده ستاره تشکیل یافته است .

← برج

حمل و نقل TRANSPORTATION

← ترابری

حوّاء (Havvā') OPHIUCHUS/SERPENTARIUS

صورت فلکی واقع در جنوب جاثی علی رکبتیه که به صورت مردی که ماری در دست دارد تصویر شده است .

حوت (Hut) PISCES

دوازدهمین صورت فلکی در منطقةالبروج‌و دوازدهمین‌برج . در زمان ما نقطه برابران بهاری به سبب تقدیم اعتدالین در این صورت واقع است .

حوت جنوبی PISCIS AUSTRALIS

یکی از صورتهای فلکی که ستاره درخشان فم الحوت جزو آن است .

حوض POND

گودالی که بطور مصنوعی حفر شده و بدنه‌آن را با سیمان و یا مصالح دیگر اندود کرده باشند تا از رفتن آب آن جلوگیری شود و برای مدتی آب در آن نگهداری گردد . معمولا " آب این گونه حوض‌ها را از باران تامین می‌کنند و برای دامداری و مانند آن بکار می‌رود .

در نواحی کویری و گرمسیری برای جلوگیری از تبخیر آب ، حوض‌ها را به صورت سر پوشیده می‌سازند .

حوضه BASIN

الف ــ منطقه‌ای که چینه‌ها و لایه‌های سطح زمین ، رو بسوی نقطه‌ای بنام نقطه مرکزی نشست کرده و گودالی را به صورت گنبد وارونه بوجود آورده باشد .

ب ــ آبگیر یک رودخانه و شاخه‌هائی که‌به‌آن ملحق می‌شوند .

پ ــ منطقه‌ای که بوسیله آب یک دریاچه فرا گرفته شود . به این واژه آبگیر نیز گفته می‌شود .

حومه SUBURB

بخش‌های پیرامون مناطق مسکونی یک شهررا حومه می‌گویند .

حیوان ANIMAL

← جانور



خار بست *(Khār bast)* HEDGE OF THORNS
دیوار کوتاهی که از خار و خاشاک بدور مزرعه و یا باغی کشیده باشند .

خار بیشه THORN FOREST
بوته زار متراکمی از درختان کوچک و بوته‌های خار ، که بیشتر در مناطق گرم و کم باران دیده می شود .

خار زار ESPINAL
منطقه‌ای که از بوته‌های خار پوشیده شده باشد .

خارستان HEATHLAND
← خلنجزار

خاصیت مغناطیس زمین TERRESTRIAL MAGNETISM
← آهنربائی زمین

خاک SOIL
لایه نازکی از پوسته زمین ، که از خرد شدن سنگ‌ها بوجود آمده و از مواد معدنی ترکیب یافته باشد . در این قسمت از پوسته زمین ، آب و مواد آلی و هوا و پاره‌ای موجودات زنده دیده می شود .
سنگهای سفت و سخت موجود در سطح زمین ، در نتیجهٔ تاثیر عوامل فیزیکی به مرور زمان خرد می شوند ، این مواد که از تخریب سنگ حاصل شده ، به صورت طبقه‌ای کم و بیش ضخیم ، قسمت زیرین سنگ اولیه را که هنوز تحت تاثیر عوامل خارجی واقع نشده است می‌پوشاند .
خاک قسمت سطحی پوسته زمین است که در اثر عوامل فیزیکی و شیمیایی و حیاتی بوجود می‌آید . پس تنها سنگ نیست که خاک را بوجود می‌آورد ، بلکه در تشکیل خاک عوامل دیگری نیز موثر است . که به هیچ وجه به سنگ ارتباطی ندارد و اگر جز این بود ، در آن صورت علم خاک شناسی قسمتی از علم سنگ شناسی می‌بود .
در تشکیل خاک مقداری بقایای گیاهی و مواد آلی تجزیه نشده وجود دارد .

خاکاهک *(Khākāhak)* PEDOCAL
خاکی که معمولاً در مناطق خشک و کم آب دیده می شود و سرشار از مواد آهکی باشد .

خاکاهن *(Khākāhan)* PEDALFER
خاکی که سرشار از رس و آهن باشد . این خاک بیشتر در مناطق مرطوب وجود دارد .

خاکتود *(Khāktud)* MOUND
← پشته

خاک چرنوزیوم CHERNOZEM
خاک حاصلخیز پر بار و مرغوبی ، برنگ سیاه یا قهوه‌ای‌تیره که سرزمین پهناوری واقع در جنوب اتحاد جماهیر شوروی و شمال دریای سیاه را فرا گرفته و همچنین قسمتهائی از کشورهای مجارستان و رومانی را نیز زیر پوشش قرار داده است .
این سرزمین که خاک آن مخلوطی از شن و رس و خاک‌های گیاهی و قدری آهک است در اتحاد جماهیر شوروی بناحیه اوکراین شهرت داشته و یکی از سرشارترین سرزمین‌های کشاورزی جهان را تشکیل داده است . این خاک آن چنان پر بار است که بدون هیچگونه بارور سازی و یا کود دادن می‌تواند مدتها زیر کشت قرار گیرد .

خاک چینی CHINA CLAY
خاک رس سفید رنگی است که از راه شیمیائی با استفاده از سیلیکات آلومینیم و فلدسپات موجود در گرانیت بدست می‌آید . اعمال شیمیائی برای تهیه خاک چینی که به آن کائولین نیز می‌گویند ، کائو لینیزاسیون نام دارد ، نام کائولین که فرمول آن ($2H_2O.Al_2O_3.SiO_2$) است . از رشته کوه Kauling (یعنی سرزمین بلند) واقع درخاک چین ، اقتباس شده . در این ناحیه صنعت سفالگری و چینی‌سازی ، قرنها رواج داشته و نام چینی نیز از نام کشور چین اقتباس شده است . خاک کائولین علاوه بر صنعت چینی ـ سازی در سفالگری و کاغذ سازی نیز بکار می‌رود .
خاک چینی یکی از خالصترین اقسام خاک رس است که بیشتر آن را کائولینیت تشکیل می‌دهد . این اصطلاح را بعضی مترادف با کائولن بکار می‌برند .

خاک دیاتومی DIATOMACEOUS EARTH
مواد ته نشسته خرد شونده و تردی که جنس آن بیشتر از نوع گیاهان دریائی ترشح کننده مواد سیلیسی باشد . این مواد در کف دریاها انباشته شده و از نظر اندازه بقدری کوچک هستند که حدود صد میلیون نوع آن در فضائی به اندازه ده سانتی متر مکعب جای می‌گیرد . این مواد پس از خشک شدن ماده گچ مانندی را پدید می‌آورند که متخلخل بوده و قابلیت انتقال حرارتی آن کم وگاه به عنوان عایق‌های

الکتریکی بکار می‌رود و همچنین به صورت صافی نیز استعمال می‌گردد .

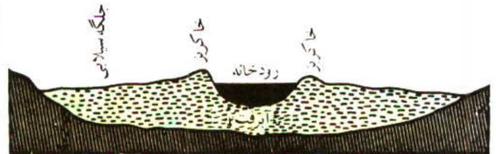
خاک رس (Khāk-e-ros) CLAY

← رس

خاکریز (Khākriz) LEVEE

الف ـ کرانه طبیعی یک رودخانه که بر اثر جاری شدن سیل و رسوب مواد موجود در آب پدید آمده و نسبت به زمینهای اطراف کمی برجسته‌تر باشد .

ب ـ دیواره‌ای که بطور مصنوعی در حاشیه دریا یا رودخانه ایجاد شود تا از ورود سیلاب به اراضی مجاور جلوگیری کند .



خاکریز

خاکزائی (Khākzā'i) PEDOGENESIS

عمل بوجود آمدن خاک .

خاکزاد TERRIGENOUS DEPOSITS

رسوباتی از جنس سنگ و شن و ماسه که از سطح زمین بداخل دریا رانده شده و در کف حاشیه‌های دریا ته‌نشین شده‌است.

خاک زرد YELLOW SOIL

← بادرفت

خاکستر آتشفشانی VOLCANIC ASH

تکه‌هائی از گدازه‌های آتشفشانی ، که از دهانه کوه‌آتشفشان به بیرون پرتاب گردیده و اندازه‌آن از غبار آتشفشانی بزرگتر باشد .

خاکستر آتشفشانی و غبار آتشفشانی اغلب مفهوم متناوبی داشته و غالبا" یکی بجای دیگری بکار می‌رود .

خاک سرخ RED OXYDE

خاک نرم قرمز رنگ که قسمت عمده آن رااکسید آهن تشکیل داده است .

خاکسره (Khāksoreh) SOLIFLUCTION

روان شدن خاک و سنگ اشباع شده از آب در یک سراشیب .

باید توجه داشت که خاکسره با زمین خزه متفاوت است .

خاک سطحی HORIZON SOIL

لایه خاکی که کم و بیش به موازات سطح زمین قرار گرفته باشد .

خاک شناسی PEDOLOGY

دانش بررسی خاک و منشاء و خصوصیات آن و همچنین کاربرد آن .

خاک لیز (Kh-liz) CREEP

خاکی که به تدریج و به آرامی از دامنه کوه بسوی پائین سرازیر شده و بر اثر بارندگی نرم و لغزنده شده باشد .

خاکهای قلیائی ALKALINE EARTH

خاکهائی که مقدار املاح محلول آنها بیش از آنست که طبیعتا" در همه خاکها یافت می‌شوند .

این گونه خاکها که سطحشان را پوسته‌ای از املاح پوشانیده است ، بیشتر در نقاطی دیده می‌شوند که باران کمتر می‌بارد و بر عکس خاکهای شور ، سدیم محلول بسیار کم و سدیم قابل تبادل آن بسیار زیاد است .

خاکهای قلیائی به دو دسته سفید و سیاه تقسیم می‌گردند.

خاکهای کمیاب RARE EARTH

دسته‌ای از مواد معدنی کمیاب و رنگارنگ و خاک مانند که بندرت یافت می‌شوند . این گروه از خاکها معمولا" از اکسید عناصر گوناگون با وزن اتمی ۱۳۸/۹۲ تا ۱۷۵ ترکیب یافته و در حد میان عناصر لانتانوم تا لوتنیوم قرار گرفته‌اند و جدا کردن ترکیبات شیمیایی آنها با زحمت و اشکال فراوان توام است .

خاکه زغال (Khākeh zoghāl) CULM

زغال سنگ نرم و خاک آلود

خاگه (Khāgeh) DRUMLIN

تپه‌های کوتاه ممتد تخم مرغ شکلی ، که از نظر اندازه متفاوت بوده و گاه بطول ۲ کیلومتر و ارتفاع ۹۰ متر دیده می‌شوند .

خالصه

۱ ـ زمین متعلق به دولت .

۲ ـ زمینی که ارباب آن را از تقسیم میان دهقانان مستثنی می‌دارد و خود راسا" آن را زراعت می‌کند .

خانواده FAMILY

واحد اجتماعی که معمولا" از پدر و مادر و فرزندان آنها تشکیل

می‌گردد . در مشرق زمین معنی وسیع‌تری به کلمه خانواده داده می‌شود و اغلب بستگان دور و نزدیک نیز جزو خانواده بشمار می‌آیند . در حالیکه در مغرب زمین فقط به پدر و مادر و فرزندان منحصر می‌شود .

خانوار HOUSEHALD

یک یا چند نفر که بطور دائم در یک واحد مسکونی اقامت داشته و هم خرج باشند .

خاور EAST

← چهار جهت اصلی

خاوران *(Khāvarān)*

ولایتی بوده است در مرز شمالی خراسان کنونی ، شهرهای ابیورد ، دره گز ، نساء ، میهنه و رونه جزو این ولایت بوده‌اند.

خاور دور FAR EAST

یا شرق اقصی و یا شرق دور . ناحیه‌ای است مشتمل بر چین، کره ، ژاپن ، سرزمین‌های خاوری شوروی ، جزایر فیلیپین ، هندوچین ، تایلند ، برمه ، مالزی و اندونزی که گاه پاره‌ای از کشورهای اخیر جزو سرزمین‌های آسیای جنوب شرقی محسوب می‌گردند . اصطلاح خاور دور در وسیع ترین معنایش کشورهای هند و پاکستان و سری لانکا را نیز شامل می‌شود .
این اصطلاح یک واژه کاملا" اروپائی است و وجه تسمیه آن بدین مناسبت است که سرزمین‌های مذکور نسبت به کشورهای اروپائی به ویژه گردانندگان جنگ جهانی دوم یعنی انگلستان و فرانسه شرقی‌ترین کشورهای جهان محسوب گردیده‌اند .

خاور میانه MIDDLE EAST

یا شرق وسطی و یا شرق میانه . ناحیه‌ای است در جنوب غربی آسیا و شمال خاوری افریقا که شامل ترکیه ، ایران ، عراق ، فلسطین ، اردن ، لبنان ، سوریه و کشورهای شبه جزیره عربستان ، مصر و سودان می‌باشد . پاره‌ای از منابع افغانستان و پاکستان را نیز جزو آن محسوب می‌دارند . اصطلاح خاور میانه در جنگ جهانی دوم بوسیله ارتش انگلستان رواج یافت و شامل منطقه‌ای است که از نظر استراتژیک و ژئوپولتیک دارای اهمیت بسیار است . در واقع خاور میانه به منزله پلی است که سه قاره آسیا و اروپا و افریقا را به یکدیگر پیوند داده و منابع عظیم نفت در آن نهفته است وجه مشترک سرزمین‌های آن علاوه بر مذهب اسلام ، کم آبی و خشکی ، گرمی هوا ، تولید مثل نسبتا" زیاد ، وجود قبایل چادرنشین کشاورزی تقریبا" ناچیز و غیره است .

خاور نزدیک NEAR EAST

یا شرق نزدیک ناحیه‌ای است مشتمل بر بخشی از آسیای غربی که در جنوب اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته و شامل کشورهای ترکیه ، قبرس ، سوریه ، لبنان ، فلسطین ، اردن – شبه جزیره عربستان ، ایران و عراق می‌باشد .
اصطلاح خاور نزدیک که بوسیله انگلستان متداول گردیده است ، سابقا" به کشورهای شبه جزیره بالکان اطلاق می‌گردید .

خاویار CAVIARE

تخم نوعی ماهی است که بعنوان ماده غذائی به مقدار نسبتا" فراوان تهیه می‌شود و عمدتا" مخصوص کشورهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی است .
بهترین خاویار جهان نوعی خاویار روسی است که فقط در فصل زمستان تهیه می‌شود و نمک آن از سایر خاویارها کمتر است . بندر آستراخان واقع بر رود ولگا مهمترین مرکز صدور خاویار روسیه است . خاویار ایران که بوسیله شرکت سهامی شیلات تهیه می‌گردد غالبا" در خارج از ایران به فروش می‌رسد و بهترین آن از تخم ماهی اوزون برون بدست می‌آید .

خرابه RUINED PLACE

یا ویرانه ، آثار و نشانه‌هائی که علامت آبادانی سابق جائی باشد .

خر پشته *(Kharposhteh)* HILL

یا پشته بزرگ ← تپه

خرچنگ CANCER

← سرطان

خرداد

اقتباس شده از واژه اوستائی هوروتات و یا واژه پهلوی خردات به مفهوم کمال ، رسائی و درستی و نام سومین ماه در تقویم رسمی ایران و ششمین روز هر ماه شمسی .
خرداد ماه عینا" بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام سومین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است .

خرد شدگی COMMINUTION

الف – خرد شدن و کوچک شدن تدریجی مواد سنگی بر اثر عواملی مانند آب و هوا و فرسایش و یا جنبش‌های زمینی .
ب – شکستن و خرد شدن مواد سنگی با عوامل مکانیکی مانند

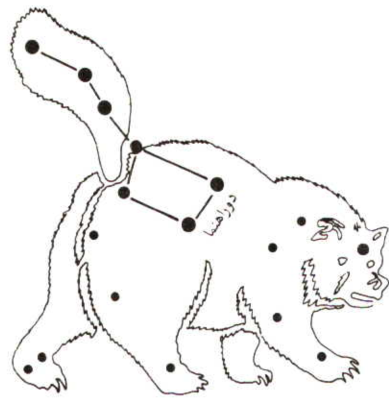
کارگاههای تهیه سنگ ریزه و بالاست برای‌کارهای‌راهسازی.

خرده مالک

۱ ــ کسی که شریک ملک مشاع باشد.
۲ ــ مالک خرده پا، مقابل عمده مالک.
۳ ــ ملک مشاعی که دارای صاحبان متعدد است و سهم یا سهام هر یک مفروز و یا غیر مفروز است.

خرس بزرگ URSA MAJOR

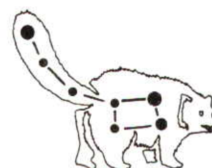
صورت فلکی حول قطبی در نیمکره شمالی که از هفت ستاره اصلی آن چهار ستاره بر رئوس یک چهار ضلعی و سه تای دیگر بصورت دنباله‌ای در خارج چهار ضلعی واقع شده‌اند. چنانچه دو ستاره a و b این صورت را بهم وصل‌کرده‌و حدود ۵ برابر ab ادامه دهند به ستاره‌ای‌می‌رسند که‌تقریبا" بر فراز قطب شمال محور زمین قرار گرفته است. و به آن ستاره قطبی می‌گویند.



خرس بزرگ

خرس کوچک URSA MINOR

صورت فلکی حول‌قطبی در‌نیمکره شمالی مشتمل بر هفت ستاره که چهار تای آن‌ها بر رئوس یک چهار ضلعی و سه تای دیگر بصورت دنباله‌ای در خارج چهار ضلعی واقع شده‌اند.
شهرت و اهمیت‌این صورت به‌سبب آن‌است‌که‌ستاره درخشان انتهای دنباله یعنی ستاره جدی نزدیک‌ترین ستاره به‌قطب شمال زمین است.



خرس کوچک

خرسنگ *(Kharsang)* MEGALITH

تخته سنگ بزرگی که بعنوان یک نشانه یا قطعه‌ای‌از یک مقبره باستانی بجای مانده باشد.

خرمنگاه *(Kharmangāh)*

قطعه زمینی سفت و هموار در مزارع که در آن جا خرمن را بوسیله خرمنکوب می‌کوبند.

خزاب *(Khazāb)* MOSS

زمین پر آب و باتلاقی را گویند که در آن‌خزه‌فراوان‌روئیده باشد.

خزاب جنگل MOSS FOREST

نوعی جنگل که خاص مناطق کوهستانی نیمگانی یا گرمسیر باشد.

خزرها KHAZARS

قومی قدیمی که امروز از میان رفته‌اند. این قوم در حدود قرن دوم بعد از میلاد در ماوراء قفقاز پدید آمده و بعدها در روسیه جنوبی بین رودهای ولگا و دون سکنی گزیدند و دولت مقتدری تشکیل دادند و سرانجام در سال ۹۶۵ میلادی بر افتادند.
نام دریای خزر از این قوم گرفته شده.

خزندگان *(Khazandegān)* REPTILA

رده‌ای از جانوران مهره دار خونسرد که‌با‌ریه‌تنفس‌می‌کنند و چون شکم آنها اغلب درهنگام راه‌رفتن به زمین کشیده می‌شود بدین نام خوانده شده‌اند.
امروزه حدود ۴۳۰۰ جنس خزنده موجوداست. تقریبا" بدن جملگی آن‌ها از فلس‌ها یا صفحات استخوانی پوشیده است و پوست بعضی از آنها گرانبهاست.
خزندگان احتمالا" در دوره کربونیفر پیدا شده‌اند و بعد از دوران مزوزوئیک، جز مارها و سوسمارها، رو به انحطاط بوده‌اند.

خسوف ECLIPSE OF THE MOON

← مهگرفت

خش *(Khash)* STRIAE

خراشیدگی سطح سنگهای یک یخچال که بر اثر لغزیدن روی یکدیگر پدید آمده باشد.

خشت *(Khesht)* ADOBE

آجر خامی که از گل خشک شده در آفتاب درست شود.

خشتال (Kheshtāl) LATERITE
گونه‌ای مواد خاکی قرمز رنگ که در مجاورت سطح زمین بر اثر سایند (وابفرسائی) بوجود آمده باشد. این گونه مواد که اکثراً در مناطق سیمگانی دیده می‌شوند، شامل ئیدرواکسید آهن و ئیدرواکسید آلومینیم بوده و در واقع منشاء این دو فلز محسوب می‌گردد. این ماده هنگام استخراج نرم بوده و پس از قرار گرفتن در مجاورت هوا سخت می‌شود و روی همین خاصیت اغلب در کارهای ساختمانی مورد استعمال دارد. خشتال در کشورهای هندوستان، مالزیا، اندونزی و مناطق نیمگانی (استوایی) افریقا و امریکای جنوبی فراوان یافت می‌شود.
به خشتال، سر خاک نیز می‌گویند.

خشکاد (Khoshkād) CONTINENT
هر یک از قطعات اصلی خشکی زمین را خشکاد می‌نامند. این قطعات از تخته سنگهای نوع Sialic بر آمده از کف اقیانوسها تشکیل یافته و جمعاً حدود ۳۰ در صد سطح کره زمین را بشرح زیر در بر گرفته‌اند. مساحت مجموع خشکادها فقط $\frac{1}{4}$ مساحت سطح کره زمین یعنی در حدود ۱۲۵ میلیون کیلومتر مربع و مجموع مساحت کره زمین در حدود ۵۰۰ میلیون کیلومتر مربع است و بقیه را آب فرا گرفته.
خشکاد آسیا ۴۴،۰۱۰،۴۱۱ کیلومتر مربع.
خشکاد افریقا ۳۰،۲۶۰،۲۳۲ کیلومتر مربع.
خشکاد امریکای جنوبی و مرکزی ۱۷،۸۱۴،۹۰۹ کیلومتر مربع.
خشکاد امریکای شمالی ۲۴،۲۴۸،۵۷۴ کیلومتر مربع.
خشکاد قطب جنوب ۱۳،۲۰۳،۹۰۰ کیلومتر مربع.
خشکاد اروپا ۱۰،۴۰۰،۰۱۳ کیلومتر مربع.
خشکاد اقیانوسیه (استرالیا) ۷،۶۷۸،۹۷۴ کیلومتر مربع.

خشکبار DRIED FRUITS
میوه‌های خشک شده مانند توت، زردآلو، انجیر، هلو و غیره.

خشکدّره (Khoshkdarreh) DEAD VALLEY
دره خشک و بی آب و علفی که هیچگونه روانه‌ای در آن وجود نداشته باشد.

خشکرست (Khoshkrost) XEROPHILOUS
گیاهی که در یک منطقه خشک و کم آب قادر بزندگی باشد. طبیعت این گیاهان به گونه‌ای است که آب را برای مدت طولانی در خود نگه می‌دارند. این گونه گیاهان دارای ریشه‌های طویل و رونده و برگ‌های کوچک و ضخیمی هستند و اغلب دارای تیغ می‌باشند.

خشکرود (Khoshkrud) DRY VALLEY
دره آهکی و یا گچی که در آن آب بطور دائم جریان نداشته باشد. فرم خشکرود در مناطق گچی به بستر رودخانه‌های معمولی شباهت داشته و اغلب دارای دیواره‌های پر شیبی بوده و گاه مسیر پر پیچ و خمی را داراست. به این عارضه مسیل نیز گفته می‌شود.

خشکسار (Khoshksār) DRY LAND
زمینی که از آب دور باشد و آب به آن نرسد. به آن خشکزار نیز می‌گویند.

خشکسالی DROUGHT
سالی که در آن باران نبارد. و یا فاصله زمانی به مدت یک سال که طی آن هوا بدون انقطاع خشک و بی باران باشد. خشکسالی بر دو نوعست، خشکسالی مطلق و خشکسالی جزئی.

خشکسالی جزئی PARTIAL DROUGHT
اصطلاحی است در هواشناسی انگلستان و آن عبارتست از یک دوره ۲۹ روزه متوالی که متوسط بارندگی روزانه از ۰/۲۵ میلی متر بیشتر نشود.
این اصطلاح جنبه بین المللی ندارد.

خشکسالی مطلق ABSOLUTE DROUGHT
اصطلاحی است در هواشناسی انگلستان و آن عبارت از ۱۵ روز متوالی است که میزان بارندگی روزانه کمتر از ۰/۲۵ میلی متر یا ۰/۰۱ اینچ باشد.
این واژه جنبه بین المللی ندارد، و نمی‌تواند به تمام سطح زمین تعمیم یابد.

خشکی (Khoshki) LAND
آن قسمت از پوسته زمین که از آب بیرون است.
خشکی‌های عمده زمین را به پنج قطعه به نام قاره تقسیم می‌کنند. مساحت مجموع خشکی‌های زمین فقط حدود $\frac{1}{4}$ مساحت کره زمین یعنی حدود ۱۲۵ میلیون کیلو متر مربع است. در حالیکه مساحت کره زمین حدود ۵۰۰ میلیون کیلو متر مربع می‌باشد.
← خشکاد

خشکیزائی (Khoshkizā'i) EPEIROGENESIS
نیروهای سازنده قاره‌ها، که باعث حرکات شعاعی یا قائم گردیده و در نتیجه موجبات فرو رفتن و یا بر آمدن پوسته زمین گردند.

خشکی گرائی DESICCATION

۱ ــ افزایش درجه خشکی یک منطقه که علت آن تمایل آب و هوا بسوی کم بارانی است ، مانند کویرهای مرکزی آسیا . علت خشک شدن یک منطقه نیز گاه عواملی غیر از عوامل جوی است مانند ویران شدن و خشک شدن آبراههها در نتیجه زمین لرزه و یا جنگ .

۲ ــ کم شدن رطوبت موجود در خلل و فرج خاک یا مواد ته نشسته .

خط LINE

در هندسه ، مجموع نقاطی که اوضاع آن‌ها تابع یک متغیر مطلق یا یک پارامتر باشد .

خط بزبان ساده عبارتست از شکل حادث از حرکت نقطه یا فصل مشترک دو صفحه یا شکلی که فقط یک بعد داشته باشد .

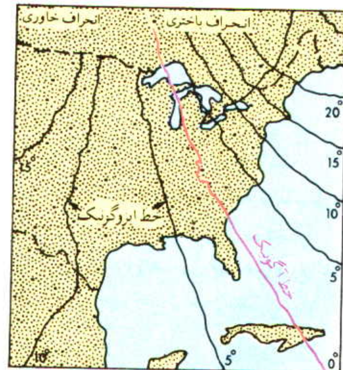
انواع خط عبارتند از : خط مستقیم ، خط شکسته ، خط منحنی نیم خط، پاره خط و خط مختلط.

خط *(Khatt)* CHARACTER

مجموعه نشانه‌هائی که برای تحریر در یک زبان بکار می‌رود .

خط آگونیک AGONIC LINE

خطی بر روی نقشه که از اتصال نقاطی که انحراف مغناطیسی آن‌ها صفر است بوجود آمده باشد . بدیهی است هر قدر از این خط دور شویم بر میزان انحراف مغناطیسی افزوده خواهد شد .



خط آگونیک

خط استواء EQUATOR

← نیمگان زمین

خط الرأس DIVIDE

← آب پخشان

خط القعر THALWEG

خطی که از اتصال ژرف‌ترین نقاط بستر یک رودخانه یا یک دره بدست آید .

خط ایزوگونیک ISOGONIC LINE

خطی که از اتصال نقاطی که دارای انحراف مغناطیسی یکسانی باشند بدست آید . خط هم انحراف ، نام دیگر این خط است .

خطای قابل ترسیم PLOTTABLE ERROR

کمترین مسافت قابل نمایش روی نقشه را گویند که مقدار آن بر حسب مقیاس فرق میکند . بطور مثال چون بهترین مسافت قابل ترسیم بوسیله دست انسان ۰/۲۵ میلی متر است . از این رو کمترین مسافت قابل نمایش در نقشه‌ای به مقیاس ۱:۱۰،۰۰۰ برابر ۲/۵ متر خواهد بود .

خط بی انحراف AGONIC LINE

← خط آگونیک

خط بین المللی تاریخ INTERNATIONAL DATE LINE

← خط روز گردان

خط تراز CONTOUR LINE

← منحنی تراز

خط تغییر تاریخ INTERNATIONAL DATE LINE

← خط روز گردان

خط تغییر روز INTERNATIONAL DATE LINE

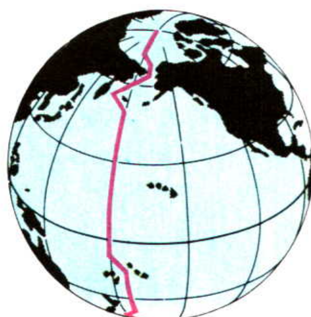
← خط روز گردان

خط روزگردان INTERNATIONAL DATE LINE

(Kh-e-ruzgardān)

خط روزگردان خطی است که تقریبا" بر نصف‌النهار ۱۸۰ درجه منطبق بوده و با گذشتن آن از مقابل خورشید تاریخ به مدت یک روز تغییر می‌یابد . بدین گونه که تاریخ سمت باختری خط مزبور یک روز جلوتر از سمت خاوری آنست و بهمین مناسبت مسافری که از خط مزبور بسوی باختر عبور کند ، یک روز به تاریخ خویش افزوده و بر عکس شخصی که از خط مزبور بسوی خاور عبور نماید ، باید یک روز از تاریخ خود بکاهد . مثلا" اگر شخصی روز جمعه از خط مزبور به سوی مغرب حرکت کند باید تاریخ خود را از جمعه به شنبه تبدیل نماید و بر عکس هر گاه روز جمعه از خط مزبور بسوی مشرق عبور نماید باید تاریخ را از جمعه به پنجشنبه برگرداند . این خط نسبت به نصف‌النهار ۱۸۰ درجه طوری رسم شده و جزایر و سرزمین‌های مختلف را طوری دور زده است که اختلافی در زمان رسمی آنها پیش نیاید . خط تغییر تاریخ

و خط تغییر روز نام دیگر این خط است .



خط روزگردان

خط ساحلی COASTLINE

الف ــ حد پیشرفت امواج آب در خشکی هنگامیکه دریا به شدت توفانی باشد .

ب ــ حد پیشرفت آب دریا در خشکی در وضعیت جزر و مد متوسط.

پ ــ حد پای صخره‌های ساحلی ، در کرانه‌های پر شیب .

بطور کلی خط ساحلی ، عبارت از خطی است که دریا را طوری دور بزند که خلیج‌ها را در بر گرفته و خورها و دهانه رودخانه‌ها را قطع نماید .

خط لوله PIPE LINE

مجرایی از جنس فولاد یا پلاستیک و امثال آن که برای انتقال مایعات و گازها و مانند آن بکار می‌رود . از این سیستم بیشتر برای انتقال آب و نفت و گاز طبیعی استفاده می‌شود .

خط والاس WALLACE'S LINE

خطی میان منطقه جنوب خاوری آسیا و شمال استرالیا که سیستم‌های زیست گیاهی و زیست جانوری دو قاره آسیا و استرالیا را از هم جدا می‌سازد .

خطوط تراز CONTOUR LINES *(Khotut-e-tarāz)*

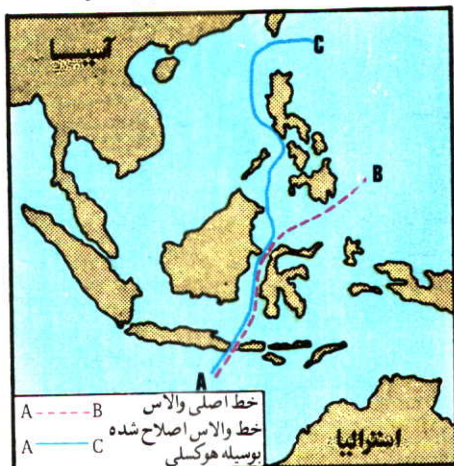
منحنی‌ها و یا خط‌هائی که از اتصال نقاط هم ارتفاع بوجود می‌آید . به این خط‌ها منحنی‌های تراز نیز می‌گویند .

خطوط فراو نهوفر FRAUNHOFER LINES

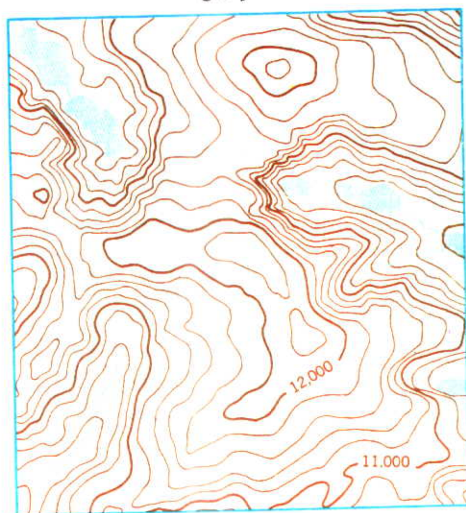
خطوط تیره‌ای که در طیف نور خورشید از زمین دیده می‌شود. علت وجود این خطوط این است که سطح خورشید یا رخشانکره بطور پیوسته تشعشاتی صادر می‌کند که اگر این تشعشعات به طور مستقیم به زمین می‌رسید طیفی پیوسته تولید می‌کرد ، اما بخارات موجود در طبقه برگردان بعضی از این تشعشعات را بر حسب ماهیت بخارات مذکور ، جذب می‌کنند و در نتیجه طیفی بنام طیف جذبی تولید می‌شود .

با بررسی خطوط طیف جذبی به‌وجود بعضی از عناصر شیمیائی در خورشید و یا ستارگان می‌توان پی برد .

این خطوط نخستین بار در سال ۱۸۱۷ ضمن مطالعه طیف خورشید بوسیله ژوزف فراونهوفر کشف گردید و چند سال بعد توسط گوستاو روبرت کیرشهوف تعبیر و تفسیر شد .



خط والاس



خطوط تراز

خط هم انحراف ISOGONIC LINE

← خط ایزوگونیک

خط همبارش ISOHYET LINE *(Khatt-e-hambāresh)*

خطی که از اتصال نقاطی که از نظر میزان بارندگی ، در یک مدت معین ، با هم برابر باشند بدست آید .

خط همچند (Kh-e-hamchand) ISOPLETH
خطی که از اتصال نقاطی که از نظر عوامل معینی دارای کمیت برابر باشند بدست آید. این خطوط درواقع پراکندگی جغرافیائی عوامل مختلف را نشان می‌دهد. از جمله نمونه‌های مورد نظر خط همفشار، خط همبارش و خط همدما را می‌توان نام برد.

خط همدما (Kh-e-hamdamā) ISOTHERM LINE
خطی که از اتصال نقاطی که در یک زمان معین دارای دمای برابر باشند بدست آید. این خط از نظر جغرافیائی کاربرد داشته و معمولا" نقاطی را که دمای میانگین ماهانه برابری دارند بهم متصل می‌سازد و برای این منظور ماههای دی (حدود ژانویه) و تیر (حدود ژوئیه) را که اولی، در زمستان و دومی در تابستان است، مورد نظر قرار می‌دهند.

خط همدمای حقیقی ACTUAL ISOTHERM
خط همدمائی که بر اساس واقعیت رسم شده باشد و تصحیحات ارتفاعی روی آن انجام نشده باشد.
← خط همدما

خط همژرفا (Kh-e-hamzharfā) ISOBATH
خطی که از اتصال نقاط همژرفا (هم عمق) ی کف دریا بدست آید. از این خطوط برای نمایش شکل کف دریا استفاده می‌شود و در واقع همان نقشی را دارا هستند که منحنی‌های تراز، در نقشه‌های توپوگرافی دارند.

خط همشورا (Kh-e-hamshurā) ISOHALINE
خطی که از اتصال نقاطی از اقیانوس یا دریا که دارای درجه شوری برابر باشند بدست آید.

خط همشید (Kh-e-hamshid) ISOHEL
خطی که از اتصال نقاطی که از نظر زمان تابش آفتاب برابر باشند بدست آید.

خط همفشار (Kh-e-hamfeshār) ISOBAR
خطی بر روی نقشه هواشناسی، که از اتصال نقاطی که دارای فشار جو یکسانی هستند بدست آید. فاصله این خطوط، در نقشه‌های هواشناسی ۲ یا ۴ میلی بار است.

خط همکشند (Kh-e-hamkeshand) CO - TIDAL LINE
خطی که از اتصال نقاطی که بطور همزمان دروضعیت برکشند (مد) قرار می‌گیرند بوجود می‌آید. این خط وضعیت برکشند (مد) را در فاصله‌های زمانی یک ساعته بر حسب عبور کره ماه از فراز نصف النهار گرینویچ (گرینیچ) درنقاط مختلف نمایش می‌دهد.

خط هم لرز COSEISMAL LINE/HOMOSEISMAL LINE
خطی که از اتصال نقاطی از سطح زمین که بطور همزمان تحت تأثیر موجی از زمین لرزه قرار گیرند بدست آید. چنین خطی بصورت بیضی Coseismal line بوده و مرکز زمین لرزه در میان آن قرار دارد.

خلاء (Khala') VACUUM
قسمتی از فضا که بکلی خالی از ماده باشد. خلاء به این معنی را خلاء مطلق یا خلاء کامل می‌گویند. خلاء مطلق فقط دارای تعریف فیزیکی است و ایجاد آن تا کنون عملی نشده است.

خلاب (Khalāb) QUAGMIRE
زمین نرم و مرطوبی که زیر پای انسان یا حیوان فرو رود.

خلاش (Khalāsh) BOG
گل نرم و اسفنجی، که از مواد پوسیده و خاکهای گیاهی ترکیب یافته باشد، این عارضه که به آن خلاب نیز می‌گویند معمولا" بصورت آبهای راکد و کم عمق مانند دریاچه و امثال آن دیده می‌شود. منشاء خلاش بیشتر توده خزه‌هائی هستند که از خشکی به روی آب شناور شده و به مرور بصورت مواد گیاهی در کف دریاچه ته نشین می‌گردند. بطوریکه کف تمام دریاچه‌ها و مانداب‌ها و خلاش‌ها بوسیله لایه‌ای از خزه‌های ته نشین شده پوشیده گردیده است. افزایش این رسوبات بر سرعت تبدیل یک دریاچه‌یا مرداب به‌خلاش می‌افزاید.

خلنجزار (Khalanjzār) HEATHLAND
زمین پهناور و کشت نشده‌ای که تقریبا" هموار و مسطح بوده و از بوته‌های خار و علف هرزه و خلنج پوشیده شده باشد. به این گونه اراضی خارستان نیز می‌گویند.

خلیج GULF / BAY
پیشرفتگی پهناور و ژرف دریا در خشکی. این عارضه معمولا" بر اثر پیشرفت آب دریا در فرو رفتگی و یا شکست‌های ساحلی پدید می‌آید.

خلیجک (Khalijak) INLET
← شاخابه

خمسین KHAMSIN
باد داغی که از سوی جنوب در مصر و جنوب خاوری نواحی

مدیترانه می‌ورد . این باد که خیلی خشک وگرم است ، اغلب با توفان شن همراه بوده و با عبور از فراز دریا رطوبت کمی با خود بهمراه دارد . مدت وزش این باد حدود ۵۰ روز از اواسط فروردین تا اواسط خرداد است و بهمین مناسبت به آن باد خمسین یا پنجاه روزه می‌گویند .

خندق FOSSE
گودالی که پیرامون شهرهای قدیمی و یا بناهای نظامی حفر شده باشد . در روزگار گذشته خندق‌ها را معمولاً از آب پر می‌کردند تا شهر و یا تاسیسات نظامی را از خطر مهاجمان احتمالی مصون دارند .
واژه خندق در اصل بزبان فارسی بوده وآنرا کندک می‌گفتند .

خود مختاری AUTONOMY
استقلال گونه، محدود یک واحد سیاسی یا غیرآن (مثلاً "یک فرقه‌ی مذهبی) در اداره‌امور خود . در مورد سرزمینهای تحت استعمار، خود مختاری مرحله قبل از استقلال است که طی آن مردم مستعمره توانائی اداره امور خود را بدست می‌آورند .
در تقسیمات داخلی کشورها ، خود مختاری عنوان آن دسته از استانها یا ایالات است که به لحاظ شرایط خاص قومی ، نژادی ، مذهبی و نظایر آن ، از استقلال محدود داخلی برخوردار بوده و فقط در امور مربوط به سیاست خارجی و دفاع تابع دولت مرکزی می‌باشند .

خور *(Khor)* ESTUARY
نام شاخابه‌هائی است از خلیج فارس، که خور موسی و خور میناب را می‌توان از آن جمله دانست .
همچنین به دره‌های زیر آبی خلیج فارس نیز خور می‌گویند.

خورابه *(Khorābeh)* DISAPPEARING STREAM
جویباری سطحی که بدرون زمین فرو رفته و ناپدید شود . این وضعیت معمولاً در زمین‌هائی که از نوع آهکی بوده و دارای چاهک باشند بوجود می‌آید . آب این گونه جویبارها چاهک‌های آهکی را به مرور وسیع‌تر و گودتر کرده و بتدریج به زیر لایه‌های آهکی نفوذ می‌کند .

خورتاب سنج *(Khortāb sanj)* SOLARIMETER
دستگاهی که برای اندازه‌گیری شدت تشعشعات نور خورشید بکار می‌رود .

خور تابگیری *(Khor tābgiri)* INSOLATION
انرژی که بصورت تشعشع ، توسط زمین و یا سایر سیارات از خورشید دریافت می‌گردد . مقدار این انرژی در قسمت‌های مختلف پوسته زمین متفاوت بوده و همچنین ، میزان دریافتی روزانه آن نیز ، به عوامل خاصی بستگی دارد . علاوه بر آن شکل منطقه و میل آن نسبت به امتداد تابش اشعه خورشید صافی و شفافیت هوا و همچنین موقعیت کره زمین روی مدار آن بدور خورشید نیز از جمله عوامل موثر در دریافت مقدار این انرژی است . این مقدار حتی در طول روز نیز متفاوت بوده و میزان آن به مدت تابش روزانه و زاویه تابش نور خورشید بستگی دارد . هنگامیکه زمین در دو نقطه اعتدال بهاری و پائیزی قرار دارد کلیه نقاط آن بمدت ۱۲ ساعت این انرژی را دریافت می‌دارند . بطور کلی ، مقدار خور تابگیری سالیانه استواء زمین ، بیشتر از سایر جاها بوده و تغییرات آن نیز نا چیز است و بر عکس میزان خور تابگیری سالیانه قطب‌های زمین ، از سایر جاها ، کمتر و تغییرات آن بیشتر است .

خوردرمانی *(Kh-darmāni)* HELIOTHERAPIE
استفاده درمانی از اشعه خورشید یا معالجه به کمک اشعه آفتاب .

خوردیس *(Khordis)* MOCK SUN
تصویر قرمز رنگی از خورشید که به خورشید حقیقی که نزدیک افق باشد خیلی شبیه بوده و مسافت زاویه‌ای آن با کره حقیقی خورشید ۲۲ درجه باشد .
رنگ این تصویر را گاه سفید نیز انتخاب می‌کنند .

خورشید SUN
جرم مرکزی منظومه شمسی که قطر آن ۱،۳۹۲،۳۰۰ کیلومتر بوده و گرمای میانگین سطح آن حدود ۵۷۰۰ درجه سانتیگراد و گرمای درونی آن به مراتب بیشتر از این است ، کره خورشید هر ۲۴/۵ روز یکبار بدور خویش می‌چرخد و سیاره‌های آن نیز با سرعتی حدود ۱۸/۵ کیلومتر در ثانیه به گرد آن در گردشند . فاصله متوسط خورشید از زمین حدود ۱۵۲ میلیون کیلومتر است .
حجم خورشید ۱،۲۵۰،۰۰۰ برابر حجم زمین است و جرم خورشید را که مطابق قانون سوم کپلر محاسبه می‌کنند معادل ۲×۱۰^{۳۳} گرم و یا ۲×۱۰^{۳۰} کیلوگرم و یا ۲×۱۰^{۲۷} تن و بالاخره بیش از دو بیلیون بیلیون بیلیون تن بدست آورده‌اند که برابر ۳۳۳ هزار برابر جرم زمین است .
چگالی خورشید در حدود ۱/۲۵ چگالی زمین است . چگالی خورشید ثابت نیست . چگالی در نزدیکی مرکز خورشید بسیار بیشتر از چگالی در سطح آن است و دلیل آن وزن زیاد ماده‌ای است که روی آن قرار دارد . وزن ماده‌ای که خورشید از آن ساخته شده است فشاری در حدود ۱۰ بیلیون آتمسفر در مرکز

خورشید ایجاد می‌کند و چگالی گاز در مرکز ۱۰۰ برابر چگالی آب یا تقریبا" ۱۰ برابر چگالی سرب است.
علیرغم این فشار و چگالی، خورشید سر تا سر از گاز است. زیرا دما در مرکز آن در حدود ۱۴ میلیون درجه مطلق است. خورشید در مقایسه با بیلیونها ستاره کهکشان ما، ستاره‌ای متوسط به شمار می‌رود. روشنی ظاهری و اندازه ظاهری آن صرفا" معلول نزدیکی آن به زمین است. خورشید، برخلاف زمین تماما" از گاز است. لایه‌ای بنام رخشانکره بر دورادور خورشید وجود دارد که نور خورشید از آن سرچشمه می‌گیرد و این لایه مانع دیدن چیزهایی می‌شود که در زیر آن قرار دارد. خورشید با سرعت زاویه‌ای ثابتی بر گرد محورش نمی‌چرخد و به همین دلیل نقطه‌ای که بر استوای آن واقع است یک دوران کامل را در ۲۵ روز انجام می‌دهد در حالی که برای نقطه‌ای در ۶۰ درجه‌ای شمال یا جنوب استوا، یک دوران کامل ۳۱ روز به درازا می‌کشد.
(تصویر درصفحهٔ ۱۵۱)

خورشید نیمه شب MIDNIGHT SUN

در مناطق بالاتر از ۶۳/۵ درجه عرض جغرافیائی در حد فاصل اواخر اردیبهشت تا اوایل امرداد در نیمکره شمالی، و از اواخر آبان تا اوایل بهمن ماه در نیمکره جنوبی، خورشید در تمام ۲۴ ساعت شبانه روز، همواره بالای افق بوده و غروب نمی‌کند، و حتی در نیمه شب نیز به نورافشانی ادامه می‌دهد و بهمین جهت به آن خورشید نیمه شب می‌گویند. علت این امر تمایل محور چرخش زمین نسبت به دایرةالبروج، و توجه نیمکره‌های زمین بسوی خورشید در تابستان است.

خور طیفنگار SPECTROHELIOGRAPH

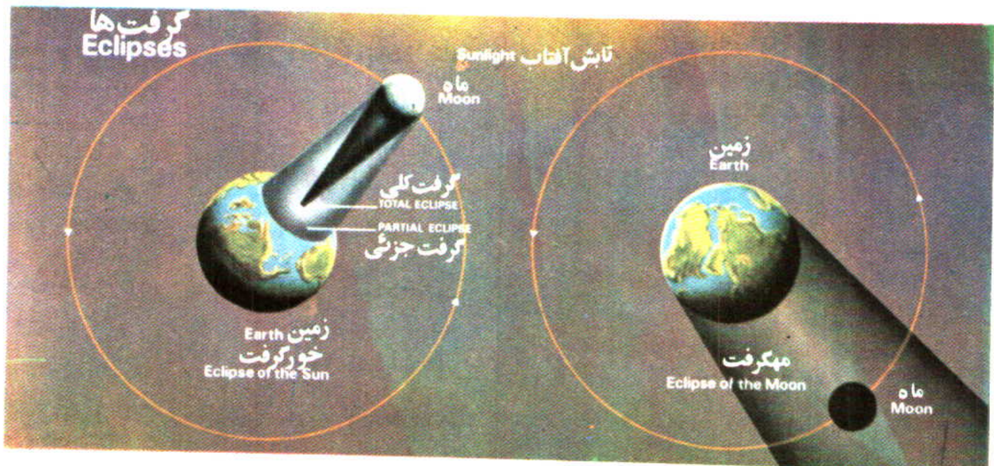
بسیاری از اطلاعاتی که درباره خورشید و جو آن بدست آمده، به کمک دستگاهی حاصل شده است که خور طیفنگار نام دارد. این دستگاه که آن را در سال ۱۸۹۰ جرج ا. هیل (۱۹۳۸ – ۱۸۶۸) وارد نجوم کرد، دستگاهی بسیار با ارزش بوده است. زیرا منجمان را قادر می‌سازد که به آسانی توزیع هر عنصری را بر قرص خورشید بدست آورند. منجم می‌تواند در چند دقیقه توزیع ئیدرژن، اکسیژن، کلسیم یا هر عنصر دیگری را در بخشی از سطح خورشید که رو به زمین است به دست آورد.

خور طیفنگاشت SPECTROHELIOGRAM

عکسی است از خورشید که با نوری به طول موج بسیار محدود به عرض یک آنگسترم و یا حتی کمتر گرفته می‌شود.
←خور طیفنگار

خور گرفت ECLIPSE OF THE SUN *(Khor gereft)*

خور گرفت یا کسوف، عبارت از وضعیتی است، که کره ماه میان زمین و خورشید قرار گرفته و خورشید را از دید زمینی پنهان سازد. خور گرفت ممکن است کامل و یا جزئی باشد.



خور گرفت

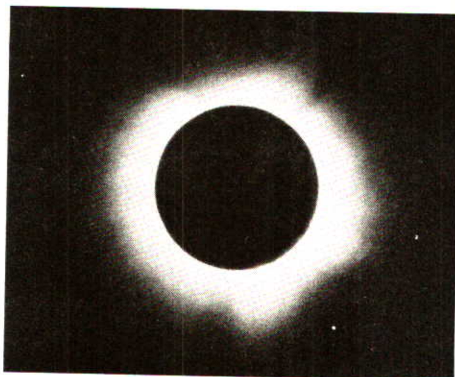


خورشید

خور گرفت حلقوی ANNULAR ECLIPSE

چون فاصله ماه تا زمین در تغییر است ، لذا اگر خور گرفت (کسوف) هنگامی روی دهد که ماه در فاصله بیشتری از زمین قرار گرفته باشد سایه ماه به زمین نرسیده و در نتیجه حلقه باریکی از نور خورشید گرداگرد ماه را در بر می‌گیرد که به آن خور گرفت حلقوی یا کسوف حلقوی می‌گویند .

← خور گرفت .



خورگرفت حلقوی

خورنگار *(Khornegār)* HELIOGRAPH

دستگاهی است برای ارسال پیام که براساس فرستادن درخش های کوتاه و بلند (مانند الفبای تلگرافی مورس) کار می‌کند .

این وسیله عبارت از آینه‌ای است که نور را منعکس می‌کند و می‌توان جلو آنرا باز یا بسته کرد .

خوشه‌ها CLUSTERS

دسته‌هائی از ستارگان که دارای خواص مشترکی از نظر فاصله از زمین و سرعت و جهت حرکت یکسان هستند و ظاهراً دارای منشاء مشترکی می‌باشند .

خوشه‌ها بر دو نوعند : باز یا گشاده و مدّور یا کروی

خوشه‌های باز را به مناسبت اینکه بیشتر آن‌ها در ناحیه کهکشان هستند . خوشه‌های کهکشانی نیز می‌گویند ، این دسته در مقایسه با خوشه‌های مدّور پراکنده‌اند و تا کنون بیش از ۳۰۰ خوشه باز فهرست شده . از جمله مهمترین و شناخته‌ترین خوشه‌های این دسته خوشه پروین را می‌توان نام برد .

خوشه‌های مدّور از چندین هزار ستاره تشکیل یافته و تراکم ستارگان در ناحیه مرکزی بیشتر از جاهای دیگر است . نزدیکترین خوشه مدّور نسبت به زمین خوشه امگای قنطورس است که حدود ۲۰۰۰۰ سال نوری از زمین فاصله دارد .

از خوشه‌های مدّور تا کنون حدود ۱۰۰ خوشه شناخته شده .

خیزاب *(Khizāb)* SWELL

حرکات و جنبش‌های منظم سطح آب دریا که به موج تبدیل نشده باشد .

خیمه تپّه *(Kheymeh tappeh)* TENT HILL

تپّه مخروطی شکلی که شباهت به چادر یا خیمه داشته باشد .



خوشه‌ها



داد و ستد ترانزیت TRANSIT TRADE

عبور دادن کالاهای بازرگانی از کشوری به کشور دوم از طریق راههای کشور سوم ، مانند کالاهای اروپائی که از طریق راههای زمینی ترکیه به ایران وارد و یا از ایران به اروپا صادر می‌گردد . به این عمل ، تجارت ترانزیت نیز می‌گویند .

دار زمان شناسی DENDROCHRONOLOGY *(Dārzamānshenāsi)*

شاخه‌ای از زمان شناسی که طی آن برای تعیین تاریخ‌گذشته از کلفتی و خصوصیات حلقه‌های تنه درختان که تحت تاثیر گرما و بارندگی قرار دارند استفاده می‌شود . از این طریقه برای تعیین تاریخ رویدادهای آب و هوائی سه هزار سال اخیر از روی تجربه و تحلیل حلقه‌های تنه درختان استفاده ارزشمندی شده است .

دارشناسی *(Dārshenāsi)* DENDROLOGY

بخشی از دانش جنگلداری که درباره‌رده‌بندی ،ریخت شناسی و پراکندگی جغرافیائی درختان گفتگو می‌کند .

دار مرز *(Dārmarz)* TIMBER LINE / TREE LINE

حد رویش گیاهان از نظر ارتفاعی و همچنین از نظر عرض جغرافیائی که ارتفاع این خط بر حسب موقعیت جغرافیائی نوع گیاه ، آب و هوا و پاره‌ای از شرایط محلی مانند آفتابگیری فرق می‌کند و بالاتر از این حد گیاه نمی‌روید .

داروینیسم DARWINISM

یکی از معروفترین نظریاتی که برای توضیح چگونگی تکامل گیاهان و جانوران بخصوص درباره سازش آن‌ها با مقتضیات محیط زندگی بوسیله داروین ارائه شده است .
این نظریه را بجهت اهمیتی که اصل انتخاب طبیعی یا انتخاب در آن دارد ، نظریه انتخاب طبیعی هم می‌گویند .
پیشرفت‌هائی که بعدها در مسئله توارث و مخصوصاً مفهوم موتاسیون (جهش) که چگونگی پیدایش انحرافات را بیان می‌کنند پیدا شده تغییراتی در نظریه داروین داده و آن را تکمیل کرده است .
بر اساس نظریه داروین
(۱) موجودات زنده بطور تصاعد هندسی تولید مثل می‌کنند، معذالک چون عده آن‌ها کمابیش ثابت است ، بنابراین افراد هر جنس برای تأمین مأمن و غذا و مسکن با یکدیگر در مبارزه‌اند (تنازع بقاء) .
(۲) هیچ دو حیوان یا دو گیاه همانند نیستند بلکه حتی در افراد هر جنس انحرافات و یا اختلافاتی وجود دارد . بنابراین آن دسته از گیاهان و یا جانوران که دارای انحرافات مساعد هستند برای بقاء و تولید مثل مناسب‌ترند (اصل انتخاب طبیعی) .
(۳) بسیاری از انحرافات از والدین به فرزند منتقل می‌شود و از نسلی به نسل دیگر باقی می‌ماند و در نتیجه جنس جدیدی تکامل می‌یابد .
داروین در سال ۱۸۷۱ اصل انتخاب جنسی (نر و مادگی) را نیز بر اصول خویش افزود .

داغ MOUNTAIN

واژه ترکی ← کوه

داغ چماب MEANDER SCAR

چمابی که بوسیله ته نشین‌های یک رودخانه پر شده و در آن علف و گیاه هرز روئیده باشد ولی شکل و فرم آن همچنان قابل تشخیص باقی مانده باشد .

دالان CORRIDOR

باریکه‌ای از سرزمین یک کشور که برای دسترسی به منابعی مانند دریا به درون سرزمین کشور دیگری پیش‌رفته‌باشد. مانند دالان دانزیگ در لهستان .



دالان لهستان

دالان هوائی AIR CORRIDOR

راه هوائی میان مراکز عبور و مرور هوائی را دالان هوائی می‌گویند . دالان هوائی قاعدتاً بر فراز زمینهای مناسب برای فرود اجباری واقع است و در بین راه دارای فرودگاههای

مجهز به وسایل ناوبری هوائی و بیسیم می‌باشد .

دامپروری PASTORAL FARMING

نوعی دامداری که طی آن دام‌هائی مانند گاو ، گوسفند ، خوک و امثال آن را تحت شرایط مناسبی نگهداری و پرورش داده و از شیر ، گوشت ، پشم و یا پوست آن‌ها استفاده گردد . این کار ممکن است در سطح بسیار وسیعی انجام شود (مانند کشورهای استرالیا ، امریکا و آرژانتین) و یا در سطح محدودتر و کوچکتری انجام پذیرد (مانند موسسات دامداری هلند و دانمارک که بیشتر از نظر صنایع لبنیات اهمیت دارند) . علاوه بر روش بالا دامداری در جوامع چادرنشین و بدوی بصورت ابتدائی و خیلی ساده نیز متداول است .

دامنرفت *(Dāmanroft)* DILUVIUM

موادی که بر اثر فرسایش بر روی دامنه کوهها و یا دامنه دره‌ها تشکیل می‌گردند دامنرفت نامیده می‌شوند . این مواد بر خلاف مواد نارفت در امتداد شیب دامنه‌ها تحت تاثیر نیروی ثقل بسوی پائین می‌لغزند .

دامنه برفگیر OPACO/ADRET

دامنه‌ای از کوه که بدلیل مشرف بودن بسوی شمال (در نیمکره شمالی) و یا سمت جنوب (در نیمکره جنوبی) از دریافت نور آفتاب محروم باشد . اینگونه دامنه‌ها که در واقع مخالف دامنه آفتابگیر است معمولا " از برف انباشته می‌شود و تا مدتها باقی می‌ماند .

دامنه کوه PIEDMONT

دور ، اطراف و قسمت پائین کوه

← کوهپایه

دانش‌های زمینی EARTH SCIENCES

نام گروهی از دانش‌های وابسته به زمین مانند زمین‌شناسی ، گیتا شناسی و زمین فیزیک .

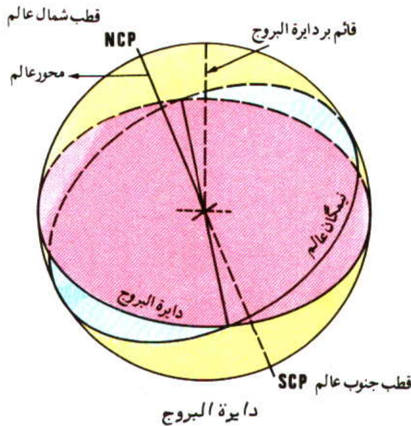
دانگ

در اصطلاح کشاورزی و ملکداری در ایران ، یک ششم دارائی غیر منقول .

دایرة البروج *(Dāyerat-ol-boruj)* ECLIPTIC

۱ـ مسیری که خورشید در حرکت ظاهری سالانه خود به دور زمین بر کره آسمان می‌پیماید .

۲ـ دایره عظیمه‌ای از کره آسمان که از تقاطع با صفحه مدار گردش زمین به دور خورشید حاصل می‌شود . ← منطقة البروج



دایرة البروج

دایره روشنائی CIRCLE OF LIGHT

دایره عظیمه مرز میان قسمت‌های روشن و تاریک زمین را دایره روشنائی می‌نامند که در واقع حد میان شب و روز را روی کره زمین مشخص می‌سازد .

این دایره همواره دایره نیمگان (استواء) زمین را بدو نیمه برابر تقسیم می‌کند و غیر از آغاز فصل بهار و آغاز فصل پائیز مدارات دیگر را به نیمه‌های نابرابر مجزا می‌سازد .

دایره صغیره SMALL CIRCLE

بطور کلی دایره‌هائی که از مرکز کره عبور نکرده باشند دایره‌های صغیره نام دارند . مانند مدارات کره زمین (به غیر از نیمگان زمین) ، که برای اندازه‌گیری عرض جغرافیائی بکار می‌روند .

دایره عظیمه GREAT CIRCLE

دایره عظیمه عبارت از دایره‌ای است که سطح آن مارّ بر مرکز کره باشد و بعبارت دیگر ، کره را بدو نیمه برابر تقسیم نماید . دایره‌های نصف‌النهار و همچنین دایره استواء زمین از جمله دایره‌های عظیمه هستند .

بطور کلی کوتاهترین فاصله میان دو نقطه از سطح زمین پاره قوسی از دایره عظیمه‌ای است که از دو نقطه مزبور عبور کرده باشد .

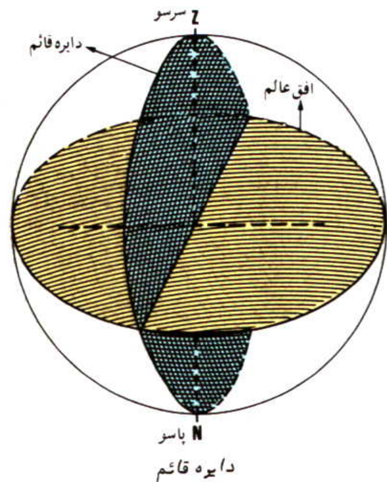
دایره قائم VERTICAL CIRCLE

اگر بر افق عالم دایره عظیمه‌ای عمود نمایند دایره قائم بوجود می‌آید . (تصویر در صفحه ۱۵۵)

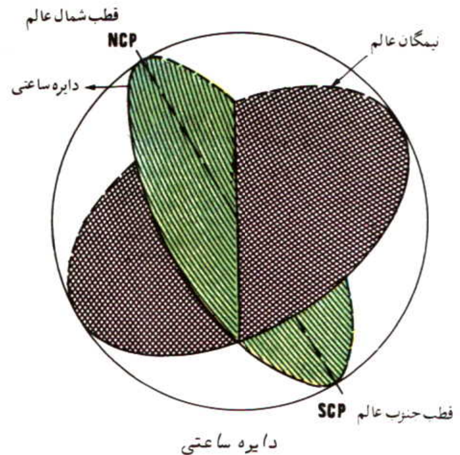
دایره‌های ساعتی HOUR CIRCLES

دایره‌های عظیمه‌ای که بر نیمگان عالم عمود باشند دایره‌های ساعتی نام دارند . دوایر ساعتی در واقع نصف‌النهارهای

عالم هستند که از گسترش نصف النهارهای زمین پدید آمده‌اند .



دایره قائم



دایره ساعتی

داینا سورها DINOSAURS

خزندگان زوال یافته‌ای مربوط به دوران میان زیوی (مزوزوئیک) که در خشکی زندگی می‌کرده و طول پاره‌ای از آن‌ها به حدود ۳۰ متر می‌رسیده است .

دسته‌ای از داینا سورها گیاهخوار و برخی گوشتخوار بوده‌اند . این خزندگان در پایان دوره کرتاسه از میان رفته‌اند .

دب اصغر URSA MINOR

← خرس کوچک

دب اکبر URSA MAJOR

← خرس بزرگ


داینا سور

دبران *(Dabarān)* ALDEBARAN

یا الد بران ، ستاره آلفا (قدر اول) صورت فلکی ثور که از غول پیکران مایل به سرخی است ، قطرش ۳۸ برابر قطر خورشید می‌باشد .

← الدبران

دجاجه *(Dajājeh)* CYGNUS

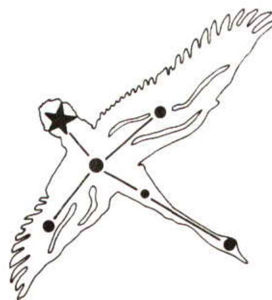
یا طایر یکی از جالبترین صورت‌های فلکی نیمکره شمالی است که ستاره‌های آن صلیب بزرگی را تشکیل می‌دهند . این صورت مشتمل بر بیش از ۵۰ ستاره است که با چشم غیر مسلح دیده می‌شوند .

دجاجه را صلیب شمالی نیز می‌گویند و گاه آن را بصورت پرنده‌ای تصویر می‌نمایند که بسوی جنوب در پرواز است .

(تصویر در صفحهٔ ۱۵۶)

درآمد بودجه BUDGET REVENUE

عبارت است از تمامی درآمد دولت از محل مالیاتها ، حقوق گمرکی ، صنایع و خدمات دولتی در مدت یکسال ، که صرف امور جاری کشور می‌شود .



دجاجه

درآمد داخلی INTERNAL REVENUE

مجموع مالیاتهائی که از کالاهای تولید شده و مصرف شده در داخل یک کشور گرفته می‌شود. مانند مالیاتهائی که از بسیاری کالاهای تولید شده و مصرف داخلی مثل سیگار، توتون، قند، شکر، بنزین و بلیط سینما و تأتر اخذ می‌شود.

درآمد سرانه PER CAPITA INCOME

عبارت است از متوسط درآمد هر یک از افراد یک کشور در طی یک سال. مقدار فوق از تقسیم درآمد ملی بر جمعیت کشور بدست می‌آید.

درآمد ملی NATIONAL INCOME

حاصل جمع کلیهٔ درآمدهای خالصی که درظرف یکسال از عوامل تولیدی کشوری بدست می‌آید به اضافهٔ وجوهی که درازای خدمات انجام شده پرداخت می‌شود. بعبارت دیگر هر گاه از "تولید ناخالص ملی"، اقلام استهلاک کالاهای سرمایه‌ای کسر شود، "تولید خالص ملی" بدست می‌آید واگر از محصول خالص ملی مالیات غیرمستقیم و پرداختهای انتقالی مؤسسات را کم کنیم درآمد ملی حاصل می‌شود.

دراز سری *(Derāz sari)* DOLICHOCEPHALIC

← شاخص سر

درب

۱ ــ دروازه شهر و قلعه، دروازهٔ فراخ.

۲ ــ راه سخت و تنگ در کوه.

دربند LOCKS

← آب بند

دربند

۱ ــ دره تنگی که راهی از میان آن عبور کند.

۲ ــ کوچه بن بستی که دارای در و دروازه است.

۳ ــ دره

۴ــ قلعه، دژ

۵ــ کوچه پهن و کوتاه

درجه DEGREE

الف ــ واحد سنجش گرما، در سیستم‌های سانتیگراد و فارنهایت.

ب ــ واحد اندازه‌گیری زاویه که مقدار آن $\frac{1}{360}$ پیرامون دایره است.

درجه بندی باد BEAUFORT SCALE

← طبقه بندی بوفورت

درجه بندی کاسه سر CEPHALIC INDEX

← شاخص سر

درجه حرارت TEMPERATURE

← دما

درجه رسی فورل ROSSI - FOREL SCALE

مقیاسی برای اندازه‌گیری شدت لرزه‌های زلزله که در سال ۱۸۷۸ بوسیله M.S.De.Rossi و F.A. Forel ارائه گردید و تا سال ۱۹۳۱ بکار می‌رفته‌است. دراین سال سیستم درجه بندی مرکالی جایگزین درجه مزبور شده است.

درجه رئومور REAUMUR SCALE

سیستم درجه بندی حرارتی خاصی که درآن نقطه ذوب یخ برابر صفر و نقطه جوش آب ۸۰ درجه منظور شده‌است. برای تبدیل این سیستم به سیستم‌های سانتیگراد و فارنهایت از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$\frac{R^{\circ}}{80} = \frac{F^{\circ}-32}{180} = \frac{C^{\circ}}{100}$$

که در این رابطه R درجه رومور، F درجه فارنهایت و C درجه سانتیگراد است.

← دما

درجه ریشتر RICHTER SCALE

سیستم متداول اندازه‌گیری درجه بزرگی زمین لرزه، که در سال ۱۹۳۵، بوسیله C.F.Richter کارشناس زمین لرزه انستیتو تکنولوژی کالیفرنیا ارائه شده است. این درجه‌بندی لگاریتمی است و از صفر شروع‌شده و به ۸ پایان

می‌یابد (مع الوصف درجه ۸/۶ نیز تا کنون در سه مورد دیده شده است) . آخرین درجه این سیستم با درجه ۱۲ مرکالی برابر است .

درجه سانتیگراد CENTIGRADE SCALE

سیستم سنجش گرما ، که بصورت بین المللی در غالب نقاط گیتی برسمیت شناخته شده و بکار می‌رود . بر اساس این سیستم حد فاصل نقطه شروع یخبندان (یا نقطه آغاز آب شدن یخ) و نقطه آغاز جوش آب را در سطح دریا به صد قسمت برابر تقسیم نموده‌اند که هر قسمت را یک درجه سانتیگراد می‌نامند. این سیستم را در سال ۱۹۴۸ میلادی به افتخار Celsius دانشمند سوئدی که مبتکر آن بوده است ، به درجه بندی سلسیوس نامگذاری کرده‌اند .
برای تبدیل سیستم سانتیگراد به سیستم فارنهایت و بر عکس از فرمول زیر استفاده می‌شود :

$$C = \frac{5}{9}(F - 32)$$

یا

$$\frac{C}{100} = \frac{F - 32}{180}$$

← درجه سلسیوس و درجه فارنهایت.

درجه سلسیوس CELSIUS SCALE

عنوان پذیرفته شده بین المللی برای درجه گرما بر حسب سانتیگراد . این عنوان از نام دانشمند سوئدی که از سال ۱۷۰۱ تا ۱۷۴۴ میلادی زندگی می‌کرده است اقتباس شده است . دانشمند مزبور حد فاصل میان شروع یخبندان و آغاز جوش آب را به صد قسمت تقسیم کرده و بر این اساس گرماسنجی ساخته که تا امروز مورد بهره‌برداری است و به افتخار نام وی شناخته شده است .
بر اساس این سیستم که در سال ۱۷۴۲ به آکادمی علوم سوئد ارائه گردیده است ، صفر برای شروع یخبندان و صد برای آغاز جوش آب منظور شده این سیستم با علامت اختصاری C که از نام Celsius اقتباس شده نشان داده می‌شود که بر حسب تصادف با علامت اختصاری C برای سانتیگراد (Centigrade) همانند است .

← درجه سانتیگراد .

درجه شوری آب SALINITY

درجه شوری آب اقیانوسها و دریاها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و مانند آن ، که بر حسب در هزار بیان می‌گردد . بطور متوسط درجه شوری آب اقیانوسها ۳۵ در هزار است که این میزان در مناطق مختلف متفاوت است . بدین معنی که درجه شوری آب دریای سرخ ۴۰ در هزار و درجه شوری دریاهای قطبی حدود ۳۰ در هزار است . درجه شوری پاره‌ای از آبهای استوائی بدلیل بارندگی فراوان کمتر از حد معمول است . در حالی که قسمتهای دیگر بر اثر تبخیر حاصله از وزش بادهای مخصوص، این نسبت به بیش از حد متعارف افزایش می‌یابد .
چون آب رودخانه‌ها املاح نمکی کمتری در بر دارند از این رو اغلب شیرین و تازه بوده و بر اثر ریزش اینگونه رودخانه‌ها به دریاهای تقریباً مسدودی مانند دریای بالتیک از درجه شوری آنها به میزان محسوسی می‌کاهند . بهمین جهت درجه شوری آب دریای بالتیک حتی کمتر از ۱۲ در هزار است در حالیکه دریاهائی مانند دریای سرخ (بحر احمر) که رودخانه مهمی به آن وارد نمی‌شود دارای درجه شوری بیش از ۴۰ در هزار است . درجه شوری غالب دریاچه‌ها حتی از این اندازه هم بیشتر است مانند بحر المیت که حدود ۲۴۰ در هزار است .
بطور کلی املاح موجود در آب دریائی که درجه شوری آن حدود ۳۵ در هزار باشد عبارتست از :

۱ ــ سدیم کلراید (نمک معمولی) ، ۲۳ در هزار .
۲ ــ نیتریم کلراید ، ۵ در هزار .
۳ ــ سولفات سدیم ، ۴ در هزار .
۴ ــ کلسیم کلراید ، ۱ در هزار .
۵ ــ پتاسیم کلراید ، ۰/۷ در هزار

توجه : درجه شوری آب دریا را بر حسب گرم در لیتر نیز بیان می‌کنند و به آن شورا نیز می‌گویند .

درجه فارنهایت FAHRENHEIT

سیستم ویژه‌ای است در درجه بندی گرما ، که در سال ۱۷۲۴ میلادی بوسیله گابریل فارنهایت ارائه شده و صفر آن نقطه ذوب یخ در مخلوطی از آب و نوشادر بوده و درجه ۳۲ آن معرف نقطه ذوب یخ در آب خالص و درجه ۹۶ آن نشانه حرارت طبیعی بدن انسان است . مبتکر این سیستم در آغاز توجهی به نقطه جوش آب نداشته و فقط به تجربه بر او ثابت شده است که در ۲۱۲ درجه فارنهایت آب به جوش می‌آید .
برای تبدیل سیستم‌های فارنهایت (F) و سانتیگراد (C) بیکدیگر از فرمول‌های زیر استفاده می‌شود :

$$F = \frac{9}{5}(C + 32)$$

$$C = \frac{5}{9}(F - 32)$$

درجه کلوین KELVIN SCALE
شیوه‌ای است برای اندازه گیری دما که مبنای آن بر صفر مطلق یعنی ۲۷۳ ــ درجه سانتیگراد استوار است. مقدار درجه کلوین را می‌توان بر اساس فرمول K = C + ۲۷۳ محاسبه نمود که در این فرمول K درجه کلوین و C درجه سانتیگراد است. منظور از صفر مطلق دمائی است که در آن حجم یک گاز کامل برابر صفر شود. بر طبق محاسبات فیزیکی، دمای صفر مطلق ۲۷۳/۱۶ ــ درجه سانتیگراد است که این دما پست‌ترین دمائی است که ممکن است به آن رسید و بهمین جهت صفر منطقی درجه بندی دما می‌باشد. سابقا" تصور بر این بود که در دمای صفر مطلق هر گونه جنبش مولکولی متوقف می‌شود. ولی آزمایشها نشان داده‌اند که در دمای صفر مطلق مقداری انرژی حرکتی در ماده باقی می‌ماند.
وصول به دمای صفر مطلق تا کنون ممکن نشده و شاید هیچگاه نیز ممکن نگردد.

درجه مرکالی MERCALLI SCALE
واحد اندازه‌گیری شدت زمین لرزه است که متناسب با فاصله از مرکز وقوع زلزله می‌باشد. این واحد همواره با قید محل گزارش همراه است و مقدار آن از ۱ تا ۱۲ می‌باشد که ۱۲ آن با ۸ ریشتر برابر است.

درچند انبوهی جمعیت OCCUPANCY RATE
درچند انبوهی جمعیت هر منطقه را مطابق فرمول زیر محاسبه می‌کنند:

$$R = \frac{\text{جمعیت}}{\text{تعداد اطاقهای قابل زیست}}$$

در حالیکه R= ۱ باشد وضعیت خوب و دلخواه و درصورتیکه R ≥ ۱/۵ باشد جمعیت را انبوه می‌گویند.
توضیح ــ منظور از اطاقهای قابل زیست کلیه اطاقهای یک خانه غیر از آشپزخانه. حمام و مانند آن است.

درچند کارآئی ACTIVITY RATE
نسبتی از جمعیت یک کشور که در سنین کار و فعالیت قرار گرفته‌اند و بعبارت دیگر جویای کار هستند. این نسبت در مردان بین سنین ۱۵ تا ۶۴ و در زنان بر حسب شرایط جغرافیائی و پاره‌ای عوامل دیگر متفاوت است ولی رقم متوسط آن بین ۱۵ تا ۵۹ سال است.

درختزار *(Derakhtzār)* WOOD
توده‌ای از درختان، یا یک جنگل کوچک را گویند.

درخت شناسی DENDROLOGY
← دارشناسی

درخش *(Darakhsh)* LIGHTNING
← آذرخش

درخش سبز *(D-e-sabz)* GREEN FLASH
نور سبزی که هنگام دمیدن و یا غروب خورشید در آسمان صاف بمدت ۲ تا ۳ ثانیه دیده می‌شود. بطورکلی رنگهای آبی و سبز نور خورشید بیشتر از رنگهای زرد و قرمز شکسته شده و در نتیجه هنگامی که خورشید در افق قرار می‌گیرد تنها رنگی از نور آن که مشاهده می‌شود نور سبز بوده و رنگ آبی آن نیز جذب جو زمین خواهد شد.

درخش سنت المو ST. ELMO'S FIRE
تخلیه الکتریکی جرقه مانندی که در هوای توفانی بر فراز دکل کشتی‌ها و سر درختان و سایر اشیاء بلند دیده می‌شود.
← آتش سنت المو

درز *(Darz)*
واحد مساحت، تقریبا" معادل ۲۱ متر مربع (معمول در گیلان)

درزه *(Darzeh)* JOINT
در زمینشناسی، شکافی مستوی یا تقریبا" مستوی در داخل یک توده سنگی.

درشتماسه سنگ GRIT/GRITSTONE
سنگی که از ماسه‌های درشت گوشه دار تشکیل یافته باشد.

درشتناک *(Doroshtnāk)*
زمین سنگلاخ صعب العبور

درشتنمائی MAGNIFYING POWER
نسبت قطر ظاهری تصویر نهائی به قطر ظاهری شیئی که در حداقل فاصله رویت از یک عدسی قرار گرفته باشد.

دُرّ کوهی *(Dorr-e-kuhi)* QUARTZ
← کوارتز

درکه *(Darakeh)* SLOPE
نشیب و سرازیری

دروا *(Darvā)* SUSPENSION
در فیزیک، جسم جامدی که دراتش آمیخته با ذرات جسم

سیالی است که آنرا حل نمی‌کند و یا آمیخته با ذرات جسم جامد دیگری است. مثلا" ذرات غبار موجود در جوو ذرات خاک موجود در آب گل آلود، حالت دروائی دارند. در اصطلاح شیمی فیزیک، دروا دستگاهی است دارای دوفاز متشکل از ذرات ریز جسم جامدی که در جسم جامد دیگری یا در سیالی که آنرا حل نمی‌کند متفرق است.

دروازی *(Darvāzi)* PLANKTON
موجودات کوچکی از جنس گیاه یا جانور، که در آب اقیانوسها و دریاها شناور بوده و خوراک غالب ماهیها و جانوران دریائی را تشکیل می‌دهند.
از انواع این موجودات، گونه‌های شنازی و بن زی را می‌توان نام برد.

درون اسپهر *(Darun espehr)* BARYSPHERE
آن قسمت از زمین که در زیر پوسته خارجی آن واقع شده است. ساختمان و طبیعت این قسمت از زمین تاکنون بدرستی شناخته نشده ولی قدر مسلم این است که این قسمت کاملا" متراکم بوده و احتمالا" دارای گرمای زیادی است.

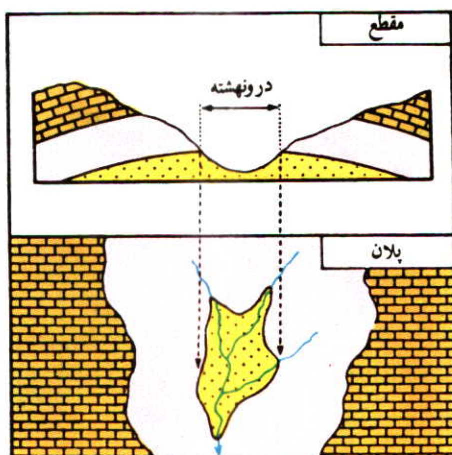
درونبوم *(Darunbum)* INLAND
قسمت داخلی یک منطقه یا سرزمین.

درونزائی *(Darunzā'i)* ENDOGENETIC
نیروهای درونی حاصله از انقباض، انبساط، بالا رفتن، فرو رفتن، پیچیدن، ترکیدن و بیرون تراویدن که جمعا" شکل کنونی زمین را پدید آورده است.

درونگانی *(Darungāni)* ENDOGAMY
ازدواج در داخل قبیله، طبقه و یا دسته‌ای از اجتماع.

درونهشته *(Darunheshteh)* INLIER
توده‌ای از سنگهای قدیمی که پیرامون سنگهای جوان‌تری را فرا گرفته باشند.

درونیابی *(Darunyābi)* INTERPOLATION
تعیین کردن مقادیر یک تابع در بین نقاطی که مقدار تابع در آن‌ها معلوم است. مانند معلوم کردن جمعیت یک کشور در خلال سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵، به فرض معلوم بودن جمعیت آن در سال‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰.
از عمل درونیابی در پاره‌ای کارهای نقشه برداری مانند رسم خط‌های تراز استفاده می‌شود.



درونهشته

درّه *(Darreh)* VALLEY
شیار ممتدی که معمولا" از ارتفاعات شروع شده و به دریا پایان می‌یابد. در پاره‌ای دره‌ها، رودخانه جریان دارد.
تمام حوضه‌ی زهکشی یک رودخانه یا هر فرورفتگی طولانی معتنابه در سطح زمین، عواملی که سبب تشکیل کوهها هستند دره را نیز بوجود می‌آورند. گسلها غالبا" سبب تشکیل دره می‌شوند (مثلا" دره‌ی نشستی بزرگ) عادیترین علت تشکیل دره‌ها (دره‌های رودخانه‌ای) فرسایش روانه‌ها است.
دره‌ها به سبب اینکه غالبا" از باد در پناهند، دارای خاک عمیق و حاصلخیز و آب کافی هستند.

درّه طولی LONGITUDINAL VALLEY
دره‌ای که بموازات رشته‌های کوه قرارگرفته باشد، و یا بعبارت دیگر، دره‌ای را گویند که در امتداد خواب چینه‌های زمین واقع شده باشد.

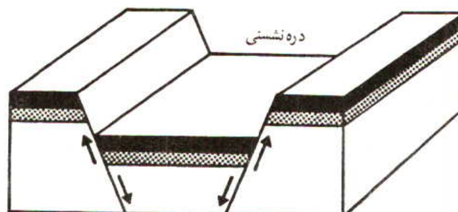
درّه عرضی TRANSVERSE VALLEY
دره‌ای که رشته ارتفاعات را بطور نسبتا" قائم قطع نماید.

درّه معلق HANGING VALLEY
← فراز دره

درّه ناودیسی *(D-ye-nāvdisi)* SYNCLINAL VALLEY
دره‌ای که بر اثر تاخوردگی منفی یا چین خوردگی ناودیسی پدید آمده باشد.

درّه نشستی *(D-ye-neshasti)* RIFT VALLEY
زمینی که میان دو گسله موازی قرار گرفته و دره طویل کف

تختی را پدید آورده باشد مانند دره رود اردن .



دره نشستی

درّه هفتی INTERLOCKING SPUR

دره‌ای که مقطع عرضی آن بشکل عدد ۷ باشد و رودخانه پر پیچ و خمی در آن جاری باشد .

درّه U شکل U SHAPED VALLEY

دره‌ای که مقطع عرضی آن بشکل U بوده و کف آن نسبتا" مسطح و دیواره‌های شیب‌دار داشته باشد .
این گونه دره‌ها معمولا" بر اثر فرسایش حاصله از حرکت یخچال‌های طبیعی پدید می‌آیند .

درّه V شکل V SHAPED VALLEY

← دره هفتی

دریا SEA

الف ــ توده آب پهناور و گسترده‌ای که پیرامون آن را خشکی فرا گرفته باشد ، مانند دریای خزر .
ب ــ قسمتی از یک اقیانوس که در مجاورت یک قاره قرار گرفته باشد ، مانند دریای عمان .
پ ــ در پاره‌ای از بخش‌های خاوری ایران بمفهوم رودخانه بکار می‌رود ، مانند آمو دریا .

دریا بار

۱ ــ کنار دریا ، ساحل .
۲ ــ شهری که در ساحل دریا باشد ، مانند بندر .
۳ ــ باران سیل آسا .
۴ ــ طغیان رودخانه .

دریا بندر SEAPORT

بندر و یا بندرگاهی بر کنار دریا که برای رفت و آمد کشتی‌های دریا پیما مساعد باشد .

دریاچه *(Daryācheh)* LAKE

گودال تقریبا" بزرگی در پوسته زمین ، که از آب پر شده باشد . آب پاره‌ای از دریاچه‌ها شور و پاره‌ای دیگر نسبتا" شیرین و رقیق‌تر است .
دریاچه‌هائی که در سرزمین‌های پرباران و معتدل واقع شده‌اند اغلب دارای آب شیرین هستند و میزان واردات آن‌ها بیشتر از میزان تبخیر آن‌ها بوده و غالبا" قسمتی از آب آن‌ها بوسیله جویبارها و رودخانه‌هائی سرریز می‌گردند . ولی دریاچه‌هائی که در مناطق کم باران و خشک قرار گرفته‌اند بدلیل فزونی میزان تبخیر بر واردات ، آب شور و غلیظی داشته و اغلب از نظر استخراج نمک و املاح دیگر مورد بهره برداری قرار می‌گیرند . پاره‌ای از این گونه دریاچه‌ها در فصول گرم و خشک بکلی از آب تهی شده و خشک می‌گردند و فقط نمکزاری از آنها بجای می‌ماند . بطور کلی دریاچه‌هائی که میزان واردات آن‌ها بر میزان تبخیر فزونی داشته باشد جزو دریاچه‌های دائمی و آن دسته‌ای که بر عکس میزان تبخیر آنها بر وارداتشان افزون باشد جزو دریاچه‌های موسمی طبقه بندی می‌گردند .
بزرگترین دریاچه جهان دریاچه خزر (که بدلیل وسعت زیاد حتی دریای خزر نیز گفته می‌شود) . با وسعت حدود ۴۴۰۰۰۰ کیلو متر مربع ، و عمیق‌ترین آنها دریاچه بایکال واقع در جنوب سیبریه ، به ژرفای ۱۶۲۰ متر ، و پست‌ترین دریاچه بحرالمیت به ارتفاع ۳۹۵ــ متر ، و مرتفع ترین آنها دریاچه تی‌تی کاکا واقع در بولیوی ، به بلندی ۳۸۱۲ متر است .

دریاچه آذرین CRATER LAKE

آب فراوانی که در دهانه یک آتشفشان جمع شده و دریاچه کوچکی را تشکیل داده باشد . مانند دریاچه آذرین اورگون که ۶۰۰ متر ژرفا داشته و ارتفاع سطح آب آن ۱۸۷۷ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد بوده و پیرامون آن حدود ۴۸ کیلو متر است . (تصویر در صفحه‌ی ۱۶۱)

دریاچه انگشتی FINGER LAKE

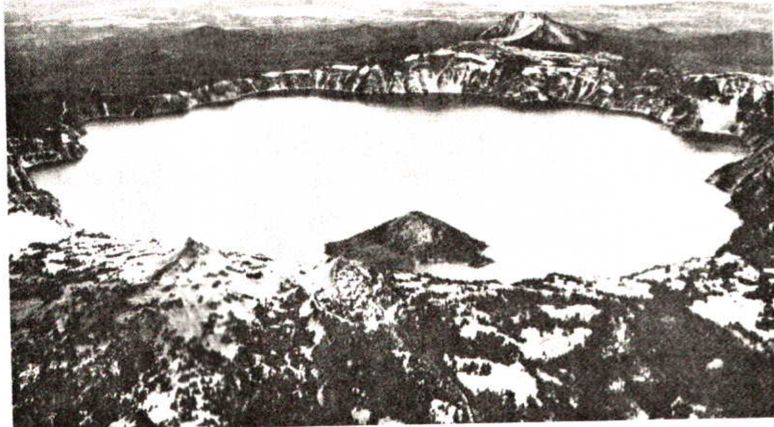
دریاچه باریک و درازی که در امتداد بستر یک روانه یخ بسته پدید آمده باشد . غالب این دریاچه‌ها در نتیجه فرسایش حاصله از یخبندان پدید آمده و بعضی از آن‌ها نیز بر اثر انباشته شدن توده‌های سنگ نوع یخرفت و ایجاد سدهای طبیعی در انتهای دره‌های مشرف بدریا ایجاد شده‌اند .

دریاچه سد RESERVOIR

← مخزن سد

دریاچه شناسی LIMNOLOGY

بررسی‌های علمی درباره آب دریاچه‌ها و برکه‌ها از نظر فیزیکی ، شیمیائی ، زیست شناسی و سایر خصوصیات آنها .



دریاچه آذرین

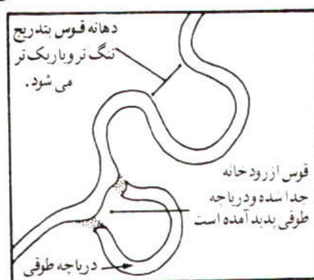
دریاچه شور SALT LAKE

← دریاچه نمک

دریاچه طوقی (D-ye-toqi) OXBOW LAKE

رودخانه‌ای که قوسی را بشکل یک دایره کامل طی کرده و سپس مسیر خود را از کنار دایره مزبور که به آن دریاچه طوقی می‌گویند ادامه داده باشد.

هماطوری که در شکل دیده می‌شود، نخست گلوگاه زمین واقع میان دو بارکه بریده می‌شود و رودخانه بیک خط مستقیم تبدیل می‌گردد، سپس قسمت دایره‌ای شکل رودخانه که از بستر اصلی جدا مانده است بیک دریاچه تبدیل می‌شود.



دریاچه طوقی

دریاچه فصلی SEASONAL LAKE

آبگیری که فقط در فصلهای پر باران آب داشته و در سایر فصول خشک و یا بصورت شوره زار و یا گل زار در آید.

دریاچه کوهستانی TARN

دریاچه کوچکی در کوهستان که معمولا" از جمع شدن آب در یک چالگاه پدید آمده باشد.

دریاچه نمک SALT LAKE

دریاچه‌ای واقع در یک منطقه گرم و خشک که آب آن بر اثر تبخیر زیاد با املاح نمکی فراوان همراه باشد، مانند دریاچه بحر المیت با درجه شوری ۲۴۰ در هزار (یا ۲۴۰ گرم در لیتر) و یا دریای خزر که درجه شوری آن ۱۷۰ در هزار است و به آن دریاچه شور نیز می‌گویند.

دریا زدگی SEASICKNESS

عارضه‌ای مانند تهوع، سرگیجه و سستی و مانند آن که در حرکت بر آب بعلت نوسانات کشتی به بعضی اشخاص دست می‌دهد.

علت دریا زدگی که گونه‌ای بیماری حرکت زدگی است، تاثیر حرکت بر لابیرنت حساس گوش و بر مخچه است و پاره‌ای عوامل دیگر مانند ترس، تحریکات بصری، تهویه ناقص، بخارات و یا بوهای موذی و عفونت نیز در آن موثرند.

دریا ژه LAKE

← دریاچه

دریا کنار BEACH/ SEA-SHORE

نواری از خشکی که پیرامون دریا را فراگرفته باشد. این قسمت از خشکی که به آن پلاژ نیز گفته می‌شود در واقع حد فاصل ساحل دریا هنگام آب بالا (مد) و آب پائین (جزر) بوده و بوسیله حرکات آب دریا شکل گرفته است. دریا کنار بشکل‌های گوناگونی از ماسه شن و صخره و امثال آن دیده می‌شود که همه آنها تحت فرسایش حاصله از آب تغییر شکل داده است.

دریا میانی PELAGIC/ PLAGIAN

مربوط به اعماق آب و دور از خشکی مانند نهشت‌های دریائی دور از ساحل.

دریای قاره‌ای CONTINENTAL SEA

شاخه‌ای از اقیانوس که بدرون قاره کشیده شده باشد. مانند

دریای بالتیک ، خلیج فارس و خلیج هودسن .

دزده رود *(Dozdeh rud)* BOURNE
رودی که گاه دارای آب و گاه خشک است و یا رودی فصلی واقع در یک منطقه گچی که بستر آن جز در فصل بارندگی و یا زمستان که سطح آب‌های زیر زمینی بالا می‌آید همواره خشک است .

دژ *(Dezh)* FORT
قلعه ، حصار ، دز

دسامبر DECEMBER
← ماههای اروپائی

دسترسی ACCESSIBILITY
اصطلاحی است در جغرافیای شهری و ترابری بمفهوم سهولت و یا اشکال در حرکت و جابجائی میان نقاط گوناگون ، مانند مرکز شهر و حومه آن و یا پایتخت و نقاط مختلف یک کشور .

دستگرد *(Dastgerd)*
۱ ــ روستا ، قریه
۲ ــ زمین هموار
۳ ــ زمین و ملک زراعتی
۴ ــ بنائی مانند کوشک که دورادور آن را خانه‌هائی ساخته باشند .

دشت PLAIN
← جلگه

دشت آبرفتی ALLUVIAL PLAIN
(Dasht-e-ābrofti)
← جلگه آبرفتی

دشتبان FIELD WATCHMAN
نگهبان دشت ، پاسبان کشتزار و مزرعه ، مامور محلی ده که وظیفه او حفاظت مزارع دهقانان از ویرانی و دستبرد این و آنست . در بعضی نقاط ایران دشتبان امور آبیاری را نیز سر پرستی می‌کند .

دشت ساحلی COASTAL PLAIN
دشتی که از کرانه‌های دریا شروع شده و به نزدیک‌ترین ارتفاعات ساحلی پایان یابد . دشت ساحلی درواقع حاصل مواد آبرفتی دریا بوده و معمولا" از شن و ماسه و گل و مواد گیاهی ترکیب یافته و غالبا" بدست انسان تغییراتی در آن داده شده است .

دشت سیلابی FLOOD PLAIN
← جلگه سیلابی

دشتگون *(Dashtgun)* PENEPLAIN
دشت تقریبا" هموار و مسطحی که بر اثر فرسایش حاصله از آب باران و رودخانه پدید آمده باشد .
نوع مرتفع دشتگون را فلات می‌نامند .

دشت یخابرفتی OUTWASH PLAIN
(Dasht-e-yakhābrofti)
ریگ و شن و ماسه و مواد رسی که بر اثر آبرفت یخهای ذوب شده یک یخسار ، یا یک یخچال به‌مرور زمان ته‌نشین گردیده و منطقه نسبتا" پهناوری را به شکل دشت تحت پوشش قرار داده باشد .

دغ *(Dagh)* PLAYA
یا دق یا دک ۱ ــ زمینی که علف و گیاه در آن نروید .
۲ ــ زمین سخت و کوبیده شده‌ای که کنده نشود .

دقیقه MINUTE
۱ ــ واحدی برای اندازه‌گیری زمان ، معادل $\frac{1}{60}$ ساعت و یا ۶۰ ثانیه .
۲ ــ واحدی برای اندازه گیری زاویه برابر $\frac{1}{60}$ درجه و یا ۶۰ ثانیه .

دک *(Dak)* PLAYA
یا دق ← دغ

دکتر DOCTOR
باد مخصوصی است در افریقای باختری و پاره‌ای دیگر از نقاط دنیا که بواسطه اثر تعدیل کننده‌ای که روی هوا دارد موجب مطبوع شدن هوا گردیده و به انبساط خاطر بیمارانی که از ناراحتی‌های تنفسی در هوای بد رنج می‌برند منجر می‌شود و بهمین مناسبت به نام دکتر مشهور گردیده است .
باد دکتر را هرمتن (Harmattan) نیز می‌نامند .

دکلی نزون DECLINATION
یکی از ابعاد سیستم مختصات نجومی است و آن عبارت از زاویه‌ای است که قائم بر نقطه فضائی با سطح نیمگان (سطح استواء) عالم بوجود می‌آورد و یا بعبارت دیگر قطعه قوسی از یکی از نیمروز (نصف‌النهار) های عالم محدود میان نیمگان (استواء) عالم و جرم آسمانی که روی آن نیمروز قرار گرفته

است . دکلی نزون هر جرم آسمانی مشابه عرض جغرافیائی نقاط روی سطح زمین است و بهمان ترتیب نسبت به استواء عالم ممکن است شمالی و یا جنوبی باشد .

دگردیسی *(Degardisi)* METAMORPHOSIS
تغییر مشهود و کمابیش ناگهانی در شکل یا ساختمان یک جانور در دوران زندگی بعد از جنینی ، مانند تغییر شکل نوزاد قورباغه .

دگر شیبی *(Degarshibi)* UNCONFORMITY
این واژه برای یک سطح فرسایش یا سطحی که در آن رسوب گذاری برای مدتی متوقف بوده بکار برده می‌شود . از دگر شیبی برای تعیین تاریخ فعالیتهای کوه‌زایی و حرکات یا جنبشهای مختلف پوسته خارجی زمین در گذشته استفاده می‌شود . گاهی اوقات کانیهای با ارزش یا مخازن نفتی قابل ملاحظه با این پدیده همراهند .

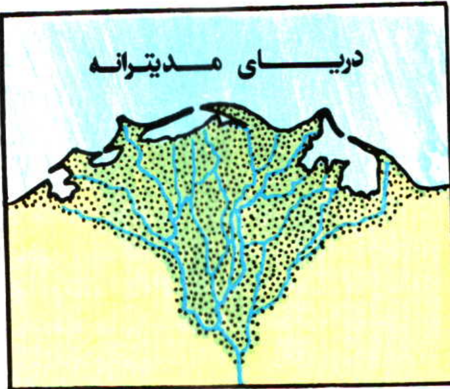
دگرگونگی METAMORPHISM
اعمال فیزیکی و یا شیمیائی ، که موجب تغییراتی در جنس ترکیب و ساختمان سنگها گردیده و خصوصیات و ظاهر آنها را عوض نماید . این عمل بوسیله عواملی مانند فشار ، گرما و تاثیر آب انجام می‌پذیرد .

دگروارگی *(Degarvāregi)* ALLOTROPY
موجود بودن بعضی عناصر شیمیائی به چند صورت (موسوم به اشکال دگروار آن عنصر) متفاوت در خواص فیزیکی . هر یک از این اقسام را یک (شکل) دگروار آن عنصر خوانند . نمونه بارز آن در کربن دیده می‌شود که سه دگروار آن کربن بی شکل ، گرافیت و الماس است .

دلتا DELTA
منطقه‌ای از مواد رسوبی ، واقع در دهانه یک رودخانه که موجب هموار شدن زمین و شاخه شاخه شدن رودخانه می‌گردد . علت انتخاب این واژه شباهت زیادی است که دهانه رودخانه نیل (واقع در مصر) به حرف یونانی دلتا (Δ) داشته و از زمان باستان به همین عنوان نامیده شده است ، در حالیکه دهانه سایر رودخانه‌ها ممکن است شباهتی به حرف مزبور نداشته باشند .

دلتای خشک DRY DELTA
← پنجه آبرفتی

دلتای دریاچه‌ای LACUSTRINE DELTA
دلتای رودخانه‌ای که بیک دریاچه وارد شود .



دلتای رود نیل

دلفین DELPHINUS
صورت فلکی در نیمکره شمالی که بنام صلیب نیز مشهور است ، در این صورت که بیک نوری شباهت دارد ستاره نسر طایر درخشان‌ترین ستاره آن را تشکیل می‌دهد که بی شباهت به الماس نیست .



دلفین

دلو *(Dalv)* AQUARIUS
یازدهمین صورت فلکی واقع در منطقة البروج منطبق با بهمن ماه در تقویم رسمی ایران .


دلو

دم *(Dam)* FIRE - DAMP
بخار و یا ماده منفجره‌ای که از مخلوط شدن هوا و گاز متان بوجود می‌آید .
گاز دم در معدن‌های زغال سنگ یافت می‌شود .

دما (Damā) TEMPERATURE

یکی از عوامل موثر در آب و هوا که میزان گرما و یا سرمای هوا را توصیف می‌کند و مقدار آن با شیوه‌ها و وسایل مختلف اندازه‌گیری می‌شود. (برای توضیح بیشتر ← درجه سانتیگراد درجه فارنهایت و درجه رومور) بیشترین درجه حرارت جهان که در سایه مجاور آفتاب اندازه‌گیری شده ۵۸ درجه سانتیگراد یا ۱۳۶/۴ درجه فارنهایت است که مربوط به عزیزیه بوده و کمترین درجه حرارت جهان که تا کنون اندازه‌گیری شده ۸۹ - درجه سانتیگراد یا ۱۲۷ - درجه فارنهایت است که مربوط به جنوبگان (منطقه قطب جنوب) می‌باشد.

دما اسپهر (D-espehr) THERMOSPHERE

طبقاتی از جو زمین که در ارتفاعات بیشتر از ۸۰ کیلو متر قرار دارند. در این طبقات دما منظماً با افزایش ارتفاع زیاد می‌شود. دما اسپهر با یونسپهر در واقع منطبق است.

دما دگرگونی THERMAL METAMORPHISM

دگرگونی حاصله از افزایش دما.

دما سنج THERMOMETER

دماسنج یا گرماسنج دستگاهی است که برای اندازه‌گیری و سنجش دما بکار می‌رود. از معمولی‌ترین انواع آن، دماسنج جیوه‌ای یا الکلی را که عبارت از لوله شیشه‌ای مدرج حاوی جیوه یا الکل است می‌توان نام برد. این دستگاه که به آن حرارت سنج یا میزان‌الحراره‌نیز می‌گویند دما را برحسب سانتیگراد یا فارنهایت اندازه‌گیری می‌کند.

دما شکست THERMAL FRACTURE

ترک خوردن و خرد شدن و شکاف برداشتن سنگ در نتیجه تغییر ناگهانی دما.

دماغه CAPE

نقطه یا قطعه‌ای از ساحل که در دریا پیش رفته باشد. به این عارضه راس نیز می‌گویند.

دماغه شنی SAND BAR

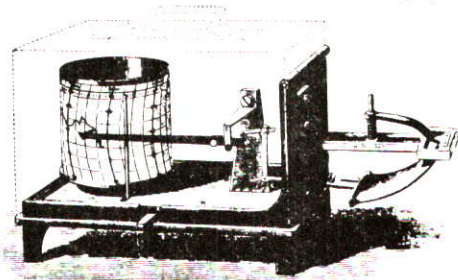
رشته‌ای از شن و سنگریزه که در دهانه رودخانه‌هائی که به یک خلیج می‌ریزند جمع شده باشد. چگونگی تشکیل این رشته نبودن جریان‌های دریائی در داخل خلیج و در نتیجه ته‌نشین شدن مواد موجود در آب رودخانه‌ها در دهانه آن‌ها است. افزایش این رسوبات اغلب باعث پر شدن خلیج و به اصطلاح کور شدن آن می‌گردد.

دماکره (D-koreh) THERMOSPHERE

← دما اسپهر

دما نگار THERMOGRAPH

دماسنج خودکاری که دمای هوا را بطور پیوسته اندازه‌گیری و روی نوار مخصوصی ثبت نماید. این دستگاه از یک دماسنج و یک غلطک استوانه‌ای که در جهت گردش عقربه‌های ساعت بدور خود می‌چرخد تشکیل یافته و تغییرات دما بوسیله قلم مخصوصی روی نوار کاغذی که به دور غلطک مربور پیچیده رسم می‌گردد.



دما نگار

دما نگاشت THERMOGRAM

منحنی نمایش دمای هوا، که بوسیله‌ی دما نگار ثبت می‌شود.

دمای بحرانی CRITICAL TEMPERATURE

حرارتی که از نظر حیات و یا رشد گیاه اهمیت و یا حساسیت داشته باشد. مانند دمای صفر درجه سانتیگراد برای گیاهانی که بویژه در حالت شکوفه کردن باشند و یا دمای ۶ درجه سانتیگراد که غالب گیاهان در حرارت کمتر از آن قادر به زیست نیستند. این دما در واقع دمای میان مرگ و زندگی گیاهان را مشخص می‌سازد.

دمای خشک DRY BULB TEMPERATURE

دمائی که توسط یک دماسنج معمولی اندازه‌گیری شود. بکمک دمای خشک و دمای مرطوب رطوبت نسبی را اندازه می‌گیرند.

دمای سایه SHADE TEMPERATURE

دمایی که بوسیله دماسنج نصب شده در سایه مجاور آفتاب اندازه‌گیری شود.

دمای مرطوب WET - BULB TEMPERATURE

دمای قرائت شده توسط دماسنجی که اطراف مخزن جیوه

(یا مایع دیگر) آن را بوسیله یک لفافه مرطوب پوشانیده باشند. بکمک دمای مرطوب و دمای خشک رطوبت نسبی را اندازه می‌گیرند.

دمای مطلق ABSOLUTE TEMPERATURE

مقیاسی برای سنجش دما که بر صفر مطلق (۲۷۳/۱۶- درجه سانتیگراد) مبتنی باشد. این سیستم که مقیاس کلوین نام دارد دارای ارزش علمی فوق‌العاده‌ای است و به‌آسانی قابل تبدیل به سیستم سانتیگراد یا صد قسمتی می‌باشد. برای این منظور کافی است که به درجه سانتیگراد ۲۷۳ درجه بیفزائیم تا درجه کلوین بدست آید.
این سیستم از این جهت قابل اهمیت است که فاقد کمیت منفی است و برای اندازه‌گیری دمای لایه‌های بالایی جو بکار می‌رود.
لازم به توضیح است که صفر مطلق یا ۲۷۳-درجه سانتیگراد پست‌ترین دمایی است که ممکن است به‌آن رسید. در این دما هرگونه جنبش مولکولی ظاهرا" متوقف می‌گردد (تجربیات آزمایشگاهی نشان داده است که جنبش مولکولی در این دما کاملا" متوقف نمی‌گردد و مقداری انرژی جنبشی به نام انرژی صفر مطلق در ماده باقی می‌ماند).

دمای مطلوب DESIRABLE TEMPERATURE

دمائی که برای زیست انسان مطلوب باشد.
مقدار دمای مطلوب از راه فرمول زیر بدست می‌آید:
۱۵ + (درجه‌حرارت‌تر + درجه حرارت خشک) × ۰/۴ = I
در پاره‌ای کشورها مانند ایالات متحده امریکا هنگامیکه I بین ۶۰ و ۶۵ باشد شرایط مطلوب است و زمانی که مقدار I به رقم ۸۰ افزایش یابد شرایط نامطلوب اعلام میگردد و کارخانه‌ها و سازمان‌های اداری تعطیل می‌شوند.

دمای معکوس INVERSION TEMPERATURE

افزایش دمای هوا متناسب با افزایش ارتفاع، بطوریکه هوای گرمتر روی هوای سردتر قرار گیرد، این حالت که قاعدتا" عکس وضعیت طبیعی است (در شرایط طبیعی افزایش دمای هوا و ارتفاع نسبت وارونه دارند. یعنی هر چه بر ارتفاع افزوده شود از دمای هوا کاسته می‌گردد) ممکن است هم در سطح زمین روی دهد و هم در طبقات بالای جو ایجاد شود، بدین ترتیب که در شب‌های زمستان که هوا آرام و آسمان صاف است لایه‌های زیرین هوا که در مجاورت زمین سرد و یخ زده قرار گرفته‌اند زودتر از لایه‌های بالائی سرد شده و در نتیجه هوای گرم در بالای هوای سرد قرار می‌گیرد.
این وضعیت در طبقات بالای جو نیز بدین صورت پدید می‌آید که توده‌های هوای سرد بر اثر وزش باد و یا عوامل دیگر از زیر توده‌های هوای گرم عبور کنند و یا بر عکس توده‌های هوای گرم بر فراز توده‌های هوای سرد قرار گیرند.
این وضعیت ممکن است تا چندین روز پایدار بماند.

دموکراسی DEMOCRACY

حکومتی که در آن قدرت عالیه منبعث از ملت است و ملت اعمالش را هدایت می‌کند، حکومت مردم بر مردم.
دموکراسی نظریه‌ای است فلسفی و مبنای آن این است که مردم حق و مآلا" لیاقت دارند که بر سازمان‌های خود به صلاح خویش نظارت کنند. این نوع حکومت برای افراد مردم ارزش بسیار قائل است و معتقد است که قیود لازم برای محدود کردن آزادی فرد به منظور جلوگیری از هرج و مرج باید با رضایت اکثریت افراد و با رعایت اصل برابری بر آنها تحمیل شود.

دمه *(Dameh)* BLIZZARD

توفانی از برف که گاه با یخ ریزه‌هائی توام بوده و با باد شدیدی همراه است. این توفان اغلب قابلیت دید را تا حدود صفر کاهش می‌دهد و ممکن است با بارش برف توام باشد و یا برف باریده شده را به صورت گرد به همراه حمل نماید. دمه در امریکای شمالی اغلب با باد سردی که از سوی نواحی قطبی می‌وزد همراه بوده و برای مراتع و سرزمین‌های باز و هموار خطرهای جانی در پی دارد.
این پدیده در مناطق قطبی بیشتر دیده شده و گاه تا چند روز ادامه می‌یابد به طوری که سرزمین ادلای لند (Adelie Land) واقع در منطقه جنوب را خانه دمه یا The Home Of The Blizzard می‌گویند.

دنبالهٔ تکاثفی CONDENSATION TRAIL

خط باریک ابری مانندی که در پی هواپیمائی که در آسمان صاف و سردی پرواز میکند دیده می‌شود.
چگونگی پیدایش این خط بدین گونه است که بخار آبی که همراه با سوخت هواپیما از اگزوزهای آن خارج می‌شود در منطقه کم فشار پشت بالهای هواپیما بحالت تکاثف درآمده و به صورت رشته باریکی از ابر در آسمان آشکار می‌گردد.

دنباله‌داران COMETS

یا ستارگان دنباله‌دار، اجرام آسمانی دارای ماهیت سحابی که در مسیری در حول خورشید حرکت می‌کنند.

دنباله‌داران معمولاً" دارای سری ابرمانند و درخشان هستند که در داخل آن یک یا دو و بیشتر هسته درخشان دیده می‌شود و وقتی به خورشید نزدیک می‌شوند دنباله آن‌ها در عقب گسترده می‌شود و هنگامی که از خورشید دور می‌شوند دنباله پیشاپیش سر حرکت می‌کند .

سر دنباله داران ظاهراً" از ذرات سنگ و ماسه متفرق در محیطی گازی تشکیل یافته است که در نتیجه فشار تشعشعی خورشید در جهت متقابل رانده می‌شود و دنباله آن‌ها را تشکیل می‌دهد که طول آن گاه به ۱۶۰ میلیون کیلومتر می‌رسد .

از جمله معروفترین دنباله‌داران ستاره دنباله‌دار هالی است که هر ۷۵ سال یک بار بدور خورشید می‌گردد . طبق محاسباتی که به عمل آمده است این ستاره در سال ۱۹۸۶ در آسمان زمین ظاهر گردید .



دنباله داران

دنگال *(Dangāl)* STALACTITE

ستونی از مواد معدنی که بطور قائم از سقف یک غار آویخته شده باشد . متداول‌ترین انواع این عارضه دنگال کربنات کلسیم است که از سقف غارهای آهکی آویخته شده است . چگونگی پیدایش این عارضه بدین نحو است که قطره‌های باران حاوی دی اکسید کربن با برخورد پوسته آهکی سقف غار کربنات کلسیم را در خود حل کرده و پس از عبور از شکافهای زمین از سقف غار به پائین می‌چکد و پس از تبخیر مقداری کلسیم از خود بجای می‌گذارد و چکه‌های بعدی نیز به مرور زمان بر میزان آن می‌افزاید تا به ستون آهکی آویخته‌ای تغییر شکل یابد . به این عارضه گلفهشنگ یا استالاکتیت نیز می‌گویند . ← دنگاله

← دنگاله

دنگاله *(Dangāleh)* STALAGMITE

ستونی از مواد معدنی مشابه دنگال که بر اثر چکیدن قطرات آب حاوی مواد معدنی از کف غار به صورت عمودی بالا آمده باشد . این عارضه که نام دیگر آن استالاگمیت است درست در زیر دنگال قرار گرفته و به مرور زمان به‌یکدیگر متصل شده و ستون واحدی را پدید می‌آورند . به این عارضه گلفهشنگ وارونه یا دنگال وارونه نیز می‌گویند .

← دنگال



دنگال و دنگاله

دوآب *(Doāb)* CONFLUENCE

محلی که رودی به رود دیگر بریزد و یا دو رود بهم ملحق شده و یک رودخانه را تشکیل دهند .

دو پیکر *(Do peykar)* GEMINI

← جوزا

دوتریوم DEUTERIUM

ئیدرژن سنگین ، با علامت شیمیایی D که وزن اتمی آن

۲/۰۱۳۶۳ و عدد جرمی آن ۲ است. در ۱۹۳۲ کشف شد. آب معمولی از حیث وزن، به ازاء ۵۰۰۰ جزء ئیدرژن معمولی یک جزء دوتریوم دارد. دوتریوم از الکترولیز تدریجی آب بدست می‌آید. هسته اتم آنرا دوتون یا دوترون می‌نامند. آب سنگین اکسید دوتریوم است.

← ئیدرژن

دود (Dud) SMOKE

محصول گازی شکل و مرئی احتراق ناقص، دودها بر حسب منبع پیدایش آن‌ها متفاوتند ولی مشتمل برگاز داغی هستند که در آن ذرات کربن و مواد قیری یا دوده به حالت معلق وجود دارد.

دود، هوای شهرها را آلوده و زندگی را تهدید می‌کند، به همین جهت از روش‌های مختلفی برای تقلیل مقدار آن استفاده می‌شود.

دود خان FUMAROLE

سوراخ کوچکی در زمین، که از آن بخارهای اسید ئیدرو کلریک دی اکسید گوگرد و آمونیم کلرید به‌خارج بجهد. از مهمترین دودخان جهان، دره Ten Thousand Smokes آلاسکا را می‌توان نام برد.

دودکش CHIMNEY

الف ـ شکافی در صخره‌های عمودی که غالبا" مورد استفاده کوهنوردان واقع شده و از آن بالا می‌روند.

ب ـ روزنه‌ای در کوه آتشفشانی که بخار و دود از آن خارج می‌شود.

پ ـ ستونی عمودی از تخته سنگ.

دود مه (D-meh) SMOG

دود مه آلودی که غالبا" برنگ زرد مایل به قهوه‌ای بوده و بر فراز شهرهای صنعتی و پر جمعیت دیده میشود. این دود غالبا" سمارتهای ریوی را بهمراه داشته و عوارض خطرناک و مرگباری را در پی دارد.

این واژه از دو کلمه فارسی دود و مه و یا دو کلمه انگلیسی Smoke (دود) و Fog (مه) ترکیب یافته و از سال ۱۹۰۵ به بعد شناخته شده است. دود مه‌ای که شهر لندن را در زمستان سال ۱۹۵۲ در بر گرفت ۴۰۰۰ نفر تلفات بر اثر عوارض سرشت و مشابه آن از خود بجای گذاشت.

دور (Dowr) EPOCH

هر یک از تقسیمات جزء یک دوره زمین شناسی.

دوران (Dowrān) ERA

هر یک از بزرگترین تقسیمات زمانی زمین شناسی.

دوران پارین زیوی (D-e-pārin zivi) ARCHAEOZOIC ERA

این دوران از کهن‌ترین اعصار تاریخ زمین است که در آن نخستین سنگهای ته نشستی تشکیل گردیده. در این دوران هیچگونه سنگواره‌ای در ته نشست‌ها نمی‌توان یافت، ولی به دلیل وجود کربن می‌توان تصور کرد که در نیمه دوم این دوران گونه پستی از موجودات زنده وجود داشته‌اند.

دوران دیرین زیوی (D-e-dirin zivi) PALEOZOIC ERA

این دوران پس از دوران نخست زیوی شروع شده و معنی آن زندگی قدیمی است. طی این دوران نشانه‌های متعددی از زندگیهای گوناگون که در حال گسترش سریع بوده‌است بچشم میخورد این دوران که از ۶۰۰ میلیون سال پیش بدرازا کشیده است از دوره‌های چندی که بترتیب از قدیمی‌تر به جدیدتر عبارتند از: کامبرین، اوردوویسین، سیلورین، دوونین، کربونیفر و پرمین تشکیل یافته است.

دوران میان زیوی (D-e-miyān zivi) MESOZOIC ERA

دومین دوران از دورانهای سه گانه زمین شناسی که بعد از دوران دیرین زیوی و پیش از دوران نوزیوی واقع شده و به سه دوره تریاسیک، ژوراسیک و کرتاسه تقسیم میشود. این دوران از ۲۰۰ میلیون تا ۷۰میلیون سال پیش‌به درازا کشیده و طی آن خزندگان و نرم تنان و نوعی از پرندگان اولیه ظاهر شده‌اند و آتشفشانها به فعالیت اشتعال داشته‌اند.

دوران نخست زیوی (D-e-nakhost zivi) PROTOZOIC ERA

دورانی را که طی آن لایه‌هائی از ته نشستها تشکیل یافته و تا اندازه‌ای از سایر لایه‌ها قابل تشخیص است و محتوی بقایای گیاهان و جانوران می باشد دوران نخست زیوی یا آغاز زیوی نامیده‌اند.

پاره‌ای از دانشمندان دو دوران نخست زیوی وپارین‌زیوی‌را به‌شکل یک دوران در نظرگرفته و آنرا دوران پیش از کامبرین (پری کامبرین) نامیده‌اند.

دوران نوزیوی (D-e-nozivi) CAINOZOIC ERA

یا دوران نوزیست (زندگی نو) که پس از دوران میان زیوی (میان زیست) واقع شده و به دوره‌های سوم و چهارم تقسیم

می‌شود. طی این دوران سطح زمین پس از یک سری تغییر شکل های گوناگون منظره کنونی را بخود گرفته و خزندگان دوران میان زیوی جای خود را به پستانداران و پرندگان داده‌اند.
انسان در اواخر این دوران پدیدار شده و بعداً" بر روی زمین فرمانروا گردیده است.
از ویژگی‌های این دوران سرد شدن آب وهوا و یخبندان‌های متعدد آست.

دوروست *(Dorost)* TROPOPHYTE
گیاهانی که در یک فصل به صورت نمرست و در فصل دیگر به صورت خشکرست عمل نمایند. مانند درختانی که خود را با آب و هوای خشک فصول کم آبی و آب و هوای مرطوب فصل‌های پر آبی ساوانا تطبیق می‌دهند.

دور سنج *(Dur sanj)* TELEMETER
نام هر یک از دستگاههای گوناگونی است که برای اندازه‌گیری فاصله بین دو نقطه بکار میرود. از انواع دورسنج می‌توان استادیا و انواع تلرومتر و دیستومات‌ها را نام برد.

دور کاوی *(D-kāvi)* REMOTE SENSING
کسب اطلاعات و ثبت داده(Data)های فراوان، با استفاده از عکس‌های هوائی و دستگاههای الکترونیکی هوابرد را دور کاوی می‌نامند.

دورگه *(Dorageh)* HYBRID
از نظر نژاد شناسی، ثمره پیوند دو نژاد خالص‌را دورگه‌های آن نژاد می‌نامند. در اصطلاح اروپائی ولاتین به‌دورگه‌های سفید و سیاه مولاتو (Mulatto) و دورگه‌های سرخ و سفید مستیزو Mestizo می‌گویند.

دور نما *(Durnamā)* PANORAMA
منظره‌ای که از افق یک منطقه تهیه گردد و تمام جزئیات طبیعت در آن نشان داده شود. دورنمای‌ترسیمی که معمولاً" هنگام تنظیم گزارشهای صحرائی تهیه می‌گردد قاعدتاً" بر اساس یک سری اصول هندسی بنام پرسپکتیو رسم می‌شود.

دوره PERIOD
در اصطلاح زمین شناسی، یکی از تقسیمات زمانی، که کوتاهتر از دوران و درازتر از دور است.

دوره آرامش PEDIOCRATIC PERIOD
دوره سکون و آرامش پوسته زمین که در حد فاصل دو دوره کوهزائی واقع شده باشد.

دوره چهارم زمین شناسی QUATERNARY PERIOD
← آدم زیوی

دوره زغالینه CARBONIFEROUS PERIOD
(Doreh-ye-zoghālineh)
← کربونیفر

دوره زمین لرزه EARTHQUAKE PERIOD
مدت زمانی که یک منطقه تحت تاثیر زمین لرزه‌ای مداوم و ناگسسته قرار گیرد.

دوره سوم زمین شناسی TERTIARY PERIOD
دوره‌ای از زمین شناسی که از ۷۰ میلیون تا یک میلیون سال پیش بدرازا کشیده است. این دوره که بخشی از دوران نو زیوی (نو زیست) است پس از دورهٔ دوم آغاز شده و تا پیش از دوره چهارم ادامه می‌یابد.

دوره‌های زمین شناسی GEOLOGICAL PERIODS
← ارمنه زمین شناسی

دوزیستان *(Dozistān)* AMPHIBIANS
رده‌ای از جانوران مهره‌دار خونسرد که در بسیاری از خصوصیات حد وسط ماهیها و خزندگان هستند. از جمله دوزیستان قورباغه، سمندر، وزغ و سوسمار آبی را می‌توان نام برد. در حقیقت دوزیستان از زندگی آبی به زندگی در خشکی یا در آب و خشکی دگردیسی می‌یابند.

دولت GOVERNMENT
عنوان قوه مجریه و هیئتی که اداره کشور یا یک‌واحد سیاسی نظیر آن را بر عهده دارد. ریاست هیئت دولت یا شورای وزیران بسته به نحوهٔ حکومت و قانون اساسی کشورها به عهدهٔ نخست وزیر، صدر اعظم ورئیس‌جمهور (یا به وسیلهٔ معاون وی) و یا در موارد نادری به عهدهٔ پادشاه می‌باشد.

دولت فدرال FEDERATION
← فدراسیون

دولت مرکزی CENTRAL GOVERNMENT
یا "حکومت مرکزی" اصطلاحی است که معمولاً" در کشورهای فدراتیو یا نظایر آن (که هر ایالت یا استان دارای حکومت خود مختار و نسبتاً" مستقل است) به دولت مستقر در پایتخت که اداره امور دفاعی و سیاست خارجی را نیز به عهده دارد، اطلاق می‌گردد. در مواردی‌نیز که‌در یک کشور، حکومتهای متعددی در مناطق مختلف حاکمیت دارند و کشمکش

بر سر بدست آوردن قدرت مطلق ادامه دارد ، به حکومتی که پایتخت را در اختیار دارد ، گفته می‌شود. که مورد اخیر بیشتر در ادوار گذشته پیش آمده است .

دولمن DOLMEN

آثاری از دوران پیش از تاریخ که از دو یا چند تخته سنگ قائم که روی سر آنها یک تخته سنگ افقی نصب شده تشکیل یافته باشد . از اینگونه آثار به‌عنوان مقبره‌های دوران نوسنگی استفاده می‌شده است .

دولومیت DOLOMITE

سنگ معدنی نیمه شفافی که از منیزیم و کربنات کلسیم به فرمول $CaMg(Co_3)_2$ ترکیب یافته است . این سنگ بنام D.G. Dolomieu زمین‌شناس قرن هجدهم فرانسه نامیده شده .

دولین DOLINE / DOLINA

فرو رفتگیهای نمکی را در کویر و همچنین در نواحی آهکی که ناشی از حل شدن آهک است دولین می‌گویند . شکل این گونه فرو رفتگیها غالبا" مدور یا بیضی شکل است .

دومینیون DOMINION

سرزمینی مطیع یا تحت استیلای یک فرمانروا یا مقام عالی دیگر. این اصطلاح مخصوصا" در مورد دومینیون‌های ملل مشترک المنافع بریتانیا بکار می‌رود .
واژه دومینیون را بشرح زیر نیز تعریف کرده‌اند :
دولت خود مختاری از کلنی‌های سابق بریتانیا که در حال حاضر دارای استقلال کامل بوده و فقط وابستگی ظاهری با دولت انگلستان داشته باشند .

دونین DEVONIAN

چهارمین دوره از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که زمان آن مربوط به ۴۰۰ تا ۳۵۰ میلیون سال پیش است . علت انتخاب واژه Devonian این است که، تخته سنگهای مربوط به این دوره نخستین بار در ناحیه Devon واقع در انگلستان پیدا شده است .

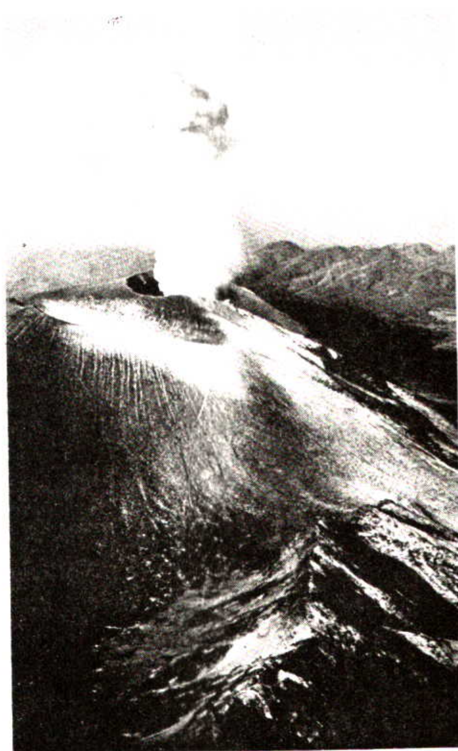
← ارمنه زمین شناسی

ده *(Deh)* VILLAGE

یا روستا . آبادی کوچک در خارج شهر و کوچکترین عضو تقسیمات اداری کشور ایران .

دهانه آتشفشانی CRATER

گودال قیف مانندی که بر فراز قله‌های آتشفشان دیده می‌شود و محل خروج مواد گداخته و دود و گاز است .



دهانه آتشفشان

دهانه رودخانه MOUTH OF RIVER/ESTUARY

جائی است که رودخانه به دریا متصل شده و آب تازه آن، باآب دریامخلوط می‌شود . این قسمت که به‌آن مصب نیز گفته می‌شود معمولا" قیفی شکل است و محل مناسبی برای ایجاد بندرگاه می‌باشد .

دهدار *(Dehdār)*

آنکه کارهای ده یا یک دهستان را اداره کند .

دهستان

قسمتی از تقسیمات کشوری که معمولا" از چند روستا یا ده تشکیل یافته و خود قسمتی از یک بخش است . حاکم دهستان را دهدار می‌گویند .

دهقان FARMER

معرب دهگان به مفهوم :

۱ ــ روستائی .
۲ ــ حافظ سنن و روایات ایرانی .
۳ ــ ایرانی .
۴ ــ صاحب ده و رئیس روستا .
۵ ــ مالک زمین ، صاحب زمین .

دهکده VILLAGE
دهکده یا روستا ، مجموعه‌ای از خانه‌های مسکونی است که کوچکتر از شهرک باشد . معمولاً " دهکده فاقد شهرداری بوده و محل مسکونی کشاورزان را تشکیل می‌دهد و از نظر اداری بوسیله دهبان اداره می‌شود .

ده کیا *(Deh kiyā)*
رئیس ده ، دهخدا ، کدخدا .

دهه *(Daheh)* DECADE
ده واحد از چیزی ، از این اصطلاح بیشتر برای تعریف مدتی معادل ده روز یا ده سال استفاده می‌شود .

دی *(Dey)*
مقتبس از واژه اوستائی دثوش به مفهوم آفریننده و دادار، نام دهمین ماه در تقویم رسمی ایران و هشتمین ، پانزدهمین و بیست و سومین روز هر ماه خورشیدی . این واژه عیناً " به همین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها به تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام دهمین ماه در تقویم ایران رسمیت یافته است .

دیاباز DIABASE
سنگ آذرینی با ۴۵ تا ۵۲ در صد سیلیس که در خروجهای کوچکی مانند دیوال دیده می‌شود .
اینگونه سنگ‌ها دارای رنگی تیره و بافتی ریز و یا متوسط بوده و گاه بصورت ستون‌های سنگی ، سخت و منجمد گردیده‌اند و به آن‌ها دولریت (Dolerite) نیز می‌گویند .

دیاتومه DIATOM
رستنی ذره‌بینی از گروه جلبکها ، که بصورت سلولهای منفرد و هم بصورت دسته جمعی وجود دارد . رنگ آنها معمولاً" مایل به زردی یا خرمائی است و در آبهای شیرین یا شور یا در خاکهای مرطوب و یا بر سطح مرطوب رستنیهای دیگر زیست می‌کنند . در ناحیهٔ شمالگان و سایر نواحی سرد فراوانتر از جاهای دیگر یافت می‌شوند . "خاکهای دیاتومه‌دار" و "دیاتومیت" (سنگهای دیاتومه‌ای) از بهم پیوستن پوسته‌های سیلیسی خارجی آنها تشکیل شده است . دیاتومیت را در صنعت برای عایقسازی نسبت به حرارت و صوت و در ساختن دینامیت و سایر مواد منفجره و نیز در ساختن صافیها و غیره بکار می‌برند . دیاتومه‌ها احتمالاً" منشاء قسمت عمدهٔ ذخائر نفتی می‌باشند .

دیار
۱ ــ شهر
۲ ــ سرزمین

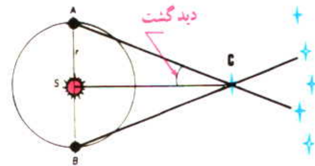
دی اکسید کربن CARBON DIOXIDE
گازی که از یک قسمت کربن و دو قسمت اکسیژن ترکیب یافته باشد . گاز دی اکسید کربن حدود ۰/۰۳ از جو زمین را اشغال نموده است .

دیاگرام پراکنش DISPERSION DIAGRAM
نموداری برای نمایش پراکندگی کمیت‌ها در واحد زمان که برای یک مدت زمان معین رسم شده باشد . مثلاً "برای نمایش پراکندگی ریزش باران از نموداری بشکل یک ستون عمودی که بر حسب میلی متر یا واحد دیگری مدرج شده باشد استفاده می‌شود و برای هر سال یا هر ماه ستون جداگانه‌ای منظور می‌گردد که بلندی هر کدام متناسب با ریزش باران در آن سال یا در آن ماه است .

دیپ DIP
الف ــ حداکثر زاویه شیب یک چینه رسوبی در یک نقطه معین . این زاویه نسبت به سطح افق بر حسب درجه اندازه‌گیری می‌شود و جهت افقی آن نیز بوسیله قطب نما سنجیده می‌گردد .
ب ــ زاویهٔ قائمی که راس آن در چشم بیننده قرار داشته ، یک ضلع آن به موازات سطح افق و ضلع دیگر امتداد جرم فضائی را تشکیل دهد .
پ ــ زاویه میان سطح افق و امتداد نیروی میدان مغناطیسی زمین در هر نقطه .
ت ــ لحظه‌ای که در موقع نخستین افزایش زاویه ارتفاعیٔ جرم آسمانی که در حال عبور از نیمروز (نصف النهار) باشد قابل تشخیص گردد .

دیدگشت *(Didgasht)* PARALLAX
تغییر وضع ظاهری یک شیئی بر حسب تغییر وضع شخص ناظر یا نسبت به دو ناظر که به آن اختلاف منظر نیز می‌گویند . دید گشت را بوسیله زاویه دو شعاع رویت می‌سنجند .
اگر مطابق شکل S خورشید و C یک ستاره در آسمان و A و B دو وضعیت متقاطر زمین حین گردش به دور خورشید باشد ، دراین حال زاویه دیدگشت یا اختلاف منظر

ستاره C زاویه‌ای است معادل ACS که در واقع زاویه روٴیت شعاع مدار گردش زمین به دور خورشید از ستاره C می‌باشد.
بوسیله زاویه دیدگشت خورشید می‌توان فاصله زمین را از خورشید حساب کرد و بر اساس همین عامل فاصله زمین تا ستارگان نزدیک به منظومه خورشیدی را نیز محاسبه نمود.



دید گشت

دیرین بومشناسی PALEOECOLOGY
بررسی بستگی شکل‌های زندگی در دوره‌های زمین شناسی گذشته با محیط آن دوره‌ها.

دیرین شناسی PALAEONTOLOGY
بررسی علمی سنگواره‌ها از نظر شناخت زندگی و مطالعه جانوران و گیاهان در گذشته.
دامنه این علم بسیار وسیع است و از آن علوم دیگری از قبیل چینه‌شناسی، فسیل شناسی، آب و هواشناسی و غیره منشعب می‌گردد.

دیرین گاه شناسی PALEOCHRONOLOGY
بررسی دوره‌های زمین شناسی از روی توالی نوع و شکل جانوران که بصورت سنگواره در چینه‌های زمین باز مانده است.

دیرین گیاهشناسی PALEOBOTANY
بررسی گیاهان روزگارهای گذشته به کمک سنگواره‌های آن‌ها.

دیرین نگاری PALEOGRAPHY
بررسی و تفسیر نوشته‌های باستانی و ویژگی‌های آنها و یا دانش قرائت خطوط قدیم، علم خطوط باستانی.

دیرین وابشناسی PALEOCLIMATOLOGY
(Dirin vābshenāsi)
بررسی آب و هوا یا اقلیم دوران‌های زمین شناسی.
←ازمنه زمین شناسی

دیزج *(Dizaj)*
یا دیزگ ← دیزه

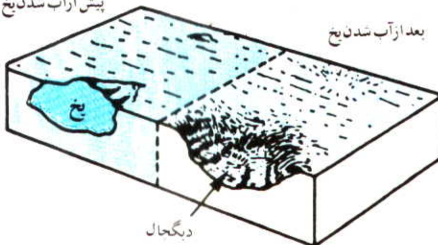
دیزگ *(Dizag)*
یا دیزج ← دیزه

دیزه *(Dizeh)* FORT
یا دیزج، قلعه، دز، دژ.

دیکتاتوری DICTATORSHIP
حکومت مطلقه یک فرد یا یک گروه خاص یا یک طبقه خاص بدون اینکه ملازم رضایت مردم باشد.

دیگ جن *(Dig-e-jen)* BLOW-HOLE
سوراخی که در سقف صخره‌های سنگی غار مانند ساحل دریا طبیعتاً بوسیلهٔ آب بوجود آمده و هنگام آب بالا (مد) آب از آن با فشار به بیرون می‌جهد.

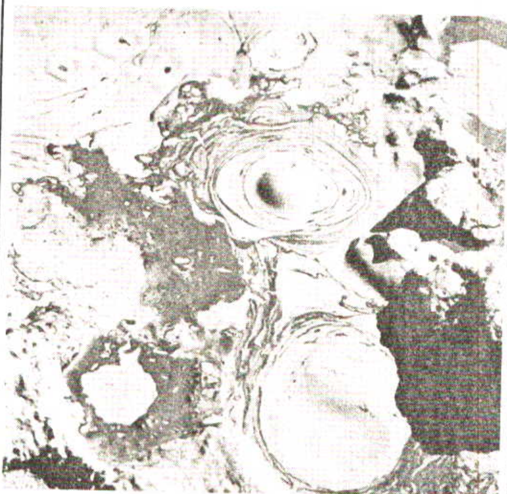
دیگچال *(Digchāl)* KETTLE HOLE
حفره‌ای که معمولاً از آب پر بوده و بدلیل آب شدن توده یخهائی که قبلاً در آن جا وجود داشته‌اند پدید آمده باشد.



دیگچال

دیگچه گل *(Digcheh-ye-gel)* MUD - POT
حوضچه‌ای از گل جوشان که معمولاً از مواد سولفوره بوده و در منطقه آتشفشان‌های کوچک فعال دیده می‌شود. قطر این دیگچه‌ها گاه تا حدود ۱۰ متر می‌رسد. (تصویر در صفحه ۱۷۲)

دیگ غول *(Dig-e-ghul)* GIANT MARMIT
حفره‌هائی که توسط جریان سریع آب در تنداب‌ها و زیر آبشارها و یا محل‌های دیگر بوجود آمده باشد.
جریان آب به صخره‌های سختی که بطور منفرد و مجزا در ته



دیگچه گل

بستر رودخانه قرار دارند ، حرکت دورانی می‌دهد و این امر موجب می‌شود که ، سنگهای سخت کم‌کم سنگهای سست بستر رودخانه را بسایند و حفره‌ای که بویژه در عمق بتدریج بزرگتر می‌شود بوجود آورند . این حفره‌ها شکل دیگی را پیدا می‌کنند که دارای دیواره‌ای قائم بوده و ته آن مقعر است . دیگ غول‌های دره اوین تهران که به‌آن هفت‌حوض می‌گویند از این گونه عوارضند .

دیم *(Deym)* DRY FARMING

شیوه‌ای است در کشاورزی مناطق نیمه خشک که در آن از رطوبت موجود در خاک استفاده شده و بدون بهره‌گیری از شیوه آبیاری به کشاورزی پرداخته می‌شود .

در این طریقه برای جلوگیری از تبخیر آب و حفظ رطوبت خاک از وسایل و روش‌های گوناگونی مانند پوشانیدن زمین با کاه و سنگ و مانند آن و حتی ذخیره باران در سال برای یک کشت استفاده می‌شود .

این شیوه در سرزمین‌هایی قرین موفقیت است که بارش سالیانه آنها ۲۵ تا ۵۰ سانتی متر باشد . گیاهانی که برای زراعت دیم قابل کشت هستند عبارتند از : گندم ، جو ، ذرت ، جاودار ، سیب زمینی ، پنبه و علوفه .

دیمه *(Dimeh)*

بارانی که بطور آرام و پیوسته ببارد . این گونه بارندگی معمولا " بدون رعد و برق بوده و غالبا " به مدت ۵ تا ۶ روز بدرازا می‌کشد .

دین DYNE

نیرویی است که روی جرمی معادل یک گرم اثر بگذارد تاآن را به اندازه یک سانتی متر در طول زمانی برابر یک ثانیه جابجا نماید . این نیرو واحدی است در سیستم C.G.S

دینامیک DYNAMIC

بخشی از علم مکانیک که در آن از حرکت دستگاهها و ذرات و اجسام تحت تاثیر نیروها گفتگو می‌شود .

دیوار بست *(Divār bast)*

۱ ــ دیواری که برای جلوگیری از ریزش خاک و یا به منظور ایجاد سطوح مستوی در دامنه ارتفاعات ایجاد شده باشد .

۲ ــ جایی که بوسیله دیوار محصور شده باشد .

دیوار سرد *(D-e-sard)* COLD WALL

حد فاصل میان دو آب با دمای متفاوت ، مانند لایه میان جریان‌های دریائی لابرادور و گلف استریم با آب معمولی اقیانوس اطلس .

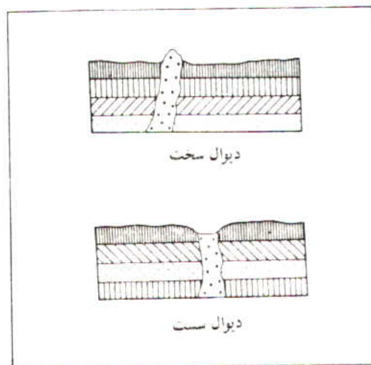
دیوار صوتی SOUND BARRIER

چون صوت در هوا بوسیله امواج فشار منتقل می‌شود لذا بر اختلال فشاری که در هوا پدید آید با سرعت صوت منتقل می‌گردد . برای اینکه وسیله نقلیه هوابرد (هواپیما) در هوا حرکت کند باید ذرات هوای واقع در مسیر آن راه را برای آن باز کنند . تا زمانی که سرعت هواپیما کمتر از سرعت صوت است عمل باز کردن راه به آسانی صورت می‌گیرد (زیرا امواج فشار ناشی از حرکت هواپیما که با سرعت صوت منتشر می‌شوند به فاصله معتنابهی درجلوی هواپیما حرکت می‌کنند و در واقع ذرات هوا را از سر راه هواپیما دور می‌سازند) . هنگامی که سرعت هواپیما به سرعت صوت نزدیک می‌شود ذرات هوا مجال دور شدن از سر راه هواپیما راه نمی‌یابند و در جلوی هواپیما انباشته می‌شوند و امواج فشار بر سطح آن‌ها مجتمع می‌گردند و موج‌تراکمی نیرومندی ایجاد می‌کنند که به‌آن دیوار صوتی می‌گویند . اگر موتور هواپیما نتواند نیروی کافی برای غلبه بر این سد تولید کند پرواز متوقف می‌گردد ولی وقتی هواپیما از عهده مقاومت با امواج ضربتی دیوار صوتی برآید و سرعت گیرد و به‌سلامت از دیوار صوتی بگذرد ، صدایی ناشی از موج ضربه‌ای که با تغییرات ناگهانی فشار ، جرم مخصوص و دما همراه است و بنام غرش صوتی موسوم است از آن بر می‌خیزد که به‌آن شکست دیوار صوتی می‌گویند .

دیوال *(Divāl)* DIKE / DYKE

دیواره قائمی از سنگهای آذرین که از رانده‌شدن مواد مذاب بسوی پوسته زمین و سرد و سخت شدن آن پدیدآمده‌باشد .

اگر این مواد در مقایسه با مواد مجاور خود سخت‌تر باشند ستون قائمی را در روی پوسته زمین ایجاد می‌کنند ولی چنانچه جنس آن‌ها نسبت به مواد مجاور سست‌تر باشد گودالی را که کف آن پائین‌تر از سطح زمین‌های مجاور است پدید می‌آورند.



دیوال

دیو باد *(Div bād)* DUST STORM

عبارت از بادی است که مخصوص نواحی خشک و نیمه خشک بوده و بر اثر وزش آن ابر متراکمی از گرد و غبار در فضا ایجاد می‌شود. تراکم این ابر غبارآلود گاه آنقدر زیاد است که جلوی دید را کاملاً گرفته و ارتفاع آن گاه تا ۳۰۰۰ متر می‌رسد. در چنین حالتی در هر کیلو متر مکعب هوا، حدود ۴۰۰۰ تن غبار وجود دارد.



دیوباد

دیوریت DIORITE

← دانار

دیولاخ *(D-lākh)*

۱ ـ صحرایی که از آبادی بدور باشد.

۲ ـ جایگاه خراب، خرابه

۳ ـ چراگاه دوردست

۴ ـ سردسیر

دیهیم *(Deyhim)* CORONA

← تاج خورشیدی



ذات الحلق *(Zātolhalq)* ARMILLARY SPHERE

یکی از اسبابهای نجومی قدیم که مشتمل است بر مجموعه‌ای از حلقه‌ها (برای نمایش دوایر مهم آسمان) و کره کوچکی در مرکز آن به منزله زمین. از این دستگاه در رصد های نجومی بهره‌گیری می‌شده است.



ذات الحلق

ذات الکرسی *(Zātolkorsi)* CASSIOPEIA

صورت فلکی واقع در نیمکره شمالی که آن را به صورت زنی نشسته بر تخت تصویر کرده‌اند. ابر نواختر تیکوبراهه در این صورت پیدا شده.

ذراع *(Zarā')*

نام چندین واحد قدیمی برای اندازه‌گیری طول که جملگی مبتنی بر فاصله آرنج تا نوک انگشت وسطی بوده‌اند.

ذراع مصر باستان ۵۲/۵ سانتی متر، ذراع روم باستان ۴۴/۳۶ سانتی متر و ذراع یونان باستان ۴۶/۲۹ سانتی متر بوده‌اند.

در کشورهای اسلامی انواع ذراعها رایج بوده، از آن جمله ذراع شرعی به طول ۴۹/۸ سانتی متر، ذراع سیاه به طول ۵۴/۰۴ سانتی متر و ذراع شاهی یا ذراع مساحی بطول متوسط ۶۶/۵ سانتی متر.



ذات الکرسی

ذرّت MAIZE / CORN

گیاهی از دسته غلات و از تیره گندمیان. این گیاه مدتها پیش از ورود سفید پوستان به قاره امریکا اهلی شده بود و کشت می‌شد.

ذرت در پاره‌ای کشورها برای تغذیه انسان و حیوان و استخراج نشاسته به مصرف می‌رسد. سنبله‌های ذرت را بلال می‌نامند.

ذرخش *(Zarakhsh)* LIGHTNING

← آذرخش

ذرع *(Zar')*

← گز

ذوات الاذناب COMETS

← دنباله داران

ذوالحجه

نام دوازدهمین ماه در تقویم هجری قمری که در فارسی ذیحجه نیز گفته می‌شود، وجه تسمیه این ماه بدین مناسبت است که مناسک حج در آن به عمل می‌آید.

ذوالقعده

نام یازدهمین ماه در تقویم هجری قمری. وجه تسمیه این ماه بدین مناسبت است که عرب‌ها در این ماه جنگ نمی‌کردند. در فارسی به این ماه ذیقعده نیز می‌گویند.

ذیحجه

← ذوالحجه

ذیقعده

← ذوالقعده



رادار RADAR

اقتباس شده از حروف اول جمله Radio Detecting And Ranging به‌معنی آشکار سازی و فاصله‌یابی رادیویی. رادار در واقع مثل چراغ قوه عمل می‌کند، بدین معنی که در تاریکی برای یافتن راه بکار می‌رود منتهی در رادار بجای نور از امواج رادیویی بسیار کوتاه استفاده می‌شود، این امواج را بوسیله دستگاهی شبیه نور افکن متمرکز و به خارج صادر می‌کنند که پس از برخورد با یک شیئی بصورت امواج باز تافته به دستگاه اولیه بر می‌گردند و بوسیله دستگاه آشکار ــ کننده‌ای بر صفحه رادار نمایان می‌گردند.

از دستگاه رادار برای ناوبری و هدایت هواپیماها و کشتی‌ها بخوبی بهره‌برداری می‌شود و از سال ۱۹۴۶ رسماً در مسایل نجومی از قبیل تحقیق در سیارات و اقمار آن‌ها و بررسی ذرات متحرک در فضا مورد استعمال شایان توجهی یافته است.

رادیان RADIAN

زاویه مرکزی دایره‌ای که کمانی برابر طول شعاع همان دایره را در بر گرفته باشد. یک رادیان برابر "۵۷°۱۷'۴۴/۶ است. محیط هر دایره برابر است با ۲π رادیان.

رادیواکتیویته RADIO ACTIVITY

به معنی انرژی تشعشعی فعال، که بر اثر تلاشی خود بخود هسته اتم و صدور ذرات یا تشعشع الکترو مغناطیسی مبتنی است. عناصری که خاصیت صدور ذرات تشعشعی را دارند عناصر رادیواکتیو نامیده می‌شوند.

درحقیقت عناصر رادیواکتیو در حال انتقال‌وتحویل‌وتبدیل از یک عنصر به عنصر شیمیائی دیگر هستند. ازجمله عناصر رادیواکتیو اورانیوم و رادیوم را می‌توان نام برد.

رادیواکتیویته را هانری بکرل در سال ۱۸۹۶ کشف کرد و در سال ۱۸۹۸ پیر کوری و همسرش ماری کوری ثابت کردند که توریوم نیز از عناصر رادیواکتیو است.

اتم‌های رادیواکتیو مورد استعمال بسیاری دارند، از جمله فواید آن‌ها شیوه تاریخ گذاری بوسیله‌رادیوکربن است. مواد رادیواکتیو در مقابل فواید علمی و فنی فراوان خطرات و زیان‌های حیاتی نیز دارندو نوعی بیماری به‌نام بیماری‌های تشعشعی را پدید می‌آورند.

رادیو تلسکوپ RADIO TELESCOPE

دستگاهی است که برای گردآوری و بررسی امواج رادیویی که از فضا می‌آیند بکار می‌رود.



رادیو تلسکوپ

رادیوسوند RADIOSONDE

دستگاه هواشناسی خودکاری است که بوسیله بالن اکسیژن تا ارتفاع حدود ۳۰ کیلومتری به فضا پرتاب می‌گردد تا وضع هوا را بطور خودکار ثبت و توسط فرستنده رادیویی به زمین مخابره نماید.

رادیوم RADIUM

فلز سفید رنگ رادیواکتیوی است با علامت شیمیائی *Ra* که در هوا بسرعت اکسیده میشود و آب را تجزیه می کند. مهمترین خاصیت رادیوم و ترکیبات آن رادیو اکتیویته بودن آن است واز تلاش آن عنصری گازی بنام رادون تولید میگردد. رادیومها علاوه بر تشعشعات سه گانه آلفا و بتا و گاما، انرژی حرارتی نیز صادر می‌کنند که مقدار آن ۱۳۲ کالری بازاء هر گرم رادیوم در ساعت است.

فلز رادیوم بوسیله پیر کوری و همسرش ماری کوری در سال ۱۸۹۸ کشف شد. از این فلز در درمان سرطان وتهیه رنگهای درخشان استفاده میشود.

رأس CAPE

← دماغه

راسته ORDER

← رده بندی

رانه DRIFT

الف ــ حرکت آرام سطح آب دریا، دریاچه‌وغیره‌که‌بعلت

وزش باد تولید می‌شود .
ب ــ هر گونه ماده رسوبی که بر اثر عوامل مختلفی مانند حرکت یخچالها ، وزش باد و جریان آب رودخانه‌ها و غیره جابجا گردند .
پ ــ جابجائی سطحی هر گونه مواد سبک مانند شن و ماسه ، برف و غیره بر اثر وزش باد .

رانه قاره‌ای CONTINENTAL DRIFT
← نظریه رانه قاره‌ای

راود *(Ravad)* PASTURE
زمین تپه ماهور و پر آب و علفی که گیاهان فراوان در آن روئیده باشد. به این گونه زمین‌ها چراگاه و سبزه‌زار نیز می‌گویند .

راه ROAD
راه عبارت از شبکه ارتباطی است ، که به منظور حمل و نقل کالا و مسافر میان شهرها و روستاها و نقاط مهم احداث می‌گردد. انواع راهها عبارتند از :
الف ــ راه‌آهن که مسیری است متشکل از ریلهای کنار هم نشانده که واگن‌های حمل و نقل مسافر و کالا بوسیله لکوموتیو روی آن از جائی به جای دیگر حرکت می‌کند .
ب ــ راه اسفالتی ــ راهی است زیر سازی شده که روی آن را بوسیله لایه‌ای از مخلوط قیر و شن و ماسه بنام اسفالت پوشانیده‌اند .
پ ــ راه شنی ــ راهی است زیر سازی شده که سطح آن را لایه‌ای از شن و ماسه کوبیده شده پوشانیده است اینگونه راهها معمولا" در تمام فصول سال قابل بهره‌برداری هستند .
ت ــ راه خاکی راهی است که زیر سازی نشده و سطح آن را مصالح نامقاوم و سست پوشانیده است .
معمولا" راههای خاکی در فصول بارانی قابلیت عبور خود را از دست می‌دهند .
ث ــ راه پیاده رو ــ راهی است که به مرور ایام و با عبور مردم از جائی به جای دیگر بوجود آمده و اغلب بوسیله انسان و حیوانات باربر ، مورد استفاده قرار می‌گیرد .

راه‌آهن *(Rāh āhan)* RAILWAY
مسیری متشکل از ریل‌های کنار هم نشانده شده که واگن‌های حمل و نقل مسافر و کالا و ارابه‌ها و وسایل مشابه بوسیله لکوموتیو و نیز ارابه‌های خود رو بر آن حرکت می‌کنند و نیز سازمانی که متصدی حمل و نقل بوسیله چنین مسیری است .

راهبر *(Rāhbar)* VIADUCT
۱ــ نوعی پل که برای عبور راه‌آهن یا جاده در دره یا زمین پست یا بر فراز جاده ساخته می‌شود و عموما" مشتمل بر طاقهائی است که جاده بر آن‌ها قرار می‌گیرد و معمولا" از فولاد یا بتون ساخته می‌شود .
۲ــ شخصی که عملیات راهپیمائی را هدایت کند .

راه تجارتی TRADE ROUTE
راه دریائی ، خشکی و یا هوائی که برای برقراری داد و ستد دایر شده باشد .

راهدار خانه TURN PIKE
دروازه‌ای که برای دریافت حق راهداری در مسیر یک راه ایجاد شده باشد .

راه دایره عظیمه GREAT CIRCLE ROUTE
راه دایره عظیمه عبارت از راهی است که بر پاره قوس دایره عظیمه‌ای که از دو نقطه مزبور عبور کرده منطبق باشد . این راه کوتاهترین راه میان دو نقطه مورد نظر بوده و در واقع همان مسیری است که هواپیماها و کشتی‌ها برای رسیدن از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌پیمایند .
راه دایره عظیمه میان نقاط هم عرض شمالی ، از شمال مداری که بر نقاط مزبور گذشته ، و در مورد نقاط هم عرض جنوبی ، از جنوب مداری که بر نقاط مزبور می‌گذرد عبور می‌نماید .

راه دریائی SEA WAY
آبراهه‌ای که برای کشتی‌های بزرگ و اقیانوس پیما قابل عبور باشد .

راه کمربندی RING ROAD
راهی که در پیرامون یک منطقه مسکونی دایره وار ساخته شده باشد و از پاره‌ای قسمتهای آن شاخه‌هائی جدا شده و آن را به درون منطقه مزبور پیوند دهد .
به این راه جاده کمربندی نیز می‌گویند و معمولا" از نظر کاستن حجم ترافیک داخل شهرها و سهولت دستیابی به حومه شهرها بکار می‌رود .

راهگذر
۱ ــ گذرگاه یا معبر .
۲ ــ دره تنگ میان دو کوه .

راه مالرو DROVE
راه عبور گله و یا جانوران دیگر ، که از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته است . اینگونه راهها برای عبور و مرور اتومبیل

مناسب نیست .

راه نگار *(Rāh negār)* ODOGRAPH

راه نگار دستگاهی است که روی خودرو (اتومبیل) نصب شده و برای نقشه‌برداری مسیر راهها بکار می‌رود . این دستگاه‌از یک مسافت سنج و یک قطب نما برای تعیین سمت امتدادها ترکیب یافته است و بر اساس سیستم فتو الکتریک کار می‌کند و نقشه مسیر راه را بطریقه الکترونیکی مستقیما" روی کاغذ رسم می‌نماید .

راهنما ROAD MAP

نقشه‌ای به مقیاس متوسط یا کوچک که بطور اخص شبکه راهها و خطوط ارتباطی را همراه با پاره‌ای عوارض مشخص و چشم ـ گیر نشان دهد . منظور از تهیه این گونه نقشه‌ها کسب اطلاع از چگونگی شبکه راهها و میزان استعداد و ظرفیت آن‌ها از نظر ترافیک است .

به این گونه نقشه‌ها ، نقشه راهها نیز می‌گویند .

راهنمای نقشه MAP LEGEND

شرح علائم و نشانه‌ها و رنگهائی که در متن نقشه‌بکار رفته است راهنمای نقشه نام دارد . راهنمای نقشه‌را معمولا" در محل مناسبی از حاشیه نقشه و یا بر حسب مورد در پشت نقشه جای می‌دهند و نمایش دهنده انواع عوارضی است که در نقشه بکار رفته است . به راهنمای نقشه علائم قراردادی نیز می‌گویند .

رایت اسنسیون RIGHT ASCENSION

یکی از ابعاد سیستم مختصات نجومی برای بیان موقعیت اجرام آسمانی ، این بعد که مشابه طول جغرافیائی است و سالیانه برای تمام اجرام آسمانی بصورت فهرست‌های مخصوصی بنام افمریز یا تقویم‌های نجومی منتشر می‌گردد عبارت از پاره قوسی است از استواء عالم واقع میان نقطه α یا برابران بهاری و دایره ساعتی مارّ بر جرم آسمانی مورد نظر که بر حسب زمان از صفر تا ۲۴ ساعت رو به خاور اندازه‌گیری می‌شود .

رای عمومی PLEBISCITE

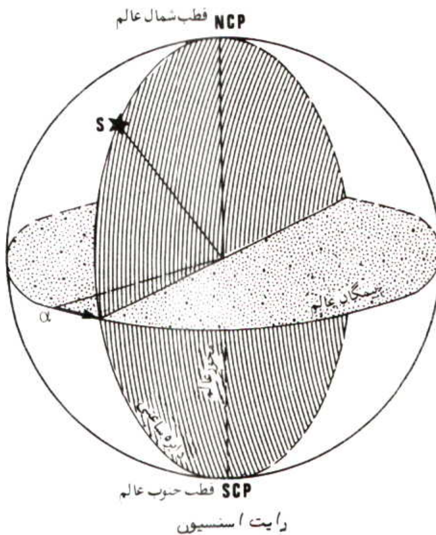
نظر مردم که معمولا" بوسیله‌رای دادن عمومی حاصل می‌شود.

ربایش *(Robāyesh)* ABSTRACTION

← رودگیری

ربع مسکون INHABITED QUARTER

آن قسمت از کره زمین که محل سکونت نوع بشر باشد .



رایت اسنسیون

ربیع الآخر

نام ماه چهارم در تقویم هجری قمری که ربیع الثانی نیز گفته می‌شود .

ربیع الاول

نام ماه سوم در تقویم هجری قمری .

ربیع الثانی

← ربیع الآخر

رجب

یا رجب المرّجب نام هفتمین ماه در تقویم هجری قمری .

رجل الجبّار *(Rej-ol-jabbār)* RIGEL

یا رجل الجوزا . ستاره بتا از صورت فلکی جبار که از دو خورشید یکی سفید و دیگری آبی تشکیل یافته است واز نظر درخشندگی ظاهری هشتمین ستاره بشمار می‌رود .

رجل الجوزا *(Rej-ol-jozā)* RIGEL

← رجل الجبّار

رجل قنطورس

RIGEL KENTAURUS *(Rejle qanturas)*

ستاره آلفا از صورت فلکی قنطورس که از لحاظ درخشندگی ظاهری سومین ستاره آسمان زمین است و از همه ستارگان درخشان به زمین نزدیکتر است و فاصله‌اش از زمین حدود ۴/۳ سال نوری است .

رخام (Rokhām)
نوعی سنگ گچ نیمه شفاف دانه ریز سفید یا رگه‌دار که برای مجسمه سازی و تزئین بکار می‌رود. بسیار نرم است و به‌این جهت به‌آسانی قابل تراشیدن است.

رخساره FACIES
۱ ـ طبیعت واقعی و یا مشخصات حقیقی یک سنگ.
۲ ـ طبقه بندی مشخصی که یک چینه را از چینه دیگر از نظر سنگ شناسی و نوع سنگواره متمایز سازد.

رخشانکره (Rakhshānkoreh) PHOTOSPHERE
یا فتوسفر قسمت بسیار درخشان خورشید که با چشم غیر‌مسلح دیده می‌شود. این قسمت درواقع طبقه‌ای‌است‌نورانی از گازها که ضخامتش از چند صد کیلو متر تجاوز نمی‌کند و بین گازهای متراکم داخل خورشید وگازهای‌خنک‌تروروقیق‌تر رنگینکره واقعست دمای گازهای رخشانکره به حدود ۶۰۰۰ درجه سانتیگراد تخمین زده می‌شود.
← خورشید (تصویر در صفحهٔ ۱۸۷)

رخنمون (Rakhnamun) OUTCROP
← برونزد

رده (Radeh) CLASS
← رده بندی

رده بندی CLASSIFICATION
طبقه بندی منظم موجودات زنده بر اساس شباهت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر.
در رده بندی،موجودات زنده را به دو مملکت گیا (گیاهان) و زیا (جانوران) تقسیم میکنند. ترتیب طبقه‌بندی نزولی بعد از رده بندی عبارتست از: سلسله، رده، راسته، تیره، نوع و جنس.

رده بندی کوپ KOEPPE CLASSIFICATION
کلارنس کوپ رده‌بندی نسبتا" ساده‌ای از اقلیم‌ها ترتیب داده که در آن سعی شده است اقلیمهای کاملا" مشابه چنان ترتیب داده شوند که قابل مقایسه با گروههای دیگر و در عین حال متفاوت با آنها باشند. در این رده‌بندی که درجه حرارت و بارندگی عوامل‌اصلی‌آن محسوب می‌شوند شانزده نوع اقلیم وجوددارد.
← اقلیم

رزم آرایی TACTICS
دانش و فن به کار گماردن نیروهای نظامی در نبرد.

رزین (Rezin) RESIN
نام هر یک از افراد طبقه‌ای از اجسام جامد یا نیم جامد بی شکل که دارای رنگی از زرد روشن تا قهوه‌ای تیره و طعم بی مزه و بی بو یا کمی معطر هستند. رزین‌ها غالبا" نیم شفاف وگاهی شفافند و قابل اشتعال هستند و با شعله دود آلود می‌سوزند. رزین‌ها بیشتر ریشه و منشاء گیاهی دارند و آن‌ها را به طریق آزمایشگاهی و ترکیبی نیز می‌سازند.در ترکیب همهٔ رزین‌ها کربن و اکسیژن‌وئیدرژن یافت می‌شود. رزین‌های طبیعی که معمولا" بصورت ترشحاتی از گیاه خارج می‌شوند دارای جوهرهای روغنی هستند و غالبا" خاصیت چسبندگی دارند.

رژیم REGIME
طرز حکومت یا اداره، خصوصیت حکومت یا نظام اجتماعی (مانند رژیم جمهوری، رژیم سلطنتی و ....)

رس (Ross) CLAY
الف ـ مواد ته نشین شده بسیار ریز و نرمی که نگهدارنده رطوبت بوده و در صورت مخلوط شدن باآب به‌ماده‌خمیری شکل قابل انعطافی مبـدل میگردد. مواد اصلی اینگونه خاکها، معمولا" از سیلیکات آلومینیم تشکیل یافته و پس‌از خشک شدن بشکل قطعات نا منظمی ترک‌خورده‌وتغییرشکل می‌دهد. از ویژگیهای خاک رس این است که پس‌از اشباع شدن آب موجود در میان ذرات آن بسوی بالا رانده شده و به اصطلاح آب پس می‌دهد. روی همین خاصیت از خاک رس برای پوشش سقفها و جلوگیری از نفوذ آب بسوی‌طبقات زیر استفاده می‌شود.
ب ـ رس، در مبحث خاکشناسی به خاکی گفته می‌شود که اندازه ذرات آن از ۰/۰۰۲ میلیمتر کوچکتر باشد.
پ ـ در مبحث معدن شناسی، رس به موادی‌گفته‌می‌شود که عموما" از سیلیکات آلومینیم و سیلیکات آهن ترکیب یافته باشد.
انواع رس عبارتند از: ۱ـ کائولینیتها ۲ـ منتموری‌لونیت‌ها ۳ـ شبه میکا.

رست (Rost) CLAY
← رس

رستاق (Rostāq)
واژه معرب شده از لفظ فارسی روستا، به ناحیه‌ای که دارای مزارع و قریه‌ها باشد، اطلاق میگردد.
این واژه را جغرافیدانان مسلمان بکار برده‌اند و هنوز در پاره‌ای روستاهای ایران بصورت پسوند متداول است.

رستنی‌ها PLANTS
یا گیاه، هر یک از افراد گروهی از موجودات زنده که نوعاً فاقد حرکت خود بخود و یا دادن پاسخ سریع حرکتی و اعضای حواس و عصبی می‌باشند و از نظر رده‌بندی جزو مملکت گیا محسوب می‌گردند.

رس کوره‌ای FIRE CLAY
گونه‌ای خاک رس که در برابر آتش مقاوم بوده و از آن برای پوشش داخلی کوره‌ها استفاده می‌شود.

رسوب PRECIPITATION
موادی که از حالت محلول در مایع، بصورت جامد جدا شود و همچنین عمل جدا شدن آنها را نیز می‌گویند.
به طور کلی تولید رسوب مربوط به جنس محلول است. مثلاً نمک طعام را می‌توان به وسیله‌ی تبخیر یا خنک سازی، به حالت متبلور از محلول جدا ساخت. افزودن بعضی معرفهای مخصوص به بعضی محلولها سبب تشکیل ماده جامد لاینحلی می‌شود که رسوب می‌کند.

رسوبشناسی SEDIMENTOLOGY
شاخه‌ای از زمین شناسی که ترکیب و چینه‌شناسی تهنشست‌ها را بررسی می‌کند.

رشت *(Rasht)*
خاک و گرد و غبار تیره.

رشته *(Reshteh)* RANGE / CHAIN
هر گونه عارضه جغرافیائی ممتدی را زنجیره و یا رشته و یا سلسله می‌گویند. مانند رشته کوههائی که بطور موازی و ممتد قرار گرفته باشند و یا رشته جزیره‌هائی که بطور ممتد در پهنه آب دریا گسترده شده باشند.

رشته کوه RANGE OF MOUNTAIN
رشته‌کوه، ردیفی از کوهها یا تپه‌ها و گاهی به معنی سلسله کوه استعمال می‌شود.

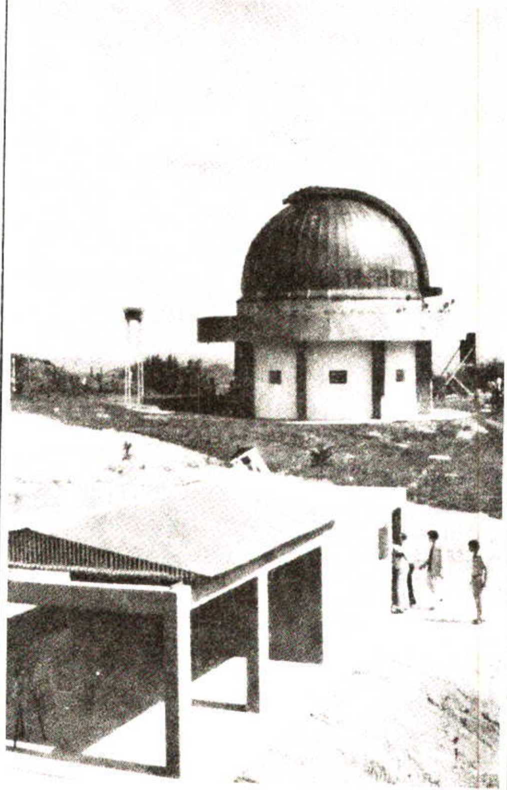
رشن *(Rashn)* KNOLL
تپه یا پشته مدور و کوچکی را گویند.

رصد *(Rasad)* OBSERVATION
چشم دوختن به چیزی در اصطلاح نجومی، نشانه روی به اجرام آسمانی و تحت نظر گرفتن حالات و حرکات آنها.

رصد خانه OBSERVATORY
ساختمان و یا سازمانی که برای رصد کردن وثبت پدیده‌های نجومی تاءسیس شده است.
مصریان و بابلیها نخستین اقوامی هستند که از درون معابد و برجها به رصد اجرام آسمانی می‌پرداختند.
کهن‌ترین سندی که درباره رصدخانه‌ها و مشاهدات نجومی وجود دارد مربوط به حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است که وجود رصدخانه‌ای را که بفرمان بطلمیوس اول در اسکندریه ساخته شده، ثابت می‌کند.
ماءمون خلیفه عباسی، طی سالهای ۱۹۸ تا ۲۱۸ هجری ـ قمری رصدخانه‌ای در بغداد دایر کرد و رصدخانه دیگری در حوالی دمشق بنا نهاد.
در قرن سوم هجری قمری منجمین دیگری با بکار گرفتن ابزار آلات دقیق تر و مهمتر در شیراز و نیشابور به رصد ستارگان اشتغال داشتند. سلاطین آل بویه در اواخر قرن چهارم به تاءسیس رصد خانه‌های کامل‌تری امر دادند. و منجمینی چون عبدالرحمان صوفی، ابن الاعلم و ابوالوفای بوزجانی در رصدخانه‌های مزبور به تحقیق درحال ستارگان پرداختند.
سلاطین سلجوقی نیز رصدخانه‌های چندی در ایران شمالی بنا نهادند که از میان آنها رصدخانه‌های ری و نیشابور که به امر ملکشاه سلجوقی در سال ۴۶۷ هجری قمری تاءسیس گردید از اهمیت خاصی برخوردار است.
درهمین رصدخانه‌ها بود که منجمین مشهوری چون ابوالعباس ـ لوکری، میمون ابن نجیب واسطی، ابوالمظفر اسفزاری و احتمالاً حکیم عمر خیام به اصلاح تقویم ایران پرداختند و پایه‌های تقویم کنونی ایران یعنی تقویم جلالی یا ملکی را پایه گذاری کردند.
هلاکوخان مغول در سال ۶۵۷ هجری قمری رصدخانه بزرگی تحت سرپرستی خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه ایجاد نمود که زیج فارسی معروف به ایلخانی یادگار آن است.
به امر الغ بیگ پسر شاهرخ تیموری رصد خانه‌ای در سال ـ ۸۲۴ هجری قمری در سمرقند ساخته شد و زیج معروف الغ بیگی به کمک علماء مشهوری چون غیاث الدین جمشید ـ کاشانی و قاضی زاده رومی و ملاعلی قوشچی تدوین گردید.
نخستین رصدخانه معتبراروپا درسال ۱۴۷۲ میلادی (حدود ـ سال ۸۷۶ هجری قمری) در نورمبرگ تاءسیس گردید و بدنبال آن رصدخانه‌های بزرگتر و کاملتری بتدریج بنا شد.
با اختراع تلسکوپ (در سال ۱۶۰۹ میلادی) عصر تازه‌ای در تحقیقات نجومی آغاز گردید و رصدخانه‌ها به مرحله نوینی گام نهادند.
امروزه درسراسر جهان حدود ۵۰۰ رصدخانه به رصد ستارگان اشتغال دارند که از میان آنها رصدخانه کوه پالومار واقع در ایالت کالیفرنیای امریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این رصدخانه تلسکوپی نصب شده که قطر آینه آن ۵۰۸ سانتی متر و ضخامت آن ۶۸ سانتی متر و وزن آن ۱۴/۵ – تن است .

دانشمندان به کمک تلسکوپ مزبور، اعماق فضا را تا بیش از دو میلیون سال نوری تماشائی کرده‌اند .



رصدخانه

رطل *(Ratl)*

واحد وزن قدیمی معادل دوازده اوقیه و برابر ۸۴ مثقال .

انواع رطل عبارتست از :

۱ ــ رطل بغدادی برابر ۹۰ مثقال .

۲ ــ رطل عراقی برابر ۹۱ مثقال .

۳ ــ رطل مدنی برابر ۱/۵ رطل عراقی .

رطوبت HUMIDITY

جو آمیخته با بخار آب را ، رطوبت می‌گویند .

در نتیجه تبخیر ، همواره مقداری بخار آب در هوا موجود است و آن فشاری در جمیع جهات اعمال می‌کند که در اصطلاح هواشناسی آن را فشار بخار موجود در هوا می‌خوانند .

رطوبت سنج HYGROMETER

← نمسنج

رطوبت مطلق ABSOLUTE HUMIDITY

میزان بخار آب موجود در واحدی از حجم هوا که معمولاً بر حسب گرم در متر مکعب بیان می‌شود .

رطوبت نسبی RELATIVE HUMIDITY

نسبت میان بخار آب موجود در حجم معینی از هوا به میزان بخار آب موجود در همان حجم هوائی که در همان درجه حرارت به حالت اشباع رسیده باشد رطوبت نسبی نام دارد . این نسبت معمولاً "بر حسب درصد بیان می‌شود .

رعد THUNDER

← تندر

رقبه *(Raqabah)*

الف ــ اصطلاح اداری متداول در عهد صفویه و بعد از آن که عبارتست از یک عده ده واقع در یک بلوک یا ناحیه به ویژه روستاهائی که تشکیل املاک موقوفه و خالصه را می‌دهد .

ب ــ زمینی که نزدیک به آب رودخانه باشد .

پ ــ زمین‌های متعلق به یک ده .

ت ــ حق مالکیت نسبت به زمین .

ث ــ زمینی که به کسی داده شود که تا پایان عمر از آن استفاده کند .

جمع آن رقبات است .

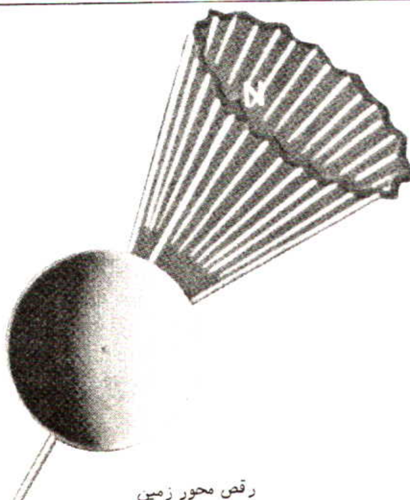
رقص محور زمین NUTATION OF THE EARTH AXES

به علت عدم انطباق مدار ماه بر صفحه دایرةالبروج ، نیروهای گرانشی ماه و خورشید دائماً" تغییر می‌کنند و در نتیجه در حرکت محور زمین تزلزلی پدید می‌آید و مدار تقدیمی محور بصورت منحنی کنگره‌داری در می‌آید که به آن رقص محور زمین می‌گویند . رقص ناشی از تاثیر ماه دامنه‌اش حدود ۹/۲۱ ثانیه و دوره‌اش حدود ۱۸/۶ سال و رقص ناشی از تاثیر خورشید حدود ۱/۲ ثانیه و دوره‌اش یکسال است .

(تصویر در صفحهٔ ۱۸۱)

رگبار CLOUDBURST

بارندگی ناگهانی و شدیدی که میزان باران آن گاه تا ۱۰۰ میلیمتر در ساعت می‌رسد . مدت ریزش این نوع باران غالباً" کوتاه بوده و به مناطق کوچک و محدودی منحصر می‌گردد . این بارندگی اغلب با توفان و باد شدیدی همراه بوده و گاه خرابی و زیانهای قابل توجهی از خود باقی

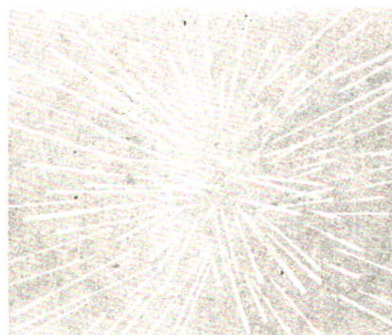


رقص محور زمین

می‌گذارد. اینگونه بارندگی‌ها که بیشتر در بخش‌های کوهستانی دیده می‌شود بدلیل توقف ناگهانی جریان هوای گرم لایه‌های بالائی جو نواحی کوهستانی روی می‌دهد.

رگبار شهابی METEOR SHOWER

در بعضی مواقع سال، تعداد فراوانی از شهاب‌ها به مراتب بیشتر از مواقع عادی در قسمت معینی از آسمان پدید می‌آیند که به آنها رگبار شهابی می‌گویند. یک رگبار شهابی، تقریباً بطور موازی وارد جو زمین می‌گردد و به نظر می‌رسد که از یک نقطه آسمان به جو زمین وارد می‌شوند. ارتباط پاره‌ای از رگبارها با بعضی ستارگان دنباله‌دار ظاهراً به تحقق پیوسته است. بدین ترتیب که از متلاشی شدن تدریجی یک ستاره دنباله‌دار، مداری از خرده سنگ پدید می‌آید که وقتی زمین از چنین مداری بگذرد تعداد فراوانی از سنگهای مزبور به جو زمین وارد شده و رگبار شهابی پدید می‌آید.



رگبار شهابی

رگبارهای بهاری SPRING SHOWERS

رگبارها و باران‌های شدیدی که در ماههای اسفند تا اواسط اردیبهشت می‌بارد.
این بارندگی‌ها در کشتزارهای قهوه واقع در جنوب خاوری آسیا به رگبارهای شکوفه موسوم است.

رگه *(Rageh)* VEIN

حفره یا شکافی در یک تخته سنگ که از مواد معدنی ته‌نشین شده انباشته گردیده باشد. این مواد بیشتر از جنس بلورین بوده و گاه با مواد فلزی کانی نیز همراهند.

رمبش *(Rombesh)* EFFONDREMENT

خاصیت حل کننده آبهای زیر زمینی باعث می‌شود که گچ و آهک بوسیله اینگونه آبها حل شده و به پدید آمدن حفره‌ها و غارهای زیر زمینی منجر گردد. چون این عمل همچنان ادامه خواهد یافت لذا پر واضح است که سقف اینگونه حفره‌ها و غارها پس از مدتی خراب می‌شود و به اصطلاح ریزش می‌کند. این وضعیت را رمبش می‌نامند. رمبش گاه به فرو ریختن ساختمان‌ها و ایجاد سانحه می‌انجامد.

رمضان

یا رمضان المبارک، نهمین ماه سال در تقویم هجری قمری و ماه روزه گیری مسلمانان.

رمل *(Raml)* GRAVEL

← شن

رنگ آمیزی ارتفاعات LAYER TINTING

رنگ آمیزی قسمت‌های واقع در میان منحنی‌های تراز یک نقشه به منظور مشخص نمودن و متمایز ساختن پستی‌ها و بلندی‌ها از یکدیگر. در این شیوه معمولاً به ترتیب از رنگ‌های سبز و زرد و قهوه‌ای و گاه قرمز و بنفش و سفید برای نمایش مناطق پست و ارتفاعات و قله کوهها استفاده می‌شود و گاه نیز گام‌های مختلف یک رنگ را برای این منظور بکار می‌گیرند.
شیوه رنگ آمیزی ارتفاعات نه تنها موجب زیبایی و خواناتر شدن و گویایی بیشتر نقشه می‌گردد. بلکه بکار گرفتن رنگهای مناسب در بهتر نمایاندن شکل واقعی زمین نیز کمک شایانی می‌کند. (تصویر در صفحهٔ ۱۸۲)

رنگینکره *(Ranginkoreh)* CHROMOSPHERE

یا فام اسپهر، طبقه‌ای پهناور یا غلافی از گازهای با چگالی بسیار کم که جرم خورشید را فرا گرفته و روی سطح ظاهری خورشید یعنی رخشانکره قرار دارد.
در قاعدهٔ رنگینکره طبقه‌ای است به ضخامت حدود ۱۵۰ تا


مقیاس ۱:۱۰۰۰ ۰۰۰
دریای خزر
تنکابن
چالوس
نوشهر
نور
محمودآباد
حسن کیف
چمستان
کوه تخت سلیمان
علم‌کوه
۴۸۵۰
کوه گرمابسر
۴۲۲۰
کوه کهار بزرگ
۴۱۰۸
بلده
کوه گرگ
۳۵۸۴
کوه پالان گردن
۴۳۷۵
کوه چپکرو
۴۳۱۸
کوه دماوند
۵۶۲۸
گزنک
فشم
کوه توچال
گلندوک
کرج
تجریش
شهریار
تهران
دماوند
۴۰۷۶
ری
کهریزک
پلشت
کوه قوچ
۲۶۴۳
رباط کریم
حسن آباد

۳۰۰ کیلومتر که طبقه برگردان نام دارد . ضخامت رنگینکره از ۸۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰ کیلومتر و دمای آن ۶۰۰۰ درجه مطلق (کلوین) تا ۱۰۰۰۰۰۰ درجه مطلق است . وجه تسمیه رنگینکره به مناسبت نور سرخ رنگی است که تشعشع می‌کند . این قسمت از خورشید فقط در خور گرفت کلی آشکار می‌گردد و رنگ سرخ آن را از ئیدرژن می‌دانند . نور تاج خورشید و همچنین زبانه‌های خورشیدی جزو رنگینکره هستند .

مطالعات خورشیدی حاکی از آنست که این لایه دریک حالت تلاطم دائمی است و از آن توده‌های بزرگ گاز به ارتفاع زیاد پرتاب می‌شود .

وجه تسمیه رنگینکره یا فام اسپهر به علت رنگ بسیار روشن (صورتی) است که عمدتاً معلول خطی در طیف ئیدرژن به طول موج ۶/۵۶۳ آنگستروم است که به خط H آلفا موسوم است .

رنگین کمان RAINBOW

کمان نورانی رنگینی که بر اثر شکست و بازتاب داخلی نور خورشید بوسیله قطره‌های باران پدید می‌آید . این پدیده هنگامی دیده می‌شود که خورشید در پشت بیننده واقع شده و قطره‌های باران در برابر او قرار گرفته باشند . در چنین حالتی نور خورشید بوسیله قطره‌های باران شکسته شده و طیف رنگین نور خورشید پدیدار می‌گردد . در مرحله نخست رنگ قرمز در خارج و رنگ بنفش در داخل کمان مورد بحث قرار می‌گیرد و زاویه دید شعاع آن در چشم بیننده حدود ۴۱ تا ۴۳ درجه است . در مرحله بعد طیف رنگین نور خورشید حالت عکس مرحلهٔ نخست را پیدا می‌کند وزاویه دید شعاع آن در چشم بیننده به حدود ۵۴ درجه افزایش می‌یابد . به این پدیده قوس قزح نیز گفته می‌شود. (تصویر در صفحهٔ ۱۸۷)

رواناب *(Ravānab)* RUNOFF

آب بارانی که از سطح زمین عبور کرده و پس از جذب شدن مقداری از آن بوسیله خاک وارد جویبار و یا رودخانه شده و با آب بارانهائی که بدرون زمین فرو رفته‌اند و به صورت چشمه آشکار می‌شوند ، توام و در مجاری سطحی روان می‌گردند. مقدار رواناب بستگی دارد به شیب زمین ، طبیعت و جنس خاک ، وجود و یا عدم وجود گیاهان و میزان بارندگی .

روانش *(Ravānesh)* FLOW

حرکت مایعات از نظر جغرافیائی :

الف ــ جریان یافتن و روان شدن آب یا گدازه‌های آتشفشانی تحت تاثیر نیروی کشش زمین .

ب ــ جریان یافتن و روان شدن هوا از یک منطقه فرابار به یک منطقه فرو بار که در نتیجه آن باد تولید می‌شود .

پ ــ حرکت یخ درون یخچال‌های طبیعی .

روانه *(Ravāneh)* STREAM

آبی که در مجرا یا بستری جریان داشته باشد . روانه‌ها بر حسب بزرگی آنها به اسامی مختلف خوانده می‌شوند . چنانکه روانه بزرگ باشد آنرا رود و روانه‌های کوچک را آبنای می‌نامند و روانه‌های کوچکتر از آبنای را جویبار می‌گویند .

روانه دائمی PERENNIAL STREAM

جوی و یا رودخانه‌ای که در تمام طول سال آب در آن جریان داشته باشد .

روانه زیرزمینی UNDERGROUND STREAM

آبی که در مجرای طبیعی زیر زمینی جریان داشته باشد .

روانه ناموافق DISCORDANT STREAM

آبرو و یا رودخانه‌ای که بستر آن نسبت به خواب و فرم کلی زمین (از نظر ساختمان) هماهنگ نباشد .

روئیدنی‌ها VEGETATIONS

جاندارانی بنام گیاه که قسمت بزرگی از پوسته زمین را پوشانیده‌اند .

روباره *(Rubāreh)* SCORIA

۱ــ نوعی گدازه آتشفشانی که پیش از سخت شدن بر اثر خروج گاز متخلخل شده و بصورت حوش لعابی درآمده باشد .

۲ــ فضولاتی که در موقع ذوب مواد معدنی در کوره فلزگری حاصل می‌شود . وجه تسمیه این واژه آنست که فضولات بعلت سبکی روی بار (یعنی موادی که در کوره ذوب می‌کنند) قرار می‌گیرد .

روبروئی OPPOSITION

وضعیت دو جرم آسمانی در حالتی که اختلاف طول آن‌ها (آنچنانکه از زمین دیده می‌شود) برابر ۱۸۰ درجه باشد .

رود *(Rud)* RIVER

← رودخانه

رودبار

جائی که در آن یک رودخانه بزرگ و یا چند رود جاری باشد .

رودبار RIVER LOAD

موادی که بوسیله آب رودخانه‌ها حمل می‌شود . این مواد عبارتند از :

الف ــ مواد محلول در آب .

ب ــ مواد معلق در آب .

پ ــ مواد و قطعاتی که در امتداد بستر رودخانه بوسیله آب حمل می‌شوند .

بطور کلی ، حداکثر باری که بوسیله یک رودخانه حمل می‌شود بستگی به سرعت و حجم آب رودخانه و هم چنین اندازه قطعات بار دارد .

رودپیچ MEANDER

← چماب

رودخانه RIVER

مجرای طبیعی آبهای سطح زمین که بسوی دریا ، دریاچه و یا آبگیرهای داخلی یک کویر یا یک رودخانه اصلی و یا باتلاق و امثال آن روان باشد .

مهمترین رودخانه‌های جهان به ترتیب طول عبارتند از :

۱ــ رود نیل ، ۶۶۹۵ کیلومتر ، در مصر و سودان .

۲ــ رود آمازون ، ۶۵۷۰ کیلومتر ، در برزیل .

۳ــ رود یانک تسه ، ۶۳۸۰ کیلومتر در چین .

۴ــ رود می‌سی‌سی‌پی ، ۶۰۲۰ کیلومتر ، در ایالات متحده امریکا .

۵ــ رود اُب ، ۵۴۱۰ کیلومتر در شوروی .

رود دروازی *(R-darvāzi)* POTAMOPLANKTON

دروازیانی که در آب‌هایی که به آرامی در جریان هستند زندگی می‌کنند .

← دروازی

رود سنگ STONE RIVER

روانه‌ای از گرداله‌ها که از سنگریزه تشکیل شده و بسوی پائین دره حرکت می‌کند .

رود شاخه DISTRIBUTARY

شاخه‌ای از دلتای یک رودخانه که بدون اتصال مجدد به شاخه اصلی بطور مستقل به دریا ختم شود .

رود شکن KNICK POINT

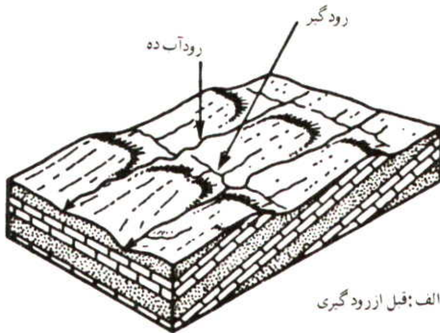
محل تغییر شیب در نیمرخ یک رودخانه .

رود فصلی SEASONAL RIVER

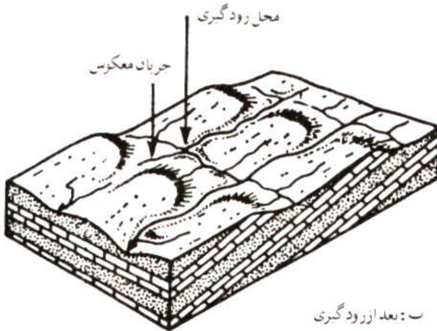
رودخانه‌ای که فقط در فصلهای پرباران و یا هنگام بارندگی‌های شدید در آن آب جریان داشته باشد .

رودگیری RIVER CAPTURE

عمل گسترش آبریز و پهناور شدن بستر یک رودخانه به کمک رودخانه دیگر . بطور کلی این عمل غالباً "بوسیله تغییرات سطح زمین ، توسط فرسایش و یا جابجائی سطحی ، توسط باد و غیره انجام می‌گردد . بدین ترتیب که رودخانه (رودگیر) به وسیله گسترش یکی از سرچشمه‌هایش به رود بزرگ دیگری که در نزدیکی رودگیر جریان دارد متصل شده و تعدادی از سرچشمه‌های رود فوق را به رودگیر متصل نموده و جهت جریان قسمتی از رود اصلی را نیز معکوس می‌نماید . بدین‌ــ وسیله مقدار زیادی از آب رودخانه (آبده) کم شده و به رودگیر اضافه گشته و در نتیجه بستر رودخانه نیز پهن‌تر می‌گردد .



الف : قبل از رودگیری



ب : بعد از رودگیری

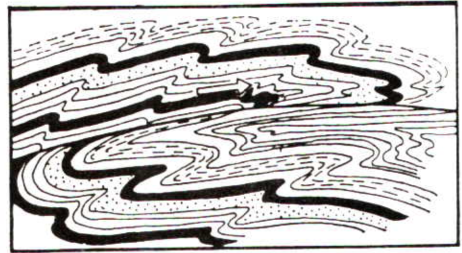
رودگیری

رود لاخ *(R-lākh)*

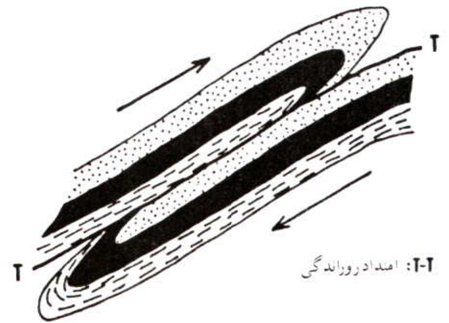
← رودبار

روراند *(Rurand)* NAPPES

چین خوابیده‌ای که از محل اصلی خود حرکت زیادی کرده و از دامنه زیرین خود جدا شده باشد . (تصویر در صفحه ۱۸۵)


روراند

روراندگی *(Rurāndegi)* OVERTHRUST
راندگی افقی توده‌ای از سنگ روی سنگهای دیگر در امتداد یک گسستگی .



روراندگی

روز *(Ruz)* DAY
← شبانروز

روز خورشیدی SOLAR DAY
فاصله زمانی میان دو عبور پی در پی خورشید از فراز نصف ـ النهار معینی از زمین را یک روز خورشیدی می‌گویند . از آنجائیکه مدار گردش زمین به‌دور خورشید بیضی بوده و محور چرخش زمین نسبت به سطح مدار مزبور قدری متمایل است ، از این رو فاصله زمانی مزبور اندکی در تغییر بوده و مقدار متوسط آنرا برابر ۲۴ ساعت یا ۸۶۴۰۰ ثانیه محسوب می‌دارند .
طول یک روز خورشیدی تقریباً ۴ دقیقه از طول یک روز ستاره‌ای بلندتر بوده و به همین جهت ستارگان روزانه ۴ دقیقه زودتر از روز پیش طلوع و غروب می‌کنند .
← روز ستاره‌ای

روز خورشیدی متوسط MEAN SOLAR DAY
یک روز خورشیدی متوسط که اندازه‌آن ۲۴ ساعت باشد . چون فاصله زمانی میان عبورهای متوالی خورشید از فراز یک نصف النهار با یکدیگر برابر نیستند ، از این رو میانگین زمانهای مزبور را بعنوان روز خورشیدی متوسط انتخاب می‌کنند . ← زمان خورشیدی متوسط

روز ستاره‌ای SIDEREAL DAY
فاصله زمانی میان دو عبور متوالی یک نصف‌النهار از مقابل یک ستاره معین را یک روز ستاره‌ای یا یک روز نجومی می‌گویند . یک دور گردش کامل زمین نسبت به یک ستاره ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹۹۶ ثانیه بطول می‌انجامدکه این مدت از یک شبانه روز معمولی (شبانه روز خورشیدی) ۴ دقیقه کوتاهتر است و به همین جهت ستارگان هر شب ۴ دقیقه زودتر از زمان شب پیش طلوع می‌کنند .
← روز خورشیدی

روز عرفی *(R-e-orfi)* CIVIL DAY
← روز معمولی

روز قمری LUNAR DAY
مدت زمان میان دو عبور متوالی کره ماه از فراز یک نصف ـ النهار زمین را یک روز قمری می‌گویند که مدت‌آن ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه است .

روز معمولی CIVIL DAY
روز خورشیدی متوسط یا روز عرفی که طول آن ۲۴ ساعت است و از یک نیمه شب شروع شده و به نیمه شب بعد پایان می‌یابد .

روز نجومی S DEREAL DAY
← روز ستاره‌ای

روز و شب DAY & NIGHT
← شبانروز

روستا VILLAGE
← ده

روشنه *(Roshaneh)* GLADE
فضای باز یا معبری در یک درختزار یا جنگل که ممکن است طبیعی و یا بطور مصنوعی ایجاد شده باشد .

روی ZINC
عنصر فلزی نرم (با علامت شیمیائی Zn) برنگ سفید مایل به‌آبی با چگالی ۷/۱ و نقطهٔ ذوب ۴۱۹ درجهٔ سانتیگراد که در حرارت معمولی شکننده و بلورین است . کاربرد اصلی آن به مناسبت مقاومت زیاد آن در مقابل خوردگی جوی ،

برای پوشش روی فولاد واندودکردن آبکاری وپاشیدن فلزی می‌باشد. همچنین برای ریخته گری روی حلبی‌ها ورق‌های پوشش بام و بعضی کارخانه‌های شیمیائی بکار برده می‌شود. اکسید آن ضد عفونی کننده، با ارزشی است.

رویه زایی EPIGENE

عملیات زمین شناسی که روی پوسته زمین انجام شود و طی آن سنگ‌های سطحی پدیدار و شکل گیرند.

رویه سائی EXFOLIATION

ورقه ورقه و یا پوسته شدن سنگهای سطحی زمین در مناطق کویری. این عمل بر اثر تابش آفتاب و گرم شدن و انبساط سنگها در روز، و سرد شدن و انقباض آنها در شب انجام می‌شود. این عمل علاوه بر سردوگرم شدن براثرواکنشهای شیمیائی، تاثیر آب و یخبندان و امثال آن نیز ممکن است روی دهد.

رهفرش *(Rahfarsh)* PAVEMENT

۱ ــ پوشش سطح جاده‌ها و خیابان‌ها و پیاده روها. رهفرش ممکن است از جنس بتون، ماکادام، آسفالت، بتون قیری و یا آجر و چوب و سنگ باشد.

۲ ــ سطح سنگی که بر اثر عوامل جوی مختلف مانند آب و هوا و باد و یخبندان و غیره تحت فرسایش قرارگرفته باشد.

ریال RIAL

واحد پول رسمی و رایج ایران معادل یک صد دینار.

ریخت MORPHOLOGY

۱ــ در زیست شناسی. سیمای عمومی یک موجود زنده یا اجزای آن.

۲ ــ در زمین شناسی. ساختمان خارجی سنگ‌ها از لحاظ ارتباط آنها با تحولات فرسایشی یا پستی و بلندی سطح زمین.

ریختزائی *(Rikhtzā'i)* MORPHOGENESIS

بوجود آمدن شکل مشخص و معین در موجودات زنده.

در بررسی‌های ریختزائی از روش‌های اطلاعات و نظریه‌های ریختشناسی فیزیولوژی، زیستشیمی، توارث، فیزیک و ریاضیات استفاده می‌شود.

ریخت سنجی MORPHOMETRY

تعیین اندازه‌های واقعی عوارض سطحی ریخت و شکل زمین را گویند.

ریختشناسی MORPHOLOGY

علم بررسی شکل و ریخت عوارض و پدیده‌ها و یا هر چیز دیگر را گویند.

بالاخص در زمین شناسی به قسمتی از این علم گفته می‌شود، که از شکل و ساختمان جانوران و گیاهان بحث می‌کند.

ریزابه AFFLUENT / TRIBUTARY

جوی یا رودخانه‌ای که به جوی و یا رودخانه دیگری بپیوندد.

ریز بار

ابری که باران ریز از آن فرو ریزد. در اصطلاح هواشناسی باران تند با دانه‌های ریز را نیز می‌گویند.

ریزسنج MICROMETER

آلتی است که برای اندازه‌گیری قطر اجسام بسیارکوچک بکار می‌رود.

ریزش PRECIPITATION

نزول باران و برف و انتقال رطوبت از جو به سطح‌زمین‌را ریزش می‌گویند.

ریز

۱ ــ ریگ درشت.

۲ ــ زمین پشته پشته. این واژه در اورامانات متداول است.

ریسه SERIES

چینه‌بندی‌های متعلق به یک دور زمین شناسی را ریسه می‌گویند.

ریگ PEBBLE

ریگ عبارت از خرده سنگی است که بوسیله باد یاآب سائیده شده و تقریبا " گرد و صیقلی گردیده باشد. از نظر اندازه ریگ درشت‌تر از شن و کوچکتر از قلوه سنگ است و قطر آن بین ۱۰ تا ۵۰ میلی متر است.

ریگ پشته PEBBLE MOUND

توده‌ای از ریگ که روی هم انباشته شده باشد. به آن ریگ تود یا ریگ توده نیز می‌گویند.

ریگ روان DUNE

←— تلماسه

ریگزار SANDY REGION

زمین پوشیده از ریگ که به‌آن ریگستان نیز می‌گویند.

ریگفرسائی SCOUR

ریگ مالی و فرسایش کف دریا و بستر رودخانه‌ها بر اثر

جابجا شدن رسوبات شنی حاصله از جزر و مد دریا وجریان آب رودخانه‌ها .

ریولیت RHYOLITE

سنگ آذرینی که آمیخته‌ای از فلدسپات‌های قلیائی و کوارتز بوده و با پاره‌ای ترکیبات معدنی همراه باشد . این سنگ از دانه‌های بلورین کوچکی ساخته شده و رنگ آن ممکن است سفید ، خاکستری و یا قرمز باشد و گاه با مواد شیشه‌ای همراه هستند .

رخشانکره

رخشانکره



رنگین کمان



زادبوم *(Zādbum)* BIRTH PLACE

الف ـ محل تولد یا جائی که شخص در آن جا زائیده شده.
ب ـ میهن یا سرزمین مادری که به آن وطن نیز می‌گویند.

زاغه CAVE/ HUT

سوراخی که در کوه، تپه و یا بیابان برای استراحت چارپایان آماده کنند.

زامبو ZAMBO

آدم‌های دورگه‌ای که از آمیزش نژادهای سرخ و سیاه در امریکای لاتین بوجود آمده‌اند.

زاو *(Zāv)*

شکاف، رخنه و دره میان دو کوه.

زاوش *(Zāvash)* JUPITER

واژه یونانی معادل برجیس و مشتری ← برجیس

زاویه ANGLE

۱ ـ در هندسه مسطحه:
شکل حادث از دو نیم خط که از یک مبداء بنام راس زاویه آغاز شوند. از انواع زوایای مسطحه زاویه‌قائم، زاویه‌حاده، و زاویه منفرجه را می‌توان نام برد.
۲ ـ در هندسه فضائی:
زاویه دو خط عبارتست از: زاویه دو نیم خطی که از یک‌نقطهٔ فضا به موازات آن دو خط رسم شود. زاویه یک خط با یک صفحه را زاویه آن خط با تصویرش بر آن صفحه تعریف می‌کنند.
از انواع زوایای فضایی زاویه چند وجهی یا کنج و زاویه دو وجهی را می‌توان نام برد.
زاویه دو وجهی عبارتست از: شکل حادث از دو نیم صفحهٔ متقاطع. زاویه دو سطحی را با زاویه مسطحه آن اندازه می‌گیرند.
بطور کلی زوایا را با واحدهایی چون درجه، رادیان و گراد می‌سنجند.

زاویه تابش ANGLE OF INCIDENCE

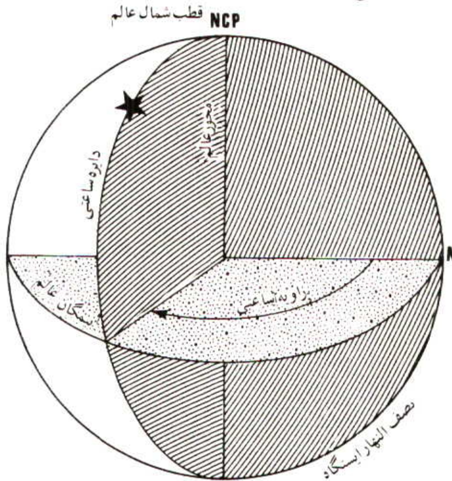
زاویه بین شعاع نوری که بر یک سطح می‌تابد با خطی که از نقطه تابش بر آن سطح قائم شود.

زاویه دو سطحی DIHEDRAL ANGLE

← زاویه

زاویه ساعتی HOUR ANGLE

زاویه دو وجهی بین سطح نصف النهار ایستگاه و سطح دایره ساعتی را که از نقطه آسمانی (مانند یک ستاره) می‌گذرد زاویه ساعتی می‌نامند. این زاویه را بر حسب زمان و یا درجه اندازه می‌گیرند و جهت اندازه‌گیری آن از نصف النهار ایستگاه بسوی غرب بوده و اندازه آن بین صفر تا ۳۶۰ درجه است.
از نظر زمانی هر ۱۵ درجه از زاویه ساعتی برابر یک ساعت بوده و لذا اندازه آن از نظر زمانی بین صفر تا ۲۴ ساعت در تغییر می‌باشد.



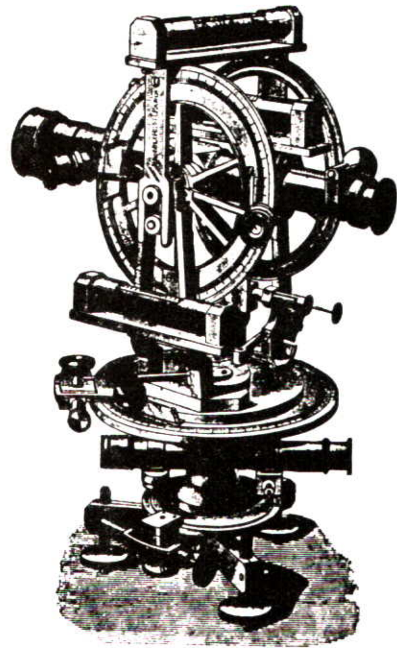
N: نقطه مبداء

زاویه ساعتی

زاویه یاب THEODOLITE

دستگاهی است که برای اندازه‌گیری زاویه‌های افقی و قائم بکار می‌رود. این دستگاه که به آن تئودولیت نیز گفته می‌شود از یک تلسکوپ، یک آلیداد و یک صفحه مدرج افقی و یک صفحه مدرج قائم و حباب تراز تشکیل یافته و پاره‌ای از آن‌ها قادرند زوایا را با دقت دهم ثانیه اندازه‌ـ گیری نمایند. از زاویه‌یاب در کارهای نجومی، نقشه‌برداری و ساختمانی و امثال آن استفاده می‌شود.

(تصویر در صفحه ۱۸۹)



زاویه یاب

زایجه (Zāyjeh)

← زیج

زبان LANGUAGE

وسیله صوتی منظمی که انسان برای ارتباط با همنوع خود به کار می‌برد. این وسیله که خاص انسان است در میان نوع بشر عمومی است و اساس و آغاز آن دانسته نیست زبان‌هایی که شباهت منظم و با قاعده‌ای با یکدیگر دارند مرتبط و خویشاوند شمرده می‌شوند.

زبانشناسی LINGUISTICS

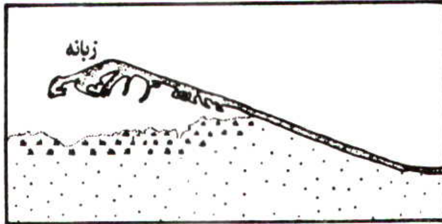
نام علمی تحقیق زبان که رایجترین وظیفه‌ٔ آن تحقیق توصیفی هر زبان است بصورتی که در زمان معینی متداول است.

مسئله تحقیق تحول تاریخی هر زبان و رابطه آن با سایر زبان‌های مشابه از قرن ۱۹ میلادی در آلمان رواج گرفت.

زبانشناسی از علوم انسانی و یا پاره‌ای علوم دیگر مانند فیزیک (از نظر فونتیک) رابطه دارد.

زبانه SPIT

باریکه‌ای از ریگ و شن و ماسه که بصورت دماغه‌ای از خشکی در دریا پیش رفته باشد. تفاوت آن با بنداب در آن است که یک انتهایش به زمین پیوسته است، و اغلب بواسطه جریانهای ساحلی در سراسر مدخل خلیج تشکیل می‌شود.



زبانه

زبانه‌های خورشیدی PROMINENCES

بخش‌هائی از رنگینکره خورشید که به علت نامعلومی تا ارتفاعات بالاتر از سطح فوقانی عادی رنگینکره گسترش می‌یابد. زبانه‌های خورشیدی را از طریق خور گرفت کلی و یا استفاده از طیف‌نما می‌توان مشاهده نمود.

زبانه‌های خورشید به شش طبقه تقسیم می‌گردند. فعال، فورانی، کلفی، تاجی، طوفانی و آرام. زبانه‌های آرام بسیار عظیمند و ارتفاعشان نسبت به سطح خورشید به حدود ۸۰۰،۰۰۰ کیلومتر می‌رسد. زبانه‌های فورانی نسبتاً "کوچکترند و ارتفاع متوسطشان حدود ۲۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و سرعت خروجشان از خورشید به بیش از ۲۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر در ثانیه می‌رسد. هنوز توجیه قانع کننده‌ای برای نیروی شگرفی که علیرغم نیروی عظیم جاذبه خورشید ماده را به این ارتفاعات می‌برد پیدا نشده. عده زبانه‌های خورشید رابطه مستقیم با عده کلف‌های خورشید دارد.

← خورشید

زبر باد (Zebar bād) TALWIND

بادی که در طبقات بالای یک دره می‌وزد.

زبرجد TOPAZ

سنگی است قیمتی که ترکیبش عبارتست از سیلیکات طبیعی و منیزیم. وزن مخصوص آن بین ۳/۳ تا ۳/۴ متغیر است و دارای شفافیت و جلای شیشه و رنگش سبز مایل به زرد (سبز زیتونی) است.

زبر خاک (Zebarkhāk) TOPSOIL

آن قسمت از خاک سطحی که برای کشاورزی بکار می‌رود.

زبره سنگ TRACHYTE

سنگ آذرینی از دسته سنگ‌های سماکی که دارای بلورهای فلدسپات و پیروکسن و گاهی میکای سیاه و آمفیبول می‌باشد. این سنگ در موقع لمس زبر است و به گل پخته شباهت دارد.

زحل SATURN

← کیوان

زدایش *(Zodāyesh)* EXHUMATION

زدودن و پاک کردن رویه مصالح و عوارضی که بوسیله مواد ته نشستی پوشیده شده باشد. این عمل بیشتر هنگام بررسی سنگواره‌ها انجام می‌شود.

زر GOLD

یا طلا، عنصر فلزی دارای رنگ زرد درخشان و براق با علامت شیمیائی (Au) و از گرانبهاترین فلزات است. چگالی آن ۱۹/۳ و نقطه ذوبش ۱۰۶۳ درجه است. طلا از همه فلزات چکشخوارتر و قابلیت مفتول شدن آن نیز بسیار زیاد است. از لحاظ شیمیائی، طلا بی اثر است و در هوا حتی اگر آن را به شدت حرارت دهند تغییری عارضش نمی‌شود. معادن طلا در سراسر کره زمین یافت می‌شود و در آب دریا نیز فراوان است، ولی استخراج آن از آب دریا مقرون به صرفه نیست. مهمترین منابع طلای جهان افریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروی، کانادا و ایالات متحده امریکا است. طلا معمولاً همراه با نقره یا فلزات دیگر چنان در رگه‌های کوارتزی پراکنده است که به چشم دیده نمی‌شود. همچنین در نهشتهای آبرفتی یافت می‌شود که آن را با شستن خاک (طلا شوئی) و نه نشین کردن فلزات بدست می‌آورند. طلا را عموماً به عنوان وسیله موازنه معاملات بین المللی پذیرفته‌اند و همواره به عنوان پشتوانه پول مقبول بوده است. مهمترین مورد استفاده طلا در ساختن زینت آلات و جواهرات است.

زراعت AGRICULTURE

← کشاورزی

زراعت دیم DRY FARMING

← کشاورزی دیم

زراه *(Zarāh)*

← دریا

زرد خاک JELTOZIOM

← بادرفت

زغال CHARCOAL

ماده‌ای که بیشتر آن کربن خالص است و از تقطیر تخریبی چوب، مواد حیوانی و یا قند بدست می‌آید. زغال‌ها معمولاً سوختنی و حرارت زا هستند.

زغال سنگ COAL

ماده‌ای معدنی، که از بقایای گیاهان پدید آمده و دارای مقداری کربن و مقداری ترکیبات آلی و مقداری آب است. معمولاً زغال سنگ را بر حسب میزان کربن و مواد فرار موجود در آن و هم چنین رنگ و سختی و عمر آنها طبقه‌بندی می‌کنند.

زغال سنگ‌ها در حقیقت سنگهایی هستند که از ته نشست مواد گیاهی در آبهای کم عمق و یا باتلاقها پدید آمده است. سنگینی لایه‌های ته نشین شده فوقانی به تشکیل زغال در لایه‌های زیرین کمک کرده و هرچه فشار طبقات بالا بیشتر باشد بر مرغوبیت زغال سنگ می‌افزاید. زغال سنگ معمولاً از ۸۰ درصد کربن تشکیل یافته و در سطح پاره‌ای از آنها آثار پاره‌ای گیاهان که تشکیل دهنده زغال هستند دیده می‌شود. اهمیت اقتصادی و صنعتی زغال سنگ بسته به میزان کربن آن است بدیهی است هر قدر کربن زغال زیادتر باشد بهتر می‌سوزد.

از زغال سنگ می‌توان ئیدرو کربورهائی چون گودرون، آمونیاک و همچنین کوک که ماده سوختنی کوره‌های ذوب فلزات است بدست آورد.

زغال قهوه‌ای LIGNITE

نوعی زغال سنگ که دارای ظاهری چوبین بوده و در واقع مرحله دوم تبدیل مواد گیاهی به زغال سنگ را طی می‌کند. این زغال خرمایی یا زرد رنگ بوده و شعله‌های آن پر دود و نیروی حرارتی آن کم است.

زغال قیری BITUMINOUS COAL

یا زغال سیاه، بهترین نوع زغال سنگ برای تهیه کوک است و مصرف بسیار دارد. همانطوریکه از نام آن پیداست، رنگ آن سیاه و کربن خالص آن ۴۸ درصد می‌باشد.

زغال قیری تقریباً ۵۲ درصد ذخیره زغالی جهان را تشکیل می‌دهد و بیشتر از سایر انواع زغال سنگها در صنایع مصرف می‌شود.

زغال کوک COKING COAL

باقیمانده زغال سنگی که به دلیل کمبود هوا و اکسیژن بطور ناقص سوخته باشد.

زغالینه CARBONIFEROUS PERIOD

← کربونیفر

زلزله EARTHQUAKE

← زمین لرزه

زلزله دریائی TSUNAMI

← آبلرزه

زلزله سنج SEISMOMETER
←لرزه سنج

زلزله شناسی SEISMOLOGY
←لرزه شناسی

زلزله نگار SEISMOGRAPH
←لرزه نگار

زم *(Zam)* COLD WIND
باد سرد و شدید.

زمان TIME
توصیف وقوع یک رویداد مستلزم مشخص کردن لحظه وقوع و مدت دوام آن است. مقیاس زمان مبتنی بر حرکت وضعی زمین، حرکت انتقالی آن، و نوسانهای اتمی، در انواع زیر خلاصه می‌شود:
الف ــ زمان نجومی
ب ــ زمان شمسی حقیقی
پ ــ زمان شمسی متوسط
ت ــ زمان محلی یا زمان عرفی
ث ــ زمان عمومی یا جهانی ــ چون کاربرد زمانهای محلی یا عرفی، در غالب کارهای علمی و فنی با اشکالاتی مواجه می‌شود، از این رو، زمان شمسی متوسط گرینویچ (گرینیچ) را به نام زمان عمومی یا زمان جهانی بکار می‌گیرند. این زمان در حمل و نقلهای جهانی و برنامه‌های پرواز هوائی رواج فراوانی دارد.
ج ــ زمان تقویمی ــ مقیاس یکنواختی است برای زمان که بوسیله حرکت سیارات به دور خورشید تعریف می‌شود و به وسیله تصحیح بی نظمی‌های زمان شمسی متوسط تعیین می‌گردد.
چ ــ زمان اتمی ــ زمانی است که از شمردن نوسانهای ثابت پاره‌ای عناصر شیمیائی بدست آید. امروزه نوسانگرهای بسیار دقیقی ساخته شده‌اند که قادرند زمان را با دقت فوق‌العاده زیادی اندازه‌گیری کنند.
←شبانروز

زمان استاندارد STANDARD TIME
← زمان رسمی

زمان بهره‌گیری از روشنائی روز DAYLIGHT SAVING TIME
زمانی که برای بهره‌گیری از روشنائی روزهای تابستان با افزودن یک ساعت به زمان رسمی به دست می‌آید. این عمل که نخستین بار بوسیله یک نفر انگلیسی بنام ویلیام هولت در سال ۱۹۰۷ میلادی پیشنهاد شده و از زمان جنگ جهانی یکم در پاره‌ای کشورها متداول شده است بدین ترتیب است که در آغاز بهار یک ساعت بزمان رسمی افزوده شده و در آغاز پائیز با کاستن یک ساعت مجدداً آن را به زمان رسمی پیشین باز می‌گردانند.

زمان جهانی UNIVERSAL TIME
زمان گرینویچ، زمان خورشیدی متوسط نصف‌النهار صفر درجه که از رصدخانه گرینویچ انگلستان می‌گذرد. این زمان از نظر علمی و ارتباطات بین‌المللی رسمیت دارد.
←زمان

زمان خورشیدی حقیقی REAL SOLAR TIME
←زمان خورشیدی ظاهری

زمان خورشیدی ظاهری APPARENT SOLAR TIME
زمانی است که بر حسب حرکت ظاهری خورشید اندازه‌گیری شود.
بر اساس این تعریف ظهر ظاهری در واقع لحظه‌ای است که خورشید حقیقی به بلندترین نقطه مدار حرکت ظاهری خود در آسمان رسیده و اجسام روی زمین کوتاهترین سایه روزانه را دارا باشند.
این زمان در واقع همان زمانی است که بوسیله ساعتهای آفتابی بدست می‌آید.
یک شبانروز خورشیدی حقیقی (یا ظاهری) فاصله زمانی دو عبور متوالی مرکز خورشید ازمقابل نصف‌النهار ایستگاه است.

زمان خورشیدی متوسط MEAN SOLAR TIME
به سبب متغیر بودن طول شبانروز خورشیدی حقیقی که ناشی از بیضی بودن مدار گردش زمین بدور خورشید و میل محور آن نسبت به سطح دایرة‌البروج است نا متناسب بودن زمان شمسی حقیقی آشکار می‌گردد. بهمین جهت زمان شمسی متوسط که مبدأش ظهر است بکار گرفته شد و آن عبارت از زمانی است مبتنی بر گردش ظاهری یک خورشید موهومی که در مقایسه با خورشید حقیقی دارای سرعت متوسط و یکنواختی باشد.
تفاوت زمان خورشیدی حقیقی و زمان خورشیدی متوسط را تعدیل زمان می‌نامند.
← روز خورشیدی متوسط

زمان رسمی STANDARD TIME
زمان متوسط مربوط به یک نصف‌النهار معین که برای منطقه

نسبتا "وسیعی تعمیم و رسمیت یافته باشد زمان رسمی یا زمان استاندارد یا عرفی نام دارد. برای برقراری یک سیستم زمانی بین المللی، کره زمین را به ۲۴ قاچ ۱۵ درجه‌ای تقسیم کرده‌اند و زمان متوسط نصف النهار مرکزی هر قاچ را به عنوان زمان رسمی سرتاسر آن قاچ تعیین کرده‌اند. در پاره‌ای موارد استثنائی (مانند زمان رسمی ایران) نصف ـ النهارهائی را که مضربی از ۷/۵ درجه می‌باشند، مبنای زمان رسمی قرار داده‌اند.

زمان ظاهری APPARENT TIME

زمان ظاهری یا زمان محلی، زمانی است که بر حسب گردش ظاهری خورشید اندازه‌گیری شود. بر اساس این تعریف ظهر ظاهری در واقع لحظه‌ای است که خورشید به بلندترین نقطه مدار حرکت ظاهری خود در آسمان رسیده و اجسام روی زمین کوتاهترین سایه روزانه خود را دارا باشند.

زمان عرفی CIVIL TIME

یعنی زمان شمسی متوسط به علاوه ۱۲ ساعت. با این تعریف مبداء زمان عرفی نیمه شب است و جنبه محلی دارد.

زمان متوسط گرینویچ (گرینیج)

GREENWICH MEAN TIME (G.M.T)

زمان رسمی کشور انگلستان و اروپای باختری، که بر مبنای زمان محلی گرینویچ یا زمان نصف‌النهارصفر استواراست. این زمان از نظر تسهیل در برنامه پرواز هواپیماها و همزمان ساختن گزارش‌های هواشناسی و امثال آن نقش موثری ایفا می‌کند و به عنوان زمان بین المللی بکار می‌رود.

زمان محلی LOCAL TIME

زمان محلی عبارتست از زمان نقاط مختلفه سطح زمین که بر حسب موقعیت خورشید محاسبه می‌گردد. مثلا "ظهر محلی هر نقطه عبارت از لحظه‌ای است که خورشید در بلندترین وضعیت خود در آسمان آن نقطه قرار گرفته باشد. چون بطور کلی زمان بر اساس چرخش زمین حول محور خود پدید می‌آید، از اینرو کلیه نقاطی که روی یک نصف النهار قرار گرفته‌اند همزمان خواهند بود و بدیهی است که نقاط واقع برروی نصف النهارهای مختلف از نظر زمانی با یکدیگر تفاوت خواهند داشت. بدین ترتیب که نقاط خاوری از نظر زمانی جلوتر از نقاط باختری هستند. چون کره زمین در مدت ۲۴ ساعت ۳۶۰ درجه به دور خویش می‌گردد از این رو هرساعت برابر ۱۵ درجه و یا هر ۴ دقیقه زمانی برابر یک درجه خواهد بود.

زمان محلی را زمان ظاهری (Apparent Time) نیز می‌گویند.

زمان نجومی SIDEREAL TIME

زمانی که بر اساس چرخش کره زمین نسبت به نقطه برابران بهاری، اندازه‌گیری شود زمان نجومی نام دارد.

← روز ستاره‌ای، سال ستاره‌ای

زمرّد EMERALD

سنگ قیمتی سبز رنگ و شفافی که بهترین نوع آن در امریکای جنوبی یافت می‌شود. زمردهای مشرق زمین از انواع سنگ ساده است و هر چه پر رنگ تر باشد گرانبهاتر است.

زمستان WINTER

الف ـ بطور کلی سردترین فصل سال را زمستان می‌گویند.

ب ـ سه ماه دی، بهمن و اسفند (تقریبا" مطابق با دسامبر، ژانویه و فوریه) در نیمکره شمالی، و تیر و امرداد و شهریور (تقریبا" مطابق با ژوئن، ژوئیه و اوت) در نیمکره جنوبی، فصل زمستان نام دارد.

پ ـ از نظر نجومی مدت زمان گردش کره زمین بدور خورشید در حد فاصل یکم دی (۲۲ دسامبر) تا پایان روز ۲۹ اسفند (۲۱ مارس) در نیمکره شمالی و یکم تیر (۲۲ ژوئن) تا پایان روز ۳۱ شهریور (۲۲ سپتامبر) در نیمکره جنوبی را زمستان می‌نامند.

← فصل

زمستانخوابی HIBERNATION

عادت طبیعی بعضی از جانوران که قسمتی از فصل سرما را در خواب کامل یا نیمه خواب بسر می‌برند. ظاهرا" این حالت برای دفاع در مقابل سرما و کمیابی غذا درفصل سرما است.

این گونه جانوران می‌توانند مقدار کافی اندوخته غذایی در بدن خود نگهدارند و هنگامی که از خارج غذا به مقدار کافی به دست نمی‌آید از آن استفاده کنند.

در زمستانخوابی رشد متوقف می‌گردد و فعالیت بدنی به کمترین مقدار می‌رسد.

تابستانخوابی در مقابل زمستانخوابی قرار دارد و آن عبارت از دوره خوابی است برای فرار از گرما و کمی آب.

زمگاه شناسی GEOCHRONOLOGY *(Zamgāh Shenāsi)*

دانش تعیین مقیاس‌های زمانی زمینشناسی که بوسیله آنها بتوان تاریخ مرحله‌های فرگشت زمین و ساکنان آن را معلوم ساخت.

زمهریر INTENSE COLD

در هواشناسی متداول میان مسلمانان، طبقه‌ای از لایه‌های

هوا که در بالای طبقه نسیم قرار دارد و دارای سرمای بسیار بوده و موجب برودت هوا و نزول برف در ارتفاعات می‌گردد. در ادبیات عرب زمهریر به معنی شدت سرماست و از نظر اعتقادات مذهبی طبقه‌ای از جهنم محسوب می‌گردد.

زمین *(Zamin)* EARTH

سیاره مسکونی انسان، که در مداری میان دو سیاره زهره و مریخ بدور خورشید در گردش بوده و بیک شبه کره دو سر پهن شباهت دارد. قطردایره استوائی زمین ۱۲۷۵۶ کیلومتر و قطر دایره قطبی (یا قطر دایره نصف النهاری) آن ۱۲۷۱۴ کیلومتر می‌باشد. میزان فشردگی (فرورفتگی دوقطب) زمین $\frac{۱}{۲۹۳}$ تا ۰/۳۳ است. درحالیکه فشردگی شبه کره بین المللی که در سال ۱۹۲۴ به عنوان نزدیک ترین شکل هندسی به شکل واقعی زمین انتخاب شده $\frac{۱}{۲۹۷}$ است.
پیرامون استوائی کره زمین ۴۰۰۷۳ کیلومتر و پیرامون نصف النهاری آن ۴۰۰۰۸ کیلومتر بوده و مساحت سطح آن $۵۱۰/۱\times۱۰^{۶}$ کیلومترمربع است و حرم آن ۶×۱۰^{۲۱} تن می‌باشد و ۵/۵ برابر از آب سنگین تر است.
زمین از لحاظ بزرگی، پنجمین و از حیث فاصله از خورشید سومین سیاره منظومه شمسی است و یک قمر دارد و زمان گردش بدور خورشید ۳۶۵/۲۵۶ روز و زمان چرخش حول محور قطبین ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه است و تنها سیاره‌ای است که از وجود حیات در آن اطلاع قطعی داریم و تقریبا" ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد.
فاصله متوسط آن از خورشید ۱۴۹،۶۰۰،۰۰۰ کیلومتر است و پیرامون آن را پوششی از گاز بنام جو فرا گرفته و وسعت خشکیهای آن حدود ۱۴۹،۰۰۰،۰۰۰ کیلومترمربع و وسعت اقیانوسهای آن تقریبا" ۳۶۱،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. زمین از یک سری لایه‌هائی که مانند پوست پیاز روی هم قرار گرفته‌اند تشکیل یافته که ضخامت این لایه ها متفاوت است و به طور کلی به سه طبقه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱ــ پوسته زمین ۲ــ زیر پوش یا جبه زمین ۳ــ هسته یا توده مرکزی زمین.
قسمت اعظم و در ضمن قدیمی‌ترین بخش تاریخ زمین را دوران پرکامبرین تشکیل میدهد.
آزمایشات متعددی که بر روی سنگهای مختلف متعلق به این دوران انجام شده اعداد متفاوتی را بدست داده که کمترین آنها ۶۰۰ میلیون سال و بیشترین آنها ۳/۵ میلیارد سال بوده‌است بنابراین میتوان گفت که دوران مزبور حداقل در فاصله زمانی بین ۳/۵ میلیارد تا ۶۰۰ میلیون سال پیش گسترش داشته است.
برای تعیین سن زمین بایستی از سنگهای آسمانی کمک گرفت و با تعیین سن این سنگها میتوان سن واقعی زمین را نیز پیدا کرد. حداکثر سنی که تا بحال برای سنگهای آسمانی بدست آمده عدد ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سال بوده است.

← ساختمان زمین (تصویر در صفحهٔ ۱۹۴).

زمین آرایی LANDSCAPE ARCHITECTURE

هنر طرح ریزی و اجرای نقشه‌هایی برای زیبا کردن قطعه زمینی از راه تنظیم و ترتیب درختان و بوته‌ها و گل‌ها، بدان سان که با ساختمان‌های مجاور هماهنگ باشد.

زمین بایر WOLD

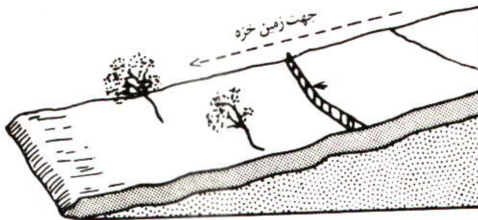
زمینی که فاقد روئیدنی بوده و بکر و لم یزرع باقی مانده باشد.

زمین پست *(Z-e-past)* LOWLAND

زمینی که ارتفاع آن کمتر از ۱۸۰ متر باشد.

زمین خزه *(Z-khazeh)* SOIL CREEP

حرکت یکنواخت و بسیار آرام و نا محسوس خاک و سنگهای سطحی در امتداد شیب زمین. علت حرکت این مواد تابش نور خورشید و گرم شدن و ترک خوردن خاک و سپس پر شدن شکافهای سطحی با آب باران و درنتیجه بسته شدن شکافها و حرکاتی از این قبیل است که بالطبع به لغزیدن آرام خاک در سراشیب می‌انجامد.



زمین خزه

زمین ریخت شناسی GEOMORPHOLOGY

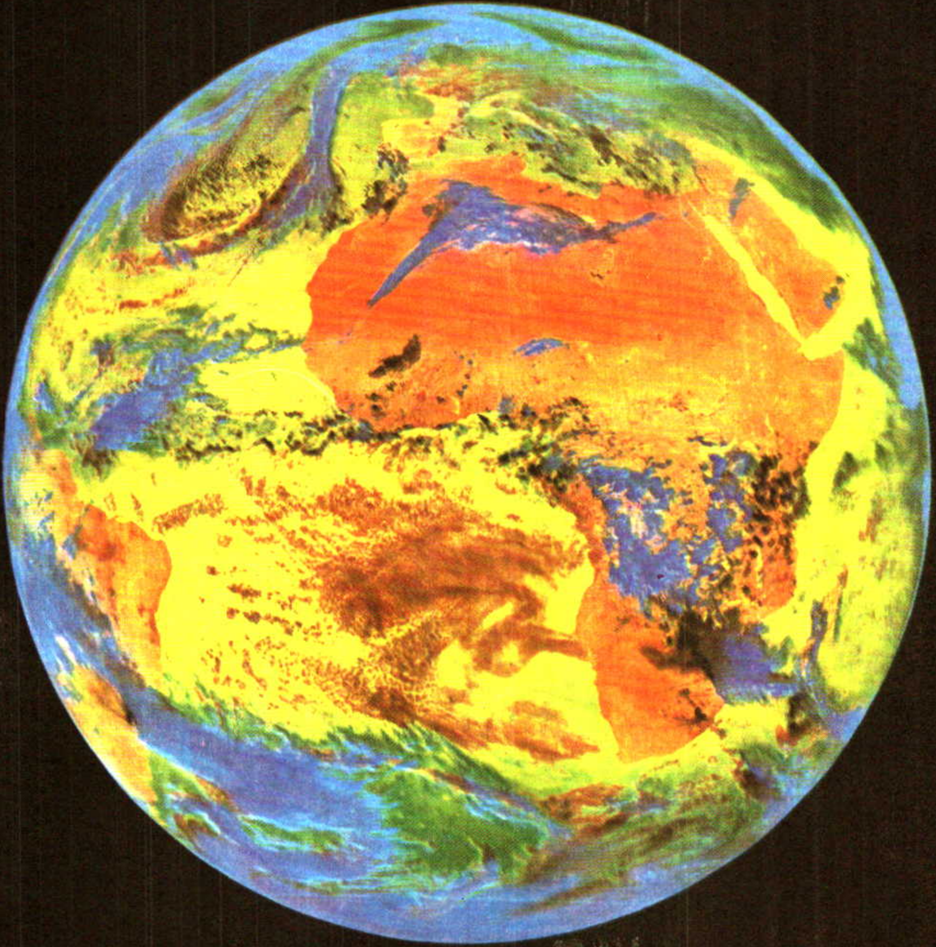
علم بررسی عوارض طبیعی زمین و با ترتیب و شکل پوسته آن و رابطه میان عوارض طبیعی و ساختمان زیر پوسته زمین. به این علم ژئومورفولوژی نیز می‌گویند.

زمینساخت TECTONIC

علم بررسی کلیه نیروهای درونی که منجر به پدید آمدن عوارض پوسته زمین می‌گردند.

زمینساخت صفحه‌ای PLATE TECTONIC

سنگ اسپهر یا لیتوسفر از چند صفحه، مجزا با ضخامت متوسط



زمین

حدود ۱۰۰ کیلومتر پوشیده شده و در واقع به حالت شناور روی گوشته زمین قرار گرفته است و با کندی بسیار در جهات معین حرکت می‌کند. عامل این حرکت جریان‌های همرفتی عنوان شده است. در اثر دور شدن صفحات مزبور از یکدیگر تعدادی شکستهای باریک و طویل و موازی بوجود می‌آید که به وسیله مواد گداخته‌ای که از پایین به بالا در حال صعود هستند بتدریج پر می‌شوند و قشر جدید اقیانوس به صورت رشته کوههایی در حد فاصل بین دو صفحه ایجاد می‌گردد. مواد گداخته‌ای که بر اثر جریان‌های همرفتی از اعماق زمین به زیر سنگ اسپهر آمده‌اند، بتدریج سرد شده و با افزایش وزن مخصوص پس از طی مسافتی موازی با پوسته زمین مجددا" به قسمتهای عمیق‌تر بر می‌گردند و همراه با آن سنگ اسپهر نیز جابجا شده و در محلی که دو جریان مخالف با یکدیگر برخورد می‌کنند یکی از صفحات که دارای فشار بیشتری است به زیر صفحه دیگر رفته و تا اعماق صدها کیلومتر نفوذ می‌کند و گودال‌های اقیانوسی را در آن محل بوجود می‌آورد. این نظریه که توسط مارد مکنزی و مورگان در سال ۱۹۷۰ بیان شده است، نظریه وگنر را در مورد جابجا شدن قاره‌ها بخوبی توضیح می‌دهد و تا حد زیادی مسایل و ابهامات نظریه‌های قدیمی را جوابگوست.

زمینسنجی GEODESY

دانش مربوط به اندازه‌گیری ابعاد، شکل، وزن و تراکم زمین و مانند آن، و همچنین عملیات نقشه‌برداری که در سطح وسیعی از زمین انجام شود و انحناء سطح زمین در محاسبات مربوطه مورد توجه قرار گیرد.

روشهای عمده زمینسنجی عبارتند از: مثلث بندی‌های کلاسیک و ماهواره‌ای، پیمایش، ترازیابی و گرانی سنجی.

زمین شناسی GEOLOGY

دانشی که درباره ترکیب، ساختمان و تاریخ پیدایش زمین بررسی می‌کند. در این دانش راجع به مواد سازنده زمین و نیروهای موثر بر مواد مزبور و نتایج حاصله از آن، و پراکندگی سنگهای پوسته زمین و سرگذشت زمین و همچنین گیاهان و جانورانی که در دوره‌های مختلف زمین شناسی وجود داشته‌اند گفتگو می‌شود.

این دانش بصورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف - زمین شناسی طبیعی، شامل معدن شناسی، سنگ‌شناسی، زمینساخت و زمین ریخت شناسی.

ب - زمین شناسی تاریخی، شامل چینه شناسی و دیرین‌شناسی.

← ازمنه زمین شناسی

زمین شیمی GEOCHEMISTRY

دانشی مرکب از زمین شناسی و شیمی که توزیع، فراوانی و واکنشهای عناصر شیمیائی‌ای که پوسته زمین از آن‌ها ترکیب یافته است بررسی می‌کند.

زمینفیزیک GEOPHYSICS

بررسی پدیده‌های ساختمانی زمین، شامل قسمتهای خشکی، آبها و همچنین جو زمین از نظر فیزیکی و ارتباط آن با دانش زمین شناسی.

بطور کلی موضوعهائی مانند هوا شناسی، آبشناسی و زلزله‌شناسی، ارتباط نزدیکی با زمینفیزیک دارد.

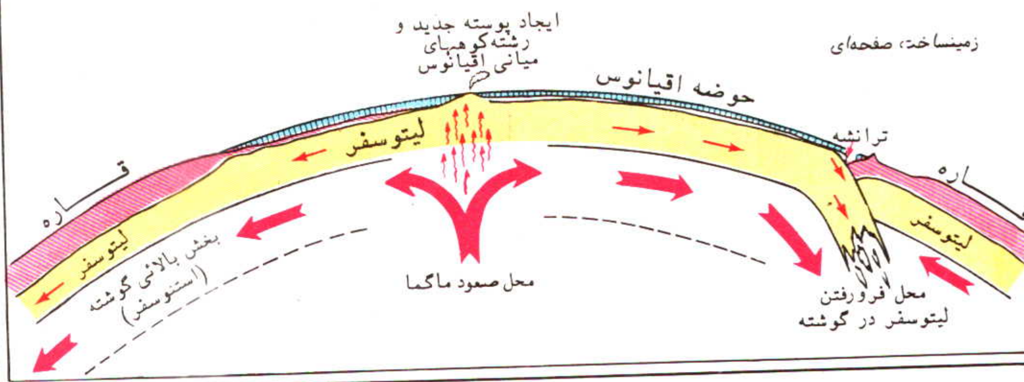
تجسسات گرانشی و مغناطیسی و تشعشعی از وسایل کار تحقیقات زمینفیزیک است.

زمین قابل کشت ARABLE LAND

← زمین کشتنی

زمین کشتنی *(Z-e-keshtani)* ARABLE LAND

زمینی که برای شخم زدن مناسب باشد که این گونه زمینها از مراتع دائمی و یا اراضی جنگلی متمایز است. بعضی وقتها این اصطلاح مخصوصا" برای سرزمینی که واقعا" شخم زده شده و محصولاتی روی آن کشت شده باشد بکار برده می‌شود.



زمینلاد (Zaminlād) MAIN LAND

پهنهٔ وسیعی از خشکی که شامل جزء اعظم خاک یک کشور است (معمولاً " در مقابل جزیره و شبه جزیره گفته‌می‌شود) .

زمین لرزه EARTHQUAKE

جنبش سریع و محسوسی که در نتیجه جابجائی و یا جایگیری تخته سنگهای زیر پوسته زمین پدید آید . در نتیجه این جنبش ، یک سری لرزش‌های موجی شکل پدید می‌آید و گاه تغییرات ارتفاعی پوسته زمین را باعث می‌گردد و اغلب ضایعات و زیان‌های جانی و مالی فراوان از خود باقی می‌گذارد . زمین لرزه بیشتر مخصوص نواحی آتشفشانی‌بوده و گاه با خروش و فوران کوههای آتشفشان همراه می‌گردد و در حالات شدید شکستها و بریدگیهای مهم و مشخصی در روی پوسته زمین از خود بجای می‌گذارد .

غالب زمین لرزه‌ها ، حداقل با سه نوع موج لرزاننده همراه است ، که اثرات آنها حتی تا فاصله‌های بسیار دوری از کانون زمین لرزه قابل تشخیص و ثبت می‌باشد . در مرکز وقوع زمین لرزه سه موج مزبور بطور همزمان اثرگذارده و ساختمانها و تاسیسات واقع در این منطقه را با نوسان‌های شدید بعقب و جلو می‌برد و حداکثر خسارت و زیان را در محلی که امواج مزبور بطور مورب به سطح زمین می‌رسند وارد می‌سازد .

زمین لرزه‌های بزرگ ، علاوه بر امواج مزبور ، اغلب با یک سری تکانهای دیگر نیز همراه است و اگر چنانچه در زیر آب و یا در نزدیکی آن بوقوع پیوندد ، آب دریا را بشدت به تلاطم آورده و امواج آن را اغلب تا فواصل قابل ملاحظه‌ای به اطراف پرتاب می‌نماید و ضایعات جانی قابل ملاحظه‌ای از خود بجای می‌گذارد که در مقایسه با ضایعات خود زمین‌ـ لرزه از اهمیت بیشتری برخوردار است .

زمین لرزه در پاره‌ای مناطق مانند جزایر هاوائی بطور روزانه بوقوع می‌پیوندد و اغلب در طول سال صدها زمین لرزه خفیف زمین را به‌لرزش درمی‌آورد و در عین حال سرزمینهائی نیز یافت می‌شود که بندرت تحت تاثیر زمین لرزه قرار می‌گیرند .بطور کلی مناطق زلزله خیز زمین را به سه بخش زیر می‌توان تقسیم کرد :

الف ـ کرانه‌های باختری امریکای شمالی و جنوبی .

ب ـ نواری که اروپای جنوبی و آسیای جنوبی را در بر می‌گیرد .

پ ـ کمربندی واقع در اقیانوس آرام که ژاپن ، فیلیپین و قسمت مهمی از شبه جزیره هندوچین را بهم متصل می‌سازد .

این نکته قابل توجه است که از هزاران زمین لرزه‌ای که در طول سال بوقوع می‌پیوندد ، فقط حدود صد تای آنها با خسارت و ویرانی توام بوده و بقیه اثر چندان مهمی از خود باقی نمی‌گذارند .

زمین لغزه LANDSLIDE

ریزش سنگ و خاک ، از فراز کوه روی دامنه و پای آن براثر عواملی مانند باران شوئی ، زمین لرزه و نیروی کشش زمین و غیره .

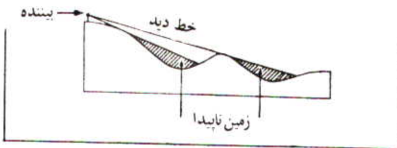
گاهی اوقات زمین لغزه سبب ایجاد سد در برابر نهرها و باعث سیل و انهدام جنگلها ، کشتزارها و خانه‌ها و خسارات دیگر می‌شود .

زمین مخفی DEAD GROUND

← زمین ناپیدا

زمین ناپیدا DEAD GROUND

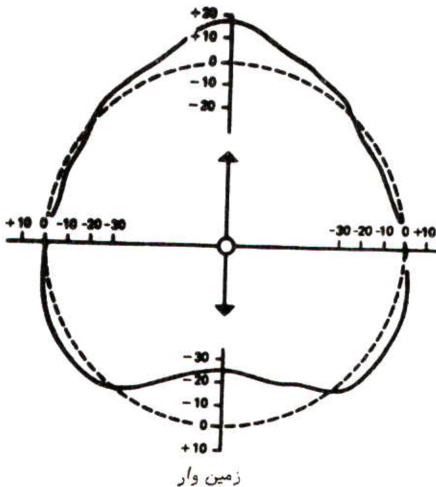
قسمتهائی از سطح زمین که بدلیل شکل و فرم از چشم یک بیننده مخفی بماند و دیده نشود .



زمین ناپیدا

زمین‌وار GEOID

شکلی که از گسترش سطح اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد زمین پدید آید . زمین‌وار از نظر علم زمین سنجی (ژئودزی) معرف شکل زمین بوده و شباهت زیادی بیک گویوار (شبه کره) پخت (فشرده) دارد .



زمین وار

زنجیره CHAIN

← رشته

زنومورف XENOMORPHE

یک نوع بافت سنگ آتشفشانی است که بلورها فاقد سطوح و یالهای مشخص بوده و در زیر میکروسکپ حدود بلورها نامنظم و کروی و یا دندانه‌ای است.

زه *(Zeh)* SEEPAGE

الف ــ فرو رفتن تدریجی آب بدرون خاک.

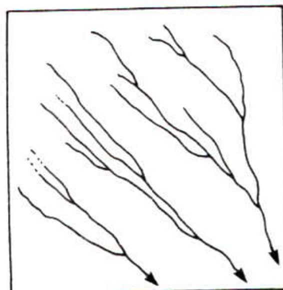
ب ــ تراوش آرام و تدریجی آب از لایه‌های زیر به روی پوسته سطحی زمین.

زهاب *(Zehāb)* DRAIN

آبراهه‌ای که برای بیرون کشیدن آب‌های زاید یک منطقه به طور ساختگی ایجاد شود.

زهاب‌های همرو PARALLEL DRAINAGE

شبکه‌ای از جو و یا رودخانه‌ها و زهابهایی که مسیر آنها با یکدیگر موازی باشد.



زهاب های همرو

زهره VENUS

← ناهید

زهکشی DRAINAGE

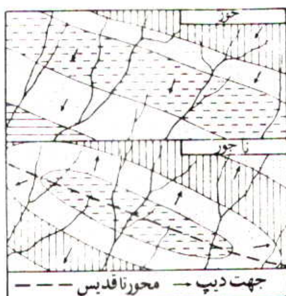
بیرون کشیدن آب‌های اضافی یک منطقه بطور طبیعی و یا مصنوعی.

در کشاورزی آب اضافی زمین را به وسیله زهکشی می‌گیرند.

زهکشی در حدود ۴۰۰ قبل از میلاد در حوضه رود نیل معمول بوده است.

زهکشی جور ACCORDANT DRAINAGE

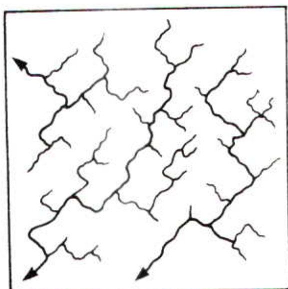
موافق بودن و یا جور بودن نوع و جنس و ساختمان سنگ‌ها از یک طرف و شکل زهاب‌های سطحی از طرف دیگر.



زهکشی جور

زهکشی راستگوشه RECTANGULAR DRAINAGE

شاخابه‌هایی که شاخه‌های فرعی تحت زاویه تقریبا "قائمه به شاخه‌های اصلی متصل گردند.



زهکشی راستگوشه

زهکشی شجری DENDRITIC DRAINAGE

شبکه‌ای از چندین شاخابه که بیک جویبار یا یک رودخانه منتهی گردند.

به عبارت دیگر، نوعی زهکشی که چون ریزابه‌های متعدد به پیرودی بریزند و به هر یک از این‌ها نیز ریزابه‌های کوچکی وارد شوند، تشکیل می‌گردد.

وجه تسمیه این نام بدین جهت است که مجموعه این روانه‌ها طرحی شبیه شاخه‌های درختان را مجسم می‌سازند.

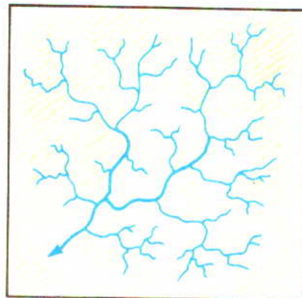
(تصویر در صفحه ۱۹۸)

زهکشی شعاعی RADIAL DRAINAGE

شاخابه‌هایی که بصورت خطوط شعاعی نسبت بیک نقطه مرکزی که قاعدتا" بلندترین نقطه و یا قله یک برجستگی است، رو به خارج جریان داشته باشد. (تصویر در صفحه ۱۹۸)

زیا FAUNA

مجموع حیات حیوانی یک سرزمین یا یک دوره زمین شناسی.


زهکشی شجری


زهکشی شعاعی

OLIVE
زیتون
میوه‌ای است که در آب و هوای مدیترانه‌ای می‌روید و دارای برگ‌های باریکی است. این گیاه به باران فراوان نیازی ندارد و از میوه آن روغنی بنام روغن زیتون گرفته می‌شود که مصرف خوراکی دارد.
درخت زیتون همواره سبز بوده و در دوران باستان به عنوان نشانه صلح و دوستی بکار می‌رفته است.

EPHEMERIES
زیج *(Zij)*
معرب واژه فارسی زیگ به معنی جداول نجومی که موقعیت اجرام آسمانی را در فواصل زمانی معین مثلا "سالیانه تعیین می‌کند.
عمل تنظیم زیج احتمالا" از زمان ساسانیان در ایران متداول بوده و قدیمی ترین آنها زیج شهریار است که احتمالا" در زمان سلطنت انوشیروان (۵۵۵ میلادی) تهیه شده و در ۷۹۰ میلادی از پهلوی به عربی ترجمه شده است.
از موادی که در غالب زیج‌های ایرانی مندرج است اینها را می‌توان نام برد. گاهشماری، جداول خطوط مثلثاتی، جداول مختصات و تعدیلات و سایر مقادیر نجومی، جداول جغرافیایی، جداول صور نجومی و جداول استخراج احکام نجومی.
معروفترین زیج‌ها عبارتند از: زیج الغ بیک یا زیج گورکانی، زیج ایلخانی که بوسیله خواجه نصیرالدین طوسی تنظیم شده، زیج بتانی، زیج خاقانی، زیج سنجری وزیج ملکشاهی و غیره
از بابت دقتی که در تنظیم این گونه زیج‌ها بکار می‌رفته است همین بس که بگوئیم طبق آخرین مشاهدات ومحاسبات امروزی طول متوسط سال شمسی ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۹۷۵ ثانیه تعیین شده و حال آنکه طبق زیج سنجری طول سال شمسی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۵ دقیقه و ۴۴ ثانیه تعیین گردیده است.

UNDERCUTTING
زیربری *(Zirbori)*
الف ـ فرسایش ساحل رودخانه بر اثر جریان آب بویژه در سر پیچ‌ها.
ب ـ فرسایش شن و ماسه و مواد نرم زیر یک تخته سنگ بر اثر وزش باد در یک منطقه کویری.
پ ـ فرسایش پای صخره‌ها و پرتگاههای ساحلی بر اثر برخورد امواج دریا به پای صخره مزبور.

MANTLE
زیر پوش (جبه)
لایه‌ای از زمین، به ضخامت حدود ۲۹۰۰ کیلومتر که میان پوسته خارجی و توده مرکزی زمین واقع شده است.

SUBSOIL
زیر خاک
لایه‌ای از خاک که در زیر پوسته خارجی زمین قرار گرفته است.
مواد آلی این قسمت از خاک سطحی کمتر است و چون کمتر از خاک در معرض اکسایش و آب گرفتن است لذا مواد معدنی آن با مواد معدنی خاک متفاوت می‌باشد.

UNDERGROWTH
زیر رست *(Zir-rost)*
بوته‌ها یا درختهای کوچکی که زیر درختهای بزرگتر یا بین آنها می‌رویند.

BIOSPHERE
زیست اسپهر *(Zist-espehr)*
آن قسمت از زمین که از نظر گونه‌های مختلف زیست مورد بهره‌برداری قرار گرفته و به سه بخش سنگ اسپهر، آب اسپهر و آتمسفر تقسیم می‌گردد.

BIOECOLOGY *(Z-bum Shenāsi)* **زیست بوم شناسی**
بخشی از بومشناسی که وابستگی‌های میان ساز واره‌های زنده را بررسی می‌کند.

BIOMETRY
زیستسنجی
شعبه‌ای از زیستشناسی که در آن از ریاضیات و مخصوصا" علم

آمار برای مطالعه در موجودات زنده استفاده می‌شود. زیستشناسان به کمک این علم توانسته‌اند در باروری و نوع و خصوصیات دیگر گیاهان وجانوران تغییرات مطلوب بدهند و ارتباط میان موجودات زنده را با یکدیگر و با محیطشان بهتر بفهمند.

زیست شناسی BIOLOGY

علمی است که با موجودات زنده و فرایندهای حیاتی سر و کار دارد. زیست شناسی به مفهوم اعم شامل جانور شناسی، گیاهشناسی، ریخت شناسی، ژنتیک، رویانشناسی ورشته‌های وابسته به آن است.

زیست شناسی دریائی MARINE BIOLOGY

شاخه‌ای از زیست شناسی آبزیان که درباره جانورانی که در آبهای شور زندگی می‌کنند بررسی می‌کند.
به عبارت دیگر علم بررسی گیاهان و جانوران دریائی و وابستگی آنها بیکدیگر از جنبه بومشناسی، زیست شناسی دریائی نام دارد.
موجودات دریائی را بر حسب نوع زندگی به‌شنازی، دروازی و بن زی تقسیم می‌کنند.

زیست شناسی فضائی SPACE BIOLOGY

دانش اعمال حیاتی موجودات زنده از جمله انسان در ماوراء جو و بیرون از تاثیرات کره زمین. درنتیجه تحقیقات زیست شناسی فضائی وسایل ایمنی انسان را در پروزاهای فضائی فراهم آورده‌اند وجو مناسب با زندگی درون کابین‌های سفاین فضائی ایجاد نموده‌اند و دما را تحت نظم آورده و سپر محافظ در برابر تشعشعات کیهانی اختراع نموده‌اند. تغییراتی که در موجودات فرستاده شده به‌فضا صورت می‌گیرد، بوسیله دستگاههای مخصوص اندازه‌گیری می‌شود و با رادیو به آزمایشگاههای زمینی مخابره می‌گردد تا از روی آن‌ها معلومات زیستشناختی بدست آید.

زیست شناسی کیهانی EXOBIOLOGY

بررسی خاستگاه زندگی (منشاء حیات) با در نظرگرفتن امکان وجود زندگی در بیرون از کره زمین.

زیست شناسی گیاهی PHYTOLOGY

شاخه‌ای از زیست شناسی که به بررسی گیاهان می‌پردازد.

زیستفیزیک BIOPHYSICS

علم تحقیق در دستگاههای زنده بر اساس علم فیزیک و به وسیله روش‌های آن. به کمک میکروسکوپ الکترونی بررسی ساختمان سلول‌های بسیار کوچک میسر گردید و اندازه و شکل ویروس‌ها و موادی که دیواره‌های یاخته‌ها را تشکیل می‌دهند آشکار شد. با دستگاههای اندازه‌گیری الکتریکی دقیق، ولتاژهای بسیار ضعیف حاصل از اعمال مغز و قلب و اعضای دیگراندازه‌گیری و انتقال تحریکات عصبی بهتر شناخته شد.
قسمت مهمی ازبررسی‌های زیستفیزیک در دهه‌سوم قرن بیستم میلادی با تاثیر اشعه ایکس بر ژن‌های توراثی پایه‌گذاری و فعال گردید.

زیستکره *(Zistkoreh)* BIOSPHERE

←زیست اسپهر

زیستگرد *(Zistgard)* PHENOLOGY

دانشی که درباره اثرات تغییر فصل روی زندگی جانوران و گیاهان گفتگو می‌کند. مانند زمان شکوفه کردن و جوانه زدن، برگ و بار دادن و رسیدن میوه گیاهان و ظهور و ناپدید شدن حشرات و مهاجرت پرندگان و رابطه میان زمان وقوع و موقعیت جغرافیائی محل وقوع این رویدادها.

زینکوه *(Zinkuh)* SADDLE

قسمتی از یک کوه که میان دوقله مجاورهم واقع شده و شباهت به زین اسب داشته باشد.

زینگی فشار GRADIENT PRESSURE
(Zinegi-ye-feshār)

در چند تغییرات افقی فشار جو در جهت معینی از سطح زمین که بوسیله رسم منحنی‌های همفشار روی نقشه‌های هوا ـ شناسی مشخص می‌گردد، بدین ترتیب که نزدیکی منحنی‌های همفشار نشانه تغییر سریع فشار هوا وبرعکس دوری منحنی‌های همفشار معرف شیب کم است.
در واقع منحنی‌های همفشار درروی نقشه‌های هواشناسی همان نقش منحنی‌های تراز را در روی نقشه‌های توپوگرافی از نظر نمایش ارتفاعات بر عهده دارند.

زی واب شناسی BIOCLIMATOLOGY
(Zivāb shenāsi)

دانش بررسی آب و هوا و بستگی آن به زندگی و بهداشت زیست. یکی از هدف‌های این دانش بررسی وتعیین مطلوب‌ترین شرایط آب و هوا برای زیست انسان است.



ژاد شناسی SEXOLOGY
شاخه‌ای از زیست‌شناسی که موضوع آن جنسیت (SEX) است .

ژاله DEW
← شبنم

ژانویه JANUARY
← ماههای اروپائی

ژئوئید GEOID
← زمین وار

ژئو پولیتیک GEOPOLITICS
علم سیاست وابسته به زمین و دانش ارتباط میان محیط طبیعی زندگی و سیاست .
از قرن نوزدهم میلادی جغرافیای علمی برای توضیح محیط اجتماعی و سیاسی بشر بکار گرفته شد وطرفدارانی پیداکرد . در خلال جنگ‌های اول و دوم مسئله ژئوپولیتیک جنبه حاد و تندروی و افراطی پیدا کرد . بعد از جنگ دوم مکتب‌های ژئوپولیتیکی معتدل‌تری در پاره‌ای جاها مانند فرانسه پیدا شده و پاره‌ای جنبه‌های افراطی آن حذف شده است .

ژئودزی GEODESY
← زمینسنجی

ژئودزیک GEODESIC
خطی واصل بین دو نقطه که طولش حداکثر و یا حداقل باشد ، یعنی از همه خطهای دیگر واصل میان آن دو نقطه بلندتر و یا از همه کوتاهتر باشد . مفهوم ژئودزیک تعمیم مفهوم خط مستقیم است که کوتاهترین راه بین دو نقطه یک صفحه می‌باشد .
بر سطح کره ، کوتاهترین راه میان دو نقطه ، قوس دایره عظیمه‌ای است که بر آن دو نقطه می‌گذرد . پس ژئودزیک‌های یک کره قوس‌های دوایر عظیمه آن می‌باشند . هر خط مستقیمی که تماماً بر یک سطح قرار گیرد ، ژئودزیک آن می‌باشد .

ژئو فیزیک GEOPHYSICS
← زمینفیزیک

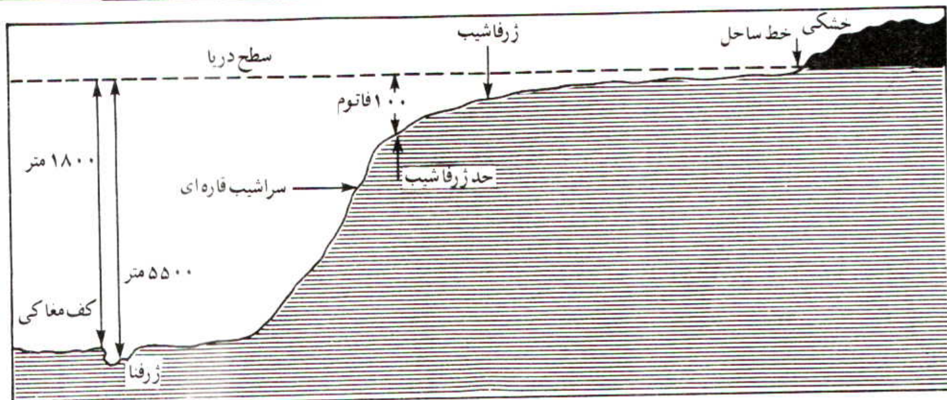
ژئومورفولوژی GEOMORPHOLOGY
← زمین ریخت شناسی

ژرفا سنج FATHOMETER
اسبابی برای تعیین عمق دریاها واقیانوس‌ها که به کمک سرعت صوت در آب کار می‌کند .
این دستگاه در ضمن اینکه کشتی راه خود را می‌رود ، زمان لازم را برای اینکه صوت به کف اقیانوس برسد و امواج منعکسه آن به کشتی بازگردد اندازه می‌گیرد وازروی آن عمق را خود بخود ثبت می‌کند و بطورهمزمان عملیات نمونه‌برداری از کف اقیانوس بوسیله قاشقک‌ها و یا مته‌های مخصوصی که نهشت‌های اقیانوس را با خود بالا می‌آورند نیز انجام می‌شود .

ژرفا سنجی BATHYMETRY
اندازه‌گیری عمق آب دریاها و اقیانوس‌ها ، که به آن عمق‌سنجی نیز می‌گویند .
← آبنگاری

ژرفاشیب *(Zharfā shib)* CONTINENTAL SHELF
آن قسمت از کف دریاها و اقیانوسهائی که پیرامون خشکی یا قاره‌ای را فرا گرفته و از حاشیه خشکی شروع شده و با شیب ملایمی (یک درجه یا کمتر) تا جائیکه شیب دریا به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد ادامه پیدا می‌کند . ژرفای حاشیه خارجی این قسمت میان ۱۲۰ متر (۶۵ فاتوم) تا ۳۷۰ متر (۲۰۰ فاتوم) توصیف و ثبت شده و بطور متوسط ژرفای میانگین ۱۳۰ متر برای این منظور توصیه گردیده است . پهنای این قسمت بر حسب وضعیت توپوگرافی زمین متغیر بوده و گاه به بیش از ۱۵۰ کیلومتر می‌رسد . حال آنکه کرانه‌های کوهستانی دارای عرض کمتری بوده و حتی از یک کیلومتر نیز بیشتر نمی‌شود .
ژرفای دریا در بعد از این قسمت یک باره به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و در نتیجه حاشیه خارجی آن بصورت پرتگاههای زیر دریائی دیده می‌شود . و در واقع کرانه زیر آبی خشکی را مشخص می‌سازد . مسئله ژرفا شیب یا فلات قاره و تداخل آن با قوانین بین المللی مالکیت بر آب‌های ساحلی مشکلات بزرگی را از نظر ماهیگیری و منابع زیر دریائی مانند نفت و گاز بوجود آورده است .
(تصویر در صفحه ۲۰۱)

ژرفا یابی SOUNDING
عمل اندازه‌گیری ژرفای آب که ساده‌ترین طریقه آن استفاده از یک مفتول است که در انتهای آن وزنه‌ای آویخته شده .



ژرفا شیب

این کار امروزه با دستگاههائی که امواج مافوق صوت ایجاد می‌کنند بدین ترتیب انجام می‌شود که ارتعاشات رادیویی را به اعماق آب فرستاده و امواج منعکسه را مجدداً دریافت و از اختلاف فاز امواج فرستاده شده و دریافت شده عمق آب را محاسبه می‌کنند. به این عمل عمق‌یابی سبر گفته می‌شود.

ژرفسنگ *(Zharfsang)* BATHOLITH

← باتولیت

ژرفنا *(Zharfnā)* DEEP OCEAN

بخشی از کف دریا یا اقیانوس که ژرفای آن بیش از ۵۵۰۰ متر باشد. ژرف‌ترین بخش شناخته شده روی زمین گودالی است بنام ژرفنای ماریانا واقع در اقیانوس آرام به عمق ۱۱۰۳۵ متر. موقعیت ژرفنا بر خلاف تصور میان اقیانوس‌ها نیست بلکه بیشتر در حاشیه جزیره‌های کوهستانی بویژه در دامنه آتشفشان‌های فعال و مناطق زمین لرزه‌خیز دیده می‌شود.

← ژرفا شیب

ژرفین *(Zharfin)* BATHYAL ZONE

قسمتی از کف دریا که از لبه خارجی فلات قاره شروع شده و با شیبی میان ۲ تا ۵ درجه تا ژرف‌ترین قسمت ادامه می‌یابد.

ژوئن JUNE

← ماههای اروپائی

ژوئیه JULY

← ماههای اروپائی

ژوراسیک JURASSIC

دومین دوره زمین شناسی از دوران میان زیوی مربوط به ۱۸۰ تا ۱۳۵ میلیون سال پیش.

این نام بدلیل انتساب زمین‌های کوهستان ژورا واقع در کوهستان آلپ بدوره مورد بحث اقتباس گردیده است.

← ارمنه زمین شناسی

ژی *(Zhy)* ETANG

← استخر

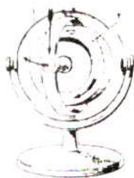
ژیروسکوپ GYROSCOPE

چرخ یا قرص سنگین متقارنی که میتواند به‌آزادی حول محوری دوران کند و این محور خود چنان در قاب بستی سوار شده که می‌تواند به‌آزادی هر امتدادی را در فضا بگیرد.

ژیروسکوپ یا دوران نما بوسیله فوکو دانشمند فرانسوی در سال ۱۸۵۱ برای اثبات چرخش زمین ساخته شد.

اگر محور ژیروسکوپی را که با سرعت می‌چرخد متوجه خورشید کنیم، امتداد محور آن ظاهراً همراه با حرکت خورشید در آسمان حرکت می‌کند. این امر ناشی از آنست که ژیروسکوپ در عین اینکه زمین در زیر آن می‌گردد، وضع خود را در فضا حفظ می‌کند.

در ژیروسکوپ‌های امروزی چرخش دستگاه بوسیله نیروی برق تامین می‌شود و از آن در امور مختلفی چون کشتیرانی، هواپیمائی، نقشه‌برداری استفاده فراوان می‌شود.


ژیروسکوپ

ژیزمان GISEMENT

← ازیموت



ساحل COAST

← کرانه

ساحل چپ رودخانه LEFT BANK RIVER

← ساحل راست رودخانه

ساحل راست رودخانه RIGHT BANK RIVER

ساحلی از رودخانه که در طرف راست ناظری که در جهت جریان آب حرکت می‌کند قرار گرفته باشد. ساحل مقابل یعنی طرف چپ ناظر را ساحل چپ می‌گویند.

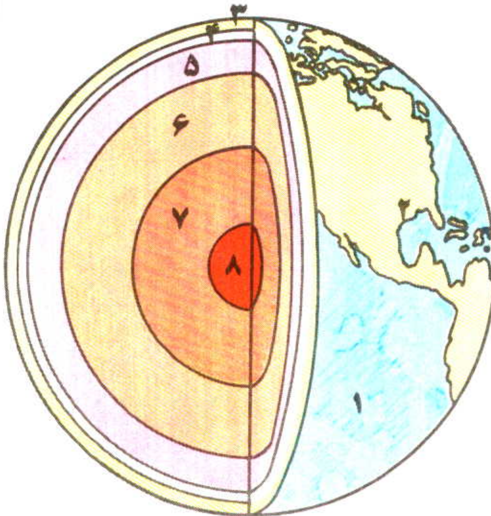
ساخت STRUCTURE

ترتیب و جایگزینی سنگ‌های پوسته زمین.
این واژه گاه به مفهوم وسیع‌تری که در برگیرنده طبیعت و شکل اولیه سنگ‌های قبل از فرسایش است نیز بکار می‌رود.

ساختمان زمین STRUCTURE OF THE EARTH

بررسی‌های علمی نشان داده‌است که زمین از لایه‌های متعددی که مانند پوست پیاز روی هم قرار گرفته‌اند تشکیل یافته‌است. نظر دانشمندان درباره ضخامت این لایه‌ها متفاوت است ولی وجود سه لایه متمایز در نزدیک سطح‌زمین تقریباً "مسلم است. نتایج حاصله از زلزله نشان می‌دهد که در اعماق ۱۲ کیلومتری، ۳۷ کیلومتری و ۶۰ کیلومتری سطح زمین تمایز بارزی میان لایه‌ها وجود دارد و خواص فیزیکی آنها بطور فاحش فرق می‌کند. در عمق ۲۹۰۰ کیلومتری لایه متمایز یا سطح انفصال دیگری وجود دارد که تغییر لایه در آن جا فاحش‌تر است. زمین شناسان بر این عقیده هستند که در این جا به هسته مرکزی زمین برخورد می‌شود که احتمالاً "از آهن و نیکل مذاب است و شعاع آن حدود ۳۴۷۰ کیلومتر می‌باشد.
بطور کلی ساختمان زمین را می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱ ــ پوسته اقیانوسی ۰ تا ۱۰ کیلومتر.
۲ ــ پوسته قاره‌ای ۰ تا ۴۰ کیلومتر.
۳ ــ سنگ اسپهر ۰ تا ۷۰ کیلومتر.
۴ ــ نرم اسپهر ۷۰ تا ۲۵۰ کیلومتر.
۵ ــ گشتگاه ۳۵۰ تا ۷۰۰ کیلومتر.
۶ ــ جبه تحتانی ۷۰۰ تا ۲۹۰۰ کیلومتر.
۷ ــ هسته مذاب آهنین ۲۹۰۰ تا ۴۹۸۰ کیلومتر.
۸ ــ هسته جامد آهنین ۴۹۸۰ تا ۶۳۷۰ کیلومتر.



ساختمان زمین

ساروس SAROS

دوری به مدت ۲۲۳ ماه قمری برابر ۱۸ سال شمسی و ۱۱ روز و ۸ ساعت (و یا ۱۰ روز و ۸ ساعت چنانچه در این فاصله پنج سال کبیسه باشد) که دوره تکرار خور گرفت است.
ساروس را از روزگار باستان می‌شناختند و بابلیهای قدیم برای پیشگوئی گرفت‌ها از آن استفاده می‌کردند.
← گرفت و خورگرفت

سازش ACCLIMATION

خو گرفتن و عادت کردن به آب و هوای غیر عادی. مانند سازگاری مردمی که از یک منطقه سردسیر به یک منطقه‌گرمسیر و یا بر عکس مهاجرت نمایند و یا کسانی که برای پژوهش‌های علمی و یا ورزش کوهنوردی از مناطق پست به کوهستان‌های بلند مسافرت نمایند.

سازمان ملل متحد UNITED NATIONS ORGANIZATION

موسسه‌ای است بین المللی که برای حفظ صلح جهانی و روابط بین ملل جهان تشکیل شده. این سازمان که در سال ۱۹۴۴ جانشین جامعه ملل گردیده‌است، نخست تحت عنوان

منشور آتلانتیک بوسیله سران دولت‌های امریکا و انگلیس مشتمل بر هشت ماده پایه‌گذاری شد و دولت‌های دیگر نیز بتدریج به صف امضاء کنندگان آن پیوستند و مقدمات سازمان ملل را بوجود آوردند و سرانجام در سال ۱۹۴۵ رسماً موجودیت آن را اعلام داشتند.

سازمان ملل متحد دارای ۶ رکن اصلی است ۱ـ مجمع عمومی ۲ ـ شورای امنیت ۳ ـ شورای اقتصادی و اجتماعی ۴ـ شورای قیمومیت و سرزمین‌های غیر خود مختار ۵ ـ دیوان دادگستری بین المللی ۶ ـ دبیرخانه که بعدها سازمان‌های دیگری چون یونسکو و یونیسف و غیره نیز به آن پیوستگی یافته‌اند.

سازند *(Sāzand)* FORMATION

الف ـ چینه بندی‌های متعلق به یک عصر.

ب ـ مجموعه چینه‌هائی که دارای خواص سنگی و یا زیستی مشترک باشند.

پ ـ هر دسته از سنگهای واقع در یک ناحیه کمابیش مربوط بهم را گویند.

ساعت *(Sā'at)* HOUR

واحد زمان، که معادل $\frac{1}{24}$ شبانروز، و برابر ۶۰ دقیقه است.

ساعت WATCH/CLOCK

اسبابی برای اندازه‌گیری زمان و تشخیص کمابیش دقیق تساوی فواصل زمانی.

انواع ساعت عبارتند از: ساعت مکانیکی، ساعت الکتریکی ساعت الکترونی، ساعت اتمی، ساعت آبی، ساعت آفتابی و ساعت شنی.

نخستین ساعتی که انسان ساخته است احتمالاً "ساعت آفتابی است، پس از آن ساعت‌های آبی و شنی جای آن را گرفت و بالاخره ساعت‌های مکانیکی به میدان آمد. ساعتهای الکتریکی و الکترونی و اتمی ساعتهائی هستند که طی سال‌های اخیر ساخته شده و از دقت فراوانی برخوردارند. بطور مثال ساعت اتمی دقتی معادل ۱ ثانیه در ۳ میلیون سال دارد.

ساعت آفتابی SUN DIAL

← شاخص آفتاب

ساعت تابستانی SUMMER TIME

← زمان بهره‌گیری از روشنائی روز

ساعت حقیقی REAL TIME

← زمان خورشیدی ظاهری

ساعت رسمی STANDARD TIME

← زمان رسمی

ساعت شمسی متوسط MEAN SOLAR TIME

← زمان خورشیدی متوسط

ساعت محلی LOCAL TIME

← زمان محلی

ساعت نجومی SIDEREAL TIME

← زمان نجومی

سال YEAR

مدت زمانی که یک سیاره بدور خورشید می‌گردد سال نام دارد. از نظر نجومی سال را به انواع زیر تقسیم می‌کنند:

الف ـ سال ستاره‌ای (Sidereal Year) که مدت آن ۳۶۵/۲۵۶۴ روز و یا ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۹/۵۴ ثانیه است.

ب ـ سال خورشیدی (Solar Year) که عبارت از زمان متوسط یک دور گردش کامل زمین بدور خورشید است. این مدت برابر ۳۶۵/۲۴۲۲ روز یا ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۵۱ ثانیه است.

پ ـ سال رسمی یا سال عرفی (Civil Year) که مدت آن ۳۶۵ روز متوسط خورشیدی است، که هر روز برابر ۲۴ ساعت است، و برای جبران اعشار آن (۰/۲۴۲۲ روز)، مجموع اعشار فوق را هر چهار سال معادل یک روز دانسته، و به سال چهارم یک روز می افزایند و به آن سال کبیسه می گویند. مع الوصف چون مقدار ۰/۰۱۳۲۱۴۷۸ روز همچنان اضافه می‌ماند، لذا برای جبران آن در پایان هر قرن یک روز به سال می‌افزایند و آن را نیز سال کبیسه می‌نامند مشروط بر اینکه دو رقم دست چپ عدد قرن به عدد ۴ قابل قسمت باشد به این ترتیب سالهای ۱۶۰۰ و ۲۰۰۰ میلادی و همـ ـچنین سالهای ۱۲۰۰ و ۱۶۰۰ هجری شمسی سال کبیسه بوده و سالهای ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰ میلادی و سالهای ۱۳۰۰ و ۱۴۰۰ و ۱۵۰۰ هجری شمسی سال کبیسه نخواهند بود.

سال اعتدالی TROPICAL YEAR

← سال خورشیدی

سال انحرافی ANOMALISTIC YEAR

فاصله زمانی میان دو عبور متوالی زمین از نقطه پری‌هلیون مدارش بدور خورشید. مدت سال انحرافی ۳۶۵/۲۵۶۳۶

شبانروز خورشیدی متوسط است.
چون خط واصل میان ۰، و نقطه افلیون و پری هلیون زمین سالانه به اندازه ۱۱ ثانیه جابجا می‌شود، از این رو با سال‌های نجومی و خورشیدی متفاوت است.

VARVE

سالچینه *(Sālchineh)*
دو لایه رسوبی انباشته شده روی هم که لایه زیرین به دلیل درشتی دانه‌ها از لایه بالائی که دارای دانه‌های ریزتری است کاملاً" متمایز باشد. این گونه رسوبات معمولاً" در کف دریاها و دریاچه‌هائی که رودخانه‌هائی به‌آن می‌ریزند دیده می‌شود. با شمارش این لایه‌ها می‌توان تعداد سال‌هائی را که از پایان عصر یخبندان گذشته است تخمین زد، بدین ترتیب که لایه درشت مربوط به بهار و تابستان بوده و لایه ریز متعلق به پائیز و زمستان است. در واقع دو لایه متوالی که به آن سالچینه گفته می‌شود دقیقاً" یک سال را مشخص می‌سازد. این شیوه بوسیله Baron G.de Geer سوئدی ارائه شده است.

SOLAR YEAR

سال خورشیدی
یا سال اعتدالی، مدت زمان یک بار گردش کامل زمین به دور خورشید را یک سال خورشیدی می‌گویند که مدت آن ۳۶۵/۲۴۲۲ روز متوسط است.

SIDEREAL YEAR

سال ستاره‌ای
مدت زمان یک بار گردش کامل زمین به دور خورشید که نسبت بیک ستاره معین انجام شود، یک سال ستاره‌ای یا **سال نجومی** نام دارد. این مدت ۳۶۵/۲۵۶۴ روز متوسط خورشیدی و یا ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۹/۵۴ ثانیه است.

SOLAR YEAR

سال شمسی
← سال خورشیدی

CIVIL YEAR

سال عرفی
← سال معمولی

LUNAR YEAR

سال قمری
برابر است با دوازده ماه قمری یا ۳۵۴/۳۶۷ روز خورشیدی متوسط.

LEAP YEAR

سال کبیسه
سال ۳۶۶ روزه را یک سال کبیسه می‌گویند. از آنجائیکه هر دور گردش کامل زمین به دور خورشید تقریباً" ۳۶۵/۲۵ روز به طول می‌انجامد از این رو هر جهار سال یک بار یک روز به تعداد روزهای سال افزوده و بجای ۳۶۵ روز آن را ۳۶۶ روز محسوب می‌دارند تا خرده‌های آن مستهلک گردد.

CHRONOLOGY

سالماری *(Sālmāri)*
← گاهشماری

CIVIL YEAR

سال معمولی
سال معمولی یا سال عرفی، مدت زمانی است حتی‌الامکان نزدیک به سال خورشیدی حقیقی، و مشتمل بر تعداد صحیحی روز خورشیدی متوسط. سال معمولی عادی مشتمل است بر ۳۶۵ روز و سال معمولی کبیسه مشتمل بر ۳۶۶ روز می‌باشد.

SIDEREAL YEAR

سال نجومی
← سال ستاره‌ای

LIGHT YEAR

سال نوری
سال نوری عبارت از مسافتی است که نور با سرعتی معادل ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر در ثانیه در مدت یک سال بپیماید. این مسافت تقریباً" ($9/461 \times 10^{12}$) کیلومتر است.
فاصله نزدیک‌ترین ستاره (خارج از منظومه شمسی) به زمین بنام آلفا ــ قنطورس حدود ۴/۳ سال نوری است.

سال‌های خطا و ایغور *(Sālhā-ye-khatā-va-ighur)*
نام دوره‌های دوازده ساله در نوعی گاهشماری منسوب به خطائیان و ایغورها که اصلاً" چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافت. نام هر یک از سال‌های این دوره مرکب از اسم یک جانور به اضافه لفظ ئیل یعنی سال است، از این قرار:
۱ ــ سیچقان ئیل (سال موش) ۲ــ اودئیل (سال گاو)
۳ ــ پارس ئیل (سال پلنگ) ۴ــ توشقان‌ئیل (سال‌خرگوش)
۵ ــ لوی ئیل (سال نهنگ) ۶ــ ئیلان ئیل (سال مار)
۷ ــ یونت ئیل (سال اسب) ۸ــ قوی ئیل (سال گوسفند)
۹ ــ پیچی ئیل (سال بوزینه) ۱۰ــ تخاقوی ئیل (سال مرغ)
۱۱ــ ایت ئیل (سال سگ) ۱۲ــ تنگوز ئیل (سال خوک)

سامان
۱ ــ بلندی‌های کنار زمین همواری که در آن زراعت کرده باشند.
۲ ــ مرز و حد و نشانه‌ٔ مرزی.

CENTIGRADE

سانتیگراد
← درجه سانتیگراد

CENTIGRAMME

سانتیگرم
واحد وزنی است برابر یک صد گرم با علامت اختصاری Cg.

سانتیمتر CENTIMETER

یکی از اجزاء سیستم صد قسمتی (متریک) اندازه‌گیری فاصله است که مقدار آن ۰/۰۱ متر است. این واحد را با علامت اختصاری Cm نمایش می‌دهند.

یک سانتیمتر = ۰/۰۱ متر
یک سانتیمتر = ۰/۳۹۳۷ اینچ
یک سانتیمتر مربع = ۰/۰۰۰۱ متر مربع
یک سانتیمتر مربع = ۰/۱۵۵ اینچ مربع
یک سانتیمتر مکعب = ۰/۰۰۰۰۰۱ متر مکعب
یک سانتیمتر مکعب = ۰/۰۰۱ لیتر
یک سانتیمتر مکعب = ۰/۰۶۱۰۳ اینچ مکعب

سانتیمتر مربع SQUARE CENTIMETER

واحد اندازه‌گیری سطح در سیستم متریک که عبارت از مساحت مربعی است که هر ضلعش یک سانتیمتر باشد. علامت اختصاری آن Cm^2 است.

سانتیمتر مکعب CUBIC CENTIMETER

واحد حجم در سیستم متریک که عبارت از حجم مکعبی است که هر ضلع آن یک سانتیمتر باشد. علامت اختصاری آن Cm^3 است.

ساوانا SAVANA

← علفزار استوائی

سایش (Sāyesh) ABLATION

← فرساب

سایند (Sāyand) WEATHERING

← وافرسائی

سایند اندامگانی (S-e-andāmgāni) ORGANIC WEATHERING

خرد شدن سنگ و تغییر یافتن خاک و مواد سطحی به وسیله گیاهانی چون گلسنگ و خزه. این گونه گیاهان اسید مخصوصی ترشح می‌کنند که باعث حل شدن املاح موجود در سنگ می‌گردد. همچنین گیاهان معمولی نیز با دوانیدن ریشه‌های خود به زیر لایه‌های خاک باعث تغییراتی در پوسته زمین می‌گردند و جاندارانی مانند خرگوش، موش و کرم و امثال آن نیز در تغییر وضعیت خاک و مواد سطحی موثرند.

سایند شیمیائی CHEMICAL WEATHERING

زدودن و پاک کردن سنگ‌ها با اعمال شیمیائی. در نتیجه این عمل مواد معدنی اولیه به مواد معدنی ثانوی تبدیل می‌گردد و یا چسبنده‌هایی که پیرامون سنگ‌ها و یا مواد اصلی را گرفته‌اند زدوده شده و مواد اصلی از هم جدا می‌شوند.

سایند طبیعی PHYSICAL WEATHERING

خرد شدن و فرو ریختن سنگ‌ها و دیگر مواد مشابه بر اثر عامل آب و هوا (مانند یخبندان و تغییرات درجه حرارت) بدون دخالت عوامل شیمیائی.

سایه SHADOW

تاریکی نسبی در فضا بر یک پهنه که به سبب متوقف شدن امواج نور یک منبع نور بواسطه یک جسم حاجب ماوراء حادث شود.

اگر ابعاد منبع نور معتنابه باشد، دو ناحیه در وراء شیئی نسبت به منبع نور تشکیل می‌گردد. یک ناحیه مرکزی که بکلی از دریافت نور محروم است که به آن سایه یا ظل می‌گویند و دیگر ناحیه روشن‌تر که بر ناحیه اول محیط می‌باشد و از قسمت‌هایی از منبع بدان نور می‌رسد و آنرا نیمسایه و یا شبه ظل می‌نامند.

توجیه خور گرفت و مهگرفت (کسوف و خسوف) بر اساس همین ملاحظات است. (تصویر در صفحه ۲۰۶)

سایه زنی ارتفاعات HILL SHADING

یکی از شیوه‌های بسیار متداولی که برای مشخص نمودن ارتفاعات نقشه بکار می‌رود، سایه زنی نام دارد. در این سیستم که به آن استومپاژ نیز گفته می‌شود و ارتفاعات را برجسته نمایش می‌دهد، از تابش یک نور مایل استفاده می‌شود. معمولاً نور مزبور را از سوی شمال باختری تابانیده و دامنه‌های جنوبی و خاوری ارتفاعات را سایه می‌زنند.

(تصویر در صفحه ۲۰۶)

سبزینه (Sabzineh) CHLOROPHYLL

رنگیزه سبز در گیاهان که درکلروپلاست‌ها متمرکز است و سبب سبزی رنگ گیاهان و انجام یافتن عمل فتوسنتز می‌باشد. نور آفتاب و مقدار ناچیزی از آهن درساخته شدن آن تاثیر کلی دارند. بهمین جهت کمبود نور و فقدان ترکیبات آهن موجب پژمرده شدن گیاه می‌شود و رنگ سبز آن از میان می‌رود.

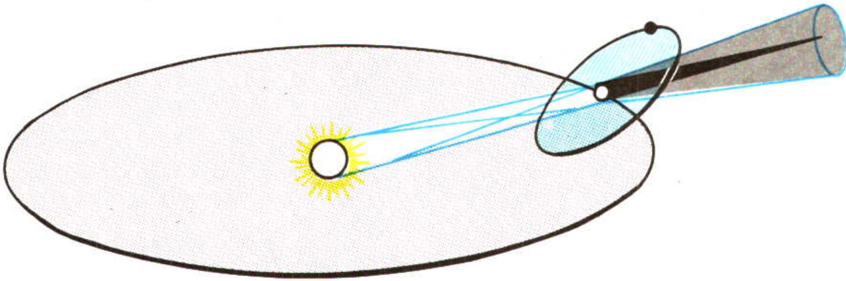
سبزینه در تشکیل گویچه‌های قرمز خون موثر است.

سپتامبر SEPTEMBER

← ماههای اروپائی

سپر (Separ) SHIELD

سنگپوشی از دوران پری کامبرین که از نخستین دوران تاریخ





سایه زنی ارتفاعات

طبیعی تقریبا " ثابت و دست نخورده باقی مانده و بخش‌هائی از آن سر از خاک بر آورده و در معرض دید قرار گرفته باشد.

سپیده جنوبی

AURORA AUSTRALIS/SOUTHERN LIGHT

پدیده‌ای نورانی در نیمکره جنوبی زمین، سپیده جنوبی یا فجر جنوبی، غالبا " در عرض‌های جغرافیائی بیشتر از ۶۵ درجه جنوبی قابل دیدن است. (تصویر در صفحه ۲۰۷).

← سپیده شمالی

سپیده جوّی *(Sepideh-ye-Javvi)* AURORA

پدیده‌ای نورانی که به اشکال و رنگهای گوناگون، هنگام شب در آسمان مناطق قطبی مغناطیسی زمین دیده می‌شود. سپیده جوی که به آن سپیده قطبی نیز می‌گویند یکی از با شکوهترین پدیده‌های طبیعی هستند و به رنگهای سرخ، زرد، سبز، آبی و بنفش پدید می‌آیند و شکل آنها بصورت شعاع‌های نور، پرده‌های آویخته و غیره دیده می‌شود. سپیده جوی در ارتفاعات حدود ۵۰ تا ۹۵۰ کیلومتری روی می‌دهد و آن‌ها را ناشی از الکترونها و پروتون‌های سریع‌السیر صادر از خورشید می‌دانند که در منطقه کمر بند وان‌آلن بدام افتاده و سپس تحت تاثیر میدان مغناطیسی زمین به جانب نواحی قطبی روانه می‌شوند. این ذرات که دارای بار الکتریسته هستند پس از برخورد با مولکول‌های هوا تحریک گردیده و از آن‌ها نور ساطع می‌شود. (تصویر در صفحه ۲۰۷)

سپیده دم *(S-dam)* DAWN

هنگام دمیدن صبح صادق، سحرگاه.

← صبح صادق

سپیده شمالی

AURORA BOREALIS/NORTHERN LIGHT

پدیده نورانی در نیمکره شمالی زمین را سپیده شمالی یا فجر شمالی گویند. این پدید غالبا " در شبهای مناطقی که عرض جغرافیای زیادی دارند، قابل دیدن است. علت وقوع این پدیده را ناشی از الکترونها و پروتونهای سریع‌السیر صادره از خورشید می‌دانند، که تحت تاثیر میدان مغناطیسی زمین بسوی نواحی قطبی روانه می‌شوند. این ذرات پس از ورود

به جو زمین، با مولکولهای هوا (اکسیژن و ازت) برخورد کرده و آنها را تحریک می‌کند و از این تحریک، نور ساطع می‌گردد.

این پدیده در نواحی شمال نروژ و جنوب گروئنلند بشکل حلقه‌ای نورانی که قطب شمال مغناطیس را در بر گرفته است آشکار می‌گردد. بسامد و یا کثرت وقوع سپیده شمالی نامعلوم بوده و در روز و حتی در آسمان ابری نامرئی، و در شب‌های مهتابی و پگاه و شامگاه خیلی ضعیف به نظر می‌رسد.

سپیده قطبی *(S-e-qotbi)* AURORA

← سپیده جوی

ستارگان *(Setāregān)* STARS

اجرام آسمانی عظیم و به حالت گازی که با نور خود می‌درخشند. از ایام قدیم برای مشخص کردن ستارگان از اشکال خیالی بنام صورتهای فلکی استفاده می‌شده است. ستارگان که ظاهراً ثابت و بی حرکت به نظر می‌رسند در حال حرکت بوده و چنین به نظر می‌رسد که این اجرام در دستگاههای عظیمی بنام کهکشان متمرکز شده‌اند که کهکشان ما، یکی از آنهاست.

نزدیک‌ترین ستاره بزمین خورشید است که نور آن در ۸ دقیقه و ۲۰ ثانیه بزمین می‌رسد و پس از آن ستاره آلفا ـ قنطورس است، که ۴/۳ سال نوری از زمین فاصله دارد.

به ستارگان، ثوابت نیز می‌گویند.

ستارگان بستائی *(S-e-bastā'i)* DOUBLE STARS

← ستارگان دوگانه

ستارگان تپنده *(S-e-tapandeh)* VARIABLE STARS

ستاره‌ای که نور آن متغیر است. ستارگان تپنده را به متغیرهای متناوب و متغیرهای نا متناوب تقسیم می‌کنند. ستارگان تپنده متناوب آنهایی هستند که نورشان متناوباً تغییر می‌کند. پندار دانشمندان درباره این ستارگان این است که متناوباً منقبض و منبسط می‌شوند.

ستارگان تپنده نا متناوب مشتمل بر نواختران و تپنده‌های بی قاعده هستند. علاوه بر دو دسته که در بالا شرح داده شد ستارگان تپنده دیگری نیز وجود دارند که به آن‌ها تپنده‌های گرفتی می‌گویند. این ستارگان در حین گردش بدور مرکز ثقل خود سبب گرفت یکدیگر می‌شوند و لذا نورشان بنظر ما متغیر می‌آید و حال آنکه آن‌ها متغیر نیستند.



سپیده جوی

ستارگان ثابت FIXED STARS

← ستارگان

ستارگان حول قطبی CIRCUMPOLAR STARS

← ستارگان دور قطبی

ستارگان دنباله‌دار COMETS

← دنباله داران

ستارگان دوتائی DOUBLE STARS/BINARY STARS

یا ستارگان مزدوج، دو ستاره‌ای که همانند زمین و ماه برگرد گرانیگاه مشترکشان می‌گردند. اگر تمیز دادن دو ستاره مزبور با تلسکوپ میسر باشد، آن‌ها را دوتائی بصری می‌نامند و آن ستارگانی که صفحه مدارشان بقدری به شعاع رویت ناظر نزدیک است که ظاهراً " سبب گرفت یکدیگر می‌شوند ستارگان دوتائی گرفتی و آن دسته که تفکیک آن‌ها جز از طریق طیفی میسر نباشد، دوتائی طیفی نام دارند.

ستارگان دور قطبی CIRCUMPOLAR STARS

آن دسته از ستارگانی که همواره بالای افق بوده و طلوع و غروب نمی‌کنند و در تمام شب‌های سال قابل دیدن هستند. شمار ستارگان دور قطبی بر حسب عرض جغرافیائی متفاوت است و با دوری از نیمگان زمین افزایش می‌یابند.

از جمله ستارگان دور قطبی که در عرض جغرافیائی حدود ۴۰ درجه شمالی دیده می‌شوند ستارگان خرس بزرگ (دب اکبر) و ذات الکرسی را می‌توان نام برد.

ستارگان دوگانه DOUBLE STARS

دو ستاره‌ای که شعاع‌های رویت آن‌ها از زمین بقدری بهم نزدیک است که با چشم غیر مسلح یک ستاره به نظر می‌آیند ولی با تلسکوپ از هم تمیز داده می‌شوند.

ستارگان غولپیکر GIANT STARS

← غولپیکران

ستارگان کوتوله DWARF STARS

← کوتوله‌ها

ستارگان متغیر VARIABLE STARS

← ستارگان تپنده

ستارگان مزدوج BINARY STARS

← ستارگان دوتائی

ستارگان مضاعف DOUBLE STARS

← ستارگان دوگانه

ستاره بامدادی MORNING STAR

← ستاره شامگاهی

ستاره دنباله دار COMET

← دنباله‌داران

ستاره دیس ASTEROIDS

← سیارکان

ستاره سنجی ASTROMETRY

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که به‌کمک روابط هندسی به اندازه‌گیری وضع، حرکت و فاصله سیاره‌ها، ستارگان و دیگر جرم‌های فلکی می‌پردازد.

ستاره سهیل CANOPUS

ستاره آلفا از صورت فلکی جنوبی سفینه که پس از شعرای یمانی درخشنده‌ترین ستاره آسمان است، این ستاره در نقاطی که عرض شمالی آنها بیش از ۳۷ درجه باشد مرئی است و بهمین جهت در سرزمین‌های اسلامی شمالی چیزی از افق بالا نمی‌آید و بسبب ندرت پدید آمدنش ضرب المثل شده است.

ستاره شامگاهی EVENING STAR

سیاره‌های تیر (عطارد) و ناهید (زهره) که اولی بلافاصله پس از غروب آفتاب و دومی تا مدتی پس از غروب خورشید در آسمان زمین دیده میشوند.

به این دو سیاره ستاره بامدادی نیز می‌گویند زیرا سیارات مزبور گاه قبل از طلوع خورشید در آسمان زمین قابل رویت هستند.

← تیر و ناهید

ستاره شناسی ASTRONOMY

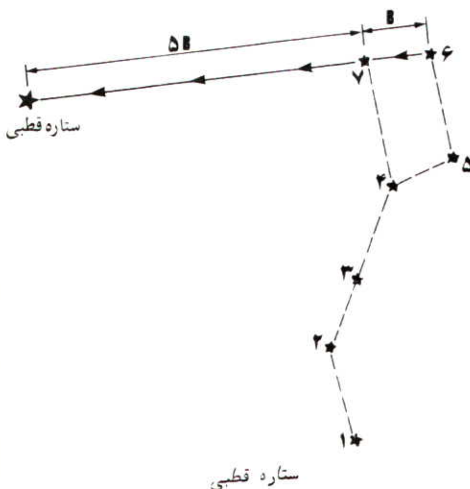
علم تحقیق درباره خورشید و ماه و ستارگان و سیارات و دیگر اجرام آسمانی را نجوم یا ستاره شناسی گویند.

ستاره قطبی POLAR STAR

عنوان نزدیک‌ترین ستاره به قطب شمال کره عالم. هزاران سال است که ستاره جدی از صورت فلکی خرس‌کوچک، ستاره قطبی است و بهمین مناسبت معمولاً " اصطلاح ستاره قطبی با ستاره جدی مترادف است.

فاصله ستاره جدی تا قطب شمال عالم حدود ۱ درجه است. در حدود ۵۰۰۰ سال پیش نزدیک‌ترین ستاره به قطب شمال

عالم ستاره آلفا از صورت فلکی تنین بوده است و حدود ۱۲۰۰۰ سال بعد ، ستاره نسر واقع ستاره قطبی خواهد بود .
← تقدیم اعتدالین



ستاره قطبی

سترده *(Setordeh)* CLEARING
قطعه زمینی که برای کشاورزی پاک گردیده باشد . این اصطلاح بیشتر در زمین‌های جنگلی و پوشیده از گیاهان بکار می‌رود .

ستیغ *(Setigh)* CREST
بلندترین تیغه یک تپه یا یک رشته کوه را ستیغ می‌گویند .

ستیغ‌های جور ACCORDANT SUMMIT LEVELS
قلل و ستیغ کوههایی که تقریباً در یک سطح قرار گرفته باشد .

سحاب CLOUD
← ابر

سحابی برون کهکشانی EXTRAGALACTIC NEBULA
← کهکشانه

سحابیها NEBULAE
← ابری‌ها

سحرگاه DAWN
یا سپیده دم ← صبح صادق

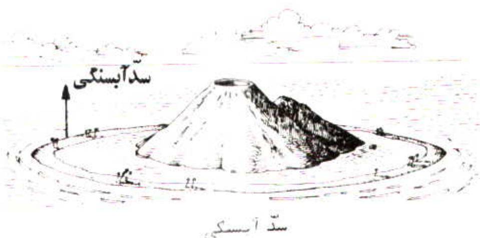
سخته *(Sakhten)* HARDPAN
لایه سخت شده‌ای از خاک ، که در مقابل رطوبت نفوذ ناپذیر بوده و از اکسید آهن سخت شده یا کربنات کلسیم و مانند آن تشکیل یافته باشد .

سدّ *(Sadd)* DAM
دیواره‌ای که عمود بر جهت جریان آب رودخانه ساخته شود و آب را در پشت خود جمع نماید . این دیواره که به آن بند نیز گفته می‌شود ممکن است از جنس خاک معمولی باشد (بزرگترین سد خاکی جهان سد منگلا در پاکستان است) و یا با استفاده از سنگ و مصالح ساختمانی غیر قابل تراوش ساخته شود . سدها معمولاً طوری ساخته می‌شوند که یا وزن آن‌ها در برابر نیروی آب ایستادگی کند (که به آنها سدهای سنگین می‌گویند) و یا شکل آن‌ها نیروی آب را خنثی سازد (مانند سدهای قوسی) غیر از خاک و مصالح ساختمانی ، از پاره‌ای مصالح دیگر مانند فولاد یا چوب و الوار نیز برای ساختمان سد استفاده می‌شود و علاوه بر آن ممکن است سد را بصورت تک سدی یا چند سدی بنا نهاد که در هر حال هدف از ساختمان آن‌ها عبارتست از :

الف : ذخیره آب برای کشاورزی و یا مصرفهای انسانی .
ب : استفاده از نیروی آب جمع آوری شده برای تولید الکتریسیته .
پ : بالا آوردن سطح آب و جاری ساختن آن درآبراهه‌ها .
ت : کنترل آب و جلوگیری از جاری شدن سیل .

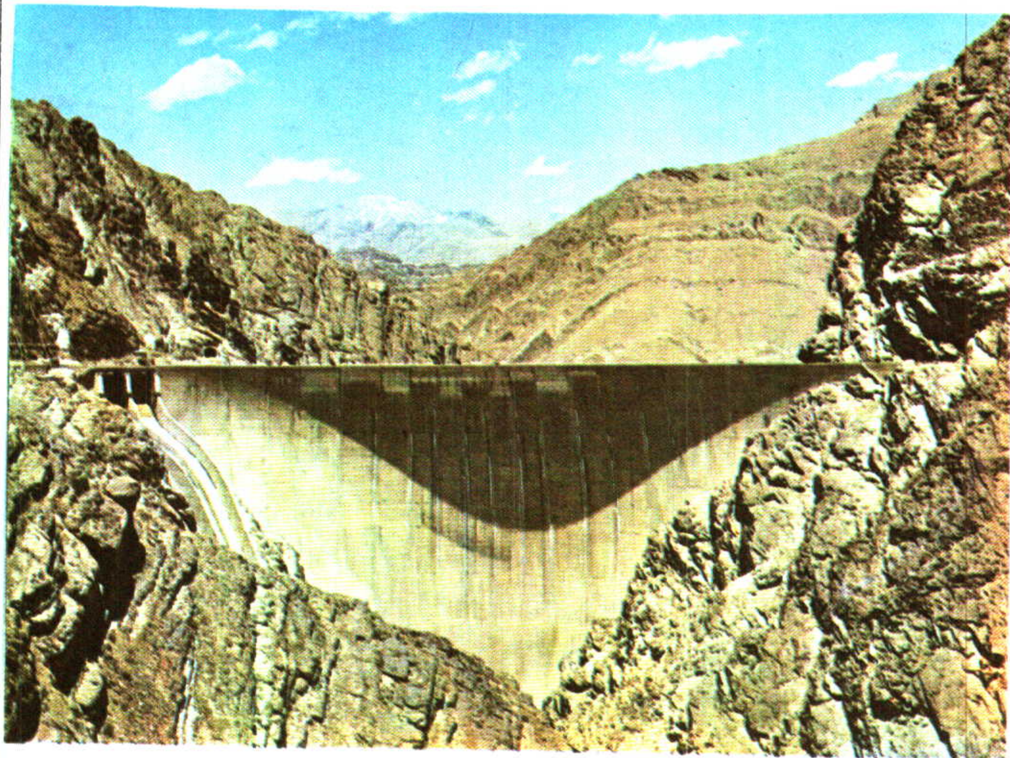
(تصویر در صفحه ۲۱۰)

سدّ آبسنگی *(S-e-ābsangi)* BARRIER REEF
عبارتست از مجموعه‌ای از آبسنگ‌های مرجانی که به موازات ساحل قرار گرفته و بوسیله آب نسبتاً ژرف و پهناوری ، از ساحل اصلی جدا شده باشد .
← آبسنگ مرجانی



سدّ آبسنگی

سده *(Sadeh)* CENTURY
دوره صد ساله ، بویژه هر یک از ادوار صد ساله‌ای که از یک مبداء زمانی معین شروع شده باشد . مثلاً سده یکم یا قرن اول هجری دوره صد ساله‌ای است از هجرت که تا پایان سال ۱۰۰ هجری ادامه داشته است .



سد

سرآب

۱ ــ سرچشمه.

۲ ــ جایی که آب از رودخانه به جوی می‌آید.

سراب MIRAGE

سراب عبارتست از نوعی خطای دید که بر اثر شکست نور، بوسیله جو زمین پدید می‌آید. این پدیده مخصوصاً در بیابان‌ها و کویرهای گرم و جائی که هوای مجاور زمین گرم و رقیق می‌شود بوجود می‌آید، بدین ترتیب که نور موجود در آسمان، بسوی بالا تاب برداشته و سطح لرزانی از آب را در نظر مجسم می‌سازد و اشیاء را بصورت شناور در آن نشان می‌دهد. سراب در روزهای گرم مناطق معتدله نیز در سطح جاده‌ها به چشم می‌خورد. یکی از انواع سراب‌ها، سرابی است که تصویر دوگانه از اشیاء را نمایان سازد. گاهی اوقات سراب بر اثر قرار گرفتن لایه گرمی از هوا روی لایه سرد مجاور زمین نیز بوجود می‌آید، این‌گونه سراب‌ها، خاص مناطق سردسیر و بویژه مناطق قطبی است، که در نتیجه کشتی‌ها و کوههای یخ را بصورت وارونه و معلق در آسمان جلوه‌گر می‌سازد.

(تصویر در صفحهٔ ۲۱۱)

سرابه *(Sarābeh)* MIRAGE

← سراب

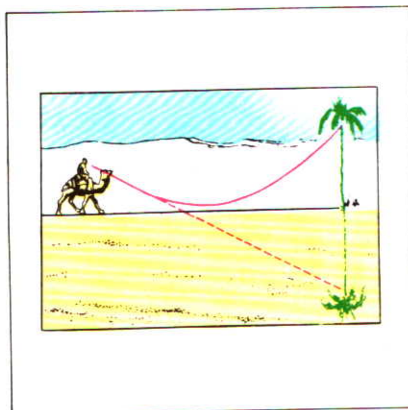
سرازیر SLOPE

آنچه که دارای شیب است، سطح مایل، سراشیب و رو به پائین، مقابل سر بالا.

سراشیب *(Sarāshib)* SLOPE

آنچه که رو به پائین باشد

← سرازیر



سراب

سراشیب قاره‌ای CONTINENTAL SLOPE

قسمتی از کف دریا و اقیانوس، که از لبه خارجی فلات قاره شروع شده و تا ژرف‌ترین قسمت. گسترش یافته باشد. شیب این قسمت بین ۲ تا ۵ درجه است.

← ژرفا شیب

سرب *(Sorb)* LEAD

عنصر فلزی سنگین با علامت شیمیائی Pb نقره‌فام. نسبتاً نرم که در مقابل کشش بی استقامت است و الکتریسته و حرارت را بخوبی هدایت نمی‌کند و در مقابل پاره‌ای اسیدها مقاومت نشان می‌دهد.

از این فلز بخاطر جرم مخصوص زیادش به عنوان سپر محافظ در مقابل اشعه ایکس و تشعشعات راکتورهای هسته‌ای بکار می‌رود و استعمالش در کارهای لوله‌کشی آب خطرناک است.

مهم‌ترین کشورهای تولید کننده سرب عبارتند از: استرالیا، ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی.

سربالا UP HILL

آنچه رو ببالا باشد، مقابل سرازیر، محلی که رو ببالا برود.

سرپانتین SERPENTINE

سنگی از جنس سیلیکات آبیده‌ی منیزیم، که معمولاً رنگ سبز دارد. و بنه کوهی نوعی از آنست. بعضی از انواع آن بصورت سنگ ساختمانی زینتی بکار میرود.

سرچشمه SOURCE

جائی که رودخانه از آن جا آغاز شود سرچشمه نام دارد. سرچشمه یک رودخانه ممکن است چشمه، دریاچه، یخچال، مظهر یک مجرای زیر زمینی و یا یک باتلاق تراونده باشد.

سرحد BORDER

← مرز

سُرخاک *(Sorkhāk)* LATERITE

گونه‌ای خاک سرخ رنگ که در مجاورت سطح زمین بر اثر سایند بوجود آمده باشد. این گونه خاک که اکثراً " در مناطق گرم و مرطوب دیده می‌شود شامل ئیدرو اکسید آهن و ئیدرو اکسید آلومینیم است. سرخاک هنگام استخراج نرم بوده و پس از قرار گرفتن در مجاورت هوا سخت می‌شود و روی همین خاصیت اغلب در کارهای ساختمانی مورد استعمال دارد.

این خاک در کشورهای هندوستان، مالزیا، اندونزی و مناطق گرم و مرطوب افریقا و امریکای جنوبی فراوان یافت می‌شود.

سرخ رست *(Sorkh rost)* RED CLAY

رسوبات دریایی بسیار نرمی که شامل ئیدرات و سیلیکات آلومینیم بوده و تحت تاثیر رنگ سرخ اکسید آهن قرار گرفته باشد. این مواد بر اثر غبارهای کیهانی و آتشفشانی و موارد دیگری که به همراه کوههای یخی به دریا حمل می‌گردند، و همچنین بقایای غیر قابل حل جانوران دریایی پدید می‌آیند و بیشتر در کف اقیانوس‌ها دیده می‌شوند.

سرخس شناسی PTERIDOLOGY

شاخه‌ای از گیاه شناسی که به بررسی سرخس‌ها می‌پردازد.

سرخگل *(Sorkhgel)* RED MUD

رسوبات دریائی که شباهت زیادی به گل کبود داشته و تحت تاثیر اکسید آهن، رنگ قرمز گرفته‌اند. این مواد شامل غبارهای باد برده بوده و بیشتر در کرانه‌های نیمگانی (استوائی) اقیانوس اطلس در امریکای جنوبی و دریای چین دیده می‌شود.

سرداب *(Sardāb)* CELLAR

اطاقی در زیر زمین که برای استفاده از خنکی هوا در تابستان ساخته شود.

سردسیر COLD REGION

جای سرد. ← ییلاق

سر دهقان

کشاورزی که سر پرست دهقان‌های یک جفت زمین باشد. این اصطلاح در خراسان متداول است.

سر ریزه *(Sarrizeh)* EFFLUENT

روانه‌ای که از یک دریاچه سرچشمه بگیرد.

سر زدن آفتاب SUNRISE
یا طلوع خورشید ، زمانی که مرکز کره خورشید در افق خاوری ظاهر شده و به دلیل چرخش زمین رو به بالا می‌آید. طلوع یا سرزدن آفتاب نام دارد .

سرزمین *(Sarzamin)* TERRITORY
زمینی که بیک دولت تعلق داشته باشد و همچنین به پهنه وسیعی از زمین نیز گفته می‌شود .

سرزمین تحت قیمومیت MANDATE TERRITORY
منطقه‌ای که پس از جنگ جهانی اول از دست کشورهای آلمان و عثمانی خارج گردید و به موجب پیمان صلح ، تحت قیمومیت و سرپرستی کشورهای پیروز قرار گرفت . بنا بر پیمان مزبور موافقت شد به کشورهایی چون عراق ، سوریه و فلسطین به محض آمادگی ، خودمختاری و استقلال داده شود و سرزمین‌هایی از افریقا که تحت اشغال آلمان بوده است با زمان مناسب ، تحت قیمومیت نیروهای پیروز در جنگ باقی بمانند و پاره‌ای از سرزمین‌های اشغالی آلمان مانند افریقای جنوب باختری و کلنی‌های آلمان در استرالیا به طور دائم تحت سرپرستی و قیمومیت نیروهای پیروز باقی مانده و جزو سرزمین‌های متصرفی آنان منظور خواهند شد . غالب این سرزمین‌ها بعد از جنگ جهانی دوم به صورت سرزمین‌های تحت قیمومیت سازمان ملل متحد درآمدند و در حال حاضر بیشتر آن‌ها دارای استقلال هستند .

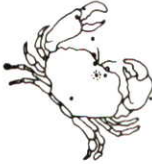
سرسره *(Sorsoreh)* SLIDE
الف ــ توده سنگ و خاکی که از دامنه یک کوه به طور آرام و یک نواخت به پائین سرازیر شده باشد .
ب ــ رد پایی که از لغزش خاک و سنگ لغزنده روی دامنه یک کوه به جای مانده باشد .

سرسو *(Sarsu)* ZENITH
نقطه‌ای از آسمان (یا کره عالم) که درست در بالای سر ناظر قرار گرفته باشد . به این نقطه سمت الرأس نیز گفته می‌شود .
← کره عالم .

سرش *(Soresh)* DIVAGATION
لغزیدن و سریدن جانبی بستر یک رودخانه در نتیجه انباشته شدن مواد رسوبی در کرانه مقابل .

سرشماری CENSUS
شمارش رسمی جمعیت یک کشور یا یک شهر و یا یک واحد اداری که معمولا " با نوعی طبقه‌بندی از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی همراه است .

سرطان CANCER
یا خرچنگ ، چهارمین صورت فلکی در منطقة البروج که در نیمکره شمالی آسمان قرار دارد و مداررأس السرطان از همین نام اقتباس شده است .


سرطان

سرما ریزه *(Sarmā rizeh)* HOAR FROST
← سم

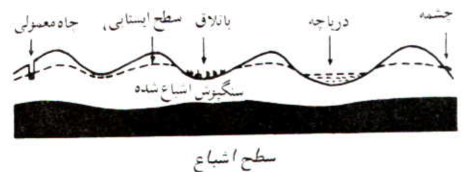
سرما زدگی FROSTBITE
یخ زدن پاره‌ای از اعضاء بدن که در مقابل سرما بدون حفاظ مانده باشند و یا یخ زدن پاها بدلیل تنگی کفش و جلوگیری از گردش خون در هوای زیر صفر ، معمولا " در چنین حالاتی انگشتان دست یا پا سیاه شده و اغلب به بیماری قانقرایا منجر می‌گردد .

سرمایه داری CAPITALISM
نظام اقتصادی که در آن مالکیت خصوصی وسایل تولید در دست طبقه‌ای متمرکز شده است که فقط بخش کمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و در برابر این طبقه ، طبقه انبوه و فقیر کارگر قرار دارد که تنها منبع درآمد برای ادامه حیاتش ارزش کار اوست که مانند یک کالا در بازار عرضه و تقاضا به فروش گذاشته می‌شود .
در این نظام وسایل تولید و توزیع کالا تحت نظارت سرمایه‌داران و مالکین خصوصی است و تنها انگیزه سرمایه‌داران در چگونگی اداره تولید و توزیع و مبادله ، تحصیل نفع شخصی است . نظام‌های سرمایه‌داری در نهایت به نظام سرمایه‌داری انحصار طلب تبدیل می‌گردد .

سطح آب زیر زمینی WATER TABLE
← سطح اشباع

سطح اشباع LEVEL OF SATURATION
سطحی از پوسته زمین که سوراخ‌ها و خلل و فرج سنگ‌های آن از آب مملو و اشباع شده باشد .
معمولا " منافذ و سوراخ‌های سنگ‌ها بر اثر بارندگی ممتد از آب پر شده و با رسیدن به سطح غیر قابل نفوذی مانند

سنگهای رسی در همانجا متوقف می‌گردد و به شکل چشمه سارهای مختلف در سطح زمین آشکار می‌شود. بدیهی است متناسب با خارج شدن آب از این چشمه‌ها، سطح آبهای زیرزمینی افت کرده و پایین می‌رود. قاعدتاً " سطح آبهای زیرزمینی در فصل‌های مرطوب بالاآمده و برعکس در فصل‌های خشک پایین می‌رود ولی هیچگاه از سطح معینی بالاتر و یا پایین‌تر نخواهد رفت. پایین ترین سطح آبهای زیرزمینی را سطح آب دائمی آن منطقه می‌نامند.



سطح اشباع

سطح انفصال SEPARATION PLANE

← ساختمان زمین

سطح ایستابی *(Sath-e-istābi)* WATER TABLE

← سطح اشباع

سطح دایرة البروج PLANE OF THE ECLIPTIC

سطح مدار حرکت ظاهری خورشید، و یا سطح مدار گردش زمین بدور خورشید.

← دایرة البروج

سطح دریا SEA LEVEL

تراز آب اقیانوس، در صورتی که خالی از تاثیر کشند امواج باشد.

سطح گسلش *(S-e-gosalesh)* FAULT PLANE

سطحی است که در امتداد یک گسله واقع شده باشد.

سطح مبنای ارتفاعات MEAN SEA LEVEL/M.S.L

← سطح متوسط دریا

سطح متوسط دریا MEAN SEA LEVEL/M.S.L

سطح متوسط آب دریاهای آزاد که در نتیجه اندازه‌گیری‌های متعدد بدست آمده باشد. این سطح به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارتفاعات به کار می‌رود. این واژه را با علامت اختصاری M.S.L. نمایش می‌دهند و به این واژه سطح مبنای ارتفاعات نیز می‌گویند.

سطوح آبدار AQUIFER LEVELS

سنگهای اشباع شده از آب را که در اعماق مختلف قرار گرفته‌اند سطوح آبدار می‌گویند. ژرفای پاره‌ای از این سطوح در برخی دره‌ها از نیم متر تا دهها و حتی صدها متر می‌رسد و در باتلاق‌ها خیلی به سطح زمین نزدیکند.

سعیر آتشفشانی *(Sa'ir-e-ātashfeshāni)* LAVA

← گدازه

سفره آب WATER TABLE

← سطح اشباع

سفیر AMBASSADOR

کسی که به نمایندگی دولت و کشوری در کشور دیگر امور مربوط به مملکت خود را انجام دهد.
عالی‌ترین نماینده سیاسی یک کشور در کشور دیگر را که امور سفارت کبری را بر عهده داشته باشد. سفیر کبیر می‌نامند.

سقوط آزاد FREE FALLING

حرکت جسم وزینی که در میدان جاذبه زمین از حال سکون خارج شده و بطور آزاد بیفتد.
تجربیات اولیه درباره سقوط آزاد از گالیله است. اگر جسمی در خلاء سقوط آزاد کند، شتاب حرکت آن در هر محل مقدار ثابتی است که به آن شتاب ثقل می‌گویند.

سکستانت SEXTANT

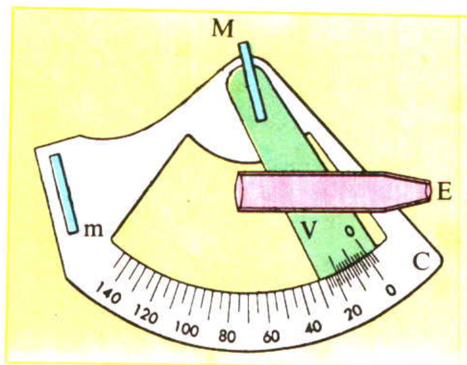
دستگاهی است برای اندازه گیری زاویه. این دستگاه به ویژه در امر ناوبری و هدایت کشتی‌ها با اندازه‌گیری زاویه ارتفاعی خورشید یا ستارگان استفاده می‌شود. سکستانت به طور کلی عبارت است از یک قاب حامل، یک قوس مدرج، یک دوربین، دو آینه مسطح که عمود بر صفحه سکستانت قرار دارد و یک بازو که ورنیه مدرج بر آن ثبت گردیده و به وسیله آن زاویه گردش قرائت می‌گردد. (تصویر در صفحه ۲۱۴)

سکّو *(Sakku)* BANK

بخشی از کف دریا یا بستر رودخانه که نسبت به اطراف برآمدگی داشته و به دلیل کافی بودن ارتفاع آب قابل کشتیرانی باشد.

سکّوی شنی SANDBANK

توده‌ای از شن و ماسه که در رودخانه یا دریا انباشته شده و هنگام فرو نشستن آب رودخانه یا جزر دریا از آب خارج و آشکار گردد.



سکستانت

سکّوی قاره‌ای CONTINENTAL PLATFORM
قاره و پایاب‌های پیرامون آن که تا لبه سراشیب قاره‌ای گسترده شده باشد و یا بزبانی دیگر قسمتهای افقی پوسته زمین (اعم از خشکی یا زیرآب) تا لبه گودال‌های زیرآب.

سلخ *(Salkh)*
روز آخر هر ماه قمری.

سلسله PHYLUM
← رده بندی

سلسله کوه CHAIN/ RANGE OF MOUNTAIN
← رشته کوه

سمت الرأس ZENITH
← سرسو

سمت القدم NADIR
← پاسو

سمت یابی DIRECTION FINDING
← جهت یابی

سنار *(Senār)*
جایی در دریا که دارای ژرفای کم باشد و کشتی در آن جا به گل نشیند و از حرکت باز ایستد.

سنبله *(Sonboleh)* VIRGO / VIRGIN
یا عذرا. ششمین صورت فلکی در منطقة البروج. در این صورت بیش از پانصد ابری کشف گردیده و در سال ۱۹۳۶ ابر نواختری در آن ظاهر گردیده است.



سنبله

سنجش از دور REMOTE SENSING
← دورکاوی

سنسکریت SANSKRIT
زبان علمی قدیم و مقدس هندوان، یکی از زبان‌های مهم هند و ایرانی از شعبه زبان‌های هند و اروپائی که با زبان اوستا خویشاوندی نزدیک دارد.
کهن‌ترین صورت زبان سنسکریت، زبان ودایی نام دارد که سرودهای ودا بدان نوشته شده. و مربوط به حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است.
آثاری که بدین زبان باقی مانده است، جزو قدیم‌ترین آثار زبان‌های هند و اروپائی است.

سنگ ROCK
توده متراکم و سختی از ذرات و مواد معدنی که بخشی از سنگکره را تشکیل داده است. این ماده که مخلوطی است از مواد مختلفی مانند شن، ماسه، ریگ، گل، انواع صدف‌ها و مرجان‌ها و رس، به سه دسته اصلی به شرح زیر تقسیم می‌گردد.
الف: سنگهای تهنشستی ب: سنگهای آذرین پ: سنگهای دگرگون.

سنگ آسمانی METEORITE

یا شهابسنگ، تخته سنگ بزرگی از نوع شهاب که بدلیل عظمت جثه در جو زمین بطور کامل نابود نشده و قسمتی از آن به سطح زمین رسیده باشد. پاره‌ای از این اجرام اساسا" فلزی بوده و از فلزاتی مانند آمیزه (آلیاژ) آهن و نیکل ترکیب یافته‌اند و دسته‌ای دیگر از زمره سیلیکات فلزها بوده و پاره‌ای از آن‌ها فقط منشاء سیلیسی دارند و تا کنون در هیچ موردی اثری از عوامل شیمیائی در آن‌ها دیده نشده است. یکی از معروفترین سنگ‌های آسمانی قطعه سنگی است که در نزدیکی Winslow واقع در ایالت آریزونای امریکا بزمین فرو افتاده و گودالی به قطر ۱۲۵۱ متروژرفای ۱۷۴ متر پدید آورده است. این طور برآورد شده که این سنگ حدود ۵۰۰۰۰ سال پیش سقوط کرده و عملیات ثقل سنجی اخیر نشان داده است که در زیر آن توده فلزی سنگینی حدود ۳ میلیون تن در عمق ۲۵۰ تا ۲۷۵ متری سطح زمین انباشته گردیده است.

سنگ آسیا MILL STONE

سنگی است از جنس سیلیس که بر جستگیهای سیلیسی آن موجب خشونت سطح آن میشود.

در سنگ آسیا، آهک مثل تاروپودی سیلیس را دربرمی‌گیرد و در نتیجه انحلال موجب تخلخل آن می‌گردد.

از سنگ مزبور همانگونه که از نام آن برمی‌آید بدلیل سختی و دارا بودن خلل و فرجهای خشن و سخت در ساختن سنگ آسیا بکار می‌رود.

سنگ آواری DETRITUS /ROCK FLOUR

سنگ‌هایی که از محل اصلی خود رانده شده و در محل دیگری انباشته شده باشند.

به عبارت دیگر سنگی که از خرد و ریزهای سنگهای دیگر ساخته شده است.

سنگ آهک LIMESTONE

سنگی تهنشستی، که تمام یا قسمت عمده آن کربنات کلسیم (Co_3Ca) است. معمولا" سفید است ولی به سبب مواد خارجی ممکن است به رنگهای دیگر در آید. سنگ آهک از تهنشست و تحجر استخوان بندی بی مهرگان دریائی، وگاه از رسوبهای شیمیائی پیدایش می‌یابد. این سنگ از منابع مهم آهک بوده و در استخراج آهن، ساختن سیمان پرتلند و هم به عنوان سنگ ساختمانی بکار می‌رود. از انواع مختلف آن "آهکرس"، "گل سفید"، "دولومیت" و "مرمر" است.

سنگ آهن IRON ORE

عموم کانه‌های آهن را شامل شده و مهمترینشان عبارتند از: هماتیت (اکسید آهن Fe_2o_3))، لیمونیت (اکسید آبدار آهن Fe_2o_3 و nH_2o)، مانیتیت (اکسید مغناطیسی آهن Fe_3o_4)، سیدریت (Co_3Fe) و پیریت (S_2Fe).

سنگارد *(Sangārd)* ROCK FLOUR

خرده سنگ‌هائی که تحت تاثیر یخچال‌های طبیعی نرم و آرد شده باشند. این ذرات اغلب به شکل آبگونه شیری رنگ، در آبی که از انتهای یخچال‌ها روان است دیده می‌شوند.

سنگ اسپهر *(Sang espehr)* LITHOSPHERE

← سنگکره

سنگ اسیدی ACID ROCK

نوعی سنگ آذرین که مواد سیلیسی آن گاه به بیش از ۶۵ درصد می‌رسد. بطورکلی این گونه سنگ‌ها ترکیبی از سیلیکاتها و اکسید فلزات هستند واز انواع آن‌ها سنگ گرانیت، ریولیت و سنگ شیشه را می‌توان نام برد.

سنگال *(Sangāl)* CONCRETION

توده کره مانندی در داخل یک سنگ که از جدا شدن بعضی کانیهای محلول (مانند کوارتز و کلسیت) و اجتماع مجدد آنها دور یک هسته بوجود آمده باشد.

سنگبستر *(Sangbastar)* BED ROCK

تخته سنگ یک پارچه‌ای که در زیر مواد سستی مانند خاک و ماسه و امثال آن قرار گرفته باشد. گاهی اوقات سنگبستر در زیر پوشش نازکی از مواد سست و در وسعتی به پهنای چند صد متر مربع واقع شده و اغلب در سراشیب‌ها بدون هیچ گونه پوششی به چشم می‌خورند.

سنگ بلور لایه CRYSTALLINE ROCK

(Sang-e-bolur lāyeh)

سنگی که از مواد معدنی بلورین تشکیل یافته باشد. این گونه سنگ‌ها ممکن است در نتیجه دگرگونی و یا سرد شدن فوری پدید آمده باشند.

سنگ پا PUMICE

نوعی سنگ آذرین که بدلیل دارا بودن خلل و فرج، و منافذ فراوان خیلی سبک بوده و روی آب می‌ایستد این سنگ که ظاهری اسفنجی شکل دارد بر اثر خروج گاز و بخارهای موجود در مواد گداخته و سپس سرد و سخت شدن آن پدید می‌آید.

سنگپوز (Sangpuz) HEADLAND / PROMONTORY
قسمتی از خشکی که در دریا ، دریاچه و یا هر عارضه آبی دیگر پیش رفته باشد .

سنگپوش MANTLE ROCK
لایه سستی از مواد سنگی ، که سطح آن با خاک پوشیده شده ، و بخش وسیعی از پوسته زمین را در بر گرفته باشد .
ضخامت این لایه در نقاط مختلف متفاوت است .

سنگ چخماق FLINT
← آتشزنه

سنگچین CAIRN
توده سنگهائی که در زمان قدیم بیاد بود چیزی ، روی هم چیده شده باشند . امروزه از سنگ چین به عنوان یک نشانه زمینی استفاده می‌شود .

سنگ خارا GRANITE
نوعی سنگ آذرین که دارای دانه‌های درشت بوده و علاوه بر پاره‌ای مواد معدنی دارای کوارتز و فلدسپات نیز باشد .
این سنگ یکی از خشن‌ترین و سخت‌ترین و فراوان‌ترین سنگهای طبیعت را تشکیل می‌دهد و غالبا" در کارهای ساختمانی به کار می‌رود .

سنگرس (Sangros) PELITE
سنگی که از دانه‌های ریز رس تشکیل یافته باشد .

سنگ رستی SHALE
نوعی سنگ تهنشستی که از تحت فشار قرار گرفتن رس‌های ته نشین شده پدید آمده باشد . این گونه سنگها معمولا" لایه لایه بوده و به آسانی ورقه ورقه می‌شوند . این گونه سنگها در صنعت سیمان سازی کاربرد فراوان دارند .

سنگریز (Sangriz) SCREE / TALUS
توده‌ای از تخته سنگ یا خرده سنگ‌های شکسته که در پای تندان یا در دامنه کوه انباشته شده باشد . این سنگها به سبب وابفرسائی از کوه جدا شده و تحت تاثیر نیروی ثقل به پائین غلطیده‌اند . معمولا" شیب سنگریز به قدری زیاد است که کمترین اختلالی به لغزش تمام توده به سوی پائین منجر می‌گردد .

سنگزائی (Sangzā'i) PETROGENESIS
عمدتا" پدید آمدن سنگ‌ها به خصوص سنگهای آذرین‌را گویند .

سنگ سماک (Sang-e-somāk) PORPHYRY
یا سنگ سماق نوعی سنگ که از دانه‌های بلورین درشتی پدید آمده است .

سنگشار (Sangshār) ROCK – FALL
ریزش آزاد توده‌های سنگ از فراز یک کوه .

سنگشناسی LITHOLOGY / PETROLOGY
بخشی از زمینشناسی که موضوع آن تحقیق در منشاء ساختمان ، خواص و تاریخ سنگهای قشر جامد زمین است .
سنگشناسی مشتمل بر مباحث سنگنگاری (توصیف منظم سنگها) و سنگزائی (بررسی منشاء اقسام مختلف سنگها) می‌باشد .

سنگ صابون SOAP STONE
نوعی سنگ دگرگون که در لمس مانند صابون است . رنگ این سنگ از خاکستری تا سبز است و در مقابل اسیدها و حرارت سخت مقاومت دارد و آنچنان نرم است که با کارد می‌توان آن را برید .

سنگفرش بیابانی DESERT PAVEMENT
پهنه نسبتا" هموار و سنگفرش مانندی در بیابان ، که بدلیل فرسایش مواد سطحی صاف و تقریبا" صیقلی شده باشد . در اینگونه مناطق که اغلب کویری هستند ، ذرات سطحی پوسته زمین ، بوسیله آب نمک غلیظی که آب آن تبخیر شده است به یکدیگر چسبیده و پوسته سختی را بوجود آورده‌اند .

سنگ فسفات PHOSPHATE ROCK
فسفات کلسیم که معمولا" با کربنات کلسیم و پاره‌ای کانی‌های دیگر همراه است و منشاء دریایی دارد .
از سنگ فسفات برای ساختن کود شیمیائی و کبریت و انواع اسیدهای فسفریک استفاده می‌شود .

سنگکره (Sangkoreh) LITHOSPHERE
پوسته جامد زمین که از یک لایه نرم و نازک خاک و توده‌ای از سنگ و مواد سخت دیگر ترکیب یافته و ضخامت آن به چندین کیلومتر می‌رسد .

سنگ کوارتز QUARTZITE
سنگ خیلی سخت و مقاومی که بطور عمده از کوارتز تشکیل یافته باشد .

سنگ گالن GALENA
سنگ سربی که بصورت سولفید سرب با فرمول Pbs در معدن یافت می‌شود . این سنگ که نرم و سنگین است بشکل

بلورهای مکعبی شکل دیده شده و معمولاً در لایه‌های سنگ‌های آهکی دوره کربونیفر بدست می‌آید .

سنگ گچ (ژیپس) GYPSUM
سولفات کلسیم آبدار ($CaSO_4 , 2H_2O$) ، که لایه‌های وسیع آن در سنگهای رسوبی همراه با سنگ آهک ، شیل رسوبی و یا کل رس سنی می‌آید که به صورتهای تووده‌ای ، ورقه ورقه و یا رشته‌ای یافت می‌شود و برای تهیه گچ به کار می‌رود . گچ زنده (Cao) را از حرارت دادن سنگ گچ (تا حدود ۱۲۰ درجه سانتیگراد) بدست می‌آورند .

سنگلاخ *(Sanglākh)* STONY LAND
زمین پر سنگ و یا زمینی که در آن سنگریزه فراوان یافت شود . به آن سنگستان هم می‌گویند .

سنگ لوح *(Sang-e-loh)* SLATE
گونه‌ای سنگ دانه ریز که از تهنشست و تحت فشار و گرما قرار گرفتن مواد رسی پدید آمده‌است . این سنگ که به آسانی ورقه ورقه می‌شود برای پوشش بام‌ها بکار می‌رود .
سنگ لوح به آسانی منورق میشود و رنگ آن معمولاً خاکستری یا سیاه است ، اما انواع قرمز ، سبز ، ارغوانی و قهوه‌ای آن هم دیده میشود . سنگ لوح بسیار طرفتر و صاف‌تر از اردوال است .

سنگ معدن ORE
← کانه

سنگ مقاوم RESISTANT ROCK
سنگی که بدلیل سختی و یا ترکیبات خاص سیمانی دربرابر آب و هوا و فرسایش مقاومت نماید .

سنگ نشانه CAIRN
← سنگچین

سنگ نگاره *(S-negāreh)* PETROGLYPH
نقش روی سنگ یا دیوار غارها که از انسان‌های پیش از تاریخ بجای مانده است .

سنگنگاری *(Sangnegāri)* PETROLOGY
← سنگشناسی

سنگ نمک SALT
سنگی که عمدتاً از بلورهای نمک طعام (ClNa) تشکیل شده است . تشکیل آن در دریاهای مناطق گرم و یا دریاچه‌هائی با تبخیر بالا ، بصورت تراکم نمک بر اثر تبخیر زیاد و ته‌نشست آن بصورت لایه‌هایی در ته حوضه انجام میگیرد . این لایه‌ها گاهی بصورت گنبدهای نمکی به سطح زمین راه می‌یابند . کاربرد عمدهٔ آن در مواد غذایی و همچنین منبع عمدهٔ هیپوکلریت (سفید کننده و گندزدا) می‌باشد .

سنگواره *(Sangvāreh)* FOSSIL
باقیمانده قسمتهای سخت موجودات زنده (جانوران و یا گیاهان) که طی سالیان بسیار طولانی در زیر مواد رسوبی مدفون شده و بوسیله مواد معدنی جایگزین گردیده باشد .

سنگهای آبکش PERVIOUS ROCKS
سنگهائی که بدلیل دارا بودن سوراخ‌های فراوان، آب را به آسانی از خود عبور دهند به این گونه سنگها ، سنگهای نفوذ پذیر نیز می‌گویند .

سنگهای آذرین IGNEOUS ROCKS *(Sanghā-ye-āzarin)*
سنگهائی که از انجماد مواد مذاب پدید آمده و یکی از سه دسته سنگهای اصلی پوسته زمین را تشکیل داده‌اند . این سنگها که به آن سنگهای آذرین می‌گویند ، ممکن است پس از خروج و رسیدن به سطح زمین منجمد شوند که به آن‌ها گدازه یا سنگهای آتشفشانی می‌گویند و یا درون مجاری و شیارهای پوسته زمین جریان یافته و در یک گودال انباشته شوند و یا اینکه در زیر پوسته زمین و تحت فشار انباشته گردند . در غالب سنگهای آذرین ، بلورهائی از مواد مختلف معدنی دیده می‌شود ولی هیچگونه سنگواره‌ای درآن‌ها به‌چشم نمی‌خورد .

سنگهای برمغاکی HYPABYSSAL ROCKS
(S-hā-ye-barmaghāki)
سنگهای آذرینی که بطرف سطح زمین رانده شده ولی قبل از رسیدن به سطح زمین ، در شکافها منجمد شده باشند .
← سنگهای آذرین

سنگهای تهنشستی SEDIMENTARY ROCKS
سنگهائی هستند که از بهم چسبیدن و سخت شدن تهنشستهای معمولاً بصورت لایه‌ها یا بسترها تشکیل شده باشند . این گونه سنگها بر دو نوعند .
۱ــ سنگهای تهنشستی پاره‌ای
۲ــ سنگهای تهنشستی نا پاره‌ای

سنگهای خروجی EXTRUSIVE ROCKS
سنگهای آذرینی که در گدازه‌های سطحی سخت و منجمد شده باشند . به این گونه سنگها ، سنگهای آتشفشانی نیز می‌گویند .

سنگهای آذرینی که بسرعت سرد شوند بصورت سنگهای بلورین در می‌آیند از جمله این سنگها می‌توان بازالت را نام برد .

سنگهای دگرگون METAMORPHIC ROCKS

سنگهائی که از تغییرات بافت سنگ و کانی‌های سنگساز دیگر و بر اثر عوامل درونی زمین ، مانند فشار ، حرارت و غیره بوجود آمده باشند . مشروط بر اینکه این تغییرات بحدی پیشرفته باشد که سنگ جدیدی را که با سنگ نخستین بکلی متفاوت است بوجود آورده باشد .

سنگهای رسوبی SEDIMENTARY ROCKS

← سنگهای تهنشستی

سنگهای سرگردان ERRATIC BLOCKS

قطعه سنگهای بزرگی که بوسیله یخچال حمل شده و درگوشه و کنار پراکنده شده باشند .
در پاره‌ای مناطق گیتی مانند داکوتای جنوبی (در ایالات متحده امریکا) این گونه سنگها آنچنان فراوانند که سطح زمین را بکلی پوشانیده و مانع کشت و زرع می‌گردند .

سنگهای قلیائی ALKALINE ROCKS

سنگهای آذرینی که سرشار از مواد سدیم ، پتاسیم ، ولیتیوم و مانند آن باشد .

سنگهای گرده گوسفندی ROCHE MOUNTONN'EE
(S-hā-ye-gordeh-gusfandi)

سنگهای گرد شده‌ای که بر اثر عمل یخچال‌ها بصورت پشت گوسفند در آمده و صاف و خط دار هستند .

سنگهای مطبق STRATIFIED ROCKS

بعضی از سنگهای تهنشستی (مانند استالاکتیت و استالاگمیت) مطبق نیستند ، اما اغلب این سنگها مطبق‌اند . و این امر یکی از طرق تشخیص آنهاست از سنگهای دیگر . از مشخصات دیگر سنگهای تهنشستی وجود فسیل‌ها در آنها است .

سنگهای مغاکی PLUTONIC ROCKS *(S-hā-ye-maghāki)*

سنگهای آذرینی که در اعماق قابل توجهی از پوسته زمین به آرامی سرد و سخت شده و دارای بافت بلورین نسبتا" درشتی باشند . بهترین نمونه این گونه سنگها ، سنگ گرانیت است .

سنگهای نفوذپذیر
PERMEABLE ROCKS/ PERVIOUS ROCKS

سنگهای سوراخ‌داری که آب بدرون آن‌ها نفوذ کرده و به آسانی از آن‌ها عبور کند .

سنگهای نفوذ ناپذیر
IMPERMEABLE ROCKS/ IMPERVIOUS ROCKS

سنگهائی که فاقد خلل و فرج بوده و آب قادر به رخنه و یا عبور از آن نباشد .

سنگهای نفوذی INTRUSIVE ROCKS

سنگهائی که بر اثر انجماد مواد مذاب قبل از رسیدن بسطح زمین پدید آمده باشند . این سنگها گونه‌ای از سنگهای آذرین هستند . ← سنگهای آذرین

سنگین اسپهر *(Sangin espehr)* BATHYSPHERE

آن قسمت از زمین که در زیر پوسته بیرونی آن واقع شده است . ساختمان و طبیعت این قسمت از زمین تاکنون بدرستی شناخته نشده ولی قدر مسلم این است که این قسمت کاملا" متراکم و فشرده بوده و احتمالا" دارای گرمای زیادی است .

سنگینکره *(Sanginkoreh)* BATHYSPHERE

← سنگین اسپهر

سوپرسونیک SUPERSONIC

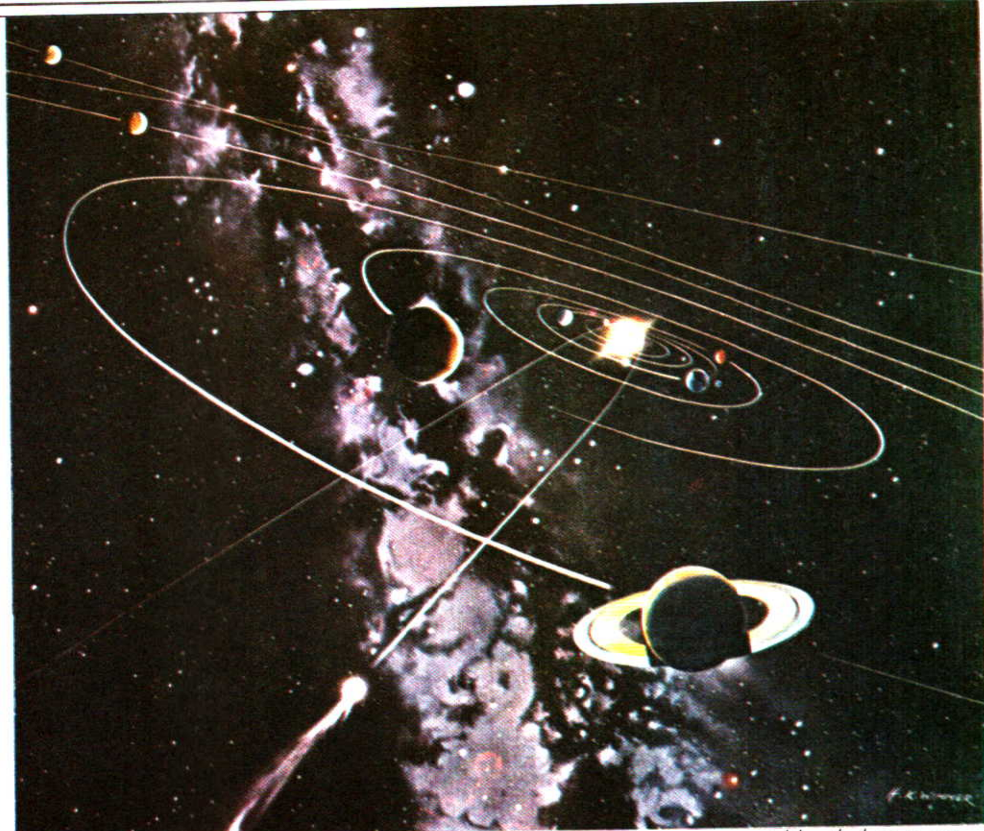
یا ابر صوتی
← دیوار صوتی

سوخت و ساز METABOLISM

مجموعه اعمالی که در سلول‌ها و انساج بدن به منظور عمل اصلی تغذیه و تبادلات مواد غذائی (جذب مواد لازم و دفع مواد زاید) انجام می‌شود . سوخت و ساز شامل دو مرحله است . در مرحله نخست ، سلولها و انساج مواد غذایی را جذب می‌کنند و آنها را بصورت مواد شیمیائی و ترکیبی خود در می‌آورند و جزو ساختمان پروتوپلاسم خود ذخیره می‌کنند . به این مرحله آنابولیسم می‌گویند . در مرحله دوم که به مرحله کاتابولیسم موسوم است . سلولها و انساج مواد پروتوپلاسمی خود را تجزیه کرده و می‌سوزانند و فضولات حاصل را به محیط داخلی دفع می‌کنند .

سوخوز SOVKHOS

واژه روسی به مفهوم گونه‌ای کشاورزی که در آن از نیروی کشاورز اجیر شده استفاده می‌شود .



تصویری تخیلی از سیارات

جدول مشخصات کلی سیارات

سیاره	قطر استوائی به کیلومتر	حجم نسبت به زمین	فاصله متوسط از خورشید به کیلومتر	زمان گردش بدور خورشید (سال — روز)	زمان چرخش حول محور قطبین (روز ـ ساعت ـ دقیقه)	تعداد قمر
تیر (عطارد)	۴۸۷۸	۰/۰۵۶	۵۷،۹۰۰،۰۰۰	— ۸۷/۶۰	۵۸ ۱۵ ۳۶	—
ناهید (زهره)	۱۲۱۰۴	۰/۸۶	۱۰۸،۲۰۰،۰۰۰	— ۲۲۴/۴۷۵	۲۴۳ — ۱۴	—
زمین (ارض)	۱۲۷۵۶	۱	۱۴۹،۶۰۰،۰۰۰	— ۳۶۵/۲۵۶	— ۲۳ ۵۶	۱
بهرام (مریخ)	۶۷۹۴	۰/۱۵	۲۲۷،۹۰۰،۰۰۰	۱ ۳۲۱/۲۰	— ۲۴ ۳۷	۲
برجیس (مشتری)	۱۴۲۸۰۰	۱۳۲۳	۷۷۸،۳۰۰،۰۰۰	۱۱ ۳۱۴/۶۳۰	— ۹ ۵۰	۱۶
کیوان (زحل)	۱۲۰۰۰۰	۷۵۲	۱،۴۲۷،۰۰۰،۰۰۰	۲۹ ۱۶۶/۸۰۵	— ۱۰ ۱۵	۲۳
اورانوس	۵۱۸۰۰	۶۴	۲،۸۶۹،۶۰۰،۰۰۰	۸۴ ۴/۷۴۵	۳± ۲۴	۱۵
نپتون	۴۹۵۰۰	۵۴	۴،۴۹۶،۷۰۰،۰۰۰	۱۶۴ ۲۸۹/۴۴۵	— ۱۵ ۴۸	۲
پلوتون	۲۴۰۰	۰/۰۱	۵،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۲۴۷ ۲۵۵/۵۰	۶ ۷ ۱۲	۱

توضیح: ۱ــ در محاسبه حجم سیارات، حجم زمین برابر ۱ فرض گردیده است.

۲ــ زمان گردش و چرخش سیارات بر حسب ساعت و روز و سال متداول در زمین بیان گردیده است.

۳ــ ارقام این جدول از کتاب THE ATLAS OF THE SOLAR SYSTEM از انتشارات THE ROYAL ASTRONOMICAL SOCIETY چاپ ۱۹۸۴ اقتباس شده است.

سوده رخ *(Sudeh rokh)* SLICKENSIDE
سطوح صیقلی شده و شیار دار که از لغزش توده‌ای از سنگ روی توده‌ای دیگر بوجود آمده باشد.

سور RAMPART
دیوار گرداگرد شهر.

سوسیالیسم SOCIALISM
نظریه‌ای سیاسی و اقتصادی، برای اصلاح امور جامعه، مبتنی بر اینکه کلیه عوامل و وسایل تولید و پخش کالا باید به مالکیت دسته جمعی مردم درآید و دولت به نمایندگی مردم آن‌ها را بر طبق اصول دموکراسی اداره کند.
سوسیالیسم با مالکیت خصوصی مخالف است و هواخواه این است که رفاه جامعه را بوسیله اشتراک مالکیت تامین نماید.

سولونچک SOLONCHAK
واژه روسی به مفهوم خاکی که مقدار قابل توجهی املاح نمکی در آن موجود باشد. این گونه خاک‌ها بیشتر در مناطقی که میزان تبخیر آب زیاد باشد دیده می‌شود. در این مناطق املاح نمکی از راه خاصیت لوله‌های موئین از لایه‌های زیرین به سطح خاک تراوش کرده و در مجاورت تابش آفتاب و گرمای زیاد بخار شده و پوسته خاکستری رنگی از خود بجای می‌گذارد.

سوماترا SUMATRA
بادی که مخصوص نواحی تنگه مالاکا بوده و معمولاً با رعد و برق همراه است. این باد شب هنگام و بطور ناگهانی می‌وزد و باران‌های سیل آسائی را گاه بهمراه دارد.

سویه *(Suyeh)* BEARING
یا بیرینگ زاویه‌ای است که هر امتدادی را با خط مبنای شمال و یا جنوب در یکی از ربع های چهارگانه دایره و در سمت خاور و یا باختر خط مبنا بوجود می‌آورد. از ویژگیهای بیرینگ این است که مقدار آن همواره بین صفر تا ۹۰ درجه در نوسان است و جهت آن با NE برای ربع یکم، SE برای ربع دوم، SW برای ربع سوم و NW برای ربع چهارم مشخص می‌گردد. بطور مثال بیرینگ‌های واقع در ربع یکم که نسبت به جهت شمال و در جهت گردش عقربه‌های ساعت سنجیده می‌شوند با حرف N (معرف شمال) شروع و با حرف E (معرف خاور) پایان می‌یابند. مانند N 42° 25′ E و بیرینگ‌های واقع در ربع دوم که نسبت به سمت جنوب و در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌گردند با حرف S (معرف جنوب) آغاز و با حرف E (معرف خاور) خاتمه می‌یابند مثل S 39° 45′ E و بیرینگ‌های واقع در ربع سوم که نسبت به سمت جنوب و در جهت گردش عقربه‌های ساعت سنجیده می‌شوند با حرف S (معرف جنوب) شروع و با حرف W (معرف باختر) پایان می‌یابند مانند S 65° 38′ W و بالاخره بیرینگهای واقع در ربع چهارم که نسبت به سمت شمال در جهت خلاف گردش عقربه‌های ساعت مورد سنجش قرار می‌گیرند با حرف N (معرف شمال) آغاز و با حرف W (معرف باختر) خاتمه می‌یابند مانند: N 57° 45′ W

سیا خاک *(Siyā khāk)* BLACK EARTH
← خاک چرنوزیوم

سیارات PLANETS
اجرام فلکی منظومه شمسی غیر از شهابها و ستارگان دنباله‌دار که حول خورشید گردش می‌کنند. روشنائی این اجرام به سبب بازتاب نور خورشید است و تفاوت آن با ستارگان ثوابت در تغییر وضع سیارات نسبت به صورتهای فلکی است. معمولاً سیارات به وسیله تلسکوپ بصورت قرصی مشاهده می‌شوند در حالیکه هر قدر هم تلسکوپ قوی باشد باز ثوابت یا ستارگان بصورت یک نقطه دیده می‌شوند. سیارات عمدتاً دارای دو حرکت هستند اول حرکت انتقالی بدور خورشید و دوم حرکت وضعی بدور یکی از قطرهای خود بنام محور چرخش. مدار حرکت انتقالی هر سیاره بیضی است و خورشید در یکی از کانون‌های آن قرار دارد و حرکت حملگی آن‌ها بدور خورشید از مغرب به مشرق است.
(تصویر و جدول سیارات در صفحه ۲۱۹)

سیارات زبرین SUPERIOR PLANETS
یا سیارات بیرونی و یا سیارات علوی ← سیارات هفتگانه

سیارات زیرین INTERIOR PLANETS
یا سیارات درونی، یا سیارات سفلی ← سیارات هفتگانه

سیارات هفتگانه SEVEN PLANETS
یا سیارات سبعه، در نجوم قدیم هفت سیاره رحل، مشتری، مریخ، خورشید، زهره، عطارد و قمر (ماه) را سیارات هفتگانه می‌نامیدند. زحل و مریخ را نحسین (دو نحس) و مشتری و زهره را سعدین (دو سعد) و خورشید و ماه را نیرین (دو نورانی) می‌خواندند و بقیه را خمسه متحیره (پنج سرگردان) می‌دانستند.
علاوه بر این زحل و مشتری و مریخ را سیارات علوی (*Olvi*) و زهره و عطارد و ماه را سیارات سفلی (*Sofli*) بشمار می‌آوردند.

سیارکان *(Sayyārakān)* ASTEROIDS

احرام کوچکی که غالبا" در مداری میان مریخ و مشتری به گرد خورشید در گردشند. منشاء این اجرام که تعداد آنها به حدود ۱۵۰۰ بالغ می‌گردد تا کنون شناخته شده. بزرگترین سیارک این گروه سرس نام دارد که قطر آن حدود ۷۷۰ کیلومتر و حجم آن تقریبا" $\frac{۱}{۵۰۰۰}$ کره زمین است. به سیارکان بسته سیارات نیز می‌گویند.

سیاره شناسی PLANETOLOGY

شاخه‌ای از ستاره شناسی که پیدایش، پراکندگی و ترکیب ماده را در سیاره‌ها و قمرهای آنها و در ستاره‌های دنباله‌دار، سیارکان و دیگر مواد دج (جامد) موجود در منظومه خورشیدی بررسی می‌کند.

سیال SIAL

لایه سنگی نسبتا" کم وزنی از جنس سنگ خارا (گرانیت) که در زیر قاره‌ها قرار گرفته است. واژه سیال از دو کلمه سیلیکون و آلومینیم ترکیب یافته است.

سیاه چادر BLACK TENT

چادرهائی که صحرانشینان و دامداران در صحرا برای خود بر پا می‌کنند.

سیاه سنگ BASALT

سنگ آذرین تیره رنگی که به انواع گوناگون وجود داشته و بر اثر سخت شدن گدازه‌های آتشفشانی بوجود آمده باشد. از این گونه سنگ در سراسر زمین به فراوانی یافت می‌شود.

سیب زمینی POTATO

گیاهی است از تیره تاجریزیها که جزو مواد غذایی عمده ساکنان مناطق معتدل بشمار می‌رود. احتمالا" اصل آن از کوههای آند واقع در امریکای جنوبی بوده است که در قرن ۱۶ از پرو به اسپانیا برده شده.

سیب زمینی دارای مقدار زیادی ئیدرات‌های کربن است و به علاوه صنع نشاسته، آرد، الکل دکسترین و علوفه نیز می‌باشد. سیب زمینی در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بوسیله سرجان ملکم به ایران وارد شد و در زمان محمد شاه قاجار و به کوشش حاجی میرزا آقاسی تا اندازه‌ای رواج پیدا کرد و امروز یکی از غذاهای عمده مردم ایران محسوب می‌گردد.

سیب زمینی هندی YAM

گیاهی است از راسته تک لپه‌ئیها جزو تیره نرگسیها که گاهی آنرا در دسته جداگانه‌ای بنام تیره "دیوسقوریاها" قرار میدهند. گیاهی است پیچنده که دارای ساقه‌های زیرزمینی بسیار ضخیم یا اندوخته نشاسته‌ئی فراوان که در هندوچین و ژاپن و هندوستان در اغذیه بجای سیب زمینی معمولی ازآن استفاده میشود.

سیرا SIERRA

واژه اسپانیایی به مفهوم رشته کوه ممتدی که قله‌های مرتفع و دندانه مانندی داشته باشد. این اصطلاح بطور وسیعی در اسپانیا، مکزیکو امریکای لاتین بکار می‌رود.

سیروکو SIROCCO

واژه ایتالیائی به مفهوم باد گرم مرطوب و گاه خشکی که از سوی صحرای شمال افریقا و جزیره سیسیل و جنوب ایتالیا به طرف شمال می‌وزد. این باد هنگام عبور از فراز صحرا بسیار گرم و خشک و غبارآلود بوده و با گذشتن از روی دریای مدیترانه رطوبت قابل توجهی بهمراه می‌برد و به بادی گرم و مرطوب دگرگون می‌شود. باد سیروکو معمولا" در تمام فصلهای سال غیر از تابستان که بندرت دیده می‌شود، می‌وزد و در فصل بهار به شدیدترین حالت خود می‌رسد و اغلب تا یکی دو روز دوام می‌آورد. این باد اغلب به کشتزارها و باغها به ویژه به شکوفه‌های انگور وزیتون زیان فراوان وارد می‌سازد.

سیستم تصویر آیتوف AITOFF'S PROJECTION

نوعی سیستم تصویر مخروطی نقشه که در آن مساحت ثابت می‌ماند. این سیستم بوسیله دانشمندی به همین نام ارائه شده و شامل تمام سطح کره زمین می‌گردد. در این سیستم خط استواء به عنوان محور افقی و نصف النهار مرکزی به عنوان محور قائم بکار می‌رود. نقشه مناطقی که در مرکز این تصویر واقع می‌شوند دارای دقت کاملا" خوب و نواحی که در حاشیه تصویر قرار گرفته‌اند فاقد دقت بوده و بطور محسوسی تغییر شکل می‌دهند.

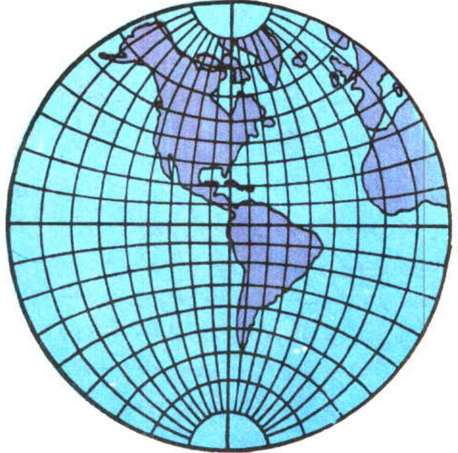


تصویر آیتوف

سیستم تصویر استرئوگرافی STEREOGRAPHIC PROJECTION

نوعی سیستم تصویر، که نصف النهار و مدار تماس بصورت

دو خط راست متعامد تصویر گردیده و سایر مدارها و نصف‌ـ النهارها بصورت پاره قوس‌هائی از یک سری دایره تصویر شوند . این سیستم برای تهیه اطلس‌های جغرافیائی ، نیمکره زمین و همچنین نقشه ستارگان آسمان بکار می‌رود .

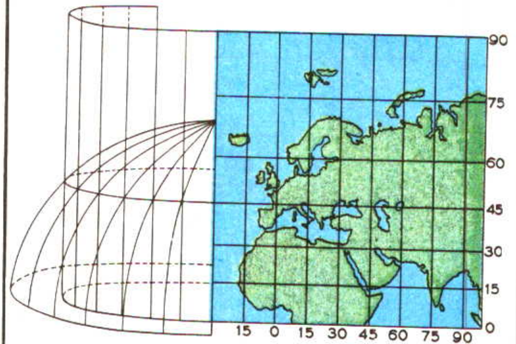


تصویر استرئوگرافی

سیستم تصویر استرئوگرافیک گال

GALL'S STEREOGRAPHIC PROJECTION

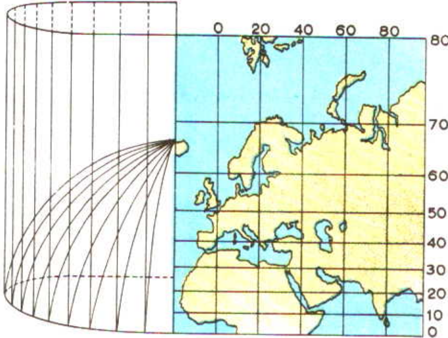
سیستم تصویر استوانه‌ای خاصی ، که بجای اینکه بر خط استواء مماس شود ، کره زمین را در مدارهای ۴۵ درجه عرض شمالی و ۴۵ درجه عرض جنوبی قطع کرده و دایره‌های نصف‌النهارها و مدارات بصورت شبکه متعامدی از خطوط راست تصویر گردیده باشند . این سیستم شباهت زیادی به سیستم تصویر استوانه‌ای مرکاتور دارد .



تصویر استرئوگرافیک گال

سیستم تصویر استوانه‌ای CYLINDRICAL PROJECTION

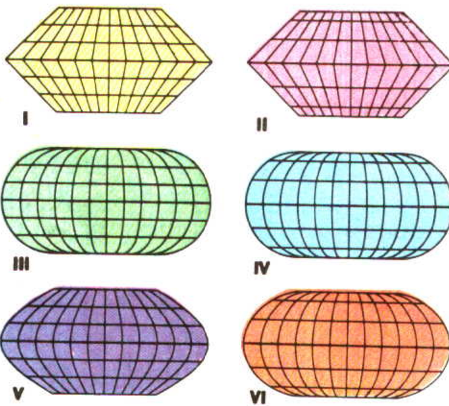
سیستم تصویری که از مماس نمودن یک استوانه با سطح کره زمین بوجود آمده و نصف النهارها و مدارهای کره زمین روی سطح استوانه بصورت خطوط مستقیم و متعامد تصویر می‌گردند .



تصویر استوانه‌ای

سیستم تصویر اکرت ECKERT PROJECTION

مجموعه‌ای از شش سیستم تصویر که برای تهیه نقشه جهان به کار می‌رود . در این مجموعه نصف‌النهارها و مدارها ، طوری تصویر می‌شوند که مساحت به همان میزان حقیقی حفظ گردد . در این سیستم شکل قاره‌ها بشکل حقیقی آن‌ها کاملا "نزدیک است .



تصویر اکرت

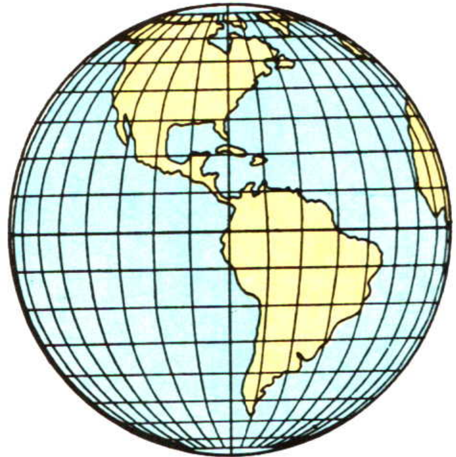
سیستم تصویر اورتوگرافی

ORTHOGRAPHIC PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که بر اساس آن کره زمین آنچنانکه از فاصلهٔ بسیار دور دیده می‌شود تصویر گردیده و نیمکره‌ای از آن نمایش داده شود .

در این سیستم اشعه تصویر با یکدیگر موازی و عمود بر صفحه تصویر خواهند بود . از معایب این سیستم نادرست بودن

مسافات ، جهات ، شکل و مساحت بوده و بیشتر از نظر تهیه نقشه آسمان مورد استعمال دارد .



تصویر اورتو گرافی

سیستم تصویر اورتومورفیک

ORTHOMORPHIC PROJECTION

سیستم تصویر نقشه‌ای که بر اساس آن شکل مناطق کوچکی از نقشه کاملا" با شکل همان منطقه در طبیعت همانند باشد . به این شیوه ، سیستم تصویر همال (کونفرمال) نیز می‌گویند.

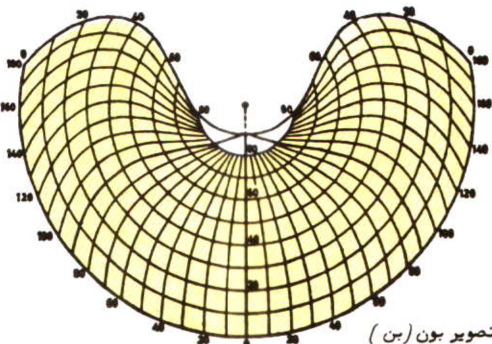
سیستم تصویر بون (بن) BONNE'S PROJECTION

نوعی سیستم تصویر مخروطی نقشه است که دارای یک مدار استاندارد و یک نصف النهار مرکزی است . مقیاس این سیستم در امتداد نصف النهار مرکزی ، که بصورت یک خط راست نمایش داده می‌شود ، حقیقی بوده و مدارها بصورت دایره‌های متحد المرکز و متساوی الفاصله در این سیستم نمایان گردیده و به استثنای نصف النهار مرکزی ، سایر نصف النهارها به صورت منحنی‌هائی نمایش داده می‌شوند .
این سیستم از نوع سیستم‌های هم پهنه بوده و برای مناطق قطبی مناسب نیست .

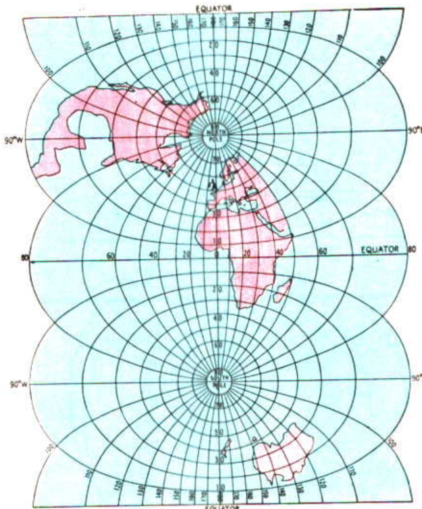
سیستم تصویر ترنسورز مرکاتور

TRANSVERSE MERCATOR PROJECTION

سیستم تصویر استوانه‌ای که سطح تصویر به جای تماس با استواء ، با نصف النهارها مماس گردد و در واقع سطح تصویر ۹۰ درجه نسبت به حالت مماس یا استواء چرخیده باشد .



تصویر بون (بن)



تصویر ترنسورز مرکاتور

سیستم تصویر سانسون فلمستید

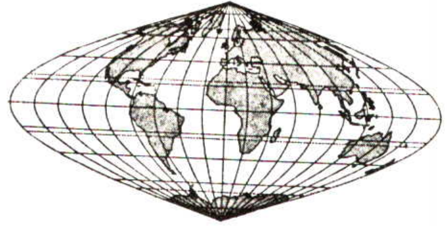
SANSON FLAMSTEED PROJECTION/
SINUSOIDAL PROJECTION

نوعی سیستم تصویر مخروطی نقشه که در آن دایره استواء ، بصورت مدار استاندارد (مدار تماس) انتخاب گردیده باشد. در این سیستم نصف النهار مرکزی بشکل خط راست و سایر نصف النهارها بصورت خط های خمیده تصویر گردیده و دایره استواء و مدارها موازی و عمود بر نصف النهار مرکزی ، تصویر شده‌اند . چون در این سیستم نصف النهارها ، منحنی‌های سینوسی هستند از این رو به این شیوه سیستم سینوسوئیدال نیز گفته می‌شود . (تصویر در صفحهٔ ۲۲۴)

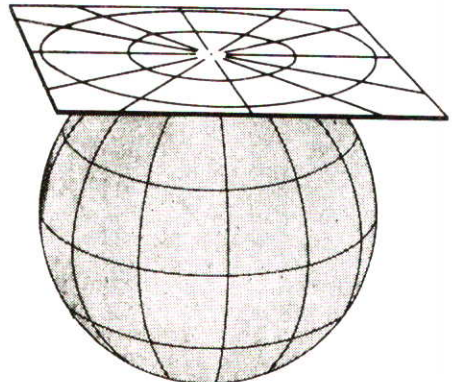
سیستم تصویر سمت الرأسی ZENITHAL PROJECTION/
AZIMUTHAL PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که در آن صفحه‌ای را بر کره زمین مماس نموده و قسمتهای اطراف نقطه تماس را روی صفحه مزبور تصویر میکنند . این سیستم در واقع حالت خاصی از

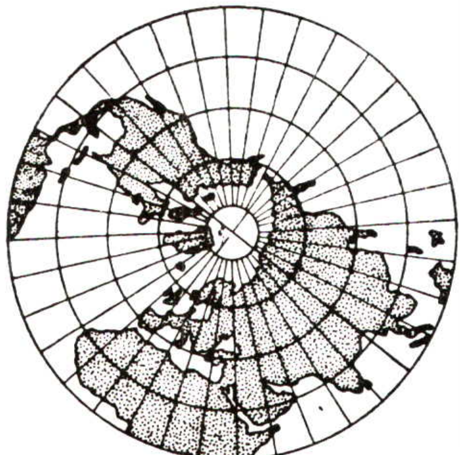
سیستم تصویر مخروطی است که ارتفاع مخروط بتدریج کاهش یافته و بیک نقطه تماس مبدل شده و درنتیجه مخروط تصویر بیک صفحه مستوی تغییر شکل یافته است . در این سیستم ازیموت یا سمت واقعی تمام نقاط تصویر شده نسبت به نقطه مرکزی که همان نقطه تماس است حفظ گردیده و این امتدادها در حقیقت بصورت خطوط شعاعی تصویر می‌شوند .
به این سیستم ، سیستم تصویر ازیموتال نیز می‌گویند .



تصویر سانسون فلمستید



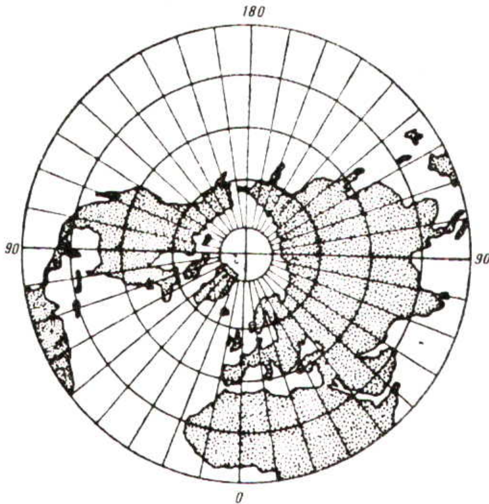
تماس صفحه و کره زمین



تصویر سمت الرأسی (ازیموتال)

سیستم تصویر قطبی POLAR PROJECTION

سیستم تصویری است ، در تهیه نقشه که صفحه تصویر بر قطب شمال یا قطب جنوب مماس شده باشد .



تصویر قطبی (از نیمکره شمالی)

سیستم تصویر لامبر
LAMBERT'S CONICAL PROJECTION

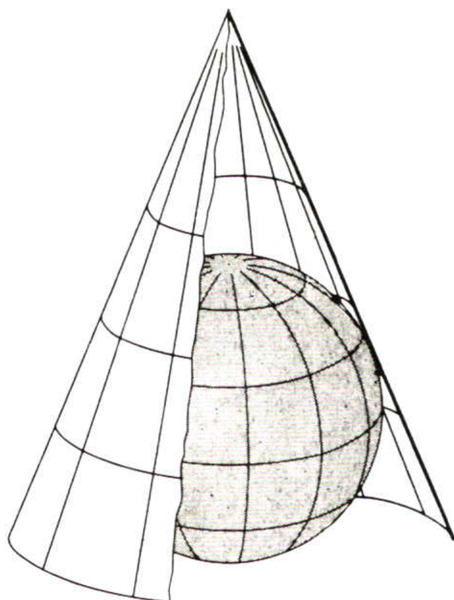
← سیستم تصویر مخروطی

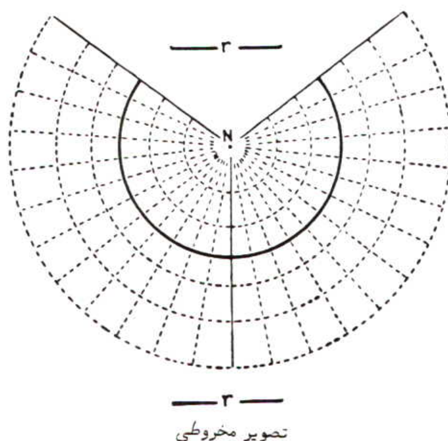
سیستم تصویر مخروطی CONICAL PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که براساس آن ، مخروطی بر مداری از کره زمین مماس نموده و زمین را بر سطح آن تصویر می‌کنند . در این سیستم مدارها بصورت دایره‌های متحدالمرکز و نصف النهارها بشکل خط های شعاعی که مرکز آن‌ها یکی از دو قطب زمین است تصویر می شوند . مداری که مخروط تصویر را بر آن مماس می‌کنند مدار استاندارد می‌گویند و عمل تصویر ، دقت خود را فقط در پیرامون مدار مزبور حفظ می‌کند .
از این رو برای تصویر تمام کره زمین ، بایستی از مخروط های تصویر متعددی استفاده شود .
به این سیستم تصویر مخروطی لامبر نیز می‌گویند .
(تصویر در صفحه ۲۲۵)

سیستم تصویر مرکاتور MERCATOR'S PROJECTION

گونه‌ای سیستم تصویر استوانه‌ای ، که برای تهیه نقشه جهان نما به کار می‌رود . در این سیستم که نخستین بار به وسیله Gerhard Mercator در سال ۱۵۶۹ برای نقشه جهان نما ، بکار گرفته شده است ، نصف النهارها بصورت خط های راست عمودی و متساوی الفاصله و مدارها نیز بشکل





تصویر مخروطی

خط های مستقیم و مختلف الفاصله (که هر چه از استواء دور شویم به فاصله میان آنها افزوده می‌شود) تصویر می‌گردد. این سیستم در پیرامون خط استواء که محل تماس کره زمین با استوانه تصویر است دارای دقت کافی بوده و هرچه از آن دور شویم از دقت آن از نظر شکل و مساحت کاسته می‌گردد. بطوریکه مثلا" قطعه زمینی به ابعاد ۱ × ۱ درجه که در مدار ۶۰ درجه عرض جغرافیائی واقع شده است هم از نظر پهنا و هم از نظر درازا به دو برابر اندازه حقیقی و یا چهار برابر مساحت واقعی تصویر گردیده است. بهمین دلیل قاعدتا" از این سیستم برای تصویر مناطق بالاتر از عرض ۸۰ درجه استفاده نمی‌شود، زیرا اندازه‌ها در این عرض به ۶ برابر میزان واقعی افزایش می‌یابند. (این موضوع در مقایسه میان گروئنلند و امریکای جنوبی بخوبی محسوس است، در حالی که مساحت گروئنلند $\frac{1}{12}$ مساحت امریکای جنوبی است) یکی از موارد استعمال این سیستم تهیه چارت‌های دریا ـ نوردی و هواشناسی است. (تصویر در صفحهٔ ۲۲۶)

سیستم تصویر مولوید MOLLWEIDE'S PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که هم پهنه بوده و برای نمایش تمام سطح کره زمین روی یک صفحه بکار می‌رود. در این سیستم کلیه مدارها، و هم چنین نصف النهار مرکزی (که معمولا" نصف النهار گرینویچ است)، بصورت خط مستقیم و عمود بر یکدیگر تصویر گردیده و سایر نصف النهارها به صورت قوس‌هائی که هر چه از نصف النهار مرکزی دور شوند بر انحناء آن‌ها افزوده می‌گردد نمایش داده می‌شود. این سیستم معمولا" برای مطالعات جغرافیائی و بررسی پراکندگی پدیده‌ها بکار می‌رود. (تصویر در صفحهٔ ۲۲۶)

سیستم تصویر نقشه MAP PROJECTION

نمایش نصف النهارها و مدارات زمین، بصورت شبکه‌ای بنام شبکه مختصات جغرافیائی را روی صفحه‌ای مستوی، مانند صفحه کاغذ، سیستم تصویر نقشه می‌نامند. از جمله سیستم‌های تصویر، سیستم‌های استوانه‌ای، مخروطی و یا مسطحه را می‌توان نام برد. عمل تصویر در این سیستم‌ها به روش هندسی و یا ریاضی انجام می‌شود.

سیستم تصویر نومونیک GNOMONIC PROJECTION

گونه‌ای سیستم تصویر نقشه که در آن عمل تصویر از مرکز زمین انجام گرفته و سطح تصویر بصورت صفحه مماس بر سطح کره زمین انتخاب شده است. در این سیستم دوایر عظیمه بصورت خط های مستقیم تصویر می‌گردند.

سیستم تصویر هم پهنه EQUAL-AREA PROJECTION

نوعی سیستم تصویر نقشه که مساحت‌ها عینا" به‌همان اندازه حقیقی تصویر می‌گردد.

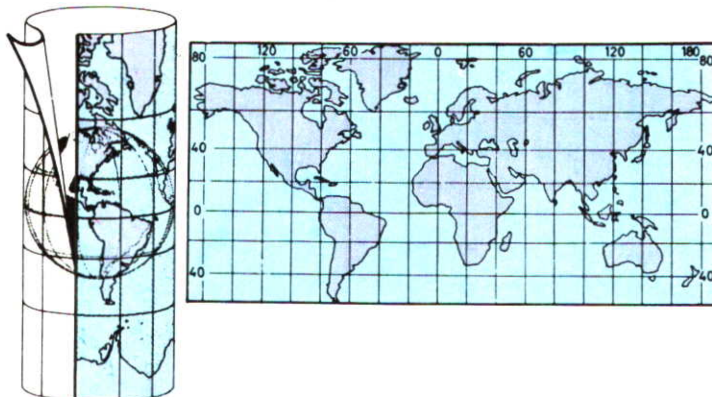
سیستم تصویر همولوگرافی

HOMOLOGRAPHIC PROJECTION

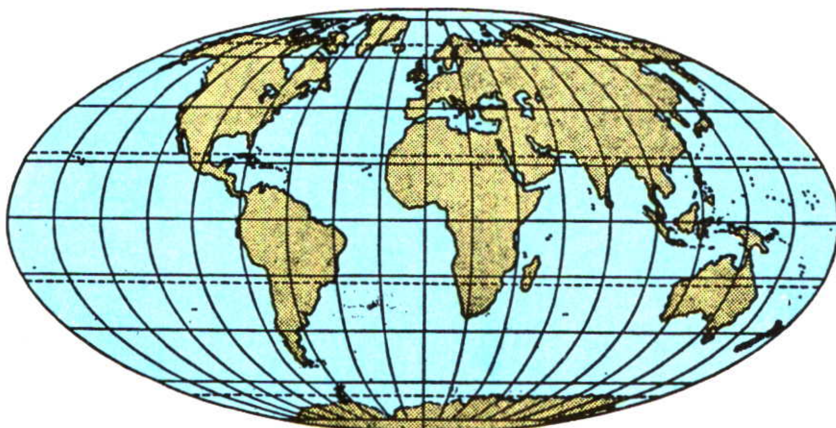
نوعی سیستم تصویر نقشه که در آن مساحت طبیعی با مساحت تصویری برابر بوده و نسبت میان مناطق روی نقشه به مناطق همانند آن در طبیعت ثابت باشد. ← سیستم تصویر هم‌پهنه

سیستم تصویر یو.تی.ام U.T.M PROJECTION

← شبکه‌بندی یو.تی.ام



تصویر مرکاتور



تصویر مولوید

سیستم متریک METRIC SYSTEM

یا "مقیاس متری"، عنوان سلسله‌ای اعشاری از مقیاسها است که در اواخر قرن هجدهم در فرانسه رسمیت یافت و امروزه مقیاس رسمی بسیاری از کشورها می‌باشد. مبنای این مقیاس "متر" است که برابر $\frac{۱}{۴۰،۰۰۰،۰۰۰}$ نصف النهار پاریس می‌باشد. واحدهای عمدهٔ مقیاس متری عبارتند از: متر، کیلوگرم و لیتر.

سیستم مختصات استوائی EQUATORIAL SYSTEM

در این سیستم که نیمگان عالم و دایره ساعتی سطوح مختصات را تشکیل می‌دهند، مختص طولی زاویه ساعتی و مختص عرضی زاویه دکلی نزون است.

زاویه دکلی نزون (←) و هم چنین زاویه ساعتی (←) اجرام آسمانی را نسبت به نصف النهار گرینویچ، همه ساله تعیین می‌نمایند تا برای محاسبات نجومی بکار رود.

(تصویر در صفحهٔ ۲۲۷)

سیستم مختصات افقی HORIZON SYSTEM

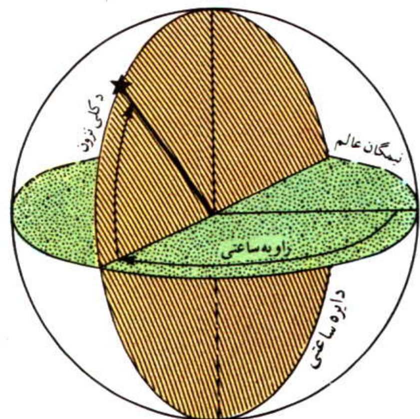
در این سیستم زوایای قائم و افقی را به وسیله زاویه‌یاب یا تئودولیت اندازه‌گیری کرده و همانطوریکه از نام آن پیداست، سطوح مختصات عبارتند از: افق ایستگاه و دایره قائم مارّ بر جسم آسمانی (مانند ستاره).

مختص طولی این سیستم ازیموت و مختص عرضی آن ارتفاع است (← ارتفاع ب) و نقطه مبداء آن نقطه شمالی است.

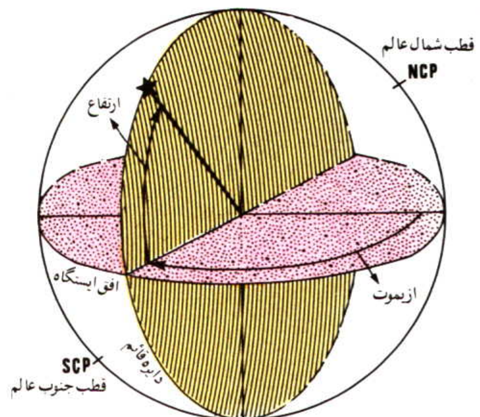
(تصویر در صفحهٔ ۲۲۷)

سیکل بروکنر BRUCKNER CYCLE

دورهٔ پدیده‌های طبیعی مختلف و آب و هواهای گوناگون را



تصویر مختصات استوائی



تصویر مختصات افقی

گویند. مانند دورهٔ تبدیل سال‌های گرم و خشک به سال‌ـ های سرد و مرطوب و یا دورهٔ نوسان‌های آب دریای خزر (از نظر ارتفاع سطح آب) دورهٔ این دگرگونی‌ها تا سال ۱۸۹۰ نا منظم پیش بینی می‌شد ولی پس از تجربیات و محاسباتی که به عمل آمده این دوره بطور متوسط حدود سی و پنج سال تخمین زده شد. بطور کلی سیکل این نوسانات بین ۵ تا ۵۰ سال برآورد شده است.

سیل (Sil) SEAL

پوسته‌ای با ضخامت تقریبا" ثابت از سنگ‌های آذرین که‌بین لایه سنگ‌های دیگر نفوذ کرده باشد.

سیل (Seyl) FLOOD

آب فراوانی که بر اثر بالا آمدن سطح آب رودخانه یا دریا و دریاچه سرزمینی را بطور ناگهانی و غیر عادی فرا گیرد. سیل به گونه‌های زیر ممکن است دیده شود:

الف ـ سیل رودخانه‌ای ـ سیلی است که بر اثرازدیاد حجم آب رودخانه و عدم تکافوی ظرفیت بستر آن، بالا آمده و اراضی پیرامون آن را فرا گیرد. معمولا" این گونه سیل‌ها پس از یک بارندگی شدید یا آب شدن یخ‌های رودخانه جریان می‌یابد. اصولا" هر رودخانه یک مسیل‌طبیعی دارد که در فصول پر آبی تحت پوشش قرار می‌گیرد و درواقع زیان و خسارتی به همراه ندارد، ولی اگر بستر رودخانه یا مسیل طبیعی آن به وسیله مواد رسوبی پر شود آب اضافی ناگزیر به اراضی اطراف پراکنده شده و خطرات جانی و خرابی‌های فراوانی را به همراه دارد.

ب: سیل دریاچه‌ای ـ این سیل معمولا" درپی بارندگی‌های استثنائی و غیر عادی رخ می‌دهد و بالطبع زمین‌های آبگیر پیرامون خود را تحت پوشش قرار می‌دهد.

پ: سیل دریائی ـ این سیل بر اثر وقوع توفان‌های شدید و شکستن دیوارها و آب بندها به وقوع می‌پیوندد.

ت: شکستن سد نیز یکی دیگر از عوامل وقوع سیل‌است، که یکی از خطرناکترین و حادثه بارترین سیل‌هاست، مانند شکستن سد فرژوس(فرانسه) در سال ۱۹۵۹.

سیلاب TORRENT/ FRESHET

رودانه‌ای که سیل در آن جریان داشته باشد و یا آب از آن به سرعت عبور کند.

سیلابکند (Seylābkand) DONGA

۱ـ شکافها و شیارهایی که به سبب جاری شدن سیل در روی زمین پدید آید.

۲ ـ نوعی آبکند که دارای دیواره‌های شیب دار باشد و سیلاب‌های شدید در آن جاری شود.

۳ ـ آبکندی که بر اثر فرسایش خاک پدید آید.

سیلابگیر (Seylābgir)

زمین پستی که سیلاب در آن جمع شود.

سیل بند CHANNEL STORAGE

دیواره‌ای که روی رودخانه‌های سیلابی ساخته می‌شود تا از جریان سیل جلوگیری نماید.

سیل بندی FLOOD CONTROL

کنترل سیل عبارت است از: عمل جلوگیری و ممانعت از

پراکندگی آب در زمینهای سیل‌گیر. این عمل ممکن است بیکی از شیوه‌های زیر انجام شود:
الف ـ مهار کردن جریان آب، با کاشتن درخت.
ب ـ ایجاد آبگیر مصنوعی و منحرف ساختن آبهای اضافی بدرون آن.
پ ـ دیواره سازی و بر گردانیدن آب به بستر اولیه.
ت ـ لایروبی و تخلیه رسوبات بستر اصلی، و تلاش در مستقیم نمودن مسیر جریان آب.

سیلرفت *(Seylroft)* PROLUVIUM
نهشت‌های حاصله از سیل‌های گل آلود را سیلرفت گویند.

سیل گیر SUBMERGIBLE
زمینی که سیل در آن جریان یابد.

سیل ناگهانی FLASH FLOOD
سیلاب کوتاه مدتی که بطور ناگهانی درون یک دره خشک جریان یابد. اینگونه سیلابها مخصوص مناطق خشک و کم بارانی است که رگبار شدید و کم دوامی در آن ببارد. این سیلابها در حین جریان مواد فراوانی با خود حمل کرده و بشکل آب گل آلود غلیظی، بستر خود را می‌پوشاند و اغلب احشام و حتی انسان را با خود می‌برد و زیانهای فراوانی از خود بجای می‌گذارد.

سیلورین SILURIAN
سومین دوره از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که مربوط به ۴۴۰ تا ۴۰۰ میلیون سال پیش است.
← ازمنه زمین شناسی

سیلیس SILICA
اکسید سیلیسیوم با فرمول SiO_2 که جسمی است مرکب از سیلیسیوم و اکسیژن که املاح آن را سیلیکات‌ها می‌نامند. سیلیس خالص سفید و یا بی رنگ است و در طبیعت بصورت آزاد و هم بصورت سیلیکاتها فراوان است. سیلیس آزاد معمولاً متبلور است و کوارتز از انواع آن محسوب می‌گردد. انواع سیلیس مورد استعمال فراوان دارد و مثلاً در ساختن شیشه و اسبابهای بصری و سفالگری و غیره بکار می‌رود.

سیلیس زدایی DESILICATION
زدودن سیلیس از خاک یک منطقه پر باران.

سیما SIMA
سنگ نسبتاً سنگینی که شامل بازالت بوده و در زیر سیال واقع شده است.
سیما که از ترکیب دو کلمه سیلیکون و منیزیم ساخته شده، دارای رنگی تیره است و سه برابر جرم مخصوص آب جرم دارد.
دانشمندان زمین شناس بر این گمانند که درونی‌ترین منطقه پوسته جامد زمین تماماً از سیما ساخته شده است.

سیماب MERCURY
← جیوه

سیمان CEMENT
مواد آهنی یا سیلیسی و یا آهکی که بوسیله آب روان ته‌نشین شده و در نتیجه آمیختن با رسوبات سستی چون شن و ماسه آمیزه سخت وبهم فشرده‌ای را بوجود آورده باشد. چسبنده‌های سیلیسی معمولاً تخته سنگ‌های سخت و مقاومی را پدید می‌آورند.

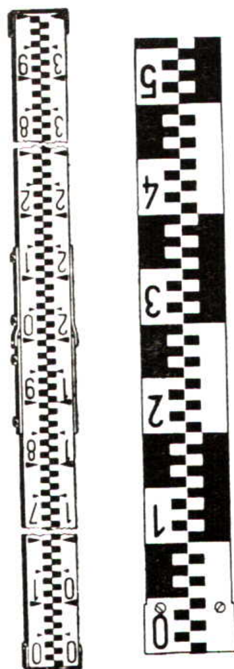


شاخابه INLET

پیشرفتگی کوچکی از آب دریا که در زبان فارسی گاه به آن خور یا خلیجک نیز گفته می‌شود .

شاخص ROD

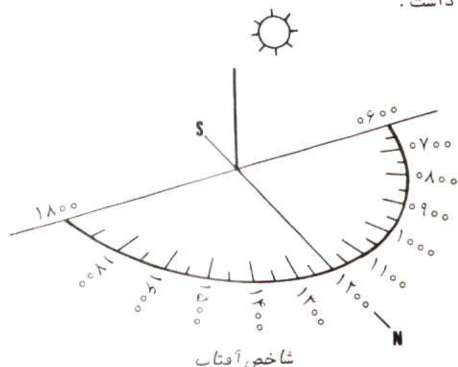
میله فلزی یا چوبی مدرجی که در نقشه‌برداری بکار می‌رود . از این وسیله که به آن میر یا شاخص مدرج نیز می‌گویند برای تعیین مسافت و اختلاف ارتفاع استفاده می‌شود . هم چنین برای اندازه‌گیری ارتفاع آب رودخانه‌ها در طی فصل‌های مختلف سال نیز بکار می‌رود .



شاخص

شاخص آفتاب SUN DIAL

هر ابزاری که برای تعیین زمان از طریق سایه خورشید مورد استفاده قرار گیرد شاخص آفتاب نام دارد . ساده‌ترین شاخص‌های آفتاب یا ساعت‌های آفتابی عبارت از دستک ساده‌ای است که بطور عمودی در یک زمین نسبتا "مسطح فرو برده شود . اگر سایه دستک مزبور را از طلوع تا غروب آفتاب دنبال کنیم و محل سایه سر دستک را روی زمین علامت ـ گذاری نمائیم و آنها را به هم وصل کنیم یک منحنی شبیه نیمدایره پدید می‌آید که اگر آن را به دوازده قسمت مساوی تقسیم نمائیم هر قسمت معرف یکی از ساعات روز در حد فاصل طلوع تا غروب آفتاب خواهد بود و بدیهی است محل زمان ظهر حقیقی نیز دقیقا" در وسط کمان مزبور جای خواهد داشت .



شاخص آفتاب

شاخص سر CEPHALIC INDEX

بخشی از مردم شناسی چهری ، که درباره تعیین شکل کاسه سر بحث می‌کند . برای تعیین این شاخص پهنای حداکثر کاسه سر را به درازای حداکثر آن تقسیم و حاصل را در عدد ۱۰۰ ضرب می‌کنند بر اساس این شاخص ، کاسه سرهائی که شاخص (C.I) آن ۷۵ یا کمتر باشد جزو گروه دراز سر ، و شاخص ۸۳/۱ و بیشتر جزو گروه پهن سر ، و شاخص میان دو دسته را جزو گروه میان سر محسوب می‌دارند .

شاخص سی .وی .پی C.V.P INDEX

شاخصی که رابطه میان آب وهوا ، روئیدنی‌ها وقابلیت بار ـ آوری خاک را بیان نماید . این شاخص که بویژه از نظر صنعت چوب در خور اهمیت است ، عواملی از قبیل میانگین درجه حرارت گرمترین ماههای سال ، میانگین گرمای سالانه ، میزان بارندگی ، تبخیر ، تعرق و طول مدت مناسب برای نمو گیاهان را مورد بررسی قرار می‌دهد .

شاخص مرکزیت CENTRALITY INDEX

شیوه‌ای است که بوسیله W.Christaller دانشمند جامعه شناس ابداع شده و اساس آن بررسی‌های اسکان جوامع بر مبنای خدمات تلفنی است . این شیوه به شرح فرمول $C = (t - \frac{PT}{p})$ بیان می‌شود که در این فرمول C شاخص مرکزیت ، t تعداد تلفن‌های شهری ، T تعداد کل تلفن‌های منطقه ، P جمعیت شهر و p کل جمعیت منطقه‌است .

شادورد *(Shādvard)* HALO

⟵ هاله

شار FLUX

در فارسی ریزش آب و در فیزیک ، مقدار سیال یا ذرات یا انرژی که در واحد زمان از یک سطح می‌گذرد .

شارستان

⟵ شهرستان

شارمند CITIZEN

⟵ شهروند

شاغول PLUMB LINE

ریسمانی که وزنه‌ای به انتهای آن آویخته باشد . اگر شاغول را از یک سر گرفته و از سر دیگر که وزنه به آن متصل است آن را رها سازند ریسمان در امتداد قائم و یا در امتداد کشش زمین قرار خواهد گرفت .

شالی PADDY

شلتوک برنجی که هنوز پوستش کنده نشده باشد .

⟵ برنج

شالیزار RICE FIELD

زمینی که در آن برنج کاشته باشند ، کشتزار برنج .

شامگاه EVENTIDE

۱ـ آغاز شب .

۲ـ زمان آغاز پیدایش تاریکی شب .

۳ ـ سر شب .

۴ـ هنگام شب .

شاهراه MOTORWAY

راه اتومبیل روی است که خطهای رفت و برگشت بوسیله پرچین و یا سکوب مخصوصی ، از یکدیگر جدا شده و راندن سریع وسایل نقلیه را امکان پذیر می‌سازد .

به این واژه در آلمان Autobahn در فرانسه Autoroutes در ایتالیا Autostrade و در امریکا Freeway گفته می‌شود .

شاهرود LARGE RIVER

رود عظیم و بزرگ ، شط .

شاهزاده نشین PRINCIPALITY

⟵ امیر نشین

شایورد *(Shāyvard)* HALO

⟵ هاله

شب NIGHT

حد فاصل میان غروب تا طلوع بعدی خورشید که معمولا "نیمی از یک شبانروز است .

⟵ شبانروز

شبادان *(Shabādan)*

یا شبادون و یا شبستان ، جایی که شب در آن آرام گیرند . این واژه در دزفول متداول است .

⟵ سرداب

شبانروز DAY & NIGHT

واحدی از زمان که کمابیش برابر دوره حرکت روزانه یا دوره حرکت وضعی زمین است . از نظر علمی شبانروز به انواع زیر تقسیم می‌شود :

الف ـ شبانروز نجومی ـ که فاصله زمانی میان دو عبور متوالی نقطه برابران بهاری از مقابل نصف النهار هر محل است و همچنین فاصله زمانی میان دو عبور متوالی یک ستاره از مقابل نصف النهار محل را نیز شبانروز نجومی می‌گویند. شبانروز نجومی به علت بی نظمی‌های حرکت زمین کاملا" ثابت نیست و در عرض یک قرن بطول آن ۱/۱ ثانیه افزوده می‌شود و مقدار کنونی آن ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴/۰۹۱ ثانیه است .

ب ـ شبانروز شمسی حقیقی ـ عبارتست از فاصله زمانی میان دو عبور متوالی مرکز خورشید از فراز نصف النهار هر محل، که مدت آن به دلیل حرکت انتقالی زمین به دور خورشید حدود ۴ دقیقه بلندتر از شبانروز نجومی است . چون شبانروز شمسی حقیقی متغیر است از این رو مقیاس مناسبی برای زمان نیست و ناگزیر از سیستم دیگری بنام شبانروز شمسی متوسط استفاده می‌شود .

پ ـ شبانروز شمسی متوسط ـ عبارتست از فاصله زمانی میان دو عبور متوالی مرکز خورشید فرضی از فراز نصف النهار هر نقطه . شبانروز شمسی متوسط به ۲۴ ساعت و هر ساعت به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه به ۶۰ ثانیه تقسیم می‌گردد .

اختلاف میان زمان شمسی حقیقی و زمان شمسی متوسط را تعدیل زمان می‌نامند .

ت ـ شبانروز عرفی ـ عبارتست از شبانروز شمسی متوسط که از نیمه شب آغاز می‌شود که به آن شبانروز رسمی نیز

می‌گویند و در واقع همان شبانروزی است که در تقویم‌ها قید شده است.

شبانروز خورشیدی SOLAR DAY
← شبانروز

شبانروز خورشیدی متوسط MEAN SOLAR DAY
← شبانروز

شبانروز عرفی CIVIL DAY
← شبانروز

شبانروز نجومی SIDEREAL DAY
← شبانروز

شبق *(Shabaq)* JET
نوعی زغال سنگ سیاه و سخت و متراکم که سطحی صیقلی و درخشان دارد.

شبکه NETWORK
دستگاهی از خطوط یا راهها و مجراها که همانند توری در هم بافته شده باشد. و نیز دستگاه یا گروهی که اجزای آن با یکدیگر مرتبطند. استعمال شبکه برای نمایش دادن روابط و نسبت‌های در هم پیچیده رواج بسیار دارد و در مسایلی از قبیل توپولوژی و هندسه نقش ارزنده و مهمی بر عهده دارد.
← شبکه بندی نقشه

شبکه الفبا شماری ALFA NUMERIC NET
شبکه قائم الزاویه‌ای در روی نقشه که یک ضلع آن با حروف الفبا و ضلع دیگر با شماره مشخص شده و برای سهولت در تعیین موقعیت نقاط روی نقشه بکار می‌رود. این شیوه بیشتر در اطلس‌ها و تهیه فهرست نام‌های جغرافیائی مورد استعمال دارد.

شبکه بندی ملی NATIONAL GRID
نوعی شبکه بندی نقشه که بر مبنای سیستم تصویر ترنسورز مرکاتور ترسیم شده باشد.

شبکه بندی نظامی MILITARY GRID
گونه‌ای شبکه بندی نقشه که بیشتر کاربرد نظامی دارد.
← شبکه بندی یو. تی. ام و یو. پی. اس

شبکه بندی نقشه MAP GRID
برای تعیین موقعیت و یا مختصات نقاط مختلف، از سیستم خاصی بنام شبکه بندی استفاده می‌شود که در واقع از تلاقی دو محور طولی و عرضی پدید آمده است. انواع شبکه‌بندی نقشه عبارتست از:
الف ــ شبکه‌بندی جغرافیائی ــ که از تلاقی مدارها و نصف‌ــ النهارها بوجود می‌آید.
ب ــ شبکه‌بندی قائم الزاویه که از تلاقی خطوط مستقیم و متعامد پدید می‌آید.
شبکه‌بندی نوع اول، بین المللی بوده و در تمام دنیا یکسان می‌باشد. مبداء نصف النهارات، نصف النهار گرینویچ، و مبداء مدارات، خط استواء می‌باشد و برای نقاط مختلف دنیا مختصات ثابتی بدست می‌آید.
شبکه‌بندی نوع دوم متغیر بوده و در نقشه‌ها و یا اطلسهای جغرافیائی جهت تقسیم نقشه به اجزاء کوچکتر و برای سهولت دریافتن نقاط مورد نظر در روی نقشه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بیشتر نقشه‌ها برای منظور فوق نیز از شبکه‌بندی جغرافیائی استفاده می‌نمایند و از شبکه‌بندی قائم الزاویه بیشتر در نقشه‌های شهری مقیاس بزرگ استفاده می‌شود.
← اندکس نقشه، عرض جغرافیائی، طول جغرافیائی.

شبکه بندی یو. پی. اس U.P.S
(UNIVERSAL POLAR STEREOGRAPHIC GRID)
شبکه‌بندی نقشه‌ای خاص مناطق محدود میان ۸۰ درجه عرض شمالی، تا قطب شمال و ۸۰ درجه عرض جنوبی، تا قطب جنوب، که مکمل شبکه‌بندی یو. تی. ام در سیستم تصویر قطبی است. اساس این سیستم ایجاد شبکه‌های قائم الزاویه صد کیلومتری در طرفین نصف النهار صفر و ۱۸۰ درجه است.

شبکه بندی یو. تی. ام U.T.M
(UNIVERSAL TRANSVERSE MERCATOR GRID)
شبکه‌بندی نقشه‌ای خاصی که مخصوص مناطق واقع در میان مدارهای ۸۰ درجه عرض شمالی و ۸۰ درجه عرض جنوبی است و در واقع مکمل سیستم تصویر ترنسورز مرکاتور بوده و اساس آن ایجاد شبکه‌های قائم الزاویه صد کیلومتری در شمال و جنوب خط استواء است.

شبنم DEW
شبنم یا ژاله عبارت از بخار آب اشباع شده‌ای است که با سرد شدن لایه‌های زیرین هوا بصورت قطره‌های آب روی برگ گیاهان، و یا اشیاء واقع بر سطح زمین پدیدار می‌شود.
هر چقدر رطوبت هوا بیشتر و درجه حرارت سطح زمین کمتر باشد بر میزان شبنم افزوده خواهد شد و برعکس.
لازمه ایجاد شبنم علاوه بر رطوبت کافی هوا و سردی لایه‌های

زیرین جو ، این است که هوا کاملا " آرام باشد تا هوای مرطوب مدتی ، در مجاورت سطح زمین سرد ثابت بماند .

شبه (Shabah) JET

← شبق

شبه جزیره PENINSULA

بخشی از خشکی که در آب پیش رفته و سه طرف آن را آب فرا گرفته باشد، مانند شبه جزیره عربستان .

شبه سیاره PLANETOID

← سیارکان

شبه کره SPHEROID

شکلی که از چرخش یک شکل هندسی شبه دایره حول یکی از قطرهای آن بدست آید.

شبه کره ترازمند EQUILIBRIUM SPHEROID

شکل هندسی فرضی کره زمین که بوسیله یک اقیانوس سراسری بدون جزر و مد پوشیده شده و ژرفای آن در همه جا ثابت و یکسان باشد .

شتاب ثقل ACCELERATION OF GRAVITY

شتاب سقوط آزاد یک جسم در خلاء از نقطه‌ای از سطح زمین یا مجاور آن .

شتاب ثقل را با حرف g نمایش می‌دهند و مقدارش در نقاط مختلف زمین کما بیش متفاوت است و با ازدیاد ارتفاع کاهش می‌یابد .

مقدار شتاب ثقل در قطب‌های زمین ۹/۸۳۲۱ متر در ثانیه و در نیمگان ۹/۷۷۹۹ متر در ثانیه است که مقدار متوسط آن طبق تعریف کمیسیون بین‌المللی اوزان و مقیاس ها ۹/۸۰۶۶۵ متر در ثانیه می‌باشد که معمولا " آن را معادل ۹/۸۰ و یا ۹/۸۱ متر در ثانیه منظور می‌کنند .

شجام INTENSE COLD

سرمای سخت و شدیدی که درختان را خشک کند .

← زمهریر

شجری (Shajari) DENDRITIC

هر چیزی که دارای شکلی شبیه درخت یا بوته باشد . مانند زهکشی شجری و یا شکل ظاهری پاره‌ای سنگها و کانی‌ها .

شخانه (Shakhāneh) METEOR

← شهاب

شخسار (Shakhsār)

۱ـ جائی که درختان انبوه در آن روئیده باشد .

۲ـ زمین سخت و نا هموار در دامنه کوه سنگلاخ .

شخم PLOUGH

شیارهائی که برای زراعت در زمین ایجاد کنند .

شدت میدان FIELD DENSITY

در فیزیک ، نیرویی که یک میدان الکتریکی ، میدان مغناطیسی و یا یک میدان گرانشی را مشخص می‌کند .

شدت میدان گرانشی عبارتست از نیروی وارد بر واحد جرم واقع در آن نقطه و شدت میدان مغناطیسی در یک نقطه عبارتست از نیروی وارد بر واحد جرم مغناطیسی شمالی واقع در آن نقطه.

شدت و بزرگی زمین لرزه

INTENSITY & MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE

امواج حاصل از ارتعاشات زمین لرزه بر حسب نزدیکی و یا دوری نقاط مختلف از محل وقوع ، اثرات متفاوت از خود بجای می‌گذارند . بدین ترتیب که ساکنین زمین هر چه از محل وقوع زلزله دورتر باشند ، زمین لرزه را خفیف‌تر حس می‌کنند تا جایی که جز لرزه نگارهای حساس دیگر کسی قادر به احساس ارتعاشات مزبور نمی‌گردد و به همین جهت شدت زمین لرزه را در نقاط مختلف با اعداد مختلف نشان می‌دهند .

برای توصیف شدت زلزله ، مقیاس‌های گوناگونی وجود دارد که مهمترین آنها مقیاس یا درجه مرکالی است .

باید توجه داشت که شدت زلزله که در واقع توصیف اثرات تخریبی آن در نقاط مختلف است ، با بزرگی زمین لرزه که در ارتباط با مقدار انرژی آزاد شده بیان می‌گردد ، متفاوت است .

از آنجائیکه نقاط مختلف زمین از نظر ساختمان زمین‌شناسی و خواص فیزیکی سنگها یکنواخت نیستند و از طرفی نیروهای بوجود آورنده‌ٔ زمین لرزه از لحاظ کمیت و کیفیت ، جهت و نحوه عمل بسیار متفاوتند و از سوی دیگر آزاد شدن انرژی و بویژه موقعیت کانون‌های زمین لرزه برای هر زلزله خاص آن زمین لرزه می‌باشد ، از این رو زلزله‌شناسان علاوه بر شدت زمین لرزه که در ارتباط با اثرات تخریبی زلزله می‌باشد، برای ارزیابی و بیان قدرت زلزله ناگزیر از کاربرد اصطلاح دیگری بنام بزرگی زمین لرزه می‌باشند .

بطور کلی بزرگی یک زلزله ، (این واژه ، نخستین بار در سال ۱۹۳۵ به وسیله C.F.Richter بجای شدت زمین لرزه به کار رفته است) با مقدار انرژی که آزاد می‌کند اندازه‌گیری می‌شود و واحد آن ریشتر می‌باشد . یکی از ویژگی‌های بزرگی

زلزله این است که تفاوت درجات بزرگی زمین‌لرزه لگاریتمی است. بدین معنی که افزایش یک واحد، ده برابر بر دامنه امواج زمین لرزه می‌افزاید. بطور مثال زلزله‌ای به بزرگی ۸ ریشتر ده هزار بار قوی‌تر از زلزله‌ای به بزرگی ۴ ریشتر است.
(۱۰۰۰۰ = ۱۰ × ۱۰ × ۱۰ × ۱۰)
← درجه ریشتر و درجه مرکالی

شرشره *(Shorshoreh)* CASCADE
دسته‌ای از آبشارهای کوچک پله کانی شکل. معمولاً شرشره‌ها بطور مصنوعی ایجاد می‌گردند.

شرق EAST
← چهار جهت اصلی

شرق اقصی FAR EAST
← خاور دور

شرق دور FAR EAST
← خاور دور

شرق نزدیک NEAR EAST
← خاور نزدیک

شرق وزان *(Sharq vazān)* EASTERLY
بادهایی که از جانب خاور می‌وزند، مانند شرق وزان‌های قطبی که بادهای شدید بسیار سردی هستند که از فرابارهای قطبی به جانب نواحی معتدله می‌وزند. به سبب چرخش زمین، وزش آنها عموماً در نیمکره شمالی از شمال خاوری و در نیمکره جنوبی از جنوب خاوری است. سطح فاصل بین شرق وزان و بادهای غالب (غرب وزان) نواحی دارای عرض جغرافیائی نسبتاً کم موسوم به جبهه قطبی است.

شرق وسطی MIDDLE EAST
یا شرق میانه ← خاور میانه

شست و ساب *(Shostosāb)* ABRASION
سائیدگی قسمتی از پوسته زمین به علت عواملی مانند آب و باد و یخبندان.

شط LARGE RIVER
لفظ عربی به مفهوم رودخانه بزرگ که بیشتر در عراق متداول است ولی در کشورهای دیگری مانند کشورهای شمال افریقا از این واژه به معنی دریاچه نمکی وامثال آن استفاده می‌شود.

شعبان
یا شعبان المعظم، نام هشتمین ماه در تقویم هجری قمری. شب پانزدهم شعبان را شب برات یا لیله البرات می‌نامند.

شعرای یمانی *(Sha'rāy-e-yamāni)* SIRIUS
ستاره آلفا از صورت فلکی سگ بزرگ که درخشانترین ستاره آسمان زمین است.
ستاره شعرای یمانی از ستارگان سفید رشته اصلی (← غول پیکران و کوتوله‌ها) است. درخشندگی ظاهری آن ناشی از نزدیکی آن به خورشید (فاصله‌اش از خورشید ۸/۷ سال نوری است) می‌باشد و از جمله ستارگان دوتایی محسوب می‌گردد. این ستاره ۲۷ بار از خورشید درخشانتر است و نزدیکترین ستاره به منظومه خورشیدی بشمار می‌آید و بهمین جهت درخشانترین ستاره آسمان زمین محسوب میگردد.

شفق EVENING TWILIGHT
نوری که تا مدتی پس از غروب خورشید از آسمان به زمین می‌تابد. در مقابل شفق، فلق یا فجر قرار دارد که آن نوری است که از مدتی پیش از طلوع خورشید به زمین می‌تابد.
پدیده‌های شفق و فجر از لحاظ تعیین وقت نمازهای صبح و شام در میان مسلمانان اهمیت دارد. هنگام صبح، ابتداء نور بشکل ستون روشن باریکی پدید می‌آید که آن را صبح کاذب یا فجر کاذب می‌نامند. پس از آن صبح صادق می‌آید که نخست بشکل خط سفید ضعیفی است، و بتدریج بزرگتر می‌شود و بصورت هلالی در امتداد افق نمایان می‌گردد که این همان وقت نماز صبح است. چگونگی شفق نیز بر همین گونه است منتها برخلاف ترتیب مذکور.

شفق جنوبی AURORA AUSTRALIS
← سپیده جنوبی

شفق جوی AURORA
← سپیده جوی

شفق شمالی AURORA BOREALIS
← سپیده شمالی

شفق قطبی AURORA
← سپیده جوی

شکاف FISSURE
در اصطلاح زمین شناسی و معدن شناسی، ترک یا شکستگی طویل. در این اصطلاح، معمولاً ترک یا درزه‌ای را که طولش تا حدود چند متر باشد شکاف نمی‌خوانند.

شکافت *(Shekāft)* CLEAVAGE
تخته سنگی که تحت تاثیر فشار زیاد شکافته شده و به لایه‌های نازکی تبدیل شده باشد. شناختن شکافت از نظر استخراج معدن، دارای اهمیت فراوان است.

شکاف یخی CREVASSE

شکافهای عمیق یخچالهای طبیعی که ممکن است عرضی و یا طولی باشند. نمونه‌ای از اینگونه شکافها را در محل تبدیل یخچال به یخشار می‌توان مشاهده نمود.

شکست REFRACTION

یا انکسار، شکستن موج هنگام عبور از محیطی به محیط دیگر که در آن، سرعت انتشار موج با سرعت آن در محیط اول متفاوت است. در مورد نور، شعاعی که از محیط اول برمرز دو محیط می‌تابد شعاع تابش و شعاع حاصل از شکست را شعاع شکست می‌نامند. ستارگان به علت شکست‌های متوالی نورآنها در طبقات جو، بالاتر از محل واقعی خود دیده می‌شوند. پدیده‌هایی چون سراب و رنگین کمان نیز ناشی از شکست و بازتاب کلی است.



شکست

شکست جوی ATMOSPHERIC REFRACTION

انحراف شعاعهای تابنده‌ازاجرام آسمانی هنگام عبورآنها از لایه‌های جوزمین علت‌وقوع این پدیده اختلاف سرعت نور در خلاء و هوای زمین است. پدیده شکست جوی باعث می‌گردد که ستارگان بالاتر از محل واقعی خویش دیده شوند.

شکن BREAKER

موجی از آب که بدلیل کمی عمق سواحل و مالش آب به زمین، به کف تبدیل گردد. همچنین موجی که بدلیل برخورد به تخته – سنگهای کرانه دریا و یا سایر اجسام سخت ساحلی شکسته شود.

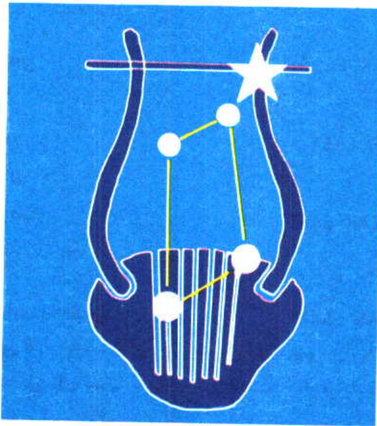
شلکا *(Shelkā)* OOZE

تهنشست‌های دریائی بسیار نرمی که در اعماق اقیانوسها انباشته شده‌واز بقایای موجودات دریائی و غبارهای آتشفشانی که بوسیله باد حمل گردیده‌اند تشکیل یافته باشد. این مواد که گل مایع نیز نام دارند بر دو نوعند: آهکی و سیلیسی. بطور کلی شلکا خیلی به کندی ته نشین می‌شود، بطوریکه حدود بیست هزار سال لازم است تا ۲/۵ سانتیمتر آن ته نشین گردد. بنابر آزمایش‌هائی که بعمل آمده‌است کلفتی شلکای کف اقیانوس اطلس حدود ۳۷۰۰ متر است که برای ته نشین شدن آن زمانی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون سال لازم است.

شلیاق *(Shalyāq)* LYRA

صورت فلکی نسبتا" کوچکی مشتمل بر عده‌ای از جالب‌ترین اجرام آسمانی که ستاره نسر واقع جزو آنست. این ستاره بعد از ستاره شعرای یمانی درخشان‌ترین ستاره آسمان زمین به شمار می‌آید.

رگبارهای شهابی صورت فلکی شلیاق مشهورند.



شلیاق

شمال NORTH

← چهار جهت اصلی

شمال جغرافیائی GEOGRAPHICAL NORTH

← شمال حقیقی

شمال حقیقی TRUE NORTH

امتداد نصف النهار هر نقطه رو به سمت قطب شمال زمین را شمال حقیقی یا شمال جغرافیائی آن نقطه می‌نامند.

شمال شبکه قائم الزاویه GRID NORTH

اگر به شبکه جغرافیائی که از تلاقی نصف‌النهارها و مدارهای نقشه پدید می‌آید توجه کنیم مشاهده می‌شود که خطوط مزبور منحنی بوده و چهارضلعی های حاصله دارای شکل و اندازه‌های متفاوت هستند. برای برطرف ساختن این مشکل، از شبکه‌بندی خاصی بنام شبکه بندی قائم الزاویه که در نتیجه تلاقی خطوط مستقیم و متعامدی بوجود می‌آید استفاده می‌گردد. در چنین حالتی امتداد شمالی محورهای شبکه مزبور را شمال

شبکه قائم الزاویه می‌نامند .

شمالگان ARCTIC
مناطق ، آبها و یا هر چیزی که منسوب به قطب شمال کره زمین باشد ، مانند مدار شمالگان (مدار قطب شمال) دریای شمالگان (دریای قطب شمال) و یانواحی شمالگان یعنی نواحی قطب شمال واژه شمالگان گاه به معنی اخص نواحی شمالگان نیز به کار رفته است .

شمال مغناطیسی NORTH MAGNETIC POLE
← قطب مغناطیسی

شن *(Shen)* GRAVEL
سنگ ریزه‌های مدوری از نوع مواد رسوبی که معمولا" با مواد نرمتری مانند ماسه و رس همراه است .
اندازه قطر شن معمولا" ۲ تا ۱۰ میلی متر است .

شنازی *(Shenāzi)* NEKTON
جانوران و یا گیاهانی که بصورت شناور در لایه‌های سطحی آب دریا زندگی می‌کنند .
این جانوران دریائی نسبتا" بزرگ و دارای فعالیت شناگری بسیار هستند .

شناوه *(Shenāveh)* BUOY
جسم شناوری که بوسیله ریسمان یا کابل و یا زنجیر و امثال آن به کف بستر دریا و دریاچه و مانند آن متصل باشد و موقعیت خاصی را مشخص سازد .
از شناوه برای مشخص نمودن خط مرز در دریاچه‌های مرزی و یا گذرگاه‌های قابل کشتیرانی در سواحل وبندرگاهها وامثال آن استفاده می‌شود .

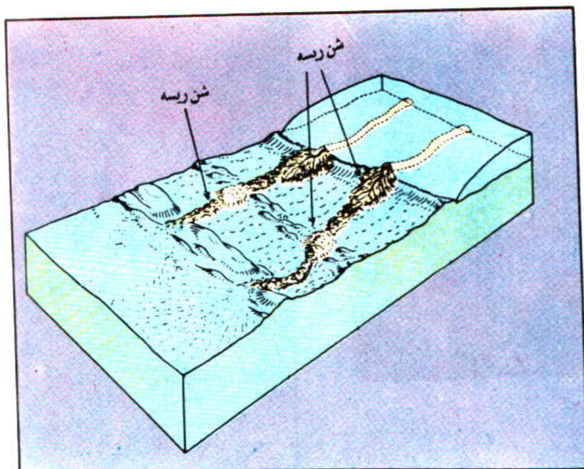
شن ریسه *(Shen riseh)* ESKER
رشته باریکی از شن و ماسه که قبلا" بستر جویباری بوده و در زیر برف و یخ مدفون شده و سپس با آب شدن آن‌ها دوباره آشکار گردیده باشد .

شن زار SANDY
زمین و یا بیابان پر شن .

شورا *(Shurā)* SALINITY
← درجه شوری آب

شور بوم *(Shur bum)* SALT LAND
یا شوره بوم ، زمین شوره‌ای که در آن چیزی بعمل نیاید .
← شوره زار

شور خاک SALINE SOILS
نوعی خاک که با مقدار قابل توجهی نمک بویژه املاح سدیم همراه باشد . این گونه خاک بیشتر در مناطق کویری گرم که تبخیرآب درآن زیاد است دیده می شود .آب این اراضی براثر خاصیت لوله‌های موئین از طبقات زیر بسطح خاک منتقل شده و سپس تبخیر می‌گردد و پوسته خاکستری رنگی در روی سطح زمین پدید می‌آورد .



شن ریسه

SALTPETER
شوره
نیترات طبیعی پتاسیم که به‌آن شوره قلمی نیز می‌گویند . جسمی است سفید و متبلور مرکب از پتاسیم ، نیتروژن و اکسیژن . شوره در آب محلول است و در صنعت باروت سازی بکار می‌رود و علاوه بر آن در کبریت سازی و نگهداری مواد غذایی و هم چنین در امور پزشکی کاربرد دارد .

SALT-FLAT
شوره زار
۱ـ زمینی که دارای شوره باشد .
۲ـ زمین پر از شوره‌ای که گیاه در آن نروید .

WASHOUT
شویش *(Shuyesh)*
← آب بردگی

METEOR
شهاب
جرم جامدی که از فضای خارج وارد جو زمین گردیده و به علت مقاومت هوا و مالش با ذرات جو داغ و مشتعل می‌گردد و بصورت جرم شعله‌وری بنام شهاب به چشم دیده می‌شود. معمولا " سرعت این اجرام که حدود ۸۰ کیلومتر در ثانیه است ، در فاصله‌ٔ ۱۵۰ تا ۸۰ کیلومتری زمین به حالت اشتعال در آمده و در فاصله ۸۰ کیلومتری به پائین سوخته و نابود می‌گردند. اصولا " بررسی‌های مربوط به سرچشمه و منشاء شهابها تا کنون بجائی نرسیده و نتایج مفیدی بدست نیامده است. بیشتر این اجرام کوچک بوده و با ورود به جو زمین آنچنان شعله‌ور و کوچک و کوچکتر می‌شوند که اغلب جز غباری از آنها سطح زمین نمی‌رسد . مع الوصف گاهگاه اجرام بزرگتری نیز جذب زمین می‌شوند که به آنها سنگ آسمانی می‌گویند .
← سنگ آسمانی

FALLING STAR
شهاب ثاقب
← نیز شهاب

METEORITE
شهاب سنگ
← سنگ آسمانی

LITHOMETEOR
شهابگرد *(Shahābgard)*
ذرات گرد و غبار موجود در فضا و هم چنین ذرات دود معلق در فضا .

METEOROID
شهابوار *(Shahābvār)*
کلیه سنگهای آسمانی قبل از ورود به جو زمین .

شهبندر *(Shahbandar)*
۱ـ بندرگاه بزرگ .
۲ـ بندر آزاد . ۳ـ رئیس بندر.


شهاب

CITY
شهر *(Shahr)*
مناطق مسکونی خیلی بزرگ را گویند . اصطلاح City در پاره‌ای کشورهای اروپائی زمانی بکار می‌رود که شهر قدیمی بوده و از نظر مسیحیت دارای کلیسا و اسقف باشد . ضمنا "

به مناطقی که دارای انجمن شهر و شهرداری باشند نیز، گفته می‌شود.

شهربانی POLICE
اداره‌ای که وظیفه حفظ امنیت شهر و استقرار نظم و تعقیب بزهکاران را بر عهده داشته باشد. شهربانی قاعدتاً تابع وزارت کشور است.

شهر بند *(Sh-band)*
باروی شهر، حصار شهر، دیوار دور شهر.

شهرداری MUNICIPALITY
اداره‌ای که در هر شهر برای پاکیزه نگهداشتن خیابان‌ها و کوچه‌ها و مواظبت پارک‌ها و تأمین روشنائی و تقسیم آب و غیره دایر است و تحت نظر انجمن شهر انجام وظیفه می‌کند.

شهر ریختشناسی URBAN MORPHOLOGY
بررسی‌های منظم و سیستماتیک شکل و ریخت یک شهر.

شهرسازی URBANISME
(مأخوذ از کلمه لاتین Urbs بمعنی شهر).
کنگره بین المللی معماران جدید در سال ۱۹۳۵ "منشور آتن" را بوجود آورد. از سال ۱۹۴۱ به بعد این منشور در فرانسه منتشر و معمول گردید. این منشور چهار عمل یا وظیفه شهر را مدون کرده و باین ترتیب چهارچوب مطالعات شهرسازی را مشخص ساخته‌است.
۱ـ شهر باید برای مردم مسکن سالم آماده کند. (فضا، هوای صاف و خالص و آفتاب).
۲ـ محلهای کار را طوری سازمان دهد که فعالیت انسانی طبیعی در آنجاها امکان پذیر باشد.
۳ـ تأسیسات ضروری برای تفریح را پیش‌بینی کند که بتوان از ساعات فراغت بخوبی استفاده کرد.
۴ـ ایجاد شبکه حمل و نقل بطوریکه محل کار و سکونت و تفریح را بهم ارتباط دهد.

شهرستان TOWNSHIP
قسمتی از تقسیمات کشوری که معمولاً از چند بخش تشکیل یافته و خود قسمتی از یک استان یا فرمانداری کل است. حاکم شهرستان را فرماندار می‌گویند.
تا قبل از سال ۱۳۱۶ هجری شمسی که قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید، بجای شهرستان از واژه ولایت استفاده می‌شد.

شهرک TOWN
منطقه مسکونی که تراکم ساختمانها و جمعیت آن بیشتر از یک دهکده و کمتر از یک شهر باشد.

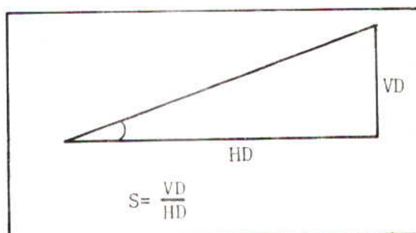
شهر میلیونی MILLIONAIRE CITY
شهری که جمعیت آن یک میلیون نفر یا بیشتر باشد.

شهروند *(Sh-vand)* CITIZEN
کسی که در شهر زندگی می‌کند و از حقوق و مزایای مدنی برخوردار است.

شهری URBAN
هر چیزی که به شهر بستگی داشته باشد و از نظر شهری مورد بررسی قرارگیرد و به شاخه‌ای از جغرافیای شهری وابسته باشد.

شهریور
مقتبس از واژه پهلوی شتریور به مفهوم کشور برگزیده و فرشته نگهبان فلزات، و نام ششمین ماه در تقویم رسمی ایران و چهارمین روز هر ماه خورشیدی. واژه شهریور عیناً بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته است و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی بنام ششمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است.

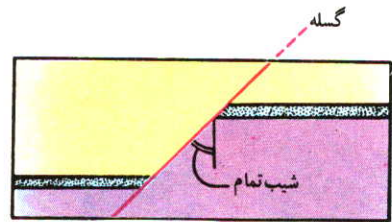
شیب SLOPE
میزان سر بالائی یا سرازیری زمین را شیب زمین می‌گویند. بطور کلی شیب هر امتداد عبارتست از نسبت اختلاف ارتفاع میان دو نقطه ابتدائی و انتهائی امتداد مزبور (VD) به فاصله افقی میان همان دو نقطه (HD).
شیب هر امتداد را بیکی از طرق زیر محاسبه می‌کنند:
الف ـ شیب نسبی. ب ـ شیب درصد. پ ـ زاویه شیب.



شیب

شیب تمام HADE
زاویه میان سطح یک گسله و خط قائم. (تصویر در صفحه ۲۳۸)

شیب سنج CLINOMETER
شیب سنج دستگاهی است مکانیکی که برای اندازه‌گیری زاویه



شیب تمام

شیب امتدادهای روی زمین بکار می‌رود. این دستگاه در انواع گوناگونی ساخته می‌شود که نوعی از آن زاویه شیب را بر حسب واحدهای قوسی یا زاویه‌ای (مانند درجه یا گراد) و دسته دیگر زاویه شیب را بر حسب واحدهای خطی و بصورت چند در صد اندازه می‌گیرند.

شیب کوه MOUNTAIN SLOPE

← شیب

شیشه آتشفشانی OBSIDIAN

سنگ آذرینی با حدود ۶۵ درصد سیلیس که ظاهرا "به شیشه‌ای کدر و تار شباهت دارد.

شیلات FISHERY

سدی که در کرانه‌های دریای خزر بویژه در گیلان از چوب در عرض رودخانه‌ها می‌بندند و از آن برای بدام انداختن ماهی و صید آن استفاده می‌کنند.



صادرات EXPORTS

اجناسی که تحت عنوان اقلام تجارتی بخارج از یک کشور صادر می‌شود . بطور کلی صادرات بر دو نوعست ، صادرات مرئی مانند گندم ، ماشین آلات وامثال آن وصادرات نامرئی مانند دریافت حق ترانزیت بیمه و جهانگردی .

صادرات نامرئی INVISIBLE EXPORTS

اقلامی که بصورت فروش خدمت به کشورهای بیگانه ارائه شود صادرات نامرئی نام دارد . مانند درآمدهائی که به عنوان دریافت حق عبور از کالاهای ترانزیت دریافت می‌شود یا عوایدی که از راه حمل کالا بوسیله سرویس‌های کشتیرانی ملی بدست آید و یا درآمدهائی که ازراه جهانگردی دریافت شود.

صاعقه LIGHTNING

← آذرخش

صبح صادق

لحظاتی است پس از صبح کاذب یا فجر کاذب که روشنی خورشید بشکل خط سفید ضعیفی در افق پدیدار می‌شود و بتدریج بزرگتر می‌گردد و بصورت هلالی در امتداد افق در می‌آید که این نشانه وقت نماز صبح است .

← شفق

صبح کاذب

لحظاتی از روز که نور خورشید بشکل ستونی روشن و باریک در افق ظاهر می‌شود و لحظاتی پس از آن صبح صادق آغاز می‌گردد .

← شفق

صحرا DESERT

← بیابان

صحرادار

کشاورزی که قسمتی از زمین واقع در بیابان یا صحرا را زراعت کند . این اصطلاح در خراسان متداول است .

صخره CLIFF

← تندان

صخره آبی REEF

← آبسنگ

صخره‌های آتشفشانی IGNEOUS ROCKS

← سنگهای آذرین

صفر مطلق ABSOLUTE ZERO

دمایی که در آن حجم یک گاز کامل صفر می‌شود . بر طبق محاسبات فیزیکی دمای صفر مطلق ۲۷۳/۱۶- درجه‌سانتیگراد است . این دما پست‌ترین دمایی است که ممکن است به آن رسید . و بهمین جهت صفر منطقی درجه بندی دما در درجه بندی کلوین می‌باشد . سابقا " بر این گمان بودند که در دمای صفر مطلق هرگونه جنبش مولکولی متوقف می‌گردد ولی مکانیک کوانتوم و پاره‌ای بررسی‌های ریاضی و فیزیکی نشان می‌دهد که در دمای صفر مطلق مقداری انرژی جنبشی موسوم به انرژی صفر مطلق در ماده باقی می‌ماند .

← دمای مطلق

صلیب جنوبی SOUTHERN CROSS

مجموعه‌ای مرکب از چهار ستاره واقع در نیمکره جنوبی که به شکل صلیب یا یک لوزی قرار گرفته وبلندترین قطر آن متوجه قطب جنوب است . اگر امتداد قطر مزبور را ۴/۵ برابر قطر کوچک رو بسمت جنوب امتداد دهند به نقطه قطب جنوب می‌رسند .

از این ستارگان همانند ستارگان دب اکبر و دب اصغر واقع در نیمکره شمالی برای جهت یابی درنیمکره جنوبی استفاده می‌شود .

صمغ GUM

مایع کم و بیش لزج و چسبناکی که از برخی درختان به خارج ترشح می‌شود و در مجاورت هوا منجمد شده سختی مخصوص پیدا می‌کند و در صنعت از آن استفاده می‌شود .

پاره‌ای از صمغها در آب حل می‌شوند و برخی که در آب حل نمی‌گردند مقدار زیادی آب جذب کرده و در نتیجه باد می‌کنند .

صمغ عربی ARABIC GUM

اصطلاحی برای هر یک از مواد کولوئیدی متعدد ، که از بعضی گیاهان ترشح یا از آنها استخراج می‌شود .

صمغ عربی از صمغ های قابل حل شدن در آب است ، و از اقسام اقاقیا خاصه اقسام افریقائی بدست می‌آید . رنگش از سفید تا سرخ تغییر می‌کند .

صنعت INDUSTRY

در اصطلاح اقتصاد ، اقدام تولیدی ، بخصوص ساختن اشیاء یا اقدام در تهیه بعضی از خدمات (از قبیل حمل ونقل و ارتباطات) که سرمایه و نیروی کار نسبتا" بزرگی را بکار می‌گیرد . اصطلاح صنعت گاه به عنوان اسم جمع به فعالیتهای تولیدی یک کشور یا یک منطقه بطور کلی ، و گاه در مورد فعالیتهای مربوط به یک رشته خاص تولیدی (مثلا" صنعت فولاد سازی) بکار می‌رود .

صوت *(Sowt)* SOUND

امواج متناوب طولی تراکم و رقت که در محیط ماده قابل ارتجاعی اعم از جامد یا مایع یا گازی منتشر و منتقل گردد .

صورت فلکی CONSTELLATION

مجموعه‌ای از ستارگان که بر حسب ظاهر شکل خاصی برای آنها قائل شده و هر یک را بر حسب شکل مربوط نامگذاری کرده‌اند .

سابقه نامگذاری صورتهای فلکی بسیار قدیمی است ولااقل به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد که نخست به یونانیان و سپس به رومیان منتقل شده و آنها به مناسبت‌هائی اسامی قهرمانان و اشخاص و موجودات اساطیری و یا جانوران عادی را برآنها نهاده‌اند . عربهای قبل از اسلام طریقه دیگری برای تشخیص صورتهای فلکی داشته‌اند ولی بعد از اسلام بتدریج صورتهای یونانی را اقتباس واختیار کرده‌اند . بطورکلی تعداد صورتهای فلکی آسمان ۸۸ عدد است که از جمله مهمترین آنها صورتهای جبار ، سرطان ، قنطورس ، قوس ، عقرب ، حمل ، سنبله ، دب اکبر ، دب اصغر ، دلو و میزان وغیره را می‌توان نام برد .

صورتهای نجومی CONSTELLATION

← صورت فلکی

صور ماه *(Sovar-e-māh)* PHASES OF THE MOON

← اهله قمر



ضد یخ ANTIFREEZING SOLUTION
ماده‌ای که آن را به مایعی می‌افزایند تا نقطه انجماد مایع را پائین آورد.

ضریب انبساط COEFFICIENT OF EXPANSION
نسبت ازدیاد طول یا سطح یا حجم یک جسم بازاء یک درجه افزایش دما به طول یا سطح و یا حجم اولیه آن.
ضریب انبساط سطحی دو برابر و ضریب انبساط حجمی سه برابر ضریب انبساط خطی است.

ضریب انبوهه نگاری DEMOGRAPHIC COEFFICIENT
ضریبی که میزان جمعیت آینده هر منطقه را تعیین نماید. مانند ضریبی که در فرمول C=dR بکار رفته است. در این فرمول C عبارتست از ضریب جمعیت، d تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع و R روند افزایش خالص جمعیت.

ضریب انکسار INDEX OF REFRACTION
ضریب انکسار (مطلق) یک محیط عبارتست از نسبت سرعت نور در خلاء به سرعت نور در آن محیط.
ضریب انکسار یک محیط نسبت به محیط دیگر عبارتست از نسبت ضریب انکسار اولی به ضریب انکسار دومی و برابر نسبت سرعت نور در محیط دوم به سرعت آن در محیط اول می‌باشد. ضریب انکسار یک محیط نسبت به هوا تقریباً" مساوی ضریب انکسار مطلق آن محیط است.

ضریب بارانسنجی PLUVIOMETRIC COEFFICIENT
مقدار متوسط بارندگی یک منطقه در یک مدت معین (مثلاً" یک ماه) که بر حسب درصد بارندگی عادی آن منطقه بیان می‌شود. توضیح اینکه بارندگی عادی، مقدار ریزش متوسط سالیانه‌ای است که بطور یکسان در بین تمام ماههای سال تقسیم شده باشد. بطور مثال فرض کنیم ریزش متوسط سالیانه در ایران ۳۵ سانتیمتر و متوسط بارندگی ماهانه در فروردین ۴ سانتیمتر باشد، در اینصورت ضریب بارانسنجی (P.C) فروردین ماه عبارتست از:

$$\frac{۳۵}{۳۶۵} \times ۳۱ = ۲/۹۷$$

$$P.C = \frac{۴}{۲/۹۷} = ۱/۳۵$$

ضریب بازتاب ALBEDO
ضریب بازتاب یا نسبت میان تمام اشعه‌هایی که توسط خورشید بر یک سطح تابیده می‌شود به آن مقدار از اشعه‌هایی که از سطح مزبور منعکس می‌گردد. این مقدار بر حسب درصد بیان می‌شود. بطور کلی، ضریب بازتاب کره زمین بطور متوسط حدود ۴۰ درصد است. باین معنی که کره زمین بطور متوسط ۴۰ درصد از اشعه‌ای که از خورشید دریافت می‌دارد بخارج منعکس می‌سازد. ضریب بازتاب برای مواد مختلف متفاوت است، بطور مثال ضریب بازتاب خاک تیره ۳ درصد و برف ۸۵ درصد و آب ۲ درصد است.

ضریب تلاشی DISINTEGRATION COEFFICIENT
تقلیل نسبی تعداد اتم‌های یک ماده رادیواکتیو در یک ثانیه.

ضریب جمعیت شناسی DEMOGRAPHIC COEFFICIENT
← ضریب انبوهه نگاری



طاقزمین GEOANTICLINE / GEANTICLINE

← تاقزمین

طایفه TRIBE

گروهی از مردم که دارای سرزمین واحد، لهجه‌ای مشترک و فرهنگ و راه و رسم زندگی یکسان و نسبتا "یکنواختی باشند.

طبقات طیفی SPECTRAL CLASSES

تقسیماتی که برای ستارگان یا ثوابت برحسب مشخصات طیفی آنها قایل شده‌اند.

ستارگان را به ده طبقه طیفی تقسیم می‌کنند و این طبقات رابرحسب تنزل دما به ترتیب با حروف O ، B ، A ، F ، G ، K ، M ، R ، N و S نمایش می‌دهند. و هر یک از طبقات را نیز به نوبه خود به ده طبقه جزء تقسیم کرده و آنها را با ارقام ۰، ۱، ۲، ۳، . . . و ۹ شماره گذاری می‌کنند مانند G_1 ، K_0 و F_2.

طبقه برگردان REVERSING LAYER

نخستین طبقه از طبقات جو خورشید واقع میان رخشانکره و رنگینکره، که ضخامتش احتمالا "از چند صد کیلومتر بیشتر نیست و دمای آن از رخشانکره کمتر است.

این لایه شامل اجسام بسیط به‌حالت گازی یا بخاری می‌باشد.

طبقه بندی بادها WINDS CLASSIFICATION

← طبقه بندی بوفورت

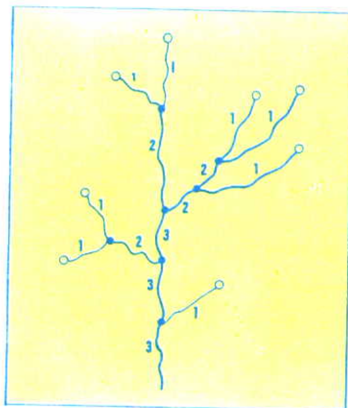
طبقه بندی بوفورت BEAUFORT SCALE

جدولی است که بوسیله ادمیرال فرانسیس بوفورت درآغاز قرن نوزدهم تنظیم گردیده و بوسیله آن انواع بادها از نظر شدت و مدت از یکدیگر متمایز شده‌اند. فرانسیس بوفورت بر اساس این سیستم حد فاصل میان هوای صاف وآرام بدون رطوبت وتند باد یا توفان را به دوازده قسمت تقسیم کرده و بالنتیجه شدت پدیده‌هائی از این گونه‌را قابل اندازه‌گیری نموده است.

این سیستم از نظر بین المللی مورد پذیرش قرارگرفته است.

طبقه بندی روانه‌ها ORDER OF STREAMS

یا درجه بندی جویبارها از نظرقرارگرفتن آنها در یک شاخه. این طبقه بندی بدین ترتیب است که اگر روانه‌ای را بشاخه‌های یک درخت تشبیه سازیم. شاخه‌های ابتدائی یا شاخه‌هائی که هیچ گونه آبریزی به آن‌ها متصل نمی‌گردد شاخه‌های درجه ۱، شاخه‌هائی که شاخه‌های درجه ۱ به‌آنها می‌پیوندد شاخه درجه ۲ و بهمین ترتیب از پیوستن شاخه‌های درجه ۲ به یکدیگر شاخه درجه ۳ که در واقع شاخه اصلی روانه است پدید می‌آید. شاخه درجه سومی که بدهانه رودخانه منتهی می‌شود بن شاخه نام دارد.



طبقه‌بندی روانه‌ها

طبقه بندی شهری URBAN HIERARCHY

طبقه بندی شهرها از نظر وسعت یا میزان پیشرفت آنها.

طراز LEVEL

← تراز

طرح SKETCH/ PLAN

← گرده

طغیان SPATE

سیلابی شدن و طغیان ناگهانی یک رودخانه بر اثر بارندگی شدید یا آب شدن ناگهانی برف‌های سرچشمه.

طغیان آب FLOOD

← سیل

طلا GOLD

← زر

طلای سفید (پلاتین) PLATINUM

عنصر فلزی به رنگ سفید مایل به‌خاکستری با علامت شیمیائی

(Pt) که ازلحاظ شیمیایی بی‌اثر است. چگالی آن ۲۱/۴۶ و نقطه ذوب آن ۱۷۶۹ درجه سانتگراد می‌باشد.
طلای سفید چکشخوار و قابل مفتول شدن بوده و از آن می‌توان مفتولهایی به قطر یکهزارم میلیمتر ساخت. برخلاف طلا جیوه در آن بی اثر است و به علت مقاومت شدید طلای سفید در مقابل خوردگی، آنرا (بصورت آلیاژ با فلزات دیگر) برای ساختن اسبابهای آزمایشگاهی، سیمهای برق و نقاط اتصال برق، استانده‌های وزنه‌ها، و در جواهر سازی (برای ساختن ورقه‌هایی که زیر جواهرات قرار داده می‌شود) بکار می‌برند. طلای سفید در طبیعت به شکل آلیاژ با فلزات دیگر موجود است و به طرق شیمیائی آن را استخراج می‌کنند. بیش از ۸۰ درصد طلای سفید جهان از کوههای اورال (شوروی) بدست می‌آید. مهمترین موارد استفاده طلای سفید در جواهرسازی و دندان سازی است.

طلق TALC

← تالک

طلوع RISE

برآمدن یک ستاره از افق ظاهری یک محل که ناشی از حرکت وضعی زمین است. چون حرکت وضعی زمین به جانب مشرق است هر ستاره ناچار در نقطه‌ای از نیمهٔ شرقی دایرهٔ افق طلوع می‌کند.

طلوع خورشید SUNRISE

← سرزدن آفتاب

طلوعین

طلوع صبح کاذب و طلوع صبح صادق.

طوفان STORM

← توفان

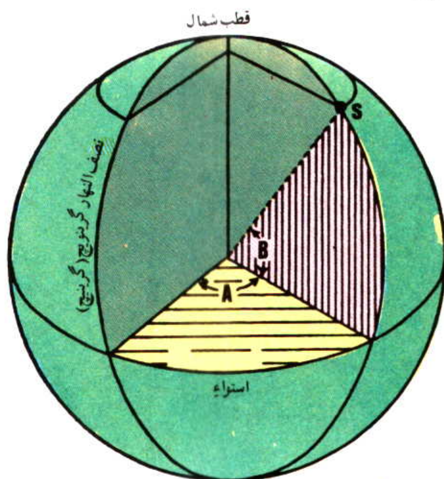
طوفان گرد و غبار DUST STORM

← دیو باد و باد سام

طول جغرافیائی LONGITUDE

طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین عبارت از قطعه قوسی است از دایره استواء که بین نصف النهار مبداء (نصف ـ النهار گرینویچ) و نصف النهار مارّبر نقطه مزبور قرار گرفته باشد. طول جغرافیایی هر نقطه متناسب با واقع شدن آن نقطه در خاور یا باختر نصف النهار گرینویچ به طول خاوری یا باختری تقسیم می‌گردد که اندازه هر کدام صفر تا ۱۸۰ درجه خاوری یا باختری است.

پر واضح است کلیه نقاطی که روی یک نصف النهار واقع شده‌اند هم طول بوده و از آنجائی که تمام نصف النهارها در نقطه قطب بیکدیگر برخورد می‌کنند لذا مسافت میان آنها متناسب با عرض جغرافیائی نقاط مختلف متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب که مسافت یک درجه در روی دایره استواء برابر ۱۱۱/۳۲ کیلومتر و در عرض ۴۵ درجه معادل ۷۸/۸۴۸ کیلومتر، در عرض ۷۰ درجه برابر ۳۸/۱۸۷ کیلومتر و در قطب معادل صفر است. چون هر ۱۵ درجه طول جغرافیائی معادل یک ساعت است از این رو با در دست داشتن اختلاف میان زمان محلی و زمان متوسط گرینویچ می‌توان طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین را تعیین نمود.



طول و عرض جغرافیائی

A *طول جغرافیائی* B *عرض جغرافیائی*

طول خاوری EASTING

فاصله خاوری هر نقطه نسبت به محور مبداء طول‌های شبکه‌بندی قائم الزاویه.

طول نجومی ASTRONOMICAL LONGITUDE

طول نجومی هر نقطه، قوسی است از دایرة البروج محدود میان نقطه برابران بهاری و نقطه حاصله از تقاطع دایره عرض آن نقطه با دایرة البروج که مقدار آن از صفر تا ۳۶۰ درجه در جهت گردش عقربه‌های ساعت اندازه‌گیری می‌شود.
(تصویر در صفحهٔ ۲۴۴)

طیف *(Teyf)* SPECTRUM

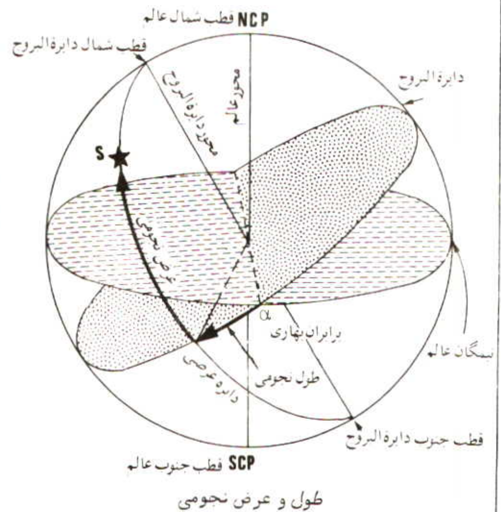
از نظر فیزیکی طیف را به شرح زیر تعریف می‌کنند.
(۱) ـ نمود مرئی یا تصویر عکاسی توزیع شدت یک تشعشع

از نوع معین بر حسب طول موج، انرژی، بسامد، مقدار حرکت، جرم و یا هر کمیت وابسته دیگر.

(۲) ــ مجموعه بسامدهای بین دو حد کما بیش معین و معمولاً دور از یکدیگر، که امواج دارای آن بسامدها واحد خاصیت مشترک مشخصی باشند.

(۳) ــ طرح تحلیل گروهی از اجرام در یک ناحیه بر حسب تزاید جرم‌ها، بنحوی که در آن، ذرات دارای جرم معین بطور فیزیکی از اجرام مجاور جدا شده باشند.

بطور کلی بعضی از طیف‌ها مربوط به تشعشعات و برخی مربوط به ذرات و برخی هم به هر دو بستگی دارند.



طول و عرض نجومی

طیف بروکن BROCKENSPECTRE

شخص و یا اشیائی که بر فراز قله کوه یا روی کوهستان‌های بلندی ایستاده باشد و نور خورشید از پشت به او تابیده و سایه ظاهری وی را به روی ابر و یا مه منعکس نماید. این سایه بصورت حلقه نورانی رنگین دیده می‌شود.

وجه تسمیه این طیف بدین جهت است که برروی کوهی بنام بروکن در آلمان، از سده‌های خیلی پیش سایه‌های بزرگی پدیدار می‌شده است که اشخاص خرافاتی آن را ارواح مردگان می‌پنداشتند و جشن و نیایش مخصوصی بر روی قله آن برپا می‌داشتند.

طیف سنج SPECTROMETER

← طیف نما

طیف کوهستان FOG-BOW

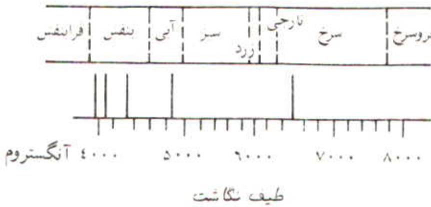
← مِه‌کمان

طیف نگار SPECTROGRAPH

دستگاهی است که برای تهیه تصویر عکاسی یا نمودار یک طیف بکار می‌رود.

طیف نگاشت SPECTROGRAM

تصویر عکاسی یک طیف یا نمودار آن که بوسیله طیف نگار تهیه شده باشد.

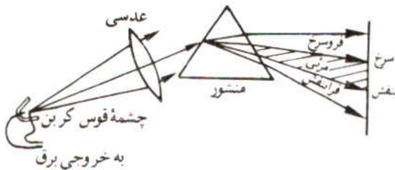


طیف نگاشت

طیف نما SPECTROSCOPE

دستگاهی که برای تولید و مشاهده طیف‌ها بکار می‌رود. ساده‌ترین طیف‌نماها، طیف‌نمای منشوری است. بطور کلی طیف‌نماها مجهز به میکرومتری هستند که بکمک آن طول موج انوار تجزیه شده را اندازه می‌گیرند.

بعضی طیف‌نماها مجهز به دایره مدرجی هستند که به کمک آن می‌توان انحراف شعاعهای شکست را قرائت نمود. به این گونه طیف‌نماها، طیف سنج می‌گویند.



طیف نما



ظرفیت CAPACITY

گنجایش یک ظرف یا مخزن از نظر حجم مایع یا گازی که در آن جای می‌گیرد.

اساساً ظرفیت یک ظرف یا مخزن تقریباً برابر حجم جسم جامدی است که در آن می‌گنجد، مشروط بر آن که جسم مزبور بصورت گرد درآمده باشد.

واحد ظرفیت در سیستم متریک لیتر است.

ظرفیت ترافیک TRAFIC CAPACITY

ظرفیت یک منطقه از نظر پذیرش و قابلیت جذب وسایل موتوری با توجه به رعایت ضوابط لازم از نظر محیط زیست.

ظهر NOON

لحظه عبور مرکز خورشید از فراز نصف النهار هر محل را ظهر آن محل می‌گویند.

ظهر حقیقی REAL NOON

لحظه عبور مرکز خورشید حقیقی از فراز نصف‌النهار هر محل که به آن ظهر شرعی نیز می‌توان گفت.

ظهر متوسط MEAN NOON

لحظه عبور مرکز خورشید متوسط از فراز نصف النهار محل.

ظهر نجومی SIDEREAL NOON

لحظهٔ عبور نقطه برابران بهاری از فراز نصف النهار محل.



عارضه FEATURE

آن قسمت از پوسته زمین که در معرض دید انسان قرار می‌گیرد چهره یا عارضه نام دارد.
عوارض زمین بر دو نوعند:
۱ـ بخشی از چهره زمین که بطور طبیعی پدید آمده و انسان در ایجاد آن نقشی نداشته است عارضه طبیعی نام دارد، مانند کوه، دره، رودخانه و امثال آن.
۲ـ آن قسمت از چهره زمین که بدست انسان ساخته شده باشد عارضه مصنوعی نامیده می‌شود، مانند راههای گوناگون شهرها و غیره.

عارضه طبیعی NATURAL FEATURE

← عارضه

عارضه مصنوعی ARTIFICIAL FEATURE

← عارضه

عالم *(Ālam)* UNIVERSE

← جهان

عبور TRANSIT

گذشتن یک نقطه یا یک جرم آسمانی از میدان دید تلسکوپ یا از محاذات یک دایرهٔ عظیمهٔ عالم و یا گذشتن یک جرم فلکی از برابر قرص جرم بزرگتر دیگر. هر جرم آسمانی در طی یک شبانروز دوبار از مقابل نصف النهار هر محل عبور می‌کند، هنگامی که بالای قطب است عبور بالا و هنگامی که زیر قطب است عبور پایین نام دارد.

عدسی *(Adasi)* LENS

قطعه‌ای از یک ماده شفاف مانند شیشه و یا پلاستیک که از دو طرف به دو سطح هموار که حداقل یکی از آنها منحنی است محدود است. انحنای سطح مزبور این خاصیت را دارد که نور عبور کرده از آن را از هم دور (واگرا) و یا بهم نزدیک (همگرا) می‌کند.
یک عدسی با گشودگی فاصله کانونی و نسبت کانونی (f) آن مشخص می‌شود. این مشخصات را می‌توان در فرمول زیر نشان داد:

$$f = \text{نسبت کانونی} = \frac{\text{فاصله کانونی}}{\text{گشودگی}}$$

عدسی موازی ساز COLLIMATOR

عدسی که کار آن موازی هم کردن شعاعهای نور است.

عراق *(Erāq)*

کرانه نهر یا ساحل دریا.

عرب ARAB

نام مردم سامی عربستان یا جزیرة العرب و در اصطلاح امروزی همه مردمی که زبان مادری آنان عربی است.
در زبان فارسی، واژه تازی معادل عرب است.

عرض جغرافیائی LATITUDE

فاصله زاویه‌ای نقاط مختلف سطح زمین نسبت به خط استواء را عرض جغرافیائی می‌گویند که بر حسب قرار گرفتن نقطه در شمال و یا جنوب خط استواء به آن عرض شمالی و یا عرض جنوبی می‌گویند.
بطور کلی عرض جغرافیائی، عبارت از زاویه‌ای است که رأس آن در مرکز کره زمین واقع شده و پاره قوسی از دایره نصف النهار مارّ بر نقطه مورد نظر را در حد فاصل نقطه مزبور و خط استواء در بر گرفته باشد. عرض جغرافیائی در روی خط استواء برابر صفر و در قطب‌ها معادل ۹۰ درجه است. دایره‌هائی که به موازات دایره استواء روی کره زمین رسم شوند مدارهای عرض جغرافیائی نام دارند و در واقع هر کدام از آنها مکان هندسی نقاط هم عرض جغرافیائی می‌باشند. بطور متوسط هر درجه عرض جغرافیائی معادل ۱۱۱/۰۴۲ کیلومتر یا ۶۹ مایل است.
← طول جغرافیائی، (تصویر طول و عرض جغرافیائی صفحه ۲۴۳).

عرض راه آهن RAILWAY GAUGE

فاصله میان دو لبه داخلی خط آهن را عرض راه آهن می‌نامند. این فاصله در کشورهای مختلف متفاوت بوده و بطور کلی به سه نوع پهن، معمولی و باریک تقسیم می‌شود. نوع پهن، به راه آهنی گفته می‌شود که فاصله میان دو ریل آن ۱/۵ متر یا بیشتر باشد. این فاصله در نوع معمولی یا استاندارد ۱/۴۳۵ متر و در نوع باریک ۱/۰۶۷ متر یا کمتر است.

عرض شمالی NORTHING

فاصله هر نقطه از نقشه نسبت به محور مبداء عرض‌های شبکه‌بندی قائم الزاویه در جهت شمال.

این فاصله را بر حسب واحدهای خطی مانند متر و کیلومتر بیان می‌کنند.

عرض نجومی ASTRONOMICAL LATITUDE

عرض نجومی هر نقطه قوسی است از دایره عرض آن محدود به آن نقطه و نقطه تقاطع دایره عرض آن با دایرة البروج و آن را از صفر تا ۹۰ درجه بسوی قطب شمال دایرة البروج با علامت مثبت و صفر تا ۹۰ درجه بسوی قطب جنوب دایرة البروج با علامت منفی اندازه می‌گیرند.

← طول نجومی (تصویر در صفحه ۲۴۴).

عرض نقطه ORDINATE

مقدار جبری قطعه‌ای از محور y ها که مبداء ش مبداء مختصات است و منتهایش تصویر آن نقطه بر محور مزبور، عرض هر نقطه یکی از مختصات آنست.

عرضهای اسبی HORSE LATITUDES

کمربندی از منطقه نیمه استوائی واقع در سطح اقیانوس که فشار جو آن زیاد است. این منطقه در نیمکره‌های شمالی و جنوبی میان بادهای بسامان و بادهای غرب وزان واقع شده و با حرکت خورشید بسوی شمال و جنوب جابجا می‌شود. آب و هوای این منطقه پایدار بوده و بادهای ملایم وسبکی دارد و ضمنا" هوای آن خشک است. این نام بوسیله کشتیرانهائی که در گذشته اسب به امریکا و هند غربی حمل می‌کردماند انتخاب شده است.

عرضهای بالا HIGH LATITUDES

قسمتی از سطح زمین در هر یک از دونیمکرهٔ شمالی وجنوبی که عرضهای جغرافیائی آنها از حدود ۶۵ درجه به بالا است.

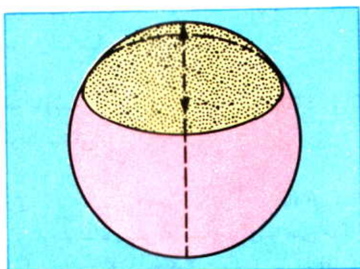
به علت تغییرات اقلیمی مرز مشترک عرضهای بالا و عرضهای میانه بوسیله مدار مشخصی قابل تحدید نیست.

عرضهای میانه MIDDLE LATITUDES

قسمتی از سطح زمین در هر یک از دونیمکره شمالی وجنوبی که به علت تغییرات اقلیمی، بوسیله مدارهای مشخصی قابل تحدید نیست و بین عرضهای حدود ۳۰ درجه تا حدود ۶۰ درجه قرار دارد، و تقریبا" منطبق با دو منطقه معتدله در اصطلاحات سابق می‌باشد.

عرقچین کروی SKULL CAP

قسمتی از سطح کره که بوسیله صفحه‌ای قاطع از آن جدا شود. قاعده عرقچین دایره مقطع صفحه قاطع است با سطح کره و ارتفاع آن قسمتی از قطر عمود بر صفحهٔ قاطع است. مساحت عرقچین برابر است با حاصلضرب ارتفاع آن در محیط دایره عظیمه کره‌ای که عرقچین از آن حاصل شده.



عرقچین کروی

عشایر TRIBES

← طایفه

عصر AGE

مدت زمان خاصی در تاریخ یا در رشد بشر و یا بطور اخص در تکامل فرهنگ و تمدن را عصر گویند.

عصر آهن IRON AGE

دوره‌ای در توسعه صنعت، که با آغاز استعمال عمومی آهن شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

عصر برنز BRONZE AGE

دوره‌ای از تاریخ که انسان برای ساختن جنگ افزار و دیگر وسایل خویش از برنز که آمیزه‌ای از مس و قلع است استفاده نموده. این دوره را که ضرورتی بدانستن مدت واقعی آن نیست عصر برنز می‌نامند و در واقع معرف دوره‌ای از فرهنگ انسانهای باستان بوده و پس از عصر حجر و عصر آهن شروع می‌گردد.

عصر پارینه سنگی PALEOLITHIC AGE

این دوره که نخستین بخش عصر حجر را تشکیل می‌دهد منطبق است با اوایل دوره زیست انسان پیش از تاریخ که از ۵۰۰،۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال پیش به درازا کشیده است.

عصر حجر STONE AGE

عصر حجر واژه‌ای است که توسط دیرین شناسان ارائه گردیده و مقدم بر عصر برنز قرار گرفته است. انسانهای این عصر از ابزارهای سنگی استفاده می‌کرده‌اند. این عصر که به حدود ۴۰۰۰ سال پیش محدود می‌گردد به دوره‌های پارینه سنگی، میانسنگی و نوسنگی تقسیم می‌شود.

عصر حجر جدید NEW STONE AGE

← عصر نو سنگی

عصر حجر قدیم OLD STONE AGE

← عصر پارینه سنگی

عصر حجر متوسط MIDDLE STONE AGE

← عصر میانسنگی

عصر مفرغ BRONZE AGE

دوره‌ای از تاریخ تکامل بشر که انسان برای ساختن جنگ افزار و دیگر وسایل خویش از برنز که آمیزه‌ای از مس و قلع است، استفاده نموده. این دوره پس از عصر حجر و عصر آهن شروع می‌گردد.

عصر میانسنگی MESOLITHIC AGE

بخشی است از عصر حجر که از پایان عصر دیرینه سنگی تا آغاز عصر نوسنگی ادامه دارد، و بین ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال به طول کشیده است.

عصر نوسنگی NEOLITHIC AGE

دوره نوسنگی از اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد شروع شده و به عصر برنز یعنی حدود ۱۴۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ادامه می‌یابد. از مشخصات این دوره استفاده از سنگ آتش زنه، اهلی کردن جانوران، کشت غلات، سفالگری ساختمان مقبره‌های مخصوص و ایجاد پرستشگاههای خاصی مانند Stonehenge در انگلستان است.

عصر یخبندان ICE AGE

روزگاری در زمین شناسی که مناطق پهناوری از قاره‌ها بوسیله یخسارها و یخچالها پوشیده شده بود. در آن روزگار که مربوط به اوایل دوران چهارگانه زمین شناسی است علاوه بر قسمت‌هائی از سطح اقیانوس‌ها، قسمت اعظم اروپا و شمال امریکا نیز زیر پوشش یخ قرار داشت که شبه جزیره گروئنلند و نواحی قطب جنوب باقیمانده آن زمان است.

عطارد (Otared) MERCURY

← تیر

عقدتین (Oqdateyn)

یا دو عقده، دو نقطه تقاطع مدار هر یک از اجرام منظومه شمسی با صفحه دایرة البروج.
عقده‌ای را که جرم از آن بگذرد و وارد نیمکره شمالی عالم شود عقدهٔ رأس و دیگری را عقدهٔ ذنب می‌نامند.

عقده ذنب (Oqdeh-ye-zanab)

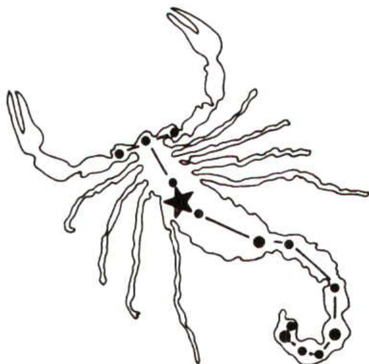
← عقدتین

عقده رأس (Oqdeh-ye-ra's)

← عقدتین

عقرب SCORPIUS

۱ــ یاکژدم، هشتمین صورت فلکی در منطقة‌البروج.
۲ــ هشتمین برج سال هجری شمسی مطابق با آبان ماه.
مدت زمان عبور خورشید از برج عقرب کوتاهتر از دیگر برجهاست.



عقرب

عقربه مغناطیسی MAGNETIC NEEDLE

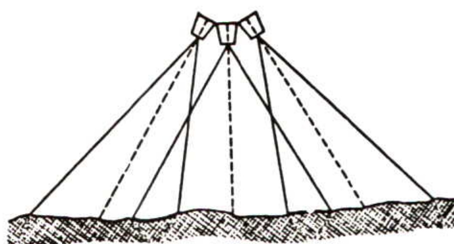
میله آهن ربایی که چون در یک میدان مغناطیسی قرار گیرد امتداد میدان را نشان دهد.
قطب نمای معمولی اساساً عقربه‌ای است مغناطیسی که حول محوری قائم در صفحه‌ای افقی می‌تواند حرکت کند.

عکاسی تری متروگون TRIMETROGON PHOTOGRAPHY

متدی در عکسبرداری هوائی که از سه دوربین که یکی قائم و دو تای دیگر نسبت به آن دارای ۶۰ درجه انحراف باشند استفاده می‌گردد. سه دوربین مزبور بطور همزمان کار می‌کنند و مزیت آن این است که پهنه وسیعی را در هر بار عکسبرداری زیر پوشش قرار می‌دهد و بیشتر از نظر شناسائی مورد استعمال دارد. (تصویر در صفحهٔ ۲۴۹)

عکاسی هوائی AERIAL PHOTOGRAPHY

فن عکسبرداری از اشیاء به کمک وسایل هوابرد مانند هواپیما.
عکاسی هوائی در تحقیقات زمین شناسی، جنگل شناسی، امور نظامی و نقشه‌برداری از اهمیت فراوان برخوردار است.
عکاسی هوائی پایه فن نقشه‌برداری جدید بطریق فتوگرامتری است.



سیستم عکاسی تری متروگون

عکس هوائی AERIAL PHOTOGRAPH

عکس هوائی قائم و یا مایلی که توسط وسائط هوائی (مانند هواپیما) از سطح زمین برداشته شود و برای تهیه نقشه و مطالعات کلی شکل زمین و باستان شناسی بکار می‌رود. عکس‌های هوائی بصورت نوارهای ممتدی که هر عکس قسمتی از عکس پهلوئی را می‌پوشاند برداشته می‌شود.

مقیاس عکس هوائی از رابطه میان ارتفاع هواپیما از سطح زمین و فاصله کانونی دوربین عکسبرداری بدست می‌آید. بطور مثال اگر ارتفاع هواپیما از سطح زمین ۴۰۰۰ متر و فاصله کانونی دوربین عکسبرداری ۸۰ میلی متر باشد مقیاس عکس مزبور عبارت خواهد بود از:

$$S = \frac{F}{H} = \frac{۸۰}{۴۰۰۰ \times ۱۰۰۰} = \frac{۱}{۵۰۰۰۰}$$

عکس هوائی قائم VERTICAL PHOTOGRAPH

عکس هوائی که بطور قائم از سطح زمین برداشته شده باشد. این نوع عکس در عملیات تهیه نقشه از راه فتوگرامتری مورد استعمال دارد.

عکس هوائی مایل OBLIQUE AERIAL PHOTOGRAPH

عکس هوائی که بوسیله دوربینی که محور اپتیک آن در لحظه عکسبرداری نسبت به سطح زمین قائم نباشد تهیه گردد. اینگونه عکس‌ها بدلیل مشکلاتی که از نظر مقیاس دارند کاربرد چندانی در تهیه نقشه ندارند و اغلب به منظور شناسائی بکار می‌روند. (تصویر در صفحه ۲۵۰)

علائم زمانی TIME SIGNALS

علائم رادیویی که به منظور اعلام زمان درسراسرگیتی پخش می‌گردد. مانند علائم رادیویی که از رصد خانه گرینویچ پخش گردیده و زمان دقیق را به منظور کاربردهای نجومی، جغرافیائی و غیره اعلام می‌دارد.



عکس هوائی قائم

عکس هوائی مایل

علائم قراردادی نقشه LEGEND

← راهنمای نقشه

علفچر (Alafchar) PANNAGE

پولی به عنوان حق تعلیف که مالک یک چراگاه به ازاء هر رأس دام و یا بر اساس توافق‌های دیگر از صاحب دام یاگله دریافت می‌دارد .

علفزار GRASSLAND

← گیاهستان

علفزار استوائی SAVANA / TROPICAL GRASSLAND

یا ساوانا ، علفزار پهناوری است که در آن علفهای بلند و درختان و بوته‌های پراکنده‌ای روئیده باشد . باران در اینگونه علفزارها معمولا " در فصل گرم می‌بارد و در سایر فصول به دلیل وزش بادهای بسامان از نفوذ ابرهای باران‌زا جلوگیری می‌شود ، بهمین دلیل علفهای آن درفصل‌گرم تازه‌و شاداب بوده و ارتفاع آنها گاه تا چهار متر می‌رسد .

علم توپوگرافی TOPOGRAPHIC SCIENCE

گردآوری‌وبررسی اطلاعات قابل سنجش‌سطح زمین‌وپدیده‌های مربوط به آن را علم توپوگرافی می‌نامند . این دانش درباره رشته‌هائی از قبیل نقشه‌برداری ، عملیات زمینی ، فتوگرامتری ، کارتوگرافی و ژئودزی بررسی می‌کند .

علوم زمین EARTH SCIENCES

← دانش‌های زمینی

علوم طبیعی NATURAL SCIENCES

دانشهائی که در باره پیدایش و زندگی جانوران ، گیاهان و جمادات (موجودات بیجان و بی حرکت مانند سنگ و چوب) گفتگو می‌کند .



علفزار استوائی

علیت *(Elliyat)* CAUSALITY

بیان نسبت علت به معلول آن و بستگی و رابطه میان دوچیز یا دو رویداد ، مانند رابطه میان انسان و محیط زیست . این بستگی یکی از موضوعهای اساسی مورد بحث دانش جغرافیائی است که به آن کوره‌شناسی می‌گویند .

عمده مالک MAIN OWNER

مالکی که دارای املاک بزرگ باشد .

عمران منطقه‌ای REGIONAL DEVELOPMENT

← آمایش سرزمینی

عمر زمین AGE OF THE EARTH

← زمین

عمق سنجی BATHYMETRY

← ژرفاسنجی

عمق یابی SOUNDING

← ژرفایابی

عنصر ELEMENT

جسمی که بهیچوجه قابل تجزیه به عنصر دیگر نباشد و با وسایل عادی به عنصر دیگر تبدیل نگردد .

عــوّا *(Avvā')* BOOTES

یکی از صورتهای فلکی نیمکره شمالی که در خرداد ماه دیده می‌شود . این صورت ظاهرا " از ۲۲ ستاره مرکب است .

بکمک تلسکوپهای کوچک میتوان ستارگان دوگانه جالب توجهی را در این صورت مشاهده کرد .

عوّاءصورت فلکی مشهوری است بشکل بادبادک که به‌آن سماک رامح (نگهبانی شمالی) می‌گویند . این صورت فلکی بفاصله ۵۰ میلیون سال نوری از زمین قرار دارد .

عــهد ERA

← دوران

عیار FINENESS

نسبت وزن فلز قیمتی به وزن کل مخلوط دو فلز یا آلیاژ که معمولا " بر حسب عدهٔ اجزای فلز قیمتی درهزارجزء مخلوط بیان می‌شود .

در آلیاژهای طلا " عیار طلا " را بر حسب عده اجزای طلای خالص در ۲۴ جزء آلیاژ بیان می‌کنند ، مثلا " طلای ۲۴ عیار طلای خالص است و طلای ۱۸ عیار آلیاژی است که در ۲۴ جزء آن ۱۸ جزئش طلاست .

← قیراط

عیّوق *(Ayyuq)* CAPELLA

ستاره آلفا از صورت فلکی ممسک الا عنه که از حیث درخشندگی سومین ستاره در عرض‌های شمالی و پنجمین ستاره درآسمان زمین است .

این ستاره از هر ستاره درخشنده دیگر به قطب شمال نزدیک‌تر است و جزو غولپیکران بشمار می‌آید .

ستاره عیّوق با خورشید در یک طبقه طیفی قرار دارد و از جمله ستارگان دوتایی طیفی است .



عیّوق



غابه (Ghābeh)

۱ – زمین پست هموار.

۲ – بیشه درختان انبوه و در هم پیچیده.

غار CAVERN / CAVE

فضای خالی زیرزمینی که بطور طبیعی بوجود آمده و با فضای خارج پوسته زمین بوسیله روزنه یا دهانه‌ای پیوستگی داشته باشد. این عارضه بویژه در زیر صخره‌های دریائی جائی که به علت سستی جنس بر اثر امواج آب شسته و خالی شده است و همچنین در زمینهای آهکی بر اثر حل شدن مواد آهکی در آب دیده می‌شود.

یکی از معروفترین غارها، غاری است در نیومکزیکوی امریکا بنام Carlsbad که طول آن حدود ۱۲۰۰ متر و عرض آن تقریبا" ۲۹۰ متر و ارتفاع ۱۰۰ متر است.



غار

غارشناسی SPELEOLOGY

تحقیق علمی درباره غارها و زندگی گیاهی و جانوری، در آنها.

غارنشین CAVE DWELLER

ساکنان غار و انسان‌هایی که در پناهگاههای طبیعی زندگی می‌کنند.

غبار DUST

ذرات کوچک ذره‌بینی مواد جامد موجود در هوا یا جو زمین که در حال تعلیق یا در حال فرونشستن آرام هستند. مقدار غبار در مناطق مختلف متفاوت است و در ارتفاعات زیاد و بر فراز اقیانوس‌ها به حداقل می‌رسد و در ارتفاعات کم و بر فراز شهرها به حداکثر می‌رسد.

اسباب و منابع غبار هوا عبارتند از: وزش باد بر زمین‌های خشک، محصولات گوناگون احتراق، فوران‌های آتشفشانی، ترشحات نمکی اقیانوس‌ها و گرده و مواد دیگر گیاهی و ذرات شهابسنگ.

بطور متوسط در هر کیلومتر مکعب هوا حدود ۱۰۰۰ تن غبار وجود دارد.

غبار آتشفشانی VOLCANIC DUST

ذرات ریزی از مواد گداخته که از دهانه آتشفشان خارج می‌گردد. گاهی اوقات این ذرات تا ارتفاع بسیاری بالا رفته و همراه باد به مسافتهای دوردستی برده می‌شود.

غبار جوّی ATMOSPHERIC DUST (Ghobār-e-javvi)

← غبار

غبارسنج DUST COUNTER

دستگاه اندازه‌گیری ذرات غبار موجود در واحد حجم هوا.

غدیر

آبگیری که آب باران و سیل در آن جمع شود و بماند.

غرب WEST

← چهار جهت اصلی

غربال‌های یخچالی GLACIER CRIBBLES

سنگهای کوچکی که در سطح یخچال قرار دارند بر اثر تابش آفتاب گرم می‌شوند و حرارت خیلی بیشتری از یخ‌های اطراف خود دریافت می‌دارند و در نتیجه کم کم یخی را که در زیر آن‌ها قرار گرفته است آب می‌کنند و بتدریج در آن فرو می‌روند و پس از چندی در ته چاه کوچک و نسبتا" قائمی قرار می‌گیرند. به مجموع این سوراخ‌ها غربالهای یخچالی می‌گویند.

غرب وزان WESTERLIES

← بادهای غرب وزان

غرّش آسمان THUNDER

← تندر

غرقاب DEEP WATER

آب عمیق که شخص در آن غرق شود. گودالی که در بعضی نقاط دریا و رودخانه و امثال آن باشد.

غرقدرّه *(Gharqdarreh)* DROWNED VALLEY

درّه‌ای مشرف بدریا که از آب پر شده باشد.

غروب SETTING

فرو شدن آفتاب و ماه و ستارگان.

غروب خورشید SUNSET

هنگامی که خورشید در آسمان باختری بتدریج پائین رفته و مرکز آن با سطح افق مماس شود غروب نام دارد.

غره *(Ghorreh)* FIRST DAY OF A LUNAR MONTH

شب اول ماه قمری.

← اهله قمر

غلّات CEREALS

آن دسته از دانه‌های گیاهی مانند گندم، جو، چاودار (گندم سیاه)، ذرت، برنج، ارزن وامثال آن که خوراک اصلی انسان را تشکیل می‌دهند.

غلّه خیز

جایی که در آن غله فراوان به عمل آید.

غلیان *(Ghalayān)* EBULLITION

تبخیری که بسرعت و همراه با تولید حباب‌های فراوان در داخل مایع انجام می‌گیرد.

غلیژن *(Ghalizhan)* SLIME

لجن و لای کف حوض‌ها و جویها و تالاب‌ها

غولپیکران GIANT STARS

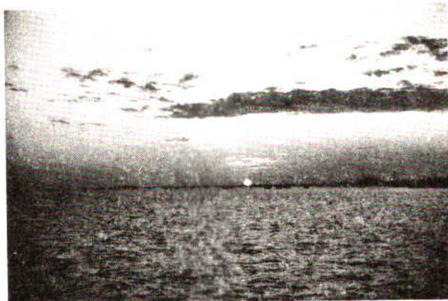
دسته‌ای از ستارگان نسبتاً خنک که دارای تابندگی زیاد هستند.

ستارگان غولپیکر دارای حجم و تابندگی نسبتاً زیاد هستند و ماده سازنده آن‌ها در حجم بزرگی پراکنده است. جرم مخصوص غولپیکران بسیار کم است و از سطح آن‌ها تشعشع حرارتی فراوانی خارج می‌گردد و تابندگی متوسط آن‌ها حدود صد برابر تابندگی خورشید است.

غولپیکران در واقع دوره تکاملی خود را می‌پیمایند و بهمین جهت بازده تشعشع حرارتی و انرژی آن‌ها رو به افزایش است.

تعداد غولپیکران در مقایسه با ستارگان کوتوله بسیارکم است.

← کوتوله ها



غروب خورشید

ف

فاتوم FATHOM

واحد اندازه‌گیری ژرفای آب دریا، که اندازه آن برابر ۶ پا یا ۱/۸۲۹ متر است. صد فاتوم معادل یک کابل و هر ده کابل معادل یک میل دریائی است.

فار LIGHTHOUSE

← فانوس دریائی

فارنهایت FAHRENHEIT

← درجه فارنهایت.

فاریاب *(Fāryāb)*

← پاریاب

فاصله DISTANCE

۱ــ فاصله دو نقطه، طول قطعه خط مستقیم واصل میان آنهاست.

۲ــ فاصله یک نقطه از یک خط یا یک صفحه، طول قسمتی از عمود وارد از این نقطه بر آن خط و یا آن صفحه است.

۳ــ فاصله دو خط یا دو صفحه موازی، طول قسمتی از عمود مشترک آنهاست که به آن دو خط یا آن دو صفحه محدود باشد.

۴ــ فاصله دو خط متنافر، طول قطعه‌ای است از عمود مشترک آنها که بین دو خط مزبور محدود باشد.

فاصله زاویه‌ای ANGULAR DISTANCE

فاصله زاویه‌ای دو نقطه، زاویه دو شعاع رویت آنهاست از محل دیدبانی.

در شکل صفحه ۲۶۵ اگر نقطه O چشم ناظر و A و B دو ستاره باشند، زاویه AOB فاصله زاویه‌ای دو ستاره را مشخص می‌کند.

فاصله سمت الرأسی ZENITH DISTANCE

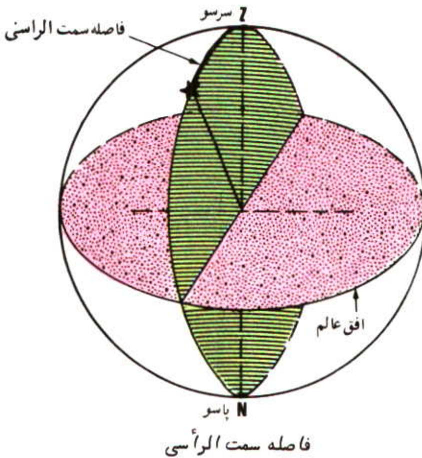
هرگاه ارتفاع یک جرم آسمانی (← ارتفاع ب) را از ۹۰ درجه کم نمایند، مانده را فاصله سمت الرأسی یا Co Alt می‌نامند.

$90^\circ - Alt = Co\ Alt$

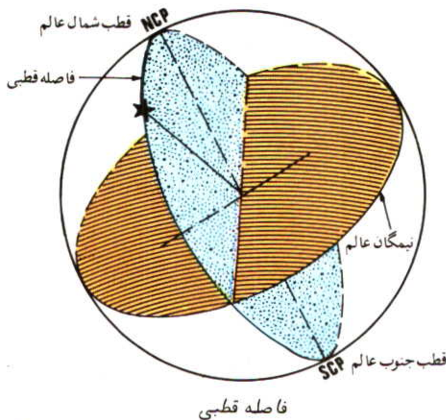
فاصله قطبی POLAR DISTANCE

هرگاه دکلی‌نزون یک جرم آسمانی را از ۹۰ درجه کم نمایند، باقیمانده را فاصله قطبی می‌نامند و آن را با Co-Dec نمایش می‌دهند.

$90^\circ - Dec = Co\ Dec$



فاصله سمت الرأسی



فاصله قطبی

فاصله منحنی‌های تراز CONTOUR-INTERVAL

فاصله قائم میان دو منحنی تراز متوالی روی نقشه که اندازه آن به مقیاس نقشه و میزان شیب ارتفاع زمین بستگی دارد.

فاضلاب SEWAGE

فضولاتی که بیکی از اشکال زیر همراه آب باشد:

۱ــ فضولات اماکن مسکونی (فضولات خانگی).

۲ــ فضولات کارخانجات و دستگاههای صنعتی (فضولات صنعتی).

۳ــ آب‌های سطحی ناشی از ریزش جوی‌هایی که وارد مجاری فاضلاب می‌شوند (فضولات توفانی).

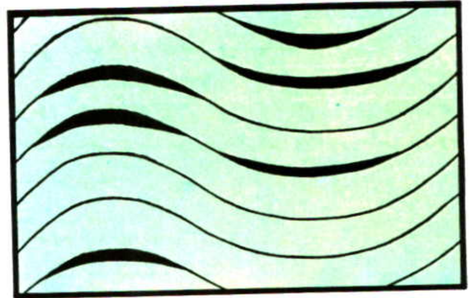
فاکتور بارندگی RAIN FACTOR

شاخصی که رابطه میان بارندگی و دما را نشان دهد. این رابطه را با فرمول زیر نمایش می‌دهند.

$$R.F = \frac{\text{میزان بارندگی سالیانه بر حسب میلی متر}}{\text{میانگین دمای سالیانه بر حسب سانتیگراد}}$$

فاکولیت PHACOLITH

باریکه‌ای از جنس سنگهای آذرین که عدسی شکل بوده‌ودر یک تاقدیس یا در پائین یک ناودیس واقع شده باشد .



فاکولیت

فام اسپهر CHROMOSPHERE

← رنگینکره

فانوس دریائی LIGHTHOUSE

ساختمان برج مانندی که برای راهنمائی کشتی‌ها و یا آگاهی آنها بوسیله نور یا وسایل رادیویی در دریا ساخته شده باشد . تا اوایل قرن نوزدهم برای روشن نگه داشتن فانوس‌های دریائی از شمع های بزرگ و آتش زغال و یا چراغهای روغنی استفاده می‌شد ، سپس گاز چراغ برای این منظور به خدمت درآمد و بعد از آن استیلن جای آن را گرفت و در سال ۱۸۵۸ برای نخستین بار برق را برای روشن کردن فانوس‌های دریائی بکار گرفتند .

استفاده از امواج رادیوئی و رادار ، فانوس‌های دریائی را از اهمیت سابق انداخته و پیام‌های رادیوئی و الکترونیکی جانشین پیام‌های نورانی شده‌اند .

به فانوس‌های دریائی فار نیز می‌گویند .

فانوس شیطان WILL-O'-THE WISP/IGNIS FATUUS

← آتش مرداب

فئودالیسم FEODALISM

حکومتی که از مالکان عمده و اشراف تشکیل یافته باشد .

فتو استات PHOTOSTAT

کپی‌برداری از روی نقشه یا تصاویر دیگر از راه برگردانیدن تصویر منفی کاغذی به تصویر مثبت کاغذی .

فتو تیپو گرافی PHOTOTYPOGRAPHY

نوشتن اسامی نقشه به کمک ماشین‌های مخصوص . این ماشین‌ها حروف اسامی را بطریق عکاسی از روی دیسک‌های مخصوصی به اندازه‌های مناسب به روی فیلم منتقل نموده‌واسامی مورد نظر را بصورت مثبت یا منفی تهیه می‌کنند و این فیلم را بعداً روی نقشه می‌چسبانند .



فانوس دریائی

فتو ژئولوژی PHOTOGEOLOGY

علم و تکنیک‌های مساحی و نقشه‌برداری به یاری عکاسی در بررسی‌های زمین شناسی .

فتو سنتز PHOTOSYNTHESIS
تشکیل مواد آلی در اندام گیاهان عالی از ترکیب انیدرید کربنیک با آب، تحت تاثیر نور خورشید.
فتو سنتز برای حیات گیاهان و جانوران مهمترین پدیده شیمیائی در کره زمین است.

فتو گرامتری PHOTOGRAMMETRY
شیوه تبدیل عکسهای هوائی به نقشه‌های توپوگرافی با استفاده از ماشینهای فتو گرامتری که به آن‌ها ماشینهای تبدیل نیز می‌گویند.
بعبارت دیگر، فتوگرامتری هنر تهیه نقشه با استفاده از فن عکاسی است که اگر عکسبرداری از روی زمین انجام شود به آن فتوگرامتری زمینی و چنانچه عمل عکسبرداری از درون وسایل هوائی مانند هواپیما انجام گیرد به آن فتوگرامتری هوائی می‌گویند.

فتوگراور PHOTOGRAVURE
شیوه‌ای است در صنعت چاپ که تصویر اشیاء و عوارض روی ورقه‌های روی یا آلومینیم بشکل گود منعکس می‌گردد.

فتو لیتو گرافی PHOTOLITHOGRAPHY
← چاپ افست

فجر
← شفق

فجر جنوبی AURORA AUSTRALIS
← سپیده جنوبی

فجر شمالی AURORA BOREALIS
← سپیده شمالی

فجر کاذب
← شفق

فدراسیون FEDERATION
واحدی سیاسی متشکل از چند واحد سیاسی کوچکتر که دارای دولتی بنام دولت فدرال است. در حکومتهای فدرال، هریک از واحدهای کوچک که معمولاً " ایالت یا کشور نامیده می‌شوند، پاره‌ای از اختیارات خویش را از قبیل روابط خارجی به دولت مرکزی واگذار می‌کنند. معمولاً " دول عضو دولت فدرال حق حاکمیت خود را در امور داخلی حفظ کرده و اموری از قبیل روابط خارجی، ضرب سکه، اعلان جنگ و صلح را به دولت فدرال واگذار می‌نمایند. از نمونه حکومتهای فدرال، دولت ایالات متحده امریکا را می‌توان نام برد.

فرآمایی *(Farāmā'i)* STRATEGY
دانش و فن به کار بردن نیروهای مسلح برای رسیدن به هدفهای کلی جنگ.

فرابار *(Farābār)* HIGH PRESSURE
بخشی از جو که دارای فشار زیاد باشد.

فرابوم *(Farābum)* UPLAND
ناحیه مرتفعی از یک سرزمین. از این واژه در مقابل فروبوم استفاده می‌شود.

فراخبوم *(Farākhbum)*
زمین و دشت پهناور.

فرادشت *(Farādasht)* UPLAND PLAIN
دشت هموار و مرتفع.

فرا دما *(Farādamā)* MEGATHERM
آن دسته از گیاهانی که به گرمایی احتیاج دارند که متوسط دمای ماهانه از ۱۸ درجه سانتیگراد بیشتر باشد.

فرارفت *(Farāraft)* CONVECTION
← همرفت

فرارو *(Farāro)* ANABATIC
هوا یا جریانی که بطرف بالا روان باشد.

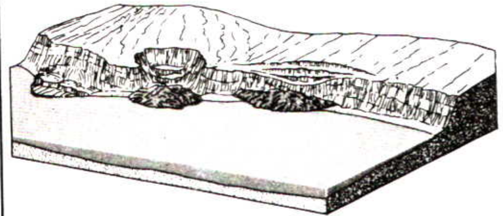
فرازا *(Farāzā)* ELEVATION
الف ـ ارتفاع یا بلندی هر چیز یا هر نقطه نسبت به سطح ترازی بنام سطح مبداء، مانند سطح آب دریا.
ب ـ زاویه ارتفاعی میان سطح افق و نقطه‌ای که بالاتر از سطح افق ناظر قرار گرفته باشد.

فرازاب *(Farāzāb)* UPSTREAM
محل بالا دست یک روانه آب یا یک رودخانه و یا یک جوی. مقابل واژه فروداب.

فرازایاب *(Farāzāyāb)* ALTIMETER
← ارتفاع سنج

فرازدرّه *(Farāzdarreh)* HANGING VALLEY
دره‌ای فرعی که از ارتفاع زیاد به دره اصلی متصل گردد و جویبار آن بصورت آبشار به جویبار دره اصلی بریزد. این دره‌ها بیشتر مخصوص مناطق یخبندان بوده و دره اصلی

بر اثر حرکت یخچال فرسایش زیادی یافته و ژرفای قابل توجهی پیدا کرده است.



فراز دره

فرازسنج HYPSOMETER

← ارتفاع سنج

فرازمین *(Farāzamin)* HORST

← کوهه

فرازنما HYPSOMETRIC CURVE

منحنی که ارتفاعات را در مقابل وسعتها نمایش می‌دهد، و برای نشان دادن شکل متوسط سطح زمین به کار می‌رود.

فراسنگ *(Farāsang)* MONADNOCK

تپه منفرد و یا توده سنگی که نسبت به زمینهای پیرامون خود برجسته‌تر باشد. اینگونه عوارض معمولاً به دلیل مقاومت جنس در مقابل فرسایش پدید می‌آیند.

فرایند *(Farāyand)* PROCESS

از ترکیب دو واژه فرا (به سوی، پیش) و آیند (آمدن) بوجود آمده و به مفهوم زیر به کار می‌رود.

۱ ـ هر پدیده‌ای که بر حسب زمان تغییر اتصالی داشته باشد. اعم از اینکه تغییر مزبور کند و یا سریع باشد، مانند فرایندهای طبیعت.

۲ـ رشته‌ای از اعمال یا افعال هدفدار یا حرکات که به طریق مشخصی انجام گیرد، مانند فرایند تلاشی.

فرساب *(Farsāb)* ABLATION

سائیدگی و یا فرسوده شدن و آب شدن رویه یخچالهای دائمی و همچنین پاک کردن قشر لجن یا درد آب از روی سنگهای بستر رودخانه.

فرسایش *(Farsāyesh)* EROSION

فرسایش عبارتست از عمل فرسودن پوسته زمین بوسیله عوامل مختلف طبیعی که یکی از مهمترین آنها آب و باد است، که بصورتهای مختلف مانند برف، باران، دریا و رودخانه یخبندان و امثال آن، در عمل فرسایش تاثیر می‌گذارد. عمل فرسایش به دو صورت فیزیکی و شیمیائی انجام می‌شود.

فرسایش خاک SOIL EROSION

خاک و سنگ پوسته زمین تحت تاثیر عوامل گوناگونی، مانند انسان، باد، آب، روئیدنی‌ها و غیره با سرعت نسبتاً قابل توجهی تغییر شکل داده و دگرگون می‌شود. فرسایش خاک به انواع زیر است:

الف ـ فرسایش بادی ب ـ فرسایش سیلابی پ ـ فرسایش جویباری و رودخانه‌ای.

فرسایش عادی NORMAL EROSION

فرسایشی که بوسیله یک رودخانه و تحت شرایط مانند آب و هوای عرض متوسط جغرافیائی روی دهد.

فرسایش کنارین LATERAL EROSION

فرسایش کرانه‌های یک روانه (مانند رود و امثال آن) بر اثر جریان آب که بویژه در سر پیچها بطور وضوح دیده می‌شود.

فرسخ LEAGUE

← فرسنگ

فرسنگ *(Farsang)* LEAGUE

از مقیاس‌های سنجش طول در ایران که امروزه برابر ۶ کیلومتر محسوب می‌شود.

فرسنگ که ظاهراً کلمه‌ای از ریشه پارتی است، مقیاسی برای فاصله بر حسب زمان بوده است. و به فاصله‌ای که یک پیاده در طول یک ساعت می‌پیماید گفته می‌شود.

فرسنگسار *(Farsangsār)* MILESTONE

علامتی که در کنار جاده‌ها و در سر هر فرسنگ با سنگچین یا ستون سنگی و مانند آن می‌گذارند تا مسافات طی شده را مشخص سازد.

فرش *(Forsh)* SILT

نهشتی ریزتر از ماسه و درشت‌تر از رس، که در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و غیره بر جای گذاشته می‌شود. لفظ فرش اصطلاح محلی شمال ایران، برای اینگونه نهشت‌ها است.

فرشخاک *(Forshkhāk)* SILT SOIL

خاکی که بیش از ۸۰ درصد آن از جنس فرش (Silt) باشد.

فرضیه *(Farziyyeh)* HYPOTHESIS

حکم یا نظریه‌ای که برای توضیح و توجیه و تنظیم دسته‌ای از واقعیات عرضه می‌شود. هرفرضیه منشاء نتایج وپیشگویی‌هایی است و معمولا" فرضیه‌ها بطور غیر مستقیم آزمایش می‌شوند و هر آزمایشی را که موفقیت آمیز باشد، موید فرضیه گویند. فرضیه‌هایی که واجد شرایط زیر باشند مقبول تلقی می‌گردند:

۱ـ واقعیات مورد نظر را توجیه کند.

۲ـ چنان تقریر شده باشد که بتوان از آن نتایجی استخراج کرد.

۳ـ با قوانین و فرضیه‌های تایید شده سازگار باشد.

۴ـ نسبت به فرضیه‌های رقیب، واقعیتهای بیشتری را توجیه کند و راههای بیشتری را برای تحقیق عرضه نماید.

۵ـ نسبت به فرضیه‌های رقیب ساده‌تر باشد.

فرضیه‌ای که در شرایط بالا صدق کند، قانون شمرده می‌شود.

فرضیه آوارگی قطبین

THEORY OF POLAR WANDERING

بر اساس این فرضیه تغییر مکان قطب‌های زمین و به عبارت دیگر تغییر مکان مدارهای جغرافیائی می‌تواند موجب تشکیل یخسارهائی در اطراف هر یک از قطب‌ها به همانگونه که امروز در قطب شمال و قطب جنوب وجود دارد بشود و عصری از عصرهای یخبندان را پدید آورد. این فرضیه درباره علل یخبندان پیشنهاد شده است.

فرضیه ابری *(F-ye-abri)* NEBULAR HYPOTHESIS

یا فرضیه لاپلاس، فرضیه‌ای است در کیهانزائی و پیدایش منظومه خورشیدی.

این فرضیه که در سال ۱۷۹۶ بوسیله پیر سیمون لاپلاس دانشمند فرانسوی عرضه شد، بر این اساس است که در آغاز یک سحابی یا توده‌های ابری شکل مرکب از ماده‌ای رقیق وجود داشته که دامنه آن تا ماوراء مدار دورترین سیاره منظومه خورشیدی گسترده بوده است. این ابری که جرمی داغ و رقیق و گسترده بوده است دارای حرکت دورانی بوده و تدریجا" تحت تاثیر گرانش خود انقباض یافته وسردتر شده است. شکل آن در آغاز کروی و بر اثر افزایش سرعت بمرور بیضوی شده است. پس از مدتی که شتاب گریز از مرکز استوائی کمی بر جاذبه گرانشی فزونی یافت، حلقه‌ای از ابر مزبور از ماده اصلی جدا شد و باقیمانده ابری به انقباض خود ادامه داد تا اینکه بار دیگر همان کیفیت اتفاق افتاد و این عمل چند بار تکرار شد تا حلقه‌هایی به تعداد سیارات پدید آمد و با گسیخته شدن حلقه‌ها، ذرات روی‌هم انباشته و بخود پیچیده شدند و در نتیجه یک سیاره پدید آمد.

فرضیه اشمید SCHMIDT THEORY

فرضیه جدیدی است درباره تشکیل زمین و سایر منظومه‌های شمسی که بوسیله او. اشمید عضو فرهنگستان علوم شوروی اظهار شده است. بر اساس این فرضیه، خورشید ضمن حرکت در میان کهکشان، از ابری مرکب از گرد و غبار و گاز عبور کرده و قسمتی از آن را جذب نموده و سپس از آن خارج شده است، در نتیجه ابری از گرد و غبار فضائی پیرامون خورشید را احاطه کرده و به گرد آن بدوران پرداخته است. ذرات غبار مزبور بر اثر برخورد به یکدیگر جذب هم شده و سیاره‌ها را پدید آورده است. آن قسمت از ابر مزبور که به خورشید خیلی نزدیک‌بوده‌بیشتر گرم شده‌وسیاره‌های کوچک وگداخته نزدیک خورشید را بوجود آورده و آن بخش که از خورشید دورتر بوده است سیارات نیمه گرم و بمرور سردتر و بزرگ‌تر را پدید آورده است. و اجسامی که مجالی برای پیوستن به سیاره‌ها را نیافته‌اند بصورت سیاره‌های‌دنباله‌دار ویا سیارک درآمده‌اند. درحقیقت‌فرضیه اشمید که چندان از خطا خالی نیست تنها به تشکیل سیاره‌های منظومه شمسی محدود شده و اشاره‌ای به چگونگی تشکیل خورشید نمی‌کند.

فرضیه انقباض CONTRACTION THEORY

طبق این فرضیه که با نظریه لاپلاس موافقت دارد، زمین توده‌ٔ گداخته‌ای بوده است که به آهستگی سردگردیده‌وروی آن از پوسته‌ای پوشیده شده و چون درون زمین همچنان گداخته باقی مانده و بالطبع حرارت خود را بمرور از دست می‌دهد در نتیجه بایستی مانند تمام اجسامی که سرد می‌شوند متراکم و منقبض گردد و بناچار پوسته‌زمین چین و چروکهائی پیدا می‌کند که همان پستی‌ها و بلندی‌ها هستند. فرضیه انقباض نیروی واحدی را برای همه گسلش‌ها قائل‌نیست‌ودر واقع فرضیه‌ای یک طرفه است و نمی‌تواند پاسخگوی همه رویدادها باشد. در این اواخر فرضیه دیگری بنام فرضیه تپش پیشنهاد شده که در واقع موجبات تصحیح‌اساسی تئوری انقباض را فراهم می‌سازد.

فرضیه پیدایش سیارات PLANETESIMAL HYPOTHESIS

بر طبق این فرضیه که در سال ۱۹۰۴ بوسیله ف.ر. مولتون و ت.س. چمبرلین ارائه شده، سیارات از بهم پیوستن و چسبیدن اجسام جامد کوچکی بنام خرده سیارات تشکیل یافته‌اند. دانشمندان فوق بر این فرضند که درگذشته‌هایی بسیار دور، ستاره‌ای از کنار خورشید گذشته‌است‌ودر نتیجه جاذبه متقابل، توده‌های عظیم گاز از دو ستاره فوران کرده و روی مدارهایی بیضی شکل‌دور خورشید به‌گردش‌درآمده‌اند و با خنک شدن آن‌ها خرده سیارات پدید آمده‌اند، ازجمله

آنهایی که بزرگتر بوده‌اند اجرام پراکنده در پیرامون خود را به خود جذب کرده و سیارات را بوجود آورده‌اند و شهابها همان خرده سیارات‌اند.
در سال‌های اخیر اساس فرضیه‌های سحابی کانت و لاپلاس مورد توجه واقع شده و بصورت تازه‌ای بنام نظریه غباری ارائه شده است.

فرضیه تپش *(F-ye-tapesh)* PULSATION THEORY
به موجب این فرضیه، زمین بصورت جسمی نورانی همانند سایر اجسام کیهانی همواره دستخوش نیروهای جاذبه و دافعه بوده است. نیروی جاذبه باعث کاهش حجم گردیده و نیروی دافعه موجب تشعشع و دفع ذرات ماده در فضای بین سیاره‌ای بوده است. در واقع نیروهای جاذبه موجب انقباض پوسته زمین و نیروهای دافعه باعث انبساط پوسته زمین می‌گردد و چون مبارزه این نیروها قطع نمی‌شود و مقاومتی که طبقات قشر سخت زمین در مقابل این حرکات از خود نشان می‌دهند موجب تجمع دوره‌ای انرژی برای مغلوب ساختن مقاومت مزبور می‌گردد لذا هر تغییر شکلی که بر اثر تکان‌های شدید بوجود می‌آید متناسب با دوره‌های تخلیه انرژی است. این فرضیه که اخیراً پیشنهاد شده با سایر تئوری‌های علمی کاملاً مطابقت دارد و پس از پاره‌ای اصلاحات می‌تواند به عنوان یک فرضیه جدید مورد پذیرش قرار گیرد.

فرضیه ترازمندی EQUILIBRIUM THEORY
فرضیه‌ای که طی آن تصور شود، کره زمین فاقد خشکی بوده و سراسر آن را اقیانوس نسبتاً ژرفی فرا گرفته باشد.

فرضیه جابجائی قاره‌ها DISPLACEMENT THEORY
← نظریه رانه قاره‌ای

فرضیه سحابی NEBULAR HYPOTHESIS
← فرضیه ابری

فرضیه لاپلاس LAPLACE HYPOTHESIS
← فرضیه ابری

فرضیه نسبیت THEORY OF RELATIVITY
در این فرضیه بجای فاصله بین اشیاء یا اجرام، فاصله بین رویدادها در نظر گرفته می‌شود و زمان و فضا (جاگاه) با هم در آن دخالت دارند. بر اساس این فرضیه که توسط آلبرت اینشتین عرضه شده:
اولاً — زمان مطلق و بالنتیجه مقارنه زمانی مطلق وجود ندارد و زمان در دو دستگاهی که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند، یکی نیست.
ثانیاً — مکان هم مطلق و مستقل از آنچه در آن جای دارد نیست، بلکه تابع ماده‌ای است که در آنست و جهان در فضایی کروی قرار گرفته است.
ثالثاً — جرم مطلق وجود ندارد، بلکه جرم یک جسم بستگی دارد بسرعت سیر و حالت درونی و درجه حرارت آن و بر حسب تغییر آنها تغییر می‌کند.
اینشتین معتقد است که جهان، هر چند نامحدود است و از حد متصور تجاوز می‌کند مع‌الوصف متناهی است به عبارت دیگر اگر در این جهان، موجودی منحنی بسرعت نور بجنبد، بعد از چند بیلیون سال به نقطه‌ای که از آنجا شروع کرده است خواهد رسید.

فرضیه هلمهولتز HELMHOLTZ THEORY
فرضیه‌ای که بنابر آن منشاء انرژی نورانی‌ای که از ستاره‌ای گسیل می‌شود، انرژی پتانسیل گرانشی ستاره است.
به این فرضیه، انقباض هلمهولتزی نیز می‌گویند.

فرقه *(Ferqeh)* CASTE
گروهی از مردم با یک سری آداب و رسوم سنتی و موروثی که افراد آن از لحظه تولد تا دم مرگ شدیداً خود را وابسته به آن دانسته و در رعایت آداب مربوطه مقید و محدود باشند. طبقات بالای این گونه گروهها که در میان هندوها فراوان دیده می‌شوند، از مزایا و مصونیت‌های ویژه‌ای برخوردار بوده و بر عکس طبقات پایین آن محرومیت‌های زیادی را تحمل می‌کنند. با وجودیکه این گروهها در هندوستان بتدریج رو به کاهش هستند، مع‌الوصف حدود ۲۴۰۰ گونه از آن‌ها وجود دارد که مانع بزرگی از نظر پیشرفت و نوین سازی کشور محسوب می‌گردند.

فرکند *(Farkand)* RAVINE
دره تنگ و باریکی در سطح زمین که از دره کوچکتر و از آبکند بزرگتر است.

فرماندار GOVERNOR
← فرمانداری

فرمانداری GOVERNORSHIP
اداره‌ای که فرماندار با ماموران زیر دست خود امور یک شهرستان را از آنجا اداره کند.

فرنگ EUROPE
اقتباس شده از واژه فرانک که به عربی فرنج یا فرنجه و به فارسی فرنگ یا فرنگی می‌گویند. نامی است که مسلمانان به اقوام ساکن قاره اروپا داده‌اند و فرنگستان نام مسکن این اقوام است.

فروبار (Forubār) DEPRESSION/LOW PRESSURE

سیستم کمفشاری که در طبقات متوسط و بالای جو ایجاد گردد. و یا ناحیه‌ای که در آن فشار جو نسبت بنواحی اطراف کمتر باشد. ناحیه‌ی فروبار ممکن است متحرک یا ساکن باشد. بادهای فروبار در نیمکره شمالی در خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت و در نیمکره جنوبی در جهت گردش عقربه ساعت در حول مرکز فروبار میوزد.

فروبارک (Forubārak) SECONDARY DEPRESSION

فروبار کوچکی که در حاشیه یک فروبار اصلی و بزرگ واقع شده باشد.

فروبوم (Forubum) LOWLAND

زمینی که ارتفاع آن از ۱۸۰ متر کمتر بوده و در مقابل فرابوم یا زمین مرتفع قرار گرفته باشد.

فروتافت (Forutāft) SUPERCOOLING

حالتی ناپایدار که در آن مایعی در دمائی پائین‌تر از نقطه انجماد بحال مایع می‌ماند.

فروداب (Forudāb) DOWN STREAM

پایین دست یک روانه آب یا یک رودخانه یا یک جوی. مقابل واژه فرازاب.

فرودگاه (Forudgāh) AIRPORT

تاءسیساتی که برای فرود و یا پرواز وسایل حمل و نقل هوائی ساخته شده باشد.

فرودما (Forudamā) MICROTHERM

آن دسته از گیاهانی که به گرمایی نیاز دارند که متوسط دمای گرمترین ماه سال بین ۱۰ تا ۲۲ درجه سانتیگراد و متوسط دمای سردترین ماه سال بیشتر از ۶ درجه سانتیگراد باشد.

فروردین

واژه پهلوی به معنی فروهران پاک، نام نخستین ماه سال خورشیدی در تقویم رسمی ایران، نام روز نوزدهم از هر ماه خورشیدی که به آن فروردین روز می‌گویند.
واژه فروردین جزو نام ماهها و روزهای سال در تقویم اوستائی معمول بعد از اسلام عینا" بهمین شکل ضبط شده و بعدها در تقویم جلالی و بالاخره در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تقویم ایران رسمیت یافته است.

فرورفتگی OBLATE

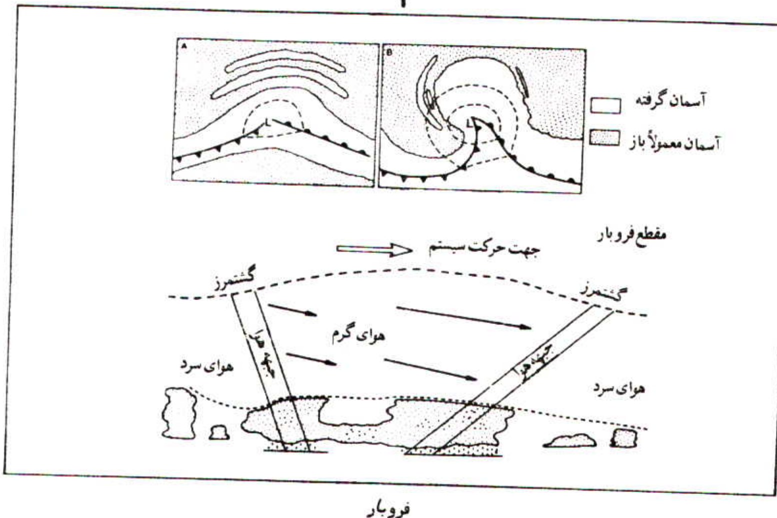
قسمت یا قسمت‌هائی از یک کره که نسبت به اطراف فرورفته باشد. میزان فرورفتگی قطب‌های کره زمین حدود ۰/۳۳ درصد یا تقریبا" $\frac{۱}{۲۹۵}$ است.

فرورو (Foruro) KATABATIC

هوا و یا جریانی که بطرف پایین روان باشد.

فرو روش (Foruravesh) PERCOLATION

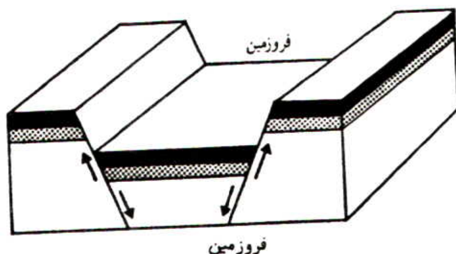
نفوذ و یا پایین رفتن آب از درون خاک و شکافهای سنگ. معمولا" در این حالت آب مواد معدنی قابل حل در خاک و سنگ را با خود به پایین می‌برد.



فروبار

فروزان INCANDESCENT
حالت جسمی که بر اثر حرارت زیاد می‌درخشد.

فروزمین GRABEN/ RIFT VALLEY
دره‌ای که بر اثر نشست زمین ، در میان دوگسله موازی بوجود آمده باشد. طول این دره در مقایسه با عرض آن زیاد بوده و یکی از معروف‌ترین انواع آن دره رود اردن و بحرالمیت و دریای سرخ است.



فروزه *(Foruzeh)* AIR GLOW
نور ضعیفی که شبها در آسمان دیده می‌شود ، این نور ارتباطی با مهتاب ندارد.

فروزه قطبی POLAR LIGHT
← سپیده جوی

فروسائی *(Forusā'i)* DEGRADATION
شیب پیدا کردن زمین بوسیله عواملی مانند رودخانه‌ها و جابجا شدن مواد خاکی و ته نشین شدن آنها درجای دیگر.

فروشست *(Forushost)* LEACHING
عمل زدودن و یا شستن املاح نمکی یا پالودن خاک بوسیله آب باران.

فروکشند *(Forukeshand)* LOW TIDE
فرونشستن آب دریا را فروکشند ، کشند پایین و یا جزر می‌نامند.
← کشند

فرونشینی SUBSIDENCE
الف ــ بخشی از پوسته زمین که نسبت به زمین‌های پیرامون خود گودتر باشد.
ب ــ فرود آرام توده‌های عظیم هوا بسوی پوسته زمین که دارای خصوصیات واچرخه بوده و افزایش سریع فشار جو را موجب می‌گردد.
هوا هنگام فرود در چنین حالتی معمولاً گرم و خشک بوده و گاه به اعتدال هوا کمک می‌کند.

فرهنگ CULTURE
عبارت است از مجموعهٔ تجلیات (به صورت سمبل‌ها ، علایم ، آداب و رسوم ، سنت‌ها ، رفتارهای جمعی ...) معنوی ، هنری ، تاریخی ، ادبی ، مذهبی و احساسی یک قوم یا ملت که در طول تاریخ فراهم آمده و شکل مشخصی گرفته است.

فزونی جمعیت OVER POPULATION
وضعیتی که بر اثر فزونی گرفتن جمعیت در مقایسه با جمعیت مطلوب پدید آید و امکانات موجود جوابگوی نیازهای مردم نباشد.

فسفر PHOSPHORUS
عنصر نافلز با علامت شیمیائی (P) ، که بر حسب ساختمان مولکولی آن به سه شکل سفید (یا زرد) ، سرخ (یا بنفش) و سیاه دیده می‌شود. به شکل آزاد در طبیعت یافت نشده و برای اولین بار از تجزیه ادرار بدست آمده است. کانیهای عمدهٔ آن عبارتند از: آپاتیت و فسفریت. فسفر معمولی جامد و سفید بوده و حالت مومی دارد و خالص آن بیرنگ و شفاف که بسیار سمی و خطرناک است (۵۰ میلیگرم آن کشنده است). فسفر سفید در دمای معمولی در هوا اکسیده شده و ایجاد دود سفید اکسید فسفر می‌کند که انرژی حاصل از اکسایش به صورت نور صاتع می‌شود (این پدیده را فسفرسانس می‌نامند و وجه تسمیهٔ فسفر نیز همین است). فسفر سرخ به اندازه فسفر سفید خطرناک نیست و نسبتاً " پایدار بوده و در ساختن کبریتهای بی خطر گردهای آتش باری ، حشره‌کشها ، بمبهای دودزا و مانند آنها بکار می‌رود.

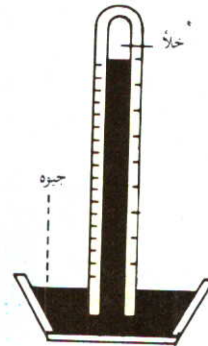
فسفریت PHOSPHORITE
← سنگ فسفات

فسیل FOSSIL
← سنگواره

فشار جو ATMOSPHERIC PRESSURE
فشار جو در هر نقطه عبارتست از وزن ستونی از هوا که در بالای آن نقطه وجود دارد. این فشار در سطح دریای آزاد حدود یک کیلوگرم بر سانتی متر مربع بوده و هرچه بر ارتفاع زمین نسبت به سطح دریا افزوده شود به همان میزان از ارتفاع ستون هوا کاسته شده و درنتیجه فشار جو نیز رو به کاهش می‌رود. فشار جو را با دستگاهی بنام بارومتر یا فشار سنج و بر حسب میلی بار اندازه می‌گیرند.

فشارسنج BAROMETER
دستگاهی است برای اندازه گیری فشار جو ، که ساده‌ترین

نوع آن فشار سنج جیوه‌ای است که از یک طشتک مملو از جیوه و یک لوله شیشه‌ای که به طور وارونه نصب شده و دهانه آن در داخل طشتک جیوه قرار گرفته و مجموعه آنها در داخل یک محفظه قرارگرفته‌اند. وستونی ازجیوه متناسب با وزنی از جو که بر سطح طشتک وارد می‌گردد دردرون لوله شیشه‌ای در حالت بالا و پایین رفتن دیده می‌شود. بدین ترتیب که اگر فشار جو افزایش یابد در ازای ستون جیوه نیز در درون لوله شیشه‌ای افزایش یافته و بر عکس درصورت کم شدن فشار جو، از طول آن کاسته می‌شود. چون فشارجو در ارتفاع صفر (یعنی سطح دریای آزاد) برابر ۷۶ سانتیمتر یا ۳۰ اینچ جیوه است، از این رو اندازه‌های بیشتر از ۷۶ سانتیمتر نمایانگر فشار بیشتر و بر عکس اندازه‌های کمتر از ۷۶ سانتیمتر معرف فشار کمتر است.



فشارسنج جیوه‌ای

فشار نگار BAROGRAPH

فشارسنج خودکاری که‌فشارجو را بصورت نمودار و بطور پیوسته رسم نماید. برای رسم این نمودار از یک غلطک استوانه‌ای که در جهت گردش عقربه‌های ساعت حول محور خود می‌چرخد استفاده می‌شود. یک نوع فشار نگار تغییرات فشار را بوسیله فشارسنج جیوه‌ای نمایش می‌دهد ولی در معمولی‌ترین انواع آن از فشارسنج خشک استفاده می‌شود.

فشار نور LIGHT PRESSURE

فشاری که از تابش نور بر یک سطح بر آن وارد می‌شود. هنگامی که ذرات نور به سطح آینه‌ای برخورد می‌کنند سبب پیدایش فشار نور می‌شوند، فشار نور با شدت روشنی یا فروزش افزایش می‌یابد، بطور مثال فشار نور بر سطح خورشید چندین برابر فشار نور آفتاب بر زمین است و بر سطح بعضی از ستارگان این فشار مقدار فوق‌العاده شگفت انگیزی دارد.

فشار هوا ATMOSPHERIC PRESSURE

← فشار جو

فشرش *(Feshoresh)* COMPACTION

یکی از راههای تشکیل سنگ که طی آن مواد نرم، تحت تاثیر فشار لایه‌های زبرین و یا فشار حاصله از جنبش‌های زمین به مواد سخت دگرگون می‌گردد، مانند ته نشین‌های نرمی که‌از جنس مواد رسی وگل ولای ولجن بوده و بر اثر تراکم به سنگ‌های رسی تبدیل گردیده‌اند.

فصل SEASON

یکی از تقسیمات زمانی که بر اثر مدت زمان تابش‌آفتاب و شرایط جوی حاصله از تغییرات زمانی، شدت تشعشع خورشید مشخص‌وطبقه‌بندی‌گردیده‌باشد. ازنظرنجومی این تقسیم ـ بندی عبارتست از:

الف ـ یکم فروردین برابر ۲۱ مارس (هنگامی که خورشید ظاهری در نقطه اعتدال بهاری قراردارد) تا سی ویکم خرداد برابر ۲۱ ژوئن (هنگامیکه خورشید ظاهری بر فراز مدار رأس السرطان قرار می‌گیرد) به مدت سه ماه یا ۹۳ روز که به آن بهار نیمکره شمالی می‌گویند.

ب ـ یکم تیر برابر ۲۲ ژوئن تا سی و یکم شهریور برابر ۲۲ سپتامبر (هنگامیکه خورشید ظاهری در نقطه اعتدال پائیزی قرار می‌گیرد) به مدت ۳ ماه یا ۹۳ روز که تابستان نیمکره شمالی نام دارد.

پ ـ یکم مهر برابر ۲۳ سپتامبر تا سی‌ام آذر برابر ۲۱ دسامبر (هنگامیکه خورشید ظاهری بر فراز مدار رأس الجدی قرار می‌گیرد) به مدت ۳ ماه یا ۹۰ روز که‌پائیز نیمکره‌شمالی نامیده می‌شود.

ت ـ یکم دی برابر ۲۲ دسامبر تا بیست و نهم (اگر سال کبیسه باشد تا سی‌ام) اسفند به مدت ۳ ماه یا ۸۹ روز (اگر سال کبیسه باشد ۹۰ روز) که زمستان نیمکره شمالی نام دارد.

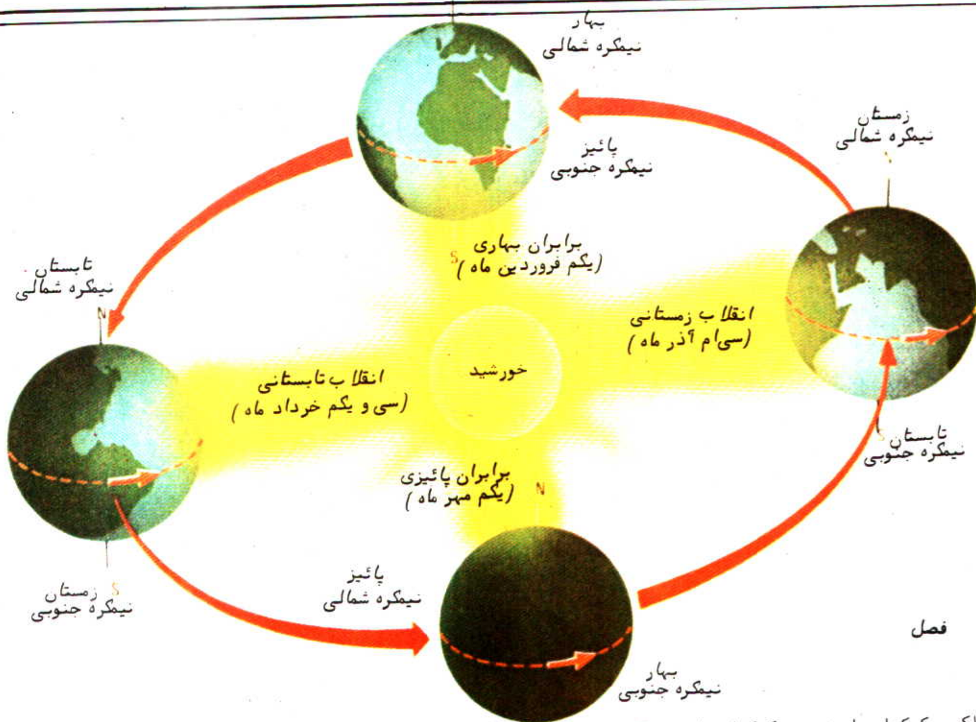
توجه: بهار نیمکره شمالی با پائیز نیمکره جنوبی و تابستان نیمکره شمالی با زمستان نیمکره جنوبی و بر عکس منطبق است. (تصویر در صفحه ۲۶۳).

فصل رویش GROWING SEASON

فصلی از سال که از نظر درجه حرارت و ریزش باران برای روئیدن گیاهان بومی مناسب باشد. معمولاً" مدت این فصل متناسب با دوری از خط نیمگان (خط استواء) کوتاه‌ترگردیده و هرچه به خط نیمگان نزدیکتر باشد طولانی‌تر است و به همین جهت فصل رویش و نمو گیاهان در مناطق استوائی طولانی بوده و بر عکس در مناطقی مانند توندرا از ۲ تا ۳ ماه بیشتر نمی‌شود.

فضا SPACE

تمام عالم به غیر از اشیاء را فضا گویند و زمین‌وجوواجرام



فصل

فلکی و کهکشان راه شیری و کهکشانه‌ها درون آن قرار دارند.
پاره‌ای فیزیکدانها فضا را بدو قسمت تقسیم کرده‌اند:
الف ــ فضای نزدیک، که از هشتاد کیلومتری زمین شروع شده و تا مجاورت کره ماه ادامه دارد.
ب ــ **فضای خارجی** یا فضای دور، که ناحیه‌ای است که سیارات و اقمارشان در آن حرکت می‌کنند و زمین در آن تاثیری ندارد. فضای خارجی گاه تا فضای بین کهکشانه‌ها نیز ادامه می‌یابد.

فضا پویی SPACE EXPLORATION

بررسی شرایط فیزیکی در فضا و سطح ستارگان، سیارات و قمرهای آن‌ها توسط وسایط فضاپیمای سرنشین‌دار و بی سرنشین از جمله مقاصد این گونه‌پویش‌ها، شناخت ماهیت مادی اجرام فلکی سازنده منظومه خورشیدی و فضای بین آنهاست.

فضا زمان SPACE TIME

← جاگاه

فلات PLATEAU

فلات عبارت از سرزمین مرتفع و تقریبا" هموار و مسطحی است که گهگاه رشته ارتفاعات و دره‌هائی نیز در آن به چشم می‌خورد و پیرامون آنها را اغلب دامنه‌های شیب‌دار به اراضی پست مجاور متصل می‌سازد.
انواع فلاتها بشرح زیر است:

الف ــ فلات Tectonic مانند فلات عربستان.
ب ــ فلات Residual مانند فلات آپالاش.
پ ــ فلات Intermont مانند فلات آناتولی.
ت ــ فلات Volcanic مانند فلات اتیوپی.

فلات قاره CONTINENTAL SHELF

← ژرفاشیب

فلات گسیخته DISSECTED PLATEAU

جلگه‌ای که بر اثر فرسایش، تعدادی دره در آن ایجاد شده و فلاتی را بوجود آورده باشد.

فلد سپات FELDSPATH

یکی از مهمترین کانیهای آلومینیوم‌که‌در طبیعت فراوان است فلد سپات خالص شفاف و بی‌رنگ است، و در اکثر سنگهای آذرین یافت می‌شود.

فلز METAL

عنصر شیمائی ساده‌ای که دارای جلای مخصوص باشد. بطور کلی فلزات عناصر ساده‌ای‌هستندکه‌در حرارت‌معمولی جامدند (غیر از جیوه) و همه جاحب یا مانع نور هستند و در غالب موارد وزن مخصوص آنها زیاد است. فلز هادی

خوبی برای حرارت و الکتریسیته است و می‌توان آنها را طوری براق کرد که نور را منعکس سازند.
بیشتر فلزها چکش‌خوار و قابل تبدیل به مفتول شدن یا به ورقه‌های نازک هستند.

فلز انوار INVAR
آمیزه (آلیاژ)ی است از فولاد که ۳۶ درصد نیکل به‌آن افزوده شده و بوسیله C.E.Guillaume ابداع گردیده است. این فلز به دلیل دارا بودن ضریب انبساط حرارتی ناچیز در ساختمان نوارهای اندازه‌گیری دقیق مسافت و کارهای دقیق نقشه‌برداری بکار می‌رود.

فلق *(Falaq)*
← شفق

فلوئوریت FLUORITE
ماده معدنی شفافی که از ترکیب کلسیم و فلوراید با فرمول CaF_2 بدست می‌آید. این ماده دارای بلورهای مکعبی شکل است و برنگ‌های گوناگون از سفید تا ارغوانی تیره‌وآبی و سیاه دیده می‌شود و برای صنایع فولادسازی‌وساختن‌اسید هیدروفلوریک و صنعت کاشی‌سازی بکار می‌رود.

فلیش FLYSCH
سنگ شنی نخاله مانندی از جنس صدفهای آهکی، رس، جوشسنگ و کلوخهای آهکی که بیشتر درحاشیه‌رشته‌کوههای آلپ دیده میشود و مربوط به اوایل دوران سوم میباشد.

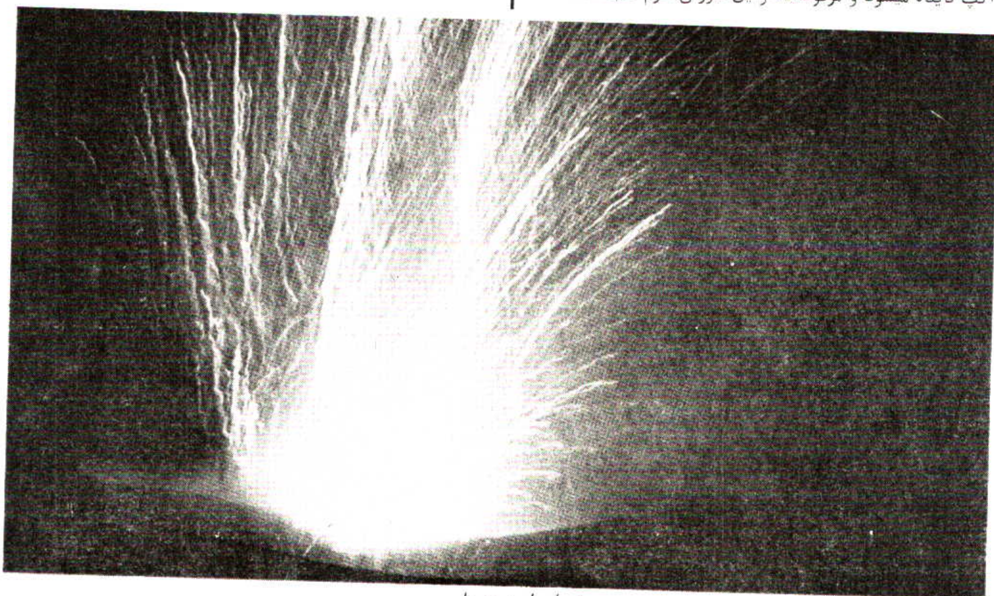
فوت FOOT
← پا

فوتون PHOTON
جزء تجزیه ناپذیر انرژی الکترومغناطیسی و یا یک کوانتوم انرژی الکترومغناطیسی. انرژی یک فوتون حاصلضرب عددی است ثابت موسوم به ثابت پلانک که مقداری‌است بسیار کوچک، بهمین جهت انرژی فوتون نور مرئی بسیار کوچکی است.

فوران استرومبولی STROMBOLIAN ERUPTION
آتشفشانی که از دهانه‌های آن بطور متناوب مواد گداخته و گاز خارج شود. این واژه از آتشفشان استرومبولی واقع در جزیره لیپاری در شمال سیسیل که دارای همین ویژگی است اقتباس گردیده.

فوران تراکی FISSURE ERUPTION
(Favarān-e-tarāki)
نوعی فوران آتشفشانی که دهانه آتشفشان در امتداد یک شکاف قرارگرفته‌باشد. دراین‌گونه‌فوران‌گدازه‌های‌آتشفشانی بدلیل کمی چسبندگی در قسمت‌های ضعیف و نامقاوم پوسته زمین روان و پراکنده گردیده و پهنه وسیعی از سیاه‌سنگ‌های بازالتی را پدید می‌آورند.

فوران شدید PAROXYSMAL ERUPTION
فوران و طغیان وحشتناک و شدید یک آتشفشان که معمولاً" بعد از یک دوره خاموشی ممتد روی می‌دهد.


فوران استرومبولی

فوران شکافی FISSURE ERUPTION

← فوران سراکی

فوران مرکزی CENTRAL ERUPTION

آتشفشانهائی که دهانه‌های خروجی آن‌ها در محل مشخصی به نام مرکز باز شده و از آن‌ها گاز و مواد گداخته خارج شود.

فوران مواد آتشفشانی ERUPTION

عمل بیرون جهیدن مواد جامد و مایع و یا گاز از درون زمین به روی پوسته زمین که در نتیجه فعالیت‌های آتشفشانی روی می‌دهد. این عمل بیکی از شکلهای زیر صورت می‌گیرد:

الف ــ مرکزی: از یک دهانه خروجی و یا چند دهانه نزدیک بهم.

ب ــ خطی: که گدازه‌ها از یک شکاف ممتد خارج می‌گردند.

موادی که طی عمل فوران بخارج پرتاب می‌گردد، عبارتند از گازهائی از قبیل سولفور، ئیدرژن، دی اکسید کربن، بخار آب، کف و تفاله‌های معدنی، خاکستر، غبار، اسید و گدازه و امثال آن.

فوریه FEBRUARY

← ماههای اروپائی

فولاد STEEL

گونه‌ای آهن که از آمیزه (آلیاژ) آهن و کربن با کمی از فلزات دیگر بوجود می‌آید. مقاومت فولاد بستگی به میزان کربن آن دارد، چنانچه مقدار کربن از ۱/۵ درصد در فولاد تجاوز کند قابلیت چکش خواری را از دست می‌دهد و به چدن تبدیل می‌گردد.

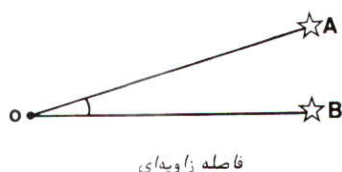
فیروزه TURQUOISE

یا پیروزه، یکی از سنگ‌های آذرین که از فسفات ئیدراته آلومینیم طبیعی تشکیل یافته است. فیروزه همانند شیشه سخت است و به واسطه رنگ مخصوصی که دارد از میان سنگ‌های گرانبها به آسانی شناخته می‌شود.

رنگ فیروزه در برابر رطوبت یا خشکی هوا و هم چنین در ارتفاعات تغییر می‌کند و به سبب خلل‌وفرجی که دارد، گرد و غبار و چربی را به سهولت به خود جذب می‌کند و رنگش به سبز نامطلوبی دگرگون می‌شود.

فیزیوگرافی PHYSIOGRAPHY

← زمین ریخت شناسی



فاصله زاویه‌ای



قائم VERTICAL

خطی که بر صفحه‌ای افقی ، عمود باشد . مانند امتداد ریسمان شاقول بر سطح زمین .

قابلیت دید VISIBILITY

← پدیداری

قابلیت یک روانه COMPETENCE OF A STREAM

قابلیت یک روانه از نظر حمل ذرات در اندازه‌های معین . معمولاً " قابلیت هر روانه بر مبنای توانائی در حمل بزرگترین قطعه بیان می‌شود بدیهی است سرعت آب عامل موثری در حمل قطعات خواهد بود . جدول زیر نسبت میان سرعت آب یک روانه و اندازه قطعه قابل حمل را نشان می‌دهد :

سرعت آب بر حسب کیلومتر در ساعت	قطر قطعه بر حسب میلی‌متر
۰/۴	۰/۵
۰/۸	۲
۱/۶	۶/۴

قاچ ساعتی TIME ZONE

بر اساس توافقی که در سال ۱۹۱۱ میان کشورهای جهان به عمل آمد ، کره‌زمین را به ۲۴ قاچ‌کروی بوسیله ۲۴ نصف النهار که اختلاف طول هر دو نصف النهار متوالی ۱۵ دقیقه قوسی است تقسیم نموده‌اند و ساعت رسمی هر قاچ را برزمان نصف النهار مرکزی آن قاچ منطبق نمودند .

به موجب این توافق نصف النهار مرکزی قاچ شماره صفر ، همان نصف النهار گرینویچ (گرینیچ) است و لذا قاچ مزبور به دو نصف النهار ۷/۵ درجه شرقی و ۷/۵ درجه غربی محدود گردیده است و قاچ شماره ۱ در خاور قاچ صفر قرار دارد و بین دو نصف النهار ۷/۵ درجه خاوری و ۲۲/۵ درجه خاوری محدود است . و در مورد سایر قاچها نیز وضع بهمین منوال است (← نقشه مناطق زمانی صفحه ۳۲۸) .

ساعت رسمی در قاچ صفر ساعت متوسط گرینویچ (گرینیچ) و در قاچ شماره ۱ برابر زمان قاچ صفر به علاوه ۱ و در قاچ مثلاً " ۳ برابر زمان قاچ صفر ۳ + و در قاچ ۶ ــ که در نیمکره غربی واقع است برابر است با زمان قاچ صفر ۶ــ .

قاچ کروی SPHERICAL WEDGE

جسم محدود به سطح یک کره و دو نیم صفحه‌ای که مارّ بر یک قطر آن کره باشند .

اگر R شعاع کره و a زاویه دو سطحی حادث از دو صفحه قاطع بر حسب درجه باشد ، حجم قاچ‌کروی عبارت خواهد بود از :

$$V = \frac{\Pi R^3 a}{270}$$

قارچ بادی CHAMPIGNON

سنگی در یک ناحیه بیابانی که به قارچ شباهت داشته باشد . این گونه سنگ‌ها بر اثر وزش بادهای شنی و فرسایش قسمت‌های زیرین پدید می‌آیند .



قارچ بادی

قارّه CONTINENT

← خشکاد

قارّه جنوبگان ANTARCTICA

قاره‌ای است به وسعت حدود ۱۳،۲۰۳،۹۰۰ کیلومتر مربع که در حوالی قطب جنوب زمین واقع شده است . به دلیل

سرما و بادهای سرد شدید و وجود یخهای شناور و کوههای عظیم یخ ، این قاره تا ایام اخیر ناشناخته مانده بود و هنوز هم اطلاعات صحیح و کاملی از آن در دسترس نیست .
این قاره که پیرامون آن را یخسارها و برفناهای پهناوری فرا گرفته است ، تقریبا" مستدیر بوده و فلات مرکزی آن را رشته کوههای عظیمی که ارتفاع پاره‌ای از آنها حدود ۴۵۰۰ متر است تشکیل داده . دمای متوسط این قاره در سراسر سال زیر صفر است و در زمستان به‌حدود ۴۰ــ تا ۶۰ــ درجه می‌رسد .

قاف تا قاف
اصطلاح عامیانه به مفهوم سراسر جهان ، از یک سوی عالم تا سوی دیگر ، کران تا کران .

قاموس
میانه دریا و گودترین جای دریا .

قانون LAW
از لحاظ علم حقوق : قانون عبارتست از بیان یک قاعده و دستورالعملی که یک قدرت حاکم یا دولت آنرا برقرار میکند اصولا" قوانین حدود حاکمیت کلی دارد و قواعد و مقرراتی را مقرر میدارند که مراعات آن اجباری است و کسانی که قوانین شامل آنهاست باید از آن پیروی کنند .

قانون اساسی CONSTITUTION
مجموعهٔ اصول بنیادی یک ملت یا یک جامعه سیاسی که قدرت و وظایف حکومت را معین و حقوقی را برای مردم تضمین میکند . قانون اساسی عموما" به دو صورت "مدون" و "عرفی" است که تقریبا" تمام کشورهای جهان دارای قانون اساسی مدون می‌باشند و کشور انگلستان مهمترین کشوری است که قانون اساسی مدون ندارد .

قانون بود BODE'S LAW
طبق این قانون که بوسیله یوهان بود دانشمند آلمانی در سال ۱۷۷۰ پیشنهاد گردیده است ، فاصله میان هر یک از سیارات منظومه شمسی و خورشید تابع نظم ریاضی خاصی به شرح زیر است :
اگر بهر یک از سیارات به ترتیب از نزدیک‌ترین تا دورترین آن‌ها نسبت به خورشید ارقام ۰ ــ ۳ ــ ۶ ــ ۱۲ ــ ۲۴ و ... بدهیم و بهر یک از ارقام مزبور (غیر از عدد صفر که متعلق به سیاره عطارد است) عدد ۴ بیفزائیم و حاصل را به ده تقسیم کنیم فاصله هر یک از سیارات به نسبت فاصله زمین از خورشید (که حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر است) بدست می‌آید .
نقض این قانون در زمان وضع این بود که در محل‌های ۲۴ و ۱۹۲ سیاره‌ای وجود نداشت ولی دانشمندان بعدها موفق شدند در محل ۲۴ سیارکان (یا شبه سیاره‌ها) را بیابند و در محل ۱۹۲ نیز سیاره اورانوس را در سال ۱۷۸۱ کشف کنند و در نتیجه قانون بود را تائید نمایند .
با وجودیکه بیشتر دانشمندان علم نجوم قانون بود را فاقد ارزش علمی می‌دانند ولی بجرأت می‌توان گفت این قانون یکی از شگفت‌انگیزترین قوانینی است که تا کنون بوسیله انسان درباره طبیعت بیان گردیده است .

قانون بویس بالو BUYSBALLOT'S LAW
این قانون توسط هواشناس هلندی بنام بویس بالو در سال ۱۸۵۷ ارائه شده است . به موجب این قانون اگر شخصی در نیمکره شمالی پشت به باد بایستد ، فشار هوا در قسمت سمت چپ وی کمتر از فشار هوا در سمت راست او خواهد بود . عکس این وضعیت نیز در نیمکره جنوبی صادق است . چگونگی بدین قرار است که در نیمکره شمالی باد حول نقطه کم فشار مرکزی در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت و برعکس حول نقطه پر فشار مرکزی موافق جهت گردش عقربه‌های ساعت وزش می‌یابد و عکس این وضعیت در مورد نیمکره جنوبی به همین کیفیت صدق می‌کند .

قانون پلی‌فر PLAYFAIR'S LAW
قانونی است که بوسیله J.Playfair ارائه شده و در آن رابطه میان رودخانه و بستر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد .

قانون جاذبه عمومی LAW OF GENERAL GRAVITATION
هر جسم صرفنظر از کیفیت طبیعی آن ، اجسام دیگر را بسوی خود جذب می‌کند . میزان شدت یا نیروی کشش اولا" تابع عظمت جسم یا مقدار جرم آنست . ثانیا" بستگی به فاصله دو جسم از یکدیگر دارد و به نسبت مجذور این فاصله کاهش می‌یابد .
بطور مثال جرم زمین حدود ۳۳۳۰۰۰ بار از جرم خورشید کمتر است . بنابراین نیروی جاذبه خورشید ۳۳۳۰۰۰ مرتبه بیشتر از زمین است . فاصله کیوان از خورشید نه‌برابر فاصله زمین تا خورشید است ، بنابراین جاذبه خورشید نسبت به زحل هشتاد و یک مرتبه کمتر از نیروی جاذبه خورشید نسبت به زمین است .

قانون دارسی DARCY'S LAW
معادله‌ای که در چند (میزان) عبور آب از یک آبزا را بیان نماید . این معادله که توسط یک دانشمند فرانسوی بنام H. Darcy در سال ۱۸۵۶ نوشته شده، عبارتست از $V = P\frac{H}{L}$ که در این معادله V سرعت ، H مقدار آبی که از

ارتفاع معینی به پایین ریزش نماید . L فاصله میان دونقطه که آب در میان آن دو جریان دارد و P ضریب تراوش پذیری است .

قانون فرل FERREL'S LAW

به موجب این قانون که بوسیله ویلیام فرل هواشناس امریکایی وضع شده است ، اجسامی که بر سطح زمین حرکت می‌کنند در نیمکره شمالی به طرف راست و در نیمکره جنوبی به سمت چپ منحرف می‌شوند . مقدار این انحراف که ناشی از چرخش زمین است در استواء صفر و در قطبین به حداکثر می‌رسد .

قانون گرانش نیوتن GRAVITATION LAW

← قانون جاذبه عمومی

قبله KIBLAH

جهت رو به خانه کعبه که مسلمانان برای نماز روی به آن می‌ایستند .

قبله نما COMPASS

نوعی قطب نما که جهت قبله را برای شهرهای مختلف مشخص می‌سازد .

← قطب نمای مغناطیسی

قبة الارض *(Qobbatolarz)*

جغرافیدانان هندی قرن دوم و سوم هجری بر این فرضیه معتقد بودند که نصف النهار مبداء از میان جزیره سیلان (سری لانکا) عبور می‌کند و خط استواء را در نقطه‌ای واقع در همین جزیره قطع می‌نماید . این نقطه تقاطع را مسلمانان قبة الارض می‌نامیدند و موقعیت شهرها و نقاط مختلف دنیای آن روز را نسبت به آن می‌سنجیدند . نصف النهار مزبور از شهری بنام اوجین می‌گذشت که هندی‌ها رصد خانه معتبری در آن بنا نهاده بودند .

قبیله TRIBE

گروهی از مردم که دارای سرزمین واحد ، لهجه مشترک ، فرهنگ و یا راه و رسم زندگی نسبتاً" یکنواخت و یکسان و نام قبیله‌ای واحدند و برای خود اصل و نسب واحدی قائلند . از آنجائیکه اشتراک زبان و فرهنگ از مشخصات قبیله‌است ، لذا تعیین حد فاصلی بین ملت و قبیله دشوار است . مسئله اصل و نسب واحد ، هسته مرکزی قبیله را تشکیل می دهد .

قدر *(Qadr)* STELLAR MAGNITUDE

مقیاسی برای سنجش درخشندگی و تابندگی ستارگان .

قدر ظاهری APPARENT MAGNITUDE

مقیاس نجومی درخشندگی نسبی و درخشندگی ظاهری اجرام آسمانی .

درخشندگی نسبی دو ستاره که اختلاف قدرهای ظاهری آنها ۵ باشد برابر ۱۰۰ است . بطورکلی ستارگان قدر دوم ۲/۵۱۲ برابر روشن‌تر از ستارگان قدر سوم و ستاره‌های قدر سوم نیز ۲/۵۱۲ برابر روشن‌تر از ستارگان قدر چهارم و الی آخر است .

قدر مطلق ABSOLUTE MAGNITUDE

قدری که به ستاره‌ای نسبت داده می‌شود هرگاه آن ستاره به فاصله ده پارسک برده شود بنابراین ستارگانی که فاصله آنها از منظومه شمسی کمتر از ده پارسک است چون در این فاصله قرار گیرند کم سوتر بنظر خواهند رسید و آنها که فاصله شان بیشتر است پر نورتر خواهند نمود .

قرن CENTURY

← سده

قرنطین *(Qarantin)* QUARANTINE

محلی که در آن اشخاص ، جانوران ، گیاهان و اشیایی را که در معرض بیماری‌های واگیردار بوده‌اند ، مجزا نگه می‌دارند .

قرون وسطی MIDDLE AGES

عنوان قرون میان قرون قدیم و قرون جدید در تاریخ اروپا . پاره‌ای از مورخین سال ۴۷۶ بعد از میلاد را که تاریخ سقوط امپراطوری روم غربی است آغاز قرون وسطی می‌شمارند و عده‌ای سال ۱۴۵۰ یا سال ۱۵۰۰ میلادی را پایان آن می‌دانند .

قره بوران KARABURAN

باد گرمی که از سوی شمال خاوری منطقه Tarim واقع در سین کیانگ می‌وزد و دشتهای آسیای مرکزی را زیر پوشش سیاه رنگی از گرد و غبار قرار می‌دهد . این باد معمولا" از اوایل بهار شروع شده و تا اواخر تابستان ادامه دارد . شن و ماسه‌ای که به همراه این باد حمل می‌گردد اغلب باعث جابجایی مسیر رودخانه‌ها و تغییر بستر آنها می‌شود .

قریه VILLAGE

یا روستا ← ده

قشر زمین EARTH CRUST

← زمین و پوسته زمین

قشلاق WINTER QUARTER

سرزمین گرمی که مردم چادرنشین زمستان را در آن جا به سر می‌برند .

قشم *(Qeshm)* CANAL

⟵ آبراهه

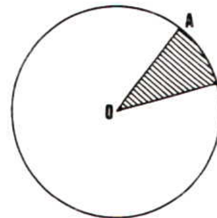
قصبه BOROUGH

شهر کوچک یا شهرک . آبادی بزرگی که از چند ده تشکیل یافته باشد .

از نظر تقسیمات اداری کشور ایران ، قصبه را می‌توان معادل دهستان محسوب داشت .

قطاع SECTOR

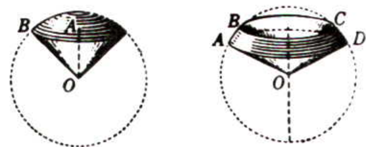
شکل هندسی محدود به قوسی از یک دایره و دوشعاع دایره . مساحت قطاع برابر است با حاصلضرب مساحت دایره‌ای که قطاع به آن تعلق دارد در نسبت زاویه قطاع به پیرامون دایره یا ۳۶۰ درجه .



قطاع

قطاع کروی SPHERICAL SECTOR

شکل حاصله از دوران قطاعی از یک دایره . حجم قطاع کروی مساوی است با $\frac{1}{3}$ حاصلضرب سطح منطقه نظیر آن در شعاع قطاع و آن مساوی است با $\frac{2}{3}\Pi R^2 H$ که در این فرمول R شعاع قطاع و H ارتفاع منطقه نظیر آن است .



قطاع کروی

قطب POLE

۱ـ هر یک از دو نقطه تقاطع محور چرخش زمین با سطح آن که آنها را قطبهای زمین یا قطبین جغرافیایی می‌گویند . قطبهای جغرافیائی زمین را نباید با قطب‌های مغناطیسی زمین اشتباه کرد .

۲ـ هر یک از دو نقطه تقاطع محور عالم با کره عالم یا کره آسمان . این دو نقطه را قطب‌های عالم می‌نامند .

۳ـ قطب هر دایره از کره عالم ، دو نقطه تقاطع محور آن با سطح کره عالم است .

قطب جنوب SOUTH POLE

یکی از دو نقطه تقاطع محور زمین با سطح آن که در مقابل قطب شمال واقع شده است . طول جغرافیائی قطب جنوب صفر و عرض آن ۹۰ درجه جنوبی است . ⟵ قطبین

قطب سرد COLD POLE

نامی است تصوری برای منطقه‌ای از کره زمین بنام ورخویانسک واقع در سیبری خاوری ، که میزان سرمای وسط زمستان آن به ۵۰ ـ درجه سانتیگراد می‌رسد . میانگین سرمای سالیانه این نقطه ۱۶/۳ ـ سانتیگراد بوده و بیشترین سرمای آن حدود ۷۰ ـ درجه سانتیگراد ثبت گردیده است . نقطه دیگری با همین مشخصات در نواحی قطب جنوب دیده شده است .

قطب شمال NORTH POLE

یکی از قطبهای زمین که در نیمکره شمالی قرار گرفته است . دو قطب شمال و جنوب در دو سر محور چرخش زمین قرار گرفته و در واقع تنها دو نقطه ثابتی هستند که سایر نقاط زمین بدور آنها می‌چرخند . ⟵ قطبین .

قطب مغناطیسی MAGNETIC POLE

هر یک از دو قطب مغناطیس زمین را قطب مغناطیسی می‌نامند . قطب شمال مغناطیسی در امریکای شمالی و قطب جنوب آن در جنوبگان (منطقه قطب جنوب) واقع شده‌اند . محل قطب شمال مغناطیسی در سال ۱۹۷۰ در نزدیکی جزیره Prince Of Wales واقع در کانادا به مختصات ۱۰۰ درجه باختری و ۷۳ درجه شمالی قرار داشته و موقعیت قطب جنوب آن در همان سال ، در South Victoria land جنوبگان (منطقه قطب جنوب) قرار داشته است . نکته جالب این است که قطبین شمال و جنوب مغناطیس هیچگاه روی قطر کره زمین قرار نگرفته و خط واصل میان آن دو همواره از فاصله حدود ۱۲۰۰ کیلومتری مرکز زمین عبور می‌کند .

قطب نمای زمین شناسی GEOLOGICAL COMPASS

این قطب نما که با قطب‌نماهای معمولی تفاوت‌هائی دارد در مطالعات زمین شناسی بکار می‌رود و از یک جعبه حاشیه‌دار که عقربه‌ای مغناطیسی در آن نصب شده تشکیل گردیده است . علامتهای E و W یعنی خاور و باختر آن بر خلاف معمول است و درجه‌های آن از صفر تا ۳۶۰ درجه در جهت عکس عقربه‌های

ساعت شماره‌گذاری گردیده و دارای شیب سنجی است که بوسیله آن شیب طبقات را تعیین می‌کنند .

قطب نمای ژیروسکوپی GYROCOMPASS

قطب نمایی که بوسیله خواص ژیروسکوپ کار می‌کند . از این قطب نما در کشتی‌ها و هواپیماها برای یافتن جهت شمال جغرافیایی استفاده می‌شود .

یکی از مشخصات قطب نمای ژیروسکوپی در مقایسه با قطب نمای مغناطیسی این است که علاوه برنشان دادن شمال جغرافیایی زمین . اجرام مغناطیسی و یا جریان‌های برقی مجاور آن تاثیری در آن ندارند .

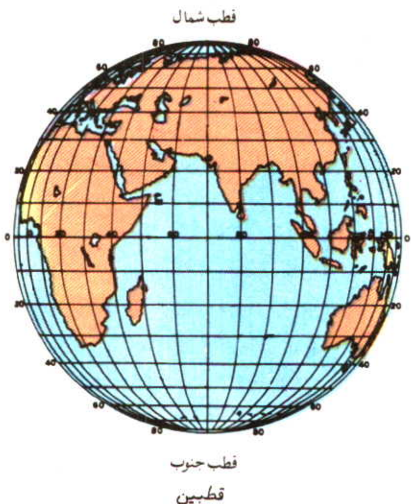
← ژیروسکوپ

قطب نمای مغناطیسی MAGNETIC COMPASS

قطب‌نما عبارت از محفظه مدرجی است که در داخل آن یک عقربه مغناطیسی روی پایه نوک تیز و لغزانی نصب گردیده است . دو سر این عقربه در حالت رهائی ، جهت قطب شمال و جنوب مغناطیسی زمین را نشان می‌دهد .

قطبین POLES

شمالی‌ترین وجنوبی‌ترین نقاط زمین که در دو سر محور چرخش زمین قرار گرفته‌اند و به آنها قطبهای جغرافیائی نیز می‌گویند .



قطبین

قطبین عالم CELESTIAL POLES

← کره عالم

قطر *(Qotr)* DIAMETER

قطر یک دایره یا یک کره عبارت از خط مستقیمی است که از مرکز دایره و یا کره می‌گذرد و از دو طرف به محیط دایره یا کره ختم می‌گردد .

بیضی دو قطر بنام‌های بزرگترین و کوچکترین قطر دارد .

قطران *(Qatrān)* TAR

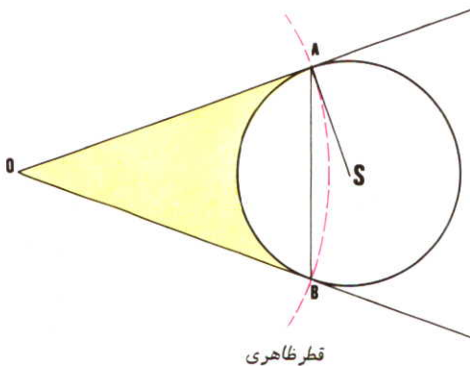
ماده‌ای چسبنده به رنگ قهوه‌ای تیره تا سیاه که از تقطیر زغال سنگ ، تورب ، چوب و مواد آلی دیگر بدست می‌آید . قطران در دمای معمولی تقریبا " سیال است و در سابق از آن برای نفوذ ناپذیر کردن کشتی‌ها در برابر آب استفاده می‌شده است ولی امروزه بیشتر به مصرف استخراج مواد مختلف شیمیائی می‌رسد .

قطر زاویه‌ای ANGULAR DIAMETER

← قطر ظاهری

قطر ظاهری APPARENT DIAMETER

زاویه‌ای که قطعه خط AB (رجوع شود به شکل) تحت آن زاویه از نقطه‌ای مانند O رویت می‌شود . هر چه AB بزرگتر و O به آن نزدیکتر باشد . قطر ظاهری بزرگتر می‌شود و برعکس. در نجوم با دانستن قطر ظاهری ستاره S و فاصله OS از روی مثلث AOB شعاع SA ستاره قابل محاسبه است . در مورد ستارگانی که فاصله آن‌ها از شخص ناظر بسیار زیاد است ، خط AB عملا " همان قطر ستاره است و از همین جا اصطلاح قطر ظاهری پیدا شده است . قطر ظاهری متوسط خورشید ۳۲ دقیقه و ۶ ثانیه و قطر ظاهری ماه ۳۱ دقیقه و ۲۶ ثانیه است و قطر ستاره‌ای بنام ابط‌الجوزا حدود ۰/۰۴۵ ثانیه است ؛ از آنجائیکه فاصله این ستاره از زمین معلوم است لذا با ضرب کردن قطر ظاهری در فاصله آن قطر کره مزبور معادل ۸۰۰ برابر قطر خورشید محاسبه شده است .

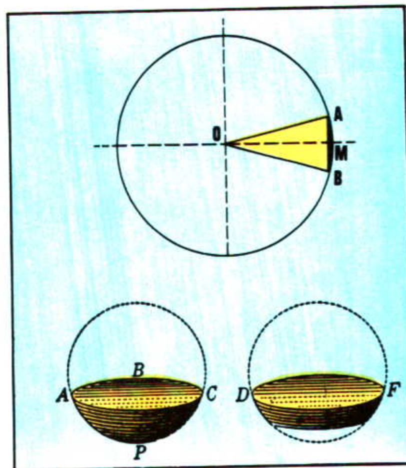


قطر ظاهری

قطعه SEGMENT

۱ـ قطعهٔ دایره ، شکل محدود به قوسی از دایره و وتر آن .
۲ـ قطعهٔ کره ، جسم محدود به یک منطقه کروی و دو قاعده آن . اگر منطقه محدود کننده یک قطعه‌کروی یک‌قاعده داشته

باشد. به شکل حاصله عرقچین می‌گویند.



قطعه

قطیعه *(Qati'eh)*
یا اقطاع، قطعه زمین یا ملکی که از جانب خلیفه یا سلطان به یکی از امراء بعنوان استقلال (بهره‌برداری از عواید) و یا تملیک (مالکیت ارضی) واگذار شود:
رسم قطیعه یا اقطاع از عهد حیات پیغمبر اسلام (ص) سابقه دارد و تا دوره صفویه و قاجاریه نیز در ایران متداول بوده است.

قلب الاسد INVERTASE
ستاره آلفا در صورت فلکی اسد. قلب‌الاسد ستاره‌ای سفید رنگ و از قدر اول است و هشت ماه از سال در عرض‌های جغرافیائی میانه شمالی دیده می‌شود. این ستاره با سرعتی حدود ۸۰۰۰ کیلومتر در ساعت از زمین دور می‌شود و حدود ۱۰۰ مرتبه از خورشید درخشنده‌تر است.
ستاره قلب الاسد را از روزگاران گذشته می‌شناخته‌اند و به مناسبت واقع شدن خورشید در برج اسد در امرداد ماه، گرمای شدید نیمه تابستان را گرمای قلب الاسد گفته‌اند.
(تصویر در صفحه ۲۹)

قلب العقرب ANTARES
ستاره آلفا از صورت فلکی عقرب. این ستاره از جمله غولپیکران سرخ رنگی است که تقریباً ۳۰۰ بار از خورشید بزرگتر است. به مناسبت تشابهی که از لحاظ رنگ با کره مریخ دارد به آن رقیب مریخ یا مریخ مانند نیز می‌گویند و نام یونانی انتارس بهمین مفهوم است. صورت فلکی عقرب در نیمکره جنوبی آسمان واقع است.

قلزم *(Qolzom)*
۱ـ دریا.
۲ـ رود بزرگ.

قلع TIN
عنصر فلزی متبلور با جلای نقره‌ای و علامت شیمیائی Sn. کانی عمده قلع کاسیتریت نام دارد. فلز قلع بسیار نرم است و کمی از سرب سخت‌تر است و از آن بصورت پوسته نازکی برای روکش کردن ورقه‌های آهن و یا فولاد استفاده می‌شود تا از زنگ زدن آنها جلوگیری شود. قلع در ساختمان بسیاری از آمیزه (آلیاژ) ها بکار می‌رود و از اکسید آن برای تهیه لعاب چینی استفاده می‌شود.
حالت نقره‌ای قلع در دمای زیر ۱۸ درجه سانتیگراد ناپایدار است و در دماهای پست‌تر بصورت گردی خاکستری در می‌آید که به آن طاعون قلع یا بیماری قلع می‌گویند.

قلعه FORT
محوطه‌ای محصور، با دیوارها و برج‌های محکم که جهت اقامت سربازان و یا سکنه بنا کنند تا از حملات دشمن در امان باشند.

قلمستان NURSERY
زمینی که در آن قلمه‌های درختانی چون بید و تبریزی (مخصوصاً تبریزی) بکارند تا از چوب آن استفاده نمایند.

قلوه سنگ COBBLESTONE
سنگ گرد و صاف که اندازه آن بزرگتر از ریگ و کوچکتر از گرداله باشد.

قله PEAK
بلندترین نقطه هر کوه را قله آن کوه می‌نامند.

قلیا ALKALI
ئیدرواکسید فلزات محلول در آب. قلیاها دارای خواص بازی هستند و بعلت خاصیت سوزانندگی آنها را قلیاهای سوزآور نیز می‌گویند. از بازهای قلیایی در صنعت صابونسازی و کاغذ سازی استفاده می‌شود.

قمر MOON
کلیه اجرام طبیعی که به دور سیارات گردش می‌کنند قمر نام دارند. این واژه بیشتر در مورد کره ماه بکار می‌رود.
← ماه و سیارات

قمر مصنوعی SATELLITE

← ماهواره

قنات QANAT

یا کاریز، مجرائی است که به‌کمک چاههای متعدد در زیرزمین حفر شود تا آب زیرزمین کوهپایه‌ها را بداخل دشتها روان ساخته و به مصرف کشاورزی و غیره برسد.

قنطورس *(Qanturas)* CENTAUR

صورت فلکی واقع در نیمکره جنوبی آسمان که ستاره‌های درخشان و خوشه‌های متعدد دارد. ستاره آلفای این صورت از حیث درخشندگی سومین ستاره آسمان است و $۴\frac{۱}{۳}$ سال نوری از زمین فاصله دارد. این ستاره یک ستاره سه‌گانه‌ای است که به گرد یک دیگر می‌گردند.

قوانین کپلر KEPLER'S LAWS

یوهانس کپلر منجم و دانشمند آلمانی (۱۵۷۱ — ۱۶۳۰) سه قانون در بیان گردش سیارات بر گرد خورشید بشرح زیر وضع کرده است:

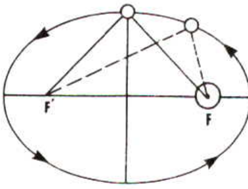
۱ـ مدار هر سیاره بدور خورشید بیضی شکل است و خورشید در یکی از دو کانون آن قرار دارد.

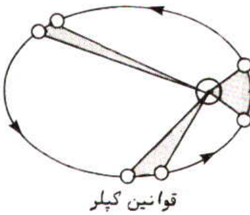
۲ـ شعاع حامل سیاره (خط واصل میان خورشید و سیاره) در زمان‌های مساوی سطوح مساوی طی می‌کند.

۳ـ نسبت مربعات زمان گردش هر دو سیاره به‌یکدیگر مساوی است با نسبت مکعبات فواصل متوسط آن‌ها از خورشید. بطور مثال اگر T و t زمان گردش دو سیاره بدور خورشید و D و d فواصل متوسط آن‌ها از خورشید باشد

$$\frac{T^2}{t^2} = \frac{D^3}{d^3}$$

به قانون سوم، قانون توافقی نیز می‌گویند.

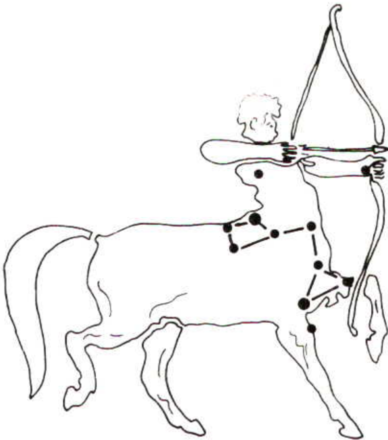




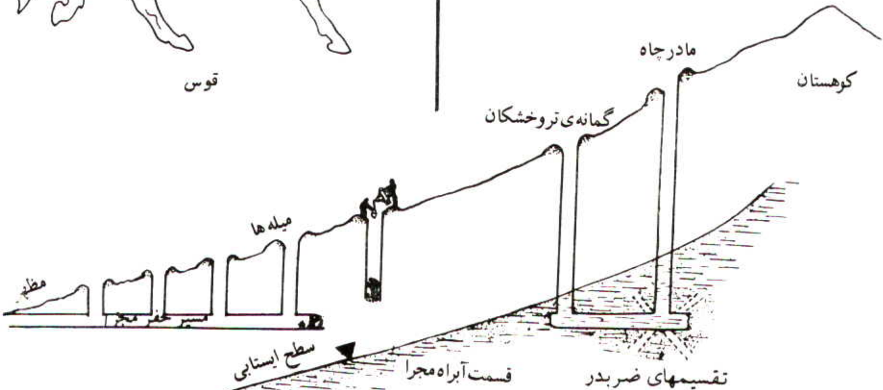
قوانین کپلر

قوس *(Qows)* SAGITTARIUS/ARCHER

یا رامی، نهمین صورت فلکی در منطقة البروج و نهمین ماه در تقویم هجری خورشیدی برابر آذر ماه در تقویم رسمی ایران.



قوس



قنات

قوس *(Qows)* ARC

←کمان

قوس قزح *(Q-qozah)* RAINBOW

← رنگین کمان

قوم *(Qum)* KUM

واژه‌ای در ترکستان شوروی که به مفهوم کویری که تپه‌های شنی فراوانی داشته باشد بکار می‌رود.

قوه قضائیه JUDICIAL POWER

یکی از سه قوه اداره کننده کشور. شامل کلیه دستگاههای قضایی و دادگستری.

قوه مجریه EXECUTIVE POWER

یکی از قوای سه گانه کشور که موظف به اجرای قوانین و مقرارت است و آن شامل رئیس کشور (شاه در حکومت مشروطه و رئیس جمهور در حکومت جمهوری) و هیئت وزیران است.

قوه مقننه LEGISLATOR POWER

یکی از قوای سه‌گانه اداره‌کننده کشور که مسئولیت وضع و تهذیب قوانین را داراست. این قوه از مجلس یا مجالس قانونگذاری و توشیح‌کننده قانون و هماهنگ کننده قوانین با موازین شرعی تشکیل می یابد.

قهاب *(Qohāb)*

معرب واژه فارسی کهاب یا کوه‌آب و نام چند روستا و دهستان در ایران.

قهستان *(Qohestān)*

معرب فارسی واژه کهستان یا کوهستان. ناحیه‌ای است در خراسان بزرگ واقع میان شهرهای نیشابور، هرات، سیستان، کرمان و یزد.

قهندز *(Qohandez)*

معرب واژه فارسی کهن دژ یا کهن دز،نام قلعه‌های مستحکمی که در وسط بعضی از شهرهای بزرگ ایران ساخته شده بوده.

قهوه COFFEE

قهوه از درختان مخصوصی که در سرزمین‌های مرتفع استوائی می‌رویند بدست می‌آید. میوه قهوه از خانواده دو لپه‌ای‌ها بوده و بشکل خوشه‌های قرمز مایل به سیاه دیده می شود. میوه قهوه را پس از خشک کردن بو داده و سپس آسیاب کرده و بصورت نوشابه می‌نوشند. قهوه یکی از فراورده‌های مهم کشاورزی کشورهائی چون برزیل، کلمبیا، آنگولا، مکزیک، اوگاندا، اتیوپی، اندونزی و گواتمالا بشمار می‌رود.

قیافه‌شناسی PHYSIOGNOMY

دانش پی بردن به خوی باطنی و سجایا و ضمیر اشخاص از سیما و رنگ و شکل اندامها و ظاهرآنان مخصوصا" چهره‌ٔ ایشان.

اهمیت ساخت بدن در قیافه‌شناسی از زمان بقراط(حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد) سابقه دارد و اهمیت طبی اختلافات در ساخت بدن محقق شده است.

در فرهنگ اسلامی علم قیافه‌شناسی را فراست می‌نامند وآن عبارتست از دریافتن باطن چیزی از راه نگریستن بظاهرآن.

قیر PITCH

مخلوطی از ئیدروکربورها، به رنگ سیاه مایل به قهوه‌ای و چسبنده که در دمای معمولی جامد است و بر اثر گرما نرم و سیال می‌شود. قیر محصول باقیمانده از تقطیر نفت خام و قطران است.

مخلوط قیر با شن و ماسه به عنوان اسفالت در جاده سازی بکار می‌رود و همچنین با آن نوارهای پارچه‌ای یا کاغذی قیر اندود می‌سازند که برای آب بندی و عایق سازی سقف و کف ساختمان‌ها و لوله‌های آب مورد استعمال فراوان دارد.

قیراط *(Qirāt)* CARAT

الف ـ درجه‌ای که میزان خلوص عیار طلا را مشخص می‌سازد. مثلا" طلای ۲۴ عیار طلائی است که ۲۲ قسمت آن زرناب و ۲ قسمت آن مس است. درجه خلوص نقره، طلای سفید، نیکل و پلاتین را نیز با همین واحد می‌سنجند و آن را با علامت اختصاری K نمایش می‌دهند مانند طلای 24K

ب ـ واحد اندازه‌گیری وزن الماس و سایر سنگ‌های گرانبها را نیز قیراط می‌نامند. وزن بین‌المللی هر قیراط ۰/۲ گرم است و هر قیراط به صد قسمت تقسیم می‌شود که هر قسمت را یک Point می‌گویند.

قیف SINK HOLE

← چاهک

قیفاووس *(Qifāvus)* CEPHEUS

صورت فلکی نیمکره شمالی. در این صورت که از شخصیت اساطیری یونان قدیم نام گرفته است ستاره‌ٔ دلتا که از ستارگان متغیر و از قیفاووسیان برجسته است جالب توجه می‌باشد. (تصویر در صفحه‌ٔ ۲۷۴)



قيفاووس

قيمومت *(Qeymumat)* TRUSTEESHIP

نظام نظارت سازمان ملل متحد بر سرزمینهائی که دارای استقلال نیستند.

قیمومیت MANDATE

عنوان نوعی نظام سرپرستی که پس از جنگ جهانی اول، بر طبق ماده ۲۲ میثاق " جامعه ملل" برای اداره سرزمینهای سابق دولت عثمانی و مستعمرات سابق آلمان برقرار شد.



کائوچو RUBBER

جسم جامد معمولا" قابل ارتجاعی که از ترشح شیرابه گیاهان گوناگون بدست می‌آید. کائوچوی طبیعی ئیدروکربور خالصی است با وزن مولکولی زیاد که بدلیل قابلیت ارتجاع، سختی، نفوذناپذیری، چسبندگی و مقاومت، موارد استعمال فراوانی دارد.

کائولین KAOLIN

← خاک چینی

کاپیتالیسم CAPITALISM

← سرمایه داری

کاپیتولاسیون CAPITULATION

وضع ناشی از قراردادهائی که دول زورمند و استعمارگر (بویژه در قرن ۱۹) به دول ضعیف تحمیل می‌کنند و بموجب آن اتباع دولت زورمند، پس از ورود به قلمرو دولت ناتوان تحت حاکمیت محاکم دول متبوع خود باقی می‌مانند و محاکم کشور ضعیف حق محاکمه آنها را ندارند. کاپیتولاسیون را در پاره‌ای کتاب‌های حقوقی، حق قضاوت کنسولی اصطلاح کرده‌اند. این اصطلاح ناشی از آن است که معمولا" محاکمه اتباع دول استعماری را در قلمرو یک دولت ضعیف ماموریت کنسولی آن دول به عهده داشته‌اند.

کاتاستروفیسم CATASTROPHISM

نظریه‌ای که پیدایش عوارض و موجودات مختلف زمین را بر اساس رویدادها و بلاهای ناگهانی فرض می‌نماید و پیدایش مداوم و تاثیر تدریجی طبیعت در ساختمان عوارض و تحولات حیاتی را مردود می‌داند.

البته اثر پاره‌ای رویدادهای ناگهانی و یا بعبارت دیگر بلاهای طبیعی مانند سیل و زمین لرزه و آتشفشانی و امثال آن در تغییر شکل چهره زمین قابل انکار نیست، ولی باید توجه داشت که اثر اینگونه عوامل اساسا" موقتی و محلی است.

کارتزین CARTESIAN

مربوط به دکارت دانشمند معروف فرانسوی و نظرات او. در ریاضیات مختصات کارتزین به فواصل نقطه از دو محور متعامد X و Y گفته می‌شود، که وضع آن نقطه را در صفحه معین می‌کند و یا بفواصل آن از سه محور عمود بر یکدیگر (X و Y و Z) که نشان دهنده محل نقطه در فضا است. اطلاق می‌گردد.

کارتوگرافی CARTOGRAPHY

الف ـ به مفهوم اعم، کلیه عملیات تهیه نقشه شامل عملیات صحرائی و دفتری را گویند.

ب ـ به مفهوم اخص، هنر نقشه‌کشی یا رسم نقشه و چارت شامل می‌گردد.

کارست KARST

منطقه‌ای آهکی که تمام جویبارهای آن بصورت مجراهای زیر زمینی درآمده و سطح آن کاملا" خشک و برهنه باشد. در این گونه مناطق املاح کربنات کلسیم موجود در سنگ بر اثر ریزش بارانهای حاوی دی اکسیدکربن شسته شده وفقط مواد غیرقابل حل آنها باقی مانده‌است. در سطح اینگونه مناطق فقط چند جویبار کوچک جریان دارد که آنها نیز پس از طی مسافت کوتاهی از درون سوراخهائی بنام چاهک بزیرزمین فرو میروند. مهمترین کارستها در اتحاد جماهیر شوروی درباچه کریمه وجود دارد که تا کشور یوگسلاوی گسترده است.



کارست

کاروانرو *(Kārvānro)*

راهی که کاروان از آن عبور کند.

کاروانسرا CARAVANSARY
۱ــ بنای مخصوص توقف و استراحت کاروانیان و مسافران که در گذشته در کنار جاده ساخته می‌شد .
۲ــ محوطه‌ای شامل حجره‌های متعدد که بازرگانان در آن‌ها بکار و تجارت می‌پردازند و در انبارهای‌آن‌کالاهای خود را جای می‌دهند . به اینگونه کاروانسراها سرای نیز گفته می‌شود .

کاریز QANAT
←قنات

کاز $(K\bar{a}z)$
محلی که در کوه و یا بیابان‌کنده شده و برای بیتوته و استراحت مردم و چارپایان اختصاص داده شده باشد .

کاسه آتشفشانی CALDERA/BASAL WRECK
حوضچه نسبتا" بزرگی که پیرامون آن را پرتگاههای پرشیب فرا گرفته باشد . معمولا" اینگونه عوارض بر فراز قله‌های آتشفشانی تشکیل می‌گردد و اغلب بصورت دریاچه کوچکی دیده می‌شوند . در پاره‌ای از اینگونه عوارض که بر فراز قله‌های آتشفشانی نیمه‌خاموش تشکیل شده‌اند ، مخروط ها و یا قیف‌های کوچکی دیده می‌شود که هنوز به فعالیت اشتغال داشته و غالبا" دود و بخار آب و حتی گدازه‌های آتشفشانی از آن خارج می‌گردد . یکی از بزرگترین و شناخته‌ترین کاسه‌های آتشفشانی که ابعاد آن در حدود ۲۲ × ۱۶ کیلومتر است در ژاپن و بر فراز قله Aso که یک آتشفشان فعال است دیده‌ــ می‌شود . (تصویر در صفحهٔ ۲۷۸)

کاسه سر سنجی CEPHALOMETRY
بررسی روشهای اندازه‌گیری کاسه سر .

کاغذ PAPER
ورقه نازک و همواری که معمولا" از خمیر مواد مختلف گیاهی و کهنه و کاه برنگهای گوناگون تهیه می‌شود .
واژه کاغذ از لفظ چینی کوکدز یا کاکدز اقتباس شده و کلمه انگلیسی آن از لفظ یونانی پاپیروس اخذ گردیده .
تقریبا" بیش از نیمی از کاغذ نو از کاغذهای کهنه‌و مستعمل ساخته می‌شود .

کافت $(K\bar{a}ft)$ CREVASSE
← شکاف یخی

کافت اریب $(K\text{-}e\text{-}orib)$ SPLAYING CREVASSE
کافتی که در امتداد طول یخچال پدید آمده و بطور مورب بسوی کناره‌های یخچال منحرف شده باشد .

کاکائو CACAO
درختی است استوائی که بومی امریکای جنوبی است و پس از فتح امریکا بدست دولت اسپانیا ، کشت‌آن دراروپا و دیگر جاها بتدریج رواج یافت .
میوه‌های این گیاه را پس از چیدن انبار می‌کنند تا بپوسد . پس از آن دانه‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و به مصرف می‌رسانند .
دانه این گیاه که به کاکائو موسوم است محتوی ماده‌ای است بنام تئوبرومین بعلاوه مقدار زیادی مواد ازته و چربی .
این گیاه امروزه درکشورهای امریکای جنوبی و پاره‌ای‌کشورهای افریقایی کشت می‌شود .
کاکائو علاوه بر مصارف معمولی در امور طبی نیز کاربرد دارد .

کال GULLY
آبراهه تنگ و طویلی که بر اثر شسته شدن زمین بوسیله آب پدید آمده باشد . این عارضه که غالبا" درکوهپایه‌ها دیده می‌شود از فرکند و دره کوچکتر است و فقط هنگام بارندگی یا آب شدن برف و یخ دارای‌آب بوده‌و در سایر مواقع تقریبا" خشک است . ←آبکند

کالار COULOIR
آبکند تند و پر شیبی که بطور عمیق در دامنه‌کوهستان پدید آمده باشد .

کالای آب آورده FLOTSAM
کالا یا قسمتی از یک کشتی غرق شده که در سطح دریا شناور بیابند .

کالری CALORIE
واحد مقیاس برای حرارت و آن مقدار حرارتی است که یک سانتی‌متر مکعب آب مقطر را باندازه یک درجه سانتیگراد گرم تر کند .
کالری بزرگ یا کیلوکالری معادل ۱۰۰۰ کالری کوچک است و انرژی مواد غذائی را برحسب آن می‌سنجند .
هرکالری برابر $\frac{۱}{۲۵۲}$ بی تی یو است .

کالنبار $(K\bar{a}lanb\bar{a}r)$ ENTREPOT
محلی که کالاهای بازرگانی را به آن جا حمل وموقتا" انبار می‌کنند و سپس به نقاط مختلف توزیع می‌نمایند .

کامبرین CAMBRIAN PERIOD
نخستین دوره زمین شناسی پس از دوران پارین زیوی که در تخته سنگ‌های آن نشانه‌های فراوانی از زندگی بی مهرگان

دیده می‌شود. این نام در سال ۱۸۳۶ میلادی به‌وسیله دانشمندی بنام A.Sedgwick برای دوره مزبور پیشنهاد گردیده.
دوره کامبرین از حدود ۲۰± ۶۰۰ میلیون سال پیش آغاز شده و به حدود ۴۱۰ تا ۵۰۰ میلیون سال قبل پایان یافته است. آثاری ازتخته‌سنگ‌های این دوره در قسمت‌های شمال خاوری اسکاتلند دیده می‌شود.
← ازمنه زمین شناسی

کامنولث COMMONWEALTH
← مشترک المنافع

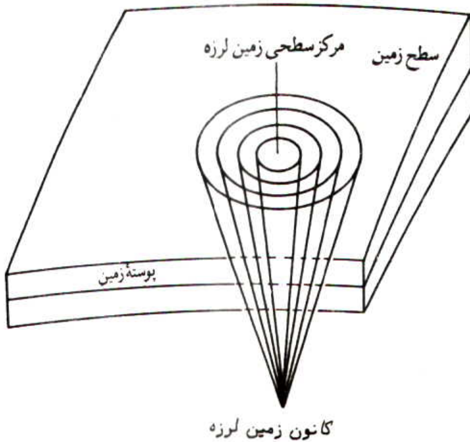
کانال CANAL
← آبراهه

کانال پاناما PANAMA CANAL
← پاناما

کانال سوئز SUEZ CANAL
ترعه‌ای است در خاک مصر که مدیترانه را بدریای سرخ متصل میکند و در قرن ۱۹ میلادی بوسیله فردینان دولسپس فرانسوی حفر شده و امریکائیان آنرا بپایان رسانیدند. طول این ترعه از بندر سوئز در ساحل بحر احمر تا پرت سعید در مدیترانه ۱۶۸ کیلومتر است.

کانون FOCUS
نقطه‌ای که شعاع‌های نور، حرارت یا صوت در صورتی که مانعی سر راهشان نباشد بدان‌جا متقارب می‌شوند و یا از آن جا بطور حقیقی و یا ظاهری متباعد می‌گردند.

کانون زمین لرزه SEISMIC FOCUS
مرکز ارتعاشات زمین لرزه واقع درزیرزمین راکانون‌زمین‌لرزه می‌گویند.
اگر از کانون زمین لرزه که گاه در اعماق ۷۰۰ کیلومتری زیر پوسته زمین قرار دارد خطی بسطح زمین عمود کنیم محل تلاقی خط مزبور با سطح زمین را مرکز زمین لرزه می‌خوانند.
معمولاً زمین لرزه‌ها را از نظر عمق کانون به سه دسته بشرح زیر تقسیم می‌کنند:
الف ــ زمین لرزه‌های عمیق که‌عمق کانون آن بیش از ۳۰۰ کیلومتر است.
ب ــ زمین لرزه‌های متوسط که‌عمق کانون آن بین ۷۰ تا ۳۰۰ کیلومتر است.
پ ــ زمین لرزه‌های کم عمق که‌عمق کانون آن از ۶۰ کیلومتر کمتر است.
← امواج زمین لرزه و مرکز زمین لرزه



کانون ژرف DEEP FOCUS
کانون زمین لرزه‌ای که در ژرفای بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر قرار گرفته باشد.

کانه ORE
آن دسته از مواد معدنی فلرداری که فاقد ارزش اقتصادی بوده و نوعی هرزه سنگ بشمار می‌آیند. کانه‌ها معمولاً بصورت نهشت‌های متراکم یافت می‌شوند.

کانه فرو منیزیم FERROMAGNESIAN MINERAL
ماده معدنی که از ترکیب آهن و منیزیم درست شده باشد. از مهمترین انواع این کانه زبرجد و یشم را می‌توان نام برد.

کانی MINERAL
زمین شناسان هر کانی را عبارت از ماده‌ای غیرآلی می‌دانند که شکل ظاهری، ترکیب شیمیائی و خواص فیزیکی ویژه‌ای دارد. این خصوصیات یا همواره ثابت است و یا در حد معین تغییر می‌کند. بیشتر کانیهائی که در سطح زمین شناخته شده‌اند جامدند.

کانی شناسی MINERALOGY
شاخه‌ای از زمین شناسی که راجع به کانیها گفتگو می‌کند.

کانیون CANYON
این واژه از لغت اسپانیایی Canon گرفته شده و معنای‌آن بشرح زیر است:
الف ــ دره ژرفی که دیواره‌های آن دارای شیب تند بوده و معمولاً رودخانه‌ای در کف آن جریان داشته باشد. اینگونه



کاسه آتشفشان

دره‌ها معمولاً " در اراضی سست ، کم باران و نسبتاً " خشک دیده می‌شود که رودخانه فرساینده‌ای که از کوهستانهای پر برف نواحی دوردست سرچشمه گرفته در آن جریان دارد . مانند دره Grand Canyon در کشور ایالات متحده امریکا که رودخانه کلرادو در آن جریان دارد . ژرفای این دره در پاره‌ای مناطق حدود ۱۵۰۰ متر بوده و عرض کف آن در مقابل پهنای بالای آن که گاهی تا ۱۵ کیلومتر می‌رسد خیلی تنگ و باریک است .

ب ــ عارضه‌ای واقع در کف دریا که به دره‌ای با دیوارهای تند شباهت داشته و غالباً " در دهانه رودخانه‌های بزرگ دیده می‌شود . مانند کانیون‌های دهانه رودخانه هودسن واقع در امریکای شمالی و رودخانه کنگو واقع در افریقا . چگونگی پیدایش کانیونهای زیر دریائی عبارتست از :

۱ــ گسستگی و جابجا شدگی پوسته زمین در کف دریا .

۲ــ فرسایش گل و لای کف دریا در نتیجه وجود جریانهای قوی زیر آبی .

۳ــ بلندی کف دریای مقابل دهانه رودخانه و فرسایش آن درنتیجه ریزش آب رودخانه به دریا . (تصویردرصفحه ۲۷۹)

کاوش EXPLORATION

جستجو کردن و کاویدن و تفحص کردن درباره سرزمینهای ناشناخته که در اصطلاح اکتشاف نیز گفته می‌شود .

کاینات

همه موجودات جهان .

کبیسه LEAP YEAR

←سال کبیسه

کپسول زمان TIME CAPSULE

محفظه موشکی شکل از آلیاژ مس و کرم و نقره بوزن حدود ۳۶۰ کیلوگرم و بطول حدود ۲/۴ متر ، محتوی گزارشی از تمدن کنونی بشر که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۸ در عمق ۱۵ متری محل بازار مکاره جهانی سال ۱۹۳۹ نیویورک برای آیندگان در زیر خاک بودیعه گذارده شده . ساختمان محفظه مزبور طوری است که محتویاتش حدود ۵۰۰۰ سال محفوظ می‌ماند .

کپه *(Koppeh)* SMALL MOUND

پشته کوچکی که به آن کبه یا قبه نیز می‌گویند .



کانیون

کتان FLAX

گیاهی است به ارتفاع حدود یک متر، دارای برگهای نوک تیز و سبزه‌ای و گل‌هائی کوچک و آبی رنگ. در گذشته از الیاف این گیاه در پارچه بافی استفاده می‌شد ولی امروزه بیشتر دانه‌های روغنی آن را (بنام بزرک) بکار گرفته‌واز آن روغن بزرک که در صنعت رنگ سازی مورد استعمال دارد تهیه می‌کنند. این گیاه در آب و هوای خشک رشد نموده و دارای انواع زینتی نیز می‌باشد.

کتل *(Kotal)* HILL
یا تپه بلند .
← تپه

کتیر *(Kateir)* SALT-FLAT
← شوره زار

کجنمائی *(Kajnamā'i)* ABERRATION
ناتوانی یک دستگاه نوری از ایجاد تصویر دقیق از اشیاء . کجنمائی را نباید ناشی از عیبی در ساختمان آینه و یا عدسی دستگاه نوری شمرد بلکه کجنمائی ذاتی آینه‌ها و عدسی‌های کروی است .

کجنمائی نور ABERRATION OF LIGHT
تغییر محل ظاهری و متناوب مختصر یک ستاره یا جرم فلکی دیگر در نتیجه تاثیر توام حرکت نور و حرکت زمین .

کد آمائی *(Kadāmā'i)* ECONOMY
اداره منابع یک منطقه یا یک اجتماع بویژه اعمال مدیریت در امور مالی و دارایی .

کدخدا VILLAGE HEADMAN
متصدی امور ده ، دهبان ، دهدار .

کران HORIZON
← افق

کراندشت COASTAL PLAIN
← دشت ساحلی

کرانماسه *(Karānmāseh)* SANDBANK
پشته‌ای از ماسه در دریا یا رودخانه که هنگام پائین رفتن آب پدیدار شود .

کرانه *(Karāneh)* COAST
فصل مشترک خشکی با سطح آب دریا .
این فصل مشترک در کرانه‌های بدون جزر و مد ، تقریبا" ثابت است ولی در سواحلی که دارای جزر و مد است تغییر می‌کند و بوسعت زمین‌های ساحلی افزوده و یا کم می‌شود . تعریف فوق را می‌توان با قدری احتیاط پذیرفت و بصورت تعریف کلی زیر تعمیم داد :
کرانه یا ساحل قسمتی از زمین است که حد فاصل میان آب و خشکی باشد . این خط عبارت از نواره‌ای است از خشکی که پیرامون آب را فرا گرفته و تحت تاثیر مستقیم امواج آب واقع شده باشد .

بطور کلی کرانه‌های دریا را به گونه‌های زیر طبقه بندی می‌کنند
الف ــ کرانه‌های مرتفع .
ب ــ کرانه‌های پست .
الف ــ کرانه‌های مرتفع کرانه هائی هستند که محور چین خوردگی کوهها ، عمود و یا موازی با خط ساحل باشد . این کرانه‌ها بر دو گونه‌اند :
۱ــ کرانه‌های عرضی شامل سواحل مردابی و سواحل یخچالی است .
۲ــ کرانه‌های طولی .
ب ــ کرانه‌های پست که معمولا" مجاور جلگه های ساحلی قرار دارند .

کرانه‌دار GROIN
دیواره کوتاهی که در داخل دریا و کم و بیش عمود بر ساحل آن ساخته شده باشد . هدف از این دیواره جلوگیری از حرکت شن و ماسه و تقلیل فرسایش زمین است .

کرانه طبیعی NATURAL COAST
خط کرانه‌ای که هیچگونه تغییرات ارتفاعی در آن پدید نیامده باشد .

کرانه موافق CONCORDANT COAST
← کرانه همرو

کرانه ناهمرو DISCORDANT COAST
کرانه‌ای که نسبت به رشته ارتفاعات ساحلی بطور اریب قرار گرفته باشد .

کرانه همرو *(K-ye-hamro)* CONCORDANT COAST
کرانه‌ای موافق که در امتداد رشته ارتفاعات ساحلی قرار گرفته باشد . هنگامی که ارتفاعات ساحلی عمود بر کرانه دریا باشد ، دنباله ارتفاعات در دریا معمولا" جزیره‌های متعددی را بوجود می‌آورد . (تصویر در صفحه ۲۸۱)

کرانی LITTORAL
نواری از خشکی که پیرامون دریا را فرا گرفته و در حد کشند (جزر و مد) آب دریا واقع شده باشد . در اقیانوس‌ها معمولا" این قسمت عبارت از منطقه کم عمقی است که به خشکی متصل بوده و زیستگاه بسیاری از جانوران و گیاهان دریایی را تشکیل می‌دهد .
این قسمت که گاه کفه دریایی و یا ژرفاشیب و فلات قاره نامیده می‌شود . سرشارترین مکان ماهیگیری جهان است .



کرانه همرو

کربن CARBON
یکی از فراوانترین عناصر در زمین و جزء اصلی همه مواد آلی . این عنصر در خورشید ، ستارگان ، دنباله‌داران و در جو بیشتر سیارات یافت می‌شود و انرژی خورشید و ستارگان حداقل بعضا" ناشی از حلقه کربن است . کربن به حالت آزاد در طبیعت به سه شکل یافت می‌شود . زغال سنگ ، الماس و گرافیت . کربن با ئیدرژن سلسله پر دامنهٔ ئیدروکربورها ، با اکسیژن و ئیدرژن ئیدرات‌های کربن ، با اکسیژن و عناصر فلزی کربنات‌ها و با سیلیسوم سیلیکون‌ها را پدید می‌آورد . علاوه بر ترکیبات بالا ترکیبات مهم اکسید کربن ، انیدرید کربنیک ، سولفور کربن ، متان ، استیلن ، الکل اتیلیک ، اسید استیک و مشتقات آنها را می‌توان بر فهرست مزبور افزود . کربن ۱۴ که ایزوتوپ کربن معمولی است هم در طبیعت یافت می‌شود و هم در رئاکتورهای هسته‌ای آن را می‌سازند .

کربن رادیواکتیو RADIOACTIVE CARBON
← رادیواکتیویته و تاریخ‌گذاری بوسیله رادیوکربن

کربونیفر CARBONIFEROUS PERIOD
پنجمین دوره از دوران دیرین زیوی (کهن زیست) که زمان آن به ۲۷۰ تا ۳۵۰ میلیون سال پیش می‌رسد . این دوره را در زبان فارسی می‌توان دوره زغالینه نامید .
← ازمنه زمین شناسی

کرپی *(Korpi)*
پلی که بر روی مرداب بسته شود .

کرت *(Kart)*
۱ ــ قطعه زمینی که در آن سبزی کاری و یا زراعت شود .
۲ ــ هر یک از بخش‌های تقریبا" مساوی یک مزرعه یا یک باغچه که هرکدام را معمولا برای کشت خاصی اختصاص داده باشند .

کرتاسه CRETACEOUS
سومین دوره از دوران میان زیوی (میان زیست) مربوط به ۷۰ تا ۱۳۵ میلیون سال پیش .
← ازمنه زمین شناسی

کرتوژن KRATOGEN
بخشی از پوسته زمین که سخت و غیر قابل حرکت باشد .

کرز *(Korz)*
زمینی را که برای سبزی کاری یا زراعت دیگر هموار کنند و کناره‌های آن را بلند سازند .

کرسی
حاکم نشین و مرکز یک ناحیه .

کرور *(Korur)*
واحد شمارش هندی ، معادل پانصد هزار در ایران و صدلک در هندوستان هر لک برابر ۱۰۰۰۰۰ است .

کرونومتر CHRONOMETER
زمان سنج فوق العاده دقیقی که معمولا" برای عملیات نجومی ، کشتیرانی و یا کارهای دیگری که به ثبت و اندازه‌گیری زمان دقیق نیازمند است بکار می‌رود .

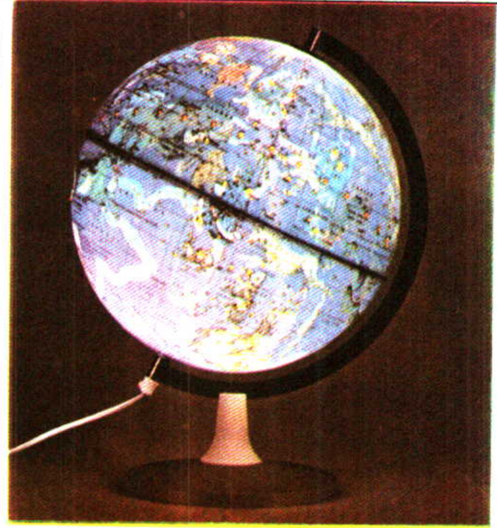
کُره SPHERE
شکل هندسی سه بعدی‌ای که همه نقاط آن از نقطه ثابتی بنام مرکز کره بیک اندازه باشد .
مقطع کره بشکل دایره است و اگر سطح مقطع از مرکز کره بگذرد ، دایره مقطع بزرگترین مقدار را پیدا می‌کند و بهمین مناسبت دایره عظیمه نامیده می‌شود ، درغیراینصورت مقطع یک دایره صغیره است . کوتاهترین فاصله میان دو نقطه بر سطح کره قوسی است از دایره عظیمه‌ای که بر آن دو نقطه بگذرد . هر دایره عظیمه کره را به دو نیمه برابر بنام نیمکره تقسیم می‌کند . مساحت (S) و حجم کره (V) را می‌توان از فرمول‌های زیر بدست آورد .

$$V = \frac{4}{3}\pi R^3 \qquad S = 4\pi R^2$$

که R شعاع کره است .

کره آسمان CELESTIAL SPHERE
← کره عالم

کره جغرافیائی TERRESTRIAL GLOBE
کره‌ای که نقشه زمین ، سیارات ، ستارگان و یا کره عالم ، بر سطح آن نمایش داده شود . بسته به موارد استفاده کره



کره ستارگان



کره ماه



کره جغرافیائی

جغرافیائی ، آن را در انواع گوناگون تهیه می‌کنند . مانند : کره طبیعی ، کره سیاسی ، کره کُنک و غیره .

کره زمین SPHERE OF THE EARTH

← زمین

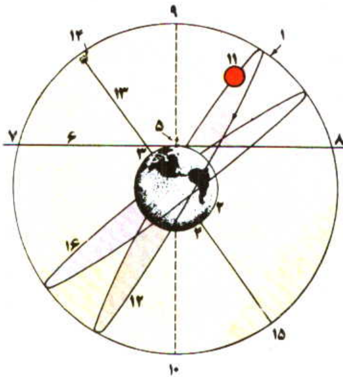
کره سماوی CELESTIAL SPHERE

← کره عالم

کره عالم CELESTIAL SPHERE

کره عالم کره‌ای است به شعاع بی نهایت که زمین در مرکز آن واقع شده و فرض بر آن است که کلیه ستارگان و اجرام آسمانی روی سطح این کره قرار گرفته‌اند .

هر گاه محور چرخش زمین را از دو سو آنقدر ادامه دهند که کره عالم را قطع کند قطبین عالم پدید می‌آید و دوایر عظیمه‌ای که از قطبین عالم عبور کرده و محور عالم (که از امتداد محور چرخش زمین بدست آمده است) را در برگیرد نصف النهار عالم نام دارند .



کره عالم

۱ـ کره عالم
۲ـ زمین
۳ـ قطب شمال
۴ـ قطب جنوب
۵ـ ناظر
۶ـ افق ناظر
۷ـ شمال ناظر
۸ـ جنوب ناظر
۹ـ سرسو
۱۰ـ پاسو
۱۱ـ خورشید ظاهری
۱۲ـ مدار حرکت ظاهری خورشید
۱۳ـ محور عالم
۱۴ـ قطب شمال عالم (ستاره قطبی)
۱۵ـ قطب جنوب عالم
۱۶ـ نیمگان عالم

کره فلکی CELESTIAL SPHERE

← کره عالم

کریستال CRYSTAL

مولکول‌های جامد متراکم ، با ترتیب‌های اتمی منظم که پیرامون آن را سطوح منظمی در بر گرفته باشد ، مانند کریستال‌های کوارتز و الماس .

کریشک *(Korishak)*

مغاک و گودال .

کسوف ECLIPSE OF THE SUN
← خور گرفت

کسوف حلقوی ANNULAR ECLIPSE
← خورگرفت حلقوی

کشاورزی AGRICULTURE
عمل شخم زدن زمین ، تخم افشانی و برداشت فراورده‌های زراعی را کشاورزی می‌گویند . نمونه‌ای از کشاورزی اولیه که بصورت خیلی ابتدائی انجام می‌شود در مناطقی مانند دره آمازون و افریقای مرکزی دیده می‌شود . در این نواحی زمینهای جنگلی را از درخت پاک کرده و تخم گیاه در آن می‌کارند و تا برداشت محصول آن را رها می‌سازند . درحالیکه کشاورزی نوین ، با دانش و مهارت خاصی همراه است که غالبا" در مدارس و آموزشگاههای ویژه‌ای فرا گرفته می شود . بطور کلی کشاورزی به گونه‌های مختلفی وجود دارد که هر نوع از آن به عوامل خاصی مانند میزان بارندگی ، درجه گرما و جنس خاک بستگی دارد .

کشاورزی اشتراکی COLLECTIVE FARMING
شیوه کشاورزی مخصوصی است که برای نخستین بار در اتحاد جماهیر شوروی آزمایش شده و امروزه در کشورهای اروپای شرقی ، چین ، ویتنام و کره شمالی نیز متداول و معمول است . در این سیستم زمینهای کشاورزی به قطعات پهناوری بنام کلخوز (Kolkhoz) خرد شده و هر قطعه تحت نظارت یک مدیر و به کمک عده‌ای کارگر بزیر کشت می‌رود و فراورده‌های آن تحویل دولت می‌گردد و دستمزد کارگران از فروش محصولات مزبور و بر اساس میزان کاری که انجام داده‌اند تامین و پرداخت می‌شود .

کشاورزی تک کشتی MONOCULTURE
(Keshāvarzi-ye-tak keshti)
یا زراعتی که اختصاص به یک کشت دارد . این اصطلاح مقابل اصطلاح چند کشتی که کشت متعدد و متنوع میباشد قرار دارد .

کشاورزی چند کشتی POLYCULTURE
(K-ye-chand keshti)
کشت متعدد و متنوعی که از آن چند نوع محصول برداشت شود .

کشاورزی دیم DRY FARMING
یا زراعت دیم شیوه‌ای است در کشاورزی مناطق نیمه خشک که در آن از رطوبت موجود در خاک استفاده شده و بدون بهره‌گیری از آبیاری به کشاورزی پرداخته شود . در این شیوه برای جلوگیری از تبخیر آب و حفظ رطوبت خاک از وسایل و روشهای مختلفی مانند پوشانیدن زمین با کاه و سنگ و مانند آنها و حتی ذخیره باران دو سال برای یک کشت استفاده می‌شود .

کشاورزی مکانیزه EXTENSIVE AGRICULTURE
عمل کشت و زرع در مقیاس وسیع و استفاده از سیستمهای مکانیزه و بکار گرفتن حداقل نیروی انسانی .

کشاهل *(Kashāhel)* TIDES
← کشند

کشت تنجیده INTENSIVE CULTIVATION
(Kesht-e-tanjideh)
شیوهٔ خاصی است در کشاورزی ، که طی آن از یک زمین نسبتا" کوچک بهره‌برداری قابل توجهی بعمل آید . در این شیوه زمین بطور مداوم زیر کشت قرار می‌گیرد و به استراحت و آیش آن توجه نمی‌شود . اینگونه کشاورزی بیشتر در کشورهائی مانند دانمارک و انگلستان ، که ارزش زمین بالا بوده و سیاست کلی ، در بهره‌گیری هر چه بیشتر از زمین است بکار می‌رود .

کشتزار FARM
محل کشت و زرع .

کشتزار تختانی TERRACE CULTIVATION
کشتزاری که در یک دامنه شیب‌دار بصورت پله‌کانی ایجاد گردیده باشد و برای جلوگیری از آب شستگی و فرسایش زمین هر کرت بصورت پلکانی افقی ساخته شده باشد .

کشتگرد *(Keshtgard)* ROTATION OF CROPS
بهره‌برداری متناوب از یک قطعه زمین به منظور کشت محصولات مختلف در طی چند سال . این عمل به منظور کنترل موثر بذر و مبارزه با آفت و بیماریهای گیاهی و بارورسازی خاک بکار می‌رود .

کشتمان *(Keshtmān)* FARM
یا کشتمند ، زمینی که در آن چیزی کاشته باشند .

کشتی پستی PACKET BOAT
کشتی کوچکی که میان بندرهای یک دریاچه یا یک تنگه بار یک رفت و آمد کند و بسته‌های پستی و مسافر حمل نماید .

کشسانی *(Keshsāni)* ELASTICITY
توانائی ماده در بازگرفتن شکل اولیه خود پس از برطرف شدن نیروهای وارد بر آن (ازقبیل نیروهای کشش، تراکم، پیچش، وغیره) جسمی که دارای این خاصیت باشد کشسان نامیده میشود.

کشند *(Keshand)* TIDES
بالا و پائین رفتن متناوب آب دریا و اقیانوس حاصله از نیروی جاذبه خورشید و ماه را جزر و مد یا کشند می‌گویند. مقدار این نیرو نسبت به جرم جسم جذب کننده، و عکس مکعب فاصله آن از زمین تغییر می‌کند. بهمین دلیل اگرچه جرم خورشید بمراتب از جرم ماه بیشتر است، ولی عامل اصلی کشند، جاذبه کره ماه است. (جرم خورشید ۲۷ میلیون برابر جرم ماه است، ولی فاصله خورشید ۳۸۹ برابر فاصله ماه از زمین می‌باشد.)

کشنداب *(Keshandāb)* TIDE WATER
بخشی از دشتهای ساحلی اقیانوس اطلس که تا جائی که آبهای کشندی اقیانوس مزبور به آنها می‌رسد، ادامه داشته باشد.

کشندان *(Keshandān)* ESTUARY
دهانه رودخانه‌ای که تحت تاثیر کشند است. در این قسمت معمولاً" آب شیرین رودخانه باآب دریا مخلوط می‌شود. این قسمت که معمولاً" قیفی شکل است، محل مناسبی برای ایجاد بندرگاه می‌باشد. به این قسمت، دهانه رودخانه یا مصب رودخانه نیز گفته می‌شود.

کشند پائین LOW TIDE
← فروکشند

کشند روزانه DIURNAL TIDE
یا جزر و مد روزانه در بخش‌هائی از پاره‌ای اقیانوس‌ها، مانند خلیج مکزیکو، آبهای پیرامون جزایر فیلیپین، آبهای دوردست آلاسکا و چین، در عرض ۲۴ ساعت فقط یک بار برکشند (مد) و یک بار فروکشند (جزر) روی می‌دهد.

کشند سیل FLOOD TIDE
بالا آمدن سطح آب دریا هنگام برکشند (مد). این مرحله در کرانه‌هایی که دارای شیب ملایم هستند سریع بوده و سرعت آن در مراکیری اراضی در خور توجه است.

کشند مضاعف DOUBLE TIDE
کشند (جزر و مد) ی‌که طی آن پدیده برکشند (مد) به‌حداکثر خود رسیده و به آرامی رو به مرحله فروکشند (جزر) نزول کند و مجدداً" به حداکثر برکشند صعود نماید.
اگر منحنی‌های نیمه‌روز و ربع روز کشند را ترکیب نمایند. برکشند مضاعف بدست می‌آید.

کشور COUNTRY
واحد جغرافیائی که از چند استان تشکیل یافته و بزرگترین واحد سیاسی را تشکیل می‌دهد. این واحد معمولاً" از یک سیستم حکومتی بنام حکومت مرکزی‌که در محلی بنام پایتخت متمرکز هستند پیروی می‌نماید.

کشور شهر CITY STATE
واحد خودمختار سیاسی و اجتماعی که معمولاً" از یک شهر و نواحی پیرامون آن تشکیل می‌شود مانند واتیکان.

کشور میانگیر BUFFER STATE
کشوری که میان دو یا چند کشور نیرومند قرار گرفته باشد. این‌گونه‌کشورها در واقع نقش‌ضرب خور را ایفا می‌کنند و هدف از ایجاد آنها جلوگیری از برخورد و جنگ میان کشورهای نیرومند است.

کف مغاکی *(Kaf-e-maghāki)* ABYSSAL FLOOR
قسمتی از کف اقیانوس که ژرفای آن، از ۱۸۰۰ متر تجاوز کرده باشد.
← ژرفا شیب

کفموج *(Kafmoj)* SWASH
امواج کف آلودی که به زمین‌های ساحلی هجوم برد.

کفه دریائی CONTINENTAL SHELF
← ژرفاشیب

کفه قلیائی ALKALI FLAT
باتلاقی که در یک منطقه خشک کویری واقع شده و سیلاب چند جویبار و رود فصلی به آن وارد شود. آب کفه قلیایی در فصل گرما تبخیر گردیده و به شوره‌زاری با تخته‌گل‌هایی که روی آن‌ها از مواد قلیایی پوشیده شده است تبدیل می‌گردد.
کفه‌های قلیایی معمولاً" پس‌از بارندگی‌های شدید به‌مرداب‌های گل آلود دگرگون می‌شوند.

کلات
قلعه و یا دهکده‌ای که بر روی کوه ساخته شده باشد .

کلاته
ده یا قلعه کوچک و یا کشتزار کوچک را گویند .

کلاک STEPPE
علفزاری که در یک منطقه معتدله قرار گرفته باشد ، مانند علفزار پهناوری که از اکراین تا منچوری گسترده شده .
⟵ استپ

کلاهک یخی JOKUL
منطقه کوچکی که بوسیله کلاهکی از یخ پوشیده شده باشد .

کلخوز KOLKHOZ
⟵ کشاورزی اشتراکی

کلروفیل CHLOROPHYLL
⟵ سبزینه

کلسیت CALCITE
ماده معدنی کلسیم که معمولا " سفید و یا بی رنگ است و بدلیل مواد خارجی به انواع رنگهای گوناگون دیده می‌شود . گل سفید ، سنگ آهک ، مرمر ، آهکرس و دنگال از اقسام کلسیت هستند .

کلسیم CALCIUM
عنصری است به رنگ سفید با جلای نقره‌ای و علامت شیمیایی Ca که از لحاظ فراوانی پنجمین عنصر پوسته جامد زمین است و حدود ۳ در صد آن را تشکیل می‌دهد . کلسیم هرگز بصورت آزاد در طبیعت یافت نمی‌شود . بلکه بصورت سنگ آهک ، سنگ گچ ، فلوئوریت و آپاتیت یافت می‌شود .
کلسیم از لحاظ شیمیائی یکی از عناصر قلیایی خاکی است و در هوا بسرعت با پوسته‌ای از اکسید پوشیده می‌شود و اگر حرارت داده شود با شعله‌ای زرد مایل به سرخ می‌سوزد ، در تهیه فلزات به عنوان عامل احیا کننده و عامل زایل کننده گوگرد و کربن بکار می‌رود .
حل پذیری کربنات کلسیم در آب محتوی انیدرید کربنیک سبب پیدایش غارهای زیرزمینی و دنگال و دنگاله می‌گردد.

کلف‌های خورشیدی SUNSPOTS
⟵ لکه‌های خورشیدی

کلنی COLONY
الف ــ دسته‌ای از مردم که در سرزمینی دوراز سرزمین بومی خویش بطور دسته جمعی زندگی کنند . معمولا " کلنی‌ها در سرزمین‌های دست نخورده و جدید الاکتشاف که جمعیت کافی نداشته باشد دیده می‌شوند .
ب ــ از نظر زیست شناسی به زندگی‌های همانند و پیوسته بهم گفته می‌شود . مانند کلنی مرجان‌ها .
پ ــ از نظر گیاهشناسی بمفهوم گسترش تدریجی گونه‌های گیاهان در یک منطقه .

کلوت (Kalut)
تپه‌هایی که مولود فرسایش مشترک آب و باد می‌باشند . عامل فرسایش ، شیارهایی در رسوبات ریز دانه اواسط دوران سوم بوجود آورده که نمونه آن تپه‌های موازی و کم ارتفاعی است که در مغرب دشت لوت در جهت شمال غربی جنوب شرقی گسترده شده است . حجم کلوتها بر اثر فرسایش بمرور کاهش یافته و به کلوتک یا کلوت کوچک تبدیل می‌شوند .

کلوتک (Kalutak)
⟵ کلوت

کلوخ (Kolukh) CLOD
۱ــ گل خشک شده ، خاک بهم چسبیده و سخت شده .
۲ــ خشت پاره .

کلوخ زار (K-zār)
زمینی که در آن کلوخ بسیار باشد .

کماب ARID
آب و هوا و یا منطقه‌ای که میزان بارندگی سالیانه آن نیازمندی کشاورزی و روئیدنی‌ها را به زحمت تامین نماید .
(تصویر در صفحه ۲۸۶)

کمان ARC
قطعه‌ای از یک منحنی مانند دایره .

کمر CRAG
صخره پرشیب ناهموار یا قسمت پیش آمده‌ای از یک صخره .

کمر بالا HANGING WALL
در اصطلاح زمین شناسی ، سنگی که در بالای یک گسله یا یک رگه قرار گرفته است . (تصویر صفحه ۲۸۶)

کمربند پنبه COTTON BELT
سرزمینی در جنوب خاوری ایالات متحده امریکا ، که قسمت اعظم پنبه جهان را تامین می‌کند . این سرزمین که دارای خاک سیاه رنگی است در مناطق تکزاس ، می‌سی‌سی‌پی و



کماب

آلاباما واقع شده و یکی از غنی‌ترین خاکهای کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد. پاره‌ای از مناطق پنبه‌خیز امریکا مانند فلوریدا، خارج از این کمربند قرار گرفته‌اند.

کمربند سبز GREEN BELT

کمربند و یا نواری از زمین پیرامون شهرها که ایجاد ساختمان و تاسیسات دیگر در آن ممنوع بوده و برای گسترش‌های آینده در نظر گرفته شده باشد. معمولاً" این قبیل زمین‌ها را با جنگل کاری و یا کشتزار مشخص می‌سازند.

کمربند غله CORN BELT

منطقه کمربندی شکلی در ایالات متحده امریکا، واقع در نواحی جنوبی و جنوب باختری، و پنج دریاچه آب شیرین که محل عمده، کشت غلات است.

کمربند گندم WHEAT BELT

بخشی از امریکای شمالی که بطور وسیع زیر کشت گندم قرار گرفته است.

← گندم خیز

کمربند میوه FRUIT BELT

سرزمینی به عرض حدود ۴۵ کیلومتر که در سرتاسر ساحل خاوری دریاچه میشیگان (امریکا) گسترده شده و از نظر پرورش مو و میوه‌های مشابه سرایط بسیار مطلوب و مناسب را داراست.

کمربند وان آلن VAN ALLEN BELT

محدوده‌هائی از میدان مغناطیسی زمین، که تشعشعات کیهانی را درون خویش محبوس ساخته و از برخورد آنها به سطح زمین جلوگیری می‌کند. این محدوده از ارتفاع حدود ۸۰۰ کیلو — متری زمین شروع شده و تا دهها هزار کیلومتر داخل فضا گسترش یافته است.

این کمربند بنام کاشف آن جیمز آلفرد وان آلن نامگذاری شده است.

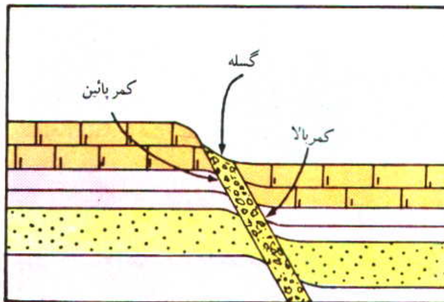
کمربند وان آلن دو شکل چنبره‌ای است که از ذرات باردار پر انرژی احاطه شده و بیشتر متشکل از پروتونها و الکترونهای پر انرژی هستند.

کمربند درونی به فاصله ۳۲۰۰ کیلومتری و کمربند بیرونی در فاصله حدود ۱۶۰۰۰ کیلومتری سطح زمین قرار دارد.

(تصویر در صفحه، ۲۸۷)

کمر پائین FOOT WALL

قسمت پائین یک گسله.



کمر بالا و کمر پائین

کمرکش

کمر کوه و گاه بالای کوه را نیز می‌گویند.

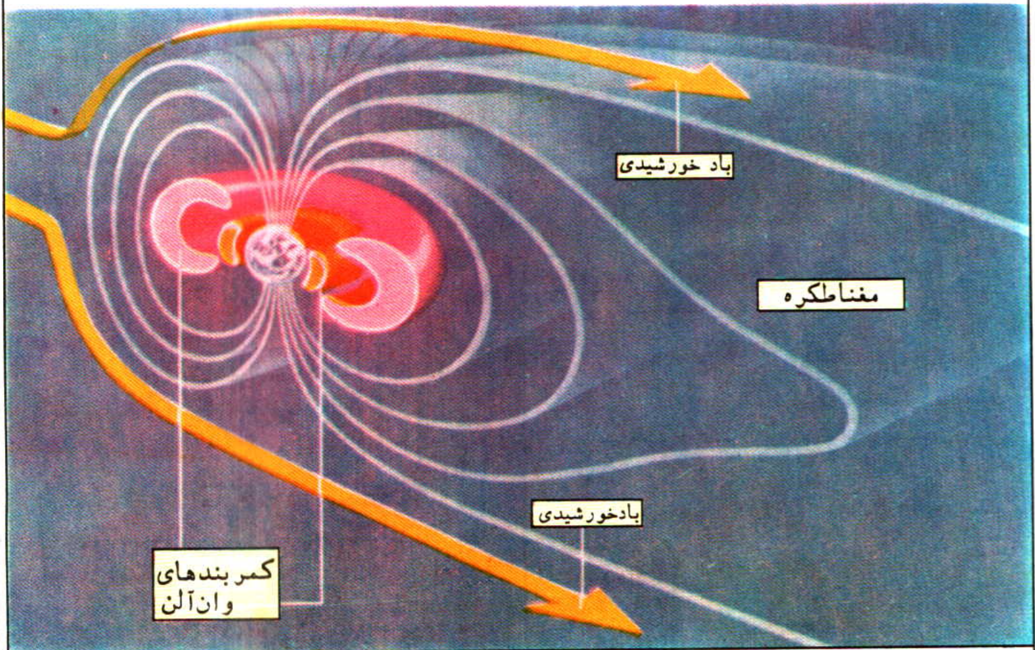
کمونیسم COMMUNISM

نظام و مکتبی اجتماعی و مخالف رژیم سرمایه‌داری. این مسلک بر مالکیت اجتماعی، وسایل و ابزار تولید، همکاری و کمک متقابل رنجبران و زحمتکشان استوار است.

نخستین مرحله کمونیسم، جامعه سوسیالیسم است که زمینه اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، و اخلاقی ورود به مرحله کمونیسم را آماده می‌سازد.

مارکس و انگلز دو بنیانگذار نخستین سوسیالیسم و کمونیسم علمی هستند.

سه رکن اساسی کمونیسم عبارتند از: ۱ــ فلسفه ماتریالیسم ۲ ــ اقتصاد ۳ ــ جامعه شناسی



کمربند وان آلن

کناره COAST

⟵ کرانه

کند و ساب *(Kandosāb)* CORRASION

فرسایش مکانیکی مواد خاکی نرم و سست که بر اثر جابجا شدن مواد جامد و سخت‌تری روی دهد . مانند فرسایش مواد سست کف رودخانه‌ها بر اثر جریان آب ، که حامل مواد سختی ، مانند سنگ و امثال آن باشد . کندو ساب موجب ژرف شدن بستر رودخانه‌ها شده و دیواره‌های پر شیب و قائمی پدید می‌آورد .

کنسولگری CONSULATE

واحد اداری که دولتی برای حفظ حقوق و منافع اتباع خود در بندرها و مراکز بازرگانی یک کشور خارجی دایر می‌کند . سرپرست کنسولگری را سر کنسول می‌نامند .

کنف CANNABIS

گیاهی است از تیره پنیر کیان ، که مانند کتان از الیاف آن جهت تهیهٔ طناب و گونی و پارچه‌های ضخیم استفاده می‌کنند .

کنفدراسیون CONFEDERATION

عنوان جامعه‌ای از چند کشور که به منظور همکاری متقابل و اقدام مشترک در امور دفاعی با یکدیگر متحد می‌شوند ، ولی این جامعه بر شهروندان کشورهای عضو حکومت مستقیم ندارد و معمولاً " ادارهٔ امور خارجی این کشورها را نیز در دست ندارد . سوئیس ، هر چند که اسماً "کنفدراسیون است ، اما عملاً " بصورت "فدراسیون" اداره می‌شود .

کنوانسیون (پیمان بین المللی) CONVENTION

موافقتنامه‌ای که بین چندین دولت منعقد می‌گردد و پیوستن سایر دول به آن آزاد است مانند کنوانسیون وین و غیره .

کنور *(Kanor)* THUNDER

⟵ تندر

کوارتز QUARTZ

گونه‌ای ماده معدنی که از دی اکسید سیلیکون با فرمول SiO_2 ترکیب یافته است . کوارتز خالص ظاهر شیشه‌ای و شفافی دارد و انواع رنگین آن نیز یافت می‌شود . کوارتز شیشه معمولی را خط می‌اندازد .

کواستا CUESTA

واژه اسپانیائی بمفهوم رشته کوهی که یک طرف آن دارای شیب کاملاً " ملایم و طرف دیگر آن شیب تندی داشته باشد. این عارضه از اختلاف سختی و سستی طبقاتی مانند گچ و نمک که بصورت موازی قرار گرفته باشند ایجاد میشود .

کوتوله‌ها DWARF STARS

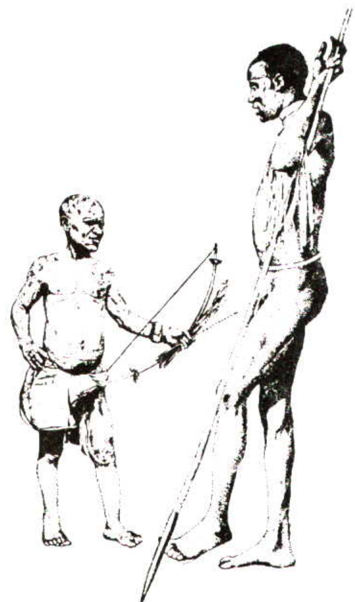
یکی از دو دسته ستارگانی که براساس نمودار هردسبرونگ ـ راسل دارای تابندگی ضعیف هستند و در مقابل غولپیکران که تابندگی زیادی دارند، قرار گرفته‌اند. ستارگان کوتوله برعکس غولپیکران در تحول خود در مرحله انحطاط هستند و بدو دسته بنام کوتوله‌های سفید وکوتوله‌های سرخ تقسیم می‌گردند. کوتوله‌های سفید ستارگانی هستند که درآخرین مرحله تحول ستارگان قرار دارند و درحقیقت مراحل احتضار را می‌پیمایند. جرم این ستارگان بسیار زیاد است و رنگ عده‌ای از آنها آبی و برخی زرد هستند.

کوتوله‌های سرخ فراوان‌ترین ستاره‌ها هستند.

← غولپیکران

کوتوله‌ها PYGMIES

دسته‌ای از انسان‌ها که قد آن‌ها بطور متوسط کوتاهتر از ۱۴۰ سانتیمتر است. این دسته از مردم بیشتر در نواحی جنگل‌های استوائی افریقای مرکزی زندگی می‌کنند و رنگ پوست آن‌ها زرد تیره است.



کوچ DECAMP

مهاجرت و یا انتقال دسته‌ای از مردم و یا جانوران ازجایی به جای دیگر.

کوچراه LAND BRIDGE

راهی که انسان و دیگر جانوران خشکی از طریق آن بسرتاسر گیتی پخش گردیده‌اند.

کوچ فصلی TRANSHUMANCE

← چرا گشت

کوچه ALLEY

کم عرض‌ترین راه عبور در شهرها، که معمولا "گنجایش عبور و مرور وسائل نقلیه را نداشته باشد.

کود FERTILIZER

موادی با منشاء طبیعی یا مصنوعی که به خاک افزوده می‌شود تا خاصیت باروری زمین را از نظر کشاورزی و رشد گیاهان افزایش دهد.

کودها دارای نیتروژن، فسفر، پتاسیم و سایر مواد مورد نیاز گیاهند.

کوراب

این واژه در زبان فارسی به مفهوم سراب نیز بکار می‌رود.

← شوره‌زار و گمرود

کوردره BLIND VALLEY

دره‌ای در یک منطقه آهکی که بدلیل فرورفتن‌آب رودخانه یا جویبار آن در زمین، بطور ناگهانی مسدود و کور شده باشد.

کوره

بخشی از یک سرزمین یا یک کشور که مشتمل برچندین روستا و دهستان باشد.

جغرافیدانان اسلامی، ناحیه‌ای مشتمل بر چندین قریه را کوره می‌نامیدند. و هر کوره از یکی از روستاها یا شهرهای خود نام می‌گرفت مانند کوره دارابجرد.

این جغرافیدانان گاه از کوره برای تعریف استان نیز استفاده می‌کردند. بنا به قول حمزه اصفهانی ایرانیان کوره را به بخشی از استان می‌گفتند.

کوره‌ده SMALL VILLAGE

ده کوچک و یا دهی از یک کوره.

کوره‌راه

راه‌های پر پیچ و خم و تنگ خارج شهرها.

کوره راههای کوهستانی غیر قابل اتومبیلرانی بوده و در

اراضی هموار به علت بدی عوارض طبیعی عبور ومروربه سختی انجام می‌گیرد. اینگونه راهها معمولا" بتدریج و بطور طبیعی در اثر رفت و آمد بسیار بوجود آمده‌اند.

کوره شناسی CHOROLOGY
بررسی توضیحی درباره‌روابط‌ونسبت‌های‌سببی میان‌پدیده‌های یک منطقه خاص. دانشمندان و پژوهشگران این دانش‌را بدو شاخه زیر تقسیم کرده‌اند:
الف ـ ترتیب اشیاء و جرم‌های آسمانی که به آن نجوم یا ستاره‌شناسی می‌گویند.
ب ـ ترتیب اشیاء و عوارض روی پوسته‌زمین که‌آن را جغرافیا می‌خوانند.

کوره نگاری CHOROGRAPHY
الف ـ تعریف و یا توصیف مناطق مختلف بطور جداگانه.
ب ـ نقشه توپوگرافی مقیاس کوچکی از سرزمین‌هائی پهناور که جزئیات کمتری را در مقایسه با نقشه‌هائی که از مناطق کوچکتر و در مقیاس بزرگتر تهیه می‌شوند در برداشته‌باشد.
پ ـ تهیه نقشه‌های مقیاس کوچک از مناطقی مانند کشورها و قاره‌ها بصورت اطلس و نقشه‌های دیواری.

کوسک CUSEC
واحد اندازه‌گیری تخلیه یک رودخانه. هرکوسک‌برابر۵۳۸۰۰۰ گالن در ۲۴ ساعت است. شماره کوسک هر رودخانه از ضرب کردن نسبت جریان آب در فوت بر ثانیه در سطح مقطع رودخانه بر حسب فوت مربع بدست می‌آید.

کوکب STAR
← ستارگان

کول ETANG
یا کولاب ← تالاب

کولاب ETANG
یا کول ← تالاب

کولاک ROUGH SEA
دریای آشفته و متلاطم، امواج خروشان دریائی که توفانی باشد.

کوله ETANG
← تالاب، استخر، حوضه

کولی GYPSY
مردمی که در سراسر جهان پخش بوده و بطور چادرنشین زندگی می‌کنند. کولی‌ها را در کشورهای مختلف به اسامی گوناگون می‌خوانند. مثلا" در ایران به آنها لولی، لوری، غربالبند و امثال آن می‌گویند. منشاء کولی‌ها از هند بوده و در قرن نهم میلادی به ایران آمده‌اند و سپس بسوی غرب رهسپار شده‌اند و در قرن نوزدهم به امریکای شمالی وارد گردیده‌اند.

کومه *(Kumah)* STACK
ستونی از سنگ که بشکل جزیرک‌های کوچک و نزدیک بساحل از آب خارج شده باشد. این عارضه معمولا" بر اثر فرسایش حاصله از آب دریا پدید می‌آید.

کوه MOUNTAIN
زمینی که نسبت به اراضی پیرامون خود بطور مشخص و چشم‌گیری برجسته بوده و دامنه‌های شیب‌داری داشته باشد و از قله یا قله‌های متعددی تشکیل یافته باشد. بطور کلی برای کوه ارتفاع مشخص، منظور نشده‌ولی‌می‌توان ارتفاعاتی را که بیشتر از ۶۰۰ متر بلندی داشته‌باشند جزوکوه محسوب داشت. بلندترین کوه جهان اورست در رشته ارتفاعات هیمالیا واقع در آسیا است، که ۸۸۵۰ متر ارتفاع دارد. مرتفع‌ترین کوه قاره‌های مختلف جهان به ترتیب زیر است:
کوه آکونکاگوا واقع در امریکای جنوبی، به ارتفاع ۶۹۶۱ متر.
کوه مک کینلی واقع در امریکای شمالی، به ارتفاع ۶۱۹۵ متر.
کوه کیلیمانجارو واقع در افریقا، به ارتفاع ۵۸۹۶ متر.
کوه ماسیف واقع در قاره جنوبگان، به ارتفاع ۵۱۴۱ متر.
کوه کازیسکو واقع در استرالیا، به ارتفاع ۲۲۲۸ متر.
(تمام ارتفاعات ذکر شده قله کوههاست).

کوه انباشتی ACCUMULATION MOUNTAIN
(Kuh-anbāshti)
کوهی که از گدازه‌های آتشفشانی تشکیل یافته‌باشد. اینگونه کوهها معمولا" بلند و مخروطی شکل بوده و اغلب بصورت تک قله دیده می‌شوند.

کوهپایه PIEDMONT
یا دامنه کوه، منطقه‌ای که در پای کوه واقع شده باشد.

کوه دریائی SEAMOUNT
← برجستگیهای کف اقیانوس

کوهزا *(Kuhzā)* OROGENIC
نیروهایی که باعث تاخوردن چینه‌های زمین شوند و به کوهزائی منجر گردند.

کوهزائی (*Kuhzā'i*) OROGENY

پدید آمدن کوه از راه تاخوردن چینه‌های زمین.

کوه زدگی MOUNTAIN SICKNESS

← کوه گرفتگی

کوهسار MOUNTAINOUS

← کوهستان

کوهستان MOUNTAINOUS/RIDGE & VALLEY

منطقه یا ناحیه‌ای که پوشیده از کوههای فراوان باشد. به این عارضه کوهسار نیز گفته می‌شود.

کوه شناسی OROGRAPHY

بخشی از جغرافیای طبیعی که درباره برجستگیهای زمین به ویژه سیستم کوهها گفتگو می‌کند.

کوه قاف

طبق روایات و افسانه‌ها، رشته کوهی است که اطراف زمین را احاطه کرده و کناره‌های آسمان بر آن نهاده شده و نگهدارنده زمین است.

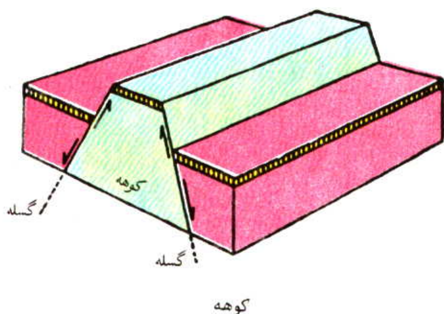
بیشتر مورخین و نویسندگان اسلامی کوههای قاف و البرز را یکی شمرده‌اند.

کوه گرفتگی MOUNTAIN SICKNESS

تاثیر ارتفاع روی اشخاص، که بدلیل کمبود اکسیژن بصورت نوعی عارضه تنفسی، سردرد و خواب آلودگی تدریجی بروز می‌کند. چنانچه کوه‌پیمائی و افزایش ارتفاع به آرامی و تدریجی انجام شود از اثر این بیماری کاسته شده و گاه از بروز آن حتی جلوگیری می‌شود. یکی از عوامل تشدید کننده کوه گرفتگی، فشاری است که بر ماهیچه‌ها وارد می‌شود ولی نباید آنرا به عنوان عامل اصلی منظور داشت ولی بطور کلی استقامت و ورزیدگی و سلامت بدن را از جمله عوامل موثر در جلوگیری و تخفیف این بیماری باید محسوب داشت. به این عارضه، عارضه کوه زدگی نیز گفته می‌شود.

کوهه HORST

جسم مرتفعی که میان دو گسله پی در پی موازی واقع شده باشد. این عارضه هنگامی پدید می‌آید که بخش میانی دو گسله تحت تاثیر فشار لایه‌های زیرین بالاآمده و یا چینه‌های دو طرف گسله‌های مزبور نشست کرده باشد. به این عارضه فرازمین نیز گفته می‌شود.



کوهه

کوههای جوان YOUNG MOUNTAINS

کوههائی که در آخرین مرحله از دوره چین خوردگی پدید آمده باشند.

کوه یخ ICEBERG

← یخکوه

کوی

محله‌ای در یک شهر. محله‌های کوچک را کویچه یا کوچه می‌گویند.

کویر DESERT

← بیابان

کویر سرد COLD DESERT

الف ـ از این واژه بمفهوم سرزمین‌های قطبی یا دشت‌های توندرا (Tundra) استفاده می‌شود. درجه حرارت در این سرزمینها پائین بوده و اغلب از برف و یخ پوشیده شده است. مانند سرزمین گروئنلند که جز یک نوار باریک در کنار دریا سایر قسمتهای آن کاملاً از برف و یخ به ضخامتهای متفاوت که گاه به حدود هزار متر می‌رسد پوشیده شده. زندگی جانوری و گیاهی در اینگونه سرزمینها بندرت دیده می‌شود.

ب ـ این واژه، گاه برای بیان دشت‌ها و سرزمینهای درون قاره‌ها، که عرض جغرافیائی آنها بیشتر از ۵۰ درجه بوده و درجه گرمای آنها از ۶ درجه سانتیگراد بیشتر نمی‌شود بکار می‌رود. مانند دشت‌های مرکزی آسیا، که پیرامون آنها را کوهستان‌های بلند بنام فلات فرا گرفته و در نتیجه موجبات جلوگیری از نفوذ رطوبت و بخار آب را بدرون اینگونه سرزمین‌ها فراهم می‌سازد.

کهربا AMBER

رزین فسیل شده که در زمان‌های قدیم زمینشناسی به صورت صمغ از درختان مخروطی خارج شده است. کهربا گاه شفاف

و گاه کدر است و برای ساختن زیور آلات بکار می‌رود.

کهریز (Kahriz)
← قنات

کهریز (Kohriz)
EBOULIS
توده‌ای از سنگ و شن که بر اثر فرسایش و ریزش در دامنه کوهها انباشته شده و عبور از آن را بسختی ممکن می‌سازد.

کهکشان
GALAXY
یکی از کهکشانه‌ها یا ابری‌های عالم افلاک است که تقریباً از یکصد هزار میلیون ستاره که خورشید منظومه شمسی یکی از آنهاست تشکیل یافته.

این مجموعه عظیم که به آن کهکشان راه شیری نیز می‌گویند دارای قطری است معادل یکصد هزار سال نوری که از چند بازوی مارپیچی و یک توده متورم مرکزی به ضخامت حدود بیست هزار سال نوری ساخته شده و مرکز واقعی آن بوسیله غبارها و ابری‌های کیهانی پوشیده شده است.

خورشید با خانواده خود که به آن منظومه شمسی می‌گویند نزدیک به لبه خارجی این منظومه و به فاصله‌حدود ۳۰هزار سال نوری از توده مرکزی قرار دارد و همراه با ستارگان دیگر حول مرکز کهکشان در گردشند.

یک دور گردش کامل خورشید به دور مرکز کهکشان حدود ۲۲۵ میلیون سال بدرازا می‌کشد که به آن یک سال کیهانی می‌گویند.



مارپیچی



بیضوی



نامنظم

کهکشان راه شیری MILKY WAY GALAXY
← کهکشان

کهکشان راه مکه MECCA WAY GALAXY
← کهکشان

کهکشانه *(Kahkashāneh)* GALAXIES
هر یک از منظومه‌های عظیم ستارگان، که کهکشان ما نیز از جمله آنهاست و واحد تشکیل دهنده جهان می‌باشد.
انواع کهکشانه‌ها عبارتند از:
الف ــ کهکشانه‌های مارپیچی، که ساختمان مارپیچی دارند و کهکشانه صورت فلکی امراة المسلسله جزو این دسته است و قطرش حدود دویست هزار سال نوری است و تقریبا "۲/۲ میلیون سال نوری از زمین فاصله دارد.
ب ــ کهکشانه‌های بیضوی، که بطور کلی بصورت سحابی بی شکلی بنظر می‌آیند و بازوهای مارپیچی ندارند. نزدیکترین کهکشانه بیضوی به زمین، حدود ۲ میلیون سال نوری از ما فاصله دارد.
پ ــ کهکشانه‌های نا منظم، که فاقد تقارن چرخشی هستند و نزدیکترین آنها به ما حدود ۱۵۰۰۰۰ سال نوری فاصله دارد. از جمله این دسته کهکشانه‌ها، ابرهای ماژلانی را می‌توان نام برد.
امروزه بوسیله عکاسی و تلسکوپهای بسیار قوی، حدود یک بیلیون کهکشانه تشخیص داده شده است، که به فاصله ۱۰ هزار تا ۱۲ هزار میلیون سال نوری از هم قرار گرفته‌اند. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که کهکشانه‌ها با سرعتهای متناسبی از زمین دور می‌گردند. (تصاویر در صفحهٔ ۲۹۱)

کهکشانه‌های بیضوی ELLIPTICAL GALAXIES
← کهکشانه

کهکشانه‌های مارپیچی SPIRAL GALAXIES
← کهکشانه

کهکشانه‌های نامنظم IRREGULAR GALAXIES
← کهکشانه

کهکشند *(Kehkeshand)* NEAP TIDE
زمانی که کرات خورشید و زمین و ماه در فضا زاویه قائمی پدید آورده و زمین در رأس آن قرار گرفته باشد، دامنه کشند کاهش می‌یابد. این پدیده هنگام تربیع یکم و تربیع دوم روی می‌دهد.
← اهله قمر و مهکشند

کهلرزه *(Kehlarzeh)* MICROSEISM
لرزش‌هائی از پوسته زمین که برای انسان محسوس نباشد و فقط به کمک اسباب‌های مخصوص بتوان آن را ثبت کرد.

کهندژ *(Kohandezh)*
قلعه قدیم، حصار کهن، معرب آن قهندز است.
بیشتر شهرهای ایران در قدیم کهندژی داشته است.

کهیر *(Kahir)*
← شوره‌زار

کیلو پارسک KILOPARSEC
هر کیلو پارسک برابر با ۱۰۰۰ پارسک ومعادل $۳/۲۶ \times ۱۰^{۳}$ سال نوری است.

کیلوگرم KILOGRAM
واحد اندازه‌گیری وزن در سیستم متریک که مقدار آن ۱۰۰۰ گرم است.

کیلوگرم نیرو KILOGRAM FORCE
واحد اصلی نیرو در سیستم متر ــ کیلوگرم ــ نیرو ــ ثانیه و آن نیروی جاذبه زمین است بر جرم یک کیلوگرمی که معادل ۹۸۰۶۶۵ دین و یا ۹/۸۰۶۶۵ نیوتن است.

کیلومتر KILOMETER
یکی از واحدهای اندازه‌گیری طول در سیستم متریک که در ازای ۱۰۰۰ متر یا ۱۰۹۳/۶۱ یارد است.

کیوان SATURN
یا زحل یکی از عظیم ترین سیارات منظومه شمسی است که بعد از برجیس یا مشتری در فاصله ۱۰۴۲۷۰۰۰۰۰۰ کیلومتری خورشید درمدارخویش جای گرفته‌است. دربیان عظمت و تجسم این فاصله همین بس که نور خورشید با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه این فاصله را در مدت یک ساعت و ۱۵ دقیقه طی می‌کند. قطرکیوان ۱۲۰۰۰۰ کیلومتراست و مدت گردش آن بدور خورشید ۲۹ سال و ۱۶۶/۸۰۵ روز زمینی و چرخش آن بدور محور خویش ۱۰ ساعت و ۱۵ دقیقه بطول میکشد پیرامون کره کیوان را حلقه نورانی عظیمی همانند کمربند در بر گرفته که از خرده سنگ‌ها و اجرام و غبارهای آسمانی بی شماری تشکیل یافته است. بجز حلقه مزبور ۲۳ قمر نیز به گرد این سیاره در گردشند. (تصویر در صفحهٔ ۲۹۴)
← سیارات

کیهان UNIVERSE
یا گیهان .
← جهان

کیهانزائی COSMOGONY
علم بررسی منشاء و تکامل اجرام فضائی و پیدایش منظومه خورشیدی .

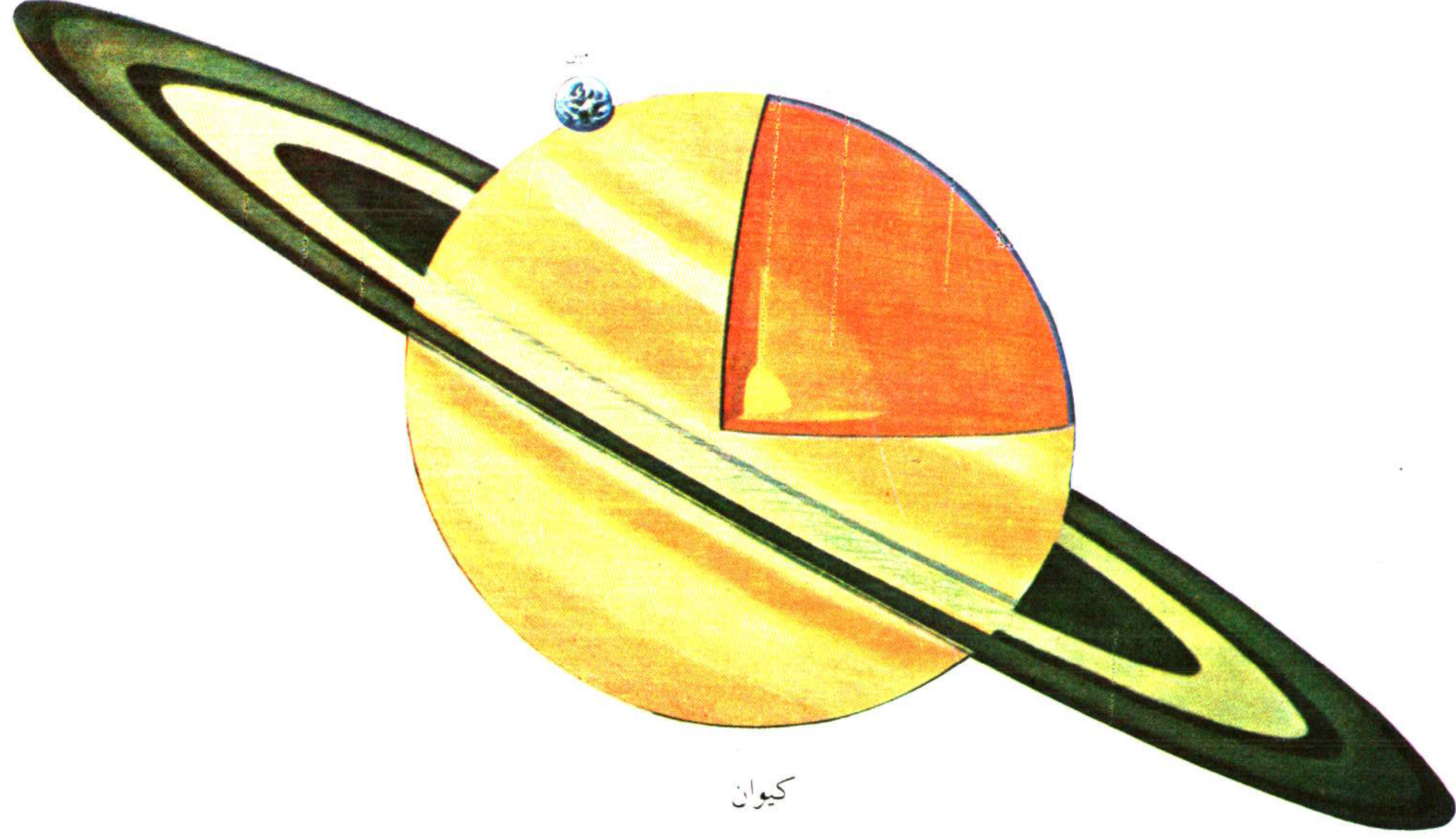
کیهانشناخت COSMOLOGY
تحقیق و بررسی در ماهیت جهان مادی بعنوان یک کل . این علم درآغاز ، حالت اساطیری داشته و در اوایل قرن بیستم بصورت علمی درآمده است .

کیهان شناسی COSMOGONY / COSMOLOGY
پژوهش‌های علمی درباره قوانین کیهانی و فلسفه طبیعت و هستی ، که معمولاً بوسیله دانشمندان رشته نجوم ، فیزیک و ریاضیات انجام می‌شود .

کیهان‌شناسی زمین GEOCOSMOGONY
شاخه‌ای از کیهان‌شناسی که درباره منشاء زمین به عنوان بخشی از منظومه خورشیدی بحث می‌نماید .

کیهان نگاری COSMOGRAPHY
دانشی که ساختمان عمومی کیهان را توصیف می‌کند و درباره تهیه نقشه از کیهان و کره زمین بحث می‌نماید .

کیهانی COSMIC
چیزهائی که با پدیده‌های خارج از جو زمین بستگی داشته باشد .



کیوان



گاز GAS

هر ماده هوا مانند و بی شکلی که قابلیت گسترش نامحدود داشته باشد. گاز یکی از سه حالت ماده است که حد اعلای پخش مولکولی از ویژگی‌های آنست. گاز ملموس نیست و سطح آزاد و معینی ندارد و هر فضایی را که بدان راه یابد پر می‌کند. گازها تحت تاثیر فشار به آسانی متراکم می‌شوند و به احسامی که در آن شناورند رو به بالا فشار می‌آورند.

جو زمین مخلوطی است از گازها و برحسب اینکه از هوا سبک‌تر و یا سنگین‌تر باشند در طبقات بالاتر و یا پائین‌تر قرار می‌گیرند.

← جو

گاز چراغ COAL GAS

گاز قابل احتراقی که از تقطیر خشک زغال سنگ بدست می‌آید و برای روشنائی و مصارف سوختی بکار می‌رود.

گازخان MOFETTE

حفره‌ای در سطح زمین که گاه از آن گاز دی اکسید کربن با مقداری اکسیژن و ازت و بخار آب خارج می‌شود. این عارضه بیشتر در نواحی که آتشفشانهای قدیمی و خاموش دارد دیده می‌شود.

گاز روشنائی ILLUMINATING GAS

هر نوع گازی که برای روشنائی و ایجاد حرارت بکار برده شود.

از انواع گاز روشنائی می‌توان گاز چراغ، گاز طبیعی و متان را نام برد.

← گاز چراغ

گاز زغال COAL GAS

← گاز چراغ

گاز طبیعی NATURAL GAS

گازهائی از نوع ئیدروکربن که به شکل اتان و متان در زیر پوسته زمین جمع شده‌اند. این گازها اغلب با نفت همراه بوده و پس از تصفیه برای مصرف سوخت و تولید گرما بکار می‌روند و هم چنین به صورت مواد خام در کارخانه‌های پتروشیمی به مواد گوناگونی تبدیل می‌گردند.

گاز کربنیک CARBON DIOXIDE

یا انیدرید کربنیک، گازی است بی رنگ و تقریبا" بی بو که از ترکیب کربن و اکسیژن با فرمول Co_2 پدید می‌آید. گاز کربنیک از هوا سنگین‌تر است، در آب حل می‌شود و نمی‌سوزد و تحت تاثیر فشار به مایع دگرگون می‌شود. در هوا موجود است، از سوختن زغال و ئیدروکربورها و هم چنین از تجزیه کربناتها حاصل می‌شود. در فتو سنتز بکار می‌رود.

گاز مرداب METHANE

← متان

گازهای کمیاب RARE GASES

یا گازهای بی اثر گازهایی هستند از قبیل هلیوم، نئون، آرگون، کریپتون، که میل ترکیب شیمیائی ندارند.

گالون GALLON

واحدی است برای اندازه‌گیری حجم. یک گالون آب ۱۵ درجه سانتیگراد ده پوند (حدود ۴۵۳۶ گرم) وزن دارد و حجمی معادل ۲۷۷/۳ اینچ مکعب یا ۰/۱۶ پای مکعب (فوت مکعب) یا ۴۵۴۵/۹۶ سانتی متر مکعب و یا ۱۶۰ اونس مایع را دارا است. گالون بر دو نوعست، گالون انگلیسی یا امپریال، برابر ۳/۷۸۵۳ لیتر و گالون امریکائی، برابر ۴/۵۵ لیتر. هر گالن امریکائی ۱/۲۰۰۹ گالون امپریال است.

گاوبندی

حقی که در ملک دیگری بدست آرند و بموجب آن بتوانند بنفع خود مقداری از اراضی آن را همه ساله زراعت کنند و بهره‌برداری نمایند. این عمل قاعدتا" با اجازه مالک اصلی صورت می‌گیرد.

گاو چاه

چاه فراخ و عمیق.

گاو زمین

گاوی افسانه‌ای که زمین بر دو شاخ آن قرار دارد و آن گاو بر پشت ماهی سوار است.

گاهشماری CHRONOLOGY

علم تاریخگذاری از راه تعیین ادوار و تقسیمات زمان و تعیین زمان رویداد حوادث تاریخی در ادوار و تقسیمات مذکور. تاریخگذاری بر دونوعست. تاریخگذاری نسبی و تاریخگذاری زمانسنجی. در تاریخگذاری نسبی تاریخ رویدادرا نسبت به

رویداد قبل و یا حادثه بعد و یا حادثه مقارن آن می سنجند . در تاریخگذاری زمانسنجی وقوع حادثه‌ای را در خط زمانی تعیین می‌کنند .

گاهنامه CALENDAR

گاهنامه یا تقویم سیستمی است که بر اساس آن زمان به دوره‌های ثابت و مشخصی بنام سال ، ماه ، روز و غیره تقسیم می‌گردد سال و ماه و روز خورشیدی درواقع زمان‌های طبیعی هستند و بر پایه حرکات زمین نسبت به خورشید پدید آمده‌اند . (یکسال خورشیدی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه است) .

علاوه بر سیستم خورشیدی ، سیستم دیگری بنام قمری نیز وجود دارد که بر اساس گردش ماه بدور زمین پدید می‌آید . یکی از مشکلات و موانع این سیستم این است که ، یکسال مضرب صحیحی از روز خورشیدی یا زمان گردش ماه به دور زمین نیست .

گاهنبار *(Gāhanbār)*

یا گاهبار ، هر یک از جشن‌های شش گانه سال در ایران باستان که عبارتند از : میدیوزرم ، میدیوشم ، پتیه شهیم ، ایاسرم ، میدیارم و همسپتمدم .

این جشن‌ها به فاصله‌های غیر متساوی از همدیگر قرار گرفته‌اند ، بدین گونه که :

گاهنبار میدیوزرم در چهل و پنجمین روز سال ، گاهنبار میدیوشم در صد و پنجمین روز سال ، گاهنبار پتیه شهیم در صدو هشتادمین روز سال ، گاهنبار ایاسرم در دویست و دهمین روز سال ، گاهنبار میدیارم در دویست و نودمین روز سال و گاهنبار همسپتمدم در سیصد و شصت و پنجمین روز سال .

گاهنگان *(Gāhangān)* GALAXY

← کهکشان

گچ GYPSUM

سولفات کلسیم آبدار طبیعی که در تشکیلات خاکی پوسته جامد کره زمین بصورت لایه‌های نسبتا " ضخیم فراوان است . معمولا " گچ همیشه در طبیعت با سایر ترکیبات خاکی و ناخالصی‌ها همراه است و فرمول خالص آن $SO_4\ Ca_2\ H_2O$ است .

گچ طبیعی در کوره ۱/۵ مولکول آب تبلور خود را از دست می‌دهد و بهمین جهت در مجاورت آب مقداری از آن را که در کوره از دست داده است دوباره جذب می‌کند و درنتیجه بر حجمش افزوده می‌شود .

گدار *(Godār)* FORD

محل کم عمقی در یک رودخانه یا هر آب دیگر که بتوان پیاده از آن گذشت .

گدازه *(Godāzeh)* LAVA

سنگهای گداخته‌ای که در نتیجه آتشفشانی به‌روی سطح زمین منتقل شده و در همانجا منجمد و سخت گردیده است . این سنگها در صورتی که مواد سیلیسی داشته باشند گدازه‌های اسیدی ، و آنهائی که مواد سیلیسی کمتری دارند گدازه‌های قلیائی نام دارند . گدازه‌های اسیدی ، دارای درجه ذوب خیلی زیاد بوده و بهمین جهت هنگام خروج ، خیلی غلیظ و سفت هستند و قادر به طی مسافت زیادی نمی‌باشند ، در حالیکه گدازه‌های نوع دوم بدلیل دارا بودن درجه ذوب کمتر رقیق‌تر و روان‌تر بوده و اغلب تا چندین کیلومتر از محل خروج دور می‌گردند و سپس سخت و منجمد می‌شوند . بطور کلی سطح گدازه‌های آتشفشانی ، ناهموار و خشن بوده و بدلیل خروج گاز اغلب سوراخ سوراخ یا متخلخل هستند .



گدازه

گدازه اسیدی ACID LAVA

توده‌ای از مواد مذاب که به آرامی از دهانه آتشفشان سرازیر گردیده و سرشار از مواد سیلیسی باشد. درجه ذوب این مواد حدود ۸۵۰ درجه سانتیگراد است و بعلت غلظت نسبتاً زیاد بسرعت سخت شده و در فاصله کوتاهی از محل خروج متوقف می‌گردد و بالنتیجه قله مخروطی شکلی را پدید می‌آورد. این مواد بیشتر حالت بلوری داشته و گاه شباهت فراوانی به سنگ شیشه دارند.

گدازه ریسمانی ROPEY LAVA

توده‌ای از گدازه آتشفشانی که پس از منجمد شدن، سطح آن بصورت طنابهائی در آمده‌است.

گدوک *(Gaduk)* MOUNTAIN PASS

راه میان دو کوه، گردنه، کتل.

گراد GRADE

واحد اندازه‌گیری زاویه را در سیستم متریک گراد می‌نامند. هر گاه ربع دایره را به صد قسمت و یا بطور کلی هر دایره را به چهارصد قسمت برابر تقسیم نمایند هر قسمت آن یک گراد خواهد بود. به عبارت دیگر هر گراد عبارتست از $\frac{۱}{۴۰۰}$ پیرامون دایره. هر گراد به صد دقیقه صد قسمتی بنام سانتیگراد و هر سانتیگراد به صد ثانیه صد قسمتی بنام میلی گراد تقسیم می‌شود.

با توجه به اینکه ۳۶۰ درجه شصت قسمتی برابر چهار صد گراد است لذا هر گراد عبارت خواهد بود از ۰/۹ درجه و یا ۵۴ دقیقه شصت قسمتی و یا بر عکس هر درجه شصت قسمتی معادل ۱ گراد و ۱۱ سانتیگراد است.

گرافیت GRAPHITE

شکلی از کربن که بنام سرب سیاه نیز نامیده می‌شود. رنگ آن خاکستری تیره یا سیاه است و متبلور، چرب، نرم و دارای جلای فلزی است. الکتریسیته را خوب هدایت می‌کند و در دماهای بسیار عالی ذوب نمی‌شود و به آسانی نمی‌سوزد. در طبیعت بصورت توده‌هایی برنگ سیاه خاکستری بی شکل یا متبلور همراه با ناخالصی‌ها یافت می‌شود و از نواحی مختلف زمین آن را استخراج می‌کنند.

گران دود *(Gerān dud)*

۱ــ دود غلیظ. ۲ــ ابر سیاه و تیره. ۳ــ بخار غلیظی که در مجاورت سطح زمین باشد. ← نژم، مه

گرانش *(Gerānesh)* GRAVITATION

جاذبه متقابل بین اجرام و ذرات ماده در جهان.

گرانکوه *(Gerānkuh)* MASSIF

کوه مرتفعی که حدود آن کاملاً مشخص باشد.

گرانیت GRANITE

← سنگ خارا

گرانی سنجی GRAVIMETRY

بخشی از زمین شناسی که درباره میدان ثقل زمین گفتگو می‌کند.

گراور GRAVURE

تصویر حک شده روی صفحه‌های فلزی که در چاپ بکار می‌رود.

گرای *(Garāy)* AZIMUTH

واژه فارسی معادل ازیموت ← ازیموت

گرد *(Gerd)*

شهر ساخته شده. این واژه بصورت پسوند در آخر نام پاره‌ای شهرها و روستاها می‌آید مانند داراب گرد و هشتگرد و دستگرد. معرب این پسوند بصورت جرد در آخر نام پاره‌ای شهرها و روستاها نیز آمده است. مانند بروجرد و لاسجرد.

گرداب WHIRLPOOL

عارضه‌ای در دریا، که بر اثر برخورد دو جریان و یا روان شدن بی قاعده آب، بدرون یک کانال یا مجرا و همچنین عارضه‌ای که در پای یک آبشار پدید آید. (تصویر در صفحه ۲۹۸)

گرداله *(Gerdāleh)* BOULDER

قطعه سنگ کمابیش گردی که بزرگتر از قلوه سنگ باشد.

گردباد WHIRLWIND

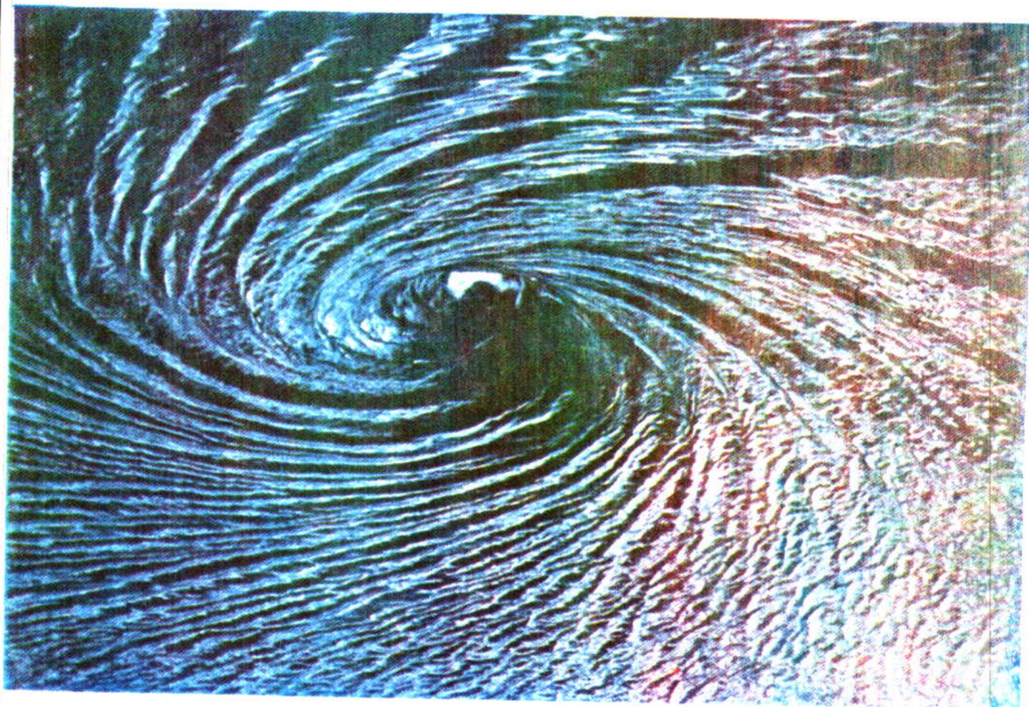
ستون در هم پیچنده‌ای از هوا که بر اثر گرم شدن سطح زمین و صعود هوای گرم بسوی طبقات بالا پدید می‌آید. گردباد همچنانکه به طبقات بالا صعود می‌کند به جلو نیز پیش می‌رود.

گردباد دریائی WATERSPOUT

← تنوره دریائی

گردچال *(Gardchāl)* DUST WELL

گودال کوچکی در سطح یخچال، که بر اثر جمع شدن مقداری گرد و غبار بوجود آمده باشد. گرد و غبار مزبور گرمای خورشید را در خود جمع کرده و در نتیجه باعث آب شدن یخهای زیر خود می‌گردد و بتدریج درون یخ مدفون می‌شوند.



گرداب

گردر *(Gardar)*

۱ــ زمین سختی که در دامنه کوه قرار گرفته باشد.

۲ــ زمین پشته پشته و دارای کوه و دره.

گردش آب HYDROLOGIC CYCLE

حرکت آب از اقیانوس به جو و برگشت مجدد آن به زمین و سپس به اقیانوس را گردش آب می‌نامند. این عمل طی مراحل زیر انجام می‌شود که به آن یک دوره کامل گردش آب می‌گویند:

الف ــ تبخیر آب اقیانوسها و دریاها و دریاچه‌ها و غیره.

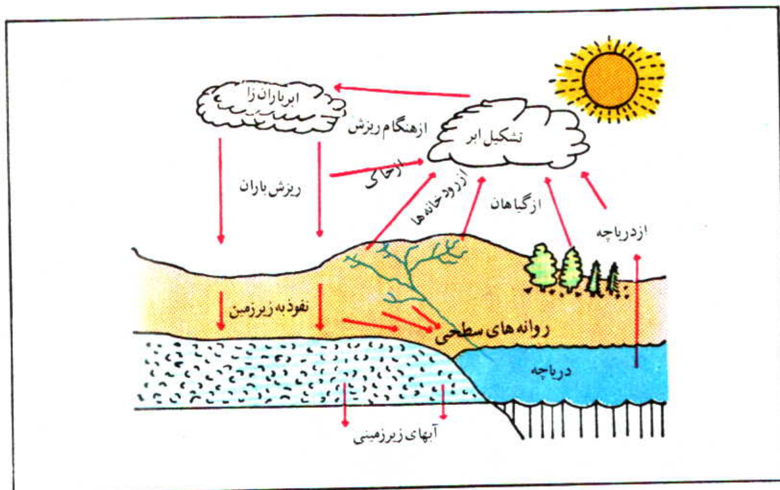
ب ــ تراکم بخار آب در فضا و تشکیل ابر.

پ ــ اشباع و تکاثف بخار آب موجود در جو و تبدیل آن به باران، و ریزش آنها به سطح زمین و جاری شدن آب در رودخانه‌ها و ریختن آنها به اقیانوس، دریا و دریاچه و غیره. (تصویر در صفحهٔ ۲۹۹)

گردش سالیانه زمین ANNUAL MOTION OF THE EARTH

یکی از مهمترین حرکات زمین، گردش سالیانه یا حرکت انتقالی زمین است که کره زمین بر اساس آن سالی یک بار بدور خورشید گردش می‌کند. مدار این گردش بیضی است که به آن دایرة البروج می‌گویند و خورشید در یکی از کانون‌های آن قرار دارد. سرعت گردش سالیانه زمین حدود ۳۰ کیلومتر در ثانیه است و فاصله متوسط آن از خورشید ۱۴۹،۵۰۰،۰۰۰ کیلومتر می‌باشد. که طی سال به اندازه ۴،۸۰۰،۰۰۰ کیلو متر در تغییر است ولی دوری و یا نزدیکی زمین به خورشید تغییراتی را در وضعیت اقلیمی (آب و هوا)ی زمین موجب نمی‌گردد، چنانکه در زمستان نیمکره شمالی زمین به خورشید نزدیک‌تر است تا در تابستان. در واقع تمایل محور زمین نسبت به صفحهٔ مدار آن که برابر ۶۶°۳۳' است موجب پیدایش فصل‌های چهارگانه می‌گردد، زیرا تمایل محور زمین سبب درازتر شدن روزها در تابستان و کوتاهتر شدن آن در زمستان‌ها می‌شود.

← فصل



گردش آب

گرد مداری *(Gerdmadāri)* SUBTROPICAL

← منطقه نیمه گرمسیری

گردنگاه PASS

راهی که بر بلندی کوه واقع باشد ، گردنه .

گردنه PASS

معبری از یک طرف کوه بطرف دیگر که از نقاط مجاور پائین‌تر باشد. در دو طرف گردنه معمولا" دو دره از طرفین کوه سرازیر می‌شوند ، و در نتیجه گردنه صورت زین دارد .

گرده *(Gardeh)* SKETCH

نقشه‌ای که بطور تقریب تهیه شده باشد . به آن کروکی نیز می‌گویند .

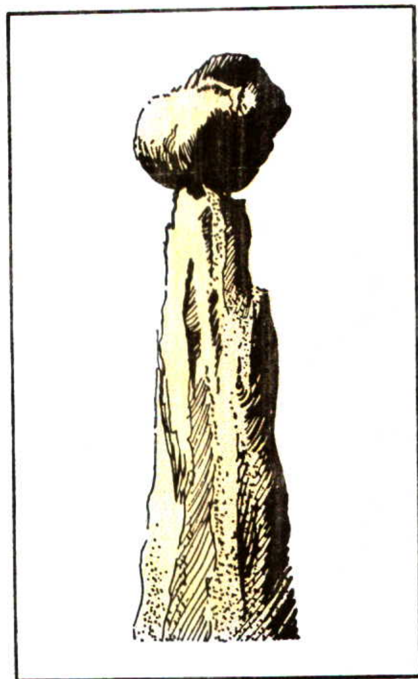
گرزدیو *(Gorz-e-div)* EARTH PILLAR

ستونی از خاک و مواد نرم که در زیر تخته سنگهائی که بصورت کلاهک مواد مزبور را در پناه گرفته است دیده شود . اینگونه عوارض مخصوص مناطق کماب می‌باشد .

گرفت *(Gereft)* ECLIPSE

قرار گرفتن یک جرم آسمانی در میان سایه جرم آسمانی دیگر. در منظومه شمسی ، جز خورشید بقیه اجرام دارای سایه هستند و اگر مثلا ' ماه در سایه زمین قرار گیرد می‌گویند ماه گرفته است .

← خورگرفت و مهگرفت



گرز دیو

گرفت اقمار مشتری

ECLIPSES OF THE JUPITER MOONS

قمرهای چهارگانه مشتری که در زمان گالیله کشف گردید ،

همانند کره ماه در معرض گرفت و یا خسوف‌هایی قرار دارند. از میان سه قمر بزرگ و اصلی برجیس سه تای آن‌ها بنامهای یو، ائوروپا و گانیمد بیشتر از کالیستو در معرض گرفت واقع می‌شوند (زیرا تمایل مدار کالیستو نسبت به مدار مشتری بیشتر از سایر قمرهاست). این قمرها نیز مانند ماه زمین خسوف کلی و جزئی پیدا می‌کنند. ازروی مدت دوام خسوف جزئی می‌توان قطر قمر مورد نظر را محاسبه نمود. این قمرها هنگام گردش بدور مشتری سایه خود را روی سیاره مزبور می‌اندازند و در نتیجه پدیده کسوف یا خورگرفت در سیاره مشتری بوجود می‌آید.

گرگ و میش
هوای تاریک و روشن.

گرم GRAM
واحد اصلی جرم در سیستم متریک (C.G.S) که معادل $\frac{1}{1000}$ جرم کیلوگرم است.
هر گرم برابر است با جرم یک سانتیمتر مکعب آب مقطر در منتهای چگالی آن.

گرما HEAT
یا حرارت، شکلی از انرژی که ناشی از حرکت مولکولی بی قاعده ماده است.
علاوه بر تعریف بالا برای حرارت تعریف‌های دیگری نیز وجود دارد. از جمله:
گرما عبارتست از انرژی در حال انتقال از یک جسم به جسمی دیگر در نتیجه اختلاف دما.
اشکال مختلف انرژی همه قابل تبدیل به حرارتند.
گرما را از جنبه کمّی و کیفی می‌توان اندازه‌گرفت. دما اندازه کیفی حرارت است و دماسنج وسیله اندازه‌گیری دما است و اندازه کمّی آن را با یکی از دو واحد کالری و یا بی.تی.یو محاسبه می‌کنند.

گرمابی HYDROTHERMAL
وابسته به آب گرم، مخصوصاً از لحاظ تغییراتی که آب گرم در مواد معدنی واقع در پوسته زمین باعث می‌شود.

گرمانابی CALORESCENCE
جذب تشعشعات نوری نامرئی بوسیله یک سطح و تبدیل آنها به حرارت و تشعشعات حرارتی.

گرمازدگی HEATSTROKE
← آفتاب زدگی

گرماسنج THERMOMETER
← دماسنج

گرمباد *(Garmbād)* FOHN
باد گرم و خشکی که بویژه در دامنه‌های شمالی کوهستان آلپ می‌وزد. این باد رطوبت دریای مدیترانه را به سوی کوهستان آلپ هدایت کرده و با ابری ساختن آسمان بارندگی شدیدی را بدنبال می‌آورد.
با وجودیکه مقدار بسیار زیادی از رطوبت و گرمای این باد در نواحی جنوبی کوهستان آلپ از دست می‌رود. مع‌الوصف همچنان گرمای زیادی به نواحی شمالی آلپ بهمراه برده و دمای هوا را در مدتی کوتاه تا ۱۰ درجه سانتیگراد بالا می‌برد. (حتی افزایش دما در عرض ۳ دقیقه تا حدود ۱۷ درجه سانتیگراد نیز ثبت شده است) بر اثر وزش این باد برف‌ها در فصل بهار بسرعت آب می‌شوند و چراگاههای کوهستانی از برف پاک می‌گردند و اغلب ریزش بهمن و شکوفه زدن زود رس درختان و گیاهان را باعث می‌شود.

گرمخانه GREEN HOUSE
فضایی که بوسیله دیوار و سقف شیشه‌ای مسدود گردیده و دما و رطوبت و تهویه آن بطور تقریباً ثابت نگهداری می‌شود.
از گرمخانه برای نگهداری و پرورش گل و گیاه استفاده می‌شود.
در پاره‌ای شهرهای بزرگ از گرمخانه برای رویاندن سبزیجات و گیاههای مورد نیاز مردم استفاده می‌شود.

گرمروزان *(Garmruzān)* DOG DAYS
گرم‌ترین روزهای تابستان.

گرمسار WINTER QUARTER
← قشلاق

گرمسیر WINTER QUARTER
محلی که هوای آن در زمستان گرم است.
← قشلاق

گرمگاهان
هنگامی که گرمای روز به حداکثر خود می‌رسد.

گرنجار *(Gorenjār)* RICE FIELD
← شالیزار

گروه GROUP
چینه‌بندیهای متعلق به یک دوران.

گروه محلی LOCAL GROUP

گروهی از کهکشانه‌ها که کهکشان راه شیری بدان تعلق دارد گروه محلی بیش از ۲۰ عضو دارد و تا ۲/۵ میلیون سال نوری از زمین گسترده است.

گره *(Gereh)* KNOT

مقیاس قدیمی ایران برای اندازه‌گیری طول هر گره معادل ۱/۱۶ درع است.

به موجب قانون مصوب ۱۳۰۴ هجری خورشیدی یک گره برابر ۱۰ سانتیمتر است.

در صنعت قالی‌بافی از واحد گره برای سنجش کیفیت آن استفاده می‌شود.

گره دریائی KNOT

واحد اندازه‌گیری سرعت، برابر یک میل دریائی در ساعت، که بیشتر در امر دریانوردی بکار می‌رود.

گریسنگ *(Garisang)* PIT/ DITCH

گودال یا حفره نسبتا" عمیق.

گرینویچ (گرینیچ) GREENWICH

← نیمروز گرینویچ

گریوه *(Gareyvah)* DEFILE

گردنه باریک و شیب‌داری در یک کوهستان.

گز *(Gaz)*

یا درع واحد قدیم طول در ایران، مقدار گز در نواحی مختلف کشور متفاوت بوده و بنامهای گوناگون ساخته می‌شده است. مثلا" گز شرعی برابر ۴۹/۸ سانتیمتر، گز اصفهان برابر ۸/۵ گز شرعی یا ۷۹/۸ سانتیمتر بوده است و گز دیگری به نام گز شاهی وجود داشته که مقدار آن ۹۵ سانتیمتر بوده.

گز قبل از اتخاذ سیستم متریک بعنوان واحد رسمی ایران بکار می‌رفته و مقدار رسمی آن ۱۰۴ سانتیمتر بوده است.

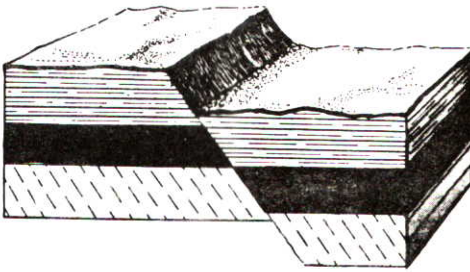
گسلش *(Gosalesh)* DISSECTION/DISLOCATION

۱ـ در اصطلاح زمین ریختشناسی عبارت از بریدن و شیار یافتن سرزمینی است که در آن رودخانه‌ها و جویبارهای فرسایده جریان داشته باشد.

۲ـ درهم ریختگی وضع نخستین طبقات زمین.

گسله *(Gosaleh)* FAULT

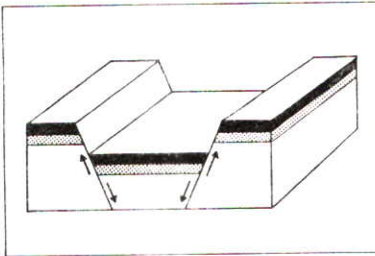
گسیختگی و یا شکست قسمتی از پوسته زمین که منجر به جابجائی چینه‌ها گردد.



گسله

گسله پله‌کانی STEP-FAULT

یک سری گسله موازی پله کانی شکل که در یک سراشیب قرار گرفته باشد.



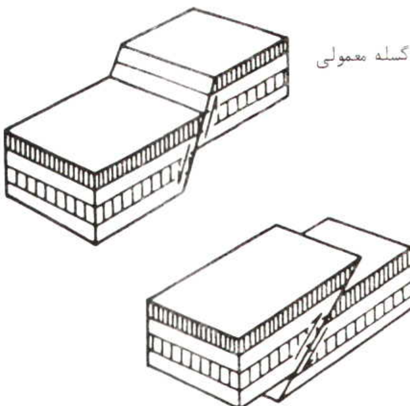
گسله پله کانی

گسله معمولی NORMAL FAULT

← گسله

گسله وارونه REVERSED FAULT

گسله‌ای که قسمت قدیمی یک طرف آن در نتیجه فشار زیاد روی بخش جدید طرف مقابل قرار گیرد.



گسله وارونه

گشت *(Gasht)* VEERING

تغییر امتداد باد در جهت حرکت عقربه‌های ساعت، مانند بادی که بسوی شرق در وزیدن است جهت وزش خود را به سوی جنوب شرقی تغییر دهد.

گشت اسپهر *(G-espehr)* TROPOSPHERE

قسمت زیرین جو زمین که از سطح زمین شروع شده و تا گشتمرز ادامه دارد و بیشتر پدیده‌های هواشناسی مانند تغییرات فشار، ابرها، بادها و باران در آن روی می‌دهد.
ارتفاع گشت اسپهر نسبت به سطح زمین بر حسب فصول مختلف اندکی تغییر می‌کند ولی بطور متوسط در حوالی نیمکان زمین حدود ۱۸ کیلومتر و در عرض ۵۰ درجه حدود ۹ کیلومتر و در قطب‌ها حدود ۶ کیلومتر است.

گشتکره *(Gashtkoreh)* TROPOSPHERE

← گشت اسپهر

گشتمرز *(Gashtmarz)* TROPOPAUSE

حد فاصل میان گشت اسپهر و پوش‌اسپهر را گشتمرز می‌گویند.
ارتفاع این مرز در نواحی استوائی حدود ۱۸ کیلومتر و در نواحی قطبی حدود ۶ کیلومتر است.

گلابه *(Gelābeh)* MIRE

زمین آب‌دار نرم و اسفنجی شکل.

گل اخرا *(Gel-e-okhrā)* OCHER

نوعی سنگ معدن اکسید فریک با فرمول شیمیائی Fe_2O_3 برنگ قرمز یا زرد که در رنگ آمیزی و نقاشی بکار می‌رود.
گل اخرای قرمز را هماتیت و گل اخرای زرد را لیمونیت می‌گویند.

گِل اقیانوسی OCEANIC MUD

رسوباتی از نوع گل‌های آبی، سبز، قرمز و یا مرجانی که در ناحیه سراشیب قاره‌ای انباشته شده باشند. این رسوبات که معمولاً از خشکی به دریا برده شده‌اند، درشت‌تر از گل و لای کف اقیانوس‌ها هستند. این پشته‌ها معمولاً در پناه موج شکن‌ها و خورها و عوارض مشابه جمع می‌شوند.

گلباد *(Golbād)* WIND ROSE

← باد نقش

گِل سبز GREEN MUD

رسوبات دریائی که قسمت عمده آن شامل رس‌نرم، دانه‌های معدنی، پتاسیم و سیلیکات آهن بوده و رنگ سبزی داشته باشد. صدف‌های روزنه‌داران که در گل مزبور فراوان یافت می‌شود اغلب سرشار از پتاسیم آهن است. گل سبز بیشتر در بخش سراشیب قاره‌ای کرانه‌های نیمه استوائی در جائیکه رودخانه‌های بزرگ به دریا می‌ریزند یافت می‌شود.

گِل سفید CHALK

نوعی سنگ آهکی نرم و سفیدی که تقریباً ۹۷ درصد آن کربنات کلسیم است.
با وجودیکه معمای ساختمان و ترکیب گل سفید تا کنون حل نشده ولی قدر مسلم این است که منشاء گل سفید مواد آلی موجود در باتلاب‌هائی است که با پاره‌ای مواد خاکی آمیخته شده است.

گلسنگ *(Golsang)* LICHEN

گیاه کم رشدی که از ترکیب جلبکهای آبی یا سبز با قارچها و همزیستی آن‌ها با یکدیگر فراهم می‌شود.
گلسنگ از نواحی قطبی تا نواحی نیمگانی همه جا بر روی سنگ و تنه درخت و نظایر اینها می‌روید.
این گیاه اسیدی ترشح می‌کند که سبب تجزیه سنگ می‌شود و گلسنگ بهتر می‌تواند در جای خود بماند.
گیاه غالب جزایر ایسلند و گروئنلند گلسنگ است که خوراک عمده گوزنهای شمالی و کاریبوها را تشکیل می‌دهد.

گلسنگ سنجی LICHENOMETRY

روشی در تخمین زمان بر اساس رشد و نمو گلسنگی که روی یک تخته سنگ روئیده باشد.

گلفشان *(Gelfeshān)* MUD - VOLCANO

گل و آب گرمی که از دهانه آتشفشان به خارج پرتاب گشته و مخروطهای موقتی کوچکی را پدید می‌آورد.
گاهی اوقات گازهای طبیعی توام با رسوبات نفتی نیز با مواد مزبور همراه هستند.
گلفشان در نواحی نفت خیز نیز دیده می‌شود.

گلفهشنگ *(Golfahshang)* STALACTITE

← دنکال

گلفهشنگ وارونه *(G-vāruneh)* STALAGMITE

← دنکاله

گِل کبود *(Gel-e-kabud)* BLUE MUD

رسوبات دریائی که با مقداری مواد آلی پوسیده و سولفیت آهن همراه بوده و برنگ آبی سیاه دیده می‌شود. بیشترین قسمت کف اقیانوس آرام، دریای عمان و خلیج بنگال، از

اینگونه رسوبات پوشیده شده است .

گِل مایع OOZE

← سلکا

گِل مرجانی CORAL MUD

توده‌ای از خرده‌های بسیار ریز مرجانی که در سراشیب قاره‌ای و پیرامون آبسنگ‌های مرجانی انباشته شده است .

گلوگیر NECK

توده‌ای از گداره‌های آتشفشانی سخت شده که دهانه خروجی کوه آتشفشان را مسدود کرده باشد .

گلوله‌های آتشفشانی VOLCANIC BOMBS

گلوله‌هائی از مواد گداخته که بصورت مایع از دهانه آتشفشان به خارج پرتاب می‌گردد . قطر این گلوله‌ها گاه به‌حدود یک متر می‌رسد .



گلوله‌های آتشفشانی

گمرک CUSTOMS

واژه پرتغالی بمفهوم مالیات و یا وجهی که دولت برای ورود یا خروج کالا و مال التجاره می‌گیرد .

حقوق گمرکی یکی از قدیمی‌ترین انواع مالیات است که عملاً در همه کشورها رایج است .

گمرود *(Gomrud)* DISAPPEARING STREAM

یا کوراب رواناب سطحی که بدرون زمین فرو رفته و ناپدید می‌شود . این وضعیت معمولاً در زمین‌هائی که از نوع آهکی بوده و دارای چاهک باشد بوجود می‌آید . آب اینگونه روانه‌ها چاله‌های آهکی را بمرور وسیع‌تر و گودتر کرده و به تدریج به زیر لایه‌های آهکی نفوذ می‌کنند .

گنایس GNEISS

← گنیس

گنبده *(Gonbadeh)* DOME

زمینی که بشکل گنبد باشد . گاهی اوقات در زیر اینگونه زمین‌ها که از احیاء و جبهه‌های سنگی سطحی پدید می‌آیند . آب نمک و نفت و گاز انباشته شده است .

گنداب *(Gandāb)* SEWAGE / FETID WATER

۱ــ زمین کمابیش پستی که مقداری آب در آن جمع شده و به خارج راه نداشته باشد و تولید باتلاق کند .

۲ــ جائی که آب‌های شستشو و فاضلاب در آن جمع شود .

گندم WHEAT

گیاهی از تیره گندمیان از نوع تریتیکوم که غذای اصلی و مهمترین جنس در بازار غله جهانی و به‌احتمال قوی نخستین دانهٔ اهلی شده به دست انسان است . گونه‌های مختلف آن را متناسب با کشت و رشد در فصول مختلف (مانند گندم پائیزی و گندم بهاری) پرورش داده‌اند و مدتها است که عمده‌ترین منبع تهیهٔ نان مردمان جهان می‌باشد .

گندم خیز WHEAT BELT

جائی که در آن گندم فراوان به عمل آید .

گندوانا GONDWANA LAND

قاره فرضی زمین شناسی که قاره‌های کنونی زمین از آن جدا شده‌اند .

← نظریه رانه قاره‌ای

گنگبار *(Gangbār)*

۱ــ ساحل جزیره .

۲ــ مجموعه‌ای از چند جزیره نزدیک بهم .

← مجمع الجزایر

گنیس GNEISS

گونه‌ای سنگ دگرگون که از نظر ترکیبات شیمیائی به انواع مختلف دیده می‌شود .

گواب *(Gavāb)*
جای پست ، مغاک و آبگیر.

گوچاه *(Gavchāh)*
گودال و یا حفره‌ای که چندان ژرف نباشد و ته آن را بتوان دید .

گودال DEPRESSION
هر گونه فرورفتگی در پوسته‌زمین بویژه پستی‌هائی که پیرامون آنها را زمینهای بلندی فرا گرفته و هیچگونه رهایی از آن خارج نگردد.

گور *(Gur)*
دشت و صحرا و جای‌بی آب و علف که‌پشته و شکستگی بسیار داشته باشد .

گوراب *(Gurāb)*
۱ــ زمین شوره‌زاری در صحرا که از دور به آب و دریاچه شباهت داشته باشد .
۲ــ محلی که در آن هر هفته یک بار بازار تشکیل شود . هفته بازار (اصطلاح متداول در گیلان و مازندران) .

گور سفید پوستان WHITE MAN'S GRAVE
عنوانی که در قدیم برای نواحی افریقای باختری بکار می‌رفته است ، زیرا بیماری‌های ناشناخته بومی آنجان شیوع داشتند که بیشتر اروپائیان و سفید پوستانی را که به‌آن نواحی مسافرت می‌کردند از پای می‌انداخت و به مرگ آنان منتهی می‌شد . درزمان حاضر به علت رعایت بهداشت این واژه دیگرکاربردی ندارد .

گوشته زمین MANTLE OF THE EARTH
(Gushteh-ye-zamin)
← زیرپوش (جبه)

گوشیه *(Gushiyeh)*
آب مخصوص آبیاری زمین که به سهم هایی تقسیم شده باشد.

گوگرد SULPHUR
شبه فلزی است که از روزگار قدیم شناخته شده . عنصری است جامد و برنگ زرد لیمویی ، بی مزه ، بی بو با وزن مخصوص ۱/۹۵ که در ۱۱۴/۵ درجه سانتیگراد ذوب می‌شود و در دمای ۴۴۰/۵ درجه سانتیگراد به جوش می‌آید . گوگرد در طبیعت فراوان و در حوالی کوههای آتشفشان یافت می‌شود . گوگرد کاربردهای بسیاری دارد که از آن جمله ساختن باروت جوهر گوگرد ، لاستیک ، کبریت و حشره کش را می‌توان نام برد .

گونیای مساحی CROSS STAFF
گونیای مساحی اسبابی است که بوسیله آن زوایای ۹۰ درجه و ۴۵ درجه را روی زمین تعیین می‌نمایند و امتداد یک خط را مشخص می‌سازند . بوسیله این دستگاه می‌توان از نقطه‌ای روی یک خط ، عمود اخراج نموده و یا از نقطه‌ای خارج یک خط عمودی بر آن وارد می‌نمایند .

گویه *(Guyeh)* BUOY
← شناوه

گیا *(Giyā)* FLORA
مجموعه‌ٔ گیاهان یک ناحیه خاص و نیز فهرست توصیفی گیاهان یک ناحیه که مشتمل بر راهنمای باز شناختن آن‌ها باشد .

گیاخاک *(G-khāk)* HUMUS
مواد آلی تجزیه شده یا نیمه تجزیه شده موجود در خاک که منشاء جانوری و یا گیاهی داشته باشد . این مواد در زمینهای کشت نشده بصورت طبیعی یافت می شود و به‌زمینهائی که قبلا" زیر کشت بوده و برای کشت مجدد آماده می شوند بطور مصنوعی وارد می‌گردد . این مواد قابلیت باروری خاک را افزایش می‌دهند .

گیاه PLANT
نام عام آن دسته از موجودات زنده که ظاهرا" حرکتی ندارند و در یک جا ثابت هستند و مواد معدنی را مستقیما" از محیط اطراف خود دریافت می‌کنند و بوسیله عمل کربن‌گیری ، مواد آلی قابل استفاده‌ای برای تغذیه سلول‌های خود بوجود می‌آورند .

گیاهسانان ZOOPHYTES
جانورانی که دارای زندگی گیاهی باشند و مانند گیاهان زندگی کنند .

گیاهستان GRASSLAND
مناطقی از کره زمین که علف و گیاهان خودرو در آن فراوان دیده شود و بدلیل عدم کافی بودن باران قابلیت تبدیل به جنگل را نداشته باشد . اینگونه مناطق معمولا" در حدفاصل مناطق جنگلی و سرزمینهای کم باران و خشک واقع شده و بدو دسته مهم تقسیم می‌گردند :
الف ــ علفزارهای مناطق گرم مانند ساوانا .

ب ـ علفزارهای مناطق معتدله مانند استپ .

گیاه شناسی BOTANY

تحقیق علمی در زندگی گیاهان .

گیتاشناسی

← جغرافیا

گیتاشناسی زیستی BIOGEOGRAPHY

دانشی که پراکندگی سازواره‌های زنده را برروی زمین بررسی می‌کند .

گیتاشناسی مردمی ANTHROPOGEOGRAPHY

← جغرافیای انسانی

گیتانگاری PHYSIOGRAPHY

علم بررسی عوارض طبیعی زمین ، چگونگی پدیدار شدن عوارض مزبور و رابطه میان آنها که گاه به آن ژئومورفولوژی نیز گفته می‌شود .

گیتی UNIVERSE

← جهان



لات

لات در زبان فارسی به مفهوم بی چیز و فقیر بکار می‌رود و از نظر جغرافیائی به دشت یا بیابانی اطلاق می‌گردد که چیزی در آن یافت نشود و آثار گیاهی مهمی در آن به چشم نخورد .

لاتین LATIN

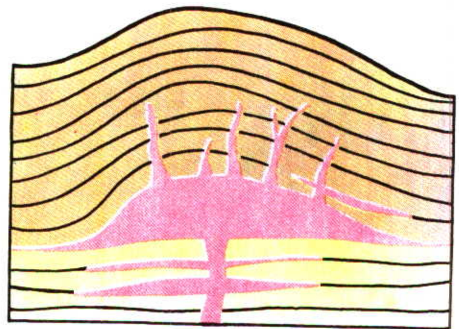
مردم ساکن ناحیه قدیم لاتیوم . هم چنین ملل یا کشورهایی مانند فرانسه ، ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است به کار می‌رود .
در تاریخ ، در زمان جنگهای صلیبی ، به شهروندان یا سکنهٔ اروپای غربی ، در مقابل یونانیها گفته می شد .

لاروبی DREDGING

پاک کردن گل و لای .

لاکولیت LACCOLITE

توده بزرگی از سنگهای آذرین ، که در زیر پوسته زمین انباشته شده باشد . علت پیدایش لاکولیت خروج مواد گداخته از طبقات زیرین ، و جمع شدن آنها در زیر پوسته زمین است . در نتیجه انباشته شدن این مواد چینه‌های بالائی بطرف خارج تاب برداشته و سطح زمین را بشکل تپه منورم می سازد. گاهی اوقات ممکن است چندین لاکولیت روی یکدیگر جمع شده و کوه بلندی را بوجود آورند . مانند کوه M.T.Ellen که ارتفاع آن ۳۴۹۷ متر است .



لاکولیت

لاگراندل LAGRANDELL

واژه فرانسوی بمعنی جزیره بزرگ که به جزیره ماداگاسکار گفته می‌شود .

لاله‌زار

زمینی که در آن لاله بسیار کاشته باشند .

لای LIMON

گونه‌ای خاک سطحی که از جنس مواد رسوبی نرم و قهوه‌ای رنگ تشکیل یافته باشد . این نوع مواد معمولاً بوسیله حرکات باد و یا یخچالهای پیشین پدید آمده‌اند .

لایه E E - LAYER

قسمتی از یون اسپهر که در ارتفاع ۱۰۰ تا ۱۲۰ کیلومتری زمین واقع شده باشد به این قسمت لایه کنلی ــ هوی ساید نیز می‌گویند .

لایه فعال ACTIVE LAYER

آن قسمت از پوسته خاکی زمین که در زمستان یخ می‌بندد و در تابستان یخ آن باز می‌شود .

لایه‌های جو ATMOSPHERE LAYERS

آزمایشها و مشاهدات نشان داده است که جو یا اتمسفر زمین از لایه‌های مختلف تشکیل یافته است . این لایه‌ها از نظر درجه دما و متناسب با ارتفاع عبارتند از :

گشت اسپهر (تروپوسفر) گشتمرز (تروپوپوز)	۷ تا ۱۶ کیلومتر
پوش اسپهر (استراتوسفر) پوشمرز (استراتوپوز)	بین ۳۵ تا ۵۰ کیلومتر
میان اسپهر (مزوسفر) میانمرز (مزوپوز)	بین ۲۰ تا ۸۰ کیلومتر
دما اسپهر (ترموسفر) برون اسپهر (اگزوسفر)	بیش از ۲۵۰ کیلومتر

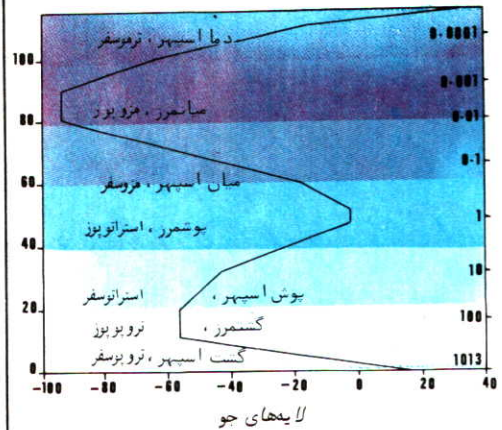
← جو (تصویر در صفحهٔ ۳۰۷)

لتریت LATERITE

← سرخاک

لجن SLIME

گل سیاه و تیره‌ای که در کف جوی آب و رودخانه و دریاچه‌ها و دریاها و اقیانوسها جمع شده باشد .



لایه‌های جو

لجن دیاتومی DIATOM OOZE

نوعی گل و لای و یا لجن سیلیسی که از بقایای گیاهان ذره‌بینی که در آب‌های سرد اقیانوس‌ها رشد و نمو می‌کنند ، بوجود آمده باشد . اینگونه لجن‌ها معمولا " در ناحیه مغاکی اقیانوس‌ها ته‌نشین شده و غالبا " بصورت کمربندی در آب‌های نواحی ۵۰ تا ۶۰ درجه عرض جنوبی و هم چنین در قسمت‌های شمالی اقیانوس آرام دیده می‌شوند .

دیاتومه‌ها در آبهای سرد اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند و دارای اسکلت سیلیسی هستند .

لجن‌زار

جایی که پر از لجن باشد ← باتلاق

لجن مرجانی CORAL MUD

توده‌ای از خرده‌های بسیار ریز مرجانی که در ژرفاشیب و پیرامون آبسنگ مرجانی انباشته شده باشد .

لجن های رادیولری RADIOLARIAN OOZES

لجن هائی که از ته نشین شدن مواد سیلیسی حاصله از بقایای جاندارانی بنام رادیولر پدید آمده است .

این گونه لجن‌ها در بخشهائی از اقیانوس آرام و اقیانوس هند دیده می‌شود .

لجن های گلوبیژرینی GLOBIGERINA OOZES

رسوبات آهکی که از تجمع بقایای دسته‌ای از روزنه‌داران در اعماق دریاها تشکیل یافته‌است .

این لجن‌ها که مناطق پهناوری از کف اقیانوس های هند و اطلس را پوشانیده‌است بآرامی هر چه تمامتر و در طی قرون متمادی تشکیل یافته‌است . آزمایشها و نمونه‌برداریها نشان میدهد که این لجنها در طی حدود ۳۲۵۰ سال فقط بمیزان ۲۵ میلیمتر ته نشین می‌گردند .

لر *(Lar)* GULLY

← آبکند

لرزه‌سنج SEISMOMETER

دستگاهی که برای آگاهی از وقوع زمین لرزه ، شدت و وسعت منطقه بکار می‌رود .

لرزه سنجی SEISMOMETRY

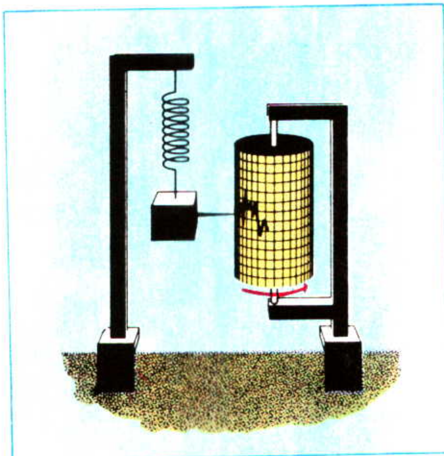
فن اختراع و طراحی افزارهایی برای کشف و ثبت ارتعاش‌های زمین لرزه و برای اندازه‌گیری شدت ، راستا ، بسامد و شکل موجی آنها .

لرزه شناسی SEISMOLOGY

علمی که درباره وقوع ، محل و خواص زمین لرزه و تولید و انتشار و آثار امواج زمین لرزه و طرح و ساختمان لرزه نگار بحث می‌کند .

لرزه نگار SEISMOGRAPH

دستگاه اندازه‌گیری و ثبت ارتعاشات زمین لرزه را لرزه نگار می‌گویند . لرزه نگار در انواع گوناگون ساخته می‌شود که نوین‌ترین آنها قادر به سنجش زمین لرزه‌هائی که در فاصله چندین هزار کیلومتری رخ دهد می‌باشند . به این دستگاه زلزله نگار نیز می‌گویند .



لرزه نگار

لشاب *(Lashāb)* FEN

جائی که در آن آب ایستاده و انواع علف‌های هرز و نی و امثال آن روئیده باشد.

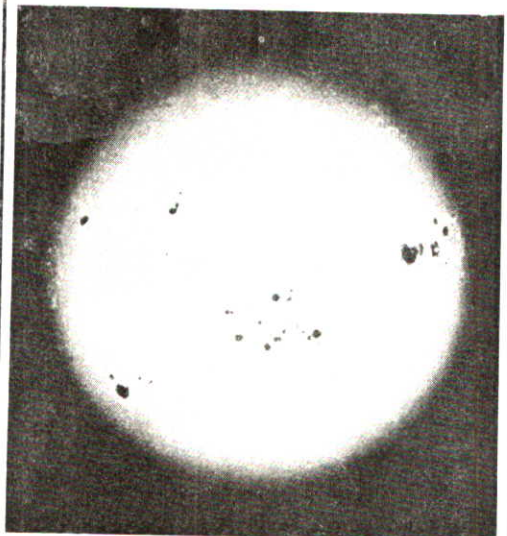
لشابزار *(Lashābzār)* FENLAND

منطقه‌ای که سراسر از لشاب‌های متعدد پوشیده شده باشد.

لکه‌های خورشیدی SUNSPOTS

لکه‌هائی در خورشید که بدلیل اختلاف درجه حرارت در سطح کره مزبور بصورت نسبتاً سیاهی بنظر می‌رسند. اندازه این لکه‌ها گاه به حدی بزرگ است که با عینک‌های آفتابی یا شیشه‌های سیاه و حتی از پس ابر رقیق با چشم غیر مسلح قابل دید است. چگونگی پیدایش این لکه‌ها هنوز بدرستی شناخته نشده و بیشتر تصور می‌رود که زبانه کشیدن و در هم پیچیدن توده‌های گاز مشتعل جو خورشید باعث پدید آمدن آن می‌گردد. احتمال رابطه میان لکه‌های خورشیدی و پاره‌ای پدیده‌های زمینی نیز یکی دیگر از مسائلی است که تحت بررسی بوده و امروزه رابطه میان تعداد این لکه‌ها و اغتشاش‌های الکتریکی و مغناطیسی و رادیویی زمین تقریباً به اثبات رسیده است. به این عارضه کلف‌های خورشیدی نیز می‌گویند.

بزرگترین لکه‌خورشیدی شناخته‌شده در فروردین ۱۳۲۶ برابر با آوریل ۱۹۴۷ دیده‌شده که مساحتی بیش از سی برابر سطح زمین را دارا بوده‌است.



لکه‌های خورشیدی

لگاریتم LOGARITHM

لگاریتم عددی مانند a بر مبنای b عددی است چون c که اگر b بتوان c برسد a بدست آید.

در لگاریتم آنچه مهم است مبنای آنست. مهمترین مبناها مبنای ده و مبنای e است.

لم یزرع BARREN

زمین غیر قابل کشت و یا زمینی که در آن زراعت نمی‌شود.

لنگرگاه ANCHORAGE

محلی از دریا که کشتی در آن بایستد و از آن جلوتر به ساحل نتواند نزدیک شود.

← بندر

لنگرگاه طبیعی ROADSTEAD

لنگرگاه نسبتاً پهناوری که معمولاً در دهانه یک خلیج یا خور و دور از تاسیسات بندری واقع شده و تا اندازه‌ای از امواج دریا محفوظ باشد.

لوار *(Lavār)* LEVEE

دیواره طبیعی یک رودخانه که بر اثر جاری شدن سیل و رسوب مواد موجود در آب پدید آمده و نسبت به زمینهای اطراف کمی برجسته‌تر باشد. همچنین به دیواره‌ای که بطور مصنوعی در حاشیه دریا یا رودخانه ایجاد شود تا از سرازیر شدن سیلاب به اراضی مجاور جلوگیری نماید. به این عارضه خاکریز نیز گفته می‌شود.



لوار

لوپولیت LOPOLITH

توده‌ای از سنگهای آذرین که عارضه‌ای بشکل بشقاب پدید آورده باشند.

قطر لوپولیتها از چندین ده کیلومتر تا چند صد کیلومتر ممکن است تغییر کند و ضخامت آنها معمولاً بطور متوسط هزار متر میباشد.

لوت

واژه لوت در زبان فارسی به مفهوم برهنه و عریان بکار می‌رود و از نظر جغرافیائی به بیابانی اطلاق می‌گردد که لخت و برهنه باشد و آثار گیاهی مهمی در آن به‌چشم نخورد.

به اینگونه بیابان‌ها لات نیز می‌گویند .

لوح رستی *(Loh-e-rosti)* CLAY-SLATE
گونه‌ای از الواح سنگی که از رس متراکم و فشرده پدید آمده باشد .

لور *(Lur)* FLOOD-WATER
← سیل و سیلاب

لورکند *(L-Kand)* DRY RIVER
زمینی که آن را سیلاب کنده باشد .
← خشکرود

لیبراسیون LIBRATION
جنبیدن ظاهری کره ماه (یا سیاره عطارد) به راست و چپ و یا بالا و پائین ، براثر این نوسانها قسمتی از سطح پنهان ماه بر ناظر زمینی آشکار می‌شود .

لیبرالیسم LIBERALISME
یا "آزادیخواهی" ، اعتقاد به آزادی و فلسفهٔ آزادی و نهضت آزادی . خواه این آزادی به‌عنوان روش و سیاست حکومت در نظر گرفته شود ، خواه به عنوان اصل نهادهای جامعه یا به عنوان راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی . احزاب لیبرال (آزادیخواه) دارای خط مشی لیبرالیستی بوده وپیروان این مکتب را لیبرالیست (آزادیخواه) می‌نامند .

لیتر LITRE
واحد حجم در سیستم متریک که برابر است با حجمی از یک کیلوگرم آب ۴ درجه سانتیگراد حرارت که‌تحت فشاری برابر ۷۶۰ میلی متر جیوه واقع شده باشد . حجم این مقدار آب برابر ۱۰۰۰/۰۲۷ سانتیمتر مکعب است که آنرا بطور رسمی معادل ۱۰۰۰ سانتیمتر مکعب پذیرفته‌اند . یک لیتر برابر ۰/۲۱۹۹۷۶ گالون امپریال یا یک دسیمتر مکعب است .

لیتوگرافی LITHOGRAPHY
← چاپ سنگی

لیزر LASER
نام دستگاهی است که برای تقویت یا تولید نور بصورت نوارهای نازک و نافذ بکار می‌رود .
کلمه لیزر از سه کلمه
Light Amplification by Stimulated Emission of Radiation
تشکیل یافته . نورلیزر بر خلاف نورهای‌معمولی که به هر سو پراکنده می‌شوند بصورت نوار یا رشته‌ای از نور فقط در یک جهت‌حرکت‌می‌کندو ابتدا و انتهای آن تقریبا" یکسان است و یک رنگ بیشتر ندارد .
از نور لیزر در صنعت ، پزشکی ، دریانوردی و هواپیمائی و مخابرات استفاده می‌شود .

لیگنیت (لینییت) LIGNITE
← زغال قهوه‌ای

لین‌مپ LINMAP
نقشه‌ای که به کمک ماشین‌های کامپیوتر ترسیم شده باشد . اینگونه نقشه‌ها بوسیله ماشین‌های رسام خودکاری که از یک رایانه (کامپیوتر) فرمان می‌گیرند ترسیم می‌گردند .



ماتریالیسم MATERIALISM

نظریه و مکتبی فلسفی است که دنیای خارج‌را واقعی و حقیقی و بیرون از شعور انسان می‌داند.

ماتریالیسم معتقد است که ماده مبداء و اساس بوده، و حس شعور و تفکر فرع و زائیده ماده است و درک خاصیت ماده تکامل یافته و عالی و انعکاس خارجی جهان مادی و قوانین آن در مغز می‌باشد.

ماتریالیسم بر سه گونه است:

۱ـ ماتریالیسم تاریخی در رابطه با زندگی اجتماعی و پدیده‌های آن و بررسی جامعه و تاریخ آن.

۲ـ ماتریالیسم دیالکتیک که روح و طبیعت را یک مجموع می‌شمارد و تفکر و درک را نتیجه تکامل تدریجی و جهش کیفی ماده و محصول ماده تکامل یافته یعنی مغز می‌داند.

۳ـ ماتریالیسم مکانیست که مربوط به قبل از دوران مارکس و انگلز است در این مکتب حرکت پدیده‌ها ساده‌ومکانیستی تلقی می‌گردد.

ماچین (Māchin) CHINA

یا مهاچین یعنی سرزمین چین اصلی یا چین بزرگ. این واژه قدیمی است و در سابق به سرزمین‌ها و شهرهای مجاور کاشغر و ختن اطلاق می‌شده.

ماخ MACH

واحد اندازه‌گیری سرعت صوت معادل ۳۳۴ متر در ثانیه.

مادر چاه

چاهی که بیش از چاههای دیگر به منبع آب قنات نزدیک باشد.

⟵ قنات

ماده MATERIAL

اجزاء وجودی و ترکیب کننده و بوجود آورنده هر چیز.

مار MAAR

واژه آلمانی بمعنی برکه یا دریاچه مدوری که در یک دهانه آتشفشان تشکیل شده‌باشد. این برکه‌ها که قطر آن ممکن است به ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ متر برسد معمولاً در راءس قلل آتشفشان قرار ندارند. بلکه در گودالهائی که بوسیله دهانه های فرعی آتشفشان در دامنه‌ها و یا زمینهای اطراف تشکیل می‌گردد، پدید می‌آیند.

مارس MARCH

⟵ ماههای اروپائی

مارن ها MARNES

سنگهای نرمی هستند از جنس خاک رس و آهک که با اسید می‌جوشند و ایجاد CO_2 می‌کنند.

مارن‌ها را برحسب درصد خاک رس و آهک تقسیم بندی می‌کنند. در مارن‌های آهکی مقدار خاک رس از ۵۰ درصد کمتر است و بر عکس در مارن‌های رسی مقدار آهک به ۵۰ درصد نمی‌رسد.

مازوت MAZUT

⟵ نفت سیاه

ماسه SAND

ذرات ریزی که از تجزیه و تخریب طبیعی سنگها بویژه سنگهائی که دارای‌کوارتز می‌باشند (ازقبیل سنگ‌خارا) ایجاد شده و بوسیله جریان آب، باد، یخچال و یا دریا به نقاط مختلف حمل می‌گردند.

ماسه از نظراندازه به چهار دسته بشرح‌زیرتقسیم می‌گردد:

الف ـ ماسه نرم باابعاد ۰/۰۲ تا ۰/۲ میلیمتر.

ب ـ ماسه متوسط باابعاد ۰/۲ تا ۰/۵ میلیمتر.

پ ـ ماسه درشت باابعاد ۰/۵ تا ۱ میلیمتر.

ت ـ ماسه خیلی درشت باابعاد ۱ تا ۲ میلیمتر.

ماسه باد SANDSTORM

باد شدیدی که توده‌های شن را بهمراه داشته‌باشد. در این باد که خاص مناطق کویری و خشک است، توده‌ای شن بصورت ابری به ارتفاع حدود ۲۰ متر دیده می‌شود.

ماسه زار SABLIERE

صحرایی که از ماسه نرم پوشیده شده باشد.

ماسه سبز GREEN SAND

رسوبات دریائی خاصی شبیه گل سبز که پتاسیم آهن آن بر سایر مواد فزونی داشته باشد.

ماسه سنگ SANDSTONE

گونه‌ای سنگ ماسه‌ای منخلخل‌که‌از ذرات ریزکوارتز، فلدسپات و میکا و سایر مواد معدنی بهم چسبیده پدید آمده باشد. اینگونه سنگها از نظر مواد متشکله به انواع آهکی، سیلیسی، آهنی یا زنگاری و مرمرین تقسیم می‌شوند.

ماسه مرجانی CORAL SAND

قطعات مرجانی خرد شده‌ای که بوسیله امواج دریا به ساحل آمده و زنجیره‌ای از شن سفید رنگ مرجانی از خود بجای گذارده باشد.

ماغ

یا میغ ← مه

ماکیان HEN/ FOWL

گونه‌ای از پرندگان که بالهایشان نسبت به تنه آنها کوتاه است و بهمین جهت کم پرواز می‌کنند. این راسته از پرندگان بواسطه منقار قوی و پنجه‌های با قدرتی که دارند از کبوتران متمایزند و نیز انگشت عقبی پای آنها از سایر انگشتان بالاتر قرار می‌گیرد.

جنس نر این پرندگان از ماده هایشان بواسطه داشتن صفات جنسی ثانوی بارز و متمایزند و هر کدام چند ماده را جمع آوری و سرپرستی می‌کنند. بوقلمون، کبک و مرغهای خانگی جزو این پرندگان هستند.

ماگما MAGMA

← مواد گداخته

مالیات TAX

وجوهی که ماموران دولت بر حسب قانون از صاحبان املاک اراضی، مستغلات، کارخانجات و غیره دریافت می‌کنند.

بعبارت دیگر مالیات عبارت از سهمی است که حکومت بر مبنای اصل همکاری ملی از مایملک افراد بر می‌دارد تا بتواند مخارج کشور را که نفع عمومی در آنست تامین کند و یا قروض خود را بپردازد.

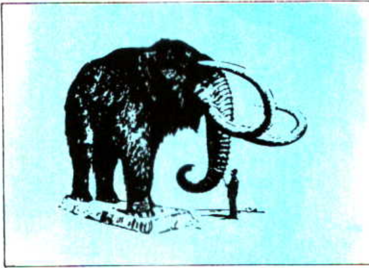
مالیات بر دو گونه است: مالیات مستقیم و غیر مستقیم.

ماموت MAMMOTH

گونه‌ای فیل فسیل شده که در آغاز دوران چهارم زمین شناسی در اروپا و شمال آسیا می‌زیسته و بدنش از موهای بلند پوشیده بوده و عاج طویل و پیچیده‌ای داشته‌است. سنگواره ماموت‌ها در ته‌نشست‌های یخبندان ماقبل تاریخ (ابتدای دوران چهارم) در شمال آسیا و اروپای مرکزی بوفور یافت می‌شود.

مانداب *(Māndāb)* MARSH

قطعه زمین پستی که از رطوبت اشباع شده و معمولا "رستنی‌هائی در آن روئیده است. و یا زمین پست و مرطوبی که گاهگاه بزیر آب رفته و بدلیل نفوذناپذیری خاک و کمبود زهاب از گل و لای فراوانی تشکیل یافته باشد.



ماموت

مانگ *(Māng)* MOON

← ماه

مانیوک (کاساوا) MANIOC

گیاهی است که بصورتی گسترده در مناطق استوائی افریقا، امریکا و هند غربی بخاطر ریشه غده‌ای و آبدار آن (که مملو از نشاسته است)، کاشته می‌شود. از گونه‌های مختلف این گیاه کائوچو استخراج می‌کنند و از ریشه‌های آن نیز نشاسته کاساوا تهیه می‌شود که به مصرف تغذیه میرسد.

ماوراءالنهر

← ورارود

ماه MOON

تنها قمر زمین ماه نام دارد که هر ۲۷ روز و ۷ ساعت و ۴۳/۲۵ دقیقه (این مدت را یک ماه نجومی می‌نامند) یکبار بگرد زمین می‌گردد. فاصله زمانی میان یک هلال تا هلال بعدی ماه نیز بطور متوسط ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه است که به آن یک ماه قمری می‌گویند. یک روز ماه ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه است که این مدت با اندکی کم و زیاد در تغییر است. (علت این تغییر خارج از مرکز بودن مدار گردش ماه بدور زمین و همچنین مدار گردش زمین به دور خورشید است) میانگین مسافت ماه از زمین ۳۸۴،۳۹۲ کیلومتر، و جرم آن تقریبا $\frac{۱}{۸۱/۳}$ جرم زمین و قطرآن حدود $\frac{۱}{۴}$ قطر زمین است.

کره ماه فاقد جو و آب بوده و بالطبع فاقد حیات است.

چهره‌های گوناگونی که ماه حین گردش بدور زمین بخود می‌گیرد، صور ماه یا اهله ماه نام دارد که به ترتیب زیر نامگذاری می‌شوند:

۱– تربیع یکم که خمیدگی هلال آن بسوی باختر است.
۲– بدر، یا قرص کامل (که به آن ماه شب چهارده نیز می‌گویند)
۳– تربیع دوم که خمیدگی هلال آن بسوی خاور است.

۴ـ ماه نو، که غیر قابل رویت می باشد.

کره ماه در هر بار گردش به دور زمین فقط یکبار حول محور خود می‌چرخد و بهمین مناسبت همواره فقط یک روی آن متوجه زمین است. کره ماه برخلاف خورشید و ستارگان از خود نور ساطع نمی‌کند و فقط بازتاب نور خورشید است که بصورت مهتاب به زمین می‌تابد.

← اهله قمر

ماه شب چهارده FULL MOON

← اهله قمر

ماه قمری LUNAR MONTH

مدت زمان یک دور گردش کامل ماه به دور زمین را یک ماه قمری می‌گویند که از یک هلال تا هلال بعدی بطول می‌انجامد و مدت آن تقریبا" ۲۹/۵ روز است که گاه ۲۸ روز نیز محاسبه می‌شود.

ماه گرفت ECLIPSE OF THE MOON

← مهگرفت

ماه نو NEW MOON

← اهله قمر

ماهواره SATELLITE

جرم کوچکی که به گرد یک سیاره گردش نماید. این جرم معمولا" مصنوعی بوده و به آن قمر مصنوعی نیز گفته می‌شود. از جمله ماهواره‌ها می‌توان ماهواره‌های مخابراتی و هواشناسی را نام برد.

ماهور HILLY AREA

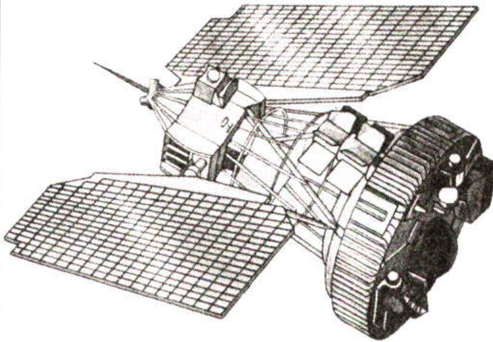
پستی و بلندی‌های دامنه کوه ← تپه ماهور

ماههای اروپائی EUROPIAN MONTHES

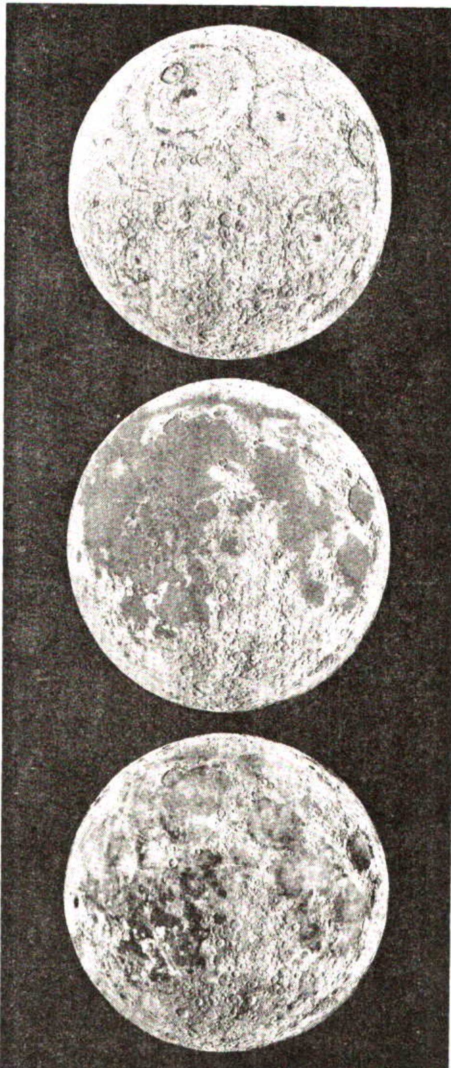
رومیان باستان در آغاز، سال را به ده ماه تقسیم می‌کردند، بعدها در زمان نوماپومپیلوس فرمانروای روم، ماههای یازدهم و دوازدهم به تعداد ماههای سال افزوده شد. رومیان نخست سال را با بهار آغاز می‌کردند و نخستین ماه سال را بنام مارتیوس یا خدای جنگ اختصاص می‌دادند و سایر ماهها نیز با اعداد نامیده می‌شدند و یا با نام سایر اساطیر مشخص می‌گردیدند. این ماهها به ترتیب عبارت بودند از:

۱ـ مارتیوس ۲ـ آپریلیس ۳ـ مایوس ۴ـ یونیوس
۵ـ کوینتیلیس ۶ـ سکستیلیس ۷ـ سپتمبر ۸ـ اکتبر
۹ـ نومبر ۱۰ـ دکمبر ۱۱ـ یانواریوس ۱۲ـ فبروآریوس

در زمان ژولیوس سزار (۴۶ پیش از میلاد) تقویم رومیان



ماهواره



ماه

بنا بر اختلافی که با فصل‌های سال پیدا کرده‌بود . تغییراتی یافت (← تقویم ژولین) و پنجمین ماه سال به افتخار او نام‌گذاری شد و از کوینتیلیس به ژوئیه (July) تغییر نام یافت . پس از ژولیوس سزار جانشین او آوگوستوس سزار ماه ششم را بنام خویش اوگوستوس نامید و یک‌روز از ماه دوازدهم کاست و بر ماه خویش افزود تا با تعداد روزهای ماه ژوئیه برابری کند .

تا کنون بدرستی روشن نشده که علت تغییر آغاز سال فرنگی از ماه مارس به ژانواریوس چه بوده است .

اسامی ماههای اروپائی مطابق ضبط متداول فارسی به‌ترتیب زیر است :

۱- ژانویه ۳۱ روز ۲- فوریه ۲۸ روز ۳- مارس ۳۱ روز
۴- آوریل ۳۰ روز ۵- مه ۳۱ روز ۶- ژوئن ۳۰ روز
۷- ژوئیه ۳۱ روز ۸- اوت ۳۱ روز ۹- سپتامبر ۳۰ روز
۱۰- اکتبر ۳۱ روز ۱۱- نوامبر ۳۰روز ۱۲- دسامبر ۳۱روز

ماهیان *(Māhiyān)* FISHES

گونه‌ای ارجانوران آبزی که جزو پست‌ترین مهره‌داران بشمار میآیند . وجود برانشی در دوره نمو جنینی کلیه جانوران مهره‌دار از جمله انسان و هم چنین صفات دیگری که در مهره‌داران عالی در دوره جنینی نشان می‌دهد ، ثابت می‌کند که ماهیان اجداد تمام مهره‌داران هستند و بعلت سازش با زندگی در آب شکل بدنشان از دیگر مهره‌داران متمایز است . شکل ماهیان عموما" دوکی است و از این جهت برای حرکت در آب کاملا" مناسب است . اعضای حرکتی ماهیها شامل هفت باله است که سه عدد فرد و دو تا روج می‌باشد .

مبداء مختصات FALSE ORIGIN

نقطهٔ مبدائی در یک سیستم شبکه‌بندی ، که موقعیت سایر نقاط را نسبت به آن به کمک دو محور افقی و قائم مورد سنجش قرار دهند . برای احتراز از مختصات منفی به نقطه مزبور مختصات اختیاری (غیر از صفر و عدد منفی) داده می‌شود . مثلا" در سیستم شبکه‌بندی UTM برای طول نقطه مزبور عدد ۵۰۰،۰۰۰ متر انتخاب شده که رو بسوی خاور به آن افزوده شده و رو بسوی باختر از آن کاسته می‌شود و هم چنین برای عرض آن در نیمکره شمالی عدد صفر انتخاب شد، که رو بسوی شمال به آن افزوده می‌شود و در نیمکره جنوبی عدد ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ متراختیار گردیده که رو بسوی جنوب از آن کاسته می‌شود .

← شبکه بندی یو.تی.ام

مبنا DATUM

نقطه ، خط و یا سطح مفروضی که بعنوان مبنای اندازه‌گیری‌ها بکار رود ، مانند سطح متوسط آب دریاهای آزاد که بعنوان مبنای اندازه‌گیری ارتفاعات سطح زمین بکار می‌رود .

مبنای ارتفاعات HEIGHT DATUM

سطح مبنائی که از راه قرائت و ثبت متوالی سطوح جزر و مد آب دریا بدست آید . از این مبنا که سطح متوسط دریا نامیده می‌شود برای اندازه‌گیری ارتفاعات سطح زمین استفاده می‌شود.

مبنای شبکه بندی ORIGIN OF A GRID

نقطه برخورد دو محور اصلی یک شبکه‌بندی را مبنای شبکه‌بندی می‌نامند . محورهای اصلی شبکه‌بندی یک نقشه قاعدتا" دو خط متعامدی هستند که یکی در جهت شمال ـ جنوب (یا محور y ها) و دیگری در جهت خاور ـ باختر (یا محور X ها) قرار گرفته است .

← مبداء مختصات

مبنای عمق یابی CHART DATUM

سطحی که بعنوان مبنای ژرفایابی آب دریا به کار رفته و منحنی‌های هم ژرفا و همچنین ارتفاع نقاط ساحلی را نسبت به آن اندازه‌گیری می‌نمایند .

معمولا" سطح آب دریا هنگام جزر بهاری را بعنوان سطح مبنای عمق یابی انتخاب می‌کنند .

مبنای کشندی TIDAL DATUM

سطح مبنایی که از راه ثبت قرائت‌های متوالی برکشند (مد) و فروکشند (جزر) بدست آید . این سطح به عنوان مبنای اندازه گیری ارتفاعات سطح زمین بکار می‌رود .

← مبنای ارتفاعات

متان METHANE

یا گاز مرداب ، گازی است بی رنگ و بی بو و قابل اشتعال که از جملهٔ ئیدروکربن‌ها بشمار می‌رود و فرمول شیمیائی آن CH_4 است . این گاز از تجزیه موجودات ریز موجود در مرداب‌ها یا کربنیزاسیون زغال پدید می‌آید .

از گاز متان برای ایجاد روشنائی و حرارت استفاده می‌شود .

متحدین UNITEDS

در جنگ جهانی اول به کشورهای آلمان ، اتریش ، عثمانی و یاران آنها که در برابر متفقین می‌جنگیدند اطلاق می‌شد .

متر METER

واحد سنجش مسافت در سیستم متریک مترنام دارد که اندازه آن $\frac{۱}{۴۰۰۰۰۰۰۰}$ درازای نصف النهار مارّبر شهر دونکرک است. متر استاندارد نواری است که از آمیزه (آلیاژ) دوفلز پلاتینیوم و ایریدیم درست شده و در دمای صفر درجه سانتیگراد درپاریس نگهداری می‌شود. اخیرا "تعریف دقیق‌تری از متر شده که عبارتست از اندازه طول موج نور نارنجی که از کریپتون ۸۶ ساتع گردد.

یک متر برابر است با ۱۰ دسیمتر و مساوی صد سانتیمتر و معادل ۱۰۰۰ میلیمتر.

یک متر برابر است با ۳۹/۳۷۰۱ اینچ و مساوی ۳/۲۸۱ پاو معادل ۱/۰۹۴ یارد.

یک متر مربع برابر است با ۱۵۵۰ اینچ مربع و مساوی ۱۰/۷۶۳۹ پای مربع و معادل ۱/۱۹۶۸ یارد مربع.

متروپل METROPOL

وضعیت و حالت کشوری نسبت به کشورهای تابعهٔ آن.

متروپلیتن METROPOLITAN

۱ـ وابسته به کشور اصلی و متبوع.

۲ـ راه آهن زیرزمینی یا هوایی که از محلات شهری بزرگ و حومه آن بگذرد.

متروپلیس METROPOLIS

شهر و یا شهرکی که حکومت نشین و مرکز امور مسیحیت بوده در ضمن فعالیت‌های تجاری و اقتصادی نیز در آن متمرکز باشد.

متفقین ALLIES

۱ـ در جنگ جهانی اول، عنوان کشورهای انگلستان، فرانسه، روسیه، امریکا و هم پیمانان آنها مانند ایتالیا، ژاپن، بلژیک، صربستان، مونتنگرو، یونان، پرتقال و رومانی که به منظور مقابله با "متحدین" با یکدیگر متفق شده بودند.

۲ـ در جنگ جهانی دوم، عنوان کشورهای، انگلستان، شوروی، فرانسه، چین و دیگر یاران آنها که بمنظور مقابله با نیروهای محور تشکیل یافته بود، اطلاق می‌شد.

متمدن CITIZEN

← شهروند

متوسط عمر LIFE EXPECTANCY

شمارهٔ سالهای زندگی برای متوسط افرادی که در یک واحد سرزمینی، بخصوص یک کشور، به آن سن می‌رسند. معمولا " میانگین سنی زنان و مردان هر کشور را جداگانه تعیین می‌نمایند.

مثقال

واحد سنجش وزن معادل ۲۴ نخود یا $\frac{۱}{۱۶}$ سیر. طبق قانون اوزان مورخ ۱۳۰۴ خورشیدی هر مثقال برابر ۱۰ گرم است.

مثلث TRIANGLE

شکل هندسی سه گوشه و یا سطحی که به سه خط مستقیم محدود بوده و از سه زاویه ترکیب یافته باشد.

انواع مثلث عبارتست از: متساوی‌الساقین، متساوی‌الاضلاع قائم‌الزاویه و مختلف الاضلاع.

مثلثات TRIGONOMETRY

بخشی از علم ریاضی که درباره روابط بین اضلاع و زوایای یک مثلث گفتگو می‌کند. چون طول‌وزاویه‌دوکمیت متفاوتند لذا در مثلثات از عوامل جدیدی که خطوط مثلثاتی نام دارند، استفاده می‌شود.

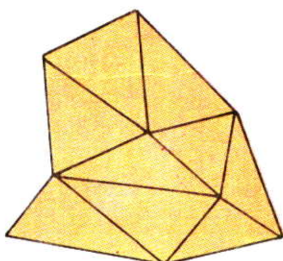
مثلثات بر دو قسم است، مثلثات مسطحه و مثلثات کروی.

در مثلثات مسطحه از مثلثی گفتگو می‌شود که در سطح مستوی قرار گرفته باشد و مجموع زوایای آن ۱۸۰ درجه باشد در حالیکه در مثلثات کروی از مثلثی بحث می‌شود که در سطح یک کره واقع شده باشد و اضلاع آن قوسهایی از سه دایره عظیمه باشند.

مجموع زوایای هر مثلث کروی ۱۸۰ درجه‌بعلاوه‌اضافه‌کرویت است.

مثلث بندی TRIANGULATION

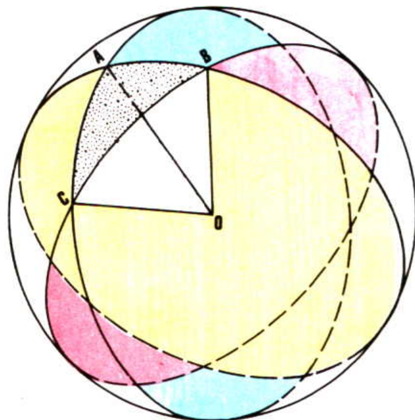
شبکه‌ای از یک سری مثلثهای پیوسته که‌زاویه‌آنها با تئودولیت و همچنین طول یک ضلع یکی از آنها مستقیما " در روی زمین اندازه‌گیری شده و مختصات رئوس آن به کمک یک سری محاسبات ریاضی تعیین شده باشد. این سیستم در کارهای نقشه‌برداری مورد استعمال دارد.



مثلث بندی

مثلث کروی SPHERICAL TRIANGLE

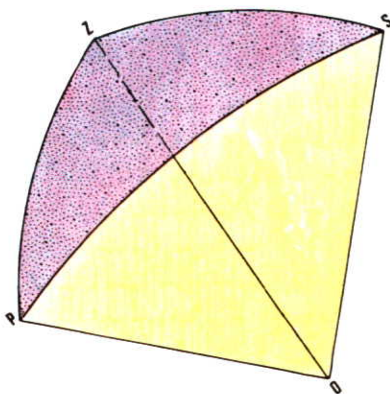
مثلثی واقع بر روی سطح کره که از برخورد سه دایره عظیمه پدید آمده باشد. حل مثلث کروی که در ریاضیات مثلثات کروی نام دارد یکی از مباحث مهم ریاضی درمسائل‌ژئودزی و نجوم است.



مثلث کروی

مثلث نجومی ASTRONOMICAL TRIANGLE

موقعیت هر جرم آسمانی (مانند ستاره) را می‌توان به‌کمک مثلثی بنام مثلث نجومی که از سه نقطه سرسو (سمت‌الرأس) یا پاسو (سمت القدم)، قطب شمال یا قطب جنوب عالم و جرم آسمانی بوجود می‌آید، مشخص نمود.



مثلث نجومی

مجداب *(Mejdāb)* WASTE LAND/ BARREN

زمینی که هیچ چیز در آن نروید.

⟵ لم یزرع

مجعد موی ULOTRICHOUS

گروهی از انسان‌ها که دارای موی مجعد هستند. این‌گروه به دو دسته متمایز شرقی و افریقایی تقسیم می‌گردند.

مجلس PARLIAMENT

هیئت عالی مقننه یک‌واحد سیاسی عمده (مثل‌کشور یا دولت) که در کشورهای مختلف به اسامی گوناگون نامیده می‌شود. مجلس یا پارلمان در بیشترکشورها خود از دو مجلس جداگانه تشکیل یافته و پاره‌ای از کشورها، منجمله ایران، دارای‌یک مجلس قانونگذاری می‌باشند.

مجلس مؤسسان CONSTITUENT ASSEMBLY

هیئت قانونگذاری ویژه‌ای که امور تهیه قانون اساسی را به عهده دارد. در مواقعی نیز که لازم است در اصول مربوط به قانون اساسی تجدید نظر شود. بایستی مجلس مؤسسان تشکیل شود.

مجمع الجزایر ARCHIPELAGO

دسته جزایر کوچک و بزرگی که در کنار هم قرارگرفته‌باشند.

محافظه کار CONSERVATOR

کسی که طرفدار سنن و آداب گذشته است و با نوآوری‌ها و تشکیلات جدید مخالفت می‌ورزد.

محاق *(Mohāq)* NEW MOON

⟵ اهله قمر

محدوده شهری

عبارت از حد خارجی شهرها است که خدمات شهری فقط تا محدوده فوق را در بر گرفته و خارج از این محدوده فاقد خدمات شهری می‌باشد.

محصول زودرس COVER - CROP

محصولی که در حد فاصل میان کاشت و برداشت محصول اصلی کشت شود. معمولاً" هدف از کشت محصولات زودرس، حفاظت خاک و جلوگیری از فرسایش آنست.

محلول SOLUTION

ماده‌ای که مولکولهایش با مولکول‌های مایعی به نام حلال آمیخته و یکی شده باشد. بطوریکه ظاهرا" هر دوار یک‌ماده بنظر آیند. مانند محلول قند و آب.

محله QUARTER

هر یک از مناطق نسبتا" مجزای هر شهر که به‌لحاظ تاریخی، اجتماعی و یا خدمات شهری قابل تفکیک باشد.

AXIS

محور

۱ــ خط مستقیم حقیقی و یا موهومی که جسمی بدور آن بچرخد.

۲ــ اصطلاحا" در جنگ بین الملل دوم به اتحادیه آلمان، ایتالیا و ژاپن اطلاق می‌شد.

← محور زمین

AXIS OF THE EARTH

محور زمین

خط فرضی که دو قطب شمال و جنوب زمین را بهم متصل ساخته و از مرکز زمین عبور می‌کند. کره زمین حول این خط در هر ۲۴ ساعت یک بار می‌چرخد و میزان میل آن نسبت به سطح مدار گردش زمین به گرد خورشید همواره ثابت بوده و برابر ۶۶/۵ درجه است. طول محور زمین ۱۲۷۱۴ کیلومتر است. ← (تصویر در صفحه ۱۰۵)

CELESTIAL AXIS

محور عالم

← کره عالم

CIRCUMFERENCE OF EARTH

محیط کره زمین

بنا بر اندازه‌گیری‌هائی که بعمل‌آمده‌است، پیرامون استوائی زمین برابر ۴۰۰۷۳ کیلومتر و محیط نصف النهاری یا قطبی آن ۳۹۹۴۴ کیلومتر است.

GEOGRAPHICAL COORDINATES

مختصات جغرافیائی

سیستمی است برای مشخص ساختن موقعیت کمانی هر یک از نقاط مسطح زمین که از دو مقدار زاویه‌ای یا قوسی بنام طول جغرافیائی و عرض جغرافیائی ترکیب یافته است.

مختصات جغرافیائی که دستگاهی است در مختصات کروی، در اموری چون جغرافیا، دریانوردی، هوانوردی و ژئودزی و نقشه‌برداری و غیره کاربرد فراوان دارد.

برای بیان مختصات جغرافیائی از دو دایره عظیمه بنام دایره نیمگان (استواء) و نصف النهاری که از رصد خانه گرینویچ عبور کرده است بعنوان مبناهای مختصات استفاده می‌شود. در شکل زیر دایره عظیمه EE' دایره استواء زمین و دایره NGS نصف النهار گرینویچ است و محل تلاقی این دو دایره یعنی نقطه A مبداء مختصات بحساب می‌آید.

مختصات جغرافیائی نقطه‌ای مانند M که نصف النهار آن دایره استواء را در نقطه B قطع کرده است عبارتست از قوس AB طول جغرافیائی و قوس BM عرض جغرافیائی.

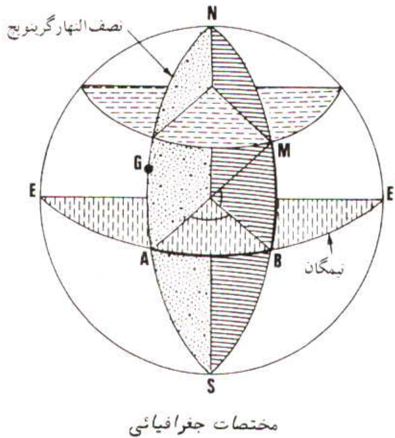
← طول جغرافیائی و عرض جغرافیائی

ASTRONOMICAL COORDINATES

مختصات نجومی

دستگاهی که بیان کننده موقعیت اجرام آسمانی در روی کره عالم باشد.

سیستم های مختصات نجومی عملا" بدو دسته بشرح زیر تقسیم



مختصات جغرافیائی

می‌گردند:

۱ــ سیستم مختصات افقی

۲ــ سیستم مختصات استوایی

VOLCANIC CONE

مخروط آتشفشانی

قله آتشفشانی که پای آن پهن و گسترده بوده و بصورت مخروط کشیده‌ای دیده‌شود.

در اثر سرد شدن مواد گداخته‌ای که از آتشفشان خارج میشود، در اطراف دهانه، مخروطی بوجود می‌آید که بنام مخروط آتشفشان معروف است. قطر مخروط های آتشفشانی فوق العاده متغیر بوده و ممکن است از چند متر تا چند ده‌کیلومتر تغییر کند. در بعضی موارد ممکن است قسمت بالائی مخروط فوق العاده وسیع باشد که در اینحالت این قسمت بنام کاسه آتشفشانی نامیده میشود. (تصویر در صفحه ۳۱۷)

CINDER CONE

مخروط اخگری

مخروطی در دهانه کوه آتشفشان که از خاکستر و گدازه‌های ریزی بنام اخگر به اندازه ۳ تا ۵ میلیمتر تشکیل یافته باشد. وقتی مواد خروجی با گاز فراوان همراه باشد، خرده‌های آن بشدت به آسمان پرتاب شده و پس از مجاورت با هوا در آسمان سرد و منجمد می‌گردد و با جمع شدن آنها دور دهانه خروجی موجبات تشکیل مخروط اخگری را فراهم می‌سازند. نمونه‌ای از این گونه مخروطها در کوه Paricutin واقع در مکزیک دیده می‌شود که در آتشفشان سال ۱۹۴۳ میلادی در ظرف یکسال به ارتفاع ۴۵۰ متر بالا آمد.

AVALANCHE CONE

مخروط بهمن

توده موادی که بر اثر ریزش بهمن در دامنه کوه جمع شود. این مواد معمولا" عبارتست از یخ، برف، سنگ و سایر چیزهایی که بهمن در سر راه خود حمل نموده است.



مخروط آتشفشانی

مخروط خاکستر ASH CONE

قله یا برجستگی مخروطی شکلی که بر اثر بیرون ریختن خاکسترهای آتشفشانی بوجود آمده باشد.

خاکستر آتشفشانی از ذرات گدازه (کوچکتر از یک میلیمتر) شیشه آتشفشانی و احجار دیگر تشکیل شده است. و اگر ابعاد ذرات کمتر از دو میلیمتر باشد به آنها گرد و غبار گویند.

خاکسترهای آتشفشانی، اطراف دهانه آتشفشان را بصورت قشری نازک سفید، شبیه برف می‌پوشاند.

مخروط کهریز EBOULIS CONE *(Makhrut-e-kohriz)*

در صخره‌هایی که در آغاز جز شکافهای ریز و غیر مرئی چیز دیگری در سطح آنها دیده نمی‌شود، بر اثر سرما و یا خشکی و یا بر اثر چین خوردگی، شکافهای ریز اولیه فراختر شده و شکافهای جدید بسیاری در آن‌ها ظاهر می‌گردد و خرده‌های کوچک و بزرگ سنگ که از صخره جدا شده و بنام کهریز در پای صخره ریخته‌اند، مخروط هایی را پدید می‌آورند که به آن‌ها مخروط کهریز می‌گویند.

مخزن سد RESERVOIR

مخزن ذخیره آبی که برای مقاصد هیدروالکتریک، صنعتی، مصارف خانگی و یا آبیاری و امثال آن با بستن سد بر روی رودخانه‌ها بوجود آمده باشد. به مخزن سد دریاچه سد نیز می‌گویند.

مدّ *(Madd)* HIGH TIDE

← برکشند

مدار ORBIT/ PARALLEL

خطی فرضی است که سیارات در گردش انتقالی خود بدور خورشید آن را می‌پیمایند.

مدارات عرض جغرافیائی PARALLELS OF LATITUDE

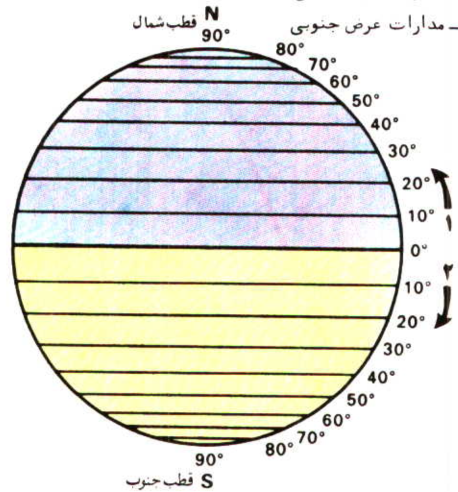
دوایری که به موازات نیمگان زمین عبور کرده و بر نصف‌النهارهای زمین عمود باشند. (تصویر درصفحه‌ ۳۱۸)

مدارات قطبی POLAR CIRCLES

نام دو مدار که هر یک به فاصله '۳۳ °۶۶ از خط استواء یکی در شمال و دیگری در جنوب خط استواء قرار دارند. مداری که در شمال خط استواء است موسوم به مدار قطب شمال است و مداری که در جنوب خط استواء واقع است به مدار قطب جنوب موسوم است.

نقاط واقع بر روی این دو مدار آخرین حد مناطق قطبی را مشخص می‌سازند. مناطق واقع در بین این دو مدار و قطب‌های شمال و جنوب شش ماه از سال در تاریکی و شش ماه در روشنائی هستند.

← مدار شمالگان و مدار جنوبگان (تصویر در صفحه‌ ۳۱۸)



مدارات عرض جغرافیائی

مدار استاندارد STANDARD PARALLEL

مدار عرض جغرافیائی خاصی که در پاره‌ای سیستم‌های تصویر (مانند سیستم تصویر مخروطی) مبنای محاسبه قرار گیرد و سطح تصویر، در آن مدار با سطح کره زمین مماس یا آنرا قطع کرده باشد و به آن مدار تماس نیز می‌گویند.

مداران *(Madārān)* TROPICS

دو مدار عرض جغرافیائی کره زمین که در ۲۷´ ۲۳° عرض شمالی و ۲۷´ ۲۳° درجه عرض جنوبی واقع شده است.
مدار ۲۷´ ۲۳° درجه عرض شمالی را مدار رأس‌السرطان، ومدار ۲۷´ ۲۳° درجه عرض جنوبی را مدار رأس الجدی می‌نامند.
(تصویر در صفحهٔ ۳۱۹)

مدار تماس STANDARD PARALLEL

← مدار استاندارد

مدار جنوبگان ANTARCTIC CIRCLE

مداری در ۶۶ درجه‌وسی‌وسه‌دقیقه عرض‌جنوبی که عبارتست از آخرین حد تابش نور خورشید در هنگام انقلاب زمستانی نیمکره جنوبی که به آن مدار قطبی جنوب نیز می‌گویند.

مدار حرکت انتقالی زمین ORBIT OF THE EARTH

← مدار گردش سالیانه زمین

مدار حرکت ظاهری خورشید
APPARENT PATH OF THE SUN

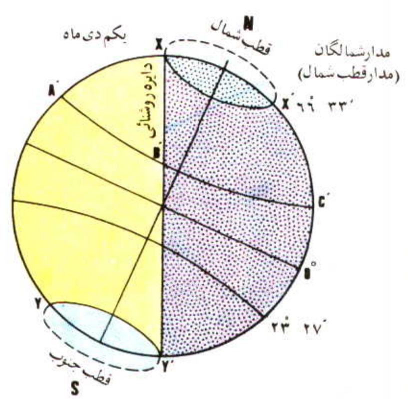
با توجه به اینکه خورشید نسبت به زمین ثابت بوده و زمین حول محور خویش می‌چرخد ولی چنین بنظر می‌آید که خورشید به گرد زمین در گردش است از این رو مسیری را که خورشید ظاهراً" در آسمان طی می‌کند مدار حرکت ظاهری خورشید می‌گویند. واضح است که در هر ۲۴ ساعت (یک روز‌ـ خورشیدی)، خورشید یکبار این مدار را ظاهراً" طی می‌نماید.
← کره عالم

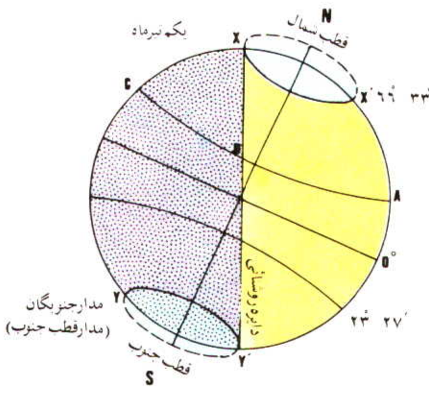
مدار رأس الجدی TROPIC OF CAPRICORN

مداری است در ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جنوبی که نور خورشید فقط روز یکم دی ماه (مطابق با ۲۲ دسامبر) بر آن عمود می‌تابد. ← مداران

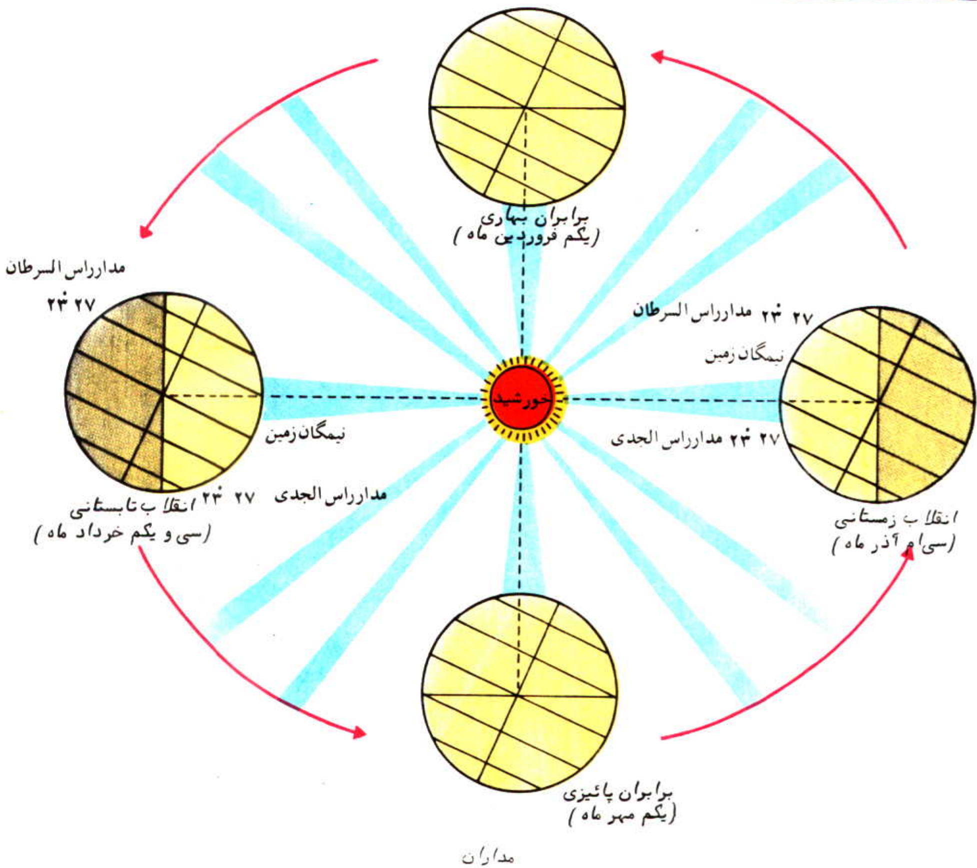
مدار رأس السرطان TROPIC OF CANCER

مداری است در ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی که نور خورشید فقط روز یکم تیر ماه (برابر ۲۲ ژوئن) بر آن عمود می‌تابد. ← مداران





مدارات قطبی



مداران

مدار زمین ORBIT OF THE EARTH

← مدار گردش سالیانه زمین

مدار شمالگان ARCTIC CIRCLE

مداری در ۶۶ درجه و سی دقیقه عرض شمالی که عبارتست از آخرین حد تابش نور خورشید در هنگام انقلاب زمستانی نیمکره شمالی که به آن مدار قطبی شمال نیز می‌گویند.

مدار قطبی جنوب ANTARCTIC CIRCLE

← مدار جنوبگان

مدار قطبی شمال ARCTIC CIRCLE

← مدار شمالگان

مدارگان (Madārgān) TROPICAL

منطقه‌ای که بین ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه در دو نیمکره شمالی و جنوبی قرار دارد. این منطقه بواسطه طول مدت گرما در تمام سال مشخص است. درجه حرارت در هیچ یک از ماههای سال پائین‌تر از ۲۰ درجه نیست در این منطقه دو حداکثر درجه حرارت دیده میشود که با عبور آفتاب از سمت الرأس مطابقت دارد. این دو حداکثر حرارت هرقدر هم کم باشد معذالک روی فشار جو و ریزشهای جوی تأثیر مسلم دارند.

مدار گردش سالیانه زمین ORBIT OF THE EARTH

گردشگاه یا مدار گردش سالیانه زمین بدور خورشید، که تقریباً بشکل بیضی بوده و خورشید در یکی از دو کانون آن قرار دارد. دورترین فاصله این مدار از خورشید برابر ۱۵۲ میلیون کیلومتر است که به آن افلیون می‌گویند و کره زمین در روز ۱۳ تیر ماه مطابق با ۴ ژوئیه از آن می‌گذرد و نزدیک‌ترین فاصله گردشگاه مزبور از خورشید ۱۴۷ میلیون کیلومتر است که به آن پری هلیون می‌گویند و کره زمین در روز ۱۳ دی ماه مطابق سوم ژانویه از آن عبور می‌کند. سرعت متوسط گردش زمین روی این گردشگاه (مدار) حدود ۱۰۶۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت است.

مرتع PASTURE

←— چراگاه

مرج *(Marj)*

۱ــ مرز .

۲ــ زمینی که کناره‌های آن را بلند ساخته و درون آن چیزی بکارند .

مرجان CORAL

جانوران دریائی آهک تراونده‌ای ، که معمولاً " درآبهای گرم و بصورت دسته جمعی زندگی می‌کنند . این جانوران به آبهای صافی که سرشار از اکسیژن بوده و مواد غذایی حاصله از موجودات ذره‌بینی فراوانی را در برداشته باشد نیازمند هستند . مرجان‌ها قادر به زندگی در لجن زارها و آبهای گل آلود نبوده و در گرمای کمتر از ۲۰ درجه سانتیگراد نیز نیروی زیست خود را از دست می‌دهند و علاوه بر آن در ژرفای بیشتر از ۴۵ تا ۵۵ متر نیز قادر به زندگی نیستند و بندرت تا ژرفای ۷۰ متر یافت می‌شوند و چون با خارج شدن از آب به زندگی آنها پایان داده می‌شود از این رو بندرت در ارتفاع بیش از سطح آب پائین (جزر) دیده می‌شوند .

مناسب‌ترین محل زیست برای آنها آبهای واقع در محدوده جغرافیائی ۳۰ درجه عرض شمالی تا ۳۰ درجه عرض جنوبی است و گاه در امتداد جریانهای آب گرم و خارج ازمحدوده بالا نیز دیده می‌شوند ، و بر عکس از زندگی در امتداد جریانهای آب سرد گریزانند .

مرداب *(Mordāb)* LAGOON

آب شور و کم عمقی که بوسیله زمین باریکی از دریا بطور کامل و یا ناقص جدا شده باشد .

مردار سنگ *(Modār sang)* LITHARGE

اکسید دو ظرفیتی سرب متبلور با فرمول شیمیایی Pbo که بصورت ورقه‌های نسبتاً " نازک نارنجی یا زرد و یا قرمز دیده می‌شود .

مردار سنگ به‌عنوان خشک کننده رنگهای روغنی و شستشو و ضد عفونی کردن وسایل پزشکی و صابونسازی طبی و تهیه لعاب در کوزه‌گری مورد استعمال دارد .

مردم زادش ANTHROPOGENESIS

دانشی که در منشاء و فرگشت نوع آدمی پژوهش می‌کند .

مردم شناسی ANTHROPOLOGY

علمی است که درباره شناخت مردم بررسی می‌کند و درباره محل و زمان زیست و شکل و قیافه و انواع نژادهای انسانی و تفاوت میان آنها گفتگو می‌نماید .

یکی از علومی که در مردم شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد فرهنگ حال و گذشته است .

مردم شناسی چهری PHYSICAL ANTHROPOLOGY

شاخه‌ای از مردم‌شناسی که فرگشت اندامگانی (ارگانیسم) آدمی ، ویژگیهای جسمانی و گوناگونیهای فردی آدمی را ، بویژه در نژادهای مختلف بررسی می‌کند .

مردم شناسی فرهنگی CULTURAL ANTHROPOLOGY

شاخه‌ای از مردم‌شناسی که به بررسی تاثیر فرهنگ بر بقای آدمی می‌پردازد وبویژه زبان ،هنرها ،پیشه‌ها و نهادهای اجتماعی را بررسی می‌کند .

مردم شناسی نژادی DIFFERENTIAL ANTHROPOLOGY

شاخه‌ای از مردم‌شناسی که نژادهای آدمی را از روی شکل بدن ، ویژگیهای فرهنگی و تکامل اجتماعی آن ها از یکدیگر متمایز می‌سازد .

مرز BORDER

خط یا نواری که در حد فاصل میان دو کشور یا دو سرزمین مختلف واقع شده باشد . به آن سرحد نیز می‌گویند .

مرزبندی

تقسیم کردن زمین به قطعات کوچکتر . این اصطلاح بیشتر در کشاورزی کاربرد دارد .

مرزبوم *(Marz bum)* MARCHLAND

منطقه‌ای که میان دو دولت واقع شده باشد .

مرز بین المللی INTERNATIONAL BORDER

مرز رسمی میان کشورها که مورد قبول تمامی و یا اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان واقع شود .

مرز رویش گیاهان TIMBER LINE

←— دار مرز

مرز طبیعی NATURAL BOUNDARY

گونه‌ای مرز بین المللی که بر یک عارضه مشخص جغرافیائی مانند رودخانه منطبق باشد .

مرز یخبندان FROST BOUNDARY

مرزی که حد یک منطقه را از نظر یخبندان مشخص سازد .

اینگونه حدود ممکن است بشرح زیر طبقه‌بندی شوند :

الف ـ منطقه‌ای که یخبندان هیچگاه در آن مشاهده نشده است.
ب ـ منطقه‌ای که میانگین کمترین دمای آن بالای صفر درجه سانتیگراد باشد.
پ ـ منطقه‌ای که فصل کشت آن با تعداد روزهای معینی که دمای هوا همواره بالای صفر بوده و یخبندان روی ننموده مشخص گردیده باشد. مثلاً" یک کشتزار پنبه حداقل به ۲۰۰ روز گرم (غیر یخبندان) نیازمند است.
ت ـ منطقه‌ای که در هیچکدام از ماههای سال دمای میانگین بالاتر از صفر درجه سانتیگراد نباشد.

مرغزار *(Marghzār)* MEADOW

سبزه‌زاری را که برای کشت و انبار یونجه و سایر علوفه بکار رود و از چریدن دام در آن جلوگیری گردد. معمولاً" زمین‌های باتلاقی و یا حاشیه رودخانه‌ها را برای این منظور انتخاب می‌کنند.

مرکبات CITRUS FRUITS

درختان همیشه سبزی مانند لیمو، پرتقال، توسرخ، گریپ فروت نارنج، لیموترش و امثال آن که به میزان گسترده و فراوانی در مناطقی با آب و هوای مدیترانه‌ای می‌رویند.

مرکز تامین نیازمندیها CENTRAL PLACE

جایی که نیازمندیهای مناطق پیرامون خود را تامین نماید. معمولاً" مرکز تامین نیازمندیهای هر منطقه یک شهر است، ولی گاهی اوقات ممکن است نیازمندیهای یک منطقه بوسیله چند شهر یا چند نقطه بنام مرکز بخش تامین گردد.

مرکز داد و ستد CENTRAL BUSINESS DISTRICT

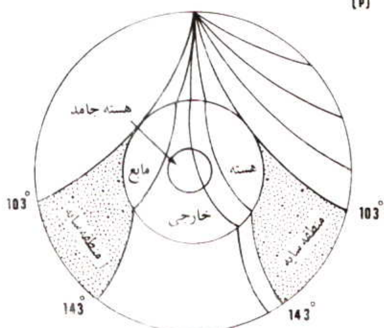
محلی که کلیه فعالیت‌های تجاری و خرید و فروش شهری در آن متمرکز شده باشد.

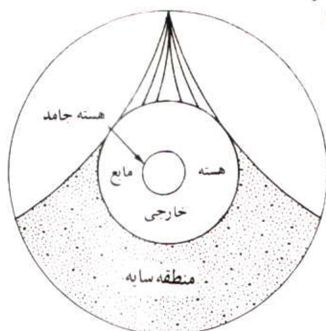
مرکز زمین لرزه EPICENTER

نقطه‌ای از سطح زمین که بطور قائم در بالای کانون زمین‌لرزه قرار گرفته باشد. این همان نقطه‌ای است که لرزش‌های زمین نخست به آن برخورد کرده و از آن‌جا بسوی اطراف گسترش می‌یابد. ← امواج زمین لرزه و کانون زمین لرزه.

مرکزیت CENTRALITY

محلی که نسبت به پیرامون خود دارای اهمیت خاصی باشد. معمولاً" مرکزیت هر منطقه به مهمترین شهر آن منطقه که مرکز فعالیت‌های آنست اطلاق می‌گردد.





مرکز زمین لرزه

مرمر MARBLE

گونه‌ای سنگ آهکی بلورین که بر اثر فشار و حرارت زیاد دگرگون شده و بصورت سنگ سخت و درخشانی درآمده‌است. از اینگونه سنگ‌ها در کارهای ساختمانی و تزیینی استفاده فراوان می‌شود.

مرو *(Marv)*

← آتشزنه

مریخ MARS

← بهرام

مزرعه FARM

← کشتزار

مس COPPER

فلزی به رنگ عنابی روشن، با علامت شیمیایی Cu بسیار نرم، با قابلیت هدایت حرارتی و الکتریکی عالی است که چگالی آن ۸/۹ و نقطه‌ٔ ذوبش ۱۰۸۳ درجه‌ٔ سانتیگراد می‌باشد. به شکل خالص در طبیعت فراوان یافت شده و

کانیهای عمده‌ٔ آن عبارتند از: مالاکیت، آزوریت، کوپریت، بورنیت و کالکوپیریت. کاربرد آن به میزان وسیعی بصورت سیم و مفتول جهت مصارف برقی است و از آن به‌عنوان فلز بنیانی آلیاژهای برنج، مفرغ، نیکل و ورشوها استفاده می‌شود.

مساحی SURVEYING

← نقشه برداری

مسافت DISTANCE

دوری نقطه‌ای از نقطه دیگر و یا فاصله بین دو مکان.

مساقات *(Mosāqāt)*

۱ــ کشت کردن زمین به شراکت.

۲ــ از نظر حقوقی معامله‌ایست که بین صاحب زمین و درخت و امثال آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود، و ثمره اعم است از میوه و برگ و گل و غیر آن.

مستعمره PROTECTORATE

← تحت الحمایه

مستیزو MESTIZO

بازماندگان اروپائیان بویژه اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها که در امریکای جنوبی زندگی می‌کنند.

مسیل DRY RIVER

← خشکرود

مسیله PLAYA

حوضه و یا آبگیر جویبارهای فصلی و سیلاب‌هائی که دریاچه‌های شور و کم عمقی را پدید آورده و پیرامون آن را شوره‌زارهای پهناور و گلزارهای قلیائی فرا گرفته باشد.

مشاع HELD IN COMMON

۱ــ آنچه که مشترک و تقسیم ناکرده باشد.

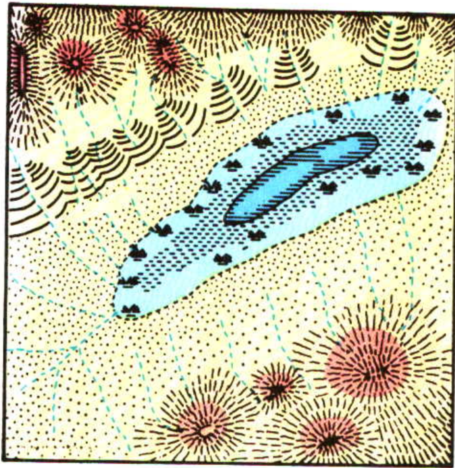
۲ــ زمین یا جزء آن که ملک مشترک چند تن باشد و حصه‌های آنان تقسیم نشده باشد.

مشترک المنافع COMMONWEALTH

مجموعه کشورهای مرکب از بریتانیا و مستملکات سابق وکنونی آن که تشکیل یک واحد داده‌اند.

مشتری JUPITER

← برجیس



مسیله

مشرق EAST

← چهار جهت اصلی

مشرق زمین EASTERN HEMISPHERE

← نیمکره خاوری

مصبّ ESTUARY

← دهانه رودخانه

مضارعه

شرکت مالک زمین با کشاورز در تقسیم حاصل.

روش مضارعه مبتنی بر پنج عامل است که عبارتند از: زمین، آب، شخم کار، گاو.

معبر PASSAGE

۱ــ گذرگاه.

۲ــ محلی از رودخانه که بتوان از آن عبور کرد.

۳ــ گذرگاه رودخانه.

۴ــ آنچه که بوسیله آن بتوان از یک رودخانه یا نهر عبور کرد، مانند پل، کشتی و یا قایق.

معدل النهار CELESTIAL EQUATOR

← نیمگان عالم

معدن MINE

محل تجمع مقدار زیادی از مواد معدنی، بسته به نوع این مواد، معدن ممکن است در سطح یا زیرزمین واقع شود.

معدن شناسی MINERALOGY

← کانی شناسی

مغاک *(Maghāk)* ABYSS

۱ـ گودال ژرف در خشکی و یا دریا .

۲ـ جای فرو رفته و گود .

مغاکی *(Maghāki)* ABYSSAL

منطقه‌ای در ژرف‌ترین قسمت کف اقیانوس. بطور کلی مغاک عبارت از جائی است که ژرفای آن از ۲۰۰۰ فاتوم یا ۳۶۰۰ متر بیشتر باشد و نور خورشید به آن‌جا نرسد و زندگی گیاهی در آن جا وجود نداشته باشد . در این منطقه آبزیان خاصی زندگی می‌کنند که اکسیژن و خوراک خویش را غالباً از وامانده جانوران طبقات بالا دریافت می‌دارند .

مغرب WEST

← چهار جهت اصلی

مغرب زمین WESTERN HEMISPHERE

← نیمکره باختری

مغناطکره *(Meghnātkoreh)* MAGNETOSPHERE

بیرونی‌ترین بخش و یا لایه جو زمین که از ۲۰۰۰ کیلومتری زمین به بالا در درون کمربندهای تشعشعی وان آلن قرار گرفته است . ← آهنربائی زمین

مغناطیس MAGNET

یا آهن ربا ، اکسید طبیعی مغناطیسی آهن که خاصیت جذب براده‌های آهن را دارا باشد . فرمول مغناطیس Fe_3O_4 است و رنگ آن سیاه و وزن مخصوصش بین ۴/۹ تا ۵/۲ و سختیش بین ۵/۵ تا ۶/۵ است .

مغناطیس دیرین PALAEOMAGNETISM

پاره‌ای از سنگهای آذرین هنگام سرد شدن قابلیت آهن‌ربایی در آنها پدید می‌آید که علت آن القاء طبیعی آهن‌ربایی در اکسید آهن موجود در آنهاست . با استفاده از این خاصیت چگونگی میدان آهن‌ربایی زمین و موقعیت قطب‌های مغناطیسی زمین در روزگاران گذشته تحت بررسی قرار می‌گیرد .

مقابله OPPOSITION

← روبروئی

مقارنه SYZYGY

هنگامیکه خورشید و زمین و ماه روی یک راستا قرار گیرند .

مقطع خاک SOIL PROFILE

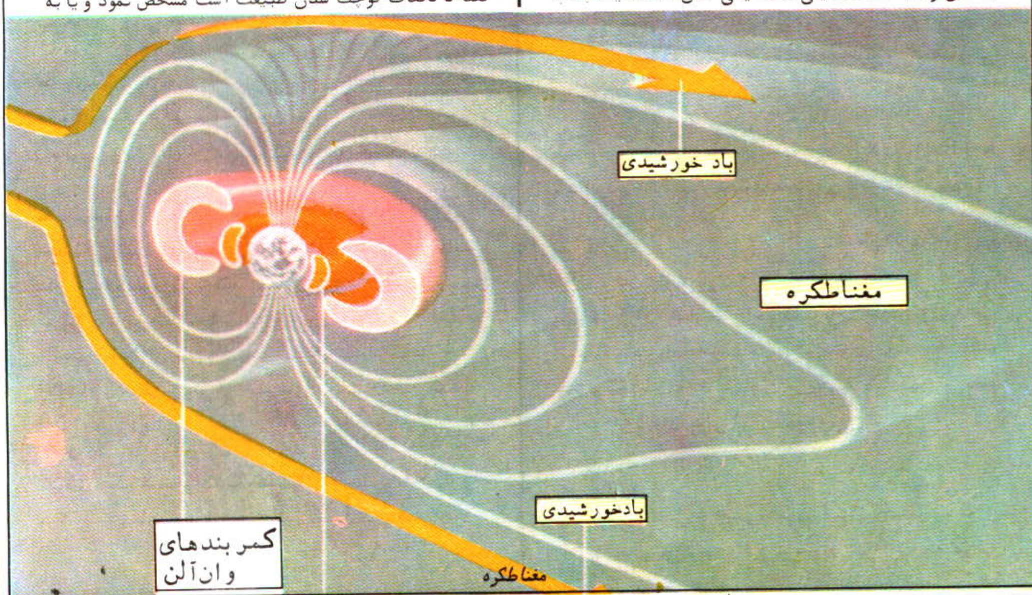
← نیمرخ خاک

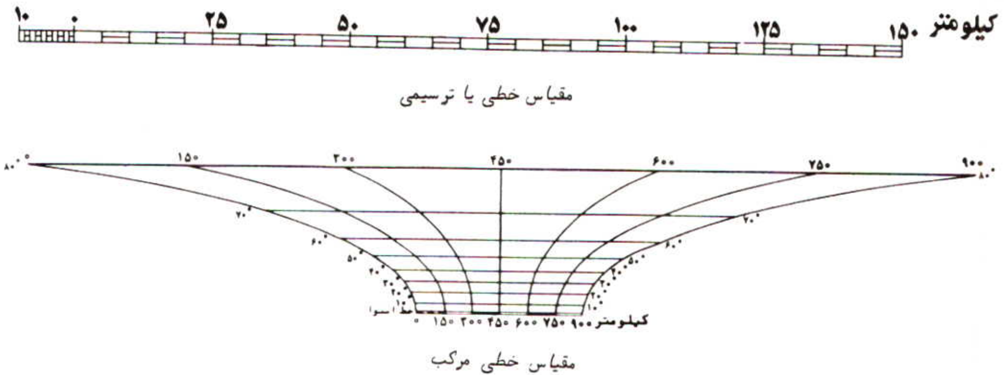
مقطع رودخانه PROFILE OF A RIVER

← نیمرخ رودخانه

مقیاس نقشه MAP SCALE

نسبت میان مسافت دو نقطه روی نقشه و مسافت حقیقی همان دو نقطه در طبیعت را مقیاس نقشه می‌نامند . مقیاس نقشه را ممکن است به شکل کسری که صورت آن عدد ۱ و مخرج آن تعداد دفعات کوچک شدن طبیعت است مشخص نمود و یا به





مقیاس خطی یا ترسیمی

مقیاس خطی مرکب

شیوه انگلیسی از دو واحد طولی مانند یک اینچ برابر یک مایل استفاده کرد که این روش تقریبا " منسوخ شده و غالبا " به همان روش اول اکتفا می‌گردد. همچنین ممکن است مقیاس نقشه را نسبت به عرض جغرافیائی استانداردی مانند خط استوا و یا مدار °۴۵ تعیین نمایند، که دراین صورت مقیاس خطی آن بصورت مرکب خواهد بود.

بطور کلی مقیاس نقشه بیکی از طرق زیرنمایش داده می‌شود:

الف ـ عددی یا کسری مانند ۱:۲۵۰۰۰۰

ب ـ لفظی یا گفتاری مانند یک سانتیمتر روی نقشه برابر دو هزار و پانصد متر در طبیعت است.

پ ـ ۱: خطی یا ترسیمی ساده.

۲: مقیاس خطی مرکب برای‌نقشه‌هائی با تصویرمرکاتور و نظایر آن.

RESIDENT

مقیم

کسی که در جایی مسکن گرفته و اقامت کرده باشد.

MEGAPARSEC

مگا پارسک

هر مگا پارسک برابر یک میلیون پارسک و معادل است با $۳/۲۶ \times ۱۰^{۶}$ سال نوری.

MEGALOPOLIS

مگالوپولیس

اصطلاحی است که بوسیله جغرافیدان فرانسوی ژان گاتمن بکار برده‌شده و به ناحیه وسیعی از شهرها اطلاق میشود که از چند متروپل تشکیل گردیده و نمونه آن در ایالات متحده امریکا از بوستون تا واشنگتن گسترش یافته است. اصل این اصطلاح هم از نقشه‌های یونانی گرفته شده.

MOLASSE

ملاس

کلمه‌ای است سوئیسی که به رسوبات تشکیل شده ازکنگلومرا، سنگ ماسه و مارن در حاشیه شمالی آلپ اطلاق میشود.

NATION

ملت

گروهی از مردم که از نظر تاریخ، زبان، زادگاه، عقاید و احساسات و امال آن با هم بستگی داشته باشند. همچنین به مردمی که در یک واحد سیاسی بنام کشور زندگی می‌کنند نیز گفته می‌شود.

NATIONALISM

ملت دوستی

← ملی گرایی

KEY/KAY

مله *(Maleh)*

پشته شیء‌ای که در عمق کمی در زیر آب قرار گرفته باشد و همچنین به جزیره‌های پستی که سطح آنها اغلب از آب پوشیده شده باشد نیز گفته می‌شود.

NATIONAL

ملّی

منسوب و مربوط به ملت.

از این واژه در ایران گاه به‌معنی دولتی نیزاستفاده می‌شود، زیرا دولت نماینده ملت است. مانند صنایع ملی وبانک‌ملی و غیره.

NATIONALITY

ملّیت

ملت بودن، قومیت، مجموعه صفات و خصایص یک ملت.

NATIONALISM

ملّی گرایی

عقاید و احساسات ملی یک ملت. آیین ملی یا ملت دوستی و یا ملی گرایی عبارت از احساسات و یا ایدئولوژی خاصی است که ملتی را به حرکت در می‌آورد و با توجه به گذشته ملت و سجایا و تمایلات او را در جهتی ویژه سوق می‌دهد و گاهی ارزشهای عالی از آن بوجود می‌آید.

من *(Man)*

مقیاس وزن معادل ۴۰ سیر و تقریبا " برابر ۳ کیلوگرم که‌آن را من تبریز می‌گویند. من شاه ۸۰ سیر است که دو من

معمولی است و من ری ۱۶۰ سیر است که چهار من معمولی میباشد .

منار *(Manār)* LIGHTHOUSE

۱ــ محل نور و جای روشنائی .

۲ــ ستون مرتفعی که معمولا" در مسجدها ساخته شده و بر بالای آن اذان می‌گویند .

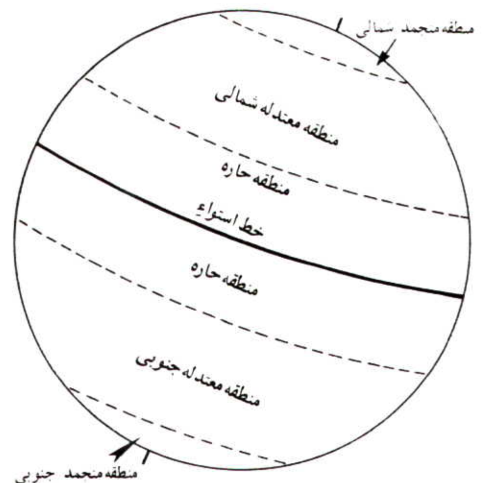
← فانوس دریائی

مناطق آب و هوائی CLIMATIC REGION

برخی از جغرافیدانان کره زمین را از نظر آب و هوا به چهار منطقه عمده حاره، نیمه حاره، معتدله و قطبی تقسیم می‌کنند که هر یک از این مناطق نیز به نواحی فرعی دیگری تقسیم می‌گردد. مثلا" منطقه حاره به نواحی استوائی، ناحیهٔ موسون سودانی و ناحیهٔ کویری خشک و داغ و منطقه نیمه حاره به ناحیه نیمه حاره خشک (و یا مدیترانه‌ای)، ناحیهٔ نیمه حاره مرطوب یا پنبه‌زار کمربندی و منطقه معتدله به ناحیهٔ دریائی، ناحیه قاره‌ای و بالاخره منطقه قطبی که به نواحی کلاهک قطبی و توندرا تقسیم می‌شود .

مناطق پنجگانه CLIMATIC ZONES

پنج منطقه زمین که از نظر آب و هوا طبقه‌بندی شده است. این مناطق عبارتند از منطقه حاره، منطقه معتدله شمالی، منطقه معتدله جنوبی، منطقه منجمده شمالی و منطقه منجمده جنوبی .



مناطق پنجگانه

مناطق زمانی TIME ZONES

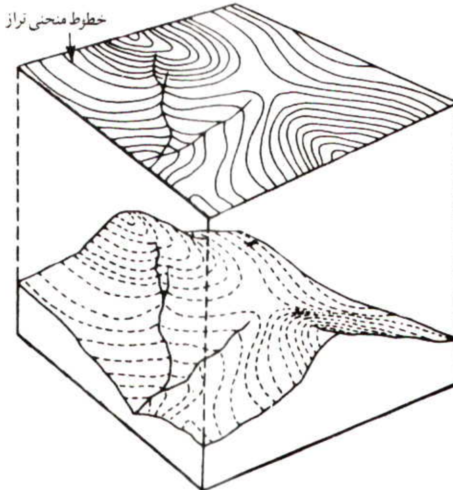
← قاچ ساعتی

منجلاب *(Manjalāb)* VOIDANCE WATER

آب بدبوی و گندیده که در یک جا جمع شود و یا جائیکه آبهای کثیف و بدبو جمع شده باشد .

منحنی تراز CONTOUR LINE

منحنی و یا خطی روی نقشه که از اتصال نقاط هم ارتفاع بوجود آمده باشد. به آن منحنی میزان نیز گفته می‌شود .



مقایسه منحنی‌های تراز ارتفاعات

منحنی فراز نما HYPSOMETRIC CURVE

منحنی خاصی که برای نمایش بلندی‌ها و شکل کلی زمین رسم می‌شود. برای رسم این منحنی اعداد معرف بلندی‌ها و پستی‌های زمین را روی یک محور عمودی و مناطقی که ارتفاعات و پستی‌های آن مورد نظر است روی یک محور افقی منتقل می‌سازند و منحنی که برجستگی‌ها و پستی‌ها را نشان می‌دهد به کمک این دو محور رسم می‌کنند .

منحنی میزان CONTOUR LINE

← منحنی تراز

منطقه ZONE / BELT

الف ــ هر یک از پنج منطقه زمین که از نظر آب و هوا طبقه‌بندی شده است. این مناطق عبارتند از منطقه حاره، منطقه معتدله شمالی و جنوبی و منطقه منجمده شمالی وجنوبی .

ب ــ قسمتی از زمین که به واسطه نوع حیوانات یا نباتات آن کاملا" مشخص و متمایز است و یا از نظر رشد پاره‌ای گیاهان و حیوانات دارای شرایط مناسب باشد .

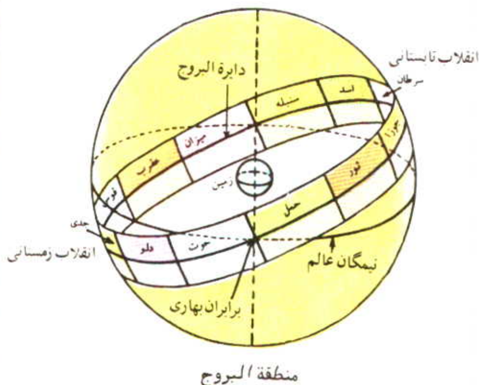
منطقه استوایی EQUATORIAL ZONE

← مدارگان

منطقة البروج ZODIAC

نوار یا باریکه‌ای از کره عالم ، که موازی با دایرة البروج و به فاصله ۸/۵ درجه ، در طرفین آن واقع گردیده است . حرکت سالانه ظاهری خورشید و ماه و سیارات به جز زهره و پلوتون در منطقة البروج صورت می‌گیرد . زاویه میل دایرة البروج نسبت به استواء عالم (معدل النهار) حدود ۲۳/۵ درجه می‌باشد .
بنابر محاسباتی که به عمل آمده این زاویه در طی ۴۰۰۰۰ سال ، میان ۲۲ درجه تا ۲۴/۵ درجه در تغییر است . منطقة‌ـ البروج به ۱۲ قسمت تقسیم می‌شود که آنها را برج‌های دوازده‌گانه سال می‌نامند .

← برج



منطقة البروج

منطقه حارّه TORRID ZONE

← مدارگان

منطقه حفاظت شده NATURE RESERVE

منطقه‌ای که زندگی گیاهی و جانوری آن تحت حفاظت و کنترل قرار گرفته باشد .

منطقه زمانی TIME ZONE

هر یک از قاچهای ۲۴ گانه ۱۵ درجه‌ای کره زمین که زمان متوسط نصف النهار مرکزی آن به عنوان زمان رسمی کشورها و یا مناطقی که کم و بیش درون قاچهای مزبور واقع شده‌اند انتخاب گردد . (تصویر در صفحه ۳۲۸)

منطقه عرض میانه MID - LATITUDE

نواری از کره زمین که در حد فاصل ۲۳/۵ تا ۶۶/۵ درجه عرض شمالی یا جنوبی واقع شده است . این منطقه از زمین را منطقه معتدله نیز می‌نامند .

منطقه عقب افتاده UNDER DEVELOPED AREA

منطقه‌ای که بر اثر فقدان منابع طبیعی و یا سوء تدبیر مقامات مسئول توسعه نیافته و عقب مانده باشد .

منطقه قطبی POLAR ZONE

← منطقه منجمده

منطقه کشاورزی AGRICULTURAL REGION

بخش‌های بسیار وسیع و گسترده‌ای از کره زمین که از نظر عوامل کشاورزی بهم شباهت داشته باشند .

منطقه معتدله TEMPERATE ZONE

مناطقی از زمین ، بنام مناطق معتدله شمالی و معتدله جنوبی ، که در حد فاصل منطقه گرمسیر (استوائی) و سردسیر (منجمده) واقع شده است . آب و هوای این منطقه نسبت به حد اعتدال بطور قابل ملاحظه‌ای متفاوت بوده و بهمین جهت عنوان (منطقه عرض میانه) را می‌توان واژه مناسب‌تری برای آن محسوب داشت .
آب و هوای این منطقه را به پنج نوع زیر تقسیم می‌کنند :
الف ــ معتدله بارانی با تابستانهای داغ (علامت اختصاری Cfa)
ب ــ معتدله بارانی با تابستانهای گرم (علامت اختصاری Cfb)
پ ــ معتدله بارانی با تابستانهای کوتاه و خنک (علامت اختصاری Cfe)
ت ــ معتدله بارانی با تابستانهای داغ و خشک (علامت اختصاری Csa)
ث ــ معتدله بارانی با تابستانهای گرم و خشک (علامت اختصاری Csb)

منطقه منجمده FRIGID ZONE

مناطقی از زمین بنام مناطق منجمده شمالی و منجمده جنوبی که دارای آب و هوای فوق العاده سرد بوده و دائما" در حال یخبندان و ریزش برف است . تابش نور خورشید در این مناطق کاملا" مایل بوده و هوای آن هیچگاه گرم نمی‌شود .

منطقه نفوذ SPHERE OF INFLUENCE

ناحیه‌ای که ، معمولا" بنا بقراردادی که میان چند ملت بسته شده ، بعضی از آنها آزادی عمل انحصاری در آن ناحیه داشته باشند . و نیز این اصطلاح گاهی به اشتباه به سرزمینی اطلاق میشود که نیروئی خارجی مترصد بدست آوردن نفوذ انحصاری در آن است بی آنکه بخواهد آن را

تصرف کند .

منطقه نیمه استوائی SUB - TROPICAL REGION

← منطقه نیمه گرمسیری

منطقه نیمه قطبی SUB - POLAR REGION

منطقه‌ای که از یک سو به توندرا و از سوی دیگر به مناطق سردی مانند استپ یا صحراهای سرد محدود باشد . به اینگونه مناطق ، نواحی معتدله سرد نیز می‌گویند . زمستان این نواحی فوق العاده سرد و طولانی و تابستان آن کوتاه و ملایم است . میزان بارندگی در این مناطق نسبتاً کم ولی برای رویش پاره‌ای درختان جنگلی مناسب است .

منطقه نیمه گرمسیری SUB - TROPICAL REGION

دو کمربند از کره زمین که حد فاصل مدار رأس السرطان و مدار ۴۰ درجه عرض شمالی (در نیمکره شمالی) و مدار رأس الجدی و مدار ۴۰ درجه عرض جنوبی (در نیمکره جنوبی) واقع شده باشد . تمایز چهار فصل ، بویژه زمستان و تابستان از مشخصات این منطقه بوده و آب و هوای آن به آب و هوای مدیترانه‌ای وآب وهوای مرطوب تقسیم می‌گردد . تابستان طولانی وخشک وزمستان نسبتاً پربارش از خصوصیات آب و هوای مدیترانه‌ای و تابستان پر باران از مشخصات مناطق مرطوب است .

منظومه بطلمیوس PTOLEMY'S SYSTEM

← هیئت بطلمیوس

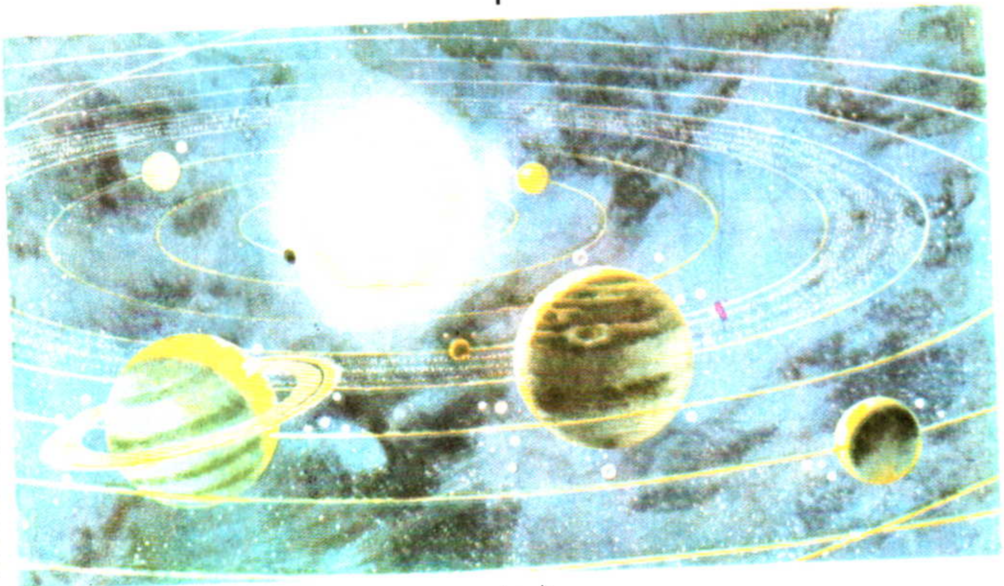
منظومه شمسی SOLAR SYSTEM

منظومه شمسی ترکیبی است از خورشیدونه سیاره اصلی بنام تیر (عطارد) ، ناهید (زهره) ، زمین ، بهرام (مریخ) ، برجیس (مشتری) کیوان (زحل) ، اورانوس ، نپتون‌وپلوتون ، و اقمار آنهاهمراه با مجموعه‌ای‌از اجرامی چون‌سیارکان‌ودنباله‌داران و شهابسنگ‌ها توام با مقداری گاز و غبارهای فضائی .

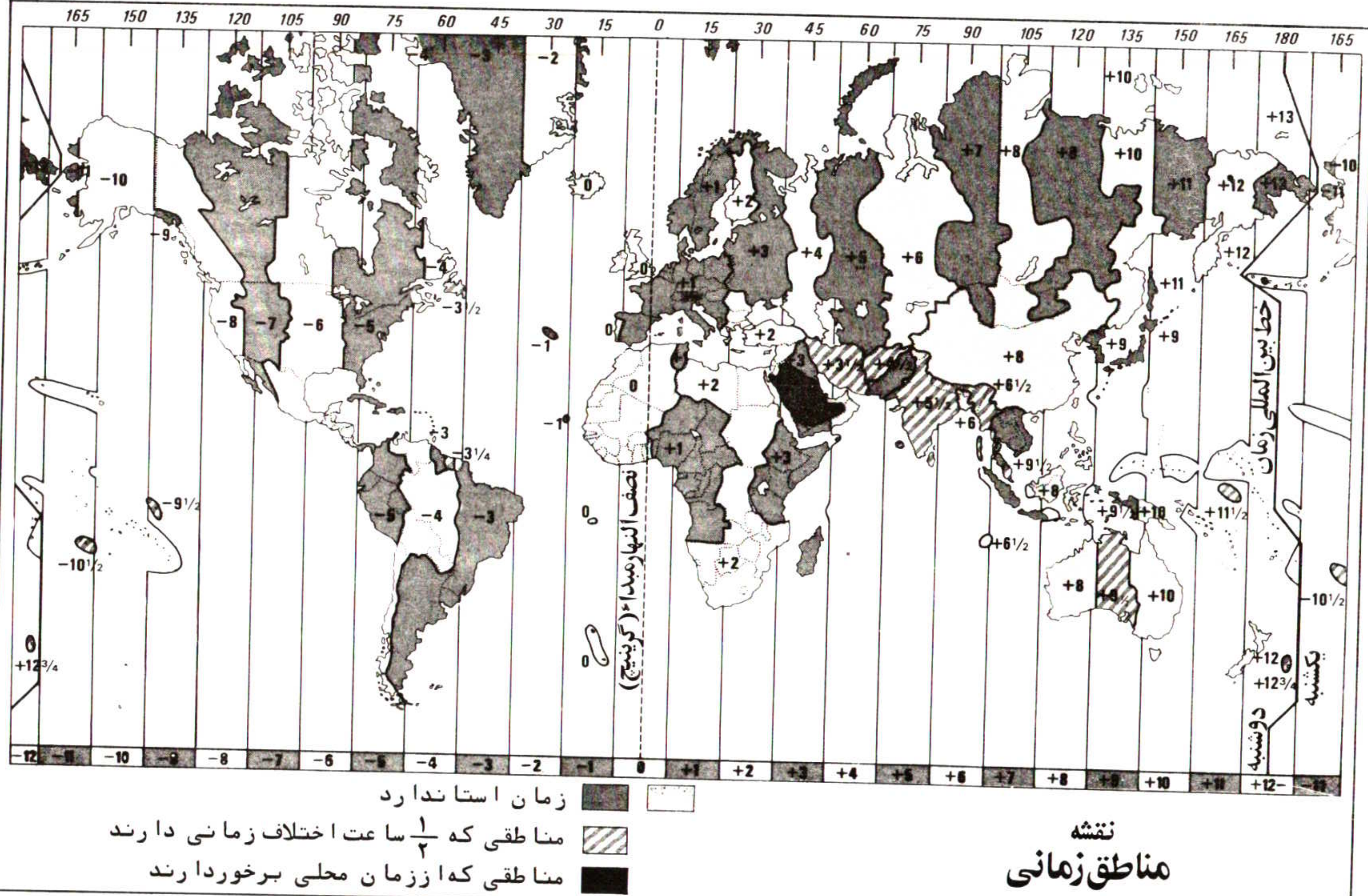
خورشید که در قلب این منظومه جای دارد بر این مجموعه عظیم فرمانرواست و نیروی ثقل و میدان‌مغناطیسی‌وهمچنین تشعشعات آن در این مجموعه نقش مهمی بر عهده داشته و گردش اجرام مزبور را کنترل می‌کند .

قطر خورشیدکه ۱،۳۹۲،۰۰۰کیلومتراست ۱۰۹ مرتبه بزرگتر از قطر زمین و تقریباً ۱۰ بار بزرگتراز قطربزرگترین‌سیارات منظومه یعنی‌برجیس یا مشتری است‌و حجم آن ۱،۳۰۳،۰۰۰ بار از زمین بیشتر است . با این‌توصیف ملاحظه می‌شودکه‌در خورشید به تنهائی‌بیش از ۹۹/۸ در صد جرم منظومه‌شمسی را بخود اختصاص داده و فقط چیزی حدود ۰/۲ در صد به اجزاء منظومه آن تخصیص یافته است .

در میان قوانین شناخته شده ناظر بر حرکات منظومه شمسی مجموعه قوانین کپلر که بوسیله یوهانس کپلر" درسال ۱۶۰۳



منظومه شمسی



نقشه
مناطق زمانی
زمان استاندارد
مناطقی که ۱/۲ ساعت اختلاف زمانی دارند
مناطقی که از زمان محلی برخوردارند
نصف النهار مبداء (گرینیچ)
خط بین المللی زمان
دوشنبه
یکشنبه

کشف گردیده و قانون معروف جاذبه عمومی که توسط اسحق نیوتن در سال ۱۶۶۶ کشف شده است از اهمیت خاصی برخوردارند.

منظومه کوپرنیک COPERNICUS SYSTEM

بر اساس این منظومه که توسط نیکلاوس کوپرنیکوس منجم لهستانی (۱۴۷۳ – ۱۵۴۳ میلادی) عرضه شده:
۱– خورشید و ستارگان در فضا ثابتند.
۲ – سیارات از جمله زمین اجسام کروی هستند که بدور خورشید می‌گردند.
۳– سیارات بر دوایری تمام مدار بدور خورشید می‌گردند.
در این منظومه که پایه‌گذاری نجوم جدید است، خورشید در خارج مرکز مدارات جای دارد.

منقار *(Menqār)* BILL

نوار باریکی از خشکی که همانند یک شبه جزیره کوچک در دریا پیش رفته باشد.

منگل *(Mangol)*

صحرای آبی که از یک طرف فرورفته و از طرف دیگر بالا بیاید. به آن شتر گلو نیز می‌گویند.

مواد خام RAW MATERIAL

موادی که بطور خام برای عمل آوردن و یا ساختن مصنوعات دیگر بکار رود.

مواد رسوبی SEDIMENT

← تهنشست

مواد فسفاته PHOSPHATE MATERIALS

گونه‌ای از سنگ‌های فسفریت و فسفاتیک و همجنس کودهائی که از مدفوع پرندگان دریائی روی هم انباشته شده تشکیل یافته باشد. این مواد در کشاورزی بصورت کود بکار می‌روند.

مواد گداخته *(Mavād-e-godākhteh)* MAGMA

ماگما عبارت از مواد مذاب تمد مایع سلیکاتی است که بعضی از بلورها در آن وجود دارد. این بلورها احتمالاً در آشیانه‌های ماگما و یا در بستر مواد گداخته به سطح زمین، در جائی که حرارت و فشار مناسب بوده‌اند متبلور گردیده و به صورت شناور یا معلق در آن قرار دارند. به عقیده بعضی ماگما از ماده مذابی که ترکیب مشخصه دارد (سلیکاتها)، گازها و مواد فرار فراوان تشکیل میشود. از نظر شیمیائی ماگماها را می‌توان بدو دسته تقسیم نمود که عبارتند از: ماگمای تاریک و ماگمای اسیدی.

مواد مذاب MAGMA

← مواد گداخته

موئینگی *(Muinegi)* CAPILLARITY

مقدار آب موجود در ذرات خاک که بصورت لایه‌های بسیار نازک پیرامون ذرات خاک را فرا گرفته‌است. این آب ممکن است بوسیله ریشه گیاهان و یا بر اثر خاصیت لوله‌های موئین به سطح زمین منتقل و سپس تبخیر گردد.

موتوروی MOTORWAY

← شاهراه

موج *(Mowj)* WAVE

۱– حرکت ذرات و اجسامی که توام با بالا رفتن و پائین آمدن متناوب آنها باشد. مانند حرکت امواج سطح آب.
۲– حرکت شبیه به موج آب.

موج اولیه PRIMARY WAVE

نوعی فشردگی لرزشی که در نتیجه زمین لرزه پدید می‌آید. اینگونه امواج شباهت فراوانی به امواج صوتی دارند.

موج دریا SEA WAVE

نوسان یا جنبش ذرات آب را موج دریا می‌گویند. موج دریا بر اثر برخورد باد با سطح آب پدید می‌آید و اندازه آن بستگی به سرعت و مداومت باد دارد.
طبیعت امواج را با عوامل زیر می‌توان توصیف نمود:
الف – ارتفاع موج که گاه به ۱۲ تا ۱۵ متر می‌رسد (مرتفع ترین امواجی که تاکنون ثبت شده به ارتفاع ۲۱ متر و مربوط به سال ۱۹۶۱ میلادی است).
ب – طول موج یا مسافت میان دو قوس متوالی، که طویل‌ترین آن تا حدود ۱۱۲۸ متر اندازه‌گیری شده.
پ – مدت زمان پیمودن طول موج.
ت – شدت و سرعت پیشرفت امواج.
ث – شیب موج که از نسبت میان ارتفاع به طول آن بدست می‌آید.
ج – نیروی موج.

موج سرد COLD WAVE

یورش ناگهانی هوای سرد قطبی که معمولاً پس از یک فروبار روی می‌دهد. موج سرد بویژه در فصل زمستان بیشتر در نواحی شمالی امریکا و سیبری دیده می‌شود و در نتیجه توده‌های عظیمی از هوای سرد را در مناطق همواری از این سرزمین‌ها جمع و انباشته می‌سازد. بطور کلی موج سرد برای کشاورزی

خطرناک و تهدیدآمیز است .

موج شکن BREAKWATER

دیوار یا سدی معمولاً " از بتون مسلح که برای جلوگیری از نیروی امواج آب در دریا ساخته شده و منطقه آرامی را در پناه خود بوجود آورده باشد .

موج طولی LONGITUDINAL WAVE

لرزش حاصله از زمین لرزه که در امتداد پوسته زمین پدید آید و تحت کنترل قابلیت انعطاف چینه‌های زمین قرارگیرد .

موج ویرانگر DESTRUCTIVE WAVE

دسته‌ای از امواج دریا که بدلیل توفان به فواصل کوتاه و سریع پشت سر هم ایجاد شده و ستونی از آب دریا را به ساحل برانده و مواد ساحلی را هنگام بازگشت شانه کرده و با خود به دریا حمل نماید .

موزائیک عکس هوائی MOSAIC

موزائیک عکس هوائی ، از کنار هم چیدن یک سری عکسهای هوائی قائمی که از یک منطقه معین برداشته شده باشد تهیه می‌گردد . موزائیک عکس هوائی در هنگامی که نقشه‌ای از منطقه مورد نظر وجود نداشته باشد کاربرد فراوان و موثری دارد .



موزائیک عکس هوائی

موژ *(Muzh)* ETANG

یا موژه ← تالاب

مو فرفری CYMOTRICHOUS

گروهی از انسان‌ها که دارای موهای مجعد و فردار هستند .

مولتو MULATTO

مردمان دو رگه‌ای در امریکای جنوبی که از آمیزش نژادهای سفید و سیاه بوجود آمده‌اند .

مولیبدن MOLYBDENUM

عنصر فلزی (با علامت شیمیائی MO) سفید تیره رنگ ، چکش خوار ، با چگالی ۱۰/۳ و نقطه ذوب ۲۰۶۲۰ درجه سانتیگراد ، که به شکل طبیعی یافت نمی‌شود ، کانیهای عمده آن مولیبدنیت MoS_2 و دلفنیت $PbMoO_4$ است ، کاربرد اصلی آن بصورت آلیاژ در فولادهاست که از شکنندگی فولادهای کروم ــ نیکل می‌کاهد . همچنین به شکل فلزی در لامپهای الکترونی و سپرهای محافظ تشعشعی و عناصر حرارتی کوره‌ها بکار می‌رود .

مولیبدن در بافتهای گیاهی و جانوری یافت میشود ولی نقش آن در حیات جانوران در مقایسه با گیاهان از اهمیت بیشتری برخوردار است .

مونسون MONSOON

← بادهای موسمی

مه *(Meh)* FOG

توده متراکمی از بخار آب ، دود و یا گرد و غبار ، که در لایه‌های زیرین جو و در مجاورت سطح زمین پدید آید . به موجب توافق‌های بین المللی هواشناسی ، به پدیده‌ای از اینگونه که میزان قابلیت دید را به کمتر از یک کیلومتر کاهش دهد مه گفته می‌شود . معمولاً " غلظت مه در نخستین ساعات برآمدن آفتاب به حداکثر رسیده و در حدود نیمروز بکلی محو می‌گردد . بطور کلی ضخامت مه متفاوت بوده و اغلب در سطح دریا آنچنان است که سر دکل کشتی‌ها از آن خارج می‌گردد .

نوع دودی مه که به آن دود مه SMOG گفته می‌شود خاص شهرها و مناطق صنعتی بوده و دید کم از مشخصات آن است و بدترین نوع آن هنگامی پدیدار می‌شود که مه آبی با مه دودی توام گردند .

مه غباری خاص مناطق کویری است .

مه MAY

← ماههای اروپائی

مهاجر EMIGRANT
شخصی که زادگاه و میهن اصلی خویش را ترک گفته و در سرزمین دیگری سکنی گزیده باشد.

مهاجرت EMIGRATION
حرکت و جابجائی مردم اعم از داخلی (درون یک کشور) یا خارجی (از کشوری به کشور دیگر) را، مهاجرت می‌گویند.
مهاجرت ممکن است بدو علت بوقوع پیوندد.
الف ــ رانش، به علت عواملی از قبیل سیاسی، مذهبی و اقتصادی.
ب ــ کشش، به سبب عواملی مانند خالی از سکنه بودن سرزمینهای مرغوب، منابع زیرزمینی و فراوانی کار.

مهاجرت خالص NET EMIGRATION
تفاضل مهاجران وارد شده و خارج شده در یک سال معین.

مهاجرنشین COLONY
دسته‌ای از مردم یک کشور که در منطقه‌ای دور از سرزمین بومی خویش بطوردسته‌جمعی زندگی می‌کنند. مناطق مهاجرنشین بیشتر در سرزمینهای دست نخورده و جدید که جمعیت کافی نداشته باشند دیده می‌شوند.

مهباران (Mehbārān) SCOTCH MIST
ریزش توده‌ای از قطرات کوچک‌آب، شبیه مه‌تنک و نرم باران، که معمولاً در نواحی تپه‌ای یا کوهستانی اتفاق می‌افتد، و ناشی از وجود ابرهای متراکم در نزدیک زمین است.

مه بخاری STEAM FOG
بعلت عبور یک توده هوای سرد از روی اقیانوسها و یا دریاهای گرم باعث تبخیر آب بدرون جوگردیده و در نتیجه در بالای سطح آب دریاها و یا اقیانوسها سرد شده و متراکم میشود و ایجاد مه بخاری می‌کند.

مه پهنرفتی (Meh-e-pahnrafti) ADVECTION FOG
مهی که بوسیله حرکات افقی هوا برفراز سطح سرد زمین تشکیل گردد. این پدیده که دلیل عمده آن رطوبت گرم هوائی است که از جانب دریا بسوی خشکی در جریان است، معمولاً در فصل زمستان که هوا سرد است بر فراز خشکی و یا دریا ایجاد می‌گردد.
چنانچه هوای گرم و مرطوب از روی دریاها و اقیانوسها بسوی سواحلی که سرد می‌باشد انتقال یابد هوای مرطوب بعلت تماس با زمین سرد خنک شده و به نقطه اشباع نزدیک میگردد و باعث مه میشود. بعلت انتقال هوای گرم و مرطوب برروی زمین سرد آنرا مه انتقالی گویند.

مهتاب MOONLIGHT
پرتو ماه، نور ماه. کره ماه خود بخود کره‌ای سرد و تاریک است که با پرتو خورشید گرم و درخشان می‌شود و بازتاب نور آن در زمین پدیدهٔ مهتاب را بوجود می‌آورد.

مه تشعشعی RADIATION FOG
پوسته نازکی از مه سفید رنگ که بر اثر توقف هوا در نواحی پست زمین دیده می‌شود. این مه بویژه در فصلهای بهار و پائیز که سطح زمین در شب بر اثر تشعشع حرارت خود را از دست داده و بسرعت سرد می‌گردد پدید می‌آید و نیروی کشش زمین آن را بدرون گودالها و مناطق پستی که هوای راکد و آرامی دارند جمع می‌کند.

مه تنک (M-e-tonok) MIST
ذرات آبی که در لایه‌های زیرین جو انباشته‌گردیده‌وقابلیت دید را به ۱ تا ۲ کیلومتر کاهش می‌دهد.
این پدیده در واقع یک نوع مه رقیق است.

مه جبهه‌ای FRONTAL FOG
مه کم دوامی که بر اثر عبور جبهه گرم یک مرکزفروبار بوجود آمده باشد. این وضعیت بدلیل ریزش باران‌های‌گرم بدرون یک توده هوای سرد سطحی و اشباع هوای مزبور پدید می‌آید.

مهد تمدن CRADLE - AREA
سرزمینی که تمدن‌های نخستین در آنجا پدیدارشده‌وبسایر جاها گسترش یافته باشد. مانند سرزمین بین النهرین.

مهدمه (Mehdameh) STEAM FOG
نوعی مه که بر اثر عبور هوای سرد از فراز آب‌های نسبتاً گرم پدید می‌آید. در چنین وضعیتی آب بصورت بخاروارد هوای سرد شده و بشکل ذرات ریز یخ تغییر شکل می‌دهد که به آن بخمه و یا مه یخی نیز می‌گویند.

مهدیس (Mahdis) MOCK MOON
تصوری از یک ماه فرضی که به کره ماه حقیقی که نزدیک افق باشد خیلی شبیه بوده و مسافت زاویه‌ای آن با کره حقیقی ماه ۲۲ درجه باشد.

مهر
مقتبس از واژه سانسکریت میترا و واژه پهلوی میتر به مفهوم دوستی و محبت، نام ماه هفتم در تقویم رسمی ایران و شانزدهمین روز هر ماه خورشیدی.

واژه مهر عینا " بهمین صورت در تقویم اوستائی موجود بوده و بعدها در تقویم جلالی راه یافته و از سال ۱۳۰۴ خورشیدی نام هفتمین ماه سال هجری شمسی در تقویم ایران رسمیت یافته است .

مهرگان *(Mehrogān)*

لحظهٔ عبور مرکز زمین از نقطه برابران پائیزی . مهرگان دربرد ایرانیان جزو مهمترین عیدها بشمار میرفته .
مهرگان از نظر قوم یهود نیز در خور اهمیت فراوان بوده است ، زیرا آغاز سال یهود از پائیز بوده است نه از بهار .
ظاهرا " مهرگان روز عید مهرپرستان (میترائیست‌ها) نیز بوده است و شاید بهمین مناسبت نام مهرماه از این عید گرفته شده باشد .
درگذشته‌های بسیار دور در ایران فقط دو فصل وجود داشته ، تابستان و زمستان . نوروز جشن آغاز تابستان و مهرگان جشن آغاز زمستان بوده است .

مهشید *(Mahshid)* MOONLIGHT

← مهتاب

مهکشند *(Mehkeshand)* SPRING TIDE

کشندی با دامنه قابل ملاحظه که در هر ماه دوبار روی می‌دهد یکی بصورت مد خیلی بالا و دیگری بصورت جزر خیلی پائین . این پدیده در زمانی روی می‌دهد که مرکز کره زمین ،کره ماه و کره خورشید بر روی یک خط مستقیم قرار گیرد که یکی زمان محاق (ماه نو) و دیگری زمان بدر (ماه شب چهارده) است .

مهکمان *(Mehkamān)* FOG-BOW

پدیده‌ای که از تابش نور خورشید از پشت سر به مهی که در مقابل رو قرار دارد پدید می‌آید .
چون ذرات آب موجود در مه خیلی کوچکند ، از این روشکست و بازتاب نور خورشید بطور کامل انجام نمی‌شود و در نتیجه بجای طیف رنگین طیف بی‌رنگی بوجود می‌آید وکمان سفیدی در فضا پدیدار می‌گردد . به این پدیده طیف کوهستان نیز می‌گویند

مهگرفت *(Mehgereft)* ECLIPSE OF THE MOON

یا خسوف عبارت از وضعیتی است که زمین میان خورشید و ماه قرار گرفته و از تابش نور خورشید بسطح کره ماه جلوگیری می‌کند . مهگرفت ممکن است کامل و یا جزئی باشد.
زمین در حرکت مداری خود به دور خورشید سایه‌اش را که در فضا در سمتی مخالف خورشید ممتد است به دنبال می‌کشد .
سایهٔ زمین به شکل یک مخروط است که قاعده‌آن مقطع زمین و طول متوسط‌آن ۱۰۳۸۰۰۰۰ کیلومتر است . طول سایه بر اثر تغییر فاصله زمین از خورشید تا حدود ۴۰۰۰۰۰ کیلومتر نسبت به مقدار متوسط تغییر می‌کند .
خسوف زمانی اتفاق می‌افتد که ماه در مخروط سایه زمین قرار گیرد . ← خور گرفت

مهلرزه *(Mehlarzeh)* MACROSEISM

لرزش‌هائی از پوسته زمین که برای انسان محسوس باشد .

مه بخی STEAM FOG

← مهدمه

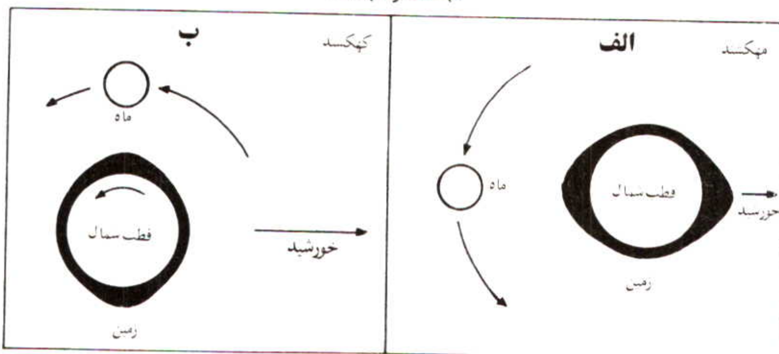
میاناب *(Miyānāb)* INTERFLUVE

زمینی که میان دو دره یا دو مجرای آب مجاور هم واقع شده باشد . مانند سرزمین بین النهرین در عراق .

میان اسپهر *(Miyān espehr)* MESOSPHERE

بخشی از جو زمین که بین ۳۰ تا ۹۰ کیلومتر از سطح زمین

مهکشند و کهکشند



الف : خورشید و زمین و ماه روی یک خط مستقیم قرار دارند ب : خورشید ، ماه و زمین ، تشکیل زاوید قائمه دادهاند

ارتفاع داشته و در حد فاصل پوش اسپهر و بون اسپهر قرار گرفته است .

میان بر *(M-bor)* CUTOFF
آبروی که بوسیله یک رودخانه قطع شود و یا رودخانه‌ای که دایره کاملی را طی کرده و از کنار دایره گذشته و دایره مزبور را رها ساخته باشد . معمولاً این آبروها بعدها به صورت دریاچه‌های طوقی در می‌آیند .

میان دما MESOTHERM
آن دسته از گیاهانی که به گرمایی نیاز دارند که متوسط دمای گرمترین ماه سال بیشتر از ۲۲ درجه سانتیگراد و متوسط دمای سردترین ماه سال بین ۶ تا ۱۸ درجه سانتیگراد باشد . مانند درخت زیتون .

میان دو کوه INTERMONT
عارضه‌ای که میان دو کوه واقع شده باشد .

میانرود *(Miyānrud)* SUBSEQUENT RIVER
رودخانه‌ای از پیرود که امتداد آن با امتداد جس خوردگی‌های زمین موازی باشد و بستر خود را در سنگهای نرم حفر کرده باشد . ← پیرود و پیشپیرود و وارود .

میانسری *(Miyānsari)* MESOCEPHALIC
← شاخص سر

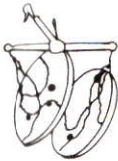
میانکره *(Miyānkoreh)* MESOSPHERE
← میان اسپهر

میدان مغناطیسی زمین MAGNETOSPHERE
← مغناطکره

میراب WATER DISTRIBUTER
کسی که متصدی تقسیم آب مشترک است و آب را به خانه‌ها، باغها، کشتزارها و غیره می‌رساند .

میزاب CHANNEL
← آبراهه

میزان LIBRA
هفتمین صورت فلکی از صورت‌های دوازده‌گانه منطقة البروج، معادل مهر ماه
میزان از صورت فلکی عقرب بعاریت گرفته شده است .



میزان

میزان الحراره TEMPERATURE
← دماسنج

میزان تولد BIRTH RATE
تقسیم تعداد کل موالید یک جامعه در یک سال معین به کل جمعیت میانه همان سال .

میزان مرگ و میر DEATH RATE
تقسیم کل فوت شدگان یک جامعه در یک سال معین به کل جمعیت میانه همان سال .

میزان مرگ و میر نوزادان
INFANT MORTALITY RATE
نسبت تعداد نوزادان فوت شده (۴ هفتگی تا یکسالگی) در یک سال معین به متولدین همان سال .

میز بیابان DESERT TABLE
عارضه‌ای به شکل میز که روی آن را تخته سنگ کلاهک شکلی پوشانیده و پایه آن تحت فرسایش حاصله از باد باریکتر از کلاهک مزبور شده باشد . این قبیل عوارض بیشتر در نواحی کویری به چشم می‌خورد . ارتفاع میز بیابان گاه تا ۳۰ متر می‌رسد .



میز بیابان

میز یخچالی GLACIER TABLE
تخته سنگی که روی یک پایه یخی واقع بر سطح یک یخچال قرار گرفته باشد. این تخته سنگ در واقع از آب شدن سریع یخ‌های زیر خود جلوگیری کرده و آن را بصورت پایه‌ای برای خود در آورده است.

میکرن MICRON
واحدی در اندازه‌گیری طول برابر یک میلیونیم متر یا $\frac{۱}{۱۰۰۰}$ میلیمتر.
← متر

میل MILE
یکی از واحدهای اندازه‌گیری مسافت، که بر سه گونه است:
الف: میل حقیقی(Statute Mile)که معادل ۱۷۶۰ یارد و مساوی ۵۲۸۰ پا و برابر ۶۳۳۶۰ اینچ و مساوی ۸۸۰ فاتوم و معادل ۱۶۰۹/۳ متر است.
ب: میل دریائی(Nautical Mile)که‌اندازه‌آن برابر است با طول قوس یک دقیقه از دایره عظیمه متوسط‌زمین معادل ۱۸۵۳/۲۵ متر.
در امریکا و پاره‌ای کشورهای دیگر نوعی میل دریائی بین ـ المللی وجود دارد که اندازه آن برابر است با ۱۸۵۲ متر و مساوی ۶۰۷۶/۱۰۳۳ پا.
هر گره دریائی عبارتست از سرعتی برابر یک میل دریائی در یک ساعت.
پ: میل‌جغرافیائی (Geographical Mile)که‌اندازه آن برابر است با طول قوس یک دقیقه از دایره استواءزمین معادل ۶۰۸۷/۲پا، یا ۱۸۵۵/۸۵ متر (اندازه میل جغرافیایی را اغلب معادل ۶۰۸۰ پا یا ۱۸۵۳/۱۸ مترمنظور می‌دارند)
اصولا" میل یکی از واحدهای اندازه‌گیری مسافت در روم باستان بوده که اندازه آن ۱۰۰۰ قدم است و از واژه رومی (Milia) اقتباس گردیده است.

میل جغرافیائی GEOGRAPHICAL MILE
یک میل جغرافیائی عبارتست از طول قوسی از دایره استواء یا مدارهای زمین که اندازه زاویه آن $\frac{۱}{۶۰}$ درجه یا یک دقیقه باشد. اندازه این قوس بر حسب عرض جغرافیائی متفاوت بوده و مقدار پذیرفته شده آن برابر ۱۸۵۳/۱۸ متر یا ۶۰۸۰ پا است.
← میل

میل حقیقی STATUTE MILE
← میل

میل دریائی NAUTICAL MILE
← میل

میلسنگ MENHIR
تخته سنگ بلندی از دوران نوسنگی که بطور راست و عمودی در زمین کار گزارده شده و احتمالا" برای انجام پاره‌ای مقاصد مذهبی و یا بعنوان نشانه‌ای برای گورستانهای باستانی به کار می‌رفته است.

میل محور زمین *(Meyl-e-mehvar-e-zamin)*
← گردش سالیانه زمین

میلی بار MILLIBAR
واحد اندازه‌گیری فشار که اندازه آن برابراست با ۱۰۰۰ دین بر سانتیمتر مربع. از این واحد برای اندازه‌گیری فشار جو استفاده می‌شود. بطور کلی فرمول و یا روش خاصی برای تبدیل این سیستم به واحدهای خطی وجود ندارد جز در موارد خاصی که دما صفر درجه سانتیگراد و عرض جغرافیائی ۴۵ درجه باشد که در این صورت ۱۰۰۰ میلی باربرابراست با ۷۵۰/۱ میلیمتر یا ۲۹/۵۳۱ اینچ.

میلیم MILLIEM
میلیم یکی از واحدهای اندازه‌گیری زاویه است که بیشتر در امور نظامی کاربرد داشته و اندازه‌آن $\frac{۱}{۶۴۰۰}$ پیرامون دایره است. این واحد همانطوریکه از نام آن پیداست عبارت است از زاویه دید یک طول یک واحدی در فاصله هزارواحد و یا به عبارت دیگر یک طول یک متری در فاصله هزار متری‌زاویه دیدی بوجود می‌آورد که به آن یک میلیم می‌گویند. با توجه به اینکه ۶۴۰۰ میلی‌ام برابر ۳۶۰ درجه است از این رو هر میلیم معادل "۰۲ '۰۳ °۰۰ شصت قسمتی خواهد بود و یا بر عکس هر درجه شصت قسمتی ۱۷/۸ میلی‌ام است.

میوسن MIOCENE
سومین دور از دوره سوم زمین شناسی از دوران نو زیوی مربوط به ۲۵ تا ۱۱ میلیون سال پیش. قسمت اعظم کوهزائی کوهستان آلپ در این دور بوقوع پیوسته است.
← ازمنه زمین شناسی

میهن NATIVE LAND
← زادبوم



ناحیه REGION

۱ــ بخشی از یک سرزمین .
۲ــ اطراف و حوالی یک شهر .

ناحیه اقلیمی CLIMATIC REGION

← مناطق آب و هوائی

ناحیه قطبی POLAR REGION

← منطقه منجمده

نارفت *(Nāroft)* ELUVIONS

مواد حاصله از فرسایشی که در محل تشکیل شده باقی بمانند و بوسیله جریان آب تغییر محل ندهند . این گونه مواد تحت تاثیر آب محتوی اکسیژن و گاز کربنیک و هم چنین بنا بر ترکیب خود سرانجام به ماسه ، خاک ماسه‌ای ، خاک رستی و یا رست تبدیل می‌گردند .

ناگذار *(Nāgozār)* ADIABATIC

چیزی که مربوط به تغییر دما در توده‌ای از گازها باشد .
می‌دانیم که فشار کم باعث ایجاد سرما و بر عکس افزایش فشار موجبات گرم شدن گاز را فراهم می‌سازد . بدون اینکه از خارج گرمایی دریافت شده باشد .
این وضعیت معمولا" هنگام صعود و یا نزول توده‌های هوا بوجود می‌آید . درچنین حالاتی باکم شدن فشار مولکول‌های هوا از یکدیگر فاصله می‌گیرند و بر عکس در افزایش فشار مولکول‌ها بهم نزدیکتر شده و متراکم می‌گردند .

نام گردانی جغرافیائی TRANSLITERATION

برگردانیدن نامهای جغرافیائی از الفبائی به الفبای دیگر. این عمل که مبحث و باب گفتگوی بسیار وسیعی را در علم جغرافیا باز کرده‌است ، تبدیل اسامی جغرافیائی نیز نامیده می‌شود .

ناموافق DISCORDANCE

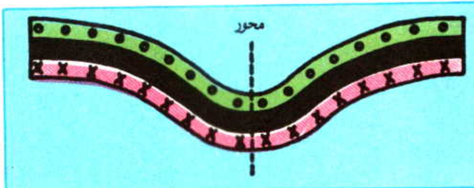
الف ــ فرورفتگی و یا دخول سنگ‌های آذرین در یک چینه معمولی مانند یک دیوال .
ب ــ یک ناهمسانی زاویه‌ای ، مانند جایی که سطح خواب دو چینه مجاور از حالت موازی خارج شده و گونه‌ای ناهماهنگی پدید آورده باشد .
پ ــ ساختمان کلی یک منطقه (مانند بستر آبراهه)ای که با ساختمان کلی زمین تناسب نداشته و خود را با جهت خواب زمین تطبیق نداده باشد .

ناوبری کور *(Nāvbari-ye-kur)* DEAD RECKONING

عمل ناوبری و هدایت کشتی‌ها و هواپیماها به کمک یک سری محاسبات ریاضی دقیق از نظر جهت و سرعت حرکت . در این شیوه از سیستم‌های رادیویی و مشاهدات نجومی استفاده می‌شود .

ناودیس *(Nāvdis)* SYNCLINE

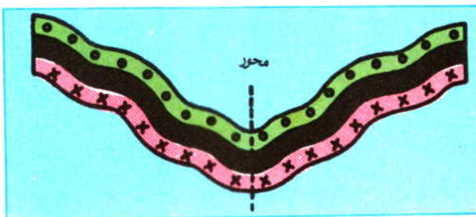
چین خوردگی قسمتی از پوسته زمین که نسبت به تاقدیس حالت منفی یا معکوس داشته باشد .
← تاقدیس



ناودیس

ناودیس شکنجی *(N-e-shekanji)* SYNCLINORIUM

گونه‌ای ناودیس که از یک سری ناخوردگی‌های مثبت و منفی کوچک و دنبال هم تشکیل یافته باشد .



ناودیس شکنجی

ناورس *(Nāvras)* HEAD OF NAVIGATION

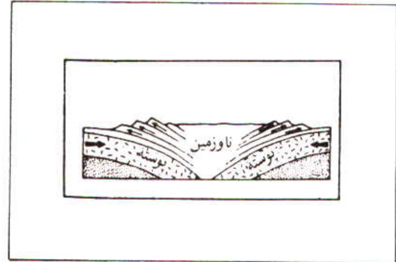
دورترین نقطه‌ای از یک رودخانه که از نظر تجارتی قابل کشتیرانی باشد .

ناورو *(Nāvro)* FAIRWAY

بخش اصلی و قابل کشتیرانی یک رودخانه یا یک خور که به وسیله شناوه و چراغ دریائی علامت گذاری شده باشد .

ناو زمین *(Nāvzamin)* GEOSYNCLINE

گودال یا فرورفتگی وسیعی در سطح زمین که وسعت آن به صدها کیلومتر برسد. از ویژگی‌های ناو زمین این است که به مرور با مواد تهنشستی پر شده و تفاوت محسوسی در اجزاء و چینه‌های متشکله آن از نظر ساختمان به چشم می‌خورد.



ناو زمین

ناهنجاری‌های ثقل GRAVITY ANOMALIES

تفاوت میان نیروی ثقل مشاهده شده و نیروی ثقل محاسبه شده در یک نقطه از زمین را ناهنجاری ثقل آن نقطه می‌گویند. اگر نیروی ثقل مشاهده شده بزرگتر از مقدار محاسبه شده آن باشد ناهنجاری را مثبت و اگر کمتر باشد ناهنجاری را منفی می‌دانند.

ناهنجاری‌های دما TEMPERATURE ANOMALIES

تفاوت میان دمای میانگین یک نقطه و دمای میانگین نقاط هم عرض جغرافیائی آن نقطه.

ناهنجاری دما هنگامی مثبت است که دمای میانگین نقطه مورد نظر بیشتر از دمای میانگین هم عرض آن بوده و هنگامی منفی است که دمای میانگین آن کمتر از دمای میانگین هم عرض نقطه مزبور باشد.

ناهید VENUS

یا زهره، دومین سیاره (از نظر فاصله از خورشید) در منظومه خورشیدی است. مدار این سیاره میان مدارهای تیر (عطارد) و زمین قرار دارد و پس از خورشید و ماه درخشان‌ترین جرم آسمانی است. فاصله ناهید تا زمین گاه به حدود ۴۲ میلیون کیلومتر می‌رسد و از نظر بزرگی و وزن و جرم مخصوص شباهت فراوانی به کره زمین دارد.

پیرامون سیاره ناهید را قشرهای عظیمی از ابر فرا گرفته و مانع رویت آن از سطح زمین گردیده است. پژوهشهای کیهانی نشان می‌دهد که دمای سطحی این کره حدود ۴۲۶ درجه سانتیگراد است.

قطر استوایی زهره ۱۲۰۱۰۴ کیلومتر و فاصله آن از خورشید حدود ۱۰۸،۲۰۰،۰۰۰ کیلومتر است. زمان گردش ناهید به دور خورشید ۲۲۴/۴۷۵ روز زمینی و زمان چرخش آن حول محور قطبین ۲۴۳ روز و ۱۴ دقیقه زمینی است.

زهره صورتهایی شبیه به اهله قمر (ماه زمین) پیدا می‌کند که فقط با تلسکوپهای نجومی قابل دیدن است.

← سیارات (تصویر در صفحهٔ ۳۳۸)

نپتون NEPTUNE

هشتمین سیاره از منظومه شمسی که بخاطر فاصله زیادش از زمین با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود. نپتون از حیث اندازه و هم از نظر ویژگیهای فیزیکی دیگر شبیه اورانوس است.

فاصله نپتون از خورشید ۴،۴۹۶،۷۰۰،۰۰۰ کیلومتر و قطر استوائی آن ۴۹۵۰۰ کیلومتر است و زمان گردش بدور خورشید آن ۱۶۴ سال و ۲۸۹/۴۴۵ روز است و زمان چرخش حول محور قطبین ۱۵ ساعت و ۴۸ دقیقه است و نپتون دارای دو قمر بنامهای تریتون و نرئید است.

← سیارات (تصویر در صفحهٔ ۳۳۸)

نجوم ASTRONOMY

← ستاره شناسی

نجوم رادیویی RADIO ASTRONOMY

شاخه‌ای از نجوم که به امواج رادیویی گسیل شده از اجرام گوناگون سماوی و نیز به نظریه گسیل این امواج می‌پردازد.

نخستینه شناسی PRIMATOLOGY

(Nakhostineh shenāsi)

بخشی از جانورشناسی که با بررسی راسته‌ای از پستانداران زنده‌ـ زای جفتدار که شامل آدمی، میمونها و سه راسته فرعی دیگر می‌باشد، سر و کار دارد.

ندول NODULE

تراکم موادی از جنس سیلیس یا آهک و یا آهن بصورت نامرتب و نامنظم و احیاناً" با تبلور مجدد یا تبلور مخفی.

نرمه *(Narmeh)* FRIABLE

الف ـ سنگی که قابلیت خرد شدن آن زیاد باشد.

ب ـ خاک آمیخته با رس و شن که به آسانی خرد و نرم شود.

نرمه باران DRIZZLE
باران ریز دنباله‌داری که اندازه قطره‌های آن کمتر از ۰/۵ میلیمتر بوده و بویژه با یک جبهه هوای گرم همراه باشد.

نرمه سنگ FREESTONE
سنگ نرمی که در جهات مختلف به آسانی بریده شود.

نزم *(Nezm)* HAZE
توده‌ای از ذرات ریز و غبار و یا دود و مانند آن که در فضای مجاور سطح زمین جمع شود و قابلیت دید را به حدود یک کیلومتر کاهش دهد.

نزولات آسمانی METEORIC WATER
آبی که از جو زمین بصورت برف و یا باران ریزش نماید.

نژاد RACE
گروهی از مردم که از نظر اصالت و وراثت طبیعی دارای خصوصیات یکسان باشند.
مجموعهٔ افرادی که از حیث مشخصات قیافه، کوتاهی و بلندی قد، وضع لب و دندان، هیئت چشم، وضع مو و رنگ پوست بدن با هم شباهت دارند.

نژاد شناسی ETHNOLOGY
دانشی که به بررسی منشاء، پراکندگی و ویژگی‌های متمایز نژادها و فرهنگ اقوام بدوی می‌پردازد.
به عبارت دیگر، شعبه‌ای است از علم انسان شناسی که از اصل و پیدایش دسته‌های مختلف گروههای انسانی بحث می‌کند.

نژاد نگاری ETHNOGRAPHY
شاخه‌ای از مردم‌شناسی یا نژاد شناسی که توزیع جغرافیایی و ویژگیهای نژادهای گوناگون را توصیف می‌کند.

نسبت باروری FERTILITY RATIO
مبحثی در بررسی جمعیت و آن عبارتست از تعداد کودکان موجود در یک جماعت به تعداد زنان قابل باروری در همان جماعت. این نسبت را با فرمول زیر نمایش می‌دهند:

$$F.R = \frac{\text{شمار کودکان زیر ۵ سال}}{\text{شمار زنان میان ۱۵ تا ۵۰ سال}} \times 1000$$

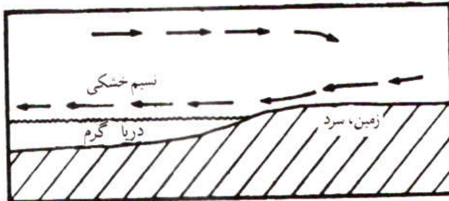
نسبت کارآئی ACTIVITY RATE
← در چند کارآئی

نسر طایر *(Nasr-e-tāyer)* ALTAIR
پر نورترین ستاره از صورت فلکی عقاب. این ستاره نسبتاً به زمین نزدیک است و فاصله آن از زمین به حدود ۱۴ سال نوری می‌رسد و تقریباً به شکل یک لوزی بزرگ است.

نسر واقع *(N-e-vāq'e)* VEGA
روشن‌ترین ستاره از صورت فلکی شلیاق (چنگ رومی) که چهارمین ستاره پر نور آسمان به شمار می‌رود.
این ستاره زمانی ستاره قطبی زمین بوده و حدود ۱۲۰۰۰ سال دیگر نیز مجدداً ستاره قطبی زمین خواهد بود (← تقدیم اعتدالین).
ستاره نسر واقع بعد از شعرای یمانی، درخشانترین ستاره آسمان نیمکره شمالی است.

نسیم BREEZE
نسیم عبارت از هوائی است که خیلی آرام جریان یابد. در این پدیده شدت جریان هوا به اندازه‌ای است که تولید باد نمی‌کند.

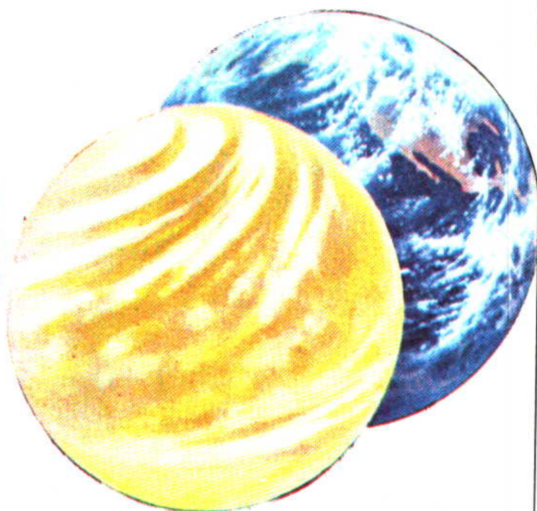
نسیم خشکی LAND BREEZE
نسیم خنکی که شبانگاه از خشکی بسوی دریا می‌وزد، علت این پدیده سریع‌تر خنک شدن سطح زمین بر اثر تشعشع در مقایسه با آب دریا و در نتیجه افزایش فشار جو بالای زمین نسبت به فشار جو بالای دریاست. این نسیم در پاره‌ای قسمت‌های جهان بویژه در جزایر آنچنان منظم است که قایق‌های ماهیگیری را شبانه بسوی دریا برده و روز بعد به کمک نسیم دریا بسوی خشکی باز می‌گرداند.



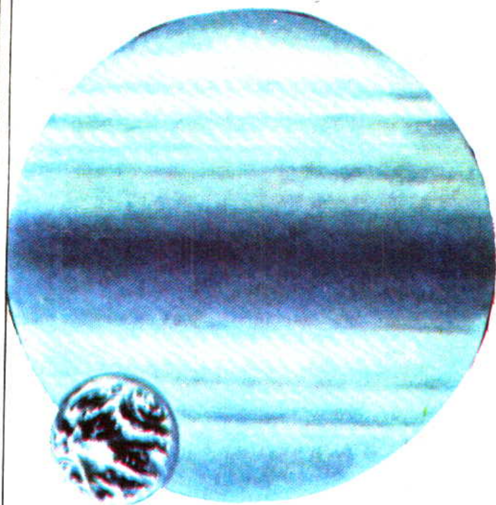
نسیم خشکی

نسیم دریا SEA BREEZE
نسیمی که بعد از ظهرها از سطح دریا بسوی مناطق کم فشار خشکی می‌وزد. این نسیم تا مسافت محدودی بدرون خشکی نفوذ کرده و سپس تحت تاثیر بادهای محلی یا بادهائی که از خشکی بسوی دریا می‌وزد محو و نابود می‌گردد.
(تصویر در صفحهٔ ۳۳۸)

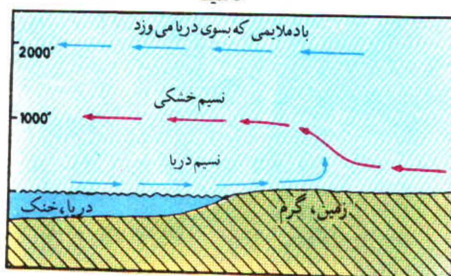
نسیم کوهستان MOUNTAIN BREEZE
جریان هوای نسبتاً سردی که در شب از کوه بسوی اراضی پست و دره‌ها می‌وزد.
اغلب جهت این باد در روز عکس شب است.



ناهید



نپتون



نسیم دریا

نسیم یخچالی GLACIER BREEZE

نسیم سردی از گونه باد فرورو که در امتداد مسیر یک یخچال می‌وزد. سبب وزش این نسیم سرد شدن هوای مجاور سطح یخچال است.

نشیب DESCENT

۱– سرازیری. عارضه مقابل فراز.

۲– زمین پست.

نصف النهار MERIDIAN

← نیمروز.

نصف النهار ایستگاه OBSERVER MERIDIAN

دایره عظیمه یا نصف النهاری که از قطبین عالم و همچنین دو نقطه سرسو (سمت الرأس) (Z) و پاسو (سمت القدم) (N) عبور نماید.

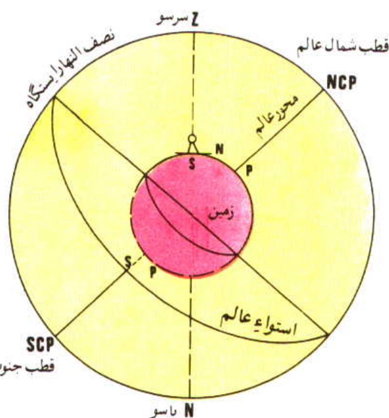
نصف النهار عالم CELESTIAL MERIDIAN

هرگاه دایره عظیمه‌ای را بر قطبهای عالم عبور دهند. فصل مشترک آنرا با سطح کره عالم، نصف النهار عالم می‌نامند. به عبارت دیگر فصل مشترک گسترش نصف النهارهای زمین و سطح کره عالم را نصف النهارهای عالم می‌خوانند.

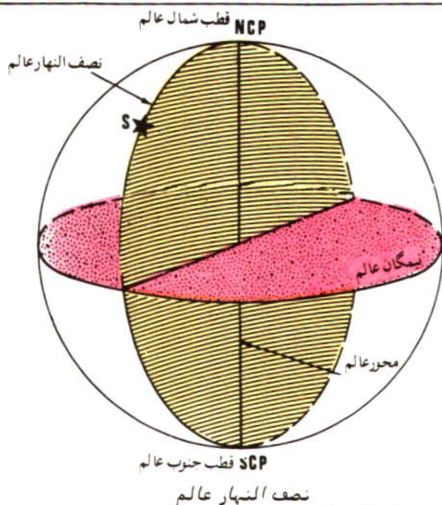
(تصویر در صفحه‌ٔ ۳۳۹)

نظام سهم بردن از محصول SHARE CROPPING

نظام خاصی است در کشاورزی که صاحب زمین بذر و وسایل کار را در اختیار کشاورز گذارده و در مقابل حدود نیمی از محصول را به نفع خویش برداشت می‌کند.



نصف النهار ایستگاه



نصف النهار عالم

نظریه جابجائی قاره‌ها

THEORY OF CONTINENTAL DRIFT

← نظریه رانه قاره‌ای

نظریه جهان انبساطی

THEORY OF EXPANSIONAL UNIVERSE

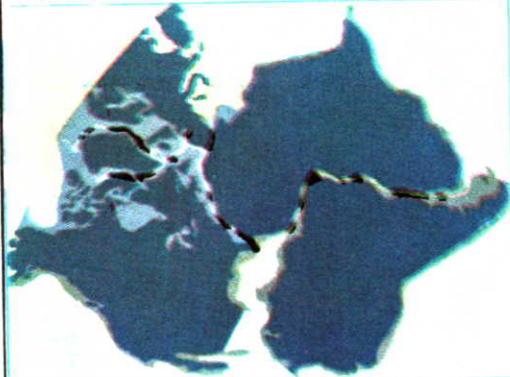
← جهان انبساطی

نظریه داروین DARWIN'S THEORY

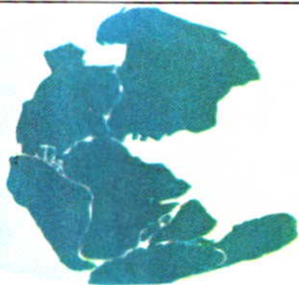
← داروینیسم

نظریه رانه قاره‌ای THEORY OF CONTINENTAL DRIFT

بر اساس این نظریه ، اعتقاد بر این است که قاره‌های کنونی زمین در اصل از یک سرزمین عظیم بنام گندوانا جدا گردیده وبمرور از هم فاصله گرفته وبالاخره در وضعیت کنونی واقع شده‌اند . علت پیدایش این نظریه مسئله پراکندگی جانوران و گیاهان مشابه درخشکی‌ها وقاره‌های گوناگون زمین است که دانشمندان



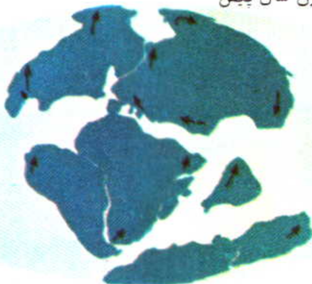
لبه فلات قاره‌ها در واقع مرز طبیعی قاره‌ها بشمار می‌روند ، این نقشه بازهم آوری قاره‌ها را به خوبی نشان می‌دهد .



۲۰۰ میلیون سال پیش



۱۸۰ میلیون سال پیش



۱۳۵ میلیون سال پیش



۶۵ میلیون سال پیش



امروزه

نظریه رانه قاره‌ای

را مدتها بخود مشغول می‌داشت. آنان بر این عقیده بودند که در آغاز چیزی همانند پل یا مشابه آن بایستی وجود می‌داشته تا موجبات پراکندگی و گسترش این موجودات را فراهم نماید و رفت و آمد آنها را امکان پذیر سازد. مسئله دوم تشابه وهماهنگی کرانه‌های پاره‌ای ازقاره‌های امروزی به یکدیگر است. مانند تشابه و هماهنگی کرانه‌های باختری افریقا و کرانه‌های خاوری امریکای جنوبی. این نظریه نخستین بار در سال ۱۸۵۸ بوسیله الف سنیدر و سپس در سال ۱۹۰۸ توسط اف.ب. تیلور و بالاخره در سال ۱۹۱۵ بوسیله الف وگنر عرضه و تکمیل گردید. تحقیقات بیشتر زمین شناسی دریائی با کمک شواهد و کشفیات تازه‌ای که انجام گرفته (زمین لرزه و وضعیت مغناطیسی گذشته زمین) نظریه وگنر را مورد تائید قرار داده و علاوه بر آن منجر به ابراز نظریه جدیدی توسط مارد، مک کنزی و مورگان در سال‌های ۱۹۶۹ - ۱۹۷۰ بنام نظریه تکتونیک صفحه‌ای گردیده است.

← زمینساخت صفحه‌ای

نظریه غباری DUST CLOUD THEORY

درباره پیدایش منظومه شمسی، طی چند از دانشمندان بر این عقیده‌اند که چندین بلیون سال پیش خورشید بصورت کره‌ای از گاز و با حرارت بسیار زیاد بوده و آن را پوسته‌ای از گازهای رقیق و ذرات غبار احاطه‌کرده‌بوده‌است. این پوسته بعدها به علت حرکت دورانی به شکل قرصی از ابرهای سحابی به دور خورشید درآمده که قطر آن درحدود قطر کنونی منظومه شمسی و در حد سیارات نه گانه بوده است. سپس به دلیل اختلاف سرعت بین قسمتهائی از سحابی که به خورشید نزدیکتر و دارای سرعت بیشتر بوده‌اند و بخشهائی که از خورشید دورتر و دارای سرعت کمتر بوده‌اند توده مزبور متلاطم شده و فضاهائی بنام حجره‌های تلاطم در آن پدید آمده‌است که هر حجره در خلاف جهت عقربه‌های ساعت بدور خورشید گردش می‌کرده و بر عکس ماده درون آنها در جهت حرکت عقربه‌های ساعت می‌گشته است و در نتیجه غلافهای متحد المرکزی بدور خورشید تشکیل می‌گردد که هر غلاف پنج حجره تلاطم دارد و سیارات در نواحی درون این حجره‌ها تشکیل یافته‌اند، بدین ترتیب که از بهم پیوستن پنج توده ماده که بیک فاصله از خورشید بوده‌اند یک سیاره که اکنون به آن فاصله از خورشید واقع است پدید آمده و اقمار سیارات نیز بهمین طریق منتها در مقیاس کوچکتر بوجود آمده‌اند. این فرضیه نخستین بار بوسیله اماتوئل کانت ارائه شده و فرضیه سحابی لاپلاس نیز از همین جمله است.



نظریه غباری

نظریه کشندی TIDAL THEORY

نظریه‌ای است درباره پیدایش منظومه خورشیدی که توسط جمز جینز و هارلد جفریز در سال ۱۹۱۸ عرضه شده. بر طبق این نظریه که مکمل فرضیه پیدایش سیارات است، ستاره دیگری به توده عظیم گازی خورشید نزدیک شده‌است و در نتیجه اجرام کوچکتری از خورشید جدا شده و منظومه خورشیدی را ساخته‌اند. بر اساس این نظریه، جدا شدن اجرام گازی کوچکتر از خورشید در نتیجه پیدا شدن برجستگیهای کشندی عظیمی بوده است که به سبب حادثه آن ستاره بر سطح خورشید پدید آمده بوده است. زمانی که حادثه گرایشی چندان زیاد شد که برگرایش خورشید فزونی یافت، قله‌ی موج کشندی از جرم اصلی خورشید جدا شد و به جرم‌هایی به اندازه‌های مختلف تقسیم گردید که همین سیارات امروزی هستند. این نظریه در حال حاضر طرفداران چندانی ندارد.

نظریه هرم سه وجهی TETRAHEDRAL THEORY

نظریه‌ای که نخستین بار بوسیله Lowthian Green در سال ۱۸۷۵ ارائه شده و بر اساس آن کره زمین را بیک هرم سه وجهی که هر وجه آن یک مثلث بوده و رأس آن در قطب جنوب و قاعده آن که خود یک مثلث است در قطب شمال (به منزله اقیانوس منجمد شمالی) قرار گرفته تشبیه شده است. بر اساس این نظریه نیمکره خاوری در دو مثلث و نیمکره باختری در مثلث سوم واقع گردیده است.
این نظریه امروزه مورد توجه نیست.

نظریه همستادی THEORY OF ISOSTASY

(Nazariyeh-ye-hamestādi)

به موجب این نظریه زمین حالت شناوری را در آب دارد که خشکی‌ها و بلندی‌ها به دلیل سبکی وزن از آب بیرون مانده

و کف دریاها و اقیانوس‌ها به سبب سنگینی وزن در زیر آب عوطه‌ورند. این نظریه در سال ۱۸۸۹ بوسیله C.F.Duttun ارائه شده است.

نفت
PETROLEUM

نفت به مفهوم کلی عبارت از مخلوطی است از ئیدروکربن‌های جامد و مایع و گاز که معمولاً با حفر چاههای مخصوص از زیر زمین استخراج می‌گردد.

بزرگ‌ترین کشورهای تولید کننده نفت عبارتند از: امریکا، شوروی، ونزوئلا، عربستان سعودی، کویت، ایران، لیبی، عراق، کانادا و الجزایر.

نفت سیاه
MAZUT

یکی از ئیدروکربورهای نفتی که در تصفیه خام پس از اتر و بنزین و نفت چراغ بدست می‌آید و چون سیاه‌رنگ است بنام نفت سیاه نیز موسوم است.

این ماده ارزان‌ترین ماده سوختنی برای کوره، حمامها و تنور نانوائی‌ها و موتورهای دیزل است.

نقاله
PROTRACTOR

نقاله وسیله‌ای است که به اشکال گوناگون مانند دایره، نیمدایره، مربع و یا مستطیل ساخته می‌شود و لبه آن برحسب واحدهای اندازه‌گیری زاویه مانند درجه شصت قسمتی و یا گراد مدرج می‌گردد.

هر نقاله دارای نقطه‌ای است بنام نشانه که در واقع نقطه مرکزی نقاله است.

از نقاله برای اندازه‌گیری و یا ترسیم زاویه استفاده می‌شود، بدین ترتیب که نقطه مرکزی را روی رأس زاویه می‌گذارند و مقدار زاویه را به کمک اعدادی از لبه نقاله که روی اضلاع زاویه قرار گرفته‌اند بدست می‌آورند.

نقب *(Naqb)*
BURROW

راه باریک زیر زمینی.

نقره
SILVER

فلزی است درخشنده و براق که به خوبی صیقل پذیر است و بیشتر از همه اجسام نور را منعکس می‌کند. از این رو در ساختمان آینه‌ها بکار می‌رود. وزن مخصوص نقره ۱۰/۵ است و در حرارت ۹۶۰ درجه ذوب می‌گردد و در ۲۰۰۰ درجه می‌جوشد و بهتر از همه فلزات حرارت و برق را هدایت می‌کند. نقره از مس نرم‌تر و از طلا سخت‌تر است. نقره خالص بر اثر ناخن خط برمی‌دارد. علامت شیمیائی نقره Ag و وزن اتمی آن در حدود ۱۰۸ است. نقره بسیار چکش خوار و قابلیت تورق آن نیز زیاد است و در برابر عوامل شیمیائی بخوبی مقاومت می‌کند و همیشه یک ظرفیتی است و میل ترکیبی آن بسیار کم است. اکسیژن و بخار آب بر آن اثری ندارند و در صنعت برای تهیه وسایل مختلف وآب نقره کاری و آینه سازی بکار می‌رود و مهمترین مواد معدنی نقره سولفور نقره یا آرژیروز SAg_2 است.

نقشه
MAP

نمایش ترسیمی عوارض پوسته زمین روی موادی مانند کاغذ، پلاستیک، مقوا، پارچه و سایر مواد مشابه را که به نسبت معینی کوچک شده باشد نقشه می‌گویند. یکی از خصوصیات نقشه استفاده از فن خلاصه کردن طبیعت متناسب با مقیاس و استفاده از علائم و نشانه‌هائی است که هریک معرف عارضه مخصوصی بوده و نقشه‌ای که از نظر مقیاس و علائم به طبیعت نزدیکتر باشد نقشه مقیاس بزرگ یا پلان نامیده می‌شود.

نقشه برجسته
RELIEF MAP

نقشه‌ای که پستی و بلندی‌ها و ارتفاعات را به شکل برجسته یا سه بعدی نمایش دهد. اینگونه نقشه‌ها معمولاً از مقوا، پلاستیک و یا گچ و امثال آن تهیه می‌گردد.

نقشه برجسته‌وار
RELIEF LIKE MAP

نقشه‌ای است که ارتفاعات آن را بکمک نقاشی و سایه زدن بصورت ظاهری برجسته نمایش دهند.

نقشه برداری
MAPPING/SURVEYING

اندازه‌گیری و ثبت مسافات و زوایا برای تهیه نقشه دقیق پوسته زمین را نقشه‌برداری می‌گویند. این عملیات شامل اندازه‌گیری مسافت مبنا، مثلث‌بندی، ترازیابی، پیمایش و برداشت‌های محلی است.

نقشه‌برداری شناسائی
RECONNAISSANCE MAPPING

نوعی نقشه اکتشافی یا شناسائی که با رعایت سرعت و صرفه تهیه گردد. این گونه نقشه‌ها بیشتر برای مناطقی مانند مناطق کویری و امثال آن که نیازی به دقت چندان ندارد تهیه می‌شوند.

نقشه بساوایی *(Naqsheh-ye-basāvā'i)*
TACTUAL MAP

نقشه خاصی که غالباً ویژه نابینایان و یا استفاده در تاریکی

تهیه شده و عوارض و خطوط را به طور برجسته و از راه لمس نمایش دهد .

نقشه پلانی‌متری PLANIMETRIC MAP

نقشه‌ای که فقط موقعیت مسطحاتی عوارض را نشان دهد و یا فاقد اطلاعات ارتفاعی باشد . از اینگونه نقشه‌ها بیشتر در اندازه‌گیری مساحت و عملیات ثبتی استفاده می‌شود .

نقشه توپوگرافی TOPOGRAPHIC MAP

نقشه‌ای مقیاس بزرگ (معمولا " بزرگ‌تر از مقیاس ۱:۵۰۰۰۰۰) که عوارض پوسته زمین اعم از مصنوعی و یا طبیعی را نشان می‌دهد .

گروهی از نویسندگان و کارشناسان بویژه امریکائی‌ها ، از اصطلاح مزبور برای بیان کیفیت نقشه‌ای که قطعه‌ٔ کوچکی از پوسته زمین را در مقیاس بزرگ نمایش می‌دهد ، استفاده می‌کنند و آن را در مقابل واژه نقشه کارتوگرافی که معرف نقشه‌های کوچک تراز مقیاس ۱:۵۰۰۰۰۰ است ، به کار می‌برند ، باید توجه داشت که از اصطلاح نقشه توپوگرافی تنها به مفهوم نمایش ناهمواری‌های پوسته زمین که به کمک منحنی‌های تراز نمایش داده می‌شود ، نباید استفاده کرد .

نقشه توپولوژی TOPOLOGICAL MAP

گونه‌ای نقشه که برخلاف نقشه توپوگرافی وضعیت نسبی عوارض را صرفنظر از مسافت واقعی و سمت حقیقی امتداد میان آنها نمایش می‌دهد . این گونه نقشه‌ها بیشتر از نظر نمایش میزان تراکم جمعیت و سیستم‌های ارتباطی تهیه می‌گردند .

نقشه رنگارنگ CHOROCHROMATIC MAP

نقشه‌های ویژه‌ای که از نظر خاصی مانند کاربرد زمین ، خاک شناسی ، زمین شناسی ، کشاورزی و یا صنعتی و مانند آن تهیه می‌گردد و برای هر مورد بدون توجه به کمیت آن از رنگ خاصی استفاده می‌شود .

نقشه سیاسی POLITICAL MAP

نقشه‌ای است که جهت نمایش تفکیک کشورها و مرزهای بین‌ـ المللی بکار رفته و بسته به مقیاس و اندازه نقشه ، تقسیمات داخلی کشورها نیز مشخص می‌گردد .

نقشه سینوپتیک SYNOPTIC CHART

نقشه آب و هواشناسی که خطوط همفشار ، دما ، نیرو و سمت باد را نشان می‌دهد .

نقشه شهری TOWN MAP

نقشه مقیاس بزرگی مانند ۱:۲۵۰۰ و امثال آن که برای طرحهای توسعه و عمران شهری و مانند آن تهیه شود .



نقشه توپوگرافی

نقشه طبیعی PHYSICAL MAP

عموما" به نقشه‌هائی اطلاق می‌گردد که در آن پستی و بلندیها، رودها، قله‌ها و سایر عوارض طبیعی به تفکیک مشخص شوند.

نقشه عکسی PHOTO MAP

نقشه‌ای که از کنار هم چیدن عکس های هوائی بوجود آید و علاوه بر اطلاعات حاشیه‌ای، متن آن نیز دارای شبکه‌بندی و نام عوارض و مانند آن باشد.

نقشه منقوط DOT MAP

نمایش کمیت‌ها و مقادیر بوسیله گروهی از نقاط هم اندازه که هر کدام نشانگر کمیت معینی باشند. معمولا" این‌گونه نقاط را روی نقشه‌ها منتقل ساخته و اطلاعات آماری محدوده جغرافیائی مورد نظر را به کمک آنها نمایش می‌دهند.

نقشه مورفوگرافیک MORPHOGRAPHIC MAP

نقشه مقیاس کوچکی است که عوارض طبیعی را به کمک یک سری علائم تصویری نشان می‌دهد.

نقشه موضوعی THEMATIC MAP

نقشه‌ای که برای نمایش موضوع خاصی تهیه گردد. مانند نقشه‌ای که پراکندگی جمعیت را نشان می‌دهد و یا مثلا" میزان بارندگی منطقه‌ای را در فصلهای مختلف سال مشخص می‌سازد.

نقشه نگاری CARTOGRAPHY

الف ــ به مفهوم عام کلیه عملیات نقشه‌برداری اعم از عملیات صحرائی و دفتری را گویند.

ب ــ به مفهوم خاص، نقشه‌کشی یا هنر رسم نقشه را گویند.

نقشه‌های ویژه SPECIAL MAPS

نقشه‌هائی هستند که برای مقاصد خاصی تهیه می‌گردند. نقشه‌های معمولی را غالبا" می‌توان با افزودن پاره‌ای اطلاعات به نقشه‌های ویژه تبدیل نمود، این گونه نقشه‌ها در انواع بسیاری تهیه می‌گردند که پاره‌ای از آن‌ها به شرح زیر است:

۱ــ نقشه‌های آبنگاری یا هیدروگرافی.
۲ــ نقشه‌های هوانوردی.
۳ــ نقشه‌های ثبتی.
۴ــ نقشه‌های اداری یا نقشه‌هائی که حدود و تقسیمات کشوری را نشان می‌دهند.
۵ــ نقشه‌های مرزی.
۶ــ نقشه‌های کوروگرافی.
۷ــ نقشه‌های هواشناسی.
۸ــ نقشه‌های زمین شناسی.
۹ــ نقشه‌های گیاهبانی یا نقشه‌هائی که بمنظور حفاظت و اصلاح روئیدنیها تهیه میگردند.
۱۰ــ نقشه راهها و بنادر.
۱۱ــ نقشه‌هائی که پراکندگی جمعیت را نشان می‌دهند.
۱۲ــ نقشه‌های رزمی.
۱۳ــ نقشه‌های استفاده از زمین.
۱۴ــ نقشه‌های آب شناسی بمنظور بررسی منابع و مجاری آب.

نقطه ارتفاعی SPOT HEIGHT

نقطه‌ای که ارتفاع آن نسبت به سطح مبنای معینی دقیقا" تعیین و روی نقشه نمایش داده شده باشد. اینگونه نقاط بر خلاف بنچ مارک (Bench Mark) ضرورتی به مشخص کردن روی زمین نداشته وفقط به نمایش آن روی نقشه اکتفا می‌شود.

نقطه انجماد FREEZING-POINT

دمائی که در آن مایع به جامد تبدیل گردد. آب در صفر درجه سانتیگراد، جیوه در ۳۹ ــ درجه سانتیگراد و ازت در ۲۱۰ــ درجه سانتیگراد به جامد دگرگون می‌شود و به اصطلاح یخ می‌بندد.

نقطه جوش BOILING POINT

یا نقطه غلیان هر مایع دمای معینی است که در آن دما، مایع در فشار ۷۶ سانتیمتر جیوه به جوش می‌آید.

نقطه جوش با افزایش فشار بالا می‌رود و با کاهش آن پائین می‌آید.

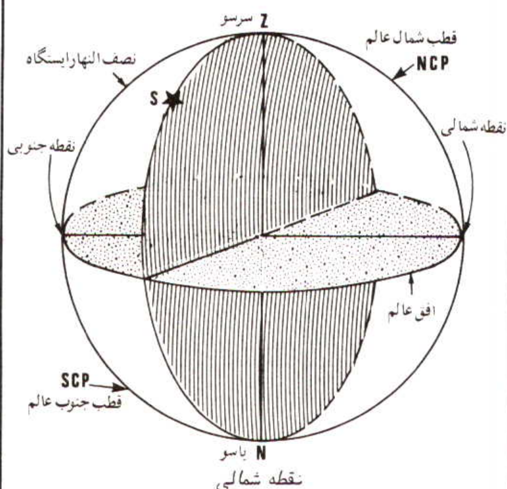
نقطه جوش آب در ظرف سرباز و در فشار ۷۶ سانتیمتر جیوه صد درجه سانتیگراد است.

نقطه شبنم DEW POINT

وضعیتی که هوا را سرد کرده و بخار آب موجود در آن را به حد اشباع برساند. برای اندازه‌گیری نقطه شبنم از رطوبت سنج ویژه‌ای که دارای یک صفحه فلزی صیقلی شده است استفاده می‌شود. بدین ترتیب که صفحه مزبور را آنقدر سرد می‌کنند تا ذرات آب روی آن ظاهر شود، در این حال درجه گرما را یادداشت می‌کنند.

نقطه شمالی NORTH POINT

نقطه‌ای است که از تلاقی افق عالم و نیمه بالای نصف النهار ابستگاه بوجود می‌آید. به عبارت دیگر، نزدیکترین نقطه سطح افق به قطب شمال را نقطه شمالی می‌نامند. (تصویر در صفحه ۳۴۴)



نقطه شمالی

نقطه غلیان BOILING POINT

← نقطه جوش

نم *(Nam)* HUMIDITY

← رطوبت

نمرست *(Namrost)* HYDROPHYTE

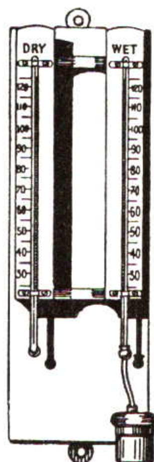
گیاهانی که فقط به شرط فراوانی رطوبت رشد نمایند و در آب یا مناطق فوق العاده مرطوب زندگی کنند. ساقه‌های این گیاهان معمولاً" بلند و تقریباً" شکننده بوده و برگ آنها نازک و بلند است. ریشه اینگونه گیاهان سطحی است.
درخت موز را از جمله گیاهان نمرست می‌توان محسوب داشت.

نمسنج HYGROMETER

دستگاهی که برای اندازه‌گیری رطوبت نسبی ساخته شده است. این دستگاه از دو دماسنج خشک و تر، که اولی برای اندازه‌گیری دمای حقیقی جو و دومی میزان دمای تبخیر آب را اندازه‌گیری می‌کند ساخته شده و از اختلاف درجه دماسنج‌های بالا رطوبت نسبی هوا را بدست می‌آورند.

نمک SALT

نمک معمولی یا سدیم کلراید با فرمول (NaCl) که بصورت جامد یا محلول در روی پوسته زمین دیده می‌شود. نمک بیشتر در حاشیه دریاچه‌های شور وجود دارد و از آب اینگونه دریاچه‌ها نیز استخراج می‌گردد.
نمک به معنی عام، از نظر شیمیایی عبارت از جسمی است مرکب که از ترکیب یک اسید با یک فلز و یا تاثیر یک اسید بر یک باز بدست می‌آید.



نمسنج

نمکاهی *(Namkāhi)* EVAPOTRANSPIRATION

کم شدن رطوبت زمین بر اثر تبخیر و تعرق گیاهان، بطور مثال یک جریب مزرعه ذرت، رطوبت زمین را در طول یک کشت، به میزان حدود ۱۰۳۰۰۰۰۰ لیتر که معادل ۲۸۰ میلیمتر باران است می‌کاهد.

نمکتود *(Namaktud)* SALT DOME

توده مدوری از نمک جامد که تحت فشار از زیر پوسته زمین بطرف بالا برآمده باشد. این گونه عوارض معمولاً" با کلاهکی از سنگ آهک همراه هستند.

نمکزار SALT - FLAT

پوسته‌ای از املاح نمکی که کف یک دریاچه قدیمی را که به مرور خشک شده است به طور افقی پوشانیده باشد.
به آن شوره‌زار نیز می‌گویند. (تصویر در صفحه‌ی ۳۴۶)

نمکزدائی *(Namakzodā'i)* DESALINATION

نمکزدائی از آب یا خاک ممکن است بیکی از راههای زیر انجام پذیرد:
الف ــ زمینهائی را که قبلاً" بوسیله آب دریا پوشیده شده و سطح آنها را لجن‌های رسی اشباع شده از نمک پوشانیده است، عمیقاً" شخم زده و زیر و رو می‌کنند و خاک آن را به اصطلاح باد می‌دهند و آب باران را از آن بطور مداوم با پمپ خارج می‌سازند و به کمک نوعی سنگ گچ و کشت گیاهانی که در برابر نمک مقاومت دارند بتدریج نمک خاک را کشیده و آن را پاک می‌سازند. این شیوه بیشتر در کشور هلند که با ایجاد دیواره‌های مخصوصی دریا را به عقب رانده و زمین زیر آب را در اختیار می‌گیرند بکار می‌رود.
ب ــ در مناطق گرمی که آب به سرعت تبخیر شده و بر غلظت

نمک خاک افزوده می‌شود زمین را در فواصل زمانی معین به وسیله‌آب شیرین سیراب می‌سازند . این شیوه در (امپریال‌ولی) واقع در کالیفرنیا متداول است .
پ ـ استفاده از دستگاههای تقطیر و تبدیل آب شور دریا به آب شیرین مانند شیوه‌ای که در کویت عمل می‌شود .

نمکسار SALT-FLAT

←— نمکزار

نمک سنگی ROCK-SALT/HALITE

توده‌ای از سدیم کلراید قهوه‌ای یا زرد یا خاکستری‌ویا سفید روشن که از دانه‌های بلورین مکعب شکل پدید آمده باشد .

نمک لاخ *(Namak lākh)* SALT-FLAT

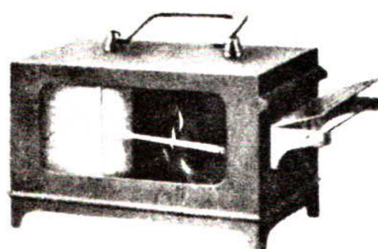
یا نمک لان ←— نمکزار

نمنا *(Namnā)* HYGROSCOPE

دستگاهی که تغییرات رطوبت یا نمساری هوا را براساس تغییر ابعاد یک ماده نشان می دهد .

نمنگار *(Namnegār)* HYGROGRAPH

نوعی دستگاه نمسنج که رطوبت نسبی هوا را بطور خودکار ثبت و رسم می‌کند .



نمنگار

نمنگاشت *(Namnegāsht)* HYGROGRAM

نمودار‌ی که مقدار رطوبت نسبی هوا را نسبت به زمان نشان می دهد . اطلاعات این نمودار توسط نمنگار ثبت می‌گردد .

نمونه‌برداری سیستماتیک SYSTEMATIC SAMPLING

شیوه‌ای در نمونه‌برداری‌های زمین شناسی که عبارتست از برداشتن نمونه در فواصل معین و مناسبی از زمین . مثلا" نمونه‌برداری از محل تلاقی شبکه‌های یک نقشه .

نواحی تحت قیمومیت MANDATE TERRITORY

نواحی که پس از جنگ جهانی اول از دست کشورهای آلمان و امپراطوری عثمانی (ترکیه کنونی) خارج گردید و به موجب پیمان صلح ، تحت قیمومیت و سرپرستی کشورهای پیروز در جنگ قرار گرفت .
بنابر پیمان مزبور موافقت شد ، به کشورهائی چون عراق ، سوریه و فلسطین به محض آمادگی خودمختاری و استقلال داده شود و سرزمین‌هایی از افریقاکه تحت اشغال آلمان بوده است تا زمان مناسب تحت قیمومیت نیروهای پیروز باقی بمانند و پاره‌ای از سرزمین‌های اشغالی آلمان مانند افریقای جنوب باختری و کلنی‌های آلمان دراسترالیا بطوردائم تحت سرپرستی و قیمومیت نیروهای پیروز باقی خواهد ماند و جزء سرزمین‌های متصرفی آنان منظور خواهد شد .

نواحی جنوبگان ANTARCTIC AREAS

بخشی از سطح زمین مشتمل بر قاره جنوبگان و منتهای جنوبی آبهای اقیانوس اطلس و اقیانوس‌آرام واقیانوس‌هند تا حدود مدار ۵۰ درجه عرض جنوبی .
پهنه‌ای که در آن آب و هوای جنوبگانی غلبه دارد بسیار وسیع تر از پهنه آب و هوای شمالگانی است . در این نواحی بادهای فوق العاده شدید و سردی که بیشتر ازقاره جنوبگان می‌وزد بر سردی هوا می‌افزاید و یخ‌های ساحلی و کوههای عظیم یخ را به دریاهای اطراف می‌راند و سرمای شدیدی را تا مدار ۵۰ درجه عرض جنوبی گسترش می‌دهد .
نواحی جنوبگان به کلی خالی از انسان است و جز حشرات کوچک و موجودات ذره‌بینی جانور دیگری که در سراسر سال در این نواحی زندگی کند دیده نمی‌شود . پرنده در این نواحی فراوان است و پنگوئن‌ها سراسر سال را در آن‌جا بسر می‌برند .
پاره‌ای دانشمندان احتمال داده‌اند که میلیون‌ها سال پیش نواحی جنوبگان دارای آب و هوای معتدل بوده است و میلیون‌ها سال بعد نیز ممکن است مجددا" آب و هوای معتدل به آن جا باز گردد .

نواحی شمالگان ARCTIC AREAS

شمالی‌ترین قسمت زمین که در اطراف قطب شمال و اقیانوس شمالگان قرار دارد .
این نواحی کما بیش عبارتند ازقسمتهای شمالی آلاسکا ، کانادا ، نروژ ، سوئد ، فنلاند و روسیه و همه گروئنلند وبیشتر ایسلند . معمولا" مدار شمالگان یعنی '۳۰°۶۶ را مرز نواحی شمالگان می‌شمارند و به همین مناسبت تمام اقیانوس شمالگان در این



نمکزار

نواحی قرار می‌گیرد . ذکر این نکته لازم است که شرایط طبیعی در این نواحی محدود به خط هندسی مشخصی نیست و حتی گاه در مواضعی به مدار شمالگان نمی‌رسد و برعکس در پاره‌ای مناطق از آن می‌گذرد .
برخی از دانشمندان ، خط واصل بین مواضعی از نیمکره شمالی را که دمای متوسط تابستانی آنها ۱۰ درجه سانتیگراد است ، مرز نواحی شمالگان می‌دانند که این خط تقریبا " در امتداد خط معروف دار مرز است .

نو اختران *(Noakhtarān)* NOVAS

ستارگانی که از تاریکی نسبی خارج شده و روشنی بسیار می‌یابند و سپس اندک اندک به تاریکی می‌گرایند .
برای اینگونه ستارگان صفت "نو" صفت مناسبی نیست ، زیرا ستاره ، ستاره‌ای نو نیست ، بلکه افزایش روشنی ظاهریش تازه است .
مطالعات طیفی نشان می‌دهد که این گونه ستارگان پوسته خارجی خود را می‌ترکانند و تمام سطح بیرونی خود را از پوسته منبسط شده خویش پر می‌سازند . بخش اعظم این افزایش روشنی در نتیجه سطح وسیعی است که لایه منبسط شده آشکار می‌سازد . پس از مدتی ماده پرتاب شده بقدری رقیق می‌شود که دیگر نمی‌درخشد .

نوار مرزی FRONTIER

باریکه‌ای که در پیرامون خط مرز میان دو کشور واقع شده باشد .

نوامبر NOVEMBER

← ماههای اروپائی

نور منطقة البروج ZODIACAL LIGHT

نور کمرنگی که از پس افق (در بهار هنگام غروب و در پائیز هنگام طلوع آفتاب) ظاهر شده و بسوی بالا ادامه می‌یابد . نور مزبور که در شبهای صاف و بدون مهتاب بهتر دیده می‌شود در غروب کمی بطرف چپ و در طوع خورشید کمی بطرف راست متمایل است .

نوروز NEW YEAR'S DAY

مقتبس از واژه پهلوی نوک روچ به مفهوم روز نو و روز تازه .
بزرگترین جشن ملی ایرانیان که با عبور کره زمین از مقابل نقطه برابران بهاری آغاز می‌گردد و نخستین روز از نخستین ماه (فروردین) سال خورشیدی را اعلام می‌دارد .
نقطه مقابل نوروز مهرگان نام دارد .
← مهرگان

نور وستر NOR-WESTER

الف ــ باد گرم و خشکی از نوع گرمباد یا برف خوره که در جنوب نیوزیلند می‌وزد .
ب ــ بادی از نوع باد زد که در دشتهای شمالی هندوستان می‌وزد و معمولا " با رعد و برق وحشتناک و باران‌های سیل آسا و تگرگ و رگبارهای شدیدهمراه است .
این باد بیشتر در خلال اواخر فروردین تا اواخر خرداد می‌وزد و بارندگی‌های موسمی بنگال ، آسام و برمه را موجب می‌گردد .

نوسنگی NEOLITHIC

← عصر نوسنگی

نوغان پروری SERICULTURE

پرورش کرم ابریشم به منظور تهیه ابریشم خام .
از جمله مراکز مهم پرورش‌کرم‌ابریشم ، ایتالیا ، جنوب فرانسه ، ژاپن و چین را می‌توان نام برد .

نهالستان PLANTATION

درختزاری که بوسیله کشت گیاهان زود رشدی چون کاج و امثال آن بوجود آمده باشد. این گونه نهالستان‌ها معمولاً" برای بهره‌برداری از چوب آنها در امور مختلف ایجاد می‌گردد.

نهان زیوی *(Nahān zivi)* CRYPTOZOIC

→ دوران پارین زیوی

نهر RIVER / STREAM

→ رودخانه

نهشت *(Nehesht)* DEPOSITION

ته نشین شدن موادی که بوسیله آب رونده، باد، یخ، جزر و مد یا جریانهای دریائی حمل گردد. این عمل نه تنها تغییرات مکانیکی پوسته زمین را شامل می‌گردد، بلکه با واکنشهای شیمیائی بعدی نیز توام شده و در تغییر شکل پوسته زمین از نظر تبخیر، نمو، انبوهش و تلاشی بقایای موجودات زنده نیز تاثیر قابل ملاحظه‌ای بجای می‌گذارد.

نهشت کانی *(N-e-kāni)* MINERAL DEPOSIT

مواد کانی (معدنی) که بصورت طبیعی و به مقدار کافی در محلی از زمین انباشته شده و قابل استخراج باشد.

نهشت‌های دریا میانی PELAGIC DEPOSITS

مواد ته نشستی کف اقیانوسها، مانند لجن هائی که از بقایای موجودات شناور دریا بوجود آمده است.

نهشت‌های سطحی SUPERFICIAL DEPOSITS

رسوبات و مواد تقریباً نرم و سستی که پوسته زمین را بطور سطحی پوشانیده‌است. این مواد معمولاً" بوسیله عواملی مانند باد، جریان آب و امثال آن پدید می‌آیند.

نهشت‌های کرانی LITTORAL DEPOSITS

نهشت‌هائی از جنس شن، ماسه و صدف که در بخش کرانی دریا ته نشین شده باشند.

نهشت های مغاکی ABYSSAL DEPOSITS
(N-hā-ye-maghāki)

مواد جامدی که در منطقه مغاکی (ژرف‌ترین) اقیانوسها انباشته شده باشند.

نیترات‌ها NITRATES

نام کلی املاح اسید نیتریک که از ترکیب اسیدنیتریک با یک فلز و یا یک باز بوجود می‌آید.

نیترات‌ها در آب محلولند و ناپایدار و بی ثباتند و بر اثر گرما تجزیه می‌شوند و از تجزیه آن‌ها اکسیژن بدست می‌آید.

نیروهای دگرساز DIASTROPHIC FORCES

نیروهائی که باعث رانش و جابجائی و تغییر شکل پوسته زمین از نظر ناخوردگی، شکست و مانند آن شده و چین‌های ظاهری سطح زمین را بوجود آورد.

نیروی برقابی HYDRO-ELECTRIC POWER
(Niru-ye-barqābi)

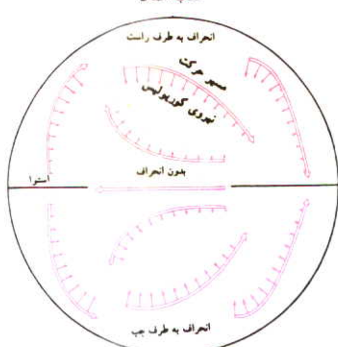
انرژی حاصله از ریزش آبشارهای طبیعی یا مصنوعی (سدها) بر پره‌های توربین مولد الکتریسیته و گردش توربین و تحریک مولدهای الکتریکی را نیروی هیدروالکتریک یا نیروی برقابی می‌نامند.

نیروی کار LABOUR FORCE

نیروی کاری یک جامعه عبارت است از تعداد افرادی که بر اساس قانون در سن اشتغال قرارگرفته‌اند. این رقم مجموع بیکاران هر کشور را نیز در بر می‌گیرد.

نیروی کوریولیس CORIOLIS FORCE

نیرویی که به دلیل چرخش زمین حول محور قطبین روی جرم گردنده بدور زمین اثر می‌گذارد. این نیرو در نیمکره شمالی باعث انحراف جرم به سمت راست و در نیمکره جنوبی موجب گرایش جرم به سمت چپ می‌گردد.



نیروی کوریولیس

نیروی هیدروالکتریک HYDRO-ELECTRIC POWER

← نیروی برقابی

نیزار CANE-BRAKE

منطقه‌ای پوشیده از نی‌های فراوان که بلندی نی‌های آن گاه تا ۱۰ متر می‌رسد. مانند نیزار هور العظیم در مرز ایران و عراق.

نیزک *(Neyzak)* FALLING STAR

← تیر شهاب

نیکل NICKEL

فلزی است نقره‌یی رنگ و براق از خانواده آهن و بسیار صیقل پذیر.

وزن مخصوص آن در حدود ۸/۸ و وزن اتمی آن قریب ۵۸ است و در حدود ۱۴۵۱ درجه سانتیگراد ذوب می‌شود. (با علامت شیمیائی Ni)

نیکل کاملا" چکش خوار بوده و قابلیت تورق و مفتول شدن آن زیاد است. و بیشتر برای سکه زدن بکار می‌رود، و در ساختن گلوله‌های توپ و بمب‌ها نیز استعمال می‌شود همچنین در مغز بوبین‌های دستگاههای الکترونیک و سفید کردن آلیاژها بکار می‌رود.

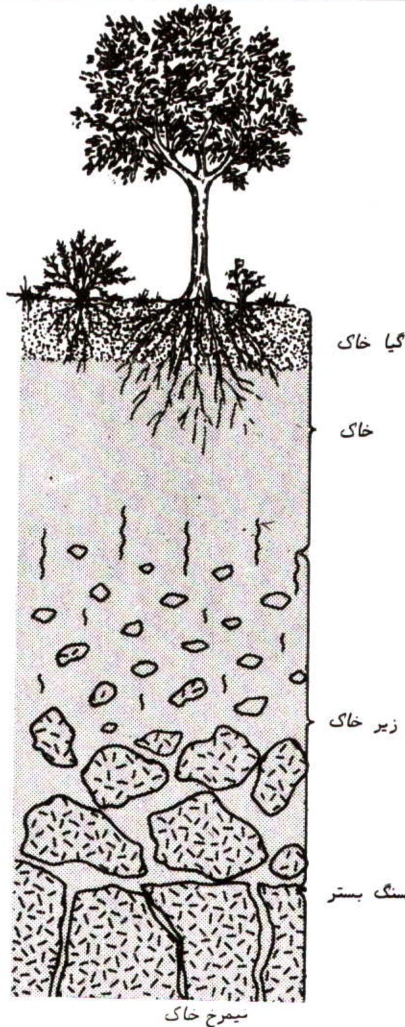
نیمرخ *(Nimrokh)* PROFILE

نیمرخ عبارت است از فصل مشترک یک صفحه قائم با سطح زمین، به عبارت ساده‌تر اگر صفحهٔ قائمی در امتدادی مانند AB سطح زمین را قطع کند، شکل حاصل از برخورد صفحهٔ مزبور و سطح زمین را نیمرخ زمین در امتداد AB می‌نامند.

نیمرخ برای بررسی شکل زمین تهیه می‌گردد و موارد استعمال فراوانی دارد که مهمترین آنها عبارتست از: ۱ـ طرح‌ریزی‌های راهسازی و ساختمان ۲ـ طرح‌ریزی‌های لوله‌کشی و آبرسانی ۳ـ بررسی حرکات و تغییرات پوسته زمین.

نیمرخ خاک SOIL PROFILE

چون خاک‌های تکامل یافته دارای لایه‌های مختلفی است، بنابراین اگر گودالی در یک چنین خاکی حفر کنیم و مقطع قائم آنرا که در اصطلاح خاک شناسی نیمرخ خاک خوانده می‌شود مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که این نیمرخ از لایه‌هائی تشکیل شده است که از لحاظ رنگ و مواد ساختمانی و غیره با هم تفاوت دارند.



نیمرخ خاک

نیمرخ رودخانه PROFILE OF A RIVER

نیمرخ یا مقطع رودخانه بر دو نوع است:

الف ـ نیمرخ طولی که شکل و شیب زمین را در امتداد بستر رودخانه نشان می‌دهد.

ب ـ نیمرخ عرضی که در واقع شکل مقطع عرضی بستر رودخانه را مشخص می‌سازد.

نیمرخ طولی رودخانه LONG PROFILE OF A RIVER

برشی از رودخانه که در امتداد بستر آن از سرچشمه تا دهانه تهیه گردد. ← نیمرخ رودخانه

نیمرخ عرضی دره

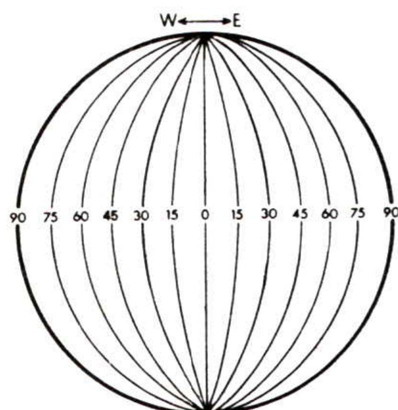
CROSS-PROFILE OF A VALLEY

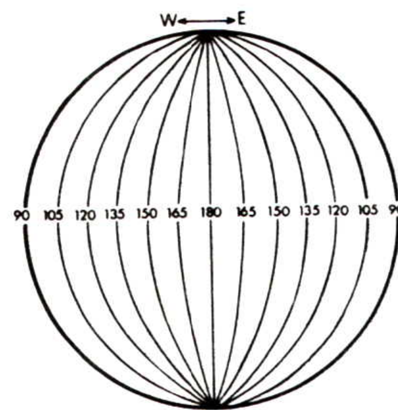
برش عرضی یک دره که تقریبا" بصورت قائم بر محور طولی

تهیه شده باشد. شکل این نیمرخ بیان‌کننده موارد زیر است:
الف ــ طبیعت سنگ‌های سطحی ب ــ نیروهای فرساینده رودخانه کف دره پ ــ میزان تاثیر بارندگی در شسته شدن دیواره‌ها ت ــ مراحل فرسایش حاصله از ردیف‌های ب و پ.

نیمروز MERIDIAN

دایره عظیمه‌ای که از دو قطب زمین عبور کرده و از صفر تا ۱۸۰ درجه بسوی خاور و یا صفر تا ۱۸۰ درجه بسوی باختر شماره‌گذاری شده است. دایره صفر، که آنرا نصف النهار مبداء می‌نامند از رصدخانه گرینویچ واقع در نزدیکی لندن عبور کرده است.





نیمروزهای زمین

نیمروز گرینویچ (گرینیچ) GREENWICH MERIDIAN

نیمروز و یا نصف النهاری که از رصدخانه گرینویچ واقع در ۸ کیلومتری لندن و در ساحل جنوبی رود تایمز واقع شده عبور کرده است. نیمروز گرینویچ به عنوان نصف النهار مبداء برای اندازه‌گیری طول جغرافیائی بکار می‌رود.

نیمروز مبداء GREENWICH MERIDIAN

← نیمروز گرینویچ. (گرینیچ)

نیمکره HEMISPHERE

هر دایره عظیمه کره را به دو نیمه برابر بنام نیمکره تقسیم می‌کند. دایره عظیمه نیمگان زمین، کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌نماید و علاوه بر آن هر یک از دوایر عظیمه نصف النهار نیز کره زمین را در امتداد محور آن به دو نیمه کره خاوری و باختری تقسیم می‌کند.

نیمکره آبی WATER HEMISPHERE

نیمکره‌ای از زمین که زلاند نو تقریباً " در وسط آن واقع شده و تقریباً " تمام سطح آن را آب اقیانوسها در بر گرفته است. در این نیمکره فقط حدود $\frac{۱}{۷}$ خشکی‌های زمین قرار گرفته است.

← نیمکره خشکی (تصویر در صفحه ۳۵۱).

نیمکره باختری WESTERN HEMISPHERE

آن نیمه‌ای از کره زمین را که در غرب نصف النهار گرینویچ (گرینیچ) و شرق نصف النهار ۱۸۰ درجه واقع شده، نیمکره باختری یا غربی می‌نامند. معمولاً "فقط قاره‌های سه‌گانه امریکا و جزایر مربوط به آنها جزء نیمکره غربی محسوب می‌شوند و قسمتهائی از قاره‌های اروپا و افریقا را که در این نیمکره قرار دارند جزء نیمکره شرقی ذکر می‌کنند (در این کتاب موقعیت کشورها در هر یک از نیمکره‌های شرقی یا غربی تنها نسبت به نصف النهار گرینویچ (گرینیچ) سنجیده شده است).

نیمکره جنوبی SOUTHERN HEMISPHERE

دایره نیمگان زمین کره زمین را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. نیمکره‌ای که قطب جنوب زمین در آن واقع است نیمکره جنوبی نام دارد.

نیمکره خاوری EASTERN HEMISPHERE

نیمی از کره‌زمین که درشرق نصف النهارگرینویچ (گرینیچ) و غرب نصف النهار ۱۸۰ درجه واقع شده و معمولاً " قاره‌های آسیا، اروپا، استرالیا، افریقا و جزایر مربوط به آنها جزء نیمکره شرقی محسوب می‌شوند (در این کتاب موقعیت کشورها در نیمکره غربی یا شرقی فقط نسبت به نصف النهار گرینویچ (گرینیچ) ذکر شده است).

نیمکره خشکی LAND HEMISPHERE

نیمکره تقریباً شمالی زمین، که قسمت اعظم (حدود $\frac{۶}{۷}$) خشکی‌ها در آن واقع شده است.

← نیمکره آبی (تصویر در صفحهٔ ۳۵۱)

نیمکره زمین EARTH HEMISPHERE

نیمه‌ای از کره زمین را که بر اثر عبور یک صفحه مستوی فرضی از مرکز زمین بدست آمده باشد نیمکره زمین می‌نامند. معمولاً کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌کنند که بر اثر برش آن به وسیله سطح استواء بدست می‌آید. نیمه‌ای که در شمال استواء قرار دارد نیمکره شمالی و نیمه جنوبی آن را نیمکره جنوبی می‌گویند.

هم چنین کره زمین، به وسیله نصف‌النهار گرینویچ (گرینیچ) به دو نیمکره خاوری و باختری نیز تقسیم می‌گردد.

نیمکره شمالی NORTHERN HEMISPHERE

دایره نیمگان زمین کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. نیمکره‌ای که قطب شمال زمین در آن واقع است، نیمکره شمالی نام دارد.

نیمگان زمین EQUATOR

یا استواء زمین، دایره عظیمه‌ای است که بر محور چرخش زمین یا محور قطبین زمین عمود باشد. پیرامون این دایره ۴۰۰۷۳ کیلومتر است و این دایره کره زمین را به دو نیمکره شمالی و جنوبی تقسیم می کند.

نیمگان زمین بر مدار صفر درجه عرض جغرافیائی منطبق بوده و در حقیقت مبداء اندازه‌گیری‌های عرض جغرافیائی محسوب می‌گردد.

نیمگان عالم CELESTIAL EQUATOR

دایره فرضی حاصله از برخورد کره عالم و صفحه‌ای که از مرکز زمین عبور کرده و بر محور چرخش زمین عمود باشد. بدیهی است این دایره بر دایره استواء زمین منطبق خواهد بود.

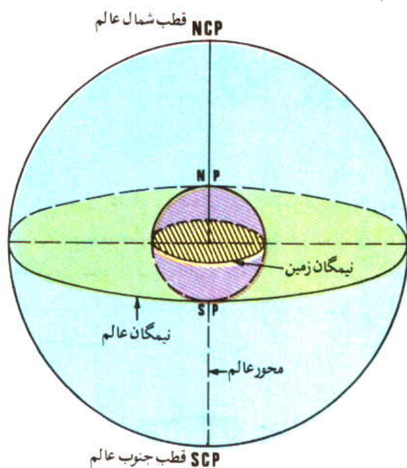
← کره عالم

نیمه کویر SEMI DESERT

منطقه‌ای که دارای آب و هوای نیمکماب باشد.

نیمه متمدن HALF CIVILIZED

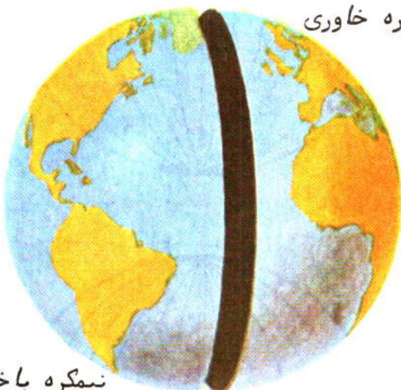
شخص و یا جامعه‌ای که در مرحله میان وحشی و متمدن قرار گرفته باشد.



نیمگان زمین و نیمگان عالم

نیمه مستقل HALF INDEPENDENT

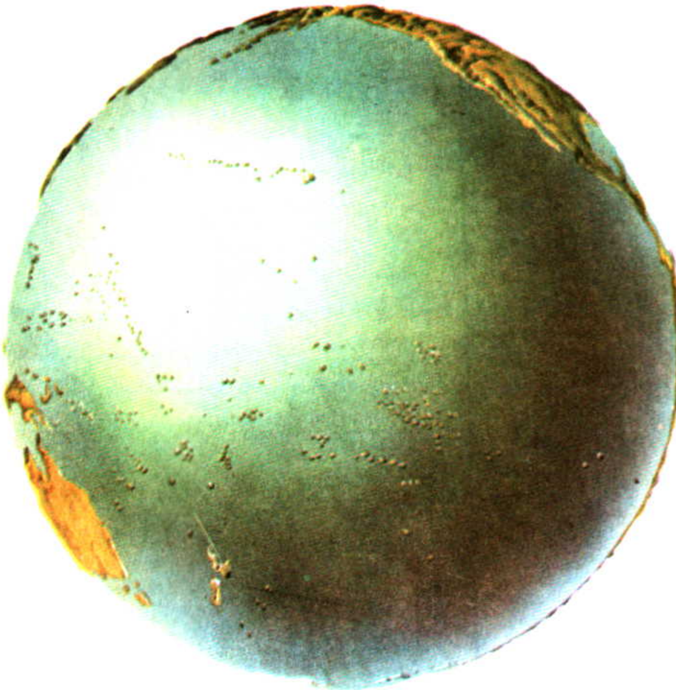
جامعه و یا کشوری که بطور کامل استقلال نداشته باشد.





نیمکره خشکی





نیمکره آبی



وابدرمانی *(Vābdarmāni)* CLIMATOTHERAPY

درمان پاره‌ای بیماری‌ها به کمک آب و هوا .

وابستگی DEPENDENCY

منطقه‌ای که از نظر طبیعی و سیاسی بوسیله کشور دیگری اداره شود .

وابفرسائی *(Vābfarsā'i)* WEATHERING

زوال و تخریب و یا فرسایش تدریجی پوسته زمین را وابفرسائی یا سایند می‌گویند . این عمل به عوامل زیر بستگی دارد :

الف ـ طبیعت سنگهای پوسته زمین .

ب ـ میزان برجستگی سنگها از سطح زمین .

پ ـ میزان تاثیر عوامل جوی .

بطور کلی انهدام و زوال تدریجی سنگها ممکن است بیکی از طرق زیر صورت گیرد :

۱ـ مکانیکی یا فیزیکی ـ مانند یخبندان یا تغییرات درجه حرارت .

۲ـ شیمیائی .

۳ـ زیستی ـ یعنی وجود گلسنگ ، خزه ، ریشه درختان و جانورانی مانند موش و خرگوش که البته عوامل اخیر را صد در صد نمی‌توان جزو عوامل موثر وابفرسائی دانست .

وابگوی *(Vābguy)* METEOROGRAPH

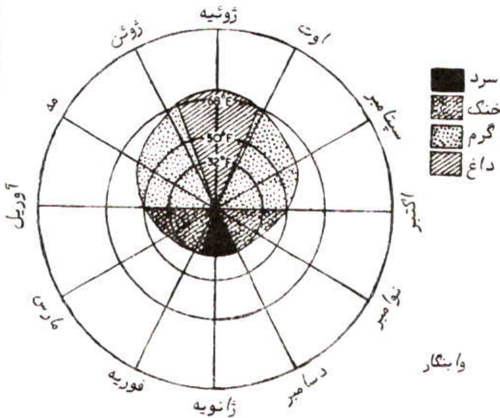
وابگوی یا بالون هواشناسی ، بالونی است که مجهز به دستگاه هواسنج بوده و برای بررسی وضع هوا در طبقات بالای جو بکار می‌رود . این بالون که بوسیله گاز ئیدرژن پر می‌شود پس از رهائی به سوی آسمان بالا رفته و تا چند کیلومتر اوج می‌گیرد . و دستگاههای مخصوصی که در آن نصب شده میزان دما ، فشار و رطوبت طبقات مختلف هوا را اندازه‌گیری و ثبت می‌نماید و با انفجار بالون دستگاههای اندازه‌گیری که مجهز به چتری مانند چتر نجات هستند به سوی زمین بازگشته و اطلاعات لازم را از آنها بدست می‌آورند .

وابنگار *(Vābnegār)* CLIMATOGRAPH

نمایش ترسیمی اختلافات بین انواع مختلف آب و هوا .

وابنگاشت *(Vābnegāsht)* CLIMOGRAM

نموداری که نسبت به دو عامل آب و هوای یک منطقه معین (مانند درجه حرارت خشک و تر) رسم شده باشد . شکل و وضعیت این نمودار خصوصیات و چگونگی کلی آب و هوای منطقه مزبور را بیان می‌دارد .



وابنگار

واپاش *(Vāpāsh)* DIFFUSION

الف ـ از نظر اقلیم شناسی عبارتست از در هم آمیخته شدن توده‌های هوا از راه واپاش ذره‌ای یا واپاش درهم پیچنده .

ب ـ پراکنش پاره‌ای عوارض از یک نقطه معین مانند پراکنده شدن گیاهان ، جانوران ، مردم ، آداب و رسوم ، زبان ، فنون و مذهب .

واته WATTE

کلمه آلمانی به مفهوم زمینهای بسیار مرطوبی که بین ساحل و جزایر مشرف به ساحل واقع شده باشد .

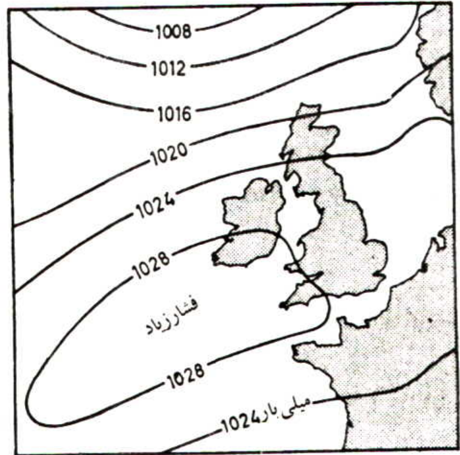
واچرخه *(Vācharkheh)* ANTICYCLONE

منطقه‌ای که فشار جو آن نسبت به فشار جو مناطق مجاور زیادتر بوده و حداقل یک منحنی همفشار بسته بوجود آورده باشد . معمولا " در اینگونه مناطق چند منحنی همفشار دایره‌ای یا بیضی شکل وجود دارد که نقطه مرکزی آنها حداکثر فشار جو را داراست .

بادهای نیمکره شمالی زمین حول نقطه مزبور در جهت حرکت عقربه‌های ساعت گردش کرده و بر عکس در نیمکره جنوبی در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت وزیدن می‌یابند . وزش هوا در حوالی نقطه مرکزی این منطقه معمولا " سبک و متغیر و آرام بوده و هرچه از نقطه مرکزی دور و به کناره‌های منطقه مزبور نزدیک شویم بر شدت آن افزوده می‌شود . در فصل تابستان که آسمان صاف و هوا گرم است این پدیده ناپایدار و بر عکس در زمستان که لایه‌های زیرین هوا سرد و غالبا " با مه توام است دارای وضعیتی نسبتا " پایدار بوده و گاه تا چند روز در همان حالت ثابت می‌ماند .

علاوه بر واچرخه‌های ناپایدار دو دسته واچرخه دیگر نیز وجود دارد که یک دسته در عرض ۳۰ درجه شمالی و دسته دیگر در عرض ۳۰ درجه جنوبی بر فراز اقیانوسها در وضع

پایداری قرار گرفته و در جهت شمال و جنوب با حرکات کوچکی جابجا می‌شوند و علاوه بر آن متناسب با تغییر فصل ابعاد آنها نیز افزایش و یا کاهش می‌یابد. از انواع واچرخه‌های فصلی واچرخه سیبری را می‌توان نام برد.
مرکز واچرخه را فرابار می‌نامند.



واچرخه

واحد زمان UNIT OF TIME
واحد زمان در سیستم متریک و انگلیسی ثانیه می‌باشد.

واحد فشار جو ATMOSPHERICAL UNIT
برابر یک میلیون دین بر سانتیمتر مربع و معادل ۷۵۰/۱ میلیمتر یا ۲۹/۵۲ اینچ ستون جیوه در گرمای صفر درجه سانتیگراد و عرض جغرافیائی ۴۵ درجه. برای اندازه‌گیری فشار جو از میلی بار استفاده می‌شود.

واحد نجومی ASTRONOMICAL UNIT
میانگین فاصله زمین تا خورشید را واحد نجومی می‌نامند و آنرا با حروف A.V نمایش می‌دهند.
هر واحد نجومی معادل ۱۴۹،۶۳۷،۰۰۰ کیلومتر است.

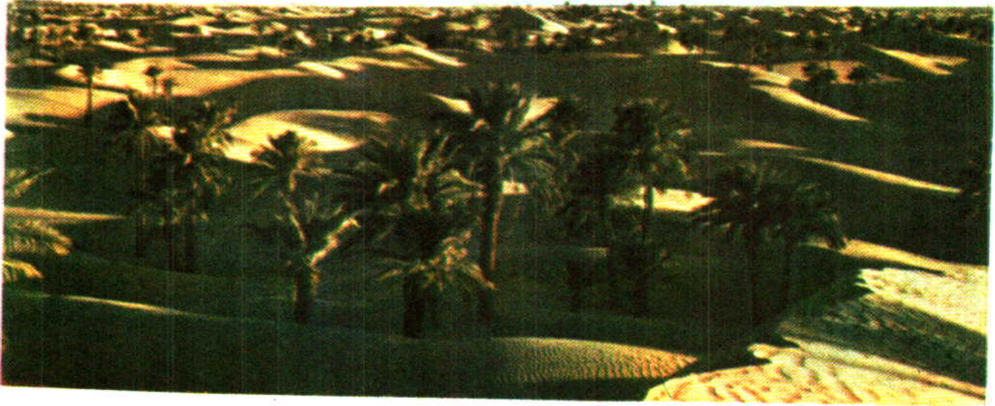
واحه *(Vāheh)* OASIS
منطقه‌ای درون کویر که دارای آب کافی بوده و برای زیست انسان و رشد گیاهان مناسب باشد. واحه ممکن است در مناطق غیر کویری، جائی که سطح آبهای زیرزمینی بالا باشد نیز بوجود آید. واحه ممکن است از یک چاه یا چشمه آب و چند درخت و احتمالاً چند واحد مسکونی تشکیل یافته باشد. و گاه ممکن است وسعت آن به چندین کیلومتر مربع برسد.
(تصویر در صفحه ۳۵۴)

وادی WADI
مسیل تنگ و معمولاً خشکی که در یک ناحیه کویری واقع شده و فقط هنگام بارندگی‌های شدید در آن، آب جاری می‌شود. این واژه که در اصل عربی است بیشتر در صحرای افریقا و سرزمینهای عربی جنوب باختری آسیا متداول است.



وادی

واردات IMPORTS
کالاهائی که در کشور یا کشورهائی ساخته و یا فراهم شده و از راه تجارتی بیک کشور دیگر وارد گردد واردات نام دارد. معمولاً چون تهیه پاره‌ای کالاها برای برخی کشورها امکان‌پذیر نبوده و یا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌باشد لذا با استفاده از کالاهای وارداتی نیازمندی‌های خود را تامین می‌کنند. شرایط جوی و وضع آب و هوا از جمله عوامل تعیین کننده ضرورت و میزان واردات است. مثلاً چون رشد و نمو گیاهان و میوه‌های گرمسیری یا استوائی برای کشورهای مناطق معتدله و یا سردسیر امکان پذیر نیست لذا با وارد کردن اینگونه میوه‌ها، نیازمندی ساکنان کشورهای اخیر را تامین می‌کنند.
مسئله تخصص، کارگر و قابلیت زمین نیز از جمله عوامل موثر در میزان واردات است. غالب کشورها در برابر واردات، کالاهائی راکه در داخله تهیه می‌کنند به کشورهای دیگر صادر می‌نمایند و سعی می‌کنند تا میان واردات و صادرات حداقل، تعادل مناسبی برقرار باشد و کوشش می‌کنند صادراتشان



واحه

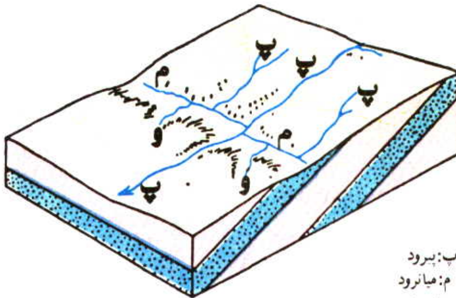
بر واردات فزونی گیرد. بطور کلی اقتصاد سالم و معقول آن است که صادرات بر واردات فزونی داشته باشد.

وارگار (وارکار) *(Vārgār)*
۱ـ زمینی که در آن خربزه و هندوانه و خیار و مانند آن بکارند. به آن پالیز نیز می‌گویند.
۲ـ کلبه‌ای در یک پالیز.

وارود *(Vārud)* OBSEQUENT RIVER
رودخانه یا جویباری که در جهت مخالف یک پیرود جریان داشته و بیک رودخانه میانرود متصل گردد.

واژونه *(Vāzhuneh)* INVERTED RELIEF
کوهی که روزگاری بالاتر از سطح زمین‌های پیرامون خود قرار داشته و در حال حاضر پست‌تر از آن‌ها قرار گرفته باشد. این وضعیت در تاقدیس‌هائی که بشدت فرسایش‌یافته و از سطح زمین‌های مجاور خود پائین‌تر واقع شده‌باشند دیده می‌شود.

واکافت کشندی TIDAL ANALYSIS
(Vākāft-e-keshandi)
شاخه‌ای از اقیانوس‌شناسی که با تعیین ثابت‌های هارمونیک از روی ثبت دگرگونیهای سطح دریا در یک محل معین برای مدت درازی و به منظور پیش بینی زمان کشند (جزر ومد) در آن نقطه، سر و کار دارد.



وارود

واگشت *(Vāgasht)* BACKING
تغییر جهت وزش باد در خلاف جهت گردش عقربه‌های ساعت. مانند بادی که بسوی شمال خاوری در وزیدن است جهت وزش خود را به سوی شمال تغییر دهد.

والی *(Vāli)* GOVERNORGENERAL
استاندار ← استان

وای اسپهر *(Vāy espehr)* AEROSPHERE

کلیه گازهائی که پیرامون کره زمین را فراگرفته است . این بخش شامل گشت اسپهر (←) و پوش اسپهر (←) می باشد . این اصطلاح بیشتر از آن جهت بکار برده می شود که از نظر پاره‌ای دانشمندان واژه اتمسفر (جو) فقط به لایه زیرین هوا که در مجاورت پوسته زمین قرارگرفته منحصر می‌گردد در حالیکه وای اسپهر محدود نبوده و تا مسافت قابل توجهی در فضا گسترش می یابد .

وتو VETO

وتو به معنای جلوگیری از عمل است و "حق وتو" حق یا توانایی جلوگیری از انجام‌کاری است . بنابراین وتو یا حق وتو قدرت قانونی یک دستگاه مملکتی یا اعضای چنین دستگاهی است برای جلوگیری از عمل آن دستگاه یا اشکال دیگر یا اعضای آن. این لفظ در جریان قانونی فعالیتهای سازمان ملل متحد معنای خاصی دارد . در این مورد حق وتو به معنای حق یک عضو دائمی شورای امنیت (کشورهای امریکا ، شوروی ، چین ، فرانسه و انگلستان) برای جلوگیری از عمل تصویب شده به وسیله اعضای دیگر است .

ورارود *(Varārud)*

ماوراءالنهر که یکی از بخش‌های قدیم ترکستان بوده و در واقع آن طرف رود جیحون است .

ورخویانسک VERKHOYANSK

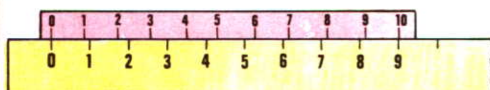
← قطب سرد

ورس *(Vers)*

واحد اندازه‌گیری مسافت (در ایران قدیم) معادل ۳۵۰۰ قدم ، (۱/۰۶ کیلومتر) .

ورنیه VERNIER

درجه‌بندی خاصی که بصورت اضافی در کنار لبه پاره‌ای خط کشها ، بارومترها و تئودولیت‌ها و امثال آن نصب شده و برای قرائت اعشار کوچکترین تقسیمات اصلی بکار می‌رود .



ورنیه

وز *(Vaz)*

۱ـ مقسم آب .

۲ـ محل تقسیم آب .

۳ـ وسیله‌ای برای تقسیم آبی که به مصرف آبیاری می‌رسد .

وطن NATIVE LAND

← زادبوم

ولایت TOWNSHIP

← شهرستان

وهیزک *(Vahizak)*

← بهیزک



هاشور HACHURE
← پرداز

هاله HALO
حلقه‌ای از نور که پیرامون ماه یا خورشید را در آسمان ابری نوع سیروستراتوس فرا گرفته باشد. معمولاً " هاله خورشیدی به دلیل نور زیاد و درخشندگی خورشید با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود و برای دیدن آن باید از شیشه‌های سیاه شده استفاده نمود. معمولی‌ترین هاله نوعی است که مسافت زاویه‌ای آن میان ماه و هاله ۲۲ درجه باشد. این وضعیت بر اثر شکست نور بوسیله بلورهای یخ موجود در ابر پدید می‌آید. رنگ هاله معمولاً " سفید بوده و قسمت درونی آن را حلقه قرمز رنگ نازکی فرا گرفته است.

هاله دگرگونی METAMORPHIC AUREOLE
ناحیه‌ای که اطراف یک توده سنگهای نفوذی قرارگرفته و در آن سنگها دگرگون شده‌اند.

هامون PLAIN / DESERT
زمین مسطح و پوشیده از قشر خاکی، که معمولاً " ارتفاع کمی از سطح دریا داشته باشد.
← بیابان

هامون دریاچه‌ای LACUSTRINE PLAIN
زمینی که قبلاً " کف دریاچه بوده و بوسیله مواد رسوبی که توسط رودخانه‌ها و جویبارها بدریاچه مزبور حمل گردیده‌اند پر شده باشد. خاک این گونه مناطق از نظر کشاورزی بسیار مرغوب و حاصلخیز است.

هبوب HABOOB
نوعی توفان شن که در بخشهای شمالی و شمال خاوری کشور سودان دیده شده است. این توفان غالباً " در بعدازظهرها و هنگام شب وزیده و بندرت در صبح و پیش از ظهر دیده می‌شود. با وجود اینکه این باد در هر فصلی از سال ممکن است بوزد، مع الوصف موعد وزیدن آن معمولاً " بین ماههای خرداد و مهر بوده و اغلب با سرعت و تغییر جهت ناگهانی همراه است و افت درجه حرارت و قابلیت دید بسیارکم، از مشخصات آنست و غالباً " با باران سنگین و رعدوبرق همراه است.

هجیر *(Hajir)* NOON
هنگام ظهر و گرمای نیمروز.

هرباسپ *(Harbāsp)* PLANET
سیاره ← سیارات

هرزاب *(Harzāb)* SURPLUS WATER
آبی که بیهوده بر زمین جاری شود. به آن فاضلاب سبز می‌گویند.

هرزه سنگ GANGUE
مواد معدنی بی ارزشی که بصورت رگه‌هائی در معادن فلزات دیده می‌شود.

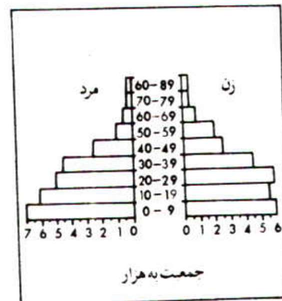
هرسی نین HERCYNIEN
چین خوردگی سر تا سری زمین در دوره زغالسنه (کربونیفر) که به موازات چین‌خوردگی کالدونین است. این چین خوردگی از قسمتهای جنوبی نیم قاره امریکای شمالی و قسمتهای جنوبی امریکای مرکزی شروع می‌شود و سرتاسر اقیانوس اطلس را در فاصله بین اروپا و امریکا طی کرده ووارد قسمتهای مرکزی اروپا می‌شود و تا آسیای صغیر و شمال دریای خزر و سیبری ممتد گردیده است. بقایای این چین خوردگی امروزه در ایرلند و کوههای ور و جنگلهای سیاه و جنوب اسپانیا و اورال و در کوههای آلتایی آسیا و در جنوب کانادا وکوههای رشوز و آپالاش دیده می‌شود.

هرمتن HARMATTAN
← دکتر

هرمز *(Hormoz)* JUPITER
نام دیگر سیاره مشتری ← برجیس

هرم سنی AGE-PYRAMID
نموداری که وضعیت جمعیت یک منطقه یا یک کشور را از نظر گروههای سنی گوناگون نمایش دهد. در این نمودار که ظاهراً به شکل هرم رسم می‌گردد. گروههای سنی را به فاصله‌های ۱ یا ۵ و یا ۱۰ سال در نظر می‌گیرند و یک طرف آن‌را برای مردان و طرف دیگر را برای زنان اختصاص می‌دهند. در این هرم، سنین پائین در زیر و سنین بالا در رأس قرار

می‌گیرند .



هرم سنی

هرنج *(Haranj)* RESURGENCE

۱ـ دهانه قنات که آب از آنجا خارج می‌شود و روی زمین جریان می‌یابد . به آن آب‌نما ، یا مظهر قنات نیز می‌گویند .
۲ـ آشکار شدن یک جویبار زیرزمینی از یک غار .

هزاره *(Hezāreh)* MILLENNIUM

هزارمین سال از یک رویداد یا دوره هزار ساله که از یک مبداء زمانی شروع شده باشد .

هزج *(Hazaj)* THUNDER

صدای تندر یا رعد ← تندر

هسته زمین CORE

← توده مرکزی زمین

هسر *(Hasar)* GLAZED FROST

پوششی از یخ نرم ، گاهی دارای ضخامت زیاد ، که وقتی درجه حرارت جو از نقطه‌ی انجماد کمتر است بر اشیائی که باران سرد بر آنها می‌بارد تشکیل می‌گردد .

هفت برادران URSA MAJOR & URSA MINOR

← بنات النعش

هفت رنگ SEVEN COLOURS

در قدیم هفت رنگ را از میان رنگ‌ها بنام هفت رنگ اصلی می‌ساختند و هر کدام از این رنگها را که عبارتند از سیاه ، خاکستری ، سرخ ، زرد ، سفید ، کبود ، زنگاری و یا بقولی " دیگر زرد ، آبی ، نارنجی ، سرخ ، بنفش ، سبز ، نیلگون به

یکی از سیارات هفتگانه و یکی از روزهای هفته اختصاص می‌دادند .

هفته WEEK

هفت روز که در نزد مسلمانان از شنبه آغاز و به جمعه خاتمه می‌یابد و در نزد اروپائیان از دوشنبه شروع می‌شود و به یک شنبه پایان می‌یابد .
بابلی‌ها در تقسیم‌بندی و شمارش روزهای ماه تغییرات صوری ماه (اهله‌قمر) را ملاک قرار می‌دادند . مثلا " هلال ماه نو ربع اول (تربیع یکم) بدر و ربع دوم (تربیع دوم) را معیار می‌دانستند و روزها را از اول تا پایان ماه بصورت عادی می‌شمردند . از آنجائیکه تغییر صوری ماه از هلال تا تربیع یکم ، از تربیع یکم تا بدر کامل ، از بدر تا تربیع دوم و از تربیع دوم تا محاق در مدتی تقریبا " مساوی ۷ روز صورت می‌گیرد لذا عدد ۷ را عددی مقدس می‌دانستند و هر یک ماه قمری را به ۴ هفت روز یا چهار هفته تقسیم می‌کردند . عبری‌ها که در قرن ششم پیش از میلاد به اسارت بابلی‌ها درآمدند ، احتمالا " شمارش و تقسیم بندی ماه و هفته را از آنان اقتباس کرده‌اند وحتی به آن اهمیت مذهبی بخشیدند یعنی هفتمین روز هفته را به خدا اختصاص دادند و ضمن انجام فرائض مذهبی در آن روز به استراحت می‌پرداختند و آن روز را شبات نام‌گذاری کردند که ما امروز آن‌را شنبه می‌نامیم .

هکتار HECTARE

واحد سنجش سطح در سیستم متریک ، برابر با ۱۰۰۰۰ متر مربع .

هلال خصیب FERTILE CRESCENT
(Helāl-e-khasib)

اراضی پست و حاصلخیزی که بین فلات‌های ایران و ترکیه و صحرای عربستان واقع شده و احتمالا " برای نخستین‌بار در زندگی کشاورزی انسان مورد استفاده قرار گرفته است .

هلال گندم WHEAT CRESCENT

منطقه هلالی شکلی واقع در امریکای جنوبی که بطور وسیع زیر کشت گندم قرار گرفته است .

هلال ماه CRESCENT OF THE MOON

← اهله قمر

هلیوم HELIUM

یکی از معدود گازهای موجود در جو زمین که نسبت آن به سایر گازها حدود یک در دویست هزار است.
این گاز در سال ۱۸۹۵ به وسیله رامسی در برخی سنگ‌های حاوی اکسید اورانیوم کشف شد و بعدها وجود آن را درسایر کانی‌ها تشخیص دادند.
گاز هلیوم از عناصر بسیار سبک است و وزن مخصوص آن ۱۳۹ و جرم اتمی آن ۴ است و در آب کم حل می‌شود. و در ۲۶۹– درجه سانتیگراد به مایع دگرگون می‌گردد.

هماب *(Hamāb)* CONFLUENT

جویباری که به داخل جویبار دیگری تقریبا " هم اندازه‌خود ریخته و مشترکا " در یک بستر روان گردند.

همرفت *(Hamraft)* CONVECTION

انتقال گرما از یک قسمت به قسمت دیگر مایع یا گاز بوسیله حرکت ذرات آن. هنگامی که قسمت‌های زیرین مایع و یا گازی تحت تاثیر حرارت قرار گیرد، آن قسمت گرم و منبسط شده و از غلظت آن کاسته می‌شود و در نتیجه بسوی قسمت‌های بالائی روان گردیده و گرما را با خود منتقل می‌سازد و در مقابل قسمت‌های سرد مایع یا گاز جای خود را با قسمت گرم آن عوض می‌کنند. یکی از نمونه‌های شناخته شده انتقال گرما را، حرکت هوای گرم شده در سطح زمین و جابجا شدن با طبقات سرد بالاتر می‌توان دانست. جریان‌های همرفت را جریان‌های فرارفت نیز می‌گویند.

همزیستی COEXISTENCE

با هم زندگی کردن، زندگانی مردم دویا چند کشور با کمکهای اقتصادی و سیاسی به یکدیگر.

همستادی *(Hamestādi)* ISOSTASY

حالت تعادل میان ارتفاعات و پستی‌های زمین، با این فرض که مواد سازنده ارتفاعات سبک‌تر از مواد سازنده پستی‌ها باشد. ← نظریهٔ همستادی

همکاری COMMENSALISM

اصطلاحی است در جغرافیای شهری و آن عبارت از نوعی پیوستگی است که میان واحدهای صنفی یک منطقه که عهده دار یک نوع کار هستند وجود داشته باشد. مثل پزشکان، جواهر فروشان و مانند آن که در یک شهر زندگی می‌کنند.

همه پرسی REFERENDUM

مراجعه به آراء و افکار عمومی برای رد و یا قبول امری.

همه گیر EPIDEMIC

بیماریی که بکباره و بطور ناگهانی شیوع یابد و به سرعت همه گیر شود و پس از مدت زمان معینی محدود و نابود گردد.

هوا AIR

← جو

هوا WEATHER

وضعیت جوی یک منطقه در یک زمان معین با در نظر گرفتن عواملی چون درجه حرارت، نور خورشید، باد، ابر، مه و تبخیر. معمولا " وضعیت هوا را ساعت به ساعت یا روز به‌روز ثبت و گزارش می‌کنند.

هواتاب AIRGLOW

← سپیده جوی

هوازدگی AIRSICKNESS

نوعی حال تهوع که به علت پرواز در ارتفاع زیاد یا سرعت زیاد در انسان عارض می‌شود.

هوازی AEROBIC

در علم زیست شناسی به نوعی حیات گفته می‌شود که موجود زنده از اکسیژن آزاد استفاده نماید.

هواسنج AIR-METER

گونه‌ای بادسنج که به چرخی مجهز است که بر اثر وزش باد به گردش در می‌آید. این دستگاه برای سنجش بادهای سبک بکار می‌رود.

هواسنج BAROMETER

← فشار سنج

هواشناسی METEOROLOGY

دانشی که درباره شناخت جو (اتمسفر) گفتگو می‌نماید. پیش‌بینی وضعیت جوی از جمله کارهای هواشناسی است که به کمک اسبابهای دقیق و نقشه‌های مخصوصی که به آنها چارتهای هواشناسی می‌گویند انجام می‌شود.

هوانگاری AEROGRAPHY

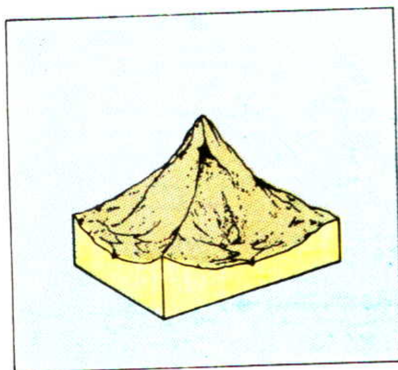
شاخه‌ای از هواشناسی که پدیده‌های جو زیرین زمین را توصیف می‌کند.

هور *(Hur)* SUN

← خورشید

هورن HORN

اصطلاح آلمانی برای قله مخروطی شکل که دامنه پرشیبی داشته باشد. مانند قله Matternhorn در سویس.



هورن

هولوسن HOLOCENE

دومین دوره از دوران چهارم زمین شناسی که رسوبانش طبقات فوقانی و کاملا" جدید این دوران است و معاصربا زمان فعلی است.

← ازمنه زمین شناسی

هیئت ASTRONOMY

علمی است که درباره احوال ستارگان از نظر وضع آن‌ها نسبت به یکدیگر و شکل آنهاوقوانین ثابت آنها گفتگو می‌کند.

هیئت بطلمیوس PTOLEMY'S ASTRONOMY

بر اساس هیئت بطلمیوس، زمین در مرکز عالم است و خورشید و ماه و ستارگان در حول مرکز زمین گردش می‌کنند.

این نظریه که توسط کلاودیوس بطلمیوس (یا پتلمیوس) منجم و ریاضی‌دان معروف حدود ۱۵۰ سال پیش از میلاد مسیح عرضه گردیده است تا زمان کپرنیک معتبر بود.

هیدراتاسیون HYDRATATION

یا آبیدن، از نظر زمین شناسی عبارتست از وارد شدن آب در شبکه سیستم بلورها، این پدیده که باعث تجزیه سنگها می‌شود از ابتدائی‌ترین اعمال آب بوده که بیشتر در مورد کانیهایی که دارای منشاء رسوبی هستند انجام می‌گیرد.

هیدروژئولوژی HYDROGEOLOGY

شاخه‌ای از زمینشناسی که نتایج عمل آب بر پوسته زمین، بویژه دگرگونی‌های حاصل از فرسایش و تهنشست را بررسی می‌کند.

هیدرولیز HYDROLYZE

هیدرولیز یا تجزیه یا گرفتن آب نقش مهمی را بر روی سنگهای سیلیسی دارد. برای اینکه عمل هیدرولیز جلو برود، باید عنصری از محیط خارج شده، یا اینکه به محیط وارد گردد. بطور کلی نتیجه نهائی هیدرولیز حل کردن عناصر مختلف در آب می‌باشد.



یابر *(Yābar)*
ده یا آب و یا زمینی که رئیس حکومت برای مدد معاش به کسی واگذار کند.

یاختـه CELL
کوچکترین واحد زنده بدن موجودات زنده که از دو قسمت مهم سیتوپلاسم وهسته تشکیل یافته است. یاخته‌ها دارای تمام خواص و تظاهرات حیاتی می‌باشند.

یارد YARD
واحد انگلیسی برای اندازه‌گیری مسافت که برابر ۰/۹۱۴۳۹۹ متر است. هر متر ۱/۰۹۳۶۱ یارد است.

یاقوت RUBY
یکی از سنگهای آذرین که جزء کانیهای سنگهای اسیدی به شمار میرود. این سنگ که آلومین خالص است بعدازالماس سخت ترین کانی‌هاست وآنرا با الماس تراش میدهند. یاقوت بیشتر در لایه‌های آتشفشانی قدیم پیدا می‌شود و دارای اقسام مختلف است که مرغوبترین آنها یاقوت آتشی یا یاقوت سرخ است. انواع دیگر آن یاقوت بنفش،یاقوت سپرمائی، یاقوت رمانی، یاقوت زرد، یاقوت کبود، یاقوت لاجوردی، یاقوت لحمی یا ارغوانی و یاقوت ناروان است.

یخ ICE
یخ عبارتست از حالت جامد آب که چگالی آن ۰/۹ گرم در سانتیمتر مکعب است و به همین جهت در مقایسه با شکل آبگون آن (با چگالی ۱ گرم در سانتیمتر مکعب) سبکتر بوده و حالت شناور را پیدا میکند. تقریبا" حدود یک در صد سطح زمین بوسیله یخسارهای وسیعی مانند نواحی قطب جنوب و گروئنلند پوشیده شده که ضخامت آنها در بعضی جاها از ۱۰۰۰ متر تجاوز میکند. یخ همچنین بشکل بلورهای کوچکی مانند درات برف و تگرگ و شبنم یخ‌زده دیده می‌شود.

یخاب *(Yakhāb)* ENGLACIAL RIVER
یخ آب شده‌ای که بصورت رشته‌ای نسبتا" باریک از داخل تونلی درون یک یخچال یا یک یخسار بخارج جریان داشته باشد.

یخابرفت *(Yakhābroft)* OUTWASH
موادی که بوسیله جریان آب حاصله از ذوب شدن یخچال، جابجا شود.

یخاب فرسائی FLUVIOGLACIAL
تاثیر یخاب وآب سردی که از یک منشاء منجمد مانند یخچال یا یک یخسار سرچشمه گرفته و درون یک روانه مانند رودخانه یا جوی جریان یابد.
یخاب فرسائی به دو صورت انجام میگیرد: الف ــ فرسایش ب ــ ته‌نشین ساختن مواد.

یخ اسفنجی FRAZIL
یخ اسفنج مانندی که از بلورهای سوزنی شکل درست شده و از یخ بندان آب خیلی سرد رودخانه‌ها بوجود آمده‌باشد.

یخاک شناسی CRYOPEDOLOGY
(Yakhāk shenāsi)
شاخه‌ای از خاکشناسی که خاکهای یخ‌بسته‌را بررسی میکند.

یخبرف *(Yakhbarf)* FIRN / NEVE
برف متراکم شده‌ای که در نتیجه آب شدن قسمتهای سطحی آن در روزهای تابستان و دوباره منجمد شدن آنها در شب بصورت توده سخت وفشرده شده‌ای از برف ویخ درآمده باشد.

یخبست *(Yakhbast)* RIME
توده‌ای از بلورهای یخ کدر که بر اثر یخبندان قطره‌های کوچک آب موجود در مهی که روی زمین خیلی سرد ایجاد شده است پدید آمده باشد.

یخبندان FROST
وضعیت جوی که آب در مرحله نقطه انجماد ویا زیرآن باشد. یخبندان آب باعث خرد شدن سنگ وخاک میگردد. گنجایش آب بر اثر یخبندان حدود ۱۰ در صد افزایش یافته و فشار حاصله از افزایش حجم به خرد شدن سنگها میانجامد.

یخبندان الب ELBE GLACIATION
نخستین دوره یخبندان در دشت‌های اروپای شمالی. چون دره الب در این قسمت واقع شده، از این رو این دوره‌را در اروپا به دوره یخبندان الب میشناسند.

یخبندان دائمی PERMAFROST
یخبندان همیشگی خاک و مواد پوسته زمین که ژرفای آن گاه

به میزان قابل توجهی می‌رسد . بطور نمونه قطر خاک یخ بسته پاره‌ای از مناطق توندراهای سیبری اغلب تا ۶۰۰ متر نیز دیده شده است . با وجودیکه لایه‌های سطحی خاک یخ بسته در تابستان آب می‌گردد ، مع الوصف لایه‌های زیرین همچنان در حالت انجماد باقی می‌مانند .

یخپاره *(Yakhpāreh)* ICE - FLOE
توده یخ شناوری که از یخسارهای اصلی قطبی و در اندازه‌های مختلف جدا شده باشد . ضخامت یخپاره‌های سبک حدود یک متر و کلفتی یخپاره‌های سنگین از دو متر بیشتر است .
(تصویر در صفحه ۳۶۲)

یخپوزه *(Yakhpuzeh)* ICE-FOOT
توده یخ ساحلی که مشرف بدریاهای قطب شمال و یا جنوب باشد . کلفتی یخپوزه آنچنان است که بلندی آنها نسبت به سطح دریا گاه به چندین متر می‌رسد . این یخها هنگام پائیز بر اثر ریزش برف در نواحی ساحلی و برخورد امواج دریا و سپس یخبندان آنها پدید می‌آیند که با یخبندان دریا بر حجم آنها افزوده شده و گاه از این سال تا سال دیگر همچنان بر جای می‌مانند .

یخپهنه *(Yakhpahneh)* ICE-CAP
←― یخسار

یختاب *(Yakhtāb)* ICE-BLINK
درخشندگی سفید رنگی در افق که به علت بازتاب نوری که به توده یخهای بسیار دور تابیده است ، پدید آمده باشد .

یختود *(Yakhtud)* PACK-ICE
قطعه یخ بزرگی از نوع یخپاره بزرگ که بر اثر خرد شدن کوههای یخی و بهم چسبیدن قطعات شناور پدید آمده باشد .
یختود بر دو نوع است :
الف ــ یختود پیوسته که از پاره یخهای کاملاً بهم پیوسته پدید آمده است .
ب ــ یختود گسسته که از پاره یخهای ناپیوسته بوجود آمده است .

یخچال GLACIER
یخچال یا یخچالهای طبیعی ، عبارتست از توده یخهائی در یک دره یا یک بستر که تحت تاثیر نیروی کشش زمین از بالا به پائین به آرامی روان باشد . قطر یخ در قسمت اولیه ، که در واقع سر چشمه یخچال است زیادتر و میزان آب شدن آن به دلیل سرمای زیاد کمتر و بر عکس در قسمتهای انتهائی که هوا گرمتر است از قطر و وزن یخها کاسته می‌گردد تا جائیکه دیگر اثری از یخ دیده نشده و انتهای یخچال را آشکار می‌سازد .
شکل کلی یخچالها زبانه‌ای بوده و همانطوریکه گفته شد عرض و ضخامت آن در قسمتهای ابتدائی زیادتر و بر عکس در قسمتهای انتهائی باریکتر و کمتر است . علاوه بر آن شکل یخچال از شکل و فرم کلی بستر خود نیز پیروی کرده و به تبعیت از آن پیچ و خمهائی را نیز به همراه خواهد داشت .
معمولاً قسمتهای میانی یخچال بالاتر از کناره‌های آن بوده و نیمرخ عرضی آن بصورت کمان برجسته‌ای به چشم می‌خورد سطح یخچالها ناهموار و اغلب با شکافهای ژرفی همراه است .
سرعت حرکت یخچال در قسمتهای میانی بیشتر از قسمتهای کناری است و موادی را که همراه خود به جلو رانده و بر اثر آب شدن یخها به مرور ته نشین می‌گردند یخرفت می‌نامند .
(تصویر در صفحه ۳۶۲)

یخچال ایستاده DEAD ICE
یخچالی راکد و ایستاده که روی کناره‌های آن را سنگ و خاک پوشانیده باشد .
آب شدن آرام و تدریجی این گونه یخچالها موجب ته نشین شدن سنگها و خاکهای مزبور شده و موادی بنام یخرفت بوجود می‌آورد .

یخچالپوز *(Yakhchālpuz)* GLACIER SNOUT
قوسی واقع در انتهای یک یخچال که آب یخهای ذوب شده از آنجا جریان می‌یابد .

یخچال سرد COLD GLACIER
یخچال روده‌ای که سرمای سالیانه آن ۲۰ــ تا ۳۰ــ درجه سانتیگراد باشد . سطح خارجی این گونه یخچالها غالباً یخ بسته بوده و بندرت با آب کمی همراه است ، مانند یخچالهای مناطق قطبی و گروئنلند .

یخچالک *(Yakhchālak)* NICHE-GLACIER
یخچال مدور و کوچکی که در قسمتهای مرتفع کوهستان ایجاد شده باشد .

یخچال کشندی TIDAL GLACIER
دره یخچالی که به دریا منتهی باشد و پاره یخهائی به صورت کوههای یخی از آن جدا شده و در دریا شناور گردد .
این توده‌های یخ معمولاً بر اثر کشند آب دریا از بدنه اصلی جدا می‌گردند .



یخپاره



یخچال

یخچال کوهپایه‌ای PIEDMONT GLACIER

توده یخهائی که از طریق دره‌های یک کوهستان بطرف پائین رانده شده و با انباشته شدن آنها در کوهپایه یخچال بزرگی پدید آمده باشد.

یخچال گرم WARM GLACIER

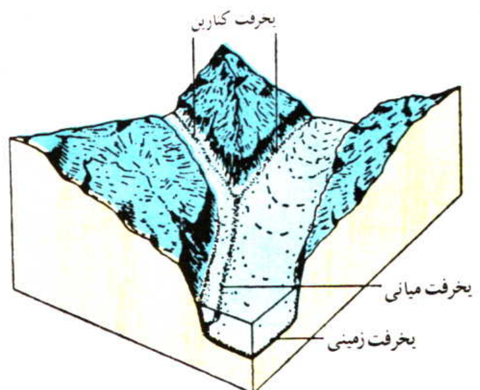
یخچالی که دمای توده یخ‌های آن حدود صفر درجه سانتیگراد باشد.

یخچال‌های طبیعی GLACIER

← یخچال

یخرفت *(Yakhroft)* MORAINE

مواد و خرده سنگهائی که بر اثر جریان یخچالها حمل گردند. علت پدید آمدن این مواد خرد شدن سنگها و مصالح بدنه دره‌ها و بستر یخچالها بر اثر یخبندان و ریختن آنها بر روی سطح یخ بوده و به آنها یخرفت‌های کنارین می‌گویند. با بهم پیوستن دو یخچال یخرفت‌های کنارین در هم آمیخته و یخرفت میانی را پدید می‌آورند. و بهمین ترتیب با بهم پیوستن چند یخچال، تعدادی یخرفت میانی در سطح یخچالها به چشم خواهد خورد و یخرفت‌هائی که به مرور ته نشین گردیده و به کف بستر یخچال رسوب کرده‌اند یخرفت‌های زمینی را تشکیل می‌دهند. در انتهای یخچالها، جائیکه یخها آب شده و یخرفت‌ها را از خود به جای می‌گذارد، یخرفت‌های دیگری بنام یخرفت‌های پایانه پدید می‌آید که در تمام سطح دره یا بستر یخچال گسترش یافته‌اند.
بطور کلی یخرفت‌ها از نظر مواد متشکله و ساختمان کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده و حتی از نظر اندازه با یکدیگر فرق می‌کنند.



یخرفت در برشی از یخچال

یخرفت پایانه‌ای TERMINAL MORAINE

توده هلالی شکلی از رسوبات نوع یخنهشت که در پشت پوزه یک یخچال یا حاشیه یک یخسار انباشته شده باشد.

← یخرفت

یخرفت چال KETTLE-MORAINE

منطقه ناهمواری که پشته‌هائی از نوع یخرفت در آن وجود داشته باشد و علاوه بر آن تعدادی دیگچال نیز در آن دیده شود.

یخرفت کنارین *(Y-e-kenārin)* LATERAL MORAINE

خاک و خرده سنگ‌هائی که روی سطح یک یخچال قرار گرفته و کم وبیش بصورت نواری موازی با حاشیه یخچال واقع شده باشد. علت پیدایش این مواد خرد شدن سنگ‌ها و مصالح بدنه دره‌ها و بستر یخچال‌ها بر اثر یخبندان و ریختن آن‌ها بر روی سطح یخ است.

یخرفت میانی *(Y-e-miyāni)* MEDIAL MORAINE

رشته خرده سنگ‌ها و مواد دیگری ازگونه یخرفت‌های کنارین دو یخچال که پس از برخورد با یکدیگر در هم مخلوط شده و به شکل یک رشته میانی درآمده باشد.

یخزائی *(Yakhzā'i)* CALVING

تشکیل یک کوه یخ شناور از راه خرد شدن توده یخی که از زبانه یک یخچال واقع در دریا یا یک دیواره یخی جدا شده باشد.

یخزار ICE FIELD

توده یخ شناور و همواری که وسعت زیادی حدود چندین کیلومتر مربع داشته باشد. از این واژه گاه برای بیان یخزارهای پهناوری چون یخزار کلمبیا واقع در کوهستان راکی کانادا نیز استفاده می‌شود.

یخ زمینی LAND ICE

یخی که از انجماد آب‌های شیرین در روبوم پدید آمده باشد. در مقابل یخی که از آب دریا تشکیل می‌گردد.

یخسار ICE SHEET

توده‌های بسیار عظیمی از برف و یخ که سرزمینهای قطبی را پوشانیده و سطح آنها تقریباً" هموار باشد. یخسارهای گروئنلند و قطب جنوب، تنها یخسارهای موجود در زمان حاضر بوده که یخسار گروئنلند سراسر شبه

جزیره مزبور جز باریکه‌ای در کرانه‌های جنوبی را فرا گرفته و یخسار قطب جنوب آنچنان است که اثری از سطح زمین اصلی دیده نمی‌شود و همه جا زیر پوشش یخ قرار گرفته و حتی پاره‌ای جاها با را از سرزمین اصلی فراتر نهاده و به سطح آبهای اطراف نیز پیشرفت کرده است.

طبق بررسیها و پژوهشهائی که به‌عمل آمده‌کلفتی یخسارهای گروئنلند و قطب جنوب در پاره‌ای جاها از ۱۰۰۰ متر تجاوز می‌کند. عده‌ای از دانشمندان یخسار گروئنلند را صحرای قطب شمال و عده‌ای دیگر آن را کویر سرد می‌نامند. به این عارضه، یخچمه نیز می‌گویند.

یخسایی *(Yakhsāi)* EXARATION

← یخفرسائی

یخ سراسری FAST ICE

یخی که سطح منجمد دریا را سراسر پوشانیده و تا ساحل گسترده شده باشد.

یخ سوز *(Yakhsuz)* FROST BURN

سوزشی که در نتیجه دست زدن به فلزاتی که در سرمای زیر صفر قرار گرفته‌اند به انسان دست دهد. علت این سوزش از دست دادن ناگهانی گرمای دست در نقطه تماس است.

یخشار ICEFALL

محل‌هائی که شیب بستر یخچال بطور ناگهانی زیاد شود و شکل پذیری یخ در آن محل کافی نباشد، یخها می‌شکنند و یخچال بصورت قطعات بریده شده‌ای از بالا به پائین ریزش می‌کند و در پای آن بر روی هم انباشته می‌شوند.

← بهمن یخچالی

یخشکافت *(Yakhshekāft)* GELIVURE

شکافی که بر اثر یخزدگی در سنگها حاصل می‌شود.

یخشناسی GLACIOLOGY

بررسی تشکیل یخ در نواحی قطبی و نواحی کوهستانی، این علم شاخه‌ای از زمینشناسی است.

یخ شناور ICEBERG

← یخکوه

یخفرسائی *(Yakhfarsā'i)* EXARATION

فرسایش بستر یک یخچال بر اثر حرکات و جابجائی یخ.

یخکند *(Yakhkand)* FIORD

← آبدره

یخکوه *(Yakhkuh)* ICEBERG

توده یخی که از انتهای یک یخچال یا حاشیه یک منطقه یخی جدا شده و روی آب دریا شناور شده باشد. هنگامیکه زبانه یک یخچال وارد دریا می‌شود زیر آن بتدریج شسته شده و به آسانی از بدنه اصلی جدا می‌گردد. بطور کلی قطعات یخی که از یخچالها جدا میشوند شکل نامنظمی داشته و برعکس یخهای جدا شده از حاشیه جزایر یخی مسطیل شکل بوده و جثه بسیار بزرگ و تخت بودن آن، از جمله مشخصات آنهاست. مناطق قطب جنوب و گروئنلند یکی از مهمترین منشاء تولید یخهای شناوراست. یخهای شناوری که از جزایر یخی گروئنلند جدا می‌گردند بوسیله جریان لابرادور (Labrador) به سوی جنوب رانده شده و ارتفاع آنها از سطح آب اغلب به ۶۰ تا ۱۰۰ متر و ابعاد آنها از حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر تجاوز نمی‌کند. در حالیکه یخهای جدا شده از جزایر یخی قطب جنوب دارای ابعادی حدود ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر بوده و ارتفاع آنها از سطح آب گاه به ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر می‌رسد. روی‌همرفته حدود $\frac{۱}{۱۰}$ توده یخ از آب خارج بوده و $\frac{۹}{۱۰}$ آن در زیر آب پنهان است.

ابعاد یخهای شناور تحت تاثیر تابش آفتاب و سایر عوامل فرساینده بتدریج رو به کاهش رفته و تغییر شکل حاصله از این فرسایش گاه به بر هم خوردن تعادل و غلطیدن آنها در آب می انجامد. (تصویر در صفحه ۳۶۶)

یخگشا *(Yakhgoshā)* THAW

پایان یخبندان، یعنی هنگامیکه دمای محیط بالاتر از نقطه انجماد قرار گیرد و برف و یخ شروع به آب شدن نماید.

یخگیری GLACIATION

پوشش یک منطقه بوسیله یخچال یا یک یخسار.

یخمه *(Yakhmeh)* ICE FOG

نوعی مه‌که بر اثر عبور هوای سرد از فراز آبهای نسبتا" گرم پدید می‌آید. در چنین وضعیتی آب بصورت بخار وارد هوای سرد شده و بشکل ذرات ریز یخ تغییر شکل می‌دهد.

یخنهشت *(Yakhnehesht)* BOULDER CLAY

توده تخته سنگهائی که درقسمت انتهائی یخچالهای طبیعی، جائی که یخها به مرور آب می‌گردند دیده می‌شود. این تخته سنگها به صورت قطعاتی هستند که بطور نامنظم انباشته شده و دارای کمی رس بوده و گاه فاقد رس می‌باشند و پوسته نرمی به ضخامت چند سانتی متر سطح آنها را پوشانیده است. ترکیب جنس یخنهشت‌ها خیلی متغیر بوده و بستگی به

جسم زمینی دارد که از آن جدا شده و همراه یخچال به پائین رانده شده‌اند .

ید *(Yod)* IODE

شبه فلزی است که بصورت ترکیبات آلی در انساج گیاهی و حیوانی دیده می‌شود . ید خالص جسمی است جامد و متبلور بصورت پولکهای براق و سیاه مایل به ارغوانی وزن مخصوص آن ۵ و ظرفیت شیمیایی آن ۱ و جرم اتمیش ۱۲۷ است .
ید در آب کم محلول است ولی در الکل و محلول یدور پتاسیم بیشتر حل می‌شود .

یلدا *(Yaldā)*

درازترین شب سال یا شب اول دی ماه که مصادف با شب چله بزرگ زمستان است .
واژه یلدا در اصل یک کلمه سریانی به معنی میلاد است . چون شب یلدا را با میلاد مسیح تطبیق می‌کرده‌اند از این جهت بدین نام نامیده‌اند .

ینگه دنیا *(Yengeh donyā)* NEW WORLD

مقتبس از واژه ترکی ینگی دنیا به مفهوم دنیای جدید .
قاره امریکای شمالی ، مرکزی و جنوبی .
این واژه از راه عثمانی به کشور ما آمده و تا مدتها مردم ایران به جای گفتن امریکا ، ینگه دنیا می‌گفتند .

یولاخ *(Yolākh)* WASTE LAND

زمین بایر و بی آبی که دور از آبادی قرار گرفته باشد .

یون اسپهر *(Yon espehr)* IONOSPHERE

بخشی از جو زمین که در بالای پوش اسپهر و میان اسپهر واقع شده و از مشخصات آن بازتابیدن امواج الکترومغناطیس و علائم رادیویی به سطح زمین است .
گازهای موجود در این بخش بوسیله تشعشعات خورشیدی یونیزه شده و پدیده‌ای که به سپیده‌های شمالی و جنوبی ویا فروزه‌های قطبی شناخته شده‌اند بوجود می‌آید .

یونجه ALFALFA

گیاهی است دارای ریشه‌های دراز و شاخه‌های فراوان که گل‌های ارغوانی نسبتاً" ریزی دارد . یونجه در هر نوع آب و هوا ، چه گرم و خشک و چه سرد مقاومت می‌کند و محصول آن به نسبت رشد سریع گاه به ده تن در هر هکتار می‌رسد . این گیاه برای علوفه دام بکار می‌رود .
بطور متوسط حدود نیمی از محصول یونجه در کشورهای متحده امریکا و ۴۰ در صد در آرژانتین و بقیه در دیگر مناطق کره زمین می‌رویند .

یونکره *(Yonkoreh)* IONOSPHERE

← یون اسپهر

ییلاق SUMMER QUARTER

کوهپایه و جای خنک و مطبوع و محل خوش آب و هوا که در فصل تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد .



یخکوه



یخکوه



واژه نامه

انگلیسی به فارسی

WATERSPOUT .... گردباد دریائی ــ تنوره دریائی

WATER TABLE .... سفره آب ــ سطح ایستابی ــ سطح آب زیرزمینی

WATER VIEW .... آب نما

WATERWAY .... آبراهه

WATTE .... واته

WAVE .... موج

WAVE OF WATER .... آبکوهه

WEATHER .... هوا

WEATHERLING .... وابفرسایی ــ ساینده

WEEK .... هفته

WEGNER'S THEORY .... تئوری وگنر

WELDED TUFF .... جوش توف

WELL .... چاه

WEST .... باختر ــ مغرب ــ غرب

WESTERLIES .... بادهای غرب وزان ــ غرب وزان

WESTERN HEMISPHERE .... نیمکره باختری ــ مغرب زمین

WET-BULB TEMPERATURE .... دمای مرطوب

WET & DRY TROPICAL CLIMATE .... اقلیم حاره‌ای خشک و مرطوب

WET EQUATORIAL CLIMATE .... اقلیم استوایی مرطوب

WHEAT .... گندم

WHEAT BELT .... گندم خیز ــ کمربند گندم

WHEAT CRESCENT .... هلال گندم

WHIRLPOOL .... آبگرد ــ گرداب

WHIRLWIND .... گردباد

WHITE MAN'S GRAVE .... گور سفید پوستان

WHITE-OUT .... برف گیجه

WILL-O'-THE WISP .... آتش مرداب ــ فانوس شیطان

WIND .... باد

WIND BREAK .... بادشکن

WIND ROSE .... باد نقش ــ گلباد

WINDS CLASSIFICATION .... طبقه‌بندی بادها

WIND VANE .... بادنما

WINDWARD .... بادگیر

WINTER .... زمستان

WINTER QUARTER .... گرمسار ــ قشلاق ــ گرمسیر

WINTER SOLSTICE .... انقلاب زمستانی

WOLD .... زمین بایر

WOOD .... درختزار ــ چوب

WOODEN BRIDGE .... تخته پل

WORLD MAP .... جهان نما

X

XENOMORPHE .... زنومورف

XEROPHILOUS .... خشکرست

Y

YAM .... سیب زمینی هندی

YARD .... یارد

YAZDGERDIAN CALENDAR .... تقویم یزدگردی

YEAR .... سال

YELLOW SOIL .... خاک زرد

YOUNG MOUNTAINS .... کوههای جوان

YOUTH .... جوانی

Z

ZAMBO .... زامبو

ZENITH .... سمت الرأس ــ سرسو

ZENITHAL PROJECTION .... سیستم تصویر سمت الرأسی

ZENITH DISTANCE .... فاصله سمت الرأسی

ZINC .... روی

ZODIAC .... منطقةالبروج

ZODIACAL LIGHT .... نور منطقةالبروج

ZONE .... منطقه

ZOOGEOGRAPHY .... جغرافیای وحش ــ جغرافیای حیوانی

ZOOLOGY .... جانورشناسی

ZOOPHYTES .... گیاهسانان

UPLAND .... فرابوم
UPLAND PLAIN .... فرادشت
UPSTREAM .... فراز آب
URANIUM .... اورانیوم
URANOGRAPHY .... اورانوگرافی
URANUS .... اورانوس
URBAN .... شهری
URBAN GEOGRAPHY .... جغرافیای شهری
URBAN HIERARCHY .... طبقه‌بندی شهری
URBANISME .... شهرسازی
URBAN MORPHOLOGY .... شهر ریختشناسی
URSA MAJOR .... خرس بزرگ ــ دب اکبر
URSA MAJOR & URSA MINOR ....
.... بنات النعش ــ هفت برادران
U SHAPED VALLEY .... دره Uشکل
U.T.M PROJECTION .... سیستم تصویر یو.تی.ام

V

VACUUM .... خلاء
VALE .... پهندرّه
VALLEY .... درّه
VAN ALLEN BELT .... کمربند وان آلن
VARIABLE STARS .... ستارگان تپنده ــ ستارگان متغیر
VARVE .... سالچینه
VEERING .... گشت
VEGA .... نسر واقع
VEGETATIONS .... روئیدنی‌ها
VEIN .... رگه
VENTS ALIZES .... بادهای آلیزه
VENTS CONTRE ALIZES .... بادهای کنتر آلیزه
VENUS .... زهره ــ ناهید ــ بیدحت
VERGLAS .... بژ
VERKHOYANSK .... ورخویانسک
VERNAL EQUINOX .... برابران بهاری
VERNIER .... ورنیه
VERTICAL .... قائم
VERTICAL CIRCLE .... دایره قائم
VERTICAL EXAGGERATION .... بزرگنمائی قائم
VERTICAL PHOTOGRAPH .... عکس هوائی قائم
VETO .... وتو
VIADUCT .... راهبر
VILLAGE .... دهکده ــ ده ــ روستا ــ قریه
VILLAGE HEADMAN .... کدخدا
VIRGIN .... سنبله
VIRGO .... سنبله
VISCOUS .... چسبنده
VISIBILITY .... پدیداری ــ قابلیت دید
VOIDANCE WATER .... منجلاب
VOLCANIC ASH .... خاکستر آتشفشانی
VOLCANIC BOMBS .... گلوله‌های آتشفشانی
VOLCANIC CINDER .... اخگرهای آتشفشانی
VOLCANIC CONE .... مخروط آتشفشانی
VOLCANIC DUST .... غبار آتشفشانی
VOLCANIC ISLAND .... جزیره آتشفشانی
VOLCANO .... آتشفشان
V SHAPED VALLEY .... درّه V شکل

W

WADI .... وادی
WALLACE'S LINE .... خط والاس
WARM FRONT .... جبهه گرم
WARM GLACIER .... یخچال گرم
WASHOUT .... شویش ــ آب بردگی
WASTE LAND/BARREN .... مجداب ــ یولاخ
WATCH .... ساعت
WATER .... آب
WATER DISTRIBUTER .... میراب
WATERFALL .... آبشار
WATER GAP .... آبکند
WATER HEMISPHERE .... نیمکره آبی
WATERING SCALE .... سنگان
WATER POWER .... آب نیرو
WATERSHED .... آب پخشان
WATER SNOW .... برفاب

TRANSGRESSION .... آب گستری ـ پیشروی
TRANSHUMANCE .... چراگشت ـ کوچ فصلی
TRANSIT .... عبور
TRANSITION .... تحویل ـ حلول
TRANSIT TRADE .. داد و ستد ترانزیت ـ تجارت ترانزیت
TRANSLITERATION ....
تبدیل اسامی جغرافیائی ـ نام گردانی جغرافیائی ....
TRANSPIRATION .... تعرّق
TRANSPORTATION .... ترابری ـ حمل و نقل
TRANSVERSE .... تراگذر
TRANSVERSE MERCATOR PROJECTION ....
سیستم تصویر ترسورز مرکاتور ....
TRANSVERSE VALLEY .... درّه عرضی
TRAVERSE .... پیمایش
TRAVERTINE .... آبفشانسنگ آهکی
TREATY PORT .... بندر پیمانی
TREE LINE .... دار مرز
TRIANGLE .... مثلث
TRIANGULATION .... مثلث بندی
TRIASSIC .... تریاسیک
TRIBE .... طایفه ـ قبیله ـ ایل
TRIBE ROAD .... ایل راه
TRIBES .... عشایر
TRIBUTARY .... ریزابه
TRIGONOMETRY .... مثلثات
TRILLION .... تریلیون
TRILOBITE .... تری لوبیت
TRIMETROGON PHOTOGRAPHY .... عکاسی تری متروگون
TROMBE .... ترومب
TROPICAL .... مدارگان
TROPICAL AIR MASS .... توده هوای مدارگانی
TROPICAL CLIMATE .... اقلیم مدارگانی
TROPICAL CYCLONE .... چرخه مدارگانی ـ چرخه استوائی
TROPICAL DESERT CLIMATE .... اقلیم بیابانی حاره‌ای
TROPICAL GRASSLAND .... علفزار استوائی
TROPICAL RAIN FORESTS جنگلهای منطقه استوائی بارانی
TROPICAL YEAR .... سال اعتدالی
TROPIC OF CANCER .... مدار رأس السرطان
TROPIC OF CAPRICORN .... مدار رأس الجدی
TROPICS .... مداران
TROPOPAUSE .... گشتمرز
TROPOPHYTE .... دورست
TROPOSPHERE .... گشت اسپهر ـ گشتکره

TRUE HORIZON .... افق حقیقی
TRUE NORTH .... شمال حقیقی
TRUST .... تراست
TRUSTEESHIP .... قیمومت
TSUNAMI .... تسونامی ـ زلزله دریائی ـ آبلرزه
TUFF .... توف
TUFFISITE .... توفسنگ
TUNDRA .... توندرا
TUNNEL .... تونل
TURBULENCE .... آشوب
TURN PIKE .... راهدار خانه
TURQUOISE .... فیروزه
TWILIGHT .... بین الطلوعین
TYPHOON .... توفان دریای چین
TYPOGRAPHY .... چاپ سربی



ULOTRICHOUS .... مجعد موی
ULTRAVIOLET RAYS پرتوهای فرابنفش ـ اشعه ماوراء بنفش
UNCONFORMITY .... دگرشیبی
UNDERCUTTING .... زیربری
UNDER DEVELOPED AREA .... منطقه عقب افتاده
UNDERGROUND STREAM .... روانه زیرزمینی
UNDERGROWTH .... زیررست
UNEVEN LAND .... نشاورد
UNION .... اتحادیه
UNITED NATIONS ORGANIZATION .. سازمان ملل متحد
UNITEDS .... متحدین
UNIT OF TIME .... واحد زمان
UNIVERSAL DELUGE .... توفان عالمگیر
UNIVERSAL POLAR STEREOGRAPHIC GRID ....
شبکه‌بندی یو . پی . اس ....
UNIVERSAL TIME .... زمان جهانی
UNIVERSAL TRANSVERSE MERCATOR GRID ....
شبکه بندی یو . تی . ام ....
UNIVERSE .... کیهان ـ جهان ـ گیتی ـ عالم
UNUTILIZED LAND .... بایر
UP-HILL .... سربالا

TEMPERATE ZONE .... منطقه معتدله

TEMPERATURE ....

میزان الحراره ـ حرارت ـ دما ـ درجه حرارت ....

TEMPERATURE ANOMALIES .... ناهنجاری‌های دما

TENT HILL .... خیمه تپه

TERMINAL .... پایانه

TERMINAL MORAINE .... یخرفت پایانه‌ای

TERRACE .... تراس ـ تختان

TERRACE CULTIVATION .... کشتزار تختانی

TERRACETTE .... تختانک ـ تراست

TERRESTRIAL GLOBE .... کره جغرافیائی

TERRESTRIAL MAGNETISM ....

خاصیت مغناطیس زمین ـ آهنربائی زمین ....

TERRIGENOUS DEPOSITS .... خاکراد

TERRITORIAL WATERS . آبهای سرزمینی ـ آبهای ساحلی

TERRITORY .... سرزمین

TERTIARY PERIOD .... دوره سوم زمین شناسی

TESHRIN .... تشرین

TETRAHEDRAL THEORY .... نظریه هرم سه وجهی

TEXTURE OF SOIL .... بافت خاک

THALWEG .... تالوگ ـ خط القعر

THAW .... یخگشا

THEMATIC MAP .... نقشه موضوعی

THEODOLITE .... تئودولیت ـ زاویه یاب

THEORY OF CONTINENTAL DRIFT ....

نظریه رانه قاره‌ای ـ نظریه جابجایی قاره‌ها ....

THEORY OF EXPANSIONAL UNIVERSE ....

نظریه جهان انبساطی ....

THEORY OF ISOSTASY .... نظریه همستادی

THEORY OF POLAR WANDERING . فرضیه آوارگی قطبین

THEORY OF RELATIVITY .... فرضیه نسبیت

THERMAL FRACTURE .... دما شکست

THERMAL METAMORPHISM .... دما دگرگونی

THERMOGRAM .... دما نگاشت

THERMOGRAPH .... حرارت نگار ـ دما نگار

THERMOMETER حرارت سنج ـ دماسنج ـ گرماسنج ـ ترمومتر

THERMOSPHERE .... دما اسپهر ـ دما کره

THE WORLD WATERS .... آبهای زمین

THICKET .... انبوهه

THORN FOREST .... خار بیشه

THUNDER ....

هزج ـ آسمان غرنبه ـ رعد ـ تندر ـ کنور ـ غرش آسمان ...

THUNDERSTORM .... توفان تندری

TIDAL ANALYSIS .... واکاوت کشندی

TIDAL CURRENTS .... جریانهای کشندی

TIDAL DATUM .... مبنای کشندی

TIDAL GLACIER .... یخچال کشندی

TIDAL RANGE .... برد کشندی

TIDAL THEORY .... نظریه کشندی

TIDAL WAVES .... امواج کشندی

TIDE .... جزر و مد ـ کشند

TIDE MILL .... آسیاب کشندی

TIDES .... کشند ـ کشاهل

TIDE WATER .... کشنداب

TIMBER LINE .... مرز رویش گیاهان ـ دارمرز

TIME .... زمان

TIME CAPSULE .... کپسول زمان

TIME SIGNALS .... علائم زمانی

TIME ZONE .... قاچ ساعتی ـ منطقه زمانی

TIME ZONES .... مناطق زمانی

TIN .... قلع

TOBACCO .... توتون ـ تنباکو

TON .... تن

TO OXIDIZE .... اکسیدن

TOPAZ .... زبرجد

TOPOGRAPHIC MAP .... نقشه توپوگرافی

TOPOGRAPHIC SCIENCE .... علم توپوگرافی

TOPOGRAPHY .... توپوگرافی

TOPOLOGICAL MAP .... نقشه توپولوژی

TOPOLOGY .... توپولوژی

TOPONYMY .... توپونومی ـ جای نام شناسی

TOPSOIL .... زبرخاک

TORNADO .... توفان پیچنده

TORRENT .... سیلاب

TORRID ZONE .... منطقه حاره

TOURISM .... جهانگردی

TOWN .... شهرک

TOWN MAP .... نقشه شهری

TOWNSHIP .... ولایت ـ شهرستان

TRACHYTE .... زبره سنگ

TRADE ROUTE .... راه تجارتی

TRADE WINDS .... بادهای بسامان ـ بادهای تجارتی

TRAFIC CAPACITY .... ظرفیت ترافیک

TRANS .... ترا

STRIAE .... خش

STRIKE .... استرایک

STROMBOLIAN ERUPTION .... فوران استرومبولی

STRUCTURE .... ساخت

STRUCTURE OF THE EARTH .... ساختمان زمین

STRUGGLE FOR EXISTENCE .... تنازع بقاء

SUB CARDINAL POINTS .... جهات فرعی

SUBMARINE TOPOGRAPHY .... توپوگرافی زیر دریا

SUBMERGIBLE .... سیل گیر

SUB-POLAR REGION .... منطقه نیمه قطبی

SUBSEQUENT RIVER .... میانرود

SUBSIDENCE .... فرونشینی

SUBSOIL .... زیر خاک

SUBTROPICAL .... گرد مداری

SUB-TROPICAL REGION .... منطقه نیمه گرمسیری ـ منطقه نیمه استوائی

SUBURB .... حومه

SUEZ CANAL .... کانال سوئز

SULPHUR .... گوگرد

SUMATRA .... سوماترا

SUMMER .... تابستان

SUMMER QUARTER .... ییلاق

SUMMER SOLSTICE .... انقلاب تابستانی

SUMMER TIME .... ساعت تابستانی

SUMMIT .... چکاد

SUN .... خورشید ـ هور

SUN DIAL .... شاخص آفتاب ـ ساعت آفتابی

SUNLIT .... آفتابگیر ـ آفتاب رو

SUN RADIATION .... تشعشع خورشیدی

SUNRISE .... سر زدن آفتاب ـ طلوع خورشید

SUNSET .... غروب خورشید

SUNSHINE .... آفتاب

SUNSHINE RECORDER .... آفتاب سنج

SUNSPOTS .... کلف‌های خورشیدی ـ لکه‌های خورشیدی

SUNSTROKE .... آفتاب زدگی

SUPERCOOLING .... فرو تافت

SUPERFICIAL DEPOSITS .... نهشت‌های سطحی

SUPERHEATED STEAM .... بخار فرا تافته

SUPERIOR PLANETS .... سیارات زبرین

SUPER NOVA .... ابر نواختران

SUPERSONIC .... ابر صوتی ـ سوپرسونیک

SURFACE EVAPORATION .... تبخیر سطحی

SURFACE WAVES .... امواج سطحی

SURPLUS WATER .... هرزاب

SURVEYING .... نقشه‌برداری ـ مساحی

SUSPENSION .... دروا

SWAMP .... باتلاق ـ باطلاق

SWASH .... کفموج

SWELL .... خیزاب

SYNCLINAL VALLEY .... دره ناودیسی

SYNCLINE .... ناودیس

SYNCLINORIUM .... ناودیس شکنجی

SYNOPTIC CHART .... نقشه سینوپتیک

SYSTEMATIC GEOGRAPHY .... جغرافیای سیستماتیک

SYSTEMATIC SAMPLING .... نمونه برداری سیستماتیک

SYZYGY .... مقارنه

T

TABLELAND .... تختال

TACHEOMETER .... تاکئومتر

TACHEOMETRY .... تاکئومتری

TACTICS .... رزم‌آرایی

TACTUAL MAP .... نقشه بساوایی

TAIGA .... تایگا

TALC .... طلق ـ تالک

TALUS .... سنگریز

TALWIND .... زبرباد

TAMMUZ .... تموز

TANK .... آب انبار

TANKER .... تانکر

TAR .... قطران

TARN .... دریاچه کوهستانی

TAURUS .... ثور

TAX .... مالیات

TEA .... چای

TECTONIC .... زمینساخت

TEKTITE .... تکتیت

TELEMETER .... دورسنج

TELESCOPE .... تلسکوپ

TELLUROMETER .... تله رومتر

SOUTH POLE .... قطب جنوب
SOVEREIGNTY .... حاکمیت
SOVKHOS .... سوخوز
SPACE .... فضا
SPACE BIOLOGY .... زیست شناسی فضائی
SPACE EXPLORATION .... فضاپویی
SPACE PORT .... بندر فضائی
SPACE STATION .... پایگاه فضائی
SPACE TIME .... جاگاه ـ فضا زمان
SPATE .... طغیان
SPECIAL MAPS .... نقشه‌های ویژه
SPECIES .... جنس
SPECIFIC GRAVITY .... چگالی
SPECIFIC TARIFF .... تعرفه خاص
SPECIFIC VOLUME .... حجم مخصوص
SPECTRAL CLASSES .... طبقات طیفی
SPECTROGRAM .... طیف نگاشت
SPECTROGRAPH .... طیف نگار
SPECTROHELIOGRAM .... خور طیفنگاشت
SPECTROHELIOGRAPH .... خور طیفنگار
SPECTROMETER .... طیف سنج
SPECTROSCOPE .... طیف نما ـ اسپکتروسکوپ
SPECTRUM .... طیف
SPEIROGENSIS MOTIONS .... حرکات خشکیزائی
SPELEOLOGY .... غارشناسی
SPHERE .... کره
SPHERE OF INFLUENCE .... منطقه نفوذ
SPHERE OF THE EARTH .... کره زمین
SPHERICAL SECTOR .... قطاع کروی
SPHERICAL TRIANGLE .... مثلث کروی
SPHERICAL WEDGE .... قاچ کروی
SPHEROID .... شبه کره
SPIRAL GALAXIES .... کهکشانه‌های مارپیچی
SPIT .... زبانه
SPLAYING CREVASSE .... کافت اریب
SPONGE .... اسفنج
SPOT HEIGHT .... نقطه ارتفاعی
SPRING .... بهار ـ چشمه
SPRING EQUINOX .... اعتدال بهاری ـ اعتدال ربیعی
SPRINGS .... چشمه سار
SPRING SHOWERS .... رگبارهای بهاری
SPRING TIDE .... مهکشند

SPRINKLER IRRIGATION .... آبیاری قطره‌ای
SQUALL .... باد زد ـ باد و بوران
SQUARE CENTIMETER .... سانتیمتر مربع
STACK .... کومه
STALACTITE .... چکنده ـ دنگال ـ گلفهشنگ ـ استالاکتیت
STALAGMITE .... گلفهشنگ وارونه ـ دنگاله ـ چکنده ـ استالاگمیت
STANDARD PARALLEL .... مدار استاندارد ـ مدار تماس
STANDARD TIME .... ساعت رسمی ـ زمان استاندارد ـ زمان رسمی
STAR .... کوکب ـ اختر
STARS .... ثوابت ـ ستارگان
STATE .... ایالت
STATISTICS .... آمار
STATUTE MILE .... میل حقیقی
STEAM .... بخار
STEAM FOG .... مهدمه ـ مه بخاری ـ مه یخی
STEEL .... فولاد ـ پولاد
STELLAR MAGNITUDE .... قدر
ST.ELMO'S FIRE .... درخش سنت المو
STEP-FAULT .... گسله پله کانی
STEPPE .... استپ ـ کلاک
STEREOGRAPHIC PROJECTION .... سیستم تصویر استرئوگرافی
STEREOSCOPE .... برجسته نما ـ استرئوسکوپ
STEREOSCOPY .... برجسته بینی
STONE AGE .... عصر حجر
STONE RIVER .... رود سنگ
STONY LAND .... سنگلاخ
STORM .... توفان ـ طوفان
STOWED WINDS .... بادهای تنحیده
STRAIT .... تنگه ـ باب
STRATEGY .... فرآمایی
STRATIFICATION .... چینه بندی ـ چینه سازی
STRATIFIED ROCKS .... سنگهای مطبق
STRATIGRAPHY .... چینه شناسی
STRATOCUMULUS .... ابر استراتوکومولوس
STRATOPAUSE .... استراتوپوز ـ پوشمرز
STRATOSPHERE .... استراتوسفر ـ پوش اسپهر ـ پوشکره
STRATUM .... چینه
STRATUS .... ابر استراتوس
STREAM .... روانه ـ نهر

SEXOLOGY .... زادشناسی
SEXTANT .... سکستانت
SHADOW .... سایه
SHALE .... سنگ رستی
SHAMAL .... باد شمال
SHARE CROPPING .... نظام سهم بردن از محصول
SHEEP FOLD .... آغل
SHEEP TRACKS .... تختانک
SHIELD .... سپر
SHIELD VOLCANO .... آتشفشان سپری
SHOAL .... آبتل
SIAL .... سیال
SIDEREAL DAY ....
شبانروز نجومی — روز نجومی — روز ستاره‌ای ....
SIDEREAL NOON .... ظهر نجومی
SIDEREAL TIME .... زمان نجومی — ساعت نجومی
SIDEREAL YEAR .... سال ستاره‌ای — سال نجومی
SIDERITE .... آسمانکان
SIDEROLITE .... آسمانسنگ
SIERRA .... سیرا
SIGN OF THE ZODIAC .... برج
SILICA .... سیلیس
SILK .... ابریشم
SILK ROAD .... جاده ابریشم
SILT .... فرش
SILT SOIL .... فرشخاک
SILURIAN .... سیلورین
SILVER .... نقره
SIMA .... سیما
SIMOON .... باد سام
SINK-HOLE .... چاهک — قیف
SINTER .... آبفشانسنگ
SINUSOIDAL PROJECTION ....
سیستم تصویر سانسون فلمستید ....
SIRIUS .... شعرای یمانی
SIROCCO .... سیروکو
SKETCH .... گرده — طرح
SKULL CAP .... عرقچین کروی
SKY .... آسمان
SLATE .... سنگ لوح
SLAVS .... اسلاو

SLICKENSIDE .... سوده رخ
SLIDE .... سرسره
SLIME .... لجن — علیژن
SLOPE .... درکه — شیب — سراشیب — سرازیر
SLOPPING COURSE .... آبشیب
SMALL CIRCLE .... دایره صغیره
SMALL MOUND .... کپه
SMALL VILLAGE .... کوره ده
SMOG .... دودمه
SMOKE .... دود
SNOW .... برف
SNOW DRIFT .... برف بادآورد
SNOW-FIELD .... برفنا — برف پهنه
SNOW-GAUGE .... برف سنج
SNOW-LINE .... برفمرز
SOAP STONE .... سنگ صابون
SOCIAL GEOGRAPHY .... جغرافیای اجتماعی
SOCIALISM .... سوسیالیسم
SOCIETY .... جامعه
SOCIOLOGY .... جامعه شناسی
SOIL .... خاک
SOIL CREEP .... زمین خزه
SOIL EROSION .... فرسایش خاک
SOIL PROFILE .... مقطع خاک — نیمرخ خاک
SOLAR CONSTANT .... ثابت خورشیدی
SOLAR DAY .... شبانروز خورشیدی — روز خورشیدی
SOLARIMETER .... خورتاب سنج
SOLAR SYSTEM .... منظومه شمسی
SOLAR WIND .... باد خورشیدی
SOLAR YEAR .... سال خورشیدی — سال شمسی
SOLIFLUCTION .... خاکسره
SOLONCHAK .... سولونچک
SOLSTICES .... انقلابین
SOLUTION .... انحلال — محلول
SOUND .... صوت
SOUND BARRIER .... دیوار صوتی
SOUNDING .... ژرفایابی — عمق یابی
SOURCE .... سرچشمه
SOUTH .... جنوب
SOUTHERN CROSS .... صلیب جنوبی
SOUTHERN HEMISPHERE .... نیمکره جنوبی
SOUTHERN LIGHT .... سپیده جنوبی

SAINT ELMO'S FIRE .... آتش سنت المو
SALINE SOILS .... شورخاک
SALINITY .... شورا ــ درجه شوری آب
SALT .... نمک ــ سنگ نمک
SALT DOME .... نمکتود
SALT-FLAT .... نمکزار ــ شوره‌زار ــ نمکسار ــ نمک لاخ ــ کتبر
SALT LAKE .... دریاچه شور ــ دریاچه نمک
SALT LAND .... شور بوم
SALTPETER .... شوره
SAND .... ماسه
SANDBANK .... سکوی شنی ــ کرانماسه
SAND-BAR .... دماغه شنی
SANDSTONE .... ماسه سنگ
SANDSTORM .... ماسه باد
SANDY .... شن زار
SANDY REGION .... ریگزار
SANSKRIT .... سنسکریت
SANSON FLAMSTEED PROJECTION ....
.... سیستم تصویر سانسون فلمستید
SAPROPEL .... پوده گل
SAPROPHYTE .... پوده رست
SAROS .... ساروس
SATELLITE .... ماهواره ــ قمر مصنوعی
SATURATION .... اشباع
SATURN .... زحل ــ کیوان
SAVANA .... علفزار استوائی ــ ساوانا
SCHIST .... اردوال ــ پلمه سنگ
SCHMIDT THEORY .... فرضیه اشمید
SCINTILLATION .... چشمک زدن
SCORIA .... روباره
SCORPIUS .... عقرب
SCOTCH MIST .... مهباران
SCOUR .... ریگفرسائی
SCREE .... سنگریز
SCRIBING .... اسکرایبینگ
SEA .... دریا ــ بحر
SEA BREEZE .... نسیم دریا
SEAL .... سیل
SEA LEVEL .... سطح دریا
SEAMOUNT .... کوه دریائی
SEAPORT .... دریا بندر
SEASCARP .... پرتگاه دریائی
SEA-SHORE .... دریا کنار
SEASICKNESS .... دریازدگی
SEASON .... فصل
SEASONAL LAKE .... دریاچه فصلی
SEASONAL RIVER .... رود فصلی
SEA WAVE .... موج دریا
SEA WAY .... راه دریائی
SECOND .... ثانیه
SECONDARY DEPRESSION .... فرو بارک
SECONDARY WAVES .... امواج ثانویه
SECT .... تیره
SECTION .... برش
SECTOR .... قطاع
SEDIMENT .... تهنشست ــ مواد رسوبی
SEDIMENTARY ROCKS سنگهای تهنشستی ــ سنگهای رسوبی
SEDIMENTOLOGY .... رسوبشناسی
SEEPAGE .... آبره ــ زه
SEEPAGING LAND .... آبخیز ــ آبخیزگاه
SEGMENT .... قطعه
SEISMIC FOCUS .... کانون زمین لرزه
SEISMIC WAVES .... امواج زمین لرزه
SEISMOGRAPH .... لرزه نگار ــ زلزله نگار
SEISMOLOGY .... زلزله شناسی ــ لرزه شناسی
SEISMOMETER .... لرزه سنج ــ زلزله سنج
SEISMOMETRY .... لرزه سنجی
SEISTAN WIND .... باد سیستان
SEMIARID CLIMATE .... آب و هوای نیمکاب
SEMIARID CONTINENTAL CLIMATE ....
.... اقلیم نیمه خشک قاره‌ای
SEMIARID TROPICAL CLIMATE اقلیم حاره‌ای نیمه خشک
SEMI DESERT .... نیمه کویر
SENILE RIVER .... پیرانه رود
SEPARATION PLANE .... سطح انفصال
SEPTEMBER .... سپتامبر
SERICULTURE .... نوغان پروری
SERIES .... ریسه
SERPENTINE .... سرپانتین
SETTING .... غروب
SEVEN COLOURS .... هفت رنگ
SEVEN PLANETS .... سیارات هفتگانه
SEWAGE .... فاضلاب ــ پارگین ــ گنداب
SEX .... جنس

REEF .... آبسنگ ـ تپه دریائی ـ صخره آبی
REFERENDUM .... همه پرسی
REFINING .... تصفیه ـ پالایش
REFORESTATION .... احیاء جنگل
REFRACTION .... شکست ـ انکسار
REGELATION .... باز افسرد
REGIME .... رژیم
REGION .... ناحیه
REGIONAL DEVELOPMENT ....
آمایش سرزمینی ـ عمران منطقه‌ای ....
REGIONAL TRADE .... تجارت منطقه‌ای
REGRESSION .... پسروی
REJUVENATION .... بارفرسائی
RELATIVE HUMIDITY .... رطوبت نسبی
RELIEF LIKE MAP .... نقشه برجسته‌وار
RELIEF MAP .... نقشه برجسته
REMOTE SENSING .... سنجش از دور ـ دورکاوی
REPTILA .... خزندگان
REPUBLIC .... جمهوری
RERADIATION .... بازتافت
RESERVOIR .... دریاچه سد ـ مخزن سد
RESIDENT .... مقیم
RESIN .... رزین
RESISTANT ROCK .... سنگ مقاوم
RESURGENCE .... هرنج
REVERSED FAULT .... گسله وارونه
REVERSING LAYER .... طبقه برگردان
RHYOLITE .... ریولیت
RIAL .... ریال
RICE .... برنج
RICE FIELD .... گرنجار ـ شالیزار
RICE PADDY .... برنجزار ـ برنجار
RICHTER SCALE .... درجه ریشتر
RIDGE & VALLEY .... کوهستان
RIFT VALLEY .... درّه نشستی ـ فروزمین
RIGEL .... رجل الجبار ـ رجل الجوزا
RIGEL KENTAURUS .... رجل قنطورس
RIGHT ASCENSION .... رایت اسنسیون
RIGHT BANK RIVER .... ساحل راست رودخانه
RIGHT OF ASYLUM .... حق پناهندگی
RIGHTS .... حقوق

RILL EROSION .... جوی فرسائی
RIME .... یخبست
RING ROAD .... جاده کمربندی ـ راه کمربندی
RIP .... تلاطم
RISE .... طلوع
RIVER .... رودخانه ـ رود ـ نهر
RIVER BASIN .... آبگیر رودخانه
RIVER BED .... بستر رودخانه
RIVER CAPTURE .... رودگیری
RIVER LOAD .... رودبار ـ بار رود
ROAD .... جاده ـ راه
ROAD MAP .... راهنما
ROADSTEAD .... لنگرگاه طبیعی
ROARING FORTIES .... بادهای چهلگان
ROCHE MOUNTONN'EE پشته خاره‌ای،سنگهای گرده گوسفندی
ROCK .... سنگ
ROCK-FALL .... سنگشار
ROCK FLOUR .... سنگارد ـ سنگ آواری
ROCK GARDEN .... باغ سنگستانی
ROCK-SALT .... نمک سنگی
ROD .... شاخص
ROMAN CALENDAR .... تقویم رومی
ROPEY LAVA .... گدازه ریسمانی
ROSSI-FOREL SCALE .... درجه رسی فورل
ROTATION OF CROPS .... کشتگرد
ROTATION OF THE EARTH ....
حرکت وضعی زمین ـ چرخش زمین ....
ROUGH SEA .... کولاک
RUBBER .... کائوچو
RUBY .... یاقوت
RUINED PLACE .... خرابه
RUNNING WATERS .... آبهای جاری
RUNOFF .... رواناب
RYE .... چاودار

S

SABLIERE .... ماسه زار
SADDLE .... زینکوه
SAGITTARIUS/ARCHER .... قوس

PROMINENCES .... زبانه‌های خورشیدی
PROMONTORY .... سنگپوز
PROTECTORATE .... تحت الحمایه ــ مستعمره
PROTISTOLOGY .... آغازینه شناسی
PROTOCOL .... پروتکل
PROTON .... پرتون (پروتون)
PROTOZOIC ERA .... دوران نخست زیوی
PROTRACTOR .... نقاله
PROVINCE .... استان
PSYCHROMETER .... پسیکرومتر
PTERIDOLOGY .... سرخس شناسی
PTOLEMY'S ASTRONOMY .... هیئت بطلمیوس
PTOLEMY'S SYSTEM .... منظومه بطلمیوس
P.T.T .... پ . ت . ت
PULSATION THEORY .... فرضیه تپش
PUMICE .... سنگ پا
PYGMIES .... کوتوله‌ها ــ پیگمه‌ها
PYROMETER .... تفسنج

Q

QANAT .... قنات ــ کاریز
QUADRATURE .... تربیع
QUAGMIRE .... خلاب
QUARANTINE .... قرنطین
QUARTER .... محله
QUARTZ .... دّر کوهی ــ کوارتز
QUARTZITE .... سنگ کوارتز
QUATERNARY PERIOD .... دوره چهارم زمین شناسی

R

RACE .... نژاد
RADAR .... رادار
RADIAL DRAINAGE .... زهکشی شعاعی
RADIAN .... رادیان
RADIATION .... تافت ــ تشعشع
RADIATION FOG .... مه تشعشعی
RADIOACTIVE CARBON .... کربن رادیواکتیو
RADIO ACTIVITY .... رادیواکتیویته
RADIOACTIVITY DATING .... تاریخ گذاری بوسیله رادیواکتیویته
RADIO ASTRONOMY .... پرتو ستاره شناسی ــ نجوم رادیویی
RADIOCARBON DATING .... تاریخ گذاری بوسیله رادیو کربن
RADIOLARIAN OOZES .... لجن‌های رادیولری
RADIOMETEOROCRAPHY .... پرتو هوانگاری
RADIOSONDE .... رادیو سوند
RADIO TELESCOPE .... رادیو تلسکوپ
RADIO WAVES .... امواج رادیویی
RADIUM .... رادیوم
RAILWAY .... راه آهن
RAILWAY GAUGE .... عرض راه آهن
RAIN .... باران
RAINBOW .... رنگین کمان ــ قوس قزح ــ آژفنداک
RAIN FACTOR .... فاکتور بارندگی
RAINFALL .... بارش ــ بارندگی
RAIN GAUGE .... بارش سنج
RAIN SHADOW .... باران پناه
RAIN WASH .... باران شوئی
RAMPART .... سور
RANGE .... رشته
RANGE OF MOUNTAIN .... رشته کوه ــ سلسله کوه
RANGE OF TEMPERATURE .... برد دما
RAPIDS .... تنداب
RARE EARTH .... خاک‌های کمیاب
RARE GASES .... گازهای کمیاب
RAVINE .... فرکند
RAW MATERIAL .... مواد خام
REAL NOON .... ظهر حقیقی
REAL SOLAR TIME .... زمان خورشیدی حقیقی
REAL TIME .... ساعت حقیقی
REAUMUR SCALE .... درجه رئومور
RECLAMATION OF LAND .... احیاء زمین
RECONNAISSANCE MAPPING .... نقشه‌برداری شناسائی
RECTANGULAR DRAINAGE .... زهکشی راستگوشه
RECUMBENT FOLD .... چین خوابیده
RED CLAY .... سرخ رست
RED MUD .... سرخ گل
RED OXYDE .... خاک سرخ
RED SHIFT .... حرکت بطرف قرمز

PLANE OF THE ECLIPTIC .... سطح دایرة البروج
PLANET.......................... هرباسپ
PLANE-TABLE .... تخته سه پایه
PLANETARIUM ...... آسمان نما ــ افلاک نما ــ پلانتاریوم
PLANETARY WINDS .... بادهای سیاره‌ای
PLANETESIMAL HYPOTHESIS... فرضیه پیدایش سیارات
PLANETOID .... شبه سیاره
PLANETOLOGY .... سیاره شناسی
PLANETS .... سیارات
PLANIMETER .... پهنه سنج ــ پلانیمتر
PLANIMETRIC MAP .... نقشه پلانی متری
PLANIMETRY .... پهنه سنجی
PLANKTON......................... دروازی
PLANT.............................. گیاه
PLANTATION .... نهالستان
PLANT ECOLOGY .... بوم‌شناسی گیاهی
PLANTS .... رستنی‌ها
PLATEAU .... فلات
PLATE TECTONIC. تکتونیک صفحه‌ای ــ زمینساخت صفحه‌ای
PLATFORM .... ایوان
PLATINUM .... طلای سفید (پلاتین)
PLAYA .... دغ ــ مسیله ــ دک
PLAYFAIR'S LAW .... قانون پلی فر
PLEBISCITE .... رای عمومی
PLEIADES .... ثریا ــ پروین
PLEISTOCENE .... پلیئستوسن
PLISSEMENT .... چین خوردگی
PLOTONIC ROCKS .... سنگهای مغاکی
PLOTTABLE ERROR .... خطای قابل ترسیم
PLOUGH .... شخم
PLUG .... توپی
PLUG-VOLCANO .... توپی آتشفشان
PLUMB LINE .... شاغول
PLUTO .... پلوتون
PLUTONIC ROCKS .... سنگهای مغاکی
PLUVIOMETER .... بارانسنج
PLUVIOMETRIC COEFFICIENT .... ضریب بارانسنجی
PODZOL .... پودزل
POLAR CIRCLES .... مدارات قطبی
POLAR CLIMATE .... اقلیم قطبی
POLAR DISTANCE .... فاصله قطبی
POLAR EASTERLIES .... بادهای شرق وزان قطبی

POLAR FRONT .... جبهه قطبی
POLARIS .... جدی
POLAR LIGHT .... فروزه قطبی
POLAR PROJECTION .... سیستم تصویر قطبی
POLAR REGION .... ناحیه قطبی
POLAR STAR .... ستاره قطبی
POLAR WANDERING .... آوارگی قطبی
POLAR WINDS .... بادهای قطبی
POLAR ZONE .... منطقه قطبی
POLE .... قطب
POLES .... قطبین
POLICE .... شهربانی
POLITICAL GEOGRAPHY .... جغرافیای سیاسی
POLITICAL MAP..................... نقشه سیاسی
POLYCULTURE............... کشاورزی چند کشتی
POND .... حوض ــ استخر ــ برکه
POPULATION .... جمعیّت
POPULATION EXPLOSION. .... انفجار جمعیت
PORPHYRY............................. سنگ سماک
PORT .... بندر
POTAMOPLANKTON..................... رود دروازی
POTASSIUM............................. پتاسیم
POTATO .... سیب زمینی
POT HOLE .... چالاب
POUND .... پوند
POWDER .... باروت
POWDER AVALANCHE.................. بهمن گردی
PRAIRIE .... پرری
PRE-CAMBRIAN .... پری کامبرین
PRECESSION OF THE EQUINOXES.............
.... حرکت تقدیمی ــ تقدیم اعتدالین
PRECIPITATION .... ریزش ــ رسوب
PREVAILING WIND. .... باد غالب
PRIMARY WAVE .... موج اولیه
PRIMARY WAVES .... امواج اولیه
PRIMATOLOGY .... نخستینه شناسی
PRINCIPALITY .... امیر نشین ــ شاهزاده نشین
PRINTING .... چاپ
PROCESS .... فرایند
PROFILE .... نیمرخ
PROFILE OF A RIVER.. نیمرخ رودخانه ــ مقطع رودخانه
PROLUVIUM .... سیلرفت

PARSEC .... پارسک
PARTIAL DROUGHT .... خشکسالی جزئی
PARTY .... حزب
PASHTU .... پشتو
PASS .... گردنه ـ گردنگاه
PASSAGE .... معبر
PASTORAL FARMING .... دامپروری
PASTURE .... چراگاه ـ مرتع ـ چرام ـ راود
PAVEMENT .... رهفرش
PEAK .... تیغه کوه ـ قله
PEAT .... تورب
PEBBLE .... ریگ
PEBBLE MOUND .... ریگ پشته
PEDALFER .... خاکاهن
PEDIOCRATIC PERIOD .... دوره آرامش
PEDOCAL .... خاکاهک
PEDOGENESIS .... خاکزائی
PEDOLOGY .... خاک شناسی
PEGMATITE .... پگماتیت
PELAGIC .... دریا میانی
PELAGIC DEPOSITS .... نهشته‌های دریا میانی
PELITE .... سنگرس
PENDULUM .... آونگ
PENEPLAIN .... دشگون
PENINSULA .... شبه جزیره
PER CAPITA INCOME .... درآمد سرانه
PERCOLATION .... فرو روش
PERENNIAL STREAM .... روانه دائمی
PERIGEE .... حضیض
PERIHELION .... پری هلیون
PERIOD .... دوره
PERMAFROST .... یخبندان دائمی
PERMEABLE ROCKS .... سنگ‌های نفوذپذیر
PERMIAN .... پرمین
PERSEUS .... برساووش
PERSIA .... پرسیا
PERSPECTIVE PROJECTION .... تصویر پرسپکتیو
PERVIOUS ROCKS .... سنگ‌های آبکش ـ سنگ‌های نفوذپذیر
PETROCHEMISTRY .... پتروشیمی
PETROGENESIS .... سنگزائی
PETROGLYPH .... سنگ نگاره
PETROLEUM .... نفت
PETROLOGY .... سنگنگاری ـ سنگشناسی
PHACOLITH .... فاکولیت
PHASES OF THE MOON .... اهله قمر ـ صور ماه
PHENOLOGY .... ریستگرد
PHOSPHATE MATERIALS .... مواد فسفاته
PHOSPHATE ROCK .... سنگ فسفات
PHOSPHORITE .... فسفریت
PHOSPHORUS .... فسفر
PHOTOGEOLOGY .... فتو ژئولوژی
PHOTOGRAMMETRY .... فتو گرامتری
PHOTOGRAVURE .... فتوگراور
PHOTOLITHOGRAPHY .... فتو لیتوگرافی
PHOTO MAP .... نقشه عکسی
PHOTON .... فوتون
PHOTOSPHERE .... رخشانکره
PHOTOSTAT .... فتو استات
PHOTOSYNTHESIS .... فتو سنتز
PHOTOTYPOGRAPHY .... فتو تیپوگرافی
PHYLOGENETICS .... حلبک شناسی
PHYLUM .... سلسله
PHYSICAL ANTHROPOLOGY .... مردم شناسی چهری
PHYSICAL GEOGRAPHY .... جغرافیای طبیعی
PHYSICAL MAP .... نقشه طبیعی
PHYSICAL WEATHERING .... سایند طبیعی
PHYSIOGNOMY .... قیافه شناسی
PHYSIOGRAPHY .... گیتانگاری ـ فیزیوگرافی
PHYTOGEOGRAPHY .... جغرافیای گیاهی
PHYTOLOGY .... زیست شناسی گیاهی
PI (π) .... پی
PIEDMONT .... دامنه کوه ـ کوهپایه
PIEDMONT GLACIER .... یخچال کوهپایه‌ای
PILLOW LAVA .... بالشتک آتشفشانی
PIPE LINE .... خط لوله
PISCES .... حوت
PISCIS AUSTRALIS .... حوت جنوبی
PIT .... گریسنگ
PITCH .... قیر
PLAGE .... پلاژ
PLAGIAN .... دریا میانی
PLAIN .... جلگه ـ دشت ـ هامون
PLAN .... پلان ـ طرح

OKTA .... اکتا
OLD STONE AGE .... عصر حجر قدیم
OLIGOCENE .... اولیگوسن
OLIVE .... زیتون
ONE CELLED .... تک یاخته
OOZE .... گل مایع ـ شلکا
OPACO .... دامنه برفگیر
OPHIUCHUS/SERPENTARIUS .... حوّاء
OPISOMETER .... اوپیسومتر
OPPOSITION .... روبروئی ـ مقابله
OPTIMUM POPULATION .... جمعیّت مطلوب
ORBIT .... مدار
ORBIT OF THE EARTH .... مدار زمین ـ مدار گردش سالیانه زمین ـ مدار حرکت انتقالی زمین...
ORDER .... راسته
ORDER OF STREAMS .... طبقه‌بندی روانه‌ها
ORDINATE .... عرض نقطه
ORDOVICIAN .... اوردوویسین
ORDU .... اردو
ORE .... کانه ـ سنگ معدن
ORGANIC .... اندامگانی
ORGANIC WEATHERING .... سایند اندامگانی
ORIGIN OF A GRID .... مبنای شبکه‌بندی
ORION .... جبّار
OROGENIC .... کوهزا
OROGENY .... کوهزائی
OROGRAPHIC RAIN .... باران کوهزاد
OROGRAPHY .... کوه شناسی
ORTHODROME .... اورتودروم
ORTHOGRAPHIC PROJECTION .... سیستم تصویر اورتوگرافی
ORTHOMORPHIC PROJECTION .... سیستم تصویر اورتومورفیک
OUNCE .... اونس
OUTCROP .... برونزد ـ رخنمون
OUTLIER .... برونهشته
OUTWASH .... یخابرفت
OUTWASH PLAIN .... دشت یخابرفتی
OVERBURDEN .... پوشینه
OVERCAST .... ابرناک
OVERFOLD .... چین برگشته
OVER POPULATION .... فزونی جمعیت
OVERTHRUST .... روراندگی
OXBOW LAKE .... دریاچه طوقی
OXIDATION .... اکسایش ـ اکسیداسیون
OXIDIZER .... اکسنده
OXYGEN .... اکسیژن
OZONE .... اوزون

P

PACIFIC OCEAN .... اقیانوس کبیر ـ اقیانوس آرام
PACKET BOAT .... کشتی پستی
PACK-ICE .... یختود
PADDY .... شالی
PAKHTU .... پختو
PALAEOCENE .... پالئوسن
PALAEOLITHIC AGE .... عصر پارینه سنگی
PALAEOMAGNETISM .... مغناطیس دیرین
PALAEONTOLOGY .... دیرین شناسی
PALEOBOTANY .... دیرین گیاهشناسی
PALEOCHRONOLOGY .... دیرین گاه شناسی
PALEOCLIMATOLOGY .... دیرین وا‌شناسی
PALEOECOLOGY .... دیرین بومشناسی
PALEOGEOGRAPHY .... جغرافیای دیرینه
PALEOGRAPHY .... دیرین نگاری
PALEOLITH .... پارینه سنگ
PALEOLITHIC .... پارینه سنگی
PALEOLITHIC AGE .... عصر پارینه سنگی
PALEOZOIC ERA .... دوران دیرین زیوی
PAMPAS .... پامپاس
PANAMA .... پاناما
PANAMA CANAL .... کانال پاناما
PANHANDLE .... باریکه
PANNAGE .... علفچر
PANORAMA .... دورنما
PANTOGRAPH .... پانتوگراف
PAPER .... کاغذ
PARALLAX .... دیدگشت ـ اختلاف منظر
PARALLEL .... مدار
PARALLEL DRAINAGE .... زهاب‌های همرو
PARALLELS OF LATITUDE .... مدارات عرض جغرافیائی
PARK .... پارک
PARLIAMENT .... مجلس
PAROXYSMAL ERUPTION .... فوران شدید

NATURAL COAST .... کرانه طبیعی
NATURAL FEATURE .... عارضه طبیعی
NATURAL GAS .... گاز طبیعی
NATURAL HISTORY .... تاریخ طبیعی
NATURAL LANDSCAPE .... چشم انداز طبیعی
NATURAL SCIENCES .... علوم طبیعی
NATURAL SELECTION .... انتخاب طبیعی
NATURE RESERVE .... منطقه حفاظت شده
NAUTICAL MILE .... میل دریائی
NEANDERTAL MAN .... انسان نئاندرتال
NEAP TIDE .... کهکشند
NEAR EAST .... خاور نزدیک ـ شرق نزدیک
NEBULAE .... ابریها ـ سحابیها
NEBULAR HYPOTHESIS .... فرضیه ابری ـ فرضیه سحابی
NECK .... گلوگیر
NEKTON .... شناری
NEOLITHIC .... نوسنگی
NEOLITHIC AGE .... عصر نوسنگی
NEPHOSCOPE .... ابرنما
NEPTUNE .... نپتون
NERITIC .... پایابی
NET EMIGRATION .... مهاجرت خالص
NETWORK .... شبکه
NEUTRALITY .... بیطرفی
NEVE .... یخبرف
NEW MOON .... محاق ـ ماه نو
NEW STONE AGE .... عصر حجر جدید
NEW WORLD .... ینگه دنیا
NEW YEAR'S DAY .... نوروز
NICHE-GLACIER .... یخچالک
NICKEL .... نیکل
NIGHT .... شب
NIMBOSTRATUS .... ابر نیمبو استراتوس
NIMBUS .... ابر نیمبوس
NITRATES .... نیترات‌ها
NITROGEN .... ازت
NIVATION .... برفساب
NOCTILUCENT CLOUD .... ابر شبتاب
NODULE .... ندول
NOMADISM .... چادر نشینی
NOON .... ظهر ـ هجیر
NORMAL EROSION .... فرسایش عادی
NORMAL FAULT .... گسله معمولی
NORTH .... شمال
NORTHEAST TRADES .... بادهای بسامان شمالی
NORTHERN HEMISPHERE .... نیمکره شمالی
NORTHERN LIGHT .... سپیده شمالی
NORTHING .... عرض شمالی
NORTH MAGNETIC POLE .... شمال مغناطیسی
NORTH POINT .... نقطه شمالی
NORTH POLE .... قطب شمال
NOR-WESTER .... نوروستر
NOVAS .... نواختران
NOVEMBER .... نوامبر
NUCLEAR ENERGY .... انرژی هسته‌ای
NUEE ARDENTE .... بهمن آتشین
NUMERICAL FORECAST .... پیش بینی رقومی
NURSERY .... قلمستان
NUTATION OF THE EARTH AXIS .... رقص محور زمین



OASIS .... واحه
OATS .... جو دوسر
OBLATE .... فرو رفتگی
OBLIQUE AERIAL PHOTOGRAPH .... عکس هوائی مایل
OBSEQUENT RIVER .... وارود
OBSERVATION .... رصد
OBSERVATORY .... رصدخانه
OBSERVER MERIDIAN .... نصف النهار ایستگاه
OBSIDIAN .... شیشه آتشفشانی
OCCLUDED FRONT .... جبهه انسدادی
OCCUPANCY RATE .... درچند انبوهی جمعیت
OCEAN .... اقیانوس
OCEAN CURRENTS .... جریان‌های دریائی
OCEANIA .... اقیانوسیه (استرالیا)
OCEANIC MUD .... گل اقیانوسی
OCEANOGRAPHY .... اقیانوس شناسی
OCHER .... گل اخرا
OCTOBER .... اکتبر
ODOGRAPH .... راه نگار
ODOMETER .... اودومتر
OFFSET PRINTING .... چاپ افست

MILKY WAY GALAXY	کهکشان راه شیری
MILLENNIUM	هزاره
MILLET	ارزن
MILLIBAR	میلی بار
MILLIEM	ملیم
MILLIONAIRE CITY	شهر میلیونی
MILL STONE	سنگ آسیا
MINE	معدن
MINERAL	کانی
MINERAL DEPOSIT	نهشت کانی
MINERALOGY	کانی شناسی ـ معدن شناسی
MINERAL SPRING	چشمه آب معدنی
MINERAL WATER	آب معدنی
MINORITY	اقلیت
MINUTE	دقیقه
MIOCENE	میوسن
MIRAGE	سراب ـ سرابه
MIRE	گلابه
MIST	مه تنک
MOCK MOON	مهدیس
MOCK SUN	خوردیس
MODERATE SUBPOLAR CLIMATE	اقلیم نیمه قطبی معتدل
MOFETTE	گازخان
MOLASSE	ملاس
MOLLWEIDE'S PROJECTION	سیستم تصویر مولوید
MOLYBDENUM	مولیبدن
MONADNOCK	فراسنگ
MONOCLINAL FOLD	چین تکشیب
MONOCLINE	تکشیب
MONOCULTURE	کشاورزی تک کشتی
MONOLITH	تکسنگ
MONSOON	بادهای موسمی ـ مونسون
MONSOON FORESTS	جنگلهای برگریز
MOON	ماه ـ قمر ـ مانگ
MOONLIGHT	مهتاب ـ مهشید
MORAINE	یخرفت
MORNING STAR	ستاره بامدادی
MORPHOGENESIS	ریختزائی
MORPHOGRAPHIC MAP	نقشه مورفوگرافیک
MORPHOLOGY	ریختشناسی ـ ریخت
MORPHOMETRY	ریخت سنجی
MOSAIC	موزائیک عکس هوائی ـ پارچین
MOSS	خزاب
MOSS FOREST	خزاب جنگل
MOTION	حرکت
MOTORWAY	موتوروی ـ شاهراه
MOULIN	آسیاب یخچالی ـ شوره یخچالی
MOUND	پشته ـ تل ـ بردنگ ـ خاکتود
MOUNTAIN	کوه ـ جبل ـ داغ
MOUNTAIN BREEZE	نسیم کوهستان
MOUNTAIN CLIMATE	آب و هوای کوهستانی
MOUNTAIN GLACIER	توچال
MOUNTAINOUS	کوهستان ـ کوهسار
MOUNTAIN PASS	گدوک
MOUNTAIN SICKNESS	کوه گرفتگی ـ کوه زدگی
MOUNTAIN SLOPE	شیب کوه
MOUTH OF RIVER	دهانه رودخانه
MOVING POPULATION	جمعیت متحرک
MUD-POT	دیگچه گل
MUD RAIN	باران گل
MUD-VOLCANO	گلفشان
MULATTO	مولتو
MUNICIPALITY	شهرداری
MUTATION	جهش

N

NAB/NAZE	پوزه
NADIR	سمت القدم ـ پاسو
NAPPES	روراند
NARROW	تنگبار
NATION	ملت
NATIONAL	ملی
NATIONAL DEFENSE	پدافند ملی
NATIONAL GRID	شبکه‌بندی ملی
NATIONAL INCOME	درآمد ملی
NATIONALISM	ملی گرایی ـ ملت دوستی
NATIONALITY	ملیت
NATIONAL PARK	پارک ملی
NATIVE LAND	میهن ـ وطن
NATURAL BOUNDARY	مرز طبیعی
NATURAL BRIDGE	پل طبیعی ـ پلدیس

MAPPING	نقشه‌برداری
MAP PROJECTION	سیستم تصویر نقشه ــ تصویر نقشه
MAP SCALE	مقیاس نقشه
MARBLE	مرمر
MARCH	مارس
MARCHLAND	مرز بوم
MARINE BIOLOGY	زیست شناسی دریائی
MARINE SUBPOLAR CLIMATE	اقلیم نیمه قطبی دریائی
MARITIME CLIMATE	آب و هوای دریائی ــ اقلیم دریائی
MARKET TOWN	بازار شهر
MARL	آهکرس
MARNES	مارن‌ها
MARS	بهرام ــ مریخ
MARSH	مانداب
MASS	توده ــ حرم
MASSIF	گرانکوه
MASS MOVEMENT	توده لغزه
MATERIAL	ماده
MATERIALISM	ماتریالیسم
MATHEMATICAL GEOGRAPHY	جغرافیای ریاضی
MAY	مه
MAZUT	مازوت ــ نفت سیاه
MEADOW	مرغزار ــ النگ
MEANDER	چماب‌ــ‌رودپیچ
MEANDER SCAR	داغ چماب
MEAN NOON	ظهر متوسط
MEAN SEA LEVEL	سطح متوسط دریا ــ سطح مبنای ارتفاعات
MEAN SOLAR DAY	روز خورشیدی متوسط ــ شبانروز خورشیدی متوسط
MEAN SOLAR TIME	زمان خورشیدی متوسط ــ ساعت شمسی متوسط
MECCA WAY GALAXY	کهکشان راه مکه
MEDIAL MORAINE	یخرفت میانی
MEDICAL GEOGRAPHY	جغرافیای پزشکی (بهداشتی)
MEDITERRANEAN CLIMATE	آب و هوای مدیترانه‌ای
MEGALITH	خرسنگ
MEGALOPOLIS	مگالوپولیس
MEGAPARSEC	مگا پارسک
MEGATHERM	فرادما
MELON BED	جالیز
MENHIR	میلسنگ
MERCALLI SCALE	درجه مرکالی
MERCATOR'S PROJECTION	سیستم تصویر مرکاتور
MERCURY	تیر ــ عطارد ــ جیوه ــ سیماب
MERIDIAN	نصف النهار ــ نیمروز
MESOCEPHALIC	میانسری
MESOLITHIC AGE	عصر میانسنگی
MESOPOTAMIA	بین النهرین
MESOSPHERE	میان اسپهر ــ میانکره
MESOTHERM	میان دما
MESOZOIC ERA	دوران میان زیوی
MESTIZO	مستیزو
METABOLISM	سوخت و ساز
METAL	فلز
METAMORPHIC AUREOLE	هاله دگرگونی
METAMORPHIC ROCKS	سنگ‌های دگرگون
METAMORPHISM	دگرگونگی
METAMORPHOSIS	دگردیسی
METEOR	شهاب ــ شخانه
METEOR CRATERS	حفره‌های شهابی
METEORIC WATER	نزولات آسمانی
METEORITE	سنگ آسمانی ــ شهابسنگ
METEOROGRAPH	وابگوی ــ بالون گمانه‌ای
METEOROID	شهابوار
METEOROLOGY	اقلیم شناسی ــ هواشناسی
METEOR SHOWER	رگبار شهابی
METER	متر
METHANE	گاز مرداب ــ متان
METRIC SYSTEM	سیستم متریک
METROPOL	متروپل
METROPOLIS	متروپلیس
METROPOLITAN	متروپلیتن
MICROMETER	ریز سنج
MICRON	میکرن
MICROSEISM	کهلرزه
MICROTHERM	فرودما
MIDDLE AGES	قرون وسطی
MIDDLE EAST	خاور میانه ــ شرق وسطی
MIDDLE LATITUDES	عرضهای میانه
MIDDLE STONE AGE	عصر حجر متوسط
MID-LATITUDE	منطقه عرض میانه
MIDNIGHT SUN	خورشید نیمه شب
MID-OCEAN RIDGE	برجستگی‌های کف اقیانوس
MILE	میل
MILESTONE	فرسنگسار
MILITARY GRID	شبکه‌بندی نظامی

LIFE EXPECTANCY .... امید زندگی ـ متوسط عمر
LIGHTHOUSE .... فانوس دریائی ـ فار ـ منار
LIGHTNING ... درخش ـ برق ـ آذرخش ـ صاعقه ـ ذرخش
LIGHTNING ROD .... برقگیر
LIGHT PRESSURE .... فشار نور
LIGHT YEAR .... سال نوری
LIGNITE .... زغال قهوه‌ای ـ لیگنیت (لینیت)
LIME .... آهک
LIMESTONE .... سنگ آهک
LIMNOLOGY .... دریاچه شناسی
LIMON .... لای
LINE .... خط
LINGUISTICS .... زبانشناسی
LINMAP .... لین مپ
LITHARGE .... مردار سنگ
LITHOGRAPHY .... چاپ سنگی ـ لیتوگرافی
LITHOLOGY .... سنگشناسی
LITHOMETEOR .... شهابگرد
LITHOSPHERE .... سنگ اسپهر ـ سنگکره
LITRE .... لیتر
LITTORAL .... کرانی
LITTORAL DEPOSITS .... نهشت‌های کرانی
LOAM SOIL .... ابلیز
LOCAL GROUP .... گروه محلی
LOCAL TIME .... ساعت محلی ـ زمان محلی
LOCKS .... آب بند ـ دربند
LOESS .... بادرفت
LOGARITHM .... لگاریتم
LONGITUDE .... طول جغرافیائی
LONGITUDINAL VALLEY .... دره طولی
LONGITUDINAL WAVE .... موج طولی
LONG PROFILE OF A RIVER .... نیمرخ طولی رودخانه
LONG-RANGE FORECAST .... پیش بینی دوربرد
LOPOLITH .... لوپولیت
LOWLAND .... زمین پست ـ فروبوم
LOW PRESSURE .... فروبار
LOW TIDE .... کشند پائین ـ فروکشند ـ جزر
LUMINOSITY .... تابندگی
LUNAR DAY .... روز قمری
LUNAR MONTH .... ماه قمری
LUNAR YEAR .... سال قمری
LYNCHET .... پادگانه

LYRA .... شلیاق



MAAR .... مار
MACH .... ماخ
MACKEREL SKY .... آسمان پیسه
MACROSEISM .... مهلرزه
MAGMA .... مواد گداخته ـ ماگما ـ مواد مذاب ـ تفتال
MAGMATIC WATER .... آب تفتالی
MAGNET .... مغناطیس
MAGNETIC COMPASS .... قطب نمای مغناطیسی
MAGNETIC DECLINATION .... انحراف مغناطیسی
MAGNETIC NEEDLE .... عقربه مغناطیسی
MAGNETIC POLE .... قطب مغناطیسی
MAGNETIC STORM .... توفان مغناطیسی
MAGNETISM .... آهنربائی
MAGNETOSPHERE .. مغناطکره ـ میدان مغناطیسی زمین
MAGNIFYING POWER .... درشتنمائی
MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE .. بزرگی زمین لرزه
MAIN LAND .... زمینلاد
MAIN OWNER .... عمده مالک
MAIZE .... ذرّت
MAIZE RAINS .... باران ذرّت
MALEKIAN CALENDAR .... تقویم ملکی
MAMMALIA .... پستانداران
MAMMATUS .... ابر ماماتوس
MAMMOTH .... ماموت
MAN .... انسان
MANDATE .... قیمومیت
MANDATE TERRITORY ....
.... نواحی تحت قیمومیت ـ سرزمین تحت قیمومیت
MANGROVE SWAMP .... باتلاق کرنا
MANIOC .... مانیوک (کاساوا)
MANTLE .... زیرپوش (جبه)
MANTLE OF THE EARTH .... گوشته زمین
MANTLE ROCK .... سنگپوش
MAP .... نقشه
MAP GRID .... شبکه بندی نقشه
MAP INDEX .... اندکس نقشه
MAP LEGEND .... راهنمای نقشه
MAP ORIENTATION .... توجیه نقشه

KELVIN SCALE .... درجه کلوین
KEPLER'S LAWS .... قوانین کپلر
KETTLE .... چاله
KETTLE HOLE .... دیگچال
KETTLE-MORAINE .... یخرفت چال
KEY .... مله
KHAMSIN .... خمسین
KHAZARS .... خزرها
KIBLAH .... قبله
KIBLAH DEVIATION .... انحراف قبله
KILOGRAM .... کیلوگرم
KILOGRAM FORCE .... کیلوگرم نیرو
KILOMETER .... کیلومتر
KILOPARSEC .... کیلو پارسک
KNICK POINT .... رودشکن
KNOLL .... رشن
KNOT .... گره ـ گره دریائی
KOEPPE CLASSIFICATION .... رده بندی کوپ
KOLKHOZ .... کلخوز
KRATOGEN .... کرتوژن
KUM .... قوم

L

LABOUR FORCE .... نیروی کار
LABRADOR CURRENT .... جریان لابرادور
LACCOLITE .... لاکولیت
LACUSTRINE DELTA .... دلتای دریاچه‌ای
LACUSTRINE PLAIN .... هامون دریاچه‌ای
LAGOON .... مرداب
LAGRANDELL .... لاگراندل
LAKE .... دریاچه ـ بحیره ـ دریاژه
LAKE DWELLER .... آبنشین
LAKE DWELLING .... آبسرا
LAKE RAMPART .... آبباره
LAMBERT'S CONICAL PROJECTION سیستم تصویر لامبر
LAND .... خشکی ـ برّ
LAND BREEZE .... نسیم خشکی
LAND BRIDGE .... کوچراه
LAND HEMISPHERE .... نیمکره خشکی
LAND ICE .... یخ زمینی
LANDSCAPE ARCHITECTURE .... زمین آرایی
LANDSLIDE .... زمین لغزه
LANGUAGE .... زبان
LAPLACE HYPOTHESIS .... فرضیه لاپلاس
LAPSE RATE .... افت دما
LARGE RIVER .... شاهرود ـ شط
LASER .... لیزر
LATERAL DUNE .... تلماسه پهلوئی
LATERAL EROSION .... فرسایش کناری
LATERAL MORAINE .... یخرفت کناری
LATERITE .... لتریت ـ خشتال ـ سرخاک
LATIN .... لاتین
LATIN AMERICA .... امریکای لاتین
LATITUDE .... عرض جغرافیائی
LAVA .... سعیر آتشفشانی ـ گدازه
LAW .... قانون
LAW OF GENERAL GRAVITATION .... قانون جاذبه عمومی
LAYER TINTING .... رنگ آمیزی ارتفاعات
LEACHING .... فروشست
LEAD .... سرب
LEAGUE .... فرسخ ـ فرسنگ
LEAGUE OF NATIONS .... جامعه ملل
LEAP YEAR .... سال کبیسه ـ کبیسه
LEEWARD .... بادپناه
LEGEND .... علائم قراردادی نقشه
LEGISLATOR POWER .... قوه مقننه
LEFT BANK RIVER .... ساحل چپ رودخانه
LENS .... عدسی
LEO .... اسد
LEVEE .... لوار ـ خاکریز
LEVEL .... تراز ـ طراز
LEVELLING .... ترازیابی
LEVELLING INSTRUMENT .... ترازیاب
LEVEL OF SATURATION .... سطح اشباع
LIANA .... پیچک
LIBERALISME .... لیبرالیسم
LIBRA .... میزان
LIBRATION .... لیبراسیون
LICHEN .... گلسنگ
LICHENOMETRY .... گلسنگ سنجی

INLIER .... درونهشته
INSECT .... حشره
INSOLATION .... خورتابگیری
INSULAR CLIMATE .. آب و هوای ساحلی ــ اقلیم ساحلی
INTENSE COLD .... شحام ــ زمهریر
INTENSITY & MAGNITUDE OF AN EARTHQUAKE ...
.... شدت و بزرگی زمین لرزه
INTENSIVE CULTIVATION .... کشت تنجیده
INTERFLUVE .... میاناب
INTERIOR DRAINAGE .... آبریز بسته
INTERIOR PLANETS .... سیارات زیرین
INTERLOCKING SPUR .... درّه هفتی
INTERMEDIATE DESERT CLIMATE ....
.... اقلیم بیابانی حد واسط
INTERMONT .... میان دو کوه
INTERNAL REVENUE .... درآمد داخلی
INTERNATIONAL BORDER .... مرز بین المللی
INTERNATIONAL DATE LINE ...... خط تغییر تاریخ ــ
خط تغییر روز ــ خط بین المللی تاریخ ــ خط روزگردان ....
INTERNATIONAL WATERS .... آبهای بین المللی
INTERPOLATION .... درونیابی
INTERSECTION .... تقاطع
INTRUSIVE ROCKS .... سنگهای نفوذی
INVAR .... فلز انوار
INVERSION TEMPERATURE .... دمای معکوس
INVERTASE .... قلب الاسد
INVERTED RELIEF .... واژونه
INVISIBLE EXPORTS .... صادرات نامرئی
IODE .... ید
IONOSPHERE .... یونکره ــ یون اسپهر
IRANIAN CALENDAR .... تقویم رسمی ایران
IRON .... آهن
IRON AGE .... عصر آهن
IRON ORE .... سنگ آهن
IRREGULAR GALAXIES ...... کهکشانه‌های نامنظم
IRRIGATION .... آبیاری
ISLAND .... جزیره ــ آبخست ــ آبخو
ISLAND ARC .... جزایر هلالی
ISLET .... جزیرک
ISOBAR .... خط همفشار
ISOBATH .... خط همژرفا
ISOCLINE .... چین همخواب
ISOGONIC LINE ...... خط هم انحراف ــ خط ایزوگونیک
ISOHALINE .... خط همشورا
ISOHEL .... خط همشید
ISOHYET LINE .... خط همبارش
ISOPLETH .... خط همچند
ISOSTASY .... همستادی
ISOTHERM LINE .... خط همدما
ISTHMUS .... برزخ

J

JALALIAN CALENDAR .... تقویم جلالی
JAMBOREE .... جمبوری
JANUARY .... ژانویه
JELTOZIOM .... زرد خاک
JET .... شبق ــ شبه
JET STREAM .... جت استریم
JOINT .... درزه
JOKUL .... کلاهک یخی
JUDICIAL POWER .... قوه قضائیه
JULIAN CALENDAR .... تقویم ژولین
JULY .... ژوئیه
JUNE .... ژوئن
JUPITER .... برجیس ــ هرمز ــ مشتری ــ زاوش ــ اورمزد ...
JURASSIC .... ژوراسیک
JUVENILE WATER .... آب جوان ــ برناب

K

KAOLIN .... کائولین
KARABURAN .... قره بوران
KARST .... کارست
KATABATIC .... فرورو
KATABATIC WIND .... باد فرورو
KAY .... مله

HOMOLOGRAPHIC PROJECTION سیستم تصویر هومولوگرافی
HOMOSEISMAL LINE .... خط هم لرز
HOOK .... آکج
HORIZON .... افق ــ کران
HORIZON SOIL .... خاک سطحی
HORIZON SYSTEM .... سیستم مختصات افقی
HORN .... هورن
HORSE LATITUDES .... عرضهای اسبی
HORST .... فرازمین ــ کوهه
HORTICULTURE .... بوستانکاری
HOT MINERAL WATER .... آب گرم
HOT SPRING .... چشمه آب گرم
HOUR .... ساعت
HOUR ANGLE .... زاویه ساعتی
HOUR CIRCLES .... دایره‌های ساعتی
HOUSEHALD .... خانوار
HUM .... آهکتود
HUMAN ECOLOGY .... بومشناسی مردمی
HUMID CONTINENTAL CLIMATE .. اقلیم قاره‌ای مرطوب
HUMIDITY .... رطوبت ــ نم
HUMID SUBTROPICAL CLIMATE ....
اقلیم نیمه حاره‌ای مرطوب ....
HUMUS .... گیا خاک
HUNDRED TWENTY DAYS WIND .. باد صد و بیست روزه
HURRICANE .... توفند
HURRICANE EYE .... چشم توفان
HUT .... زاغه
HYBRID .... دورگه
HYDRATATION .... هیدراتاسیون
HYDRO-ELECTRIC POWER ....
نیروی برقابی ــ نیروی هیدروالکتریک ....
HYDROGEN .... ئیدرژن
HYDROGEOLOGY .... هیدروژئولوژی
HYDROGRAPHY .... آبنگاری
HYDROLOGIC CYCLE .... گردش آب
HYDROLOGY .... آبشناسی
HYDROLYZE .... هیدرولیز
HYDROPHYTE .... نمرست
HYDROSPHERE .... آبکره ــ آب اسپهر
HYDROTHERMAL .... گرمابی
HYETOGRAPH .... بارش نگار
HYGROGRAM .... نمنگاشت
HYGROGRAPH .... نمنگار
HYGROMETER .... رطوبت سنج ــ نمسنج
HYGROSCOPE .... نمنما
HYPABYSSAL ROCKS .... سنگهای برمغاکی
HYPOTHESIS .... فرضیه
HYPSOMETER .... فرازسنج
HYPSOMETRIC CURVE .... منحنی فرازنما ــ فرازنما

I

ICE .... یخ
ICE AGE .... عصر یخبندان
ICEBERG .... کوه یخ ــ یخکوه ــ یخ شناور
ICE-BLINK .... یختاب
ICE-CAP .... یخپهنه
ICE-CAP CLIMATE ....
آب و هوای یخپهنه‌ای ــ اقلیم یخپهنه‌ای ....
ICEFALL .... یخشار
ICE FIELD .... یخزار
ICE-FLOE .... یخپاره
ICE FOG .... یخمه
ICE-FOOT .... یخپوزه
ICE SHEET .... یخسار
ICE SHELF .... جزیره یخی
IGNEOUS ROCKS .. صخره‌های آتشفشانی ــ سنگهای آذرین
IGNIS FATUUS .... فانوس شیطان ــ آتش مرداب
ILLUMINATING GAS .... گاز روشنائی
IMPERIALISM .... امپریالیسم
IMPERMEABLE ROCKS .... سنگهای نفوذ ناپذیر
IMPERVIOUS ROCKS .... سنگهای نفوذ پذیر
IMPORTS .... واردات
INCANDESCENT .... فروزان
INCISED MEANDER .... چماب کند
INCLINATION OF THE EARTH AXIS تمایل محور زمین
INDEX OF REFRACTION .... ضریب انکسار
INDIAN OCEAN .... اقیانوس هند
INDUSTRY .... صنعت
INFANT MORTALITY RATE . میزان مرگ و میر نوزادان
INFLATION .... تورم
INFRARED RADIATION .... پرتوهای فرو سرخ
INFRARED RAYS .... اشعه مادون قرمز
INHABITED QUARTER .... ربع مسکون
INLAND .... دروبوم
INLET .... شاخابه ــ خلیجک

GREAT CIRCLE ROUTE .... راه دایره عظیمه
GREEN BELT .... کمربند سبز
GREEN FLASH .... درخش سبز
GREEN HOUSE .... گرمخانه
GREEN HOUSE EFFECT .... اثر گرمخانه
GREEN MUD .... گل سبز
GREEN SAND .... ماسه سبز
GREENWICH .... گرینویچ (گرینیچ)
GREENWICH MEAN TIME (G.M.T) .... زمان متوسط گرینویچ (گرینیچ) ....
GREENWICH MERIDIAN .... نیمروز گرینویچ (گرینیچ) ــ نیمروز مبداء ....
GREGORIAN CALENDAR .... تقویم گرگوری
GRID NORTH .... شمال شبکه قائم‌الزاویه
GRIT .... درشتماسه سنگ
GRITSTONE .... درشتماسه سنگ
GROIN .... کرانه دار
GROUND WATER .... آب زیرزمینی
GROUP .... گروه
GROVE .... بیشه
GROWING SEASON .... فصل رویش
GULF .... خلیج
GULF STREAM .... جریان خلیج
GULLY .... لر ــ کال
GUM .... صمغ
GYPSUM .... سنگ گچ (ژیپس) ــ گچ
GYPSY .... کولی
GYROCOMPASS .... قطب نمای ژیروسکوپی
GYROSCOPE .... ژیروسکوپ

H

HABITAT .... بوم
HABOOB .... هبوب
HACHURE .... پرداز ــ هاشور
HADE .... شیب تمام
HAIL .... تگرگ ــ پسنگک
HALF CIVILIZED .... نیمه متمدن
HALF INDEPENDENT .... نیمه مستقل
HALITE .... نمک سنگی
HALO .... شایورد ــ هاله ــ شادورد
HANGING VALLEY .... درّه معلق ــ فراز درّه
HANGING WALL .... کمر بالا
HARBOUR .... بندرگاه
HARDPAN .... سخته
HARD WATER .... آب سخت
HARMATTAN .... هرمتن
HAZE .... نزم
HEADLAND .... سنگپور
HEAD OF NAVIGATION .... ناورس
HEAT .... گرما
HEATHLAND .... خلنجزار ــ خارستان
HEATSTROKE .... گرمازدگی
HECTARE .... هکتار
HEDGE .... پرچین
HEDGE OF THORNS .... خاربست
HEGIRA-LUNAR CALENDAR .... تقویم هجری قمری
HEGIRA-SOLAR CALENDAR .... تقویم هجری شمسی
HEIGHT .... بلندی
HEIGHT DATUM .... مبنای ارتفاعات
HELD IN COMMON .... مشاع
HELIOGRAPH .... خورنگار
HELIOTHERAPIE .... خوردرمانی
HELIUM .... هلیوم
HELMHOLTZ THEORY .... فرضیه هلمهولتز
HEMISPHERE .... نیمکره
HEN .... ماکیان
HERCULES .... جاثی علی رکبتیه
HERCYNIEN .... هرسی نین
HEREDITY .... توارث
HIBERNATION .... زمستانخوابی
HIGH LATITUDES .... عرضهای بالا
HIGH PRESSURE .... فرابار
HIGH TIDE .... مد ــ برکشند
HIGH WAY .... بزرگراه
HILL .... تپه ــ خرپشته ــ کتل
HILLOCK .... پرندک
HILL SHADING .... سایه زنی ارتفاعات
HILLY AREA .... تپه ماهور
HINTERLAND .... پسکرانه
HISTORY .... تاریخ
HOAR FROST .... پشم ــ سرما ریزه ــ بشک
HOLOCENE .... هولوسن

G

GALAXIES .... کهکشانه ــ برون کهکشان‌ها
GALAXY .... کاهنگان ــ آسمان دره
GALE .... تند باد
GALENA .... سنگ گالن
GALLERY FOREST .... تالار جنگلی
GALLON .... گالون
GALL'S STEREOGRAPHIC PROJECTION .... سیستم تصویر استرئوگرافیک گال
GANGUE .... هرزه سنگ
GAP .... تنگ
GAS .... گاز
GEANTICLINE .... تاقزمین ــ طاقزمین
GELIVURE .... یخشکافت
GEMINI .... دو پیکر ــ جوزا
GENERAL GRAVITATION .... جاذبه عمومی
GENERAL SELECTIONS .... انتخابات عمومی
GEOANTICLINE .... تاقزمین ــ طاقزمین
GEOBOTANY .... جغرافیای گیاهی
GEOCHEMISTRY .... زمین شیمی
GEOCHRONOLOGY .... زمگاه شناسی
GEOCOSMOGONY .... کیهان شناسی زمین
GEODESIC .... ژئودزیک
GEODESY .... ژئودزی ــ زمینسنجی
GEOGRAPHICAL COORDINATES .... مختصات جغرافیائی
GEOGRAPHICAL DISCOVERIES .... اکتشافات جغرافیائی
GEOGRAPHICAL MILE .... میل جغرافیائی
GEOGRAPHICAL NORTH .... شمال جغرافیائی
GEOGRAPHISM .... جغرافیاگرائی
GEOGRAPHY .... جغرافیا (جغرافی)
GEOID .... ژئوئید ــ زمین وار
GEOLOGICAL COMPASS .... قطب نمای زمین شناسی
GEOLOGICAL PERIODS .... دوره‌های زمین شناسی
GEOLOGICAL TIMES .... ازمنه زمین شناسی
GEOLOGY .... زمین شناسی
GEOMORPHOLOGY .... زمین ریخت شناسی ــ ژئومورفولوژی
GEOPHYSICS .... ژئو فیزیک ــ زمینفیزیک
GEOPOLITICS .... ژئوپولیتیک
GEOSYNCLINE .... ناو زمین
GEYSER .... آبفشان
GEYSERITE .... آبفشانسنگ سیلیسی
GIANT MARMIT .... دیگ غول
GIANT STARS .... غولپیکران ــ ستارگان غولپیکر
GIBRALTAR .... جبل طارق
GISEMENT .... ژیزمان
GLACIATION .... یخگیری
GLACIER .... یخچال ــ یخچال‌های طبیعی
GLACIER AVALANCHE .... بهمن یخچالی
GLACIER BREEZE .... نسیم یخچالی
GLACIER CRIBBLES .... غربال‌های یخچالی
GLACIER MILL .... آسیاب یخچالی ــ سوره یخچالی
GLACIER SNOUT .... یخچالپوز
GLACIER TABLE .... میز یخچالی
GLACIOLOGY .... یخشناسی
GLADE .... روشه
GLAZED FROST .... هسر
GLOBIGERINA OOZES .... لجن‌های گلوبیژرینی
GNEISS .... گنیس ــ گنایس
GNOMONIC PROJECTION .... سیستم تصویر نومونیک
GOLD .... زر ــ طلا
GONDWANA LAND .... گندوانا
GORGE .... تنگ
GOVERNMENT .... دولت
GOVERNOR .... فرماندار
GOVERNOR GENERAL .... والی
GOVERNOR SHIP .... فرمانداری
GRABEN .... فروزمین
GRADE .... گراد
GRADIENT PRESSURE .... زینگی فشار
GRAINS .... حبوبات
GRAM .... گرم
GRANITE .... سنگ خارا ــ گرانیت
GRAPHITE .... گرافیت
GRASSLAND .... گیاهستان ــ علفزار
GRAVEL .... شن ــ رمل
GRAVEL DESERT .... بیابان سنگی
GRAVIMETRY .... ثقل سنجی ــ گرانی سنجی
GRAVITATION .... گرانش
GRAVITY .... ثقل
GRAVITY ANOMALIES .... ناهنجاری‌های ثقل
GRAVURE .... گراور
GREAT CIRCLE .... دایره عظیمه

FIREBALL ..... آذرگوی
FIRE CLAY ..... رس کوره‌ای
FIRE-DAMP ..... دم
FIRN ..... یخبرف
FIRST DAY OF A LUNAR MONTH ..... غره
FISHERY ..... شیلات
FISHES ..... ماهیان
FISSURE ..... شکاف
FISSURE ERUPTION ..... فوران تراکی ـ فوران شکافی
FIXED STARS ..... ستارگان ثابت
FLAG ..... پرچم
FLASH FLOOD ..... سیل ناگهانی
FLAX ..... کتان
FLINT ..... سنگ چخماق ـ آتشزنه
FLOE ..... تخته یخ
FLOOD ..... سیل ـ طغیان آب
FLOOD CONTROL ..... سیل بندی
FLOOD PLAIN ..... دشت سیلابی ـ جلگه سیلابی
FLOOD TIDE ..... کشند سیل
FLOOD-WATER ..... لور
FLORA ..... گیا
FLOTSAM ..... کالای آب آورده
FLOW ..... روانش
FLUORITE ..... فلوئوریت
FLUVIOGLACIAL ..... یخاب فرسائی
FLUX ..... شار
FLYSCH ..... فلیش
FOCUS ..... کانون
FOG ..... مه
FOG-BOW ..... مهکمان ـ طیف کوهستان
FOHN ..... گرمباد ـ برف خوره
FOLD ..... چین ـ تاخوردگی
FOOT ..... پا ـ فوت
FOOT HILL ..... پای کوه
FOOT WALL ..... کمر پائین
FORD ..... گدار ـ پایاب
FORECAST ..... پیش بینی
FORE DUNE ..... تلماسه ساحلی
FOREIGN CURRENCY ..... ارز
FORESHORE ..... پیشکرانه
FOREST ..... جنگل
FORESTRY ..... جنگلبانی (جنگلداری)
FORMATION ..... سازند
FORT ..... دیوه ـ دز ـ قلعه ـ حصار
FOSSE ..... خندق
FOSSIL ..... سنگواره ـ فسیل
FOSSIL WATER ..... آب سنگواره‌ای
FOUCAULT'S PENDULUM ..... آونگ فوکو
FOUR ELEMENTS ..... چهار عنصر
FOWL ..... ماکیان
FRACTIONAL CRYSTALLIZATION ..... تبلور تدریجی
FRACTIONAL DISTILLATION ..... تقطیر تدریجی
FRAUNHOFER LINES ..... خطوط فراوسهوفر
FRAZIL ..... یخ اسفنجی
FREE FALLING ..... سقوط آزاد
FREE PORT ..... بندر آزاد
FREESTONE ..... نرمه سنگ
FREE TRADE ..... تجارت آزاد ـ بازرگانی آزاد
FREE WAY ..... آزاد راه
FREEZING-POINT ..... نقطه انجماد
FREEZING SOLIDIFICATION ..... انجماد
FRESHET ..... سیلاب
FRIABLE ..... نرمه
FRIGID CLIMATE ..... آب و هوای قطبی ـ اقلیم منجمده
FRIGID ZONE ..... منطقه منجمده
FRINGING REEF ..... آبسنگ پشته‌ای
FRONT ..... جبهه
FRONTAL FOG ..... مه جبهه‌ای
FRONTIER ..... نوار مرزی
FROST ..... یخبندان ـ بشمه
FROSTBITE ..... سرمازدگی
FROST BOUNDARY ..... مرز یخبندان
FROST BURN ..... یخ سوز
FROST HEAVING ..... پفیدن
FRUIT BELT ..... کمربند میوه
FUELLING STATION ..... ایستگاه سوختگیری
FULL MOON ..... بدر ـ ماه شب چهارده
FUMAROLE ..... دودخان

EUCALYPTUS .... اکالیپتوس
EURASIA .... اوراسیا
EUROPE .... اروپا ــ فرنگ
EUROPIAN MONTHES .... ماههای اروپائی
EVAPORATION .... تبخیر
EVAPORIMETER .... تبخیر سنج
EVAPOTRANSPIRATION .... نمکاهی
EVENING STAR .... ستاره شامگاهی
EVENING TWILIGHT .... شفق
EVENTIDE .... شامگاه
EVEREST .... اورست
EVERGLADE .... بیشه آبگیر
EVOLUTION .... تکامل
EVORSION .... آبغرسائی ــ آبسائی
EXARATION .... یخسایی ــ یخفرسائی
EXCLAVE .... برونبوم
EXECUTIVE POWER .... قوه مجریه
EXFOLIATION .... رویه‌سائی
EXHUMATION .... زدایش
EXOBIOLOGY .... زیست شناسی کیهانی
EXOGAMY .... برونگانی
EXOGENETIC .... برون زائی
EXOSPHERE .... برون اسپهر ــ برونکره
EXPANSION .... انبساط
EXPANSIONAL UNIVERSE .... جهان انبساطی
EXPANSION OF UNIVERSE .... انبساط جهان
EXPLORATION .... کاوش
EXPORTS .... صادرات
EXTENSIVE AGRICULTURE .... کشاورزی مکانیزه
EXTINCT VOLCANO .... آتشفشان مرده
EXTRAGALACTIC NEBULA .... سحابی برون کهکشانی
EXTRAPOLATION .... برونیابی
EXTRATERRITORIAL .... برونمرزی
EXTREME CLIMATE .... آب و هوای افراطی ــ اقلیم افراطی
EXTREMES OF TEMPERATURE .... افراط دما
EXTREME SUBPOLAR CLIMATE اقلیم نیمه قطبی انتهائی
EXTRUSION .... برون افکنی
EXTRUSION FLOW OF ICE .... برون رانی یخ
EXTRUSIVE ROCKS .... سنگ‌های خروجی

F

FACET .... تراش
FACIES .... رخساره
FAHRENHEIT .... درجه فارنهایت ــ فارنهایت
FAIR .... بازار مکاره
FAIRWAY .... ناو رو
FALLING STAR .... شهاب ثاقب ــ تیر شهاب ــ نیزک
FALLOW .... آیش
FALSE ORIGIN .... مبداء مختصات
FAMILY .... خانواده
FAN-FOLDING .... چین بادزنی
FAR EAST .... شرق دور ــ خاور دور ــ شرق اقصی
FARM .... کشتزار ــ کشتمان ــ مزرعه
FARMER .... دهقان
FAST-ICE .... یخ سراسری
FATHOM .... فاتوم
FATHOMETER .... ژرفاسنج
FAULT .... گسله
FAULT-LINE SCARP .... پرتگاه گسلشی
FAULT PLANE .... سطح گسلش
FAULT-SPRING .... چشمه گسلشی
FAUNA .... زیا
FEATURE .... عارضه
FEBRUARY .... فوریه
FEDERATION .... فدراسیون ــ دولت فدرال
FELDSPATH .... فلدسپات
FEN .... لشاب
FENLAND .... لشابزار
FEODALISM .... فئودالیسم
FERREL'S LAW .... قانون فرل
FERROMAGNESIAN MINERAL .... کانه فرو منیزیم
FERTILE CRESCENT .... هلال خصیب
FERTILITY RATIO .... نسبت باروری
FERTILIZER .... کود
FETID WATER .... گنداب ــ پارگین
FIELD DENSITY .... شدت میدان
FIELD WATCHMAN .... دشتبان
FINENESS .... عیار
FINGER LAKE .... دریاچه انگشتی
FIORD .... آبدره ــ یخکند

EASTERLY .... شرق وزان ــ باد شرق وزان
EASTERN HEMISPHERE .... نیمکره خاوری ــ مشرق زمین
EASTING .... طول خاوری
EBB CHANNEL .... پس نشینی
EBB TIDE .... پسکشند
EBONY .... آبنوس
EBOULIS .... کهریز
EBOULIS CONE .... مخروط کهریز
EBULLITION .... علیان
ECHO .... پژواک
ECHO-SOUNDER .... اکوساندر
ECKERT PROJECTION .... سیستم تصویر اکرت
ECLIPSE .... گرفت
ECLIPSE OF THE MOON .. خسوف ــ مهگرفت ــ ماه گرفت
ECLIPSE OF THE SUN .... کسوف ــ خور گرفت
ECLIPSES OF THE JUPITER MOONS گرفت اقمار مشتری
ECLIPTIC .... دایره البروج
ECOLOGY .... بومشناسی
ECONOMIC GEOGRAPHY .... جغرافیای اقتصادی
ECONOMIC IMPERIALISM ...... توسعه جوئی اقتصادی
ECONOMY .... کد آمائی ــ اقتصاد
EFFLUENT .... سر ریزه
EFFONDREMENT .... رمبش
ELASTICITY .... کشسانی
E-LAYER .... لایه E
ELBE GLACIATION .... یخبندان الب
ELECTROLYTE .... الکترولیت
ELECTROLYZE .... الکترولیز
ELECTROMAGNETIC WAVES .... امواج الکترومغناطیسی
ELEMENT .... عنصر
ELEVATION .... فرازا
ELLIPSOID .... بیضوی
ELLIPSOID OF REFERENCE .... بیضوی مقایسه
ELLIPSOID OF THE EARTH .... بیضوی زمین
ELLIPTICAL GALAXIES .... کهکشانه‌های بیضوی
ELUVIONS .... نارفت
EMERALD .... زمرد
EMIGRANT .... مهاجر
EMIGRATION .... مهاجرت
EMPIRE .... امپراطوری
ENDOGAMY .... درونگانی
ENDOGENETIC .... درونزائی
ENERGY .... انرژی
ENGLACIAL RIVER .... یخاب
ENTREPOT .... کالنبار
EOCENE .... ائوسن
EOLITH .... اسکنه سنگی
EPEIROGENESIS .... خشکیزائی
EPEIROGENESIS MOTIONS .... حرکات خشکیزائی
EPHEMERIES .... زیج
EPICENTER .... مرکز زمین لرزه
EPIDEMIC .... همه گیر
EPIGENE .... رویه زایی
EPOCH .... دور
EQUAL-AREA PROJECTION..... سیستم تصویر هم پهنه
EQUALITY OF RIGHTS .... برابری حقوق
EQUATION OF TIME .... تعدیل زمان
EQUATOR .... نیمگان زمین ــ استواء زمین ــ خط استواء
EQUATORIAL .... استوائی
EQUATORIAL CLIMATE اقلیم نیمگانی-آب و هوای استوائی
EQUATORIAL CURRENTS .... جریان‌های استوائی
EQUATORIAL RAIN FORESTS .... جنگلهای استوائی
EQUATORIAL STORMS .... توفان‌های استوائی
EQUATORIAL SYSTEM ...... سیستم مختصات استوائی
EQUATORIAL ZONE .... منطقه استوائی
EQUILIBRIUM .... ترازمندی
EQUILIBRIUM SPHEROID .... شبه کره ترازمند
EQUILIBRIUM THEORY .... فرضیه ترازمندی
EQUINOCTIAL GALE .... تند بادهای برابرانی
EQUINOXES .... برابران ــ اعتدالین
ERA .... دوران ــ عهد
EROSION .... فرسایش
ERRATIC BLOCKS .... سنگهای سرگردان
ERUPTION .... فوران مواد آتشفشانی
ESCARPMENT .... تنده
ESKER .... شن ریسه
ESPINAL .... خارزار
ESTATES REGISTRATION .... ثبت املاک
ESTUARY ...... مصب ــ دهانه رودخانه ــ کشندان ــ خور
ETANG .... برم ــ کول ــ تالاب ــ کولاب ــ موژ ــ ژی ــ کوله
ETHER .... اتر ــ اثیر
ETHNOGRAPHY .... نژاد نگاری
ETHNOLOGY .... نژاد شناسی

DISCORDANCE .... ناموافق
DISCORDANT COAST .... کرانه ناهمرو
DISCORDANT STREAM .... روانه ناموافق
DISCRETE SOURCE .... چشمه‌های مجزا
DISINTEGRATION COEFFICIENT .... ضریب تلاشی
DISLOCATION .... گسلش
DISPERSION DIAGRAM .... دیاگرام پراکنش
DISPLACEMENT THEORY .... فرضیه جابجائی قاره‌ها
DISSECTED PLATEAU .... فلات گسیخته
DISSECTION .... گسلش
DISTANCE .... مسافت ـ فاصله
DISTILLATION .... تقطیر
DISTRIBUTARY .... رود شاخه
DISTRICT .... بخش
DITCH .... گریسنگ ـ حفره
DIURNAL MOTION .... حرکت روزانه
DIURNAL RANGE .... برد روزانه
DIURNAL TIDE .... کشند روزانه ـ جزر و مد روزانه
DIVAGATION .... سرش
DIVIDE .... آب پخشان ـ خط‌الرأس
DOCTOR .... دکتر
DOG DAYS .... گرمروزان
DOLICHOCEPHALIC .... دراز سری
DOLINA .... دولین
DOLINE .... دولین
DOLMEN .... دولمن
DOLOMITE .... دولومیت
DOME .... گنبده
DOMINION .... دومینیون
DONGA .... سیلابکند
DORMANT VOLCANO .... آتشفشان خاموش
DOT MAP .... نقشه منقوط
DOUBLE STARS ....
ستارگان دوتائی ـ ستارگان بستائی ـ ستارگان دوگانه ـ ستارگان مضاعف ..
DOUBLE TIDE .... کشند مضاعف
DOWN STREAM .... فروداب
DRAIN .... زهاب
DRAINAGE .... زهکشی
DREDGING .... لاروبی
DRIED FRUITS .... خشکبار
DRIFT .... رانه
DRIZZLE .... نرمه باران
DROUGHT .... خشکسالی
DROVE .... راه مالرو
DROWNED VALLEY .... غرقدره
DRUMLIN .... خاگه
DRY AVALANCHE .... بهمن خشک
DRY BULB TEMPERATURE .... دمای خشک
DRY DELTA .... دلتای خشک
DRY FARMING .... دیم ـ زراعت دیم ـ کشاورزی دیم
DRY LAND .... خشکسار
DRY RIVER .... مسیل ـ آغر ـ لورکند
DRY SUMMER SUBTROPICAL CLIMATE ....
اقلیم نیمه حاره‌ای دارای تابستان خشک ....
DRY VALLEY .... خشکرود
DUMPY LEVEL .... ترازیاب ساده
DUNE .... ریگ روان ـ تلماسه
DUST .... غبار
DUST CLOUD THEORY .... نظریه غباری
DUST COUNTER .... غبارسنج
DUST DEVIL .... تنوره دیو
DUST STORM .... دیو باد ـ طوفان گرد و غبار
DUST WELL .... گرد چال
DWARF STARS .... کوتوله‌ها ـ ستارگان کوتوله
DYKE .... دیوال
DYKE SPRING .... چشمه دیوالی
DYNAMIC .... دینامیک
DYNE .... دین

E

EARTH .... ارض ـ زمین
EARTH CRUST .... قشر زمین
EARTH FLATTENING .... پختی زمین
EARTH HEMISPHERE .... نیمکره زمین
EARTH PILLAR .... گرز دیو
EARTHQUAKE .... زلزله ـ زمین لرزه ـ بومهن
EARTHQUAKE PERIOD .... دوره زمین لرزه
EARTH SCIENCES .... علوم زمین ـ دانشهای زمینی
EAST .... برآمدنگاه ـ مشرق ـ شرق ـ خاور

DAWN .... سپیده دم ـ سحرگاه ـ پیشتاب ـ پگاه
DAY .... روز
DAYLIGHT SAVING TIME زمان بهره‌گیری از روشائی روز
DAY & NIGHT .... شبانروز ـ روز و شب
DEAD GROUND .... زمین ناپیدا ـ زمین مخفی
DEAD ICE .... یخچال ایستاده
DEAD RECKONING .... ناوبری کور
DEAD VALLEY .... خشکدّره
DEATH RATE .... میزان مرگ و میر
DEBACLE .... آبساز
DEBRIS .... آوار
DECADE .... دهه
DECAMP .... کوچ
DECEMBER .... دسامبر
DECLINATION .... دکلی بزون
DEEP .... بی پایاب
DEEP FOCUS .... کانون ژرف
DEEP OCEAN .... ژرفنا
DEEP WATER .... غرقاب
DEFILE .... گریوه
DEFINITION OF BOUNDARY .... تحدید حدود
DEFLATION .... باد روبش
DEFORESTATION .... پاکسازی
DEGRADATION .... فروسائی
DEGREE .... درجه
DEHYDRATION .... پسابیدن
DELPHINUS .... دلفین
DELTA .... دلتا
DEMOCRACY .... دموکراسی
DEMOGRAPHIC COEFFICIENT .... ضریب جمعیت شناسی ـ ضریب انبوهه نگاری
DEMOGRAPHY .... جمعیت شناسی ـ انبوهه نگاری
DENDRITIC .... شجری
DENDRITIC DRAINAGE .... جویبار شجری ـ زهکشی شجری
DENDROCHRONOLOGY .... دار زمان شناسی
DENDROLOGY .... درخت شناسی ـ دارشناسی
DENSITOMETER .... چگالی سنج
DENSITY .... انبوهش ـ تراکم
DENSITY CURRENT .... جریان چگالین
DENSITY OF POPULATION .... تراکم جمعیت ـ جمعیت نسبی ـ چگالی جمعیت ـ انبوهش جمعیت
DENUDATION .... برهنگی
DEPENDENCY .... وابستگی
DEPOSITION .... نهشت
DEPRESSION .... حفره ـ گودال ـ فروبار
DESALINATION .... نمکزدائی
DESCENT .... نشیب
DESERT .... بیابان ـ کویر ـ صحرا ـ هامون ـ بیابان برهوت
DESERT PAVEMENT .... سنگفرش بیابانی
DESERT TABLE .... میز بیابان
DESERT VARNISH .... جلای بیابان
DESICCATION .... خشکی گرائی
DESILICATION .... سیلیس زدایی
DESIRABLE TEMPERATURE .... دمای مطلوب
DESTRUCTIVE WAVE .... موج ویرانگر
DETERMINISM .... جبر جغرافیائی
DETRITUS/ROCK FLOUR .... سنگ آواری
DEUTERIUM .... دوتریوم
DEVELOPMENT .... پیشرفت ـ توسعه
DEVONIAN .... دونین
DEW .... ژاله ـ شبنم
DEW POINT .... نقطه شبنم
DIABASE .... دیاباز
DIAMETER .... قطر
DIAMOND .... الماس
DIASTROPHIC FORCES .... نیروهای دگرساز
DIATOM .... دیاتومه
DIATOMACEOUS EARTH .... خاک دیاتومی
DIATOM OOZE .... لجن دیاتومی
DICTATORSHIP .... دیکتاتوری
DIFFERENTIAL ANTHROPOLOGY .... مردم شناسی نژادی
DIFFRACTION .... پاشمان
DIFFUSION .... واپاش ـ پراکنش
DIHEDRAL ANGLE .... زاویه دو سطحی
DIKE .... دیوال
DILUVIUM .... دامنرفت
DINOSAURS .... دایناسورها
DIOCESE .... اسقف نشین
DIORITE .... دیوریت
DIP .... دیپ
DIRECTION FINDING .... جهت یابی ـ سمت یابی
DISAPPEARING STREAM .... خورابه ـ گمرود
DISCHARGE OF A RIVER .... بده
DISCONTINUITY .... انفصال

CORE .... توده مرکزی زمین ــ هسته زمین
CORIOLIS FORCE .... نیروی کوریولیس
CORN .... ذرت
CORN BELT .... کمربند غله
CORN BELT CLIMATE .... اقلیم غله خیز
CORONA .... دیهیم ــ تاج خورشیدی
CORONOGRAPH .... تاجنگار
CORRASION .... کندو ساب
CORRIDOR .... دالان
COSEISMAL LINE .... خط هم لرز
COSMIC .... کیهانی
COSMIC RAYS .... اشعه کیهانی
COSMOGONY .... کیهان شناسی ــ کیهانرائی ــ جهان شناسی
COSMOGRAPHY .... کیهان نگاری
COSMOLOGY .... کیهان شناسی ــ کیهانشناخت
COSMOPOLITAN .... جهان میهنی
COSTOMS UNION .... اتحادیه گمرکی
CO-TIDAL LINE .... خط همکشند
COTTON .... پنبه
COTTON BELT .... کمربند پنبه ــ پنبه خیز
COTTON BELT CLIMATE .... اقلیم پنبه خیز
COTTON FARM .... پنبه زار
COTTONSEED .... پنبه دانه
COULOIR .... کالار
COUNTRY .... کشور
COURSE .... آبرو
COVER-CROP .... محصول رودرس
CRADLE-AREA .... مهد تمدن
CRAG .... کمر
CRATER .... دهانه آتشفشانی
CRATER LAKE .... دریاچه آذرین
CREEK .... آبنای
CREEP .... خاک لیز
CRESCENTIC DUNE .... تلماسه هلالی
CRESCENT OF THE MOON .... هلال ماه
CREST .... ستیغ
CRETACEOUS .... کرتاسه ــ آهکین
CREVASSE .... شکاف یخی ــ کافت ــ جر
CRITICAL TEMPERATURE .... دمای بحرانی
CROFT .... باغچه
CROMAGNON MAN .... انسان کرومانیون
CROSS-PROFILE OF A VALLEY .... نیمرخ عرضی دره
CROSS STAFF .... گونیای مساحی
CROSS WIND .... باد عرضی
CRUSTAL MOVEMENT .... حرکت پوسته‌ای
CRUST OF THE EARTH .... پوسته زمین
CRYOPEDOLOGY .... یخاک شناسی
CRYPTOZOIC .... نهان زیوی
CRYSTAL .... کریستال
CRYSTALLINE ROCK .... سنگ بلور لایه
CRYSTALLOPHYLLIEN .... بلور لایه
CUBIC CENTIMETER .... سانتیمتر مکعب
CUESTA .... کواستا
CULM .... خاکه زغال
CULTURAL ANTHROPOLOGY .... مردم شناسی فرهنگی
CULTURE .... فرهنگ
CUMULO DOME .... آتشفشان گنبدی
CUMULONIMBUS .... ابر کومولونیمبوس
CUMULUS .... ابر کومولوس
CURRENT .... جریان
CUSEC .... کوسک
CUSTOMS .... گمرک
CUSTOMS UNION .... اتحادیه گمرکی
CUTOFF .... میان بر
C.V.P INDEX .... شاخص سی.وی.پی
CYCLOGENESIS .... چرخه زائی
CYCLONE .... چرخه
CYCLONIC RAIN .... باران چرخه‌ای
CYGNUS .... دجاجه
CYLINDRICAL PROJECTION .... سیستم تصویر استوانه‌ای
CYMOTRICHOUS .... مو فرفری

D

DAM .... سد ــ بند
DAMPEN AVALANCHE .... بهمن مرطوب
DARCY'S LAW .... قانون دارسی
DARWINISM .... داروینیسم
DARWIN'S THEORY .... نظریه داروین
DATE TRANSFERRING .... تبدیل تاریخ
DATUM .... مبنا

COAST .... کرانه ــ ساحل ــ کناره
COASTAL PLAIN .. دشت ساحلی ــ کرانه‌دشت ــ جلگه ساحلی
COASTLINE .... خط ساحلی
COBBLESTONE .... قلوه سنگ
COEFFICIENT OF EXPANSION .... ضریب انبساط
COEXISTENCE .... همزیستی
COFFEE .... قهوه
COFFERDAM .... بستاب
COKING COAL .... زغال کوک
COLD DESERT .... کویر سرد
COLD FRONT .... جبهه سرد
COLD GLACIER .... یخچال سرد
COLD LITTORAL CLIMATE .... اقلیم ساحلی سرد
COLD MARINE CLIMATE .... اقلیم دریائی سرد
COLD POLE .... قطب سرد
COLD REGION .... سرد سیر
COLD WALL .... دیوار سرد
COLD WATER DESERT .... بیابان آب سرد
COLD WAVE .... موج سرد
COLD WIND .... زم ــ باد صرصر
COLLECTIVE FARMING .... کشاورزی اشتراکی
COLLIMATOR .... عدسی موازی ساز
COLONY .... کلنی ــ مهاجرنشین
COMET .... ستاره دنباله‌دار
COMETS ستارگان دنباله‌دار ــ دنباله‌داران ــ ذوات الاذناب
COMMENSALISM .... همکاری
COMMERCIAL GEOGRAPHY .... جغرافیای تجاری
COMMINUTION .... خرد شدگی
COMMONWEALTH .... مشترک المنافع ــ کامنولث
COMMUNISM .... کمونیسم
COMMUNITY .... جامعه
COMMUNITY SETTLLEMENTS .... جامعه‌های اشتراکی
COMPACTION .... تراکم ــ فشرش
COMPASS .... قبله‌نما
COMPASSES .... پرگار
COMPETENCE OF A STREAM .... قابلیت یک روانه
CONCORDANT COAST .... کرانه همرو ــ کرانه موافق
CONCRETION .... سنگال
CONDENSATION .... تکاثف
CONDENSATION TRAIL .... دنباله تکاثفی
CONFEDERATION .... کنفدراسیون
CONFLUENCE .... دوآب ــ پیوستگاه
CONFLUENT .... همآب
CONGLOMERATE .... جوشسنگ
CONICAL PROJECTION .... سیستم تصویر مخروطی
CONIFEROUS FORESTS .... جنگل‌های مخروطی
CONNATE WATER .... آب همزاد
CONSEQUENT RIVER .... پیرود
CONSERVATION .... حفاظت محیط زیست
CONSERVATOR .... محافظه کار
CONSTELLATION .... صورت فلکی ــ صورتهای نجومی
CONSTITUENT ASSEMBLY .... مجلس مؤسسان
CONSTITUTION .... قانون اساسی
CONSULATE .... کنسولگری
CONTINENT .... قاره ــ خشکاد
CONTINENTAL AIR MASS .... توده هوای قاره‌ای
CONTINENTAL CLIMATE .. اقلیم خشکادی ــ آب‌وهوای قاره‌ای
CONTINENTAL DRIFT .... رانه قاره‌ای ــ اشتقاق خشکی‌ها
CONTINENTAL ISLAND .... جزیره قاره‌ای
CONTINENTAL PLATFORM .... سکوی قاره‌ای
CONTINENTAL SEA .... دریای قاره‌ای
CONTINENTAL SHELF فلات قاره ــ ژرفا شیب ــ کفه دریائی
CONTINENTAL SLOPE .... سراشیب قاره‌ای
CONTOUR-INTERVAL .... فاصله منحنی‌های تراز
CONTOUR LINE .. منحنی میزان ــ منحنی تراز ــ خط تراز
CONTOUR LINES .... خطوط تراز
CONTRACTION .... انقباض
CONTRACTION THEORY .... فرضیه انقباض
CONVECTION .... فرارفت ــ همرفت ــ انتقال گرما
CONVECTION CURRENT .... جریان همرفت
CONVECTION RAIN .... باران همرفت
CONVENTION .... کنوانسیون (پیمان بین المللی)
CONVERSION THE SPHERE TO FLAT SURFACE .... تسطیح کره
CO-OPERATION .... تشریک مساعی
COPERNICUS SYSTEM .... منظومه کوپرنیک
COPPER .... مس
COPPICE .... جنگل برشی
COPSE .... جنگل برشی
CORAL .... مرجان
CORAL ISLAND .... جزیره مرجانی
CORAL MUD .... گل مرجانی ــ لجن مرجانی
CORAL REEF .... آبسنگ مرجانی
CORAL SAND .... ماسه مرجانی

CENTAUR .... قنطورس
CENTIGRADE .... سانتیگراد
CENTIGRADE SCALE .... درجه سانتیگراد
CENTIGRAMME .... سانتیگرم
CENTIMETER .... سانتیمتر
CENTRAL BUSINESS DISTRICT .... مرکز داد و ستد
CENTRAL ERUPTION .... فوران مرکزی
CENTRAL GOVERNMENT .... دولت مرکزی
CENTRALITY .... مرکزیت
CENTRALITY INDEX .... شاخص مرکزیت
CENTRALIZATION .... تمرکز
CENTRAL PLACE .... مرکز تامین نیازمندی‌ها
CENTURY .... سده ـ قرن
CEPHALIC INDEX .... درجه بندی کاسه سر ـ شاخص سر
CEPHALOMETRY .... کاسه سر سنجی
CEPHEUS .... قیفاووس
CEREALS .... غلات ـ بنشن ـ بقولات
CHAIN .... سلسله کوه ـ زنجیره ـ رشته
CHALK .... گل سفید
CHALYBEATE .... آب آهن دار
CHAMPIGNON .... قارچ بادی
CHANNEL .... میزاب ـ باب ـ تنگه
CHANNEL FLOW .... تنگاب
CHANNEL STORAGE .... سیل بند
CHARACTER .... خط
CHARCOAL .... زغال
CHART .... چارت
CHART DATUM .... مبنای عمق یابی
CHEMICAL WEATHERING .... ساینده شیمیائی
CHERNOZEM .... خاک چرنوزیوم
CHIMNEY .... دودکش
CHINA .... ماچین
CHINA CLAY .... خاک چینی
CHINOOK .... چینوک
CHLOROPHYLL .... سبزینه ـ کلروفیل
CHOROCHROMATIC MAP .... نقشه رنگارنگ
CHOROGRAPHY .... کوره نگاری
CHOROLOGY .... کوره شناسی
CHROMOSPHERE .... رنگینکره ـ فام اسپهر
CHRONOLOGY .... گاهشماری ـ سالماری
CHRONOMETER .... کرونومتر
CINDER CONE .... مخروط اخگری

CIRCLE OF LIGHT .... دایره روشنائی
CIRCUMDENUDATION .... پاییده کوه
CIRCUMEROSION .... پاییده کوه
CIRCUMFERENCE OF EARTH .... محیط کره زمین
CIRCUMPOLAR STARS ستارگان دورقطبی ـ ستارگان حول قطبی
CIRQUE .... چالان ـ چالگاه
CIRROCUMULUS .... ابر سیروکومولوس
CIRROSTRATUS .... ابر سیروستراتوس
CIRRUS .... ابر سیروس
CISTERN .... آبدان ـ آب انبار
CITIZEN .... شهروند ـ شارمند ـ متمدن
CITIZENSHIP .... تابعیت
CITRUS FRUITS .... مرکبات
CITY .... شهر
CITY STATE .... کشور شهر
CIVIL DAY .... روز معمولی ـ روز عرفی ـ شبانروز عرفی
CIVILIZATION .... تمدن
CIVIL TIME .... زمان عرفی
CIVIL YEAR .... سال عرفی ـ سال معمولی
CLASS .... رده
CLASSIFICATION .... رده بندی
CLAY .... رس ـ خاک رس ـ رست
CLAY-SLATE .... لوح رستی
CLEARING .... سترده
CLEAVAGE .... شکافت
CLIFF .... صخره ـ تندان ـ پرتگاه
CLIMATE .... اقلیم ـ آب و هوا
CLIMATIC REGION .... مناطق آب و هوائی ـ ناحیه اقلیمی
CLIMATIC ZONES .... مناطق پنجگانه
CLIMATOGRAPH .... اقلیم نگار ـ وابنگار
CLIMATOLOGY .... آب و هواشناسی
CLIMATOTHERAPY .... وابدرمانی
CLIMOGRAM .... وابنگاشت
CLINOMETER .... شیب سنج
CLOCK .... ساعت
CLOD .... کلوخ
CLOUD .... ابر ـ سحاب
CLOUDBURST .... رگبار
CLOUDINESS .... ابرآلودگی
CLUSTERS .... خوشه‌ها
COAL .... زغال سنگ
COAL GAS .... گاز چراغ ـ گاز زغال

BROCKENSPECTRE .... طیف بروکن
BRONZE AGE .... عصر برنز ـ عصر مفرغ
BROOK .... جویبار ـ جوی
BRUCKNER CYCLE .... سیکل بروکنر
B.T.U .... بی.تی.یو
BUDGET .... بودجه
BUDGET REVENUE .... درآمد بودجه
BUFFER STATE .... کشور میانگیر
BUOY .... شناوه ـ گویه
BURAN .... بوران
BURROW .... نقب
BUSH .... بوته‌زار ـ تیماس
BUTTE .... تختال
BUYSBALLOT'S LAW .... قانون بویس بالو

C

CACAO .... کاکائو
CAINOZOIC ERA .... دوران نوزیوی
CAIRN .... سنگچین ـ سنگ‌نشانه
CALCITE .... کلسیت
CALCIUM .... کلسیم
CALDERA .... کاسه آتشفشانی
CALENDAR .... تقویم ـ گاهنامه
CALMS .... آرامگان
CALMS OF CANCER .... آرامگان سرطانی
CALMS OF CAPRICORN .... آرامگان جدیی
CALORESCENCE .... گرماتابی
CALORIE .... کالری
CALVING .... یخزائی
CAMBRIAN PERIOD .... کامبرین
CANAL .... کانال ـ آبراهه ـ ترعه ـ آوره ـ قشم
CANCER .... سرطان ـ خرچنگ
CANE-BRAKE .... نیزار
CANNABIS .... کنف
CANOPUS .... ستاره سهیل
CANYON .... کانیون
CAPACITY .... ظرفیت
CAPE .... دماغه ـ رأس
CAPELLA .... عیّوق
CAPILLARITY .... موئینگی
CAPITAL .... پایتخت
CAPITALISM .... سرمایه داری ـ کاپیتالیسم
CAPITULATION .... کاپیتولاسیون
CAPRICORN .... جدی
CAP ROCK .... پوشسنگ
CARAT .... قیراط
CARAVANSARY .... کاروانسرا
CARBON .... کربن
CARBON CYCLE .... حلقه کربن
CARBON DIOXIDE .... گاز کربنیک ـ دی اکسید کربن
CARBONIFEROUS PERIOD کربونیفر ـ دوره زغالینه ـ زغالینه
CARDINAL POINTS .... جهات اربعه ـ جهات اصلی ـ جهات چهارگانه ـ چهارجهت اصلی
CARTESIAN .... کارترین
CARTOGRAPHY .... کارتوگرافی ـ نقشه نگاری
CASCADE .... شرشره
CASSIOPEIA .... ذات الکرسی
CASTE .... فرقه
CATASTROPHISM .... کاتاستروفیسم
CATCHMENT AREA .... آبریز
CATHETOMETER .... بالاسنج
CAUSALITY .... علیت
CAVE .... غار ـ زاغه
CAVE DWELLER .... غارنشین
CAVERN .... غار
CAVIARE .... خاویار
CELESTIAL AXIS .... محور عالم
CELESTIAL EQUATOR .... نیمگان عالم ـ استواء عالم ـ معدل النهار
CELESTIAL HORIZON .... افق عالم
CELESTIAL MERIDIAN .... نصف النهار عالم
CELESTIAL POLES .... قطبین عالم
CELESTIAL SPHERE .... کره آسمان ـ کره عالم ـ کره سماوی ـ کره فلکی
CELL .... یاخته
CELLAR .... سرداب
CELSIUS SCALE .... درجه سلسیوس
CEMENT .... سیمان
CENSUS .... سرشماری

BANK .... سکو
BAR .... بار ــ بنداب
BARELY .... جو
BARITE .... باریت
BARKHAN .... برخان
BAROGRAPH .... فشار نگار
BAROMETER .... بارومتر ــ فشار سنج ــ هوا سنج
BAROMETERIC PRESSURE .... فشار هوا ــ فشار جو
BARREL .... بشکه ــ چلیک
BARREN .... لم یزرع ــ مجداب
BARRIER REEF .... سد آبسنگی
BARYSPHERE .... درون اسپهر
BASALT .... سیاه سنگ ــ بازالت
BASAL WRECK .... کاسه آتشفشانی
BASCULE .... باسکول
BASE LEVEL .... تهتراز
BASIN .... آبگیر ــ حوضه
BASTION .... باستیون
BATHOLITH .... باتولیت ــ ژرفسنگ
BATHYAL ZONE .... ژرفین
BATHYMETRY .... ژرفاسنجی ــ عمق سنجی
BATHYSPHERE .... سنگین اسپهر ــ سنگینکره
BAY .... خلیج
BEACH .... دریا کنار
BEARING .... سویه ــ بیرینگ
BEAUFORT SCALE .... طبقه‌بندی بوفورت ــ درجه‌بندی باد
BED .... بستر
BEDDING PLANE .... بستره
BED ROCK .... سنگبستر
BEETROOT .... چغندر
BELT .... منطقه
BENCH MARK .... بنچ مارک ــ انگپایه
BENELUX .... بنلوکس
BENTHOLOGY .... بناب زی‌شناسی
BENTHOS .... بن زی
BENZINE .... بنزین
BERBERS .... بربرها
BILL .... منقار
BINARY STARS .... ستارگان دوتائی ــ ستارگان مزدوج
BIOCLIMATOLOGY .... زی واب شناسی ــ اقلیم شناسی زیستی
BIOECOLOGY .... زیست بوم شناسی
BIOGEOGRAPHY .... گیتاشناسی زیستی ــ جغرافیای زیستی
BIOLOGY .... زیست شناسی
BIOMETRY .... زیستسنجی
BIOPHYSICS .... زیستفیزیک
BIOSPHERE .... زیست اسپهر ــ زیستکره
BIRDS .... پرندگان
BIRTH PLACE .... زادبوم
BIRTH RATE .... میزان تولد
BITTER LAKE .... تلخاب
BITTERN .... تلخاب
BITUMINOUS COAL .... زغال قیری
BLACK EARTH .... سیا خاک
BLACK TENT .... سیاه چادر
BLIND VALLEY .... کور دره
BLIZZARD .... دمه ــ توفان برف
BLOOD RAIN .... باران سرخ
BLOW-HOLE .... دیگ جن
BLUE MUD .... گل کبود
BLUFF .... بریدگی
BODE .... بود
BODE'S LAW .... قانون بود
BOG .... خلاش
BOGAZ .... بغاز
BOILING POINT .... نقطه جوش ــ نقطه غلیان
BOLID .... آذرگوی
BOLOMETER .... تابشسنج
BONNE'S PROJECTION .... سیستم تصویر بون (بن)
BOOTES .... عوّاء
BORDER .... مرز ــ سرحد
BORE .... اشترک
BOROUGH .... قصبه
BOTANY .... گیاه شناسی
BOULDER .... گرداله
BOULDER CLAY .... یخنهشت
BOURNE .... دزده رود
BRACHYCEPHALIC .... پهن سری
BREAKER .... شکن
BREAKWATER .... موج شکن
BREEZE .... نسیم
BRIDGE .... پل
BROAD .... پهناب

AQUAFER	آبزا ـ آبده
AQUARIUS	دلو
AQUEDUCT	آباره ـ آب بر
AQUIFER LEVELS	سطوح آبدار
ARAB	عرب
ARABIC GUM	صمغ عربی
ARAB LEAGUE.	اتحادیه عرب
ARABLE LAND	زمین کشتنی ـ زمین قابل کشت
ARC	قوس ـ کمان
ARCHAEOLOGY	باستان شناسی
ARCHAEOZOIC ERA	دوران پارین زیوی
ARCHER	قوس
ARCHIPELAGO	مجمع الجزایر
ARCTIC	شمالگان
ARCTIC AREAS	نواحی شمالگان
ARCTIC CIRCLE	مدار قطبی شمال ـ مدار شمالگان
ARCTIC OCEAN	اقیانوس منجمد شمالی ـ اقیانوس شمالگان
ARE	آر
ARETE	تیزه
ARGILLITE	آرژیلیت
ARGON	آرگون
ARID	کماب
ARIES	حمل
ARMILLARY SPHERE	ذات الحلق
ARTESIAN WELL	چاه آرتزین ـ چاه جهنده
ARTIFICIAL FEATURE	عارضه مصنوعی
ARTIFICIAL RAIN	باران مصنوعی
ASBESTOS	پنبه کوهی
ASH CONE	مخروط خاکستر
ASIA	آسیا
ASIA MINOR	آسیای صغیر
ASTERODIS	سیارکان ـ ستاره دیس
ASTROABE	اسطرلاب
ASTROMETRY	ستاره سنجی
ASTRONOMICAL COORDINATES	مختصات نجومی
ASTRONOMICAL HORIZON	افق نجومی
ASTRONOMICAL LATITUDE	عرض نجومی
ASTRONOMICAL LONGITUDE	طول نجومی
ASTRONOMICAL TRIANGLE	مثلث نجومی
ASTRONOMICAL UNIT	واحد نجومی
ASTRONOMY	نجوم ـ هیئت ـ ستاره شناسی
ATLANTIC OCEAN	اقیانوس اطلس
ATLANTIDE	آتلانتید
ATLAS	اطلس
ATMOSPHERE	جو ـ اتمسفر ـ آتمسفر
ATMOSPHERE LAYERS	لایه‌های جو
ATMOSPHERICAL UNIT	واحد فشار جو
ATMOSPHERIC DUST	غبار جوی
ATMOSPHERIC PRESSURE	فشار جو ـ فشار هوا
ATMOSPHERIC REERACTION	شکست جوی ـ انکسار جوی
ATOLL	آبسنگ حلقوی ـ آتول
ATOM	اتم
ATOMIC ENERGY	انرژی اتمی
ATOMIC HEAT	حرارت اتمی
ATTRACTION	جاذبه
AUGUST	اوت
AURORA	سپیده قطبی ـ سپیده جوی ـ شفق جوی ـ شفق قطبی
AURORA AUSTRALIS	فجر جنوبی ـ سپیده جنوبی ـ شفق جنوبی
AURORA BOREALIS	فجر شمالی ـ سپیده شمالی ـ شفق شمالی
AUSTRALIA	استرالیا (اقیانوسیه)
AUTOBAHN	شاهراه
AUTONOMY	خودمختاری
AUTUMN	پائیز
AUTUMNAL EQUINOX	برابران پائیزی ـ اعتدال پائیزی ـ اعتدال خریفی
AVALANCHE	بهمن
AVALANCHE CONE	مخروط بهمن
AVALANCHE WIND	باد بهمن
AVEN	چاهک
AVESTAIAN CALENDAR	تقویم اوستائی
AXIS	محور
AXIS OF THE EARTH	محور زمین
AYLUL	ایلول
AZIMUTH	ازیموت ـ گرای
AZIMUTHAL PROJECTION	سیستم تصویر سمت الراسی

B

BACKING	واگشت
BACTERIA	باکتری‌ها
BADLANDS	بدبوم
BALLOON SONDE	بالون هواشناسی

AIRSICKNESS .... هوازدگی
AITOFF'S PROJECTION .... سیستم تصویر آیتوف
ALBEDO .... ضریب بازتاب
ALDEBARAN .... دبران ــ الدبران
ALFALFA .... یونجه
ALFA NUMERIC NET .... شبکه الفبا شماری
ALGAE .... جلبک
ALIDADE .... آلیداد
ALKALI .... قلیا
ALKALI FLAT .... کفه قلیائی
ALKALINE EARTH .... خاک‌های قلیائی
ALKALINE ROCKS .... سنگهای قلیائی
ALLEY .... کوچه
ALLIES .... متفقین
ALLOTROPY .... دگروارگی
ALLUVIAL CONE .... پنجه آبرفتی
ALLUVIAL FAN .... پنجه آبرفتی
ALLUVIAL PLAIN .... جلگه آبرفتی ــ دشت آبرفتی
ALLUVIAL TERRACE .... تختان آبرفتی
ALLUVIUM .... آبرفت
ALP .... آلپ
ALPHABET .... الفبا
ALTAIR .... نسر طایر
ALTIMETER .... ارتفاع سنج ــ فرازایاب ــ اوجنما
ALTITUDE .... ارتفاع
ALTOCUMULUS .... ابر آلتوکومولوس
ALTOSTRATUS .... ابر آلتواستراتوس
ALUMINIUM .... آلومینیوم
AMAZON .... آمازون
AMBASSADOR .... سفیر
AMBER .... کهربا
AMERICA .... امریکا
AMMONIA .... آمونیاک
AMPHIBIANS .... دوزیستان
AMPHIBOLE .... آمفیبول
ANABATIC .... فرارو
ANABATIC WIND .... باد فرارو
ANALYSIS OF SPECTRUM .... تجزیه طیفی
ANARCHY .... آنارشی
ANCHORAGE .... لنگرگاه
ANEMOGRAM .... باد نگاشت
ANEMOGRAPH .... باد نگار
ANEMOMETER .... بادسنج
ANGLE .... زاویه
ANGLE OF INCIDENCE .... زاویه تابش
ANGLICAN .... انگلیکان
ANGULAR DIAMETER .... قطر زاویه‌ای
ANGULAR DISTANCE .... فاصله زاویه‌ای
ANIMAL .... جانور ــ حیوان
ANNUAL MOTION OF THE EARTH ....
حرکت انتقالی زمین ــ گردش سالیانه زمین ....
ANNULAR ECLIPSE .... کسوف حلقوی ــ خورگرفت حلقوی
ANOMALISTIC YEAR .... سال انحرافی
ANTARCTIC .... جنوبگان
ANTARCTICA .... قاره جنوبگان
ANTARCTIC AREAS .... نواحی جنوبگان
ANTARCTIC CIRCLE .... مدار قطبی جنوب ــ مدار جنوبگان
ANTARCTIC OCEAN ....
اقیانوس منجمد جنوبی ــ اقیانوس جنوبگان ....
ANTARES .... قلب العقرب
ANTECEDENT RIVER .... پیشینرود
ANTHRACITE .... آنتراسیت
ANTHROPOGENESIS .... مردم زادش
ANTHROPOGEOGRAPHY گیتاشناسی مردمی-جغرافیای انسانی
ANTHROPOLOGY .... مردمشناسی
ANTHROPOZOIC PERIOD .... آدم زیوی
ANTICLINE .... تاقدیس
ANTICLINORIUM .... تاقدیس شکنجی
ANTICYCLONE .... واچرخه
ANTIFREEZING SOLUTION .... ضد یخ
ANTIPODES .... پادپا
ANTI TRADE WINDS .... بادهای واسامان
APARTHEID .... برتری نژادی
APATITE .... آپاتیت
APHELION .... افلیون
APOGEE .... اوج
APPARENT DIAMETER .... قطر ظاهری
APPARENT MAGNITUDE .... قدر ظاهری
APPARENT MOTION .... حرکت ظاهری
APPARENT PATH OF THE SUN ....
مدار حرکت ظاهری خورشید ....
APPARENT SOLAR TIME .... زمان خورشیدی ظاهری
APPARENT TIME .... زمان ظاهری
APRIL .... آوریل

واژه‌نامه

انگلیسی به فارسی

A

ABERRATION .... کجنمائی
ABERRATION OF LIGHT .... کجنمائی نور
ABLATION .... فرساب ــ سایش
ABORIGINES .... بومیان اصلی
ABRASION .... شست و ساب
ABRASION PLATFORM .... ایوان شست و سابی
ABSOLUTE DROUGHT .... خشکسالی مطلق
ABSOLUTE HUMIDITY .... رطوبت مطلق
ABSOLUTE MAGNITUDE .... قدر مطلق
ABSOLUTE TEMPERATURE .... دمای مطلق
ABSOLUTE ZERO .... صفر مطلق
ABSORPTION .... جذب
ABSTRACTION .... ربایش
ABYSS .... مغاک
ABYSSAL .... مغاکی
ABYSSAL DEPOSITS .... نهشت‌های مغاکی
ABYSSAL FLOOR .... کف مغاکی
ACCELERATION OF GRAVITY .... شتاب ثقل
ACCESSIBILITY .... دسترسی
ACCLIMATION .... سازش
ACCORDANT DRAINAGE .... زهکشی جور
ACCORDANT JUNCTION .... برخورد جور
ACCORDANT SUMMIT LEVELS .... ستیغ های جور
ACCUMULATION MOUNTAIN .... کوه انباشتی
ACIDITY OF THE SOIL .... ترشی خاک
ACID LAVA .... گدازه اسیدی
ACID ROCK .... سنگ اسیدی
ACRE .... جریب
ACROPOLIS .... اکروپل
ACTINOMETER .... اکتینومتر
ACTIVE LAYER .... لایه فعال
ACTIVITY RATE .... درچند کارآئی ــ نسبت کارآئی
ACTUAL ISOTHERM .... خط همدمای حقیقی
ADAM .... آدم
ADIABATIC .... ناگذار
ADMINISTRATIVE DIVISIONS .... تقسیمات کشوری
ADOBE .... خشت
ADRET .... دامنه برفگیر
ADVANCED-DUNE .... پیش تلماسه
ADVECTION .... پهنرفت
ADVECTION FOG .... مه پهنرفتی
AEOLIAN .... بادی
AERIAL PHOTOGRAPH .... عکس هوائی
AERIAL PHOTOGRAPHY .... عکاسی هوائی
AEROBIC .... هوازی
AERODYNAMIC .... آئرودینامیک
AEROGRAPHY .... هوانگاری
AEROLITE .... سنگ آسمانی ــ آئرولیت
AEROLOGY .... جوشناسی
AEROSPHERE .... وای اسپهر
AFFLUENT .... ریزابه
AFFORESTATION .... جنگلکاری
AFGHAN .... افغان
AFGHANS .... افاغنه
AFRICA .... افریقا
AFRICAN TORNADO .... توفان پیچنده افریقائی
AFTER GLOW .... پستاب
AFTERSHOCK .... پسلرزه
AGE .... عصر
AGE DISTRIBUTION .... توزیع سنّی
AGE OF THE EARTH .... عمر زمین
AGE-PYRAMID .... هرم سنی
AGGLOMERATE .... جوش آتشفشانی
AGGLOMERATION .... انباشتگی
AGGRADATION .... برنهاد
AGONIC LINE .... خط آگونیک ــ خط بی انحراف
AGRICULTURAL CLIMATOLOGY .... اقلیم شناسی کشاورزی
AGRICULTURAL REGION .... منطقه کشاورزی
AGRICULTURE .... کشاورزی ــ زراعت
AIR .... هوا
AIR CORRIDOR .... دالان هوائی
AIR GLOW .... فروزه ــ هواتاب
AIR MASS .... توده هوا
AIR-METER .... هواسنج
AIRPORT .... فرودگاه

فهرست منابع و مآخذ

فارسی و انگلیسی

آب شناسی : نویسنده دکتر محمد رضا غفوری و دکتر رضا مرتضوی ، چاپ دوم ، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، خرداد ماه ۱۳۶۳ .

آب و هوای کرهٔ زمین : ترجمه دکتر هوشنگ قائمی ، انتشارات مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی ، جلد اول ، مناطق استوایی و جنب استوایی ، ۱۳۶۲ .

آتشفشان شناسی : نویسنده علی درویش‌زاده، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۶۰.

از جهان‌های دور : نویسنده برونو بورگل ، ترجمه کاظم انصاری .

انبساط جهان : نویسنده استیون واینبرگ ، ترجمه محمد رضا خواجه پور ، ناشر دانش امروز ، سال ۱۳۶۲.

انسان در نبرد با طبیعت (مجموعهٔ مقاله‌ها) : نویسنده دکتر عبدالکریم قریب .

پدیده‌های شگفت انگیز در آسمان و زمین : نویسنده و. مزنتسف ، ترجمه دکتر عبدالکریم قریب ، انتشارات هدهد ، سال ۱۳۶۰ .

تعاریف و مختصات نجومی : ترجمه مهندس عباس جعفری ، سازمان جغرافیائی کشور ، ۱۳۴۸ .

جغرافیای آب‌ها : نویسنده دکتر جمشید جداری عیوضی ، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ .

جغرافیای خاک‌ها : نویسنده دکتر پرویز کردوانی ، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ سوم ، آذر ماه ۱۳۶۴ .

جغرافیای دیرینه : نویسنده دکتر خدیجه اسدیان ، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، شهریور ماه ۱۳۵۶ .

جغرافیای مفصل ایران : نویسنده دکتر ربیع بدیعی ، انتشارات اقبال ، سال ۱۳۶۲ .

دایره المعارف فارسی (جلدهای ۱ و ۲): به‌سرپرستی غلامحسین مصاحب، موسسهٔ انتشارات فرانکلین، سال ۱۳۵۶.
رده‌بندی مودال سنگهای آذرین: نویسنده دکتر سیروس زرعیان، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۴۶.
رسوب شناسی: نویسنده دکتر احمد معتمد، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۸.
زمین: نویسنده عباس جعفری، موسسهٔ انتشارات گیتاشناسی، تیر ماه ۱۳۶۱.
زمین شناسی: نویسنده حسین معماریان، محمود صداقت، علی بابا چهرازی، ۱۳۶۳.
زمین شناسی عمومی: نویسنده سیروس شفیقی، حسن مدنی، انتشارات پلی تکنیک تهران.
ستاره‌ها: نویسنده هربرت زیم، رابرت بیکر، ترجمه محمد حیدری ملایری، انتشارات انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی، تهران ۱۳۵۶.
شناخت پیکر زمین: نویسنده دکتر محمود حریریان، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، چاپ دوم، مهرماه ۱۳۴۸.
شناخت مقدماتی ستارگان: ترجمه و اقتباس از توفیق حیدرزاده، موسسهٔ انتشارات گیتاشناسی، آذرماه ۱۳۶۰.
صنعت چاپ: نویسنده سرتیپ هوشنگ دانشور، انتشارات سازمان جغرافیائی کشور، چاپ یکم، سال ۱۳۵۱.
فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی: نویسنده توماس سووه، ترجمه خلیل ملکی، انتشارات رواق، چاپ دوم، تابستان ۵۸.
فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی: نویسنده احمد آرام، صفی اصفیاء، حسین گل گلاب، غلامحسین مصاحب، مصطفی مقربی، تهران، آذر ۱۳۳۸.
فرهنگ جغرافیائی: نویسنده مهدی مومنی نجف آبادی آبان ماه ۱۳۵۹.
فرهنگ عمید: نویسنده حسن عمید، سازمان انتشارات جاویدان، آذرماه ۱۳۴۶.
فرهنگ فارسی ۶ جلدی: نویسنده دکتر محمد معین، موسسهٔ انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۰.
فرهنگ کامل انگلیسی فارسی: نویسنده دکتر عباس آریانپور کاشانی، موسسهٔ انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
فرهنگ کوچک فارسی ــ انگلیسی: نویسنده سلیمان حییم، چاپ سوم، ۱۳۵۴.
فرهنگ گیتاشناسی (اصطلاحات جغرافیائی): گردآوری و ترجمه عباس جعفری، موسسهٔ انتشارات گیتاشناسی، چاپ دوم، دی ماه ۱۳۶۳.
کارتوگرافی: نویسنده سرلشگر هوشنگ دانشور، انتشارات سازمان جغرافیائی کشور، تهران سال ۱۳۵۶.
گردش زمان: نویسنده ایساک آزیموف، ترجمه حسین وحداندوست.
گیتاشناسی کشورها: موسسهٔ انتشارات گیتاشناسی، تیر ماه ۱۳۶۲.
مبانی زمین شناسی: نویسنده اوبروچف ترجمه دکتر عبدالکریم قریب، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۵۸.
مبانی نجوم: نویسنده اتو استروو، ترجمه دکتر حسین زمردیان، دکتر بهروز حاجبی، موسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۵۸.
مبانی هواشناسی: نویسنده دکتر هوشنگ قائمی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، مهر ماه ۱۳۵۷.
منظومه‌ی شمسی و بالعکس: نویسنده آیزاک آزیموف، ترجمه کلود کرباسی، انتشارات جانزاده.
نام دانش‌ها و فن‌ها و هنرها: نویسنده جوزف .ت .تیکو سایز، ترجمه احمد آرام.
نجوم به زبان ساده: نویسنده مایر دگانی، ترجمه محمد رضا حیدری خواجه پور، موسسهٔ انتشارات گیتاشناسی، مهرماه ۱۳۶۳.
نقشه خوانی گیتاشناسی: نویسند مهندس عباس جعفری، موسسهٔ انتشارات گیتاشناسی، فروردین ماه ۱۳۶۳.
یک، دو، سه، بی نهایت: نویسنده ژرژ گاموف، ترجمه احمد بیرشک، موسسهٔ انتشارات فرانکلین، چاپ ششم ۱۳۵۷.

A DICTIONARY OF GEOGRAPHY, F.J. Monkhouse Edward Arnold Ltd.,1970.
A DICTIONARY OF GEOGRAPHY, W.G. Moore, W. & J. Mackay & Co Ltd.,-1975.
ATLAS OF MEDIEVAL EUROPE, Donald Matthew Equinox(Oxford) Ltd.,1983.
ATLAS OF THE OCEANS, Alastair Couper Times Books., 1983.
ATLAS OF THE OCEANS, Mitchell Beazley Publishers Ltd.,1977.
ATLAS TWO, Wm,Collins Sons & Co Ltd., 1977.
ATMOSPHERE,WEATHER & CLIMATE, R.G.Barry & R.J. Chorley, Methuen & Co Ltd.,1976.
BASIC GEOGRAPHY, D.C. Money University Tutorial Press Ltd., 1976.
CARTOGRAPHIC METHODS, G.R.P. Lawrence Methuen & Co Ltd.,1971.
CAXTON ATLAS OF THE EARTH, Jane Olliver Grisewood & Dempsey Ltd., 1978.
CONCISE GEOGRAPHY 1 PHYSICAL, Bernard Kennedy,Patrick Ryan The - Educational Company., 1976.
DER FISCHER WELT ALMANACH, Gustav Fochler-Hauke Fischer Taschenbuch Verlag 1985.
EARTH, Frank Press, Raymond Siever,W.H. Freeman & Company 1982.
ENCYCLOPEDIA OF THE EARTH, R.Bradshaw, M.Sc. & Mary M. Owen, The Hamlyn Publishing Group Ltd., 1961.
GEOGRAPHY,Gordon Manley, L.T.A Robinson Ltd., 1961.
GEOLOGY, Ira S. Allison, Donald F. Plamer, Mc Graw Hill, Inc., 1980.
GEOLOGY, Robert E. Boyer & P.B. Snyder, Hubbard Scientific Company. 1972.
GEOLOGY, William H. Matthews, William Heinemann Ltd., 1983.
GROUDWORK PHYSICAL GEOGRAPHY, Jackson & Penn, George Philip & Son Ltd., 1980.
IRAN THE FUTURE ON THE PLATEAU, Giovanni De Agostini, Printed,Sagdos 1976.
JOY OF THE NATURE, Reader's Digest Association Ltd., 1978.
LANDS AND PEOPLES, Volume 3 Grolier Incorporated 1983.
LA TERRE CETTE INCONNUE, Rhodes, W. Fairbridge Selection du Reader's Digest., 1975.
LONGMAN DICTIONARY OF GEOGRAPHY, Audrey N. Clark, Geographical Pub - lications Ltd 1985.
MAP PROJECTIONS, George P.Kellaway Methuen & Co. Ltd., 1970.
MAPS, T.W. Birch, Malta, Oxford University Press 1964.
MERVEILLES NATURELLES DU MONDE, Selection du Reader's Digest 1978.
MIND ALIVE ENCYCLOPEDIA OF THE WORLD, Marshall Cavendish Ltd.,1973.

MODERN PHYSICAL GEOGRAPHY 2ED, Arthur N.Strahler, Alan H. Strahler, John Wiley & Sons 1978.

NEW CONCISE ATLAS OF THE UNIVERSE, Patrick Moore, Mitchell Beazley Publishers Ltd., 1974.

OUR UNIVERSE, Roy A. Gallant National Geographic Society 1980.

OUR WORLD, Charles O. Hyman, National Geographic Society., 1980.

PHYSICAL GEOGRAPHY, Arthur N. Strahler, John Wiley & Sons 1975.

PHYSICAL GEOGRAPHY TODAY, Robert A. Muller, CRM Books 1974.

PIONEER ODYSSEY, Richard O. Fimmel, National Aeronautics And Space Administration 1977.

SCANNING THE SKIES, Sky Publishing Corporation 1980.

SECRETS OF THE SKY, Guido Ruggieri Hamlyn Publishing Group Ltd.,-1969.

THE ATLAS OF THE SOLAR SYSTEM, Patrick Moore & Garry Hunt Mitchell Beazley Publishers 1983.

THE DESERT, John Cloudsley - Thompson, Orbis Publishing Ltd., London 1977.

THE EARTH'S SURFACE, D.C. Money Evans Brothers Ltd., 1977.

THE ELEMENTS OF GEOGRAPHY IN COLOUR, Dobson & Virgo, Fletcher & Son Ltd., 1974.

THE MATHEMATICS OF SPACE EXPLORATION, Myrl H. Ahrendt. Holt, Rineh-art and Winston INC. 1965.

THE NEW ENCYCLOPEDIA OF WORLD GEOGRAPHY, Emerys Jones, Octopus Books Ltd., 1978.

THE WORLD ALMANAC, Hana Umlauf Lane, Newspaper Enterprise Associat-ion 1985.

TURQUIE, IRAN, YEMEN, Bernard Joliat, Nathan Panoramic 1976.

UNIVERSAL ATLAS, George Philip & Son Ltd. 1981.

VOLCANOES, A. & L.Rittmann Istituto Geografico de Agostini 1976.

WESTERN EUROPE IN MAPS, R. Knowles - P.W.E.S Towe, Longman Group Ltd 1982.

WHITAKER'S ALMANACK, Joseph Whitaker, J. Whitaker & Sons., Ltd 1986.

WONDERS OF THE EARTH, Ernst Bauer, Collins Publishers, 1973.

Farhang-e-Bozorg-e-Gitashenassi

A Dictionary of Geography



Persian to Persian
Persian to English
English to Persian

By: A. Ja'fari

ISBN 964-6241-08-5

شابک ۵-۰۸-۶۲۴۱-۹۶۴

Designed and Published by:

"GITA SHENASI"